بازخوانی تحولات تاریخی و اعتقادی

امامت

و واژگان مرتبط

(امام، خلیفه، ولی، وصی، حجت، وارث، امیر، وزیر)

حیدر عظفری

مجمع جهانی شیعه شناسی

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مشخصات کتاب

سرشناسه : مظفری ورسی، حیدر، 1346 -

عنوان و نام پدیدآور : بازخوانی تحولات اعتقادی و تاریخی امامت و واژگان مرتبط (امام،خلیفه،ولی،وصی،حجت،وارث،امیر،وزیر) [کتاب]/حیدر مظفری ورسی.

مشخصات نشر : قم: مجمع جهانی شیعه شناسی، 1390.

مشخصات ظاهری : 329ص.

شابک : 978-600-6164-28-1

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : امامت -- تاریخ

موضوع : خلافت -- تاریخ

موضوع : امامت -- دیدگاه اهل سنت

موضوع : خلافت -- نظر اهل سنت

شناسه افزوده : مجمع جهانی شیعه شناسی

رده بندی کنگره : BP223/م58ب2 1390

رده بندی دیویی : 297/45

شماره کتابشناسی ملی : 2404331

ص: 1

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اشاره

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مجمع جهانی شیعه شناسی

قم-45 متری عمار یاسر-پلاک 90-ص پ 644-37158 تلفن: 7713773-7756092 / دورنگار: 7713774

شناسنامه کتاب

نام کتاب:---- بازخوانی تحولات امامت

مؤلف:---------- حیدرمظفری

ناشر---------- انتشارات آشیانه مهر

ویراستاری علمی: سید محمد علی محمودیان

صفحه آرایی: علی اکبر رشیدی گلروئیه

حروفچینی: مهدی لطفی مرام

تنظیم و طرح روی جلد: علی اکبر رشیدی گلروئیه

نوبت چاپ: اول/1390

چاپ: گلها

شمارگان: 3000

قیمت (گالینگور): ------ 14000 تومان

قیمت (شومیز): --------- 10800 تومان

شابک: ---------- 978-600-6164-28-1

کلیه حقوق این اثر متعلق به مجمع جهانی شیعه شناسی است.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فهرست

مقدمه 15

پیشگفتار 19

فصل یکم واژگان امام و امامت 21

کاربرد واژه امام در قرآن 23

واژگان «امام» و «امامت» در روایات 30

روایات دسته اول 30

امامان الاهی و غیر الاهی 36

معنا شناسی امام و امامت 41

مفهوم لغوی امام 41

مفهوم «امام» و «امامت» در اصطلاح 45

الف - دانشمندان شیعی 46

ب - دانشمندان اهل سنت 49

جامعیت و مانعیت این تعریف ها 51

تبیین مفاهیم مشترک 53

روش شناسی متکلمان در تعریف امامت 55

نگرشی بر تفاوت تعریف کلامی امام و نبی 57

تفاوت و تشابه امامت و نبوت 61

تبیین تفاوت ها در تعریف های کلامی شیعه و سنی 63

الف - تطبیق میان حقیقت امامت و تعریف آن نزد اهل سنت 63

1 - لزوم تعیین و مشروعیت امام 64

2 - فرع انگاری امامت 67

3 - شرایط و اوصاف امام 70

4 - وجوب اطاعت از امام 72

بازخوانی تعریف امامت و تبیین تفاوت ها 76

1 - ریاست عامه 77

2 - نقض ولایت عامه با ولایت اهل حل و عقد 78

3 - وجوب اطاعت از غیر معصوم 79

نگاهی بر آنچه گذشت 83

ب - تطبیق میان حقیقت امامت و تعریف آن نزد امامیه 84

1 - ضرورت وجود امام 85

2 - چگونگی تعیین امام 86

تبیین قاعده لطف در الاهی بودن تعیین امام 87

3 - جایگاه اعتقادی امامت 89

4 - شرایط و اوصاف امام 92

الف - عصمت 93

ب - اعلمیت 95

ج - افضلیت 97

بازخوانی تعریف امامت و تبیین تفاوت ها 99

لحاظ نشدن هویت الاهی امامت در تعریف 100
تعریف پسین امامت با رویکرد الاهی 104
تحلیلی از تاثیرات بیرونی در تعریف مشهور امامیه 108
الف - تضاد های مذهبی 111
ب - تنش های سیاسی 114
تعریف امامت در روایات 116
نگرشی بر مصداق شناسی امام در روایات 120
فصل دوم واژگان خلیفه و خلافت 127
واژه ی «خلیفه» در قرآن 130
الف - شواهدی از آیات دسته یکم 130
ب - نمونه ای از آیات دسته دوم 133
کاربرد واژه خلیفه در روایات 139
ویژگی های حدیث اثنا عشر و خلفا 144
واژه یابی خلیفه و خلافت در لغت 147
خلیفه و خلافت در اصطلاح متکلمان 149
نسبت بین واژگان «امامت» و «خلافت» 155
نگاهی بر آنچه گذشت 157
تعریف خلافت با رویکرد الاهی 159
نگاهی تطبیقی میان مفهوم و مصداق خلیفه نزد شیعه و سنی 162
الف - مصادیق خلفای اثناعشر در اندیشه شیعی 163

نگرشی بر دلایل شیعه بر این مدعا 165

1 - آیات 166

2 - روایات 167

ب - مصداق شناسی خلفای اثنی عشر نزد اهل سنت 174

نقدی بر اندیشه مصداق انگاری اهل سنت 178

جایگاه اطاعت از خلفا نزد اهل سنت 182

روایات معارض 185

تحلیلی بر آنچه گذشت 187

بازخوانی تحول تاریخی مفهوم خلافت در عرف سیاسی و اعتقادی مسلمانان 188

تحول مفهوم خلافت در حیات تاریخی تشیع 189

پیدایش اعتقاد به مفهوم و مصداق خلفای اثنا عشر 194

تحول تاریخی مفهوم خلافت در نزد اهل سنت 200

بررسی نقش عناصر فرهنگی و سیاسی در تحول مفهوم خلافت 211

فصل سوم واژگان ولی و ولایت 217

ولی و ولایت و مولا در قرآن 220

مفهوم ولی در آیه ولایت 224

مصداق شناسی 227

وجه دلالت آیه ولایت بر ولایت علی 229

ولی و ولایت در روایات 230

معنا شناسی ولی و ولایت در لغت 233
مفهوم و مصداق ولی و ولایت در اندیشه اسلامی 236
ولی و ولایت در اندیشه اهل سنت 237
مفهوم و مصداق ولی و ولایت در اندیشه امامیه 243
بازخوانی تفاوت دو اندیشه 251
رهیافتی بر مفهوم و مصداق ولی و ولایت در روایات 253
منشا شناسی مشروعیت ولایت ولی در روایات 260
واژه مولا 262
فصل چهارم واژگان وصی و وصایت 271
کاربرد مفهومی و مصداقی وصی و وصایت در قرآن 274
دسته یکم: وصیت در امور مالی 274
دسته دوم - وصیت در امور اخلاقی و رفتار با دیگران 275
دسته سوم - توصیه به دین و محافظت از آن 277
مفهوم وصی و وصایت در روایات 282
جایگاه تشریعی وصایت در روایات 283
واژگان وصی و وصایت در لغت 286
مفهوم شناسی وصی و وصایت در اصطلاح 288
وصی و وصایت در اندیشه اهل سنت 290
دلیل انکار وصیت پیامبر9 نزد اهل سنت 293
1 - رضایت علی به خلافت دیگران 293

رهیافتی بر بی پایگی این ادعا 295
2 - روایت عایشه 299
3 - آخرین گفتار عمر 300
بررسی نا سازگاری ها 303
الف - روایات تعارض گونه عایشه 303
ب - روایات معارض دیگر 308
نگاهی بر آنچه گذشت 312
ضرورت وصی و وصایت دراندیشه شیعی 317
مصداق شناسی وصی در اندیشه شیعی 320
خاستگاه مشروعیت وصی در اندیشه شیعی 323
الف - دلیل عقلی بر ضرورت وصایت از باب لطف 323
ب - روایات تشریع وصایت 326
مصداق شناسی وصی در روایات 329
الف - روایات وصایت بلافصل امام علی7 330
روایات وصایت بقیه اوصیا 335
رهیافتی بر جایگاه مردمی وصی و وصایت 341
فصل پنجم واژگان حجت و حجیت 345
حجت و حجیت در قرآن 348
جایگاه مفهوم و مصداق حجت در روایات 354
مفهوم حجت در لغت 360

حجت در اصطلاح 361
ضرورت حجت در اندیشه دانشمندان اسلامی 365
جایگاه ابلاغ و تفهیم حجت بر مردم 370
مصداق حجت در اندیشه دانشمندان اسلامی 374
الف - مصادیق مشترک حجت در نزد شیعه و سنی 374
ب - رهیافتی بر مصادیق اختصاصی حجت 380
مصداق حجت در اندیشه اهل سنت 380
1 - حجیت مقامی و معرفتی اصحاب 381
تبیین ادله اهل سنت بر حجیت صحابه 385
ادله حجیت صحابه در آیات قرآن 386
پی آمدهای مقام حجیت صحابه 393
1 - نقد ناپذیر بودن صحابه 393
2 - حجیت کردار و گفتار صحابه 394
بازخوانی و نقد اندیشه حجیت صحابه 395
1 - تفاوت برداشت ها و شأن نزول ها 396
2 - تفاوت ها و تعارضات با دیگر آیات قرآن 400
الف - دو چهرگان منافق 400
ب - بیمار دلان و شکاکان در دین 402
ج - اسلام آورندگان غیر مؤمن 406
د - فاسقان و بداندیشان 407

ه- - آزار دهندگان به پیامبر 410
و - رو آوران به سوی ارتداد 412
ز - خیانت پیشگان 414
ادله حجیت صحابه در روایات 417
روایت یکم: نهی از دشمنی با اصحاب 418
روایت دوم: نهی از توهین به اصحاب 419
روایت سوم: اصحاب، ستارگان هدایت 420
روایت چهارم: جلوگیری اصحاب از فساد در دین 421
روایت پنجم: برتر بودن امت زمان پیامبر 421
بازاندیشی سند ودلالت این روایات 423
گفتار یکم - سند روایات 424
گفتار دوم: دلالت احادیث حجیت صحابه 430
گفتار سوم:روایات معارض 435
گفتار چهارم: تعارض با سیره صحابه 438
مبنای حجیت سلاطین و پادشاهان در اندیشه اهل سنت 443
تحلیل و نقدی بر این نظریه 449
مصداق شناسی حجت در اندیشه شیعی 455
مصداق شناسی حجت در روایات 458
حجت های پیوسته 463
فصل ششم واژگان وارث و وراثت 469

وارث و وراثت در قرآن کریم 472
ضرورت وراثت نبی در روایات 477
وارث و وراثت در لغت 481
وارث و وراثت در اصطلاح 482
مصداق شناسی وارث رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایات 486
خاستگاه مشروعیت وراثت نبوت 495
وراثت امام علی7 پس از پیامبر در اندیشه اسلامی 499
ماهیت شناسی میراث پیامبر 507
1 - آثار انبیای پیشین 508
2 - آثار و یادگاری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزد ائمه: 511
فلسفه مواریث انبیا 515
فصل هفتم واژگان امیر و امارت 519
مفهوم شناسی امیر و امارت 522
مفهوم لغوی 523
امیر و امارت در اصطلاح 525
امیر و امارت در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله 528
مصداق شناسی امیر مؤمنان در روایات 529
نگاهی به پیوست های آنچه گذشت 535
الف - امیرالمؤمنین لقب اختصاصی امام علی7 535
ب - پیوستگی میان امارت و رسالت 538

مبنا شناسی مشروعیت امارت امیر 541
الف - مبنای مشروعیت امارت امیر در نگاه اهل سنت 541
ب - مبنای مشروعیت امارت امیر در اندیشه شیعی 544
مشروعیت امارت امیرالمؤمنین در روایات 547
خبر از امیران ستم پیشه و گمراه گر 550
نگاهی به جریان امارت پس از رسول خدا9 555
رهیافتی بر کاربرد واژگان امیرالمؤمنین در عصر خلفا 561
احتجاج علی7 و یارانش با واژگان امیرالمؤمنین 566
فصل هشتم واژگان وزیر و وزارت 573
مفهوم وزیر و وزارت در لغت 576
مفهوم اصطلاحی واژگان وزیر و وزرات 579
وزیر و وزارت در قرآن 582
رهیافتی بر اهداف کاربردی وزارت هارون 586
پیوستگی میان وزارت علی7 و هارون 589
نگاهی به پیوند ها و اشتراکات وزارت علی7 و هارون 592
الف - اشتراک در مبانی انتخاب و مشروعیت الاهی 593
ب - اشتراک در اهداف اجرایی 598
پیشینه شناسی اعلام وزارت علی در روایات 604
اندیشه اثباتی و انکاری دانشمندان اسلامی در تداوم وزارت علی7 612
الف - انکار تداوم و بقای وزارت علی7 612

ب- اثبات تداوم وزارت امیرالمؤمنین7 616

1- روایات تداوم وزارت 616

2- تداوم وزارت علی در اندیشه دانشمندان شیعی 620

مفهوم وزیر و وزارت در سقیفه 624

تحریف در روایات وزارت 626

احتجاج امیرالمؤمنین7 و یارانش به روایات وزارت 629

فصل نه-م نگاهی به جریان خانه نشینی امیرالمؤمنین7 و شکیبایی آن حضرت 635

تصویری از رخداد انحراف از خلافت امیرالمؤمنین7 639

نشست اعتراض آمیز علی7 و خشونت حکومتیان 643

بهانه های مخالفان در کنار گذاشتن علی7 647

الف - جوان بودن 647

ب - ریاست طلبی 650

ج - شوخ طبعی 651

ارزیابی افکارعمومی نسبت به امیر المؤمنین7 652

الف - طرفداران علی7 653

ب - بی تفاوت ها 658

ج - دشمنان دیرینه علی7 659

علل دشمنی با علی7 664

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله 665

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین7 667

موضع شکیبانه علی7 در برابر دشمنان 668

علل سکوت علی7 672

1 - سفارش پیامبر9 672

2 - مصلحت اسلام 675

3 - حفظ جان خود و یاران 678

فریادهای خاموش 679

منابع 683

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

3 - وجوب اطاعت از غیر معصوم 79
نگاهی بر آنچه گذشت 83
ب - تطبیق میان حقیقت امامت و تعریف آن نزد امامیه 84
1 - ضرورت وجود امام 85
2 - چگونگی تعیین امام 86
تبیین قاعده لطف در الاهی بودن تعیین امام 87
3 - جایگاه اعتقادی امامت 89
4 - شرایط و اوصاف امام 92
الف - عصمت 93
ب - اعلمیت 95
ج - افضلیت 97
بازخوانی تعریف امامت و تبیین تفاوت ها 99
لحاظ نشدن هویت الاهی امامت در تعریف 100
تعریف پسین امامت با رویکرد الاهی 104
تحلیلی از تاثیرات بیرونی در تعریف مشهور امامیه 108
الف - تضاد های مذهبی 111
ب - تنش های سیاسی 114
تعریف امامت در روایات 116
نگرشی بر مصداق شناسی امام در روایات 120

فصل دوم واژگان خلیفه و خلافت 127

واژه ی «خلیفه» در قرآن 130

الف - شواهدی از آیات دسته یکم 130

ب - نمونه ای از آیات دسته دوم 133

کاربرد واژه خلیفه در روایات 139

ویژگی های حدیث اثنا عشر و خلفا 144

واژه یابی خلیفه و خلافت در لغت 147

خلیفه و خلافت در اصطلاح متکلمان 149

نسبت بین واژگان «امامت» و «خلافت» 155

نگاهی بر آنچه گذشت 157

تعریف خلافت با رویکرد الاهی 159

نگاهی تطبیقی میان مفهوم و مصداق خلیفه نزد شیعه و سنی 162

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الف - مصادیق خلفای اثناعشر در اندیشه شیعی 163

نگرشی بر دلایل شیعه بر این مدعا 165

1 - آیات 166

2 - روایات 167

ب - مصداق شناسی خلفای اثنی عشر نزد اهل سنت 174

نقدی بر اندیشه مصداق انگاری اهل سنت 178

جایگاه اطاعت از خلفا نزد اهل سنت 182

روایات معارض 185

تحلیلی بر آنچه گذشت 187

بازخوانی تحول تاریخی مفهوم خلافت در عرف سیاسی و اعتقادی مسلمانان 188

تحول مفهوم خلافت در حیات تاریخی تشیع 189

پیدایش اعتقاد به مفهوم و مصداق خلفای اثنا عشر 194

تحول تاریخی مفهوم خلافت در نزد اهل سنت 200

بررسی نقش عناصر فرهنگی و سیاسی در تحول مفهوم خلافت 211

فصل سوم واژگان ولی و ولایت 217

ولی و ولایت و مولا در قرآن 220

مفهوم ولی در آیه ولایت 224

مصداق شناسی 227

وجه دلالت آیه ولایت بر ولایت علی 229

ولی و ولایت در روایات 230

معنا شناسی ولی و ولایت در لغت 233

مفهوم و مصداق ولی و ولایت در اندیشه اسلامی 236

ولی و ولایت در اندیشه اهل سنت 237

مفهوم و مصداق ولی و ولایت در اندیشه امامیه 243

بازخوانی تفاوت دو اندیشه 251

رهیافتی بر مفهوم و مصداق ولی و ولایت در روایات 253

منشا شناسی مشروعیت ولایت ولی در روایات 260

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

منشا شناسی مشروعیت ولایت ولی در روایات 260
واژه مولا 262
فصل چهارم واژگان وصی و وصایت 271
کاربرد مفهومی و مصداقی وصی و وصایت در قرآن 274
دسته یکم: وصیت در امور مالی 274
دسته دوم - وصیت در امور اخلاقی و رفتار با دیگران 275
دسته سوم - توصیه به دین و محافظت از آن 277
مفهوم وصی و وصایت در روایات 282
جایگاه تشریعی وصایت در روایات 283
واژگان وصی و وصایت در لغت 286
مفهوم شناسی وصی و وصایت در اصطلاح 288
وصی و وصایت در اندیشه اهل سنت 290
دلیل انکار وصیت پیامبر9 نزد اهل سنت 293
1 - رضایت علی به خلافت دیگران 293
رهیافتی بر بی پایگی این ادعا 295
2 - روایت عایشه 299
3 - آخرین گفتار عمر 300
بررسی نا سازگاری ها 303
الف - روایات تعارض گونه عایشه 303

ب - روایات معارض دیگر 308

نگاهی بر آنچه گذشت 312

ضرورت وصی و وصایت دراندیشه شیعی 317

مصداق شناسی وصی در اندیشه شیعی 320

خاستگاه مشروعیت وصی در اندیشه شیعی 323

الف - دلیل عقلی بر ضرورت وصایت از باب لطف 323

ب - روایات تشریع وصایت 326

مصداق شناسی وصی در روایات 329

الف - روایات وصایت بلافصل امام علی7 330

روایات وصایت بقیه اوصیا 335

رهیافتی بر جایگاه مردمی وصی و وصایت 341

فصل پنجم واژگان حجت و حجیت 345

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حجت و حجیت در قرآن 348
جایگاه مفهوم و مصداق حجت در روایات 354
مفهوم حجت در لغت 360
حجت در اصطلاح 361
ضرورت حجت در اندیشه دانشمندان اسلامی 365
جایگاه ابلاغ و تفهیم حجت بر مردم 370
مصداق حجت در اندیشه دانشمندان اسلامی 374
الف - مصادیق مشترک حجت در نزد شیعه و سنی 374
ب - رهیافتی بر مصادیق اختصاصی حجت 380
مصداق حجت در اندیشه اهل سنت 380
1 - حجیت مقامی و معرفتی اصحاب 381
تبیین ادله اهل سنت بر حجیت صحابه 385
ادله حجیت صحابه در آیات قرآن 386
پی آمدهای مقام حجیت صحابه 393
1 - نقد ناپذیر بودن صحابه 393
2 - حجیت کردار و گفتار صحابه 394
بازخوانی و نقد اندیشه حجیت صحابه 395
1 - تفاوت برداشت ها و شأن نزول ها 396
2 - تفاوت ها و تعارضات با دیگر آیات قرآن 400

الف - دو چهرگان منافق 400

ب - بیمار دلان و شکاکان در دین 402

ج - اسلام آورندگان غیر مؤمن 406

د - فاسقان و بداندیشان 407

ه- - آزار دهندگان به پیامبر 410

و - رو آوران به سوی ارتداد 412

ز - خیانت پیشگان 414

ادله حجیت صحابه در روایات 417

روایت یکم: نهی از دشمنی با اصحاب 418

روایت دوم: نهی از توهین به اصحاب 419

روایت سوم: اصحاب، ستارگان هدایت 420

روایت چهارم: جلوگیری اصحاب از فساد در دین 421

روایت پنجم: برتر بودن امت زمان پیامبر 421

بازاندیشی سند ودلالت این روایات 423

ص: 11

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

گفتار یکم - سند روایات 424
گفتار دوم: دلالت احادیث حجیت صحابه 430
گفتار سوم:روایات معارض 435
گفتار چهارم: تعارض با سیره صحابه 438
مبنای حجیت سلاطین و پادشاهان در اندیشه اهل سنت 443
تحلیل و نقدی بر این نظریه 449
مصداق شناسی حجت در اندیشه شیعی 455
مصداق شناسی حجت در روایات 458
حجت های پیوسته 463
فصل ششم واژگان وارث و وراثت 469
وارث و وراثت در قرآن کریم 472
ضرورت وراثت نبی در روایات 477
وارث و وراثت در لغت 481
وارث و وراثت در اصطلاح 482
مصداق شناسی وارث رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایات 486
خاستگاه مشروعیت وراثت نبوت 495
وراثت امام علی7 پس از پیامبر در اندیشه اسلامی 499
ماهیت شناسی میراث پیامبر 507
1 - آثار انبیای پیشین 508

2 - آثار و یادگاری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزد ائمه: 511

فلسفه مواریث انبیا 515

فصل هفتم واژگان امیر و امارت 519

مفهوم شناسی امیر و امارت 522

مفهوم لغوی 523

امیر و امارت در اصطلاح 525

امیر و امارت در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله 528

مصداق شناسی امیر مؤمنان در روایات 529

نگاهی به پیوست های آنچه گذشت 535

الف - امیرالمؤمنین لقب اختصاصی امام علی7 535

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ب - پیوستگی میان امارت و رسالت 538
مبنا شناسی مشروعیت امارت امیر 541
الف - مبنای مشروعیت امارت امیر در نگاه اهل سنت 541
ب - مبنای مشروعیت امارت امیر در اندیشه شیعی 544
مشروعیت امارت امیرالمؤمنین در روایات 547
خبر از امیران ستم پیشه و گمراه گر 550
نگاهی به جریان امارت پس از رسول خدا9 555
رهیافتی بر کاربرد واژگان امیرالمؤمنین در عصر خلفا 561
احتجاج علی7 و یارانش با واژگان امیرالمؤمنین 566
فصل هشتم واژگان وزیر و وزارت 573
مفهوم وزیر و وزارت در لغت 576
مفهوم اصطلاحی واژگان وزیر و وزرات 579
وزیر و وزارت در قرآن 582
رهیافتی بر اهداف کاربردی وزارت هارون 586
پیوستگی میان وزارت علی7 و هارون 589
نگاهی به پیوند ها و اشتراکات وزارت علی7 و هارون 592
الف - اشتراک در مبانی انتخاب و مشروعیت الاهی 593
ب - اشتراک در اهداف اجرایی 598
پیشینه شناسی اعلام وزارت علی در روایات 604

اندیشه اثباتی و انکاری دانشمندان اسلامی در تداوم وزارت علی7 612

الف - انکار تداوم و بقای وزارت علی7 612

ب- اثبات تداوم وزارت امیرالمؤمنین7 616

1- روایات تداوم وزارت 616

2- تداوم وزارت علی در اندیشه دانشمندان شیعی 620

مفهوم وزیر و وزارت در سقیفه 624

تحریف در روایات وزارت 626

احتجاج امیرالمؤمنین7 و یارانش به روایات وزارت 629

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مقدمه 15

پیشگفتار 19

فصل یکم واژگان امام و امامت 21

کاربرد واژه امام در قرآن 23

واژگان «امام» و «امامت» در روایات 30

روایات دسته اول 30

امامان الاهی و غیر الاهی 36

معنا شناسی امام و امامت 41

مفهوم لغوی امام 41

مفهوم «امام» و «امامت» در اصطلاح 45

الف - دانشمندان شیعی 46

ب - دانشمندان اهل سنت 49

جامعیت و مانعیت این تعریف ها 51

تبیین مفاهیم مشترک 53

روش شناسی متکلمان در تعریف امامت 55

نگرشی بر تفاوت تعریف کلامی امام و نبی 57

تفاوت و تشابه امامت و نبوت 61

تبیین تفاوت ها در تعریف های کلامی شیعه و سنی 63

الف - تطبیق میان حقیقت امامت و تعریف آن نزد اهل سنت 63

1 - لزوم تعیین و مشروعیت امام 64

2 - فرع انگاری امامت 67

3 - شرایط و اوصاف امام 70

4 - وجوب اطاعت از امام 72

بازخوانی تعریف امامت و تبیین تفاوت ها 76

1 - ریاست عامه 77

2 - نقض ولایت عامه با ولایت اهل حل و عقد 78

3 - وجوب اطاعت از غیر معصوم 79

نگاهی بر آنچه گذشت 83

ب - تطبیق میان حقیقت امامت و تعریف آن نزد امامیه 84

1 - ضرورت وجود امام 85

2 - چگونگی تعیین امام 86

تبیین قاعده لطف در الاهی بودن تعیین امام 87

3 - جایگاه اعتقادی امامت 89

4 - شرایط و اوصاف امام 92

الف - عصمت 93

ب - اعلمیت 95

ج - افضلیت 97

بازخوانی تعریف امامت و تبیین تفاوت ها 99

لحاظ نشدن هویت الاهی امامت در تعریف 100

تعریف پسین امامت با رویکرد الاهی 104
تحلیلی از تاثیرات بیرونی در تعریف مشهور امامیه 108
الف - تضاد های مذهبی 111
ب - تنش های سیاسی 114
تعریف امامت در روایات 116
نگرشی بر مصداق شناسی امام در روایات 120
فصل دوم واژگان خلیفه و خلافت 127
واژه ی «خلیفه» در قرآن 130
الف - شواهدی از آیات دسته یکم 130
ب - نمونه ای از آیات دسته دوم 133
کاربرد واژه خلیفه در روایات 139
ویژگی های حدیث اثنا عشر و خلفا 144
واژه یابی خلیفه و خلافت در لغت 147
خلیفه و خلافت در اصطلاح متکلمان 149
نسبت بین واژگان «امامت» و «خلافت» 155
نگاهی بر آنچه گذشت 157
تعریف خلافت با رویکرد الاهی 159
نگاهی تطبیقی میان مفهوم و مصداق خلیفه نزد شیعه و سنی 162
الف - مصادیق خلفای اثناعشر در اندیشه شیعی 163
نگرشی بر دلایل شیعه بر این مدعا 165

1 - آیات 166

2 - روایات 167

ب - مصداق شناسی خلفای اثنی عشر نزد اهل سنت 174

نقدی بر اندیشه مصداق انگاری اهل سنت 178

جایگاه اطاعت از خلفا نزد اهل سنت 182

روایات معارض 185

تحلیلی بر آنچه گذشت 187

بازخوانی تحول تاریخی مفهوم خلافت در عرف سیاسی و اعتقادی مسلمانان 188

تحول مفهوم خلافت در حیات تاریخی تشیع 189

پیدایش اعتقاد به مفهوم و مصداق خلفای اثنا عشر 194

تحول تاریخی مفهوم خلافت در نزد اهل سنت 200

بررسی نقش عناصر فرهنگی و سیاسی در تحول مفهوم خلافت 211

فصل سوم واژگان ولی و ولایت 217

ولی و ولایت و مولا در قرآن 220

مفهوم ولی در آیه ولایت 224

مصداق شناسی 227

وجه دلالت آیه ولایت بر ولایت علی 229

ولی و ولایت در روایات 230

معنا شناسی ولی و ولایت در لغت 233

مفهوم و مصداق ولی و ولایت در اندیشه اسلامی 236
ولی و ولایت در اندیشه اهل سنت 237
مفهوم و مصداق ولی و ولایت در اندیشه امامیه 243
بازخوانی تفاوت دو اندیشه 251
رهیافتی بر مفهوم و مصداق ولی و ولایت در روایات 253
منشا شناسی مشروعیت ولایت ولی در روایات 260
واژه مولا 262
فصل چهارم واژگان وصی و وصایت 271
کاربرد مفهومی و مصداقی وصی و وصایت در قرآن 274
دسته یکم: وصیت در امور مالی 274
دسته دوم - وصیت در امور اخلاقی و رفتار با دیگران 275
دسته سوم - توصیه به دین و محافظت از آن 277
مفهوم وصی و وصایت در روایات 282
جایگاه تشریعی وصایت در روایات 283
واژگان وصی و وصایت در لغت 286
مفهوم شناسی وصی و وصایت در اصطلاح 288
وصی و وصایت در اندیشه اهل سنت 290
دلیل انکار وصیت پیامبر9 نزد اهل سنت 293
1 - رضایت علی به خلافت دیگران 293
رهیافتی بر بی پایگی این ادعا 295

2 - روایت عایشه 299
3 - آخرین گفتار عمر 300
بررسی نا سازگاری ها 303
الف - روایات تعارض گونه عایشه 303
ب - روایات معارض دیگر 308
نگاهی بر آنچه گذشت 312
ضرورت وصی و وصایت دراندیشه شیعی 317
مصداق شناسی وصی در اندیشه شیعی 320
خاستگاه مشروعیت وصی در اندیشه شیعی 323
الف - دلیل عقلی بر ضرورت وصایت از باب لطف 323
ب - روایات تشریع وصایت 326
مصداق شناسی وصی در روایات 329
الف - روایات وصایت بلافصل امام علی7 330
روایات وصایت بقیه اوصیا 335
رهیافتی بر جایگاه مردمی وصی و وصایت 341
فصل پنجم واژگان حجت و حجیت 345
حجت و حجیت در قرآن 348
جایگاه مفهوم و مصداق حجت در روایات 354
مفهوم حجت در لغت 360
حجت در اصطلاح 361

ضرورت حجت در اندیشه دانشمندان اسلامی 365
جایگاه ابلاغ و تفهیم حجت بر مردم 370
مصداق حجت در اندیشه دانشمندان اسلامی 374
الف - مصادیق مشترک حجت در نزد شیعه و سنی 374
ب - رهیافتی بر مصادیق اختصاصی حجت 380
مصداق حجت در اندیشه اهل سنت 380
1 - حجیت مقامی و معرفتی اصحاب 381
تبیین ادله اهل سنت بر حجیت صحابه 385
ادله حجیت صحابه در آیات قرآن 386
پی آمدهای مقام حجیت صحابه 393
1 - نقد ناپذیر بودن صحابه 393
2 - حجیت کردار و گفتار صحابه 394
بازخوانی و نقد اندیشه حجیت صحابه 395
1 - تفاوت برداشت ها و شأن نزول ها 396
2 - تفاوت ها و تعارضات با دیگر آیات قرآن 400
الف - دو چهرگان منافق 400
ب - بیمار دلان و شکاکان در دین 402
ج - اسلام آورندگان غیر مؤمن 406
د - فاسقان و بداندیشان 407
ه- - آزار دهندگان به پیامبر 410

و - رو آوران به سوی ارتداد 412
ز - خیانت پیشگان 414
ادله حجیت صحابه در روایات 417
روایت یکم: نهی از دشمنی با اصحاب 418
روایت دوم: نهی از توهین به اصحاب 419
روایت سوم: اصحاب، ستارگان هدایت 420
روایت چهارم: جلوگیری اصحاب از فساد در دین 421
روایت پنجم: برتر بودن امت زمان پیامبر 421
بازاندیشی سند ودلالت این روایات 423
گفتار یکم - سند روایات 424
گفتار دوم: دلالت احادیث حجیت صحابه 430
گفتار سوم:روایات معارض 435
گفتار چهارم: تعارض با سیره صحابه 438
مبنای حجیت سلاطین و پادشاهان در اندیشه اهل سنت 443
تحلیل و نقدی بر این نظریه 449
مصداق شناسی حجت در اندیشه شیعی 455
مصداق شناسی حجت در روایات 458
حجت های پیوسته 463
فصل ششم واژگان وارث و وراثت 469
وارث و وراثت در قرآن کریم 472

ضرورت وراثت نبی در روایات 477
وارث و وراثت در لغت 481
وارث و وراثت در اصطلاح 482
مصداق شناسی وارث رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایات 486
خاستگاه مشروعیت وراثت نبوت 495
وراثت امام علی7 پس از پیامبر در اندیشه اسلامی 499
ماهیت شناسی میراث پیامبر 507
1 - آثار انبیای پیشین 508
2 - آثار و یادگاری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزد ائمه: 511
فلسفه مواریث انبیا 515
فصل هفتم واژگان امیر و امارت 519
مفهوم شناسی امیر و امارت 522
مفهوم لغوی 523
امیر و امارت در اصطلاح 525
امیر و امارت در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله 528
مصداق شناسی امیر مؤمنان در روایات 529
نگاهی به پیوست های آنچه گذشت 535
الف - امیرالمؤمنین لقب اختصاصی امام علی7 535
ب - پیوستگی میان امارت و رسالت 538
مبنا شناسی مشروعیت امارت امیر 541

الف - مبنای مشروعیت امارت امیر در نگاه اهل سنت 541
ب - مبنای مشروعیت امارت امیر در اندیشه شیعی 544
مشروعیت امارت امیرالمؤمنین در روایات 547
خبر از امیران ستم پیشه و گمراه گر 550
نگاهی به جریان امارت پس از رسول خدا9 555
رهیافتی بر کاربرد واژگان امیرالمؤمنین در عصر خلفا 561
احتجاج علی7 و یارانش با واژگان امیرالمؤمنین 566
فصل هشتم واژگان وزیر و وزارت 573
مفهوم وزیر و وزارت در لغت 576
مفهوم اصطلاحی واژگان وزیر و وزرات 579
وزیر و وزارت در قرآن 582
رهیافتی بر اهداف کاربردی وزارت هارون 586
پیوستگی میان وزارت علی7 و هارون 589
نگاهی به پیوند ها و اشتراکات وزارت علی7 و هارون 592
الف - اشتراک در مبانی انتخاب و مشروعیت الاهی 593
ب - اشتراک در اهداف اجرایی 598
پیشینه شناسی اعلام وزارت علی در روایات 604
اندیشه اثباتی و انکاری دانشمندان اسلامی در تداوم وزارت علی7 612
الف - انکار تداوم و بقای وزارت علی7 612
ب- اثبات تداوم وزارت امیرالمؤمنین7 616

1- روایات تداوم وزارت 616

2- تداوم وزارت علی در اندیشه دانشمندان شیعی 620

مفهوم وزیر و وزارت در سقیفه 624

تحریف در روایات وزارت 626

احتجاج امیرالمؤمنین7 و یارانش به روایات وزارت 629

فصل نه-م نگاهی به جریان خانه نشینی امیرالمؤمنین7 و شکیبایی آن حضرت 635

تصویری از رخداد انحراف از خلافت امیرالمؤمنین7 639

نشست اعتراض آمیز علی7 و خشونت حکومتیان 643

بهانه های مخالفان در کنار گذاشتن علی7 647

الف - جوان بودن 647

ب - ریاست طلبی 650

ج - شوخ طبعی 651

ارزیابی افکارعمومی نسبت به امیر المؤمنین7 652

الف - طرفداران علی7 653

ب - بی تفاوت ها 658

ج - دشمنان دیرینه علی7 659

علل دشمنی با علی7 664

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله 665

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین7 667

موضع شکیبانه علی7 در برابر دشمنان 668

علل سکوت علی7 672

1 - سفارش پیامبر9 672

2 - مصلحت اسلام 675

3 - حفظ جان خود و یاران 678

فریادهای خاموش 679

منابع 683

ص: 14

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تعالی: {وَإِذِ ابْتَلَی إِبْرَاهِیمَ رَبّهُ بِکَلِمَاتٍ فَأَتَمّهُنّ قَالَ إِنّی جَاعِلُکَ لِلنّاسِ إِمَاماً قَالَ وَمِنْ ذُرّیَتِی قَالَ لاَ یَنَالُ عَهْدِی الظّالِمِینَ }(1)؛

به یاد آر هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان کرد و او همه را به جای آورد، آنگاه خداوند به او فرمود: من تو را برای مردم امام قرار دادم، ابراهیم عرض کرد: این امامت را به فرزندان من نیز عطا می فرمایی؟ فرمود: عهد من هرگز به ستمکاران نمی رسد.

امام صادق × در مورد این آیه فرموده اند: «إِنَّ اللهَ إِتَّخَذَ إبراهیمَ عَبْداً قَبْلَ أَنْ یتَّخذَهُ نَبیّاً وَاتَّخَذهُ نَبِیّاً قَبْلَ أَنْ یتَخِذَهُ رَسُولاً وَاتَّخذهُ رَسُولاً قَبْلَ اَنْ یَتَّخذَهُ خَلیلاً وَاتَّخِذَهُ خَلیلاً قَبْلَ أَنْ یتَّخِذَهُ إماماً، فَقالَ إِنّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ اِماماً، رَأی عِظَمِ ذلِکَ قَالَ وَمِنْ ذُرّیَتِی قَالَ لاَ یَنَالُ عَهْدِی الظّالِمِینَ»(2)؛

همان گونه که دیدیم خداوند چندین امتحان از حضرت ابراهیم خلیل الله به عمل آورد و پس از اعطای درجات متعدد، وی را به امامت منصوب فرمود، یعنی آن قدر مقام امامت بالاست که حتی پیامبران اولوالعزم نیز، پس از امتحانات متعدد و کسب درجات رفیع به آن مقام الاهی دست می یابند.

امام × در حقیقت اعلم و افهم نسبت به دین، نزدیک ترین و متقی ترین در پیشگاه الاهی، با فضیلت ترین فرد از جنس بشر، ترجمان حکمت و علم الاهی، حافظ دین از تغییر و تحریف و مفسّر شریعت و قرآن است. کلام امام × حق است پس اطاعت از او اطاعت از خداوند و تسلیم در مقابل قول و عمل او واجب است.

امام × با این همه عظمت دارای اوصاف و

1- . بقره: 124.
2- . کافی، ج1، ص175؛ شرح اصول کافی، ج5، ص111؛ الاختصاص، ص22، بحار، ج12، ص12.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ویژگی های منحصر به فردی است که در فرصتی مناسب باید به زیبایی به آن پرداخت.

بزرگ ترین و گسترده ترین موضوع اختلافی در جهان اسلام، مسئله جانشینی رسول خدا| و امامت و ولایت است. عنصر اساسی و سرچشمه همه اختلافات از نظر فقهی، عقیدتی، کلامی، سیاسی، اجتماعی و... - که باعث مشاجرات، مجادلات و حتی مبارزات گردیده است - عدم شناخت حقیقی و واقعی رکن رکین امامت است.

اثبات و تبیین زوایای گوناگون این مهم، با دلایل روشن و مستند و مستدل، وظیفه ای سترگ و عظیم برعهدۀ اندیشمندان مسلمان به ویژه علمای دین است.

مسلمانان در مورد امام شناسی به سه طریق ره پیموده اند:

اوّل: با درک این مهم که معرفت حقیقی نسبت به ساحت مقدس امام× از ضروریات و مبانی اعتقادی اسلام است، به حقانیت و عظمت امام× از طریق صحیح واقف گشته، مقامات باطنی امام× را درک نموده اند و به رهبری و هدایت امام× در تمامی اعصار اعتقاد دارند. این گروه امام را برترین ابناء جنس بشر دانسته و او را واسطه فیض بین خالق و مخلوق و مصداق اکمل «خلیفه الله فی الأرض» می دانند. جزاهم الله عن الاسلام اجراً!

دوّم: گروهی در اوصاف امام زیاده روی کرده، راه افراط پیموده اند، شأن بشری ائمه^ را فراموش کرده و گرفتار غلوّ شده اند. در نتیجه مقام امام× را تا حدّ الوهیت بالا برده اند. مکتب تشیع این دسته را خارج از اسلام و از آنان بی زاری و برائت می جوید. لعنه الله علیهم!

سوم: برخی نیز در شناخت حقیقی و کامل امام کوتاهی کرده و مقام آنان را تنزّل داده اند؛ نسبت به آیات قرآن و احادیث پیامبر| در این رابطه، اجتهاد در مقابل نصّ می نمایند. به مقام والا و الاهی امام اعتنایی نکرده، با مقدم داشتن مفضول بر افضل، از ولایت خدا و رسول| و جانشینان واقعی آن حضرت دور مانده اند. به شهر علم پیامبر| از دری به غیر از درب واقعی وارد شده و پس از فتنه بزرگ (انجمن شوم سقیفه) از اسلام راستین فاصله گرفتند. هَدیهُم الله ان شاء الله!

در این میان دیدگاه و مبانی اعتقادی تشیع در باب امام شناسی برگرفته از آیات هدایتگر قرآن کریم و احادیث نورانی ائمه معصوم^ است. وجود ادلهٔ عقلی و نقلی فراوان، ضرورت تمسّک به امامت را به عنوان اصلی مسلّم از اصول اعتقادی اسلام قرار داده است. هر انسان منصف و آزاده ای با اندکی تأمل و تدبّر در معارف صحیح اسلام به واقعیت این مهم پی خواهد برد.

همه ادیان الهی آموزندهٔ توحید، نبوت، عدل و معاد بوده اند، اما ویژگی مهم و منحصر به فرد مکتب اسلام، استمرارِ حرکت انبیاء توسط امامت و از طریق اهل بیت پیامبر اعظم| است تا آنجا که برخی گفته اند: مشروعیت خاتمیت حضرت رسول اعظم| به امامت و ولایت منصوب از طرف خداوند متعال است.

امام شناسی شیعیان برخوردار از اطلاعات وسیع، خِردورزی،

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

رعایت اعتدال، مبانی قوی، مستدل، مستند و ملاک شرعی برگرفته از آیات قرآن و سنّت صحیح و بی انحراف پیامبر اعظم| است.

در مقابل دیدگاه تشیع، مسلمان نمایانی هستند که فریفته کرشمۀ لذت فانی دنیا گردیده، وجود امام را مانع تحصیل مال و منال و حشمت و جلال جاهلی خود می دیدند؛ این دسته با عمل به منهیات، ارتکاب محرمات، ظاهرسازی و عوام فریبی، افکار مسلمانان را منحرف کردند و حقوق مسلّم اهل بیت^ را غصب نمودند. با این غصب، اصول اعتقادی و اصالت اسلام ناب محمدی| گرفتار انحراف، اکمال دین و اتمام نعمت جریحه دار، استمرار رسالت نبوی در امامت و ولایت حقیقی دچار وقفه شده و صدمات بزرگ و جبران ناپذیری به اسلام وارد گردید. انکار امامت به اندازه ای قبیح است که پیامبر اعظم| فرمودند:

«یا علیّ مَن أنکر إمامتک فقد أنکر نبوّتی»(1):

یا علی! کسی که امامت تو را انکار کند به تحقیق پیامبری مرا انکار کرده است.

در همان صدر اسلام به دلیل نداشتن امام شناسی قوی، پس از رحلت شهادت گونه پیامبر اعظم| چنان ظلم فاحشی بر امام مسلمین و خلیفه بلافصل رسول الله| - حضرت علی× - روا داشتند که آن حضرت از شدت غم و اندوه فرمودند:

«صبرتُ وفی العین قَذی وفی الحلقِ شَجی»(2): صبر کردم در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو داشتم.

غفلت از امام شناسی، مصائب و فجایعی را برای جهان اسلام به دنبال داشته است. برخی از اسفناک ترین نتایج غفلت و نداشتن امام شناسی مسلمین عبارتند از:

بی اعتنایی و عمل نکردن به آیات امامت و ولایت در قرآن کریم، نافرمانی و سرپیچی از التزام به احادیث، سیره و کلام پیامبر اعظم| به ویژه در امر خلافت ایشان، هتک حرمت به اهل بیت پیامبر اسلام^، ظلم و ستم به مقام مقدس حضرت فاطمۀ زهرا÷، محروم نمودن جامعه از رکن الاهی امامت؛ محروم نمودن مسلمین از عدالت و هدایت علوی؛ ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسلمین؛ و... .

بنابراین، پژوهش و مطالعه علمی و مستند، بازشناسی،

ص: 17

1-) شیخ سلیمان حنفی، ینابیع الموده، ص53، چاپ اسلامبول؛ ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین ×، ص150؛ علامه بحرانی، غایه المرام، ص456، چاپ بیروت؛ شیخ صدوق، امالی، مجلس 94، ح5؛ عیون اخبار الرضا، ج1، ص297، ح53.
2-) نهج البلاغه، خطبه شقشقیه، رسائل مرتضی، ج2، ص108؛ علل الشرایع، شیخ طوسی، ج1، ص151.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بازگویی و بیان ابعاد متعدد امام شناسی ضرورتی انکارناپذیر است. کشف حقایق و درک عظمت و آثار وجودی امام، نیازمند تحقیقات عمیق، دقیق، گسترده و فراگیر، همراه با همت بلند، تلاش مستمر و اطلاع کامل از تاریخ و معارف صحیح اسلام است.

با وجود هزاران کتاب کوچک و بزرگ، قدیم و جدید، هنوز جامعه مسلمین از امام شناسیِ لازم برخوردار نبوده و برخی غبارها زدوده نشده است.

شیعه با افتخار از دانشمندان و محققان تمامی فرقه های اسلامی دعوت می نماید تا به اقتضای عقل و منطق، حق گرایی و روشن اندیشی، از تعصب جاهلانه و تشکیک بی پایه دست بردارند، و با تحقیقات گسترده و استوار به همراه براهین قاطع، دلایل واضح و محکم ترین مستندات نسبت به عظمت امام فروتنی نشان دهند. در نتیجه، ضروری است هر مسلمان مؤمنی در پاسخ به شبهات و ابهامات مربوط به امام شناسی آگاهی کامل داشته باشد تا بتوانیم نسبت به درّ غلطان وجود مقدس و جهان شمول امام × به صورت جامع الاطراف و واقع بینانه، شناخت صحیح و کاملی پیدا نموده و تصویر واقعی و زیبایی از امامت و ولایت الاهی به جهانیان عرضه نماییم.

کتاب بازخوانی تحوّلات اعتقادی امامت که توسط مجمع جهانی شیعه شناسی به زیور طبع آراسته و به جامعۀ اسلامی عرضه می گردد، دارای ویژگی های نیکو و پسندیده ای است که به اختصار اشاره می نماییم:

تبیین دقیق موضوع، ابتکار در تدوین و اسلوب تألیف، تبیین تفاوت ها و اشتراک ها در درک و فهم موضوع امامت، تطبیق دو روش اعتقادی و تاریخی، دوری از تعصّب و پیش داوری، بیان پیشینه های تاریخی، بیان ساده و روان با اسلوب آموزشی و فرهنگی، استفاده از کثرت منابع اعم از قدیم و جدید، بررسی واژه های مرتبط و معادل امامت و ولایت و... .

باشد که با رعایت اصول و ملاک های صحیح نویسندگی، روز به روز شاهد خلق چنین آثار علمی پژوهشی روشمند و مستدل باشیم. ان شاء الله

در راستای انجام این وظیفۀ بزرگ اسلامی، استاد معظم، اندیشمند محقق، پژوهش گر مدقّق، حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حاج شیخ حیدر مظفری ورسی از اعضاء هیأت علمی مجمع جهانی شیعه شناسی، با قلم عالمانۀ خویش پژوهشی وزین و ارزشمند را دربارۀ این

موضوعِ بسیار مهم، به گونه ای به رشتهٔ تحریر درآورده است که دارای تمام ویژگی های فوق الذکر است.

مطالعه این کتاب گران سنگ دارای ارزش و اهمیت فراوانی در راستای ارتقاء سطح علمی و تخصصی امام شناسی در جامعهٔ اسلامی است. خداوند این زحمت زیاد و تلاش مستمر را از مؤلف عالیقدر به عنوان عبادت قبول نماید. ان شاء الله

کثر الله امثالهم، جزاه الله عن الإسلام اجراً، ادام الله ظله ودامت افاضاته

والسّلام علیکم وعلی جمیع اخواننا المؤمنین بولایه علیّ بن أبی طالب× فی اقطار العالم ورحمه الله وبرکاته

مسئول مجمع جهانی شیعه شناسی

انصاری بویراحمدی

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سال یازدهم هجری یکی از غم انگیزترین و پرمخاطره ترین

سال ها در تاریخ اسلام است که در آن سال جامعه ی اسلامی با رحلت غم انگیز آخرین سفیر هدایت روبه رو گردید. با تأمل در رخدادهای زمان رحلت آن حضرت می توان گفت از مهمترین وقایع آن روزگار بحران فقدان رهبری در جامعه اسلامی بود که اصحاب و یاران رسول خدا برای حل مسئله ی رهبری و جانشینی آن حضرت رو در روی هم قرار گرفته بودند. عده ای بدون توجه به آموزه های برخواسته از قرآن و سنت پیامبر9 و با تکیه بر اندیشه قوم گرایی و بعضی اولویت های ظاهری نسبت به امامت و خلافت نگاهی ابزاری نموده و تنها آن را وسیله اقتدار گرایی و نظم دهنده اجتماعی می دانستند که با این اندیشه از میان خود فردی را برای جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله انتخاب کردند؛ ولی در برابر اینان، عده ای از یاران رسول خدا9 امامت و رهبری پس از آن حضرت را استمرار نبوت دانسته و ادعا داشتند که این مقام و منصب مانند نبوت یک مقام و منصب الاهی است و همان گونه که انتخاب نبی از عهده مردم بیرون بوده و نبی از جانب خداوند انتخاب می شود، امام و جانشینان پیامبر9 نیز باید از

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

جانب خداوند انتخاب شوند.

سرانجام این رویارویی ها در ماجرای امامت، این شد که مسلمانان از همان ابتدا با اختلاف در مصداق و دیگر شرایط امامت و رهبری در دوجهت و اندیشه متفاوت قرار گرفتند که پس از آن عالمان و دانشمندان اسلامی هر کدام با گرایش های مذهبی خاص و با رویکردهای گوناگون فقهی، کلامی، تفسیری، روایی، عرفانی و تاریخی نسبت به پدیده ی امامت و حقیقت آن، تحقیقات ارزشمند و نقدهای عالمانه ای نسبت به همدیگر ارائه نمودند.

اثر حاضر که حاصل تلاش ها و تجربیات علمی و آموزشی نگارنده در بنیاد فرهنگی امامت (تحت اشراف حضرت آیت الله سید علی میلانی) و نیز بنیاد فرهنگی جعفری است با روش میان رشته ای به مفردات الفاظ و واژگانی چون امام، خلیفه، ولی، وصی، وارث، حجت، امیر و وزیر و کاربردهای قرآنی، روایی، لغوی، اصطلاحی و تاریخی آنان که در حقیقت زیر ساخت های بحث امامت می باشد پرداخته است و به دور از هر گونه تعصب مذهبی و پیش داوری های جانب دارانه برخی شواهد و قراین مستند و علمی در شناخت مصداق واقعی امام و خلیفه پس از رسول خدا9 ارائه شده است.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واقعیت این است که از جهت علمی و عملی، قرآن کریم در کاربرد واژگان و پیام رسانی ، اطمینان آور و مورد توجه تمام دانشمندان اسلامی از هر صنف است که هر کدام سعی می کنند در بیان افکار و اندیشه خود با استناد به قرآن ادعای خود را به اثبات رسانند.

از طرف دیگر در داوری ها و رد یا پذیرش ادعای دیگران همواره قرآن را ملاک برتر قرار داده و به آن استناد می جویند که در این میان مسئله امامت و امام شناسی نیز در قرآن مورد توجه ویژه قرار گرفته است و در طول تاریخ اسلام دانشمندان اسلامی از هر فرقه و مذهبی سعی داشته اند با استناد به قرآن حقانیت مذهب خود را اثبات نمایند که پی جویی تمام مسائل امامت در قرآن و استدلال های آن از موضوع این نوشتار خارج بوده و آنچه متناسب با موضوع و هدف این نوشتار است، تنها جست و جوی واژه «امام» و مفهوم آن است. در این زمینه از بررسی آیات قرآن کریم به دست می آید که واژه امام (مفرد) و ائمه (جمع) دوازده بار در قرآن کریم به کار رفته است و از جهت مفهومی غالبا به همان معنای لغوی پیشوا استعمال شده است که می توان این آیات را به شش وجه تقسیم نمود:

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وجه یکم - پنج آیه به معنای پیشوایان هدایت گر و اصلاح گران الاهی به ترتیب زیر آمده است:

«وَالَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ ازْوَاجِنَا وَذُرِّیَّاتِنَا قُرَّهَ اعْیُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِینَ امَامًا»((1))

و کسانی که می گویند پروردگارا از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان.

«وَاذِ ابْتَلَی ابْرَاهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِمَاتٍ فَاتَمَّهُنَّ قَالَ انِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ امَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّیَّتِی قَالَ لا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ»((2))

(به خاطر آورید) «هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی ازمود و او به خوبی از عهده این ازمایش ها بر آمد خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم ابراهیم عرض کرد از دودمان من نیز امامی قرار بده خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی رسد» «یعنی تنها فرزندان معصوم تو شایسته این مقامند».

و در آیه 72 سوره انبیا می فرماید اسحاق و یعقوب را مردمانی صالح قرار دادیم پس از آن می فرماید:

«وَجَعَلْنَاهُمْ ائِمَّهً یَهْدُونَ بِامْرِنَا وَاوْحَیْنَا الَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْرَاتِ»((3))

و آنان را پیشوایان قرار دادیم که

1- 1) فرقان، 74.
2- 2) بقره، 124.
3- 3) انبیا، 73.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند و انجام کارهای نیک را به آنان وحی کردیم.

و در سوره سجده می فرماید:

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ ائِمَّةً یَهْدُونَ بِامْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَکَانُوا بِایَاتِنَا یُوقِنُونَ»((1))

از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می کردند چون شکیبایی می نمودند و به آیات ما یقین داشتند.

«وَنُرِیدُ ان نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الارْضِ وَنَجْعَلَهُمْ ائِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ»((2))

«ما می خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوا و وارثان روی زمین قرار دهیم.»

1- 4) سجده، 24.
2-) قصص، 5

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وجه دوم - دو آیه به معنای امامان و پیشوایان ضلالت و گمراه کننده آمده است:

درباره فرعونیان گوید:

«وَجَعَلْنَاهُمْ ائِمَّةً یَدْعُونَ الَی النَّارِ وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ لا یُنْصَرُونَ»((1))

«و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش دوزخ دعوت می کنند و روز رستاخیز یادی نخواهند شد.»

«وَانْ نَکَثُوا ایْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِی دِینِکُمْ فَقَاتِلُوا ائِمَّةَ الْکُفْرِ انَّهُمْ لا ایْمَانَ لَهُمْ»((2))

اگر پیمان خود را پس از عهد خود بشکنند و آیین شما را مورد طعن قرار دهند با پیشوایان پیکار کنید چرا که آنان پیمانی ندارند.

وجه سوم - یک مورد به معنای جامع میان پیشوایان هدایت و ضلالت به کار رفته است:

«یَوْمَ نَدْعُو کُلَّ اناسٍ بِامَامِهِمْ»((3))

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم.

1-) قصص، 41.
2-) توبه، 12.
3-) اسرا، 71.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وجه چهارم - دو آیه درباره تورات کتاب آسمانی حضرت موسی استعمال شده است:

«وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى امَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ»((1))

«پیش از آن کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود و این کتاب هماهنگ با نشانه های تورات است در حالی که به زبان عربی فصیح و گویا است تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد.»

«افَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَهٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى امَامًا وَرَحْمَةً»((2))

آیا آن کسی که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال شاهدی از سوی او می باشد و پیش از آن کتاب که پیشوا و رحمت بود.

وجه پنجم - یک آیه به معنای طریق و راه روشن به کار رفته است:

«فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَانَّهُمَا لَبِامَامٍ مُبِينٍ»((3))

آنها را نیز به کیفر رسانیدیم و این هر دو شهر «اصحاب ایکه و قوم لوط» برای اهل اعتبار راهی روشن و آشکار است.

1-) احقاف، 12.
2-) هود، 17.
3-) حجر، 79.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وجه ششم - یک آیه به معنای لوح محفوظ آمده است:

«وَنَکْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثارهُمْ وَکُلَّ شَیْءٍ احْصَیْنَاهُ فِی امَامٍ مُبِینٍ»((1))

و آنچه را که از پیش فرستاده اند و تمام آثار آنان را می نویسیم و همه چیز را در کتاب آشکار کننده بر شمردیم.((2))

از آیاتی که نگارش یافت، مفاهیم و گزینه های ذیل در رابطه با امامت به دست می آید:

الف - در بیشتر این آیات امام و ائمه به همان معنای پیشوا آمده است که حتی در موردی که سخن از کتاب آسمانی حضرت موسی در میان بود نیز همان جنبه هدایت گری آن که کار پیشوایان است در قالب بشارت و انذار مطرح شده بود چنانکه خداوند یکی از شئون قرآن را نیز همان هدایت گری معرفی نموده است:

«انَّ هَذَا الْقرآن یَهْدِی لِلَّتِی هِیَ اقْوَمُ وَیُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِینَ»((3))

این قرآن به راهی که استوارترین راههاست هدایت می کند و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام میدهند بشارت می دهد.

بنابراین کتاب آسمانی، پیشوایان و هدایت گرانی از جانب خداوند هستند.

ب - هم چنین از این آیات به دست آمد که در هر جامعه ای وجود امام و پیشوا ضرورت دارد اما در نهایت آن پیشوایان طبق آیات دسته یکم و

1-) یس، 12.
2-) مجموع آیات برگرفته از المعجم الفهرست عبدالباقی، ص103 و با استفاده از ترجمه ایت الله مکارم شیرازی.
3-) اسرا، 9.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دوم یا امامان هدایت هستند یا پیشوایان ضلالت و گمراهی.

ج - نیز از این آیات به دست آمد که امامان هدایت و ضلالت هر کدام ویژگی های خاصی دارند مانند اینکه امام هدایت گر دارای مقام جعلی و تأیید شده از جانب خداوند است؛ زیرا در آیات دسته یکم واژگان «و جعلنا للمتقین اماما» (فرقان /74) و جمله «انی جاعلک لناس اماما» (بقره/124) و جمله و «جعلناهم ائمه» (انبیا/73) «و جعلنا منهم ائمه» (سجده/24) و نیز «نجعلهم ائمه» (قصص/5) با صراحت گویای این است که امامان و پیشوایان هدایت گر از جانب خداوند انتخاب شده اند و مقام امامت را با جعل الاهی به دست آورده اند و پس از آن نیز با جمله و «اوحینا الیهم فعل الخیرات» (انبیا/73) همواره با عنایت و راهنمایی الاهی به هدایت گری راستین خود ادامه می دهند.

اما در برابر امامان هدایت گر، امامان گمراه و ضلالت پیشه قرار دارند که آنان هیچ گونه تأیید و احترام از جانب خداوند ندارند و از مشخصات آنان «نکثو ایمانهم» (توبه/5) پیمان شکنی و «یدعون الی النار» (قصص/41) دعوت به سوی آتش و خواری و دور بودن از نصرت و یاری خداوند است.

سرانجام اینکه، مفاهیم به دست آمده از واژه «امام» در این آیات می تواند راهکار خوبی باشد برای مسلمانان تا در مسیر امامت پژوهی و انتخاب امام پس از رسول خدا9، میان امامان حق گرا و باطل را تشخیص دهند و در دام پیشوایان دروغین و فرعونیان قرار نگیرند و سعی کنند با اندیشه ای حق جویانه و بدون هیچ تعصب و غرض ورزی، امامان هدایت شده و مورد تأیید الاهی را

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سرمشق و پیشوای خود قرار دهند؛ زیرا حرکت به دنبال آنان است که سبب نجات رهروان می گردد. فخررازی در این زمینه می نگارد «کسی که به مقام هدایت نائل می گردد، هدایت او به امر خداست».((1))

واژگان «امام» و «امامت» در روایات

کلمه امام از صریح ترین واژگانی است که بارها رسول اکرم صلی الله علیه و آله و باقی معصومین: آن را درباره رهبر و پیشوای مسلمانان بعد از آن حضرت به کار برده اند و با دقت در متن این روایات می توان به این مطلب دست یافت که برخی از آنان بحث امامت را به صورت عام مطرح کرده اند و در بعضی، مصداق هم تعیین شده است که در اینجا به تناسب بحث ابتدا به روایاتی که به طور مطلق امام و ائمه را ذکر نموده اند اشاره میشود و روایاتی که در آنان تعیین مصداق شده است در پایان بخش تعریف امامت نگارش خواهد یافت.

روایات دسته اول

در روایتی از پیامبر9 درباره فرمان برداری و اطاعت از امام نقل شده است:

«تمسکوا بطاعه ائمتکم و لا تخالفوهم فان طاعتهم طاعه الله و معصیتهم معصیه الله»؛((2))

«اطاعت امامان را پیشه خود کنید و با آنان مخالفت نکنید؛ زیرا اطاعت آنان اطاعت خدا و معصیت آنان معصیت

1-) تفسیر کبیر، ج22، ص191.
2-) متقی هندی، کنز العمال، ج6، ص59.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خدا است.»

در این حدیث با واژه «ائمه» که جمع امام است به طور مطلق، امر به اطاعت امامان و پیشوایان نموده و مردم را از مخالفت آنان برحذر داشته است و این نکته اساسی نیز مطرح شده است که پیوستگی گسست ناپذیری میان اطاعت خداوند و اطاعت امام است.

در این زمینه احادیث فراوانی در منابع شیعه و سنی، معروف به احادیث اثنی عشر، نقل شده است که در بعضی از آنان واژه «خلیفه»، در بعضی واژه «امیر» (این دو دسته در بخشی جداگانه بررسی خواهد شد) و در بعضی واژه «ائمه» آمده است که به تناسب بحث واژه «امام»، به شواهدی اشاره می شود.

در حدیثی از رسول خدا9 نقل شده است:

«الائمه من بعدی اثنا عشر کلهم من قریش»((1))

امامان بعد از من دوازده نفرند که همه شأن از قریش هستند.

ابوسعید خدری نیز از رسول خدا9 نقل نموده است که آن حضرت فرمود:

الائمه من بعدی اثنی عشر((2))

پیشوایان بعد از من دوازده نفرند.

1-) لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص24، روایات ائمه اثنا عشر از روایات مشهور است که با متن های فراوان در منابع شیعه و سنی نقل شده است
2-) الانصاف، ص70.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و هم چنین آن حضرت فرمود:

«الائمه من بعدی اثنی عشر عدد شهور الحول»((1))

پیشوایان بعد از من دوازده نفرند که به تعداد ماه های سال هستند.

و هم چنین از ابوذر نقل شده است که از رسول خدا9 سؤال نمودم:

«کم الائمه من بعدک قال عدد نقباء بنی اسرائیل»((2))

تعداد پیشوایان بعد از شما چند نفرند؟ «حضرت فرمود به اندازده نقبای بنی اسرائیل که آنان دوازده نفر بودند.»

و هم چنین از جابر بن عبدلله انصاری نقل شده است:

قلت یا رسول الله و ما عده الائمه فقال «یا جابر سئلتنی رحمک الله عن الاسلام باجمعه عدتهم عده الشهور عند الله و هی عند الله اثنا عشر شهرا»((3))

ای فرستاده خدا! تعداد پیشوایان چند نفرند؟ حضرت فرمود: ای جابر! خدا تو را رحمت کند، از من درباره تمام اسلام سؤال نمودی. تعداد ائمه به تعداد ماههای سال نزد خداوند است و تعداد ماهها نزد خداوند دوازده ماه است.

1-) منتخب الاثر، ص26.
2-) کفایه الاثر، خزاز قمی، ص28.
3-) سید بن طاووس، التحصین، ص570.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سرانجام اینکه این گونه روایات از رسول خدا9 در منابع فراوان وارد شده است که سید بن طاووس تعداد روایات ائمه اثنا عشر را تا چهل حدیث ذکر نموده است.((1)) و روایاتی که در اینجا ذکر شد برای اثبات این مطلب بود که واژه «امام» و «ائمه» در زمان رسول خدا9 کاربرد فراوان داشته است. گرچه در روایاتی که ذکر شد نام ائمه دوازده گانه به میان نیامده است، ولی در برابر آنان روایات فراوان دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که نام های امامان دوازده گانه تصریح شده است که این روایات را در پایان فصل خواهیم آورد.

نکته دیگر: در برخی روایات آمده بود که امامان از قریش هستند و دیگر توضیح نیامده بود که مراد کدام طائفه از قریش است؛ ولی در همین رابطه روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که تفسیرگر واژه «قریش» در آن احادیث است. حضرت می فرماید:

«ان الائمه من قریش غرسوا فی هذا البطن من هاشم لا تصلح علی سواهم و لا تصلح الولاه من غیر هم»((2))

امامان از قریش اند که از طریق بنی هاشم در قریش به وجود آمده اند امامت در شأن غیر آنان نیست و والیان از غیر آنان نمی شوند.

1-) طرائف، ص172.
2-) نهج البلاغه، خطبه 144.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هم چنین حدیث دیگری که درباره امام شناسی در منابع شیعه و سنی نقل شده است، حدیث معروفی است از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که آن حضرت دوری گزیدن از امام و نشناختن امام را مساوی با مرگ جاهلی دانسته است. این روایات با تعابیر مختلف نقل شده است که در حقیقت سرانجام و سرنوشت مخالفان و منکران امامت را معرفی نمودهاند.

در حدیثی از پیامبر9 نقل شده است:

من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیَه((1))

«کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد با مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

در مسند احمد بن حنبل به نقل از پیامبر9 آمده است:

«من مات بغیر امام مات میته جاهلیه»((2))

کسی که بدون شناخت امام بمیرد در حقیقت با مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

هم چنین از آن حضرت نقل شده است:

من مات و لا امام له مات میته جاهلیه؛((3))

کسی که بمیرد در حالی که عقیده به امامی نداشته باشد با مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

1-) تفتازانی، شرح مقاصد، ج5، ص239؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج5، ص218؛بحارالانوار، ج23، ص77؛ الغدیر، ج10، ص360.
2-) مسند احمد، ج4، ص96.
3-) المعیار و الموازنه، ابن جنید، ص24.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ابن ابی الحدید این حدیث را از عبدالله فرزند عمر نقل نموده و به جریانی اشاره می کند که عبدالله شبانه به در خانه حجاج بن یوسف ثقفی حاضر شد و خواست برای خلافت عبدالملک با وی بیعت کند و از جانب حجاج تحقیر شد؛ زیرا حجاج به جای دست، پای خود را از رختخواب به سوی عبدالله دراز نمود و گفت دست خود را به پای من متصل کن.((1))

و در منابع شیعی نیز این حدیث فراوان نقل شده است که از جمله علامه مجلسی این حدیث را با چهل سند از منابع اختصاصی شیعه نقل نموده است.((2))

کلینی نیز در «اصول کافی» در باب جداگانه ای این روایات را نقل نموده که از جمله آنان حدیث فضیل بن یسار است که گوید روزی امام صادق علیه السلام به ما فرمود:

«قال رسول الله من مات و لیس له امام فمیتته میته جاهلیه فقلت قال ذالک رسول الله فقال ای و الله قد قال»((3))

رسول خدا9 فرمود هر که بمیرد و امام را نشناسد، با مرگ جاهلی مرده است. من گفتم: رسول خدا9 این را گفته است؟ حضرت فرمود: آری به خدا.

1-) شرح نهج البلاغه، ج13، ص242.
2-) بحار الانوار، ج23، صص76- 95.
3-) اصول کافی، ج2، ص269.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سرانجام اینکه بر اساس روایات یاد شده، انکار امامت سبب مرگ جاهلانه می شود و از این روایات و نیز مجموع روایاتی که پیش از این ذکر شد، میتوان به این نتیجه دست یافت که واژگان «امام» و «ائمه» در زمان رسول خدا9 کاربرد داشته و از متن بسیاری از این روایت ها می توان استنباط نمود که منظور آن حضرت از «امام»، معنای رهبری و پیشوایی بعد از ایشان بوده است و این معنا برای مخاطبان و امت اسلامی در آن روزگار روشن بوده است؛ زیرا در هیچ یک از این روایات نیامده است که اصحاب از معنای امام پرسش نموده باشند بلکه طبق برخی روایات که ذکر شد تنها از تعداد پیشوایان سؤال شده که آن حضرت جواب داده است و این بدان معناست که معنای امام نزد اصحاب روشن بوده است. ما در اینجا به ذکر همین مقدار از روایات در کاربرد واژگان «امام» و «ائمه» بسنده می کنیم.

امامان الاهی و غیر الاهی

از آنجا که بحث امامت از جهت اعتقادی اهمیت فراوانی دارد، توجه به این مطلب ضرورت دارد که در شناخت امام همیشه این گونه نیست که افراد به معرفت واقعی دست یابند و به هر کسی که ادعای امامت و پیشوایی نماید، بتوان اقتدا نمود؛ زیرا با دقت در مفهوم واژه «امام» و «ائمه» روشن می شود که این واژگان از جهت کاربرد مفهومی، دو گونه امام و پیشوا را مطرح نموده است که یکی با پشتیبانی الاهی و دیگری غیر الاهی است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام در این باره با

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

استناد به آیات قرآن نقل شده است که:

«ان الائمه فی کتاب الله امامان قال الله تعالی و جعلنا هم ائمه یهدون بامرنا((1)) لا بامر الناس یقدمون امر الله قبل امرهم و حکم الله قبل حکمهم - قال و جعلنا هم ائمه یدعون الی النار((2))یقدمون امرهم قبل امر الله و حکمهم قبل حکم الله و یاخذون باهوائهم خلاف ما فی کتاب الله عز و جل»((3))

پیشوایان در کتاب خدا دو گونه اند: 1- خداوند می فرماید آنان را پیشوا قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کردند نه به خواهش های مردم؛ و به فرمان الاهی پیش از فرمان خود اقدام می کردند و حکم خدا را پیش از حکم خود اجرا می کردند 2- آنان را پیشوایان قرار دادیم که به آتش دوزخ دعوت می کنند و آنان به فرمان خود پیش از فرمان خدا اقدام می کنند و نیز خواهش خود را پیش از حکم خدا اجرا نموده، به خواهش های نفسانی خود بر خلاف دستور خدا عمل می کنند.

1-) انبیا، 73.
2-) قصص، 41.
3-) تفسیر صافی، ج4، ص91؛ اصول کافی، ج1، ص418.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

درباره آثار عملی پیروی از این دو پیشوا از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است:

سمعت رسول الله یقول قال الله تبارک و تعالی لا عذ بن کل رعیه دانت بطاعه امام لیس منی و ان کانت الرعیه فی نفسها غیر بره و لا رحمن کل رعیه دانت بامام عادل منی و ان کانت الرعیه فی نفسها غیر بره و لا تقیه((1))

شنیدم از رسول خدا9 که می فرمود: خدای تعالی می فرماید هر رعیتی که نزدیک شود به امامی که از جانب من نیست بطور مسلم او را عذاب می کنم اگر چه آن رعیت نیکوکار باشد و هر رعیتی که نزدیک شود به امامی که از جانب من است بطور مسلم او را رحم کنم اگر چه به خودی خود نیکوکار نباشد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا9 درباره پیشوایان بر حق و پیشوایان ستمگر فرمودند:

«سیکون من بعدی ائمه علی الناس من الله من اهلبیتی یقومون فی الناس فیکذبون و یظلمهم ائمه الکفر و الضلالُ اشیاعهم»((2))

پیشوایان از خاندانم از جانب خداوند برای مردم گماشته می شوند و آنان در میان مردم قیام می کنند و

1-) الانصاف، ص282.
2-) اصول کافی، ج1، ص417.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مردم آنان را تکذیب می کنند و پیشوایان کفر و ضلالت و پیروانشان به آنان ستم می کنند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ای به محمد بن ابی بکر به امامان هدایت گر و امامان ستمگر اشاره نموده می فرماید:

«فانه لا سواء امام الهدی و امام الردی و ولیّ النبی و وعدو النبی»((1))

پس پیشوای هدایت گر و گمراه گر هیچ گاه یکسان نخواهند بود چنانچه دوستان پیامبر9 و دشمنانش برابر نیستند.

و هم چنین در لغت نیز «امام» مفهوم عام دارد که شامل پیشوای هدایت گر و ستمگر می شود.

در «لسان العرب» آمده است:

«الامام کل من ائتم به قوم کانو علی صراط المستقیم او کانو ضالین»((2))

امام کسی است که گروهی به او اقتدا کنند، اعم از اینکه بر راه هدایت باشند یا بر گمراهی.

1-) نهج البلاغه، نامه 27، ص510.
2-) لسان العرب، ج12، ص24.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بنابراین واژه امام از جهت کاربرد مفهومی، معنایی عام دارد که شامل امام هدایت کننده و امام گمراه کننده می شود و برای دست یابی بهتر به این مطلب کافی است که سیر تاریخی امامت بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مورد دقت قرار بگیرد؛ زیرا به خوبی روشن است همان گونه که در این روایات به ویژه روایت آخر پیامبر9 پیش بینی نموده بود، همواره در برابر پیشوایان و امامان که از خاندان پیامبر9 بودند کسان دیگری با در دست گرفتن قدرت اجتماعی، به آنان ستم کرده و مردم را از رهبری خدامحورانه آنان محروم نمودند و پس از آن پیدایش اندیشه های گوناگون درباره امامت سبب شد که امامت و رهبری مسلمانان تبدیل شود به حکومت های موروثی و سلطنت استبدادی که مهم ترین برنامه شان ستیزه جویی با خاندان رسالت بود و از جهت سیاسی و اجتماعی موفق شدند که خاندان پیامبر9 را به انزوا کشانیده و حتی مردم را از شنیدن سخنان و راهنمایی های پیشوایان ائمه اهل بیت محروم نمایند که این مطلب یکی از خسارت های جبران ناپذیر در تاریخ امامت است و از آنجا که در این نوشتار هدف، بررسی کاربردی و مفهومی واژگان «امام» و «امامت» است، به همین مقدار از کاربرد واژه «امام» به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله اکتفا و بحث تاریخی امامت را به مجال دیگر واگذار می کنیم.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

معنا شناسی امام و امامت

پس از بحث پیشین مناسب است که این واژه از جهت مفهومی و معنا شناختی بررسی شود، هر چند الفاظ به صورت دقیق و قطعی همه ابعاد را نشان نمی دهد اما این را هم نمی توان انکار نمود که در مواردی برخی واژه ها دارای پیام روشنی هستند که برای همگان فهمیدنی بوده و در مواردی با قرائن دیگر، مبنای فکر و استنباط اندیشمندان قرار می گیرد؛ از آن جمله واژه «امام» و مشتقات آن است که با آن همه کاربرد در زمان رسول خدا9 و نیز تعیین مصداق برافراد خاص می توان با قرائنی به دست آورد که در آن روایات هدف رسول خدا9 طرح ریزی امامت و پیشوایی پس از خود بوده است.

مفهوم لغوی امام

واژه «امام» در لغت از ریشه «امَّ» و مهموز الفاء و مضاعف به معنای پیشوا، پیشرو و مقتداست اعم از اینکه فرد هدایت گر مؤمن و عادل باشد یا اینکه فردی ستمگر و گمراه. در «معجم مقاییس اللغه» آمده است:

الامام کل من اقتدی به و قدم فی الامور((1))

کسی که به او اقتدا شود و در کارها پیش افتد امام است.

1-) معجم مقاییس اللغه، ج1، ص28.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ابن منظور در لسان العرب معتقد است که امام (جلو و مقدم) با فتح همزه و نیز امام (پیشوا) با کسر همزه از ریشه «امّ یؤمّ » به معنای قصد کردن و پیش گرفتن است و گفته می شود:

«امّ القوم و امّ بهم تقدمهم و هي الامامه و الامام کل من ائتم به قوم کانو علی صراط المستقیم او کانو ضالّین»((1))

گروهی را امامت کرد و بر آنان مقدم شد و امامت هم همین است و امام کسی است که گروهی به او اقتدا کنند اعم از اینکه بر راه هدایت باشند یا بر ضلالت و گمراهی.

و هم چنین امام به معنای قیم، و سرپرست، طریق و راه نیز آمده است. ((2))

راغب در «مفردات» می نگارد:

الامام المؤتم به، انسانا کان یقتدی بقوله او فعله او کتابا او غیر ذلک محقا کان او مبطلا و جمعه الائمه((3))

امام کسی است که به او اقتدا شود، انسان باشد که به سخنان یا کردار او اقتدا کند یا کتاب باشد یا غیر آن حق باشد یا باطل و جمع آن ائمه است.

هم چنین در برخی منابع آمده است که امام با

1-) لسان العرب، ج12، ص24.
2-) مجمع البحرین، ج6، ص10.
3-) مفردات فی غریب القرآن، ص87.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کسر و امام با فتح هر دو به معنای پیشوای قوم آمده است و امام اقسام دارد:

الف - پیشوا و رئیس؛ کقولهم امام المسلمین.

ب - به معنای کتاب؛ کقوله تعالی (یوم ندعو کل اناس با مامهم.)((1))

ج - به معنای طریق واضح و روشن که به آن اقتدا شود. کقوله تعالی:

و انهما لبامام مبین؛((2))

یعنی آن دو (ابراهیم و لوط) در راهی روشن هستند.

هم چنین درباره معنای امام آمده است:

الامام من یؤتم به و لازم ان یکون جامعا للکمالات و ضابطا لصفات الالهیه حتی یهتدی به((3))

امام کسی است که به او اقتدا شود و لازم است که دارای کمالات و دربردارنده صفات الاهی باشد تا به واسطه آن دیگران هدایت شوند.

بنابراین واژه «امام» در لغت به معنای پیشوا است که دیگر افراد در کارهایشان به او اقتدا کنند و در نهایت آن امام یا هدایت شده و هدایت گر است یا اینکه در نهایت آن امام یا پیشوای هدایت شده و پیشوای ضلالت و گمراه کننده.

ائمه: این واژه در روایات و آیات قرآن کاربرد فراوان دارد و از جهت ضبط لغوی و ادبی

1-) بنی اسرائیل، 71.
2-) فجر، 79.
3-) الزاهر فی معانی کلمات الناس، ص409.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

جمع به معنای پیشوایان است. در بعضی منابع آمده است: امام بر وزن صیام و قیام مصدر است و جمع آن ائمه می باشد.((1))

امامت: این واژه در قرآن نیامده است؛ اما در روایات فراوان است که برای معنا شناسی امامت یک شأن از شئون، امام است که مربوط می شود به جنبه رهبری و هدایت گری امام.

در برخی منابع درباره رابطه مفهومی میان دو واژه امام و امامت آمده است:

الامامه عهد تکونی فی نفس الامام حتی یتعلق به العهد التشریعی فاذا لم یوجد فی الذات اقتضاء الامامه لا یمکن انتخابه و جعله اماما لناس حتی یاتمو به فی اعتقاداتهم و اخلاقهم و معاشهم و معادهم((2))

امامت پیمان تکوینی است در ذات امام تا اینکه بر آن پیمان تشریعی تعلق گیرد (یعنی از جانب خداوند رسمامأمور شود به رهبری و ارشاد مردم) پس اگر در ذات امام زمینه امامت یافت نشد امکان ندارد که او را به امامت انتخاب نماید تا مردم به او در اعتقادات اخلاق، زندگی و آخرت شأن اقتدا کنند.

هم چنین در برخی منابع در این زمینه آمده است:

ان الامامه فی اللغه تساوق الهدایه و الهدایه کما یذکر اللغویین

1-) تفسیر قرطبی، ج13، ص83.
2-) التحقیق فی کلمات القرآن، ج12، ص309.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

لها معنیان و...؛

امامت در لغت مساوی است با هدایت و هدایت آن گونه که لغویین گفته اند دارای دو معنا است.

در ادامه گوید یکی تنها نشان دادن راه است و دیگری رساندن به هدف و معنای دوم شامل یکم نیز می شود و مراد ما دراینجا از بحث «امامت» معنای دوم است.((1))

مفهوم «امام» و «امامت» در اصطلاح

اشاره

پیش از ارائه تعریف های اصطلاحی و گفتار دانشمندان اسلامی، توجه به این مطلب ضرورت دارد که بحث معنا شناسی اصطلاحی یا تعریف امامت، نشان دهنده تصور اعتقادی است که دانشمندان اسلامی نسبت به امامت و جایگاه اعتقادی آن دارند و با تعریف امامت است که مسئله چیستی امامت روشن می شود که مناسب است به برخی تعریف های دانشمندان و متکلمان اشاره گردد:

1-) الامامه الالاهیه، شیخ محمد سند، ج1، ص266.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الف - دانشمندان شیعی

1 - شیخ مفید:

ان الائمه القائمین مقام الانبیا فی تنفیذ الاحکام و اقامه الحدود و حفظ الشرایع و تادیب الانام((1))

پیشوایان (امامان) جانشینان جایگاه انبیا هستند در اجرای احکام و برپایی حدود و نگه داری شریعت و تربیت مردم.

هم چنین ایشان در جای دیگری تصویری روشن در تعریف امامت ارائه داده، می گوید:

فان قیل ما حدا الامامه

اگر گفته شود امامت چیست؟

فالجواب الامام هو الانسان الذی له ریاسه عامه فی امور الدین و الدنیا نیابه عن النبی((2))

پس جواب این است که امام انسانی دارای ریاست و زعامت فراگیر در امور دین و دنیا به نیابت از نبی است

هم چنین ایشان در کتاب «الافصاح» تعریف دیگری ارائه نموده و گوید: امامت یعنی

1-) اوائل المقالات، ص73.
2-) النکته الاعتقادیه، ص39.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیشوایی در آن چیزی که باید دیگران از او فرمان برداری نمایند.((1))

2 - خواجه نصیر طوسی:

الامامه رئاسه عامه دینیه مشتمله علی ترغیب عموم الناس فی حفظ مصالحهم الدینیه و الدنیویه و زجرهم عما یضرهم بحسبها((2))

امامت زعامت همگانی دینی است که دربردارنده تشویق مردم در نگهبانی مصالح دینی و دنیایی ایشان است و نیز بازدارنده مردم از آنچه ضرر بر مصالحشان دارد.

3 - شیخ طوسی:

الامام هو الانسان الذی له الریاسه العامه فی الدین و الدنیا بالاصاله فی دار التکلیف((3))

امام انسانی است که دارای زعامت فراگیر است در دین و دنیا بالاصاله (نه نیابت) در محدوده تکلیف.

4 - فاضل مقداد:

الامامه ریاسه عامه لشخص من الاشخاص فی امور الدین و الدنیا؛((4))

امامت زعامت فراگیر است برای فردی از افراد در امور دین و دنیا.

5 - ابن میثم بحرانی:

الامام هو الانسان له الامامه و هی رئاسه عامه فی امور الدین و

1-) الافصاح، ص27.
2-) قواعد العقائد، تحقیق: علی ربانی گلپایگانی، ص108.
3-) رساله الامامه، ص15.
4-) ارشاد الطالبین، ص295.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الدنیا بالاصاله؛((1))

امامت زعامت فراگیر است برای فردی از افراد در امور دین و دنیا بالاصاله (نه نیابت).

6 - سید اسماعیل نوری طبرسی:

الامامه هی الریاسه العامه الهیه خلافه عن رسول الله فی امور الدین و الدنیا بحیث یجب اتباعه علی کافه الامه((2))

امامت زعامت فراگیر الاهی و جانشین رسول خدا9 است در امور دین و دنیا به گونه ای که پیروی از آن بر همه امت واجب است.

7 - میرزا احمد آشتیانی: ایشان هم مانند تعریف بالا امامت را به قید الاهیه تعریف نموده اند و تنها در تعریف ایشان جمله «لشخص من الاشخاص» اضافه آمده است((3)).

1-) قواعد المرام فی علم الکلام، ص174.
2-) کفایه الموحدین، ج2، ص3.
3-) لوامع الحایق فی الصول العقاید، ص9.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

8 - سید محسن خرازی:

الامامه عند الشیعه هی الخلافه الکلیه الاهیه التی من آثارها ولایتهم التشریعیه التی منها الاماره و الخلافه الظاهریه؛((1))

امامت نزد شیعه، خلافت کلی الاهی است که از آثار آن ولایت تشریعی است که جزئی آن خلافت ظاهری است.

ب - دانشمندان اهل سنت

1- قاضی عبدالجبار معتزلی:

ان الامام فی اصل اللغه هو المقدم سواء کان مستحقا لتقدم أو لم یکن و اما فی الشرع فقد جعله اسما لمن له الولایه علی الامه و التصرف فی امورهم علی وجه لا یکون فوق یده ید؛((2))

امام در لغت مقدم و پیشواست چه او مستحق چنین پیشوایی باشد یا نباشد و اما در شرع امام اسم برای کسی است که دارای ولایت و سرپرستی و تصرف در امور امت باشد و کسی در مقام از او بالاتر نباشد.

1-) بدایه المعارف، ج2، ص8.
2-) شرح الاصول الخمسه، ص509.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

2- سیف الدین آمدی:

و الحق ان الامامه عباره عن خلافه شخص من الاشخاص للرسول فی اقامه قوانین الشرع و حفظ حوزه المله علا وجه یجب اتباعه علی کافه الامه؛((1))

حق این است که امامت عبارت است از جانشین فردی از افراد از رسول خدا9 در برپایی قوانین شرع و نگهبانی از تمامیت ملت به گونه ای که بر تمام امت پیروی از او واجب است.

3 - قاضی عضد الدین ایجی:

هی خلافه الرسول فی اقامه الدین بحیث یجب اتباعه علی کافه الامه؛ ((2))

امامت جانشینی پیامبر9 است در برپایی دین به گونه ای که لازم است تمام امت از او پیروی نمایند.

4 - سعد الدین تفتازانی:

هی ریاسه عامه فی امور الدین و الدنیا خلافه عن النبی؛((3))

امامت زعامت فراگیر و جانشینی پیامبر9 در امر دین و دنیا است.

5 - ابن خلدون:

1-) ابکار الافکار فی الصول الدین، ج3، ص416.
2-) شرح المواقف، ج8، ص345.
3-) شرح المقاصد، ج5، ص232.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خلافه عن صاحب الشرع فی حراسه الدین و سیاسه دنیا؛((1))

امامت جانشینی از صاحب شریعت است در نگهبانی از دین و سیاست دنیا.

جامعیت و مانعیت این تعریف ها

نگاهی تطبیقی بر تعریف هایی که درباره امامت گزارش شد، نشان می دهد که در ظاهر، تعریف امامت نزد متکلمان شیعه و سنی تفاوت چندانی ندارد و در این میان تنها نکته مهم این است که این تعریف باید طبق معیارهای منطقی، از جهت جامع بودن و مانع بودن ارزیابی شود که به گزینه های ذیل اشاره می شود:

1 - کلمه ریاست در این تعریف به منزله جنس است که جمع کننده تمام افراد است.

2 - قید عامه: فصلی است که به واسطه آن نائب امام، قاضی و رئیس منصوب از جانب امام در بعضی نواحی خارج می شود؛ چون آنان ریاست عامه ندارند.

3 - قید لشخص من الاشخاص: قیدی است که در نگاه امامیه و اهل سنت به قرار ذیل تفاوت دارد:

الف - اهل سنت: اهل سنت این قید را می آورند تا آن گروهی از اهل حل و عقد که امام را به دلیل فسقش عزل نموده است خارج کنند؛ به این معنا که وقتی امام گرفتار فسق شد و اهل حل وعقد او را از امامت خلع نمود در آن زمان

1-) مقدمه ابن خلدون، ص204، چاپ جدید، قطع جیبی.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نمی توان به آنان اهل حل و عقد امام گفت.((1))

ب - امامیه: آوردن این قید در نزد امامیه دو معنای متفاوت با اهل سنت دارد:

این که امام باید شخص معینی از جانب خدا و رسول باشد.

دوم این که جایز نیست که در یک زمان دو امام باشد.

4 - قید بالاصالهٔ: این قید را به دلیل خارج شدن کسی که نیابت عام ازجانب امام دارد آورده است((2)) اما باید توجه داشت که بعضی متکلمان قید عامه را کافی دانسته وقید اصاله را لازم نمی دانند.

5 - قید لا نیابهٔ عن الغیر هو فی دار التکلیف: این قید به دلیل دوری گزیدن از نص نبی یا امام نسبت به امامت امام بعدی است که با وجود ناصی، او در دار تکلیف به دلیل قابلیت نداشتن مکلفین ریاست ندارد.((3))

6 - قید خلافهٔ او نیابهٔ عن النبی: این قید برای خارج کردن نبی از تعریف امامت است.

7 - قید یجب اتباعه علی کافهٔ امهٔ: با این قید قاضی و مجتهد و... خارج شده است((4)).

هم چنین در این قید وظیفهی مأمومین نسبت به امام و تبعیت از امام بیان شده است.

پس از نگارش مؤلفه های جامع و مانع در این تعریف، بر این نکته تأکید می شود که آوردن

1-) شرح المقاصد، ج5، ص234.
2-) المنتقذ من التقلید ج 2 ص235
3-) المسلک فی اصول الدین، ص187.
4-) ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین، ص325

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برخی از قید ها در تعریف از جانب برخی متکلمان شیعه و سنی مورد اشکال واقع شده است که در بخش بررسی مبانی دانشمندان شیعه و سنی بدان اشاره خواهد شد.

تبیین مفاهیم مشترک

پس از ارائه جامعیت و مانعیت در تعریف مشهور میان شیعه و سنی، اینک مناسب است به مفاهیم و وجوه مشترک میان آنان اشاره شود:

1 - جانشینی پیامبر9: با مروری بر تعریف هایی که گذشت استفاده می شود که گروهی از دانشمندان شیعه و سنی در تعریف امامت واژه «خلیفۀ الرسول» را قید آورده و گفتند امام کسی است که پس از پیامبر9 به عنوان جانشین اوست و در برخی موارد از واژه «نیابت» استفاده شده بود.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

2 - ریاست دینی و دنیایی بر مردم: در این تعریف ها واژه ریاست عامه در امور دین و دنیای مردم بسیار شایع و تقریبا همگانی بود و این را وظیفه اجرایی امام می دانستند که پس از رسیدن به امامت و رهبری در امور دینی و دنیایی مردم تصرف و رسیدگی نماید. بر این اساس معلوم شد که متکلمان شیعه و سنی امامت را تنها یک مقام سیاسی و اجتماعی و دنیوی نمی دانند بلکه او را یک مقام دنیوی و دینی می دانند و از اینجا نادرست بودن این سخن که اهل سنت امامت را تنها یک مقام دنیوی می دانند به دست می آید.((1))

3 - واجب الطاعه بودن: بحث واجب الطاعه بودن در واقع بیان وظیفه مردم در برابر امام است که در برخی تعریف ها بدان اشاره شده است. در حقیقت بیان این مطلب است که رابطه امام و ماموم طرفینی است که امام در برابر امت و امت در برابر امام وظایف و مسئولیت هایی دارند که این قید با نگاه دینی جای بحث فراوان دارد که آن شخص واجب الطاعه باید چه شرایطی داشته باشد.

4 - محافظت و ترویج شریعت: گرچه این قید را بیشتر متکلمان نیاورده اند و تنها در تعریف شیخ مفید با جمله «حفظ الشرایع»، شیخ طوسی با «حفظ مصالح الدینیه»، ابن خلدون با «حراسةٌ الدین»، قاضی ایجی با «اقامةٌ الدین» و آمدی با «اقامةٌ قوانین الشرع» ذکر نموده اند اما این قید از جهت کاربردی اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا

1-) شیخ محمد سند، الامامه الاهیه، ج1، ص254.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نشان دهنده استمرار وظیفه رهبری و امامت پس از رسول خدا9 است.

5 - الاهی بودن امامت: با نگاهی به ساختار و ترکیب لفظی تعریف هایی که ارائه شد معلوم است که این قید الاهی بودن در هیچ یک از تعریف های دانشمندان اهل سنت نیامده است اما در تعریف های دانشمندان قدیم امامیه نیز نیامده است، بلکه این قید در میان متاخران مانند نوری، طبرسی، میرزا احمد آشتیانی به ویژه در آخرین تعریف - که از بدایةٌ المعارف نقل شد - آمده است. در حالی که این قید در هویت شناختی و چیستی امامت اهمیت فراوان داشته و نشان دهنده هویت آسمانی و الاهی بودن امام بر حق و هدایت گر واقعی است که ما بعداً در این زمینه در بحث تفاوت ماهوی اهل سنت با شیعه در امام شناسی اشاره خواهیم کرد.

روش شناسی متکلمان در تعریف امامت

متکلمان در تعریف امامت و جایگاه اعتقادی آن به لحاظ منطقی از دو روش استفاده کرده اند:

الف - تعریف امامت با توجه به ملاک های برگرفته شده از برهان عقلی که تأیید شده به وسیله ی ادله نقلی از قرآن و سنت است و سپس تطبیق آن با مصادیق خارجی؛

ب - تعریف امامت با نگاهی به مصادیق خارجی سپس تطبیق آن مصادیق با قدر جامع از ضرورت ها و اولویت های صرفا اجتماعی.

حال با دقت به این دو روش می توان گفت روش نخست از نوع قضایای حقیقیه و روش دوم ازنوع

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

قضایای خارجیه است. با این وصف نسبت به تعریف مشهور درباره امامت اگر چه در ظاهر الفاظ میان دانشمندان شیعه و سنی دوگانگی زیادی مشاهده نمی شود، اما از حیث نتایج اعتقادی که آنان از تعریف امامت به دست آورده اند یکسان نیست؛ زیرا اگر با رویکرد اعتقادی و کلامی شیعی به امامت نگریسته شود، مهم ترین بحث در موضوع امام و امامت، مسئله نصب الاهی بودن آن است. این در حالی است که دانشمندان اهل سنت با توجه به مصداق های خارجی و حاکمانی که ادعای جانشینی پیامبر9 را داشتند، امامت را تعریف و ارزیابی کرده اند((1)) که در واقع از همین نقطه دوگانگی و جدایی تشیع و تسنن درباره ماهیت امامت آغاز شده و به جدا انگاری در مصداق انجامید.((2))

در تعریف های ذکر شده پیداست که متکلمان اهل سنت تماما و متکلمان امامیه غالبا((3)) به این بحث نپرداخته اند و در نتیجه تعریف های آنان از تعریف موضوعی خارج شده و بر اساس تعریف غایت یعنی ریاست عامه که یکی از شئون و وظایف امام است، پرداخته شده است. با نگرش خوش بینانه و اغماض و تساهل می توان گفت که این تعریف ها تنها در بیان یک بخش از امامت است که عبارت است از جنبه ظاهری آن؛ اما نسبت به معرفی و بیان تمام موضوع امامت کامل نیست. در این باره در برخی منابع این چنین آمده

1-) تفصیل مبانی ودیدگاه اهل سنت در این زمینه بعداً خواهد امد.
2-) تفصیل این بحث بعداً خواهد امد.
3-) بعداً علت آن را ذکر خواهیم نمود.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

است: طرح امامت از نظر اعتقادی و فرهنگی جزء اصلی ترین مبانی ایدئولوژیک اسلام است و تحلیل های سنتی بیشتر دو بخش شرایط و مسئولیت های امامت را مورد بحث قرار داده است ولی باید توجه داشت که این بحث وقتی روشن می شود که ماهیت امامت و عناصر تشکیل دهنده این طرح ایدئولوژیک کاملا مشخص شود و بر اساس نوع و شکل امامت است که شرایط و مسئولیت های امامت نیز دقیقا تعیین می شود. ((1)) برای توضیح بیشتر این ادعا باید گفت بیشتر متکلمان ابتدا امامت را به همان طرح رایج ریاست عامه تعریف کرده اند و بعد از آن درباره شرایط مانند علم، عصمت و غیره پرداخته اند که در این صورت اثبات آن شرایط واقعا کار مشکلی است؛ بلکه بهترین راه این است که در ابتدا امامت را با همان ماهیت و نوع الاهی بودن آن طرح نماید و پس از آن است که اثبات آن شرایط نیز آسان خواهد بود.

نگرشی بر تفاوت تعریف کلامی امام و نبی

مروری بر تعریف هایی که برای امامت از جانب متکلمان شیعه و سنی نگارش یافت، نمایانگر این مطلب است که در ظاهر این تعریف ها و الفاظ تفاوت چندانی وجود ندارد دست کم به تناسب عنوان بالا می توان از بیشتر آن تعریف ها استفاده کرد که متکلمان شیعه و سنی در تعریف امامت توجه خاصی به بحث خلافت و جانشینی دارند و بیشتر آنان بحث «خلافةٌ عن النبی» یا

1-) آیت الله عباسعلی عمید زنجانی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج1، ص163.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«نیابةً عن النبی» را مطرح کرده اند.

پس از آن، مطلب قابل توجه دیگر در همین تعریف ها، بحث لزوم اطاعت و فرمانبرداری امت از امام مطرح شده و اطاعت از او را به منزله اطاعت از فرمان پیامبر9 دانسته اند؛ چنانچه شیخ صدوق در این زمینه می نگارد: «بنا به اعتقاد ما امامیه، کسی که امامت را انکار کند گویا نبوت را انکار نموده است».((1)) حال در اینجا به تناسب بحث که بررسی و تعریف امامت است جای این سؤال است که اگر امام طبق این تعریف جانشین پیامبر9 و مانند آن حضرت واجب الطاعه است (که حق هم همین است) پس چرا در تعریف مشهور از طرح منصب الاهی بودن، که دخالت مستقیم در ماهیت امامت دارد، خودداری شده است؟ این در حالی است که در تعریف نبی و نبوت بحث نصب الاهی بودن به خوبی طرح شده است که برای روشن شدن مطلب به شواهدی از آن تعریف ها اشاره می شود:

خواجه نصیر الدین طوسی می گوید:

النبی انسان مبعوث من الله تعالی الا عباده؛((2))

نبی انسانی است که از جانب پروردگار به سوی بندگانش برگزیده می شود.

و در ادامه می گوید غرض و هدف از بعثت انبیا این است که بندگان خدا را با راههای کمال و اطاعت و نیز دوری از معصیت خدا آشنا سازند.

1-) الهدایة، ص27.
2-) قواعد العقائد، ص87

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و در بسیاری از منابع دیگر در تعریف نبی آمده:

النبی هو انسان مخبر عن الله بغیر واسطه احد من البشر؛((1))

نبی انسانی است که از جانب خداوند بدون واسطه شدن هیچ بشری خبر دهد.

هم چنین در تعریف دیگر آمده است:

النبوه خلافه الهیه لاصلاح المعاش و المعاد مع فعل الخارق للعاده؛((2))

نبوت جانشینی خداوند است برای ساماندهی امور دنیوی و اخروی با انجام کارهای غیر متعارف.

نیز در تعریف نبی آمده است:

النبوه منصب الاهی یؤتیه الله من یشاء من افراد الانسان بلاحیثیه نیابیه؛ ((3))

نبوت منصب الاهی است که خداوند آن را بر هر فردی از انسان ها که بخواهد، می دهد.

عضد الدین ایجی نیز در «شرح مواقف» بر جنبه الاهی بودن نبوت اشاره نموده، می نگارد:

قالوا فی هذا التعریف النبی هو من قال له تعالی ارسلناک الی الناس

1-) شیخ مفید النکت الاعتقادیه، ص34؛ المسلک فی اصول الدین، علامه حلی، ص153.
2-) رسائل فیض کاشانی، ص633؛ عقائد الامامیه، شیخ محمد رضا مظفر، ص 48.
3-) محمد اصف محسنی، صراط الحق، ج3، ص11.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

او الی قوم؛((1))

دانشمندان ما در تعریف نبی گویند: نبی کسی است که خداوند به او خطاب کند ما تو را به سوی تمام مردم یا قومی فرستادیم.

تفتازانی در تعریف نبی می نگارد:

النبی هو کون الانسان مبعوثا من الحق الی الخلق؛((2))

نبی انسانی است که از جانب حق به سوی خلق برگزیده باشد.

در «شرح عقائد طحاویه»، یکی دیگر از منابع اهل سنت، درباره تعریف نبی آمده است:

النبی هو من اوحیی الیه بشرع؛((3))

نبی کسی است که به سوی او از جانب شرع وحی می شود.

بنابراین شیعه و سنی در تعریف نبی بدون هیچ گونه اختلافی الاهی بودن آن را در ماهیت نبی قبول داشته و در تعریف نبی آن را لحاظ نموده اند و تأکید می شود از آنجا که مقام نبوت برای نبی و مقام امامت برای امام جلوه ای از الطاف خداوند بوده و در ماهیت هر دو مقام

1-) شرح مواقف، ج8، ص269.
2-) شرح مقاصد، ج5، ص5.
3-) شرح عقاید الطحاویه، ص329.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دخالت دارد؛ مناسب بود که متکلمان در تعریف امامت، مانند نبوت جنبه الاهی بودن آن را لحاظ می کردند.

یکی از نویسندگان معاصر در این رابطه می نگارد: «در هر جا سخن از کار خداوند بود مسئله کلامی است و در نبوت و امامت باید گوید یجب عن الله که نبی بفرستد و در امامت نیز گوید «یجب عن الله» که جانشین معصوم به جای نبی تعیین کند».((1))

ما در اینجا به همین مقدار از بحث اکتفا می کنیم و تأکید می شود که این دوگانگی در تعریف امام و نبی دلیل دیگر است بر اینکه تعریف امام و امامت از جهت ماهیت و موضوع تعریف مانع و جامع نیست.

تفاوت و تشابه امامت و نبوت

گرچه اصل این بحث، از موضوع این نگارش، که درباره معنا شناسی اصطلاحی امامت است، خارج می باشد، از آنجا که بسیاری از متکلمان به این بحث پرداخته اند در اینجا به اختصار اشاره می شود. از مباحث پیشین درباره تعریف امام و نبی روشن شد که امام و نبی از جهاتی با هم مشترک و از جهاتی نیز با هم تفاوت دارند؛ مثلا در اینکه مقبولیت و مشروعیت هر دو از جانب خداوند است و اینکه هر دو هادی اند و... مشترک می باشند و در اینکه نبی بدون واسطه ی احدی از بشر از جانب خداوند سخن می گوید اما امام با واسطه بشر، - که نبی باشد - سخن می گوید((2))

1-) تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج1، ص6.
2-) عماد الدین طبرسی، حسن بن علی، اسرار امامت، ص145.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

جنبه افتراق و تفاوت های میان نبی و امام است.

شیخ طوسی در این رابطه، رساله مستقلی به نگارش درآورده که در بخشی از آن می نگارد: «در لفظ امام دو معنا وجود دارد الف: مقتدا بودن و ب: تدبیر امت در امور سیاست و دفاع از جامعه دینی... می باشد؛ در معنای اول نبی و امام تفاوتی با هم ندارند؛ زیرا نبی کسی است که به کردار و گفتارش می توان اقتدا نمود اما از جهت معنای دوم گاهی با هم تفاوت دارد؛ زیرا قیام به تدبیر امور سیاست و به دست گرفتن امور حکومتی بر هر نبی واجب نیست».((1))

شهید مطهری درباره نسبت بین امام و نبی می گوید: «حقیقت این است که میان راهنمایی (شان نبوت) و رهبری (شان امامت) به حسب مورد، عموم من وجه است نبوت از نوع راهنمایی و امامت از نوع رهبری است و این دو مورد عام من وجه می باشند».((2))

ما در اینجا به همین مقدار بسنده می کنیم و برای تکمیل این بحث لازم است که تعریف امامت و ناسازگار بودن آن را به گونه ای مستقل در دو گزینه با رویکرد اعتقادی و کلامی تشیع و تسنن تطبیق نموده و تفاوت ها را نشان دهیم.

1-) برای تفصیل بیشتر رک الرسائل العثر، ص109-114.
2-) امامت و رهبری، ص29

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تبیین تفاوت ها در تعریف های کلامی شیعه و سنی

اشاره

آنچه تاکنون درباره تعریف امام و امامت در اصطلاح متکلمان شیعه و سنی به نگارش درامد، کلیاتی بود برای نشان دادن برخی نارسایی ها تا با طرح این بحث زمینه ای فراهم شود برای ورود به بحث عینیت سازی و شناخت تفاوت ها در این تعریف ها که هم اکنون مناسب است این بحث از دیدگاه معرفتی و اعتقادی شیعه و سنی جداگانه تحلیل و بررسی شود.

الف - تطبیق میان حقیقت امامت و تعریف آن نزد اهل سنت

اشاره

با توجه به تعریف مشهور که درباره امامت نگارش یافت، با این سؤال مهم روبه رو هستیم که آیا این تعریف با مبانی اعتقادی اهل سنت، نسبت به امامت و حقیقت آن همخوانی دارد یا خیر؟

برای پاسخ به این سؤال ناگزیریم ابتدا به چیستی و ماهیت امامت در اندیشه اهل سنت توجه کنیم که در این زمینه به گزینه های زیر اشاره شده و سپس تعریف مشهور را با آن تطبیق نماییم.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1 - لزوم تعیین و مشروعیت امام

اصل لزوم وجود امام برای پیشوایی و رهبری امت اسلامی بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، چیزی است که تمام مذاهب اسلامی به آن اتفاق دارند مگر عده اندکی از خوارج و برخی از معتزله.((1)) اما در چگونگی تعیین امام وکسب مشروعیت منصب و مقام امامت، میان دانشمندان شیعی و اهل سنت اختلاف وجود دارد؛ زیرا از دیدگاه شیعی امامت یک مقام و منصب الاهی است که تعیین امام مربوط به خداوند است؛ اما اهل سنت برخلاف مبانی شیعه مقام امامت را یک منزلت اجتماعی و منصب عادی و غیر الاهی می دانند که مردم، به ویژه اهل حل و عقد، او را به عنوان امام تعیین می کنند. در حقیقت ملاک و ضابطه اهل سنت در تبیین این دیدگاه، الف: بیعت، ب: تعیین خلیفه قبلی و ج: شورا (که همان شیوه های روی کار آمدن سه خلیفه نخست است) می باشد و هم چنین راه استیلا به وسیله ی قهر و غلبه را نیز برای مشروعیت بخشیدن به خلفای اموی و عباسی ارائه نموده اند.((2)) چنانچه تفتازانی در این زمینه با صراحت می نگارد:

و تنعقد الامامه بطرق احدها بیعه... الثانی استخلاف... و الشوری و الثالث القهر و الاستیلا.((3))

هم چنین ماوردی در این رابطه

1-) ابن میثم بحرانی، النجاۀ فی القیامۀ فی تحقیق امر الامامۀ، ص30؛ شرح المقاصد، ج 5، ص235.
2-) شرح المواقف، ج 8، ص 346.
3-) شرح مقاصد، ج5، ص233

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می نگارد: «امامت به دو صورت حاصل می شود: یکی به وسیله ی گزینش اهل حل و عقد و دیگری با انتصاب به واسطه امام پیشین و در شکل اجرای عملکرد اهل حل وعقد در تعیین امام چهار نظریه را مطرح نموده است».((1))

قاضی ابویعلی درباره تعیین امام می نگارد: «امامت با اعمال زور و قدرت حاصل می شود و نیازی به گزینش و عقد ندارد؛ بنابراین هر کس که به زور شمشیر پیروزی به دست آورد و بر مسند خلافت نشست، فرمانش بر همگان نافذ است».((2))

عبد الرحمن بن خلدون نیز در این باره می نگارد:

ثم ان نصب الامام واجب قد عرف وجوبه فی الشرع باجماع الصحابه و التابعین لان اصحاب رسول الله عند وفاته بادرو الی بیعه ابی بکر و تسلیم نظر الیه فی امور هم کذا فی کل عصر بعد ذالک؛((3))

پس نصب امام واجب است و وجوب آن در شرع به واسطه اجماع اصحاب و تابعین به دست می آید، زیرا اصحاب رسول خدا9 پس از رحلت آن حضرت فورا با ابوبکر بیعت نموده و سرنوشت خودشان را به او سپردند و هم چنین بعد از آن در تمام زمان ها همین سیره جریان

1-) الاحکام السلطانیه، ص6.
2-) الاحکام السلطانیه، ص20.
3-) مقدمه ابن خلدون، ص205.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

داشت.

با این گزارش می توان به این نتیجه اشاره کرد که پیدایش برخی ناسازگاریها در اندیشه معرفتی و عملی اهل سنت در مسئله امامت و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اثر همگرایی و تلفیق انگیزه های شخصی برخی دانشمندان و حاکمیت سیاسی بوده است که به وسیله طرح عملکرد صحابه در تعیین امام وحجیت آن، هم کردار خلفای پیشین را توجیه نمودند و هم زمینه اقتدار خلفای پسین را، تا جایی که غزالی در دوره حاکمیت بنی عباس آنان را خلفای واقعی پیامبر9 دانسته و اطاعت آنان را واجب می دانست.((1))

در پیوست همین نظریات است که ابن خلدون در تحلیلی جامع درباره خلافت می گوید: «پس از زمان معاویه خلافت از مجرای واقعی خود خارج شد و تبدیل به سلطنت گردید به گونه ای که دیگر در انتخاب خلیفه، بیعت امت مطرح نبود بلکه مسئله ولایت عهدی مطرح شد که آن هم راهی صحیح بود.»

و قد عرف ذالک من الشرع باجماع الامه علی جواز انعقاده اذ وقع بعهد ابی بکر لعمر بمحضر الصحابه و اجازوه و اوجبو علی انفسهم به طاعه عمر؛((2))

و دلیل شرعی ولایت عهدی نیز از اجماع امت به دست می آید؛ زیرا ابوبکر بعد از خود خلافت را در حضور اصحاب به عمر واگذار نمود و آنان نیز آن را جایز شماریده و اطاعت

1-) تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج5، ص342.
2-) مقدمه ابن خلدون، صص222و 223.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عمر را بر خودشان واجب دانستند.

گفتار روشن و صریح این افراد به خوبی نشان دهنده این مطلب است که آنان حتی اصل وجوب نصب امام را از کردار صحابه گرفته اند نه از مبانی مستند به کتاب و سنت پیامبر9 و به دنبال همین عقیده است که پس از آن به آسانی و زنجیر وار تمام مسائل امامت و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را با استناد به همین کردار سیاست آمیز صحابه حل نموده اند.

2 - فرع انگاری امامت

پژوهشگران مسائل دینی با توجه به ملاک های برگرفته از آموزه های اسلامی، باورهای دینی را به دو بخش اصول دین و فروع دین تقسیم نموده اند و به تبع آن برای تعیین جایگاه هر یک از دستورات دینی این بحث را مطرح کرده اند که کدام یک از آموزه های دینی جزء اصول دین و التزامات اعتقادی قرار دارند و کدام یک جزء فروع دین و التزامات عملی؟

در حقیقت این بحث یکی از مطالب کلیدی و دارای گستره فراوان در میان اندیشمندان اسلامی می باشد که تفصیل آن در این اثر نمی گنجد و تنها به تناسب بحث امامت بر این مطلب تأکید می شود که تعیین جایگاه امامت و اینکه امامت از اصول است یا از فروع، در میان اندیشمندان شیعی و سنی مورد اختلاف است؛ چنانچه اندیشمندان شیعی آن را از اصول دانسته((1)) و دانشمندان اهل سنت آن را در ردیف فروعات قرار

1-) تفصیل این بحث بعداً خواهد امد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

داده اند که به شواهدی در این زمینه اشاره می شود:

قاضی ایجی در این زمینه می نگارد:

هی عندنا من فروع و انما ذکر ها فی علم الکلام تأسیا بمن من قبلنا؛((1))

امامت نزد ما از فروعات (مسائل فقهی) است و آن را در علم کلام ذکر نمودم برای اقتدا به پیشینیان.

هم چنین تفتازانی در این زمینه می نگارد:

لا نزاع فی ان مباحث الامامه بعلم الفروع الیق لرجوع ها الی ان القیام بالامامه و نصب الامام الموصوف بالصفات المخصوصه من فروض الکفایات؛((2))

نزاعی نیست در این که بحث امامت در میان فروعات سزاوار تر است چون بحث امامت بر این باز می گردد که تعیین امام با آن ویژگی های مخصوص از واجبات کفایی (و مربوط به مکلف) است.

سیف الدین آمدی در این زمینه می نگارد: «سخن گفتن درباره امامت نه از اصول دین است و نه آن قدر مهم که مکلف نتواند آن را رها کند یا به آن جاهل باشد».((3))

1-) شرح المواقف، ج8، ص344.
2-) شرح المقاصد، ج5، ص232.
3-) غایت المرام فی علم الکلام، ص 363.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در این باره در کتاب «المعتقد المنتقد» آمده است:

الباب الرابع فی الامامه اصل مباحثها من الفقه العملی لان القیام بها من الفروض الکفایه و ذلک من احکام العملیه دون الاعتقاد یه و محل بیانها کتب الفروع و انما کانت متمتعه لعلم الکلام لما شاعت فی الامامه من اهل البدع الاعتقاداه فاسده مخله بکثیر من القواعد الاسلامیه؛((1))

باب چهارم در امامت است که جایگاه این بحث فقه عملی است زیرا قیام به امامت واجب کفایی است و واجب کفایی از احکام عملی است نه اعتقادی و محل بیان آن کتاب های فروع می باشد؛ اما آن را در علم کلام آوردیم برای اینکه از طرف بدعت گزاران در مسئله امامت بدعت های فراوان به وجود آمده بود که سبب ناسازگاری های بسیار در قواعد اسلامی شده است.

بدیهی است که داشتن چنین اعتقادی درباره امامت به عنوان یک مقام اجتماعی و به دور از دخالت شرع بسیار انعطاف پذیر بوده و بدون داشتن هیچ گونه ضابطه و ملاکی می توان از آن برای رسیدن افراد به خاستگاه شان استفاده کرد و از نظر اعتقادی و التزام عملی، این چنین امامت، که در موضوع و ماهیت آن، شرع هیچ گونه

1-) فضل الرسول قادری، المعتقد المنتقد، ص195.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

جایگاهی ندارد، می تواند محور تعریف همان ریاست عامه در امور دین و دنیا قرار گرفته و پس از آن اگر در مسیر رهبری در امور دینی به مشکلی برخورد نماید می توان با دادن حق اجتهاد به آن رهبر، مسئله را حل کرد و در نهایت توجه به این نکته مهم ضرورت دارد که آنچه از گفتار برخی دانشمندان اهل سنت بر می آید نظریه فرع انگاری، مسئله امامت مبتنی بر نظریه نصب و تعیین امام می باشد که در گزینه قبلی نگارش یافت، زیرا وقتی اهل سنت تعیین و نصب امام را جزء افعال مکلفان دانستند، ناگزیر هستند که جایگاه اعتقادی و عملی امامت را نیز از موضوعات فرعی و مربوط به فقه بدانند.((1))

3 - شرایط و اوصاف امام

با اندک تأمل در آثار دانشمندان اهل سنت به خوبی نمایان می شود که آنان نسبت به شرایط و اوصاف امام دیدگاه های مختلفی دارند که به شواهدی اشاره می شود:

تفتازانی شروط ذیل را برای امام ذکر نموده است: مسلمان بودن، آزاد بودن، مرد بودن، عدالت، شجاعت، اجتهاد و قریشی بودن.((2))

قاضی ایجی مجتهد بودن، شجاعت، داشتن تدبیر در امور لشکری و حفظ مرزهای اسلامی، عدالت، بلوغ و قریشی بودن را برای امام شرط دانسته است.((3))

ابوبکر باقلانی سه شرط قریشی بودن،

1-) ماوردی، الاحکام السلطانیه، ج2، ص5.
2-) شرح المقاصد، ج5، ص243.
3-) شرح المواقف، ج8، ص 349.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برخورداری از علم و آگاهی در حد یک قاضی و آشنایی با امور جنگی و اداره لشکر و توانایی حفظ مرزها و انتقام از ستمگر را شرط دانسته است)(1)(

قاضی عبدالجبار معتزلی یکی از دانشمندان معتزلی شرایط زیر را برای امام لازم می داند:

1 - داشتن علم به اندازه ای که بتواند با مراجعه به گفتار علما قول ضعیف را از قوی تشخیص بدهد؛

2 - داشتن مرتبه بالایی از عدالت و پارسایی؛ در غیر این صورت نمی تواند عهده دار منصب قضاوت و مجری احکام اسلامی باشد؛

3 - شجاعت؛ چون اگر شجاعت نداشته باشد نمی تواند سپاه اسلام را سامان داده و مرزهای اسلامی را حفظ نماید؛

4 - عاقل بودن؛

5 - بالغ بودن؛

6 - مرد بودن؛

7 - آزاد بودن.((2))

ابن خلدون برای امام 4 شرط را لازم دانسته است:

1 - علم؛

2 - عدالت؛

3 - کفایت در امور مردم؛

4 - سلامت در فکر و بدن.

اما شرط پنجم، یعنی قریشی بودن را مورد

1-) تمهبید الاوائل، ص471.
2-) شرح الاصول الخمسه، ص 750.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اختلاف دانسته است.((1))

سرانجام اینکه با دقت در شرایطی که ذکر شد می توان به این نتیجه رسید که اهل سنت در اوصاف و شرایط امام رویکرد فقهی داشته و اوصاف دیگری مانند عصمت را که ارتباط با مسائل اعتقادی دارد، شرط نمی دانند که شواهد آن بعداً ذکر خواهد شد.

4 - وجوب اطاعت از امام

در پیوست گزینه های پیشین مبنی بر تعیین امام و شرایط او، که از نظر اهل سنت امام یک فرد عادی غیر معصوم و مقام امامت یک منصب غیر الاهی و با اعطای بشری معرفی شد، اینک با این مطلب مهم رو به رو هستیم که اهل سنت از نظر عملی پیروی از چنین امامی را چگونه تصویر نموده است که در این زمینه در منابع اهل سنت می توان به مطالب اعجاب انگیز مبنی بر وجوب تبعیت مطلق از امام را به دست آورد که به شواهدی اشاره می شود:

در این باره آمدی و قاضی ایجی، دو تن از متکلمان اهل سنت بحث وجوب اطاعت و فرمانبرداری از امام را، آن گونه که قبلاً ذکر شد، در تعریف امامت گنجانده و

سیف الدین آمدی می نگارد:

و الحق ان الامامه عباره عن خلافه شخص من الاشخاص للرسول فی اقامه قوانین الشرع و حفظ حوزه المله علا وجه یجب اتباعه علی

1-) تاریخ ابن خلدون، ج1، ص 191.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کافه الامه؛((1))

حق این است که امامت عبارت است از جانشین فردی از افراد رسول خدا9 در برپایی قوانین شرع و نگهبانی از تمامیت ملت به گونه ای که بر تمام امت پیروی از او واجب است.

و نیز قاضی عضد الدین ایجی می گوید:

هی خلافه الرسول فی اقامه الدین بحیث یجب اتباعه علی کافه الامه؛ ((2))

امامت جانشینی پیامبر9 است در برپایی دین به گونه ای که لازم است تمام امت از او پیروی نمایند.

تفتازانی نیز در این باره می گوید: «هر کسی از طریق انتخاب مردم به منصب امامت رسید،

یجب علی کافه الامم الاتباع لان الصحابه قد اجتمعوا؛((3))

فرمان برداری از او واجب است چون صحابه به آن اجماع نموده است.

و همو درباره عملکرد امام و تبعیت از آن می نگارد:

و لا ینعزل الامام بالفسق ای بالخروج عن طاعه الله تعالی و الجور ای الظلم علی عبادالله تعالی لانه قد ظهر الفسق و انتشر الجور من

1-) ابکار الافکار فی الصول الدین، ج3، ص416.
2-) شرح المواقف، ج8، ص345.
3-) شرح عقائد نسفیه، ص229.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الائمه و الامراء بعد خلفا راشدین و السلف کانو ینقادون لهم و یقیمون الجمع و الاعیاد باذنهم و لایرون الخروج علیهم؛((1))

امام به واسطه فسق و بیرون شدن از فرمان الاهی و جور و ستم بر بندگان خداوند عزل نمی شود؛ زیرا فسق و جور و گناهان فراوان از پیشوایان بعد از خلفای راشدین آشکار شدند با وجود این امت اسلامی از آنان فرمان برداری نموده و نماز های جماعت و اعیاد اسلامی را به فرمان آنان بر پاداشته و بر آنان خروج نکردند.

آنچه ذکر شد رویکرد کلامی اهل سنت نسبت به تبعیت از امام بود و اما از آنجایی که اهل سنت امامت را از فروعات و مسائل فقهی می دانند، فقهای اهل سنت نیز با رویکرد فقهی نگریسته اند؛ چنانکه یحیی بن شرف نووی یکی از دانشمندان اهل سنت در این رابطه می نگارد: «بسیاری از فقها و محدثان و متکلمان ما (اهل سنت) اتفاق دارند که زمامدار و پیشوا با ارتکاب فسق و ستم و جاری نکردن حقوق و حدود الاهی عزل و برکنار نمی شود و این موارد سبب قیام بر علیه او نمی گردد».((2))

و نیز در بعضی دیگر از منابع فقهی اهل سنت آمده است:

یجوز الصلاه خلف کل فاجر لان الصحابه و التابعین کانو لا یمتنعون

1-) شرح عقائد نسفیه، ص239.
2-) شرح النووی علی صحیح مسلم، ج12، ص129.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

من الاقتداء بالحجاج فی صلاه الجمعه و غیر ها مع انه کان افسق اهل زمانه؛((1))

نماز خواندن پشت سر هر فاجر جایز است زیرا صحابه و تابعین از خواندن نماز جمعه و غیر آن پشت سر حجاج که فاسق ترین دوره خودش بود خودداری نمی کردند و در برخی منابع اهل سنت آمده است نماز خواندن پشت سر فاسق جایز است

لان ابن عمر کان یصلی خلف الحجاج و انه کان افسق اهل زمانه((2)).

هم چنین شوکانی در تحلیل جواز نماز پشت سر فاسق می نگارد:

قد ثبت اجماع اهل العصر الاول من بقیته الصحابه و من معهم من التابعین اجماعا فعلیا و لا یبعدان یکون قولیا علی الصلاه خلف الجائرین لان الامراء فی تلک الاعصار کانوا ائمه لصلوات الخمس فکان الناس لا یؤمهم الاامرائهم فی کل بلده فیها امیر و کانت الدوله ذاک لبنی امیه و حالهم و حال امرائهم لا یخفی؛((3))

1-) المبسوط سرخیس، ج1، ص40.
2-) البحر الرائق، ج1، ص610، ابن نجیم مصری حنفی.
3-) نیل الاوطار، ج3، ص200.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ثابت شده است که بقیه صحابه از عصر اول و تابعین اجماع عملی و بلکه قولی داشته اند که نماز پشت سر ستمگران جایز است، زیرا امیران در آن زمان، امام نماز های پنج گانه بودند و مردم نیز در نماز از آنان پیشی نمی گرفتند و حکومت در آن زمان در دست بنی امیه بود که حال آنان و فرماندارانشان معلوم است.

بازخوانی تعریف امامت و تبیین تفاوت ها

اشاره

آنچه تاکنون درباره حقیقت امامت در چهار گزینه پیشین نگارش یافت، بخشی از مسائل اعتقادی و تمایز اندیشه اهل سنت نسبت به امامت بود.

در اینجا مناسب است بار دیگر به بحث اصلی، که تعریف امامت بود برگشته و با رویکرد جدید که خالی از تکرار و تطویل مطلب باشد، تعریف امامت در نزد اهل سنت را با حقیقت امامت در نزد آنان تطبیق نموده به تفاوت ها و سؤال هایی که در این زمینه وجود دارد، اشاره شود.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1 - ریاست عامه

در تعریف مشهور اهل سنت بحث ریاست عامه مطرح شده است و از جهت عملی معنای این جمله این است که امام دارای شئون و اختیارات وسیع در جامعه اسلامی است که می تواند در امور دین و دنیای مسلمانان تصرف نماید((1)) و حال طبق مبنای اهل سنت مبنی بر انتخابی بودن امام به وسیله ی بشر و خالی بودن آن از پشتوانه الاهی (که از انتخاب خلیفه اول می توان به عنوان نمونه یاد کرد)، جای این سؤال است که چگونه ایشان با انتخاب پنج نفر((2)) به ریاست عامه دست یافت؛ در حالی که عده فراوانی از مسلمانان مانند بنی هاشم که در راس آنان علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داشت، سعدبن عباده، طلحه و زبیر و نیز صحابیان بزرگی مانند سلمان، مقداد، ابوذر و... مخالف انتخاب ایشان بود((3)) و علاوه بر آن اهل سنت برای مشروعیت این انتخاب هیچ گونه دلیلی از شرع و نقل نیاورده است و تنها دلیل آنان در این مسئله عملکرد اصحاب پیامبر9 است.((4))

با توجه به مطالب یاد شده فتح الدین حنفی یکی از دانشمندان اهل سنت بر این مطلب توجه

1-) شرح عقائد نسفیه، ص239.
2-) در اینکه ابوبکر به وسیله ی چه کسانی روی کار امد، اهل سنت اختلاف دارند؛ بعضی از آنان از پنج نفر یعنی عمر بن خطاب، اسید بن حضیر، بشیر بن سعد، سالم مولی ابو حضیفه و ابو عبیده جراح و برخی تنها از عمر بن خطاب نام می برند. الاحکام السلطانیه، ص6.
3-) الامامۀ و السیاسۀ، ص 21؛ مروج الذهب، ج2، ص301؛ تاریخ طبری، ج2، ص443.
4-) مقدمه ابن خلدون، ص 222.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نموده و می گوید: «تطبیق ریاست عامه و مطلقه که در تعریف آمده است، بر مصادیق مشکل دارد زیرا بر خلافت ابوبکر همه مسلمانان اتفاق نداشتند».((1))

2 - نقض ولایت عامه با ولایت اهل حل و عقد

آن گونه که قبلاً اشاره شد، اهل سنت قید «شخص من الاشخاص» را آورده است تا ولایت اهل حل و عقد را خارج نماید. هدف از آوردن این قید این است که اگر امام منتخب گرفتار عمل فسق گردد اهل حل و عقد می توانند امام فاسق را عزل نمایند ولی چون در یک زمان بیشتر از یک نفر نمی تواند امامت کند، اهل حل وعقد که متشکل از چند نفر است، امامت ندارد؛ زیرا در هر عصر امام باید یک نفر باشد و هیچ کس بر او ولایت ندارد.((2))

یکی از دانشمندان امامیه در این باره می گوید: «طبق مبنای اهل سنت مبنی بر انتخابی بودن امام به وسیله ی اهل حل و عقد، آوردن این قید برای خارج کردن ولایت آنان کافی نیست؛ زیرا اهل حل و عقد می توانند امام را در صورت انجام فسق از امامت عزل نمایند و این بدان معنا است که اهل حل و عقد بر امام ولایت دارند و نمی توان ولایت آنان را به صورت شرطی تصور کرد که اهل حل و عقد فقط در زمانی بر امام

1-) فلک النجاة فی الامامة و الصلاة، ص 10.
2-) شرح المقاصد، ج5، ص 234، به نقل از امام رازی.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ولایت دارد که امام فسق انجام دهد؛ پس ریاست عامه ای که برای امام در تعریف ذکر شده بود، در اینجا طبق مبنای دخالت اهل حل و عقد و ولایت داشتن آنان نقض می شود.((1))

3 - وجوب اطاعت از غیر معصوم

با نگاه تلفیقی به تعریف امامت نزد اهل سنت و شرایطی که آنان برای امام ذکر نموده اند، با دو مطلب متضاد یعنی اطاعت مطلقه از امام و معصوم نبودن امام رو به رو می شویم؛ زیرا آن گونه که قبلاً نگارش یافت یکی از مقوله هایی که در تعریف امامت در برخی منابع اهل سنت ذکر شده است، بحث وجوب اطاعت مطلقه از امام است چنانچه در گزینه چهارم از حقیقت امامت نزد اهل سنت شواهدی از منابع کلامی و فقهی آنان در این باره ذکر شد((2)) که از تکرار دوباره آن خودداری می شود اما درپیوست آن نمی توان این مطلب مهم را نادیده گرفت که ادعای اطاعت مطلقه از امام حتی در تعریف امامت در حالی مطرح شده است که تمام دانشمندان اهل سنت بر این مطلب اتفاق دارند که عصمت برای امام شرط نیست. قاضی ایجی در این باره میگوید: «امامیه عصمت را برای امام شرط می داند اما از نظر ما این شرط باطل است، چون ابوبکر با اینکه معصوم نبود همگان امامت او را قبول

1-) المنقذ من التقلید، ص 238، با اندکی تصرف و تلخیص.
2-) ابکار الافکار فی اصول الدین، ج3، ص416؛ شرح المواقف، ج8، ص345؛ شرح عقائد نسفیه، ص229؛ شرح النووی علی صحیح مسلم، ج12، ص129؛ المبسوط سرخس، ج1، ص40؛ البحر الرائق، ج1، ص610، ابن نجیم مصری حنفی؛ نیل الاوطار، ج3، ص200.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

داشتند».((1))

هم چنین تفتازانی می گوید:

لا یشترط فی الامام آن یکون معصوما؛((2))

برای امام معصوم بودن شرط نیست.

همو در جای دیگر شرط عصمت را برای امام از دیدگاه شیعه مطرح نموده و پس از آن در جواب می گوید:

و احتج اصحابنا علی عدم وجوب العصمت بالاجماع علی امامه ابی بکر و عمر و عثمان مع الاجماع علی انهم لم تجب عصمتهم؛((3))

اصحاب ما استدلال نموده اند به شرط نبودن عصمت بر امام بر اینکه ما اجماع داریم بر امامت ابوبکر و عمر و عثمان و از طرفی هم اجماع داریم که آنان معصوم نبوده اند.

ابو ثنا ماتریدی می نگارد: «نزد ما (اهل سنت) برخلاف رافضه عصمت برای امام شرط نیست؛ زیرا رسول خدا9 فرموده است می توانید به دنبال هر فاسق و فاجر نماز را اقامه نمایید».((4))

عبدالقاهر بغدادی اشعری در این زمینه می نگارد: «عصمت برای نبوت و رسالت شرط است، اما برای امامت، عدالت ظاهری کافی بوده و

1-) شرح المواقف، ج 8، ص 351.
2-) شرح عقائد نسفیه، ص 237.
3-) شرح مقاصد، ج5، ص249.
4-) التمهید لقواعد التوحید، ص151

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عصمت شرط نیست».((1))

طبیعی است با توجه به نقل ها و گزارش هایی که خود اهل سنت از خلفای مورد نظرشان نقل نموده اند نمی توانند برای آنان ادعای عصمت نمایند؛ مثلا وقتی خودشان نقل می کنند که ابوبکر در روز اعلام خلافت خود در مسجد رسول خدا9 به مردم خطاب نمود:

ان لی شیطانا یعترینی فاذا رایتمونی غضبت فاجتنبونی؛

پیوسته شیطانی مرا به لغزش وا می دارد. هر گاه مرا خشمگین دیدید از من دوری کنید. پس از آن ادامه داد بدانید گرچه من امور شما را به دست گرفته ام بهتر از شما نیستم.((2))

1-) اصول الایمان، ص 221.
2-) السیره الحلبیه، ج3، ص483؛ تاریخ طبری، ج2، ص245؛ البدایه و النهایه، ج6، ص307.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حال با این گفتار خلیفه که شیطان به ایشان راه دارد و نیز ایشان هیچ گونه برتری، طبق اقرار خودش، بر دیگران ندارد، چگونه می توان گفت امام باید معصوم باشد؟

البته اینجا برای رعایت حقوق علمی افراد این مطلب قابل ذکر است که همه دانشمندان اهل سنت اطاعت از امام را به گونه مطلق واجب نمیدانند؛ بلکه بسیاری از آنان به ویژه کسانی که مسلک معتزلی دارند، اطاعت از امام را تا آن حد واجب می دانند که از حق منحرف نگردد.((1))

به هر حال از آن کسانی که اطاعت مطلقه را مطرح نموده اند باید این سؤال را کرد که چگونه می توان از امامی که دارای مقام عصمت نیست و راه خطا ونسیان به رویش باز است، پیروی کرد؟

این یک واقعیت مسلم است که این نوع نگرش اهل سنت به ماهیت امامت و تنزل آن به مقام فرعی و اجتماعی برای اجرای احکام و ایجاد نظم اجتماعی، دست آنان را در گزینش خلیفه بازگذاشته است و بدون ضابطه و مبنای شرعی راه انتخاب خلفا را از طریق گزینه هایی مانند اهل حل و عقد، استخلاف، شورا و چیرگی به وسیله ی زور و قدرت جایز شماریده و عملا به آن ملتزم باشند((2)) و بعد در توجیه آن، دست از تعریف امامت، که به عنوان جانشین پیامبر9 یاد شده

1-) شهرستانی، الملل و نحل، ص116؛ مقالات الاسلامیین، ج 2، ص451.
2-) شرح مواقف، ج8، ص345؛ شرح مقاصد، ج5، ص233؛ احکام السلطانیه، بغدادی، ص7؛ مقدمه ابن خلدون، ص223؛ ماوردی، احکام السلطانیه، ص6؛شرح عقاید النسفیه، ص229.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بود، برداشته و پیوستگی میان مقام رسالت و امامت را انکار نمایند؛ چنانچه ابن جنید اسکافی در این زمینه با صراحت می گوید:

ان الامامه لا تشبیه النبوه و هی بالاماره اشبه؛((1))

امامت شباهت به نبوت ندارد بلکه شباهت امامت به امارت و فرمانروایی بیشتر است.

طبق این ادعا رابطه میان امامت و نبوت قطع شده و جایگاه امامت به امارت وفرمانروایی تنزل پیدا کرده است که تنها کاربرد آن اداره امور اجتماعی مردم است.

نگاهی بر آنچه گذشت

با دقت و تأمل در آنچه درباره تعریف امامت و حقیقت امامت در نزد اهل سنت به نگارش درآمد می توان به این نتیجه دست یافت که نظریه پردازی های اهل سنت درباره امامت، بر مبانی و ساختارهای پیشین که به زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر گردد استوار نیست؛ بلکه مبانی و تئوری های آنان در مسئله امامت و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به کردار و رفتاری که صحابه پس از رسول خدا9 انجام دادند بر می گردد؛ چنانچه شهرستانی دانشمند اهل سنت می نگارد: «تفرقه و جدایی مذاهب اسلامی در مسائل اعتقادی پس از روزگار صحابه در ایام بنی امیه آغاز گردید»((2)) و هم چنین در برخی منابع در این زمینه آمده است:

1-) المعیار و الموازنه، ص42.
2-) ملل و نحل، ج1، ص35.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«با پیدایش مکاتب کلامی و گرایش های فکری در قرن دوم هجری، یکی از مهم ترین مسائل مورد بحث این مکاتب مسئله امامت بود».((1))

نگاه پسینی اهل سنت نسبت به امامت چنان در اندیشه آنان تاثیرگذار بوده است که حتی آنان بسیاری از معیارهایی را که در تعریف امامت آمده است، نتوانسته اند در امامان خودشان تطبیق دهند؛ چنانچه لاهیجی یکی از دانشمندان شیعی در این باره می نگارد: «تعریف مذکور برای امامت میان ما و مخالفان ما متفق علیه است و حال آنکه هیچ یک از خلفا و ائمه که ایشان مختصند به قول به امامت ایشان به مجموع امور مقیده در مفهوم امامت در تعریف مذکور متصف نیستند چه ریاست در امور دینی ناگزیر موقوف است به معرفت امور دینی بالضرورت و ایشان عالم بودن امام را شرط نمی دانند و نیز ریاست در امور دینی موقوف است به عدالت بالضرورت و ایشان آن را نیز شرط ندانسته اند».((2))

ب - تطبیق میان حقیقت امامت و تعریف آن نزد امامیه

اشاره

آنچه پیش از این درباره تعریف امامت به نگارش در آمد، غالب دانشمندان امامیه مانند اهل سنت، امامت را به عنوان «ریاسةٌ عامه فی امور الدین و الدنیا» تعریف نموده اند و ظاهر این الفاظ و تعریف مشترک، ممکن است این توهم را ایجاد نماید که امامیه و اهل سنت تنها در

1-) علی رفیعی، تاریخ تحلیلی پیشوایان، ص26. یادآوری می شود که اینجا سخن در پیدایش مکاتب کلامی اهل سنت است و درباره پیدایش مکاتب کلامی تشیع بعداً بحث خواهیم کرد.
2-) گوهر المراد، ص462، نشر سایه تهران، 1383.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مصداق امامت با همدیگر اختلاف دارند، در حالی که با اندک تأمل به دست می آید که اختلاف آنان در چیستی و ماهیت امامت است. از این رو ضرورت دارد حقیقت و ماهیت امامت طبق مبنای امامیه بررسی شده و تعریف مشهور با آن تطبیق گردد.

1 - ضرورت وجود امام

در اصل لزوم وجود امام و پیشوا برای هدایت و تدبیر امور جامعه، اختلاف چندانی وجود ندارد و تنها گروه اندکی از خوارج، یعنی پیروان نجدت بن عامر، ضرورت وجود امام را انکار نموده اند((1)) و دو نفر دیگر از معتزله به نام های ابوبکر اصم و هشام الفوتی و پیروان این دو نفر وجوب انتخاب امام را انکار کرده، می گویند: «اختیار انتخاب امام در دست مسلمانان است و آنان مختار هستند که امامی انتخاب کنند یا انتخاب نکنند».((2))

اما کسانی که وجود امام را واجب می دانند یعنی امامیه، اشاعره و معتزله در تبیین این مسئله و بیان این که وجوب امامت عقلی است یا شرعی و اینکه انتخاب امام چگونه باید انجام شود، اختلاف فراوانی دارند؛ زیرا امامیه وجوب آن را عقلی و از جانب خداوند می دانند، در حالی که اشاعره وجوب امامت را نقلی و شرعی و انتخاب آن را از جانب مردم می دانند و معتزله وجوب امامت را عقلی و انتخاب آن را مانند اشاعره بر عهده مردم می دانند.((3))

1-) علامه حلی، مناهج الیقین فی اصول الدین، ص 439؛ شرح المقاصد، ج5، ص 236.
2-) ناشی اکبر، فرقه های اسلامی و مسئله امامت، ص 75؛ شرح المواقف، ج8، ص 345.
3-) خواجه طوسی، قواعد العقائد، ص110؛ ابن میثم، انجاة فی القیامة فی تحقیق امر امامة، ص30؛ شرح المواقف، ج8، ص345؛ قاضی عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، ص759.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

2 - چگونگی تعیین امام

در تعیین امام برای امامت و پیشوایی از دیدگاه تشیع پیش از همه باید به این نکته باید توجه کرد که امامت در اعتقاد شیعه دارای ماهیت الاهی و هم طراز نبوت است، مگر در تلقی وحی. در نظام معرفتی و اعتقادی تشیع همان گونه که نبی به وسیله ی خداوند انتخاب می شود و هرگز امکان ندارد که فرد از طریق گزینش مردم به مقام نبوت دست یابد، مقام امامت نیز یک مقام الاهی است که هرگز کسی از طریق انتخاب مردمی به مقام امامت نمی رسد. در حقیقت نقطه آغاز جدایی میان دو فرقه شیعه و سنی در باب امامت از همین مرحله با دو مشرب انتخاب مردمی و انتصاب الاهی به وجود امد. در برخی منابع دین پژوهی در این رابطه آمده است: «نخستین مبحث دین پژوهی و کلامی که به جد در صدر اسلام و پس از وفات پیامبر9 مطرح شد مساله خلافت و تعیین خلیفه و جانشین پیامبر9 بود که دو فرقه شیعه و اهل سنت را پدید آورد. شیعیان بر این عقیده بودند که امامت مانند نبوت منصبی الاهی است و هم چنانکه خداوند سبحان هر که را از بندگان خود بخواهد به نبوت و رسالت بر می گزیند هر که را بخواهد نیز برای امامت اختیار می کند»...((1))

1-) عبدالحسین خسرو پناه، انتظارات بشر از دین، ص301.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تبیین قاعده لطف در الاهی بودن تعیین امام

برای اثبات این امر که امام باید از جانب خداوند به امامت برگزیده شود نه از جانب مردم، در آثار دین پژوهان شیعی می توان به دلایل عقلی و شرعی دست یافت که تفصیل آن در این اثر نمی گنجد و تنها به این نکته اشاره می شود که متکلمان شیعه ضرورت انتصابی بودن امام را به دلیل عقلی اثبات نموده اند و دلایل نقلی که در این باب وجود دارند را حمل بر ارشاد و تأیید دلیل عقلی دانسته اند؛ لذا ما در اینجا تنها به تبیین قاعده لطف که برخاسته از یک دلیل عقلی است، می پردازیم.

متکلمان در تعریف قاعده لطف و جایگاه آن در امامت می گویند: «لطف حالتی در مکلف ایجاد می کند که او را به طاعت نزدیک و از معصیت دور می کند».((1)) سید مرتضی نیز در تعریف لطف می گوید: «لطف چیزی است که مکلف با وجود آن اطاعت را اختیار می کند یا با وجود آن به انتخاب طاعت نزدیکتر می شود».((2))

متکلمان در تبیین این قاعده استدلال نموده اند که هر چیزی بندگان خداوند را به سوی طاعت و فرمانبرداری نزدیک و از ارتکاب معصیت دور کند بر خداوند واجب است که آن را بیان نماید.((3))

بر این اساس است که متکلمان نصب امامت را

1-) علامه حلی، مناهج الیقین فی اصول الدین، ص252.
2-) رسائل سید مرتضی، ج 2، ص280.
3-) کشف المراد، ص 350.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بر خداوند از باب قاعده لطف واجب می دانند.

شیخ مفید در این زمینه می نگارد: دلیل ما بر وجوب نصب امام این است که

آنها لطف و اللطف واجب فی الحکمه علی الله تعالی فالامامه واجبه فی الحکمه؛((1))

نصب امام لطف است و لطف عقلا بر خداوند واجب است پس امامت عقلا واجب است.

(لطف به این معنا که با بودن آن عبد به طاعت نزدیک تر و از معصیت دورتر می شود و معرفی امام مانند معرفی نبی به نظر امامیه طبق همین قاعده است) و بعد از آن شیخ فورا مسئله عصمت و علم امام را به عنوان شرایط امامت ذکر نموده است.((2))

خواجه نصیر الدین طوسی نیز همانند شیخ مفید پس از تعریف مشهور امامت، درباره نصب امام می نگارد:

ان نصب الامام لطف و هو واجب علاالله فیجب ان یکون الامام معصوما لئلا یضل الخلق؛((3))

نصب امام لطف و لطف بر خداوند واجب است پس لازم است که امام معصوم باشد تا مردم را گمراه نکند.

بنابراین از مهمترین ادله وجوب نصب امام بر

1-) النکته الاعتقادیه، ص39.
2-) همان.
3-) قواعد العقائد، ص120.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خداوند قاعده لطف است که در این زمینه می توان به ادله فراوانی از آیات و روایات نیز برای تأیید این قاعده در آثار متکلمان دست یافت که ما در اینجا به جهت رعایت اختصار از نگارش آنان خودداری می نماییم.((1))

سرانجام بر این نکته تأکید می شود که قاعده لطف نشان دهنده ماهیت الاهی و شأن هدایتگری امام در جامعه اسلامی است که در تعریف مشهور به آن چندان توجهی نشده است که تفصیل آن در ادامه خواهد امد.

3 - جایگاه اعتقادی امامت

تعیین جایگاه اعتقادی امامت واینکه آیا امامت در ردیف اصول دین قرار دارد و یا در میان فروعات دین، یکی از مواردی است که میان دانشمندان امامیه و اهل سنت در آن اختلاف وجود دارد؛ زیرا در اندیشه اهل سنت آن گونه که قبلاً نگارش یافت، امامت از فروعات است در حالی که در تلقی امامیه، امامت یکی از اصول دین قرار گرفته است.

1-) برای دست یابی به این آیات و روایات رک: میلانی، سید علی، جواهر الکلام، ج1، ص 394 - 398.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شیخ صدوق در این زمینه می نگارد:

یجب آن یعتقد آن المنکر للامام کالمنکر للنبوه و المنکر للنبوه کالمنکر لتوحید؛((1))

واجب است اعتقاد داشته باشیم که انکار کننده امام مانند انکار کننده نبوت و انکار کننده نبوت مانند انکار کننده توحید است.

در تبیین این گفتار شیخ می توان به این نتیجه دست یافت که همان گونه که توحید و نبوت از اصول دین و منکر آن کافر است، پس امامت نیز از اصول دین و انکار آن موجب کفر است.

هم چنین شیخ مفید در این زمینه می نگارد: «امامیه اتفاق دارد بر اینکه هر کسی امامت یکی از امامان را و یا آنچه را خداوند اطاعت از آن را واجب قرار داده است، انکار نماید او کافر، گمراه و مستحق بودن در آتش جهنم به طور همیشگی است».((2))

شیخ طوسی و بحرانی نیز امامت را از اصول دین دانسته اند و حکم به کفر منکران امامت کرده اند.((3))

در برخی منابع شیعی آمده است: «بدان که امامت از اصول دین است نه از فروع دین؛ زیرا امامت در پیوند نبوت قرار داشته و آن اهدافی

1-) الهدایه، ص27.
2-) اوائل المقالات، ص44.
3-) تهذیب الاحکام، ج1، ص335؛ الحدائق الناضره، ج3، ص406.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

که به واسطه رسالت به دست می آید به واسطه امامت حقه نیز به دست می آید که آن اهداف، حفظ اساس دین و تدبیر امت می باشد».((1))

هم چنین یکی از معاصران در این زمینه می نگارد: «بیشتر علمای امامیه، امامت را از اصول دین می دانند و بعضی از اصول مذهب».((2))

یکی دیگر از دانشمندان امامیه در این زمینه می نگارد: «جاهل بودن بر امامت و یا انکار آن مانند جهل و انکار نبوت است».((3))

با توجه به آنچه به نگارش در آمد، بسیاری از دانشمندان شیعی، امامت را از اصول دین دانسته و ادله ای که در این زمینه ذکر نموده اند، آیات قرآن و روایات است که از آن جمله آیه اکمال دین است؛ زیرا در این آیه امامت سبب کمال دین و پایانی نعمت بر مسلمانان ذکر شده است و اگر امامت از اصول دین نبود، نقش و جایگاهی این چنینی نداشت.((4))

هم چنین آیات دیگری در این زمینه مورد استدلال واقع شده است که از ذکر آنان خودداری می شود.((5))

روایات فراوانی در منابع شیعه و سنی نقل

1-) توضیح المراد، ص673.
2-) الجوامع و الفوارق بین سنهٔ و شیعه، ص132.
3-) المنقذ من التقلید، ج2، ص366.
4-) احقاق الحق، ج2، ص 471
5-) برای اطلاع تفصیلی رک: علامه حلی، الالفین، ج1، ص43؛ بحرانی، الحدائق الناضره، ج18، ص153؛ مجلسی، بحار، ج8، ص 368.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شده است که می توان از این روایات نیز اصول دین بودن امامت را به دست آورد. از آن جمله حدیث معروف پیامبر9 که جهالت بر امامت را سبب مرگ جاهلی دانسته و اقرار به امامت را مانند اقرار به نبوت دانسته است.((1))

4 - شرایط و اوصاف امام

اشاره

درتعیین شرایط امامت در اندیشه اعتقادی امامیه، پیش از همه باید به این نکته توجه کرد که چون امامت در نزد شیعه از اصول دین و اعتقاد به آن در مرتبه توحید و نبوت قرار دارد، دانشمندان امامیه برای امام همان شرایط و ویژگی هایی را شرط می داند که برای نبی قائل هستند؛ زیرا امامت، خلافت و جانشینی پیامبر است مگر در دریافت وحی.((2))

در بعضی منابع نیز به چهار شرط عصمت، افضلیت، اعلمیت و اشجعیت اشاره شده است.((3)) از میان این شروط چهارگانه، شرط اشجعیت را تمام اهل سنت و شرط افضلیت را اشاعره و بعضی از معتزله قبول دارند، اما دو شرط دیگر یعنی عصمت و اعلمیت با مرتبه خاص علمی، از ویژگی های اعتقادی شیعه است که در اینجا به سه صفت عصمت، اعلمیت و افضلیت اشاره می شود:

1-) مصباح الهدایه، ص133.
2-) النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، ص 95.
3-) المنقذ من التقلید، ج2، ص288.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الف - عصمت

شرط عصمت برای امام یکی از ویژگی های اعتقادی امامیه است که می گوید: «امام باید همانند پیامبران و فرشتگان، معصوم و از هرگونه پلیدی پاک باشد و در تعریف عصمت آمده است: عصمت یعنی خداوند بر کسی به گونه ای لطف کند که او انگیزه ای برای ترک طاعت و ارتکاب معصیت نداشته باشد در حالی که توانایی انجام آن را دارد».((1))

هم چنین فاضل مقداد در تعریف عصمت می گوید: «عصمت ملکه ای است نفسانی که متصف به آن را از فجور باز می دارد، در حالی که آنان توانایی چنین رفتاری را دارند».((2))

خواجه نصیرالدین درباره عصمت در امام می گوید: «واجب است که امام معصوم باشد تا مردم را گمراه نکند»((3))

علامه حلی درباره عصمت و دلیل آن می نگارد: واجب است که امام معصوم باشد و در غیر این صورت تسلسل لازم می آید، زیرا چیزی که ما را به امام نیازمند می کند، همان بازداشتن ظالم از ظلم و گرفتن حق مظلوم از ستمگر است و اگر غیر معصوم بودن امام را جایز بدانیم، خود او به امام دیگری محتاج خواهد بود و در نتیجه تسلسل لازم می آید که این محال است».((4))

1-) خواجه طوسی، تلخیص المحصل، ص 368.
2-) اللوامع الالهیة، ص170
3-) قواعد العقاعد، ص121.
4-) النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، ص 96.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هم چنین درباره دلیل لزوم عصمت در امام آمده است: «چون وجود امام لطف است با او فساد از بین رفته و امور سامان می یابد و اگر امام معصوم نباشد، به این هدف دست نمی یابیم، لذا ضرورت دارد که امام معصوم باشد».((1))

ابن میثم بحرانی نیز می گوید: «امامیه و اسماعیلیه عصمت را در امام شرط می دانند؛ اما در علت آن اختلاف دارند. اسماعیلیه می گوید چون امام به منزله معلم مکلفان است لذا نباید خطا کند و امامیه می گوید چون وجود امام لطف است لذا این لطف تمام نمی شود مگر این که امام معصوم باشد؛ چون علت نیاز مردم به امام این است که خطا برای مردم جایز است، پس اگر امام هم گرفتار خطا گردد این نیازمندی ادامه پیدا کرده و تسلسل به وجود می آید که آن باطل است».((2))

هم چنین کاشف الغطا درباره معصوم بودن امام می گوید: «شرط است که امام مانند نبی معصوم از خطا باشد؛ زیرا در غیر این صورت اطمینان مردم از نبی برداشته می شود و دلیل ما بر این شرط آیه مبارکه «لا ینال عهدی الظالمین» است که با صراحت عصمت را بیان می کند».((3))

بنابراین در اندیشه اعتقادی امامیه همان گونه که اصل وجود امام و نبی لطف است، عصمت نیز لطفی است که خداوند به نبی و امام عنایت می کند تا در رساندن دین به مردم و

1-) المنقذ من التقلید، ج2، ص278.
2-) النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامة، ص38.
3-) اصل الشیعه و اصولها، ص 62.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هدایت آنان گرفتار خطا و اشتباه نگردند.

ب - اعلمیت

عالم بودن امام یکی از شرایطی است که تا حدودی تمام فرقه های اسلامی آن را برای امام شرط می دانند اما در میزان آن اختلاف دارند، چنانچه اهل سنت عقیده دارد: اگر امام در حد یک مجتهد که بتواند امور شرعی را از اصول و فروع به دست آورده و شبهات را جواب گوید، کافی است.((1)) و بعضی از متکلمان معتزله حتی علمِ پایین تر از اجتهاد را برای امام کافی دانسته، می گویند: لزومی نداردَ تا امام داناترین فرد روزگار خود باشد، بلکه وی نیازمند مشورت با دیگرانی است که علم افزون تر از وی داشته باشند، چنین مشورتی از منزلت امام نمی کاهد؛ زیرا هر کسی بخواهد بهره ای از علم و آگاهی داشته باشد از دانشمندان و اهل علم بی نیاز نیست.((2))

اما علمی که امامیه برای امام شرط می دانند در گستره ی وسیع و فراتر از علوم شرعی، بلکه مربوط به تمام امور و تأیید شده از جانب خداوند است.

شیخ طوسی در این باره می نگارد: «به حکم عقل واجب است که امام به تدبیر تمام اموری که در آنان امامت دارد علم داشته باشد؛ مانند سیاست، رعایت مصالح مردم و علم به تمام شریعت».((3))

ابوصلاح حلبی می گوید: «امام به نیابت از پیامبر موظف است دین را تبیین کند و مردم هم

1-) شرح المواقف، ج8، ص 349.
2-) قاضی عبدالجبار، المغنی، ج20، ص211.
3-) الاقتصاد، ص92.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وظیفه دارند در امر دین به امام رجوع کنند. اگر امام به همه دین آگاه نباشد در این صورت مکلف نمودن امام به تبیین همه دین به نیابت از پیامبر نزد عقلا ناپسند خواهد بود و هم چنین مکلف شدن مردم به رجوع به کسی که از دین آگاهی ندارد، ناپسند است».((1))

شیخ صدوق در این زمینه می نگارد: «از بهترین دلیل ها در اثبات امامت امامان، این است که خداوند متعال دلیل حقانیت پیامبر را این قرار داد که وی بدون آنکه به مکتب رفته یا با دانشمندان نصرانی یا یهودی ملاقاتی داشته باشد، داستان پیامبران گذشته و علوم تورات و انجیل و زبور را برای مردم نقل می کرد. امامان نیز این گونه بودند، به خصوص امام باقرعلیه السلام و امام صادق علیه السلام که مطالب فراوانی از ایشان در علوم مختلف ابراز شد بدون آنکه نزد کسی شاگردی کرده باشند و این بهترین دلیل است که پیامبر ایشان را به این مقام نصب کرده و علم خود را نزد ایشان امانت گذاشته است».((2))

ابن میثم بحرانی می گوید: «واجب است که امام به تمام احکام و کلیه دین دانا باشد اما در احکام جزئی که متعلق به وقایع جزئی است امام دارای ملکه ای است که هر گاه بخواهد آن اجزا را از قوانین کلیه و مواد آن به دست می آورد».((3))

هم چنین درباره اعلمیت امام آمده است: «امام باید اعلم از تمام رعیت باشد زیرا امام

1-) الکافی فی الفقه، ص 88.
2-) کمال الدین، ج2، ص574.
3-) النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامة، ص48.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

متولی تمام احکام است، پس اگر عالم به جمیع آن نباشد، متولی شدن امام ناپسند است».((1))

ج - افضلیت

یکی از ویژگی هایی که برای امام ذکر شده است، افضلیت است که امامیه و اشاعره و بعضی معتزله آن را شرط دانسته می گویند: «امام باید افضل مردم بعد از پیامبر باشد؛ اما بعضی معتزله مانند بشریه و پیروانش و ابوبکر اصم و بعضی از معتزله بغداد با اینکه قائل به افضلیت علی بن ابی طالب علیه السلام بودند، به دلایلی امامت ابوبکر را در عین مفضول بودن جایز شمرده اند».((2))

اما در اینکه ملاک افضلیت چیست، دو معنا برای آن ذکر شده است: یکی فراوانی ثواب در پیشگاه خداوند و دیگری فراوانی فضائل و کرامات.

قاضی عبدالجبار، افضل را به معنای فراوانی ثواب دانسته است((3)) و تفتازانی افضل را به معنای فراوانی در فضائل و کمالات دانسته است.((4))

یکی از دانشمندان شیعی در این زمینه می نگارد: «ما افضلیت را به هر کدام از این دو معنا برگردانیم واجب است که امام در هر دو معنا از دیگران افضل باشد؛ زیرا در غیر این

1-) المنقذ من التقلید، ج2، ص290.
2-) ناشی اکبر، فرقه های اسلامی و مسئله امامت، ص 86 به بعد.
3-) شرح الاصول خمسه، ص766.
4-) شرح المقاصد، ج5، ص 299.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

صورت تقدیم مفضول بر افضل لازم می شود و آن ناپسند است.((1))

به هر حال طبق اعتقاد امامیه امام باید از همه رعیتش برتر باشد؛ زیرا در غیر این صورت یا مساوی با رعیت است یا پایین تر از آنان و این محال است؛ زیرا اگر امام با دیگران مساوی باشد چگونه می توان به دیگران گفت به او مراجعه کنند؟ یا درصورتی که امام پایین تر از دیگران باشد، به طریق اولی نمی توان آن کسی که بالاتر از اوست به او رجوع نماید.((2))

غیر از این صفاتی که به نگارش درآمد، صفات دیگری مانند شجاع بودن، حلیم بودن و پرهیزکار بودن نیز در برخی از منابع شیعی ذکر شده است که در اینجا به دلیل مشترک بودن آن با اهل سنت از ذکر آن در اینجا خودداری می شود.((3))

1-) المنقذ من التقلید، ج6، ص289.
2-) النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامة، ص46.
3-) همان، ص47.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بازخوانی تعریف امامت و تبیین تفاوت ها

با دقت و تأمل در آنچه درباره حقیقت و ماهیت امامت در اندیشه امامیه نگارش یافت، می توان به مؤلفه های زیر اشاره کرد که تمایز دهنده اعتقاد شیعه از اهل سنت در بحث امامت است.

الف - منصب الاهی و لطف بودن آن، مانند نبوت؛

ب - از اصول مذهب دین و بودن امامت؛

ج - معصوم بودن امام؛

د - مقام هدایت و اولویت در تصرف به اذن خداوند.

در حقیقت هر یک از این مؤلفه ها نشان دهنده چیستی و هویت امامت در اندیشه شیعی است که اهل سنت با امامیه در آن اختلاف دارند. با این توضیح مناسب است نظری بیفکنیم به تعریف مشهور امامت نزد شیعه که پیش از این گزارش شد و جامعیت آن را با حقیقت و ماهیت امامت ارزیابی و به تفاوتی که در این زمینه وجود دارد، اشاره گردد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

لحاظ نشدن هویت الاهی امامت در تعریف

با توجه به ماهیت امامت نزد شیعه و تعریف امامت به ریاست عامه در امور دین و دنیا به نیابت از پیامبر، بعضی متکلمان امامیه آن تعریف را ناقص دانسته، می گویند: مؤلفه اصلی امامت که بحث الاهی و لطف بودن آن در نزد شیعه است، لحاظ نشده است بلکه به لوازم و آثار آن که ریاست عامه است، توجه شده است و در پی جویی این ادعا شاید بتوان گفت نخستین کسی که بر این مطلب توجه نموده و بعد به نحوی آن را طبق مبنای خودش حل نموده است، ابن میثم بحرانی است.

ایشان در یکی از آثار کلامی خود در امامت پس از تعریف امامت به ریاست عامه در امور دین و دنیا می گوید: ریاست جنس قریب برای امامت است و بعد از آن درباره قید های تعریف می گوید:

فان کون الریاسه عامه و ان میز نوع الامامه عن نوع القضا و کل ریاسه خاصه لکنه لا یمیزه عن نوع السلطنه الجوریه اذ هی عامه ایضا و قولنا لشخص و ان میزه عن رئاسه لشخصین او اکثر غیر انه لا یمیزه عن سلطنه الجوریه ایضا. و قولنا فی امور الدین و الدنیا و ان میزه عن سلطان الجور غیر انه لایکفی فی تمیزه اذ لیس کل رئاسه فی امور الدین و الدنیا وجب ان تکون عامه... اذا اجتمعت حصل من المجموع قدر ممیز لذلک النوع تمییزا مطلقا یسمی باصطلاح قوم

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الخاصه المرکبه؛((1))

بودن ریاست عامه اگر چه نوع امامت را از منصب قضاوت و دیگر ریاست های خاص تمیز می دهد اما از نوع سلطنت جور که آن هم ریاست عامه است تمیز نمی دهد قید «لشخص» اگر چه از ریاست دو نفر یا بیشتر تمیز می دهد، باز هم از سلطنت جور تمیز نمی دهد و قید «فی امور دین و دنیا» از سلطنت جور تمیز می دهد اما آن کافی نیست؛ زیرا لازم نیست هر سلطنت در امور دین و دنیا عمومی باشد. پس از آنکه ایشان قید ها را به تنهایی کافی نمی داند برای حل این اشکال در ادامه می گوید: باید مجموع قید ها را به صورت یک خاص مرکب در نظر بگیریم.

در توضیح این کلام باید به این مطلب اشاره کرد که طبق مبنای ایشان هر یک از قید ها با حیثیت انفرادی در تعریف، مسئله الاهی بودن را در امامت که هدف تبیین آن در تعریف است، نمی تواند از امامت غیر الاهی جدا کند اما از حیث جمعی و ترکیبی می تواند امامت غیر الاهی را خارج نماید.

حال اشکالی که اینجا به نظر می رسد این است که قیدهای مذکور در تعریف، مورد اتفاق تمام متکلمان امامیه نیست علاوه بر آن بعضی ها قید امور دین و دنیا را احترازی نمی دانند تا به واسطه آن امامت جور را خارج نماید، بلکه آن

1-) النجاۀ فی القیامۀ فی تحقیق امر الامامۀ، ص29.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را قید توضیحی می دانند((1)) و بعضی قید ریاست در دنیا را نیاورده اند. ((2))

از این روست که بسیاری از متاخران امامیه این تعریف را ناتمام دانسته، می گویند: درتعریف الفاظی مانند نبوت، امامت، خلافت و وصایت باید به اصل آن توجه شود نه به لوازم جانبی آن و در امامت اصل، مقتدا بودن است و مردم موظف اند تا اعمال و رفتار خود را با رفتار او منطبق کنند که این معنا مستلزم ریاست هم است؛ اما نباید ریاست را معنای اصلی و حقیقی امامت در نظر گرفت؛ همچنان که در نبوت نیز این ریاست وجود دارد اما درتعریف آن کسی نگفته است که نبوت یعنی ریاست دینی.((3))

در بعضی منابع دیگر آمده است: تعریف امامت به ریاست عامه شامل هر دو نوع امامت الاهی و باطل می شود و قید دین و دنیا نمی تواند اشکال را برطرف کند مگر این که جمله «مِن قِبل الله» بر آن افزوده شود.((4))

هم چنین درباره ناتمام بودن این تعریف آمده است: «تعریف مشهور دربردارنده تمام مقامات امامت عظمی نیست؛ زیرا تنها برخی شئون تشریعی امام را که همان زعامت دین و دنیا ست، دربردارد».((5))

شهید مطهری در این باره می نگارد: «این اشتباه بزرگی است که احیانا قدما (بعضی متکلمان) هم گاهی چنین اشتباهی را مرتکب

1-) النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، ص95.
2-) المنقذ من التقلید، ج 2، ص235.
3-) المیزان، ج1، ص266.
4-) توضیح المراد، ص672.
5-) الفوائد البهیه فی شرح الامامیه، ج2، ص9.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می شدند. امروز این اشتباه خیلی تکرار می شود، تا می گویند امامت متوجه مسئله حکومت می شدند در حالی که مسئله حکومت از فروع و یکی از شاخه های خیلی کوچک مسئله امامت است و این دو را نباید با یکدیگر مخلوط کرد».((1))

یکی دیگر از معاصران می نگارد: «در تجزیه و تحلیل های سنتی بیشتر دو بخش شرایط امام و مسئولیت های امامت مورد بحث قرار گرفته و می گیرد... ولی باید توجه داشت که این بحث وقتی روشن خواهد شد که ماهیت امامت و عناصر تشکیل دهنده این طرح ایدئولوژیک کاملا مشخص می شود».((2)) این گفتار ایشان اشاره به این مطلب می کند که طرح سنتی امامت تعریف به بخشی از آثار امامت است نه تعریف ماهوی و چیستی از امامت و در نهایت ایشان می نگارد: «امامت به معنای جانشینی پیامبر از همان ولایتی برخوردار است که پیامبر را شایسته بود».((3))

سرانجام اینکه تعریف مشهور به دلیل دخیل نبودن ماهیت الاهی امامت در آن به دلایل ذیل جامعیت کامل ندارد:

الف- الاهی بودن و انتصابی بودن مقام امامت مانند نبوت؛ همان گونه که در تعریف نبوت، الاهی بودن لحاظ شده است در امامت نیز باید چنین باشد.

ب- از آنجا که نقطه اصلی جدایی تشیع و تسنن در الاهی بودن و بشری بودن امامت است، لذا برای تعیین مرز اندیشه ها، لحاظ الاهی بودن در تعریف شیعی درباره امامت ضرورت دارد.

ج- وجود روایات؛ به نظر می رسد در تعریف

1-) امامت و رهبری، ص71.
2-) تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج1، ص163.
3-) همان، ص166.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

امامت باید به روایات این باب نیز توجه شود و در روایات گرچه بیشتر مقامات امام بازگو شده است، اما در تعریف امامت نیز روایاتی می توان یافت که در آنان بحث الاهی بودن امامت به عنوان قوام اصلی در امامت توجه شده است که نمونه هایی از آن روایات در پایان همین فصل نگارش خواهد یافت.

بنابراین سزاوار است که در تعریف امامت در منظومه اعتقادی شیعه، بحث الاهی و لطف بودن امامت مورد توجه قرار بگیرد، کما اینکه در منابع پسین امامت پژوهان امامیه به این مسئله توجه شده است که به شواهدی اشاره می شود.

تعریف پسین امامت با رویکرد الاهی

با دقت در آثار امامت پژوهان معاصر می توان به تعریف جدیدی از امامت بر خورد که در آن به بحث الاهی بودن مقام امامت در نزد شیعه توجه شده است؛ اما قبل از هر چیز اشاره به این نکته لازم است که با مراجعه به بعضی منابع قدیم امامیه نیز می توان مواردی را یافت که به جنبه الاهی و دینی بودن امامت در تعریف امامت اشاره می کند. برای نمونه وقتی شیخ طوسی به مفهوم واژه امام می پردازد، می گوید: «امام به دو معنا است: الف- مقتدای الاهی بودن که مردم باید به سخن و رفتار او اقتدا کنند ب- ریاست تدبیر امور جامعه و سیاست گذاری آن و تادیب متجاوزان و دفاع در برابر دشمنان و نصب قضات و اجرای حدود الاهی».((1))

1-) الرسائل العشر(رسالهٔ فی الفرق بین نبی و امام)، ص 111 به بعد..

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

با دقت در کلام شیخ آشکار است که ایشان در معنای نخست به جنبه الاهی بودن امام توجه کرده و در معنای دوم به ریاست امام در امور اجرایی؛ اما در تعریف مشهوری که از شیخ نقل شد مانند دیگران تنها معنای دوم را آورده است.

هم چنین خواجه نصیر طوسی در «قواعد العقائد» در تعریف امامت می گوید:

الامامه ریاسه عامه دینیه،

که قید «دینیه» اشاره به همان جنبه الاهی بودن امامت دارد و امور دین و دنیا را بعداً به عنوان قید توضیحی آورده است.

اما در تعریف هایی که معاصران امامیه نسبت به امامت ارائه نموده اند، مسئله الاهی بودن به گونه ای آشکار دیده می شود که به نمونه هایی از آن ها اشاره می شود:

در مقدمه «کفایت الاثر» خزاز قمی آمده است:

الامامه منصب الاهی کالنبوه یعطیه من یشاء من عباده؛((1))

امامت مانند نبوت منصبی الاهی است که خداوند آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، می دهد.

فیض کاشانی:

وی امامت را به ولایت و خلافت الاهی برای اصلاح امور اخروی و دنیایی تعریف کرده است.((2))

1-) کفایة الاثر، ص3.
2-) رسائل فیض کاشانی، ص633.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نوری طبرسی:

الامامه هی الریاسه العامه الهیه خلافه عن رسول الله فی امور الدین و الدنیا بحیث یجب اتباعه علا کافه الامه؛((1))

امامت ریاست همگانی الاهی است در امور دین و دنیا پس از رسول خدا9 به گونه ای که بر تمام امت پیروی از امام واجب است.

در این تعریف قید به امر الاهی بودن امام تا حدودی بازگوکننده ماهیت امامت طبق عقیده شیعه است.

میرزا احمد آشتیانی:

الامامه هی الریاسه العامه الهیه لشخص من الاشخاص خلافه عن رسول الله فی امور الدین و الدنیا بحیث یجب اتباعه علا کافه الامه((2))

محمد حسین آل کاشف الغطا:

ان مراد هم «شیعه» بالامامه کونها منصبا الهیا یختاره الله بسابق علمه بعباده؛((3))

مراد شیعیان از امامت این است که امامت منصب الاهی است که خداوند امام را با علم پیشین که به بندگان خود دارد انتخاب می کند.

1-) کفایه الموحدین، ج2، ص3.
2-) لوامع الحقائق فی اصول العقائد، ص9.
3-) اصل الشیعه و اصولها، ص221، موسسه امام علی، قم، 1415.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در کتاب «احقاق الحق» در تعریف امامت آمده است:

الامامه و الولایت من مناصب الهیه التی من الله علی عباده و جعلها تالیه لمرتبه النبوه؛((1))

امامت و ولایت از منصب های الاهی است که خداوند به واسطه آن بر بندگانش منت نهاده و آن را در مرتبه بعد از نبوت قرار داده است.

نیز در بعضی تعاریف آمده است: «امامت در نزد شیعه سلطنت الاهی است که از آثار آن ولایت تشریعی است که بخشی از آن آثار امارت و خلافت ظاهری است»((2))

بعضی از معاصران با رویکرد دقیق تر می نگارند:

الامامه عند الشیعه هی الخلافه الکلیه الهیه؛((3))

امامت نزد شیعه خلافت کلی الاهی است و پس از آن در تعریف واژه امام می نگارد:

1-) احقاق الحق، ج2، ص286 پاورقی اول.
2-) الفوائد البهیه، ج2، ص12.
3- [3]) بدایه المعارف الاهیه، صص 8 و 9.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فالامام هو الانسان الکامل الاهی العالم بجمیع ما یحتاج الیه الناس؛((1))

پس امام انسان کامل الاهی است که آگاه است بر تمام آنچه مردم به آن نیازمندند.

ما به همین مقدار از تعریف های پسین امامت که به جنبه الاهی بودن آن اشاره شده بود، اکتفا می کنیم و لازم است درباره علت نارسایی که در تعریف قدما دیده می شود، اشاره ای کنیم.

تحلیلی از تاثیرات بیرونی در تعریف مشهور امامیه

اشاره

بر اساس آنچه نگارش یافت، شیعه و سنی در چیستی امامت قبل از کیستی آن، دو رویکرد کاملا متفاوت از هم دارند لذا ضرورت دارد که امامت و امام شناسی به گونه ای تعریف شود که در آن، جنبه مقام و لطف الاهی بودن امامت، که نشان دهنده اعتقاد شیعی است، گنجانده شود که در ظاهر از تعریف مشهور امامت این مطلب به دست نمی آمد. حال در اینجا مهم ترین سؤال این است که به چه دلیلی بزرگانی مانند شیخ مفید در برخی تعریف های خود و نیز شیخ طوسی، سید مرتضی، خواجه طوسی، ابن میثم بحرانی و... این گونه تعریف به ظاهر وهم انگیز را ذکر نموده اند که حتی شهید مطهری از آن به عنوان اشتباه بزرگ یاد کرده است؟((2))

1-) همان.
2-) امامت و رهبری، ص162.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برای دست یابی به پاسخ این مطلب به نظر می رسد نخستین شاخصی را که باید بررسی کرد، تاثیرگذاری وضعیت فرهنگی و سیاسی روزگار بر شیوه کار بزرگان امامیه و مماشات آنان با دیگران است. در تعریف مشهور امامت (ریاسه عامه فی امور الدین و الدنیا) با طرح اعطای مردمی امامت به افراد یا سلطه با زور و تزویر که بیشتر خلفا با آن روش روی کار آمده بودند، بیشتر سازگاری داشته و در هر عصر و زمانی از تعریف رایج و مشهور نزد اهل سنت بود و این گونه تعریف برای حاکمان وقت نیز خوشایند و توجیه گر کردار آنان بود.

بدیهی است اگر کسی از این تعریف عدول نموده و مدلی را ارائه می نمود که در آن شخصیت امام مانند نبی به انتخاب خداوند و شیوه کاری امامت آن نیز مانند شیوه کاری نبوت معصومانه و به دور از هرگونه خطا و سهو انجام می پذیرفت، دیگر این تعریف را هیچ یک از خلفا و حکمرآنان بر نتابیده و با تمام توان با ترویج گران آن مقابله می نمودند و بر این اساس متکلمان و دانشمندان شیعی هر کدام با دریافت واقعیت های زمان خود شیوه ای را انتخاب می نمودند که در ظاهر تا حدودی خودشان را با دیگران نزدیک نشان داده و در واقع اعتقاد اصیل شیعی را که از تاریکی های فراوان عبور کرده بود حفظ نمایند؛((1)) زیرا خط و اندیشه ای که درباره امامت به وسیله ی دشمنان شیعه پایه ریزی شده بود چنان با پشتوانه زر و زور در مسیر خود ادامه داده و مورد پسند

1-) شواهدی از فعالیت های هوشمندانه و زیرکانه متکلمان شیعی برای حفظ عقیده صحیح شیعی درباره امامت در پایان همین گزینه خواهد امد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واقع شده بود که در فضای آن روزگار به دیگران اجازه نفس کشیدن نمی دادند.

لذا در بسیاری از موضوعات علمی و فرهنگی، دانشمندان امامیه از رویارویی تنش آور با مخالفینشان پرهیز کرده و برای این که آنان را به بحث علمی بکشانند، راه مماشات و تعامل را انتخاب می کردند که به نمونه ای از گفتار شیخ مفید در این زمینه اشاره می شود.

ایشان درباره روش علمی در بحث با مخالفان می فرماید: «ملاک در بحث با مخالفان این است که علماء بر یک اصطلاح اتفاق نموده و سپس همه مخالفان در اطراف آن تسلیم شده و از عصبیت به حال سکون و آرامش و از مجادله ها و نقل های متضاد و آراء و اعتقاداتی که همراه با دشمنی است به اصل دینی مشترک برسد؛ زیرا اگر این گونه نباشد بر هیچ امری از شریعت اسلام به جهت مخالفت های جزئی که وجود دارد، اجماعی به دست نمی آید. بنابراین انصاف این است که بین ما و بین مخالفان ما بعضی از واجبات شرعی و احکام به عنوان قدر مشترک در بحث در نظر گرفته شود.((1))

از این جملهی ایشان می توان به عنوان شاهد استفاده نموده که در بحث ها و مناظرات علمی، روش ایشان این بوده است که در مواردی با تشخیص موقعیت، با مخالفان تعامل و مماشات داشته اند و بر همین مبنا درباره تعریف مشهور امامت که همسان با تعریف اهل سنت است نمی توان از این واقعیت گذشت که تعریف مشهور به وسیله ی آن دسته از متکلمان امامیه ارائه شده است که آنان در آن زمان مقیم بغداد و همزمان با فعالیت های تند عقل گرایانه افراطی معتزله که

1-) الافصاح، ص38.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

همسو با سیاست های خلفا حرکت می کردند، قرار داشتند و برای اثبات این مدعا کافی است به زندگانی شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی و... نظر افکند که تعریف امامت به ریاست عامه از جانب ایشان پایه گذاری شده و همه اینان مقیم بغداد بودند و از نظر فرهنگی دربرابر معتزله و اهل حدیث و از جهت سیاسی در مرکز خلافت، قرار داشتند.

بنابراین نمی توان گفت متکلمان امامیه درباره امامت راه خطا پیموده اند، بلکه آنان به جهت موقعیت آن روزگار از راه تقیه و مماشات که روش تأیید شده ای از طرف امامان معصوم: بود، راه پیموده اند که به شواهدی از فشار های آن روزگار به دانشمندان امامیه اشاره می شود:

الف - تضاد های مذهبی

برای دست یابی به تنش های مذهبی در زمان شیخ مفید و متکلمان شیعی بعد از ایشان که مقیم بغداد بودند، نمی توان در این اثر به تفصیل سخن گفت و تنها به عنوان شاهد کافی است که به نمایه ای از فضای فرهنگی و تضاد های مذهبی بغداد در زمان آنان نظر افکنده شود.

شهرستانی در کتاب «ملل و نحل» خود درباره برخورهای ستیزه جویانه و کردارهای خصمانه میان اشاعره و معتزله می نگارد: «در مواردی ستیزه جویی های آنان سبب شده است که برخی دانشمندان یک مذهب به جهت سعایت دانشمندان مذاهب دیگر جان خود را از دست بدهد».((1))

از این رفتار خصمانه میان مذاهب اهل سنت، که در موارد فراوان هم عقیده نیز بودند،

1-) ملل و نحل، ج1، ص79.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می توان پی برد که آنان با مذهب امامی در تمام مسائل به ویژه امامت که آمیخته با سیاست نیز بود، رفتار به مراتب تندتر داشته اند.

به عنوان مثال جاحظ یکی از دانشمندان معتزله عقیده ی انتصابی بودن امام از طرف خداوند را که یکی از معتقدات مهم شیعه بود، به شدت انکار کرده و می گفت: «نباید امامت را با نبوت قیاس نمود».((1))

هم چنین قاضی عبدالجبار معتزلی، در موضع تندی در برابر متکلمان امامیه می گفت: «یکی از اشتباهات امامیه این است که می گویند ما به امام نیاز داریم تا احکام و دستورات شرع را از او به دست آوریم و این عقیده امامیه اشتباه است؛ زیرا شریعت آشکار است و ادله آن در قرآن و سنت و اجماع امت آمده است. بنابراین ما چه نیازی داریم که احکام را از امام بگیریم و یکی دیگر از اشتباهات امامیه این است که می گوید وجود امام لطف در دین است و ما دلیلی بر این لطف بودن نداریم».((2))

در کنار این رویارویی های مذهبی، بازار تهمت زدن ها به متکلمان امامیه بسیار گرم بود که حتی هشام بن حکم، دانشمند و متکلم شیعی، که تمام زیربناهای کلامی و اعتقادی را مستقیما از امام صادق علیه السلام گرفته بود نیز از این اتهامات به دور نمانده و دو گروه معتزله و اشاعره او را متهم نمودند که او بر این عقیده است که خداوند جسم است((3)) در حالی که او در مسائل

1-) رسائل جاحظ، ص190 به بعد.
2-) شرح اصول الخمسه، ص510.
3-) اسفراینی، التبصیر فی الدین، ص106؛ ابوالحسن الشعری، مقالات الاسلامیین، ج1، ص257 به نقل از شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ص209.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اعتقادی چنان پابند به آموزه های امام معصوم بود که در داستان مناظره معروف که او با عمروبن عبید معتزلی در بصره انجام داد، با استدلال قوی منصوب بودن امام را از طرف خداوند ثابت نمود. پس از آن امام صادق علیه السلام در مجلس بزرگی که از یاران حضرت تشکیل شده بود به هشام دستور می دهد که جریان مناظره را گزارش دهد. پس از آن گزارش بود که امام فرمود: «ای هشام! چه کسی این مناظره را به تو اموخته بود؟» هشام جواب داد:

شیئی اخذته منک و الّفته؛

این ها مطالبی بود که از شما فراگرفته بودم و خودم تنظیم کردم.((1))

در این گزارش دو نکته قابل توجه است: الف- وجود مناظرات مذهبی میان معتزله و امامیه در عصر امام صادق علیه السلام و ب - اعتقاد راسخ هشام به آموزه های امام معصوم.که می گوید: مایه اصلی بحث اعتقادی و کلامی را از امام گرفتم منتهی طبق مقتضا و موقعیت جلسه خودم تنظیم نمودم.

در راستای همین سیاست، شخصیت انقلابی و ظلم ستیزی مانند زید فرزند امام زین العابدین را از شاگردان واصل بن عطا ذکر نموده و به او تهمت معتزلی بودن می زند و می گوید: «او با اینکه جدش علی بن ابی طالب علیه السلام را افضل صحابه

1-) اصول کافی، ج1، ص318.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می دانست اما قائل به جواز امامت مفضول بر افضل است؛ لذا خلافت ابوبکر را بر حق می دانست.((1))

هم چنین نسبت به سید مرتضی که از مدافعان برجسته عقاید شیعه است اتهام وارد نموده است که او در اصول اعتقادی از پیروان مذهب معتزله است.((2))

به مرور زمان دامنه اتهام زنی ها به دانشمندان شیعی آن گونه بالا می رود که حتی دانشمند فقیه، متکلم و فیلسوفی مانند خواجه نصیر الدین طوسی را به اسماعیلیه بودن متهم می کند؛ زیرا او که به دلیل اوضاع سیاسی و کشاکش های ویرانگر و سرکوب گرانه دوران خود، مجبور می شود 28 سال از عمر با برکت خود را در دربار اسماعیلیان به صورت زندانی به سر برد؛ بدون پایه و اساس به ایشان تهمت می زند که او پیرو مذهب اسماعیلیه است؛((3)) در حالی که کتاب های «رساله امامت»، «تجرید الاعتقاد» و «قواعد العقاید» شیخ از مهم ترین سند و مدرک بر شیعه بودن ایشان است.

ب - تنش های سیاسی

پیش از همه درباره وجود فشار های سیاسی بر مدافعان خط امامت توجه به این نکته ضرورت دارد که پس از رحلت رسول خدا9 و قرار گرفتن حکومت در دست دیگران همواره حکمرآنان سیاستی یکسان را برای به انزوا کشیدن خاندان پیامبر

1-) ملل و محل شهرستانی، ج1، ص138.
2-) شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ص342.
3-) تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج1، ص101.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در پیش گرفته بودند و هیچ گاه رضایت نمی دادند که اندیشه امامت آن گونه که امامان شیعه و متکلمان پیرو آنان می خواهند نشر یابد و با در نظر داشتن آن موقعیت با اندک تأمل معلوم می شود که اصلی ترین حاملان، مطرح کنندگان و دفاع کنندگان اندیشه شیعه در زمان امامان، خود آن بزرگواران بودند و این اندیشه که برگرفته از قرآن و سنت بوده است و تنها وسعت و نوع طرح و دفاع کردن از آن طبق اقتضای زمان فرق می کرد که اوج آن در زمان آخر امامت امام باقر علیه السلام و دوره نخست امامت امام صادق علیه السلام بود و در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام عده ای از شاگردان شان با راهنمایی خود آنان به فراگیری علم کلام می پرداختند و این وضعیت تا زمان نصیر الدین طوسی وجود داشت.((1))

در عین حال رفتار خصمانه دشمنان همواره در جریان شیعی در قالب فشار های روانی مانند شکنجه های بدنی و زندانی کردن و نظارت بر خود و خانواده شان نیز چنان فضای سنگین و وحشت زایی را به وجود آورده بودند که شیعیان همیشه در معرض یورش های سخت و بی رحمانه آنان قرار داشتند که هدف دشمنان خاتمه دادن به زندگی شیعیان بود و برای رسیدن به این هدف، ارتکاب هر کاری را جایز می شمردند؛((2)) زیرا حکمرانان می دانستند شیعیان به پیروی از امامان معصوم شان حکومت آنان را فاقد مشروعیت می دانند.

1-) تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج3، ص343.
2-) هاشم معروف الحسن، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ص196.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سرانجام اینکه جو اختناق و فشارهای بی حد و حساب مذاهبی مانند معتزله و اشاعره و نیز مهم تر از همه، فشار های حکمرانان چنان عرصه را برای دانشمندان شیعه تنگ کرده بود که آنان ناگزیر بودند برای در امان ماندن از آسیب های دشمنان از اصل تقیه که مشروعیت آن از جانب امامان معصوم: تأیید شده بود استفاده کنند و در آن فضای ملتهب و نا آرام در موارد فراوان از جمله در بحث حساسی مانند تعریف و طرح امامت که مورد توجه ویژه مذاهب دیگر و حکمرآنان بود تا حدودی با دشمنان خود تعامل و مماشات کنند.

در عین حال باید توجه کرد که این مقدار از تعامل و مماشات متکلمان شیعی با دیگران هیچ گاه به معنای معامله گری و دست برداشتن از اصول عقاید شیعه در باب امامت نبود. بهترین گواه در این ادعا مطالعه آثار نگارش یافته به وسیله ی همان متکلمان است این تعریف های به ظاهر ناسازگار که از آنان نقل شد به خوبی نمایان است. هر یک از آنان پس از ذکر آن تعریف مشهور درباره امامت بلافاصله بسیار هوشمندانه و با زیرکی خاصی شرایط امام را مطرح کرده اند که در ضمن ذکر شرایط امام، تمام اندیشه شیعه را در باب امامت، مانند لطف بودن، عصمت و... را گنجانده اند.

تعریف امامت در روایات

پیش از این اشاره شد که در شناخت مسائل کلامی و اعتقادی نمی توان روایات را نادیده گرفت و در هر مسئله اگر روایتی از امام معصوم وجود داشت باید آن را به عنوان پایه اعتقادی قرار داد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بحث امامت از مواردی است که در بسیاری از شاخه های آن از جمله در تعریف امامت، روایات فراوان وجود دارد که مناسب است بنا به اقتضای این بحث، که درباره تعریف امامت است، به شواهدی از آن روایات اشاره شود:

رسول خدا9: مجلسی در «بحار» و شیخ صدوق در «معانی الاخبار» از پیامبر نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

سمّیی الامام اماما لانه قدوه للناس منصوب من قبل الله تعالی ذکره مفترض الطاعه علی العباد؛((1))

امام به آن دلیل امام نامیده می شود که مقتدای مردم است و از طرف خدای متعال منصوب شده است و فرمان برداری اش بر بندگان واجب است.

امیرالمؤمنین: ایشان در تعریف پیشوایان می فرمایند:

انما الائمه قوام الله علی خلقه و عرفائه علی عباده و لا یدخل الجنه الا من عرفهم و لا یدخل النار الا من انکرهم و انکروه؛((2))

امامان (پیشوایان) برپادارنده مردم از جانب خدایند و وسیله شناخت او و کارشناسان خدا بر بندگانش می باشند. بر بهشت وارد نمی شوند جز کسانی که امامان را می شناسند و شناخته شده امامان هستند و کسانی وارد جهنم

1-) معانی الاخبار، ص64؛ بحار الانوار، ج25، ص104.
2-) نهج البلاغه، خطبه 152، ص280.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می شوند که امامان را نشناسند و شناخته شده آنان نباشند.

امام صادق علیه السلام : ان الامامه عهد من الله عزوجل معهود لرجل سمیّن لیس للامام ان یزویها عمن یکون من بعده((1))

امامت عهد و وصیتی است که از ناحیه خدای تعالی برای شخص معین واگذار شده است و امام پیشین نمی تواند آن را از امام بعدی پنهان نماید.

امام رضا علیه السلام : آن حضرت نیز در بیان بسیار جامع و طولانی، واژگان امام و امامت را به گونه ای روشن تعریف نموده است که به دلیل اختصار به برخی از گفتار امام اشاره می شود. به نقل شیخ مفید و دیگران از یکی از یاران امام به نام عبدالعزیز بن مسلم می گوید: با عده ای در مسجد جامع مرو در امر امامت، که مورد اختلاف فراوان بود، گفت گو می کردیم تا اینکه من به محضر مولای خود امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم و سخنان مردم را درباره امامت به عرض آن حضرت رساندم. پس از آن حضرت تبسمی کرد و این حدیث طولانی را در تعریف امامت و جایگاه امام ایراد فرمود که در بخش هایی از آن حدیث آمده است:

ان الامامه خلافه الله و خلافه الرسول و مقام امیرالمؤمنین و میراث

1-) اصول کافی، ج2، ص54؛ بحارالانوار، ج23، ص72.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الحسن و الحسین ان الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المؤمنین ان الامامه اس الاسلام النامی و فرعه السامی

امامت، خلافت و جانشینی خدا (در زمین) و جانشین رسول خدا9 است و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است امامت زمامدار دین و نظام بخش مسلمانان و اصلاح گر دنیا و عزت بخش مؤمنان است. امامت بنای اساس اسلام و شاخه با برکت آن است.

پس از آن در تعریف واژه امام می فرماید:

الامام امین الله فی خلقه و حجته علا عباده و خلیفته فی بلاده و الداعی الی الله و الذاب عن حُرُم الله امام مطهر من الذنوب و المبرا عن العیوب المخصوص بالعلم... عالم بالسیاسه مفروض الطاعه قائم بامر الله ناصح لعبادالله، حافظ لدین الله؛((1))

امام امین خداوند در میان خلقش و حجت او بر بندگانش و خلیفه او در بلادش است امام دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از محرمات الاهی است، امام از گناهان پاک و از عیب ها به دور و به علم و دانش مخصوص است امام آگاه به سیاست و فرمانبرداری از او واجب و به پادارنده امر خداوند و دلسوز

1-) اصول کافی، ج1، صص291- 284؛ تحف العقول، صص223-224.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بندگان و نگهبان دین خدا است.

بدون تردید با دقت در این روایات و با تحلیل واژگان به کار رفته می توان به این واقعیت پی برد که در تمام این روایات مسئله انتخاب امام از طرف خداوند به عنوان یک امر مسلم ذکر شده است که از جهت کاربردی در بحث اعتقادی و کلامی باید در تعریف امامت لحاظ گردد که ما در گزینه پیشین به نمونه هایی از آن گونه تعریف ها اشاره کردیم و در نهایت آنچه از این روایات در تعریف امام و شرایط آن می توان استنباط نمود اینک امام با این معنا و شرایط و مسئولیت هایی که ذکر شد باید انتخاب او مانند انتخاب نبی با ملاک های ویژه و خارج از دسترس بشر باشد؛ زیرا با انتخاب بشر هیچ تضمینی وجود ندارد که امام را با آن شرایط ویژه انتخاب کند.

تنها راه اطمینان آور در انتخاب امام همان راهی است که انتخاب امام را مانند انتخاب نبی از طرف خداوند بدانیم.

نگرشی بر مصداق شناسی امام در روایات

پس از شناخت معنای اصطلاحی و اعتقادی امام و امامت در نزد متکلمان و روایات معصومان: اینک ضرورت دارد که به شواهدی از مصداق شناسی امام در روایات اشاره گردد، زیرا همان گونه که در ابتدای این بخش اشاره شد با دقت در جریان شناختی روایات که در آنان واژگان امام و ائمه ذکر شده است، معلوم می شود که این روایات به

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

طور کلی به دو دسته تقسیم می شود: الف - روایات مطلق که در آنان بدون قیدی سخن از امام و ضرورت آن به میان آمده است که این دسته در ابتدای این فصل نگارش یافت. ب - روایات مقید که در این دسته علاوه بر ذکر امام و ضرورت آن، مصادیق امامان نیز ذکر شده است که در اینجا مناسب است برای تکمیل معنا شناسی امامت به شواهدی اشاره شود.

عبدالرحمن بن سمره نقل نموده است که پیامبر9 به من فرمود: ای فرزند سمره! زمانی که آراء و خواهش ها پراکنده شد به علی بن ابی طالب علیه السلام رو آورید.

«فانه امام امتی و خلیفتی من بعدی»؛((1))

او پیشوای امت من و جانشین بعد از من است.

نیز آن حضرت فرمود:

«ایها الناس ان علیا امامکم من بعدی... من انکره انکرنی و من انکرنی فقد انکر الله و من اقر بامامته فقد اقر بنبوتی»؛((2))

«ای مردم همانا علی پیشوای شما است بعد از من کسی که انکار کند علی را، من را انکار نموده است و کسی که مرا انکار کند خدا را انکار نموده و کسی که اقرار به امامت علی نماید به نبوت من اقرار نموده است...»

1-) کمال الدین، صدوق، ص251.
2-) شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص272.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و نیز از انس بن مالک نقل شده است که رسول خدا9 به ابوبرزه اسلمی فرمود:

«یا ابا برزه ان رب العالمین عهد الیی فی علی بن ابی طالب علیه السلام عهدا فقال علی رایه الهدی و امام اولیائی و نور جمیع من اطاعنی»؛((1))

ای ابوبرزه همانا پروردگار عالمیان پیمان بست با من درباره علی بن ابی طالب علیه السلام پیمان بستنی و پس از آن گفت علی پرچمدار هدایت و پیشوای دوستان من و روشنایی بخش تمام کسانی است که از من فرمان برداری کند.

به نقل حاکم در مستدرک، رسول خدا9 فرمود:

اوحیی الیی فی علی ثلاث انه سید المسلمین و امام المتقین و قائد الغرالمحجلین؛((2))

به سوی من نسبت به علی سه چیز وحی شده است او آقای مسلمانان، پیشوای پرهیزگاران و رهبر سفید رویان است.

و نیز آن حضرت خطاب به علی فرمود:

«یا علی انت الامام بعدی و مالک فی امتی نظیر»؛((3))

ای علی تو پیشوای بعد از من هستی و

1-) تاریخ بغداد، ج14، ص102؛ الغدیر، ج7، ص176.
2-) مستدرک علی الصحیحین، ج3، ص138.طبرانی، المعجم الصغیر، ج2، ص88؛مجمع الزوائد، ج9، ص121.
3-) حلیه الابرار، ج2، ص27؛ روضه الواعظین، ج1، ص128.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در میان امت من کسی همانند تو نیست.

در روایت دیگری نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«ان علی بن ابی طالب علیه السلام الامام بعدی و اعلموا ان الله قد نصبه لکم ولیا مفترضا طاعته»؛((1))

«علی بن ابی طالب علیه السلام پیشوای بعد از من است؛ بدانید که خداوند او را سرپرست و پیشوای شما نصب کرده و واجب کرده است پیروی از او را.»

در جریان حدیث معراج از رسول خدا9 نقل شده است که خداوند به من فرمود:

«یا محمد انی جعلت علیا امام المسلمین فمن تقدم علیه اخزیته»((2))

ای محمد! من علی را پیشوای مسلمانان قرار دادم و هر کس خود را از او جلو اندازد، خوار و ذلیل می کنم.

هم چنین از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

الائمه بعدی اثنا عشر اولهم انت یا علی و اخرهم القائم الذی یفتح الله عزوجل علی یدیه مشارق الارض و مغاربها؛((3))

پیشوایان پس از من دوازده نفرند؛

1-) من لا یحضره الفقیه، ج3، ص254.
2-) مدینه المعاجز، ج2، ص402؛ امالی صدوق، ص426.
3-) کمال الدین، صدوق، ص149.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

یا علی نخستینشان تو هستی و آخرین آنان قائم است که خداوند با دستان او شرق و غرب زمین را می گشاید.

در روایت دیگری از علی علیه السلام نقل شده است که رسول خدا9 به من فرمود:

انت الامام ابوالائمه احد عشر من صلبک ائمه مطهرون؛((1))

«تو پیشوا و پدر پیشوایان هستی یازده تن از صُلب تو پیشوایانی هستند پاکیزه.»

و در روایت دیگری از انس بن مالک نقل شده است که روزی، در حالی که رسول خدا9 در جمع یاران خود نشسته بود به آنان فرمود:

اول من یدخل من هذالباب امام المتقین و سید المرسلین و قائد غر المحجلین؛

نخستین کسی که از در وارد می شود پیشوای پرهیزگاران و آقای مسلمانان و رهبر سفید رویان است.

پس در آن هنگام علی وارد شد و رسول خدا9 از او استقبال کرد و گفت:

انت تؤدی عنی و تسمعهم صوتی و تبین لهم ماختلفوا فیه من بعدی؛((2))

تو از جانب من ادا می کنی و صدایم

1-) الانصاف، سید هاشم بحرانی، ص72.
2-) ابو نعیم، حلیه الاولیا، ج1، ص63؛ فرائد المسلمین، ج1، ص145.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را به آنان می رسانی و بیان می کنی آنچه را که بعد از من در آن اختلاف می کند.

از امام حسن عسکری علیه السلام نیز نقل شده است که رسول خدا9 به ابن مسعود فرمود:

یا ابن مسعود علی بن ابی طالب علیه السلام امامکم بعدی و خلیفتی علیکم فاذا مضی فابنی الحسن امامکم بعده و خلیفتی علیکم فاذا مضی فابنی الحسین امامکم بعده و خلیفتی علیکم ثم تسعه من ولد الحسین واحدا بعد واحد ائمتکم و خلفائی علیکم... و من انکر واحدا منهم فقد انکرنی و من انکرنی فقد انکر الله و من جحد واحدا منهم فقد جحدنی و من جحدنی فقد جحد الله لان طاعتهم طاعتی و طاعتی طاعه الله و معصیتهم معصیتی و معصیتی معصیه الله؛((1))

ای فرزند مسعود! علی بن ابی طالب علیه السلام پس از من پیشوای شما و خلیفه من است بر شما چون او بگذرد فرزندم حسن پس از او پیشوای شما، چون و خلیفه من بر شماست وچون او برود فرزندم حسین پیشوای شماست سپس نه تن از فرزندان حسین یکی پس از دیگری پیشوایان شمایند و هر کس یکی از ایشان را انکار کند مرا انکار کرده و هر که مرا انکار کند خدا را

1-) الانصاف، ص241.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

انکار کرده است و هر که یکی از ایشان را رد کند مرا رد کرده و هرکه مرا رد کند خدا را رد کرده است؛ زیرا پیروی ایشان پیروی من و پیروی من پیروی خداست و نافرمانی ایشان نافرمانی من و نافرمانی من نافرمانی خداست.

با نگاه تطبیقانه به آنچه تاکنون درباره مصداق شناسی امامان وپیشوایان در روایات به نگارش در آمد می توان به این مطلب مهم و اساسی دست یافت که مسئله امامت و پیشوایی پس از رسول خدا9، بحثی مهم و در خور توجه بوده است که آن حضرت نیز نه تنها هیچ گاه از آن غفلت نورزید، بلکه در موقعیت های مختلف درباره آن سخن گفته است که در این زمینه می توان به احادیث مشهور و به یاد ماندنی یوم الدار، غدیر، منزلت، ثقلین و... اشاره کرد که در اینجا از ذکر آنان خودداری می شود،((1)) و در پایان تأکید می شود که از روایات نگارش یافته در باب مصداق شناسی امام می توان به امور ذیل درباره ی جایگاه و ویژگی های امامت اشاره نمود:

الف - ضرورت وجود امام برای سامان بخشی به مسائل دین و دنیای امت اسلامی.

ب - انتخاب امام باید از طرف خداوند انجام شده و به وسیله ی پیامبر برای آگاهی مردم مانند باقی دستورات الاهی ابلاغ گردد.

ج - در این روایات از جهت مصداق شناسی هیچ ابهامی باقی نمانده است مگر اینکه انگیزه هایی برای انکار امام و امامت الاهی در ذهن کسی

1-) هر یک از این احادیث مناسب خود، نگارش خواهد یافت.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

باشد.

د - در برخی از این روایات تطبیق و پیوستگی میان معرفت نبی و امام و نیز انکار نبی و امام مطرح شده بود که از جهت معرفت شناسی می توان به این نکته دست یافت که امامت از نبوت جداناپذیر بوده و پس از درگذشت نبی امام در جایگاه او به عنوان جانشین او وظیفه هدایت گری خلق را بر عهده می گیرد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فصل دوم: واژگان خلیفه و خلافت

اشاره

ص: 128

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پس از رحلت پیامبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در نظام سیاسی و مدیریتی مسلمانان واژگان «خلیفه» و «خلافت» از پر کاربردترین واژگانی اند که با بار سیاسی و اعتقادی وارد تاریخ و ادبیات مسلمانان شده و در گذر زمان مفاهیم پر فراز و نشیبی از آن ها اراده شده است که در بیشتر زمان ها ابزاری بوده است برای تفرقه افکنان که تاب دیدن اتحاد مسلمانان را نداشتند و از طرف دیگر خلافت در عرف سیاسی و فرهنگی مسلمانان مورد سوء استفاده های فراوان قرار گرفته است که عده ای با استفاده از مفهوم این واژه به سرنوشت دیگر مسلمانان مسلط شده و به عنوان جانشین رسول اکرم صلی الله علیه و آله با در دست داشتن اختیارات وسیع از هیچ کرداری فروگذار نکردند. بر این اساس مناسب است که واژه «خلیفه» و «خلافت» را ابتدا در آیات قرآن و روایات معنا شناسی کنیم سپس در عرف و اصطلاح مسلمانان بررسی نماییم.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واژه ی «خلیفه» در قرآن

اشاره

واژه «خلیفه» به شکل مفرد و جمع آن «خلائف» و «خلفا» در قرآن کریم نُه بار به کار رفته است((1)) و با برشمردن اشتقاق های آن در قرآن کاربرد فراوان دارد((2)) که در مجموع بیشتر آیات به معنای کناررفتن گروهی و جانشین شدن گروهی دیگر آمده است و در برخی آیات نیز سخن از جانشینی خداوند در تدبیر امور در روی زمین است که این آیات اشاره بر ولایت و شأن خاص گروهی دارد که به نمونه هایی از این ایات اشاره می شود:

الف - شواهدی از آیات دسته یکم

«وَرَبُّکَ الْغَنِیُّ ذُو الرَّحْمَهِ ان یَشَا یُذْهِبْکُمْ وَیَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِکُمْ مَا یَشَاءُ کَمَا انْشَاکُمْ مِنْ ذُرِّیَّهِ قَوْمٍ اخَرِینَ»((3))

«و پروردگارت بی نیاز و صاحب رحمت است اگر بخواهد همه شما را هلاک می نماید و پس از شما هر نسلی که بخواهد جایگزین شما می کند همان گونه که شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورد.»

«وَهُوَ الَّذِی جَعَلَکُمْ خَلائِفَ الارْضِ وَرَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِیَبْلُوَکُمْ فِی مَا اتَاکُمْ ان رَبَّکَ سَرِیعُ الْعِقَابِ وَانَّهُ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ»((4))

1-) قاموس قرآن، ج2، ص284.
2-) المعجم الفهرس، ص305.
3-) انعام، 133.
4-) انعام، 165.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اوست کسی که شما را در زمین جانشینان نسل های گذشته قرار داد و (پایه های مادی و معنوی) برخی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی بالا برد تا شما را در آنچه به شما عطا کرده بیازماید قطعا پروردگارت زودکیفر است و یقینا بسیار آمرزنده و مهربان است.

«وَیَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا یَکْرَهُونَ وَتَصِفُ الْسِنَتُهُمُ الْکَذِبَ ان لَهُمُ الْحُسْنَی لا جَرَمَ ان لَهُمُ النَّارَ وَانَّهُمْ مُفْرَطُونَ»((1))

«آنان برای خداوند چیزهایی قرار می دهند که خودشان از آن کراهت دارند (= فرزندان دختر) با این حال زبانشان به دروغ می گویند سرانجام نیکی دارند به ناچار برای آنان آتش است و آنان از پیشگامان دوزخند»

«دَعْوَاهُمْ فِیهَا سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَتَحِیَّتُهُمْ فِیهَا سَلامٌ وَاخِرُ دَعْوَاهُمْ ان الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ»((2))

«گفتار (و دعا) آنان در بهشت این است که خداوندا منزهی تو و تحیت آنان در آنجا سلام و آخرین سخنشان این است که: حمد مخصوص خدا پروردگار عالمیان است.»

«اوَعَجِبْتُمْ ان جَاءَکُمْ ذِکْرٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَلَی رَجُلٍ مِنْکُمْ لِیُنْذِرَکُمْ وَاذْکُرُوا إِذْ جَعَلَکُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَکُمْ فِی الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْکُرُوا الاءَ اللَّهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»((3))

آیا تعجب کرده اید که دستور آگاه

1-) نحل، 62.
2-) یونس، 10.
3-) اعراف، 69.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کننده پرودگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد تا از مجازات الاهی بیم تان دهد؟ و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد و شما را از جهت خلقت (جسمانی) گسترش (و قدرت) داد. پس نعمت های خدا را به یاد آورید شاید رستگار شوید.

در این آیات مراد، خلافت و جانشینی عامه مردم است که از طرف خداوند به آنان برای آبادانی زمین و بهره بردن از نعمت در آن اذن عام داده شده است.((1))

علامه طباطبایی درباره معنای خلافت عامه مردم در زمین با استفاده از این آیات می نگارد: «خلیفه بودن مردم در روی زمین به این معناست که هر دسته لاحقی در مقام سابقین برخیزند و بر تصرف و انتفاع از زمین همان طور که گذشتگان مسلط بودند مسلط شوند.»((2))

در تفسیر «تبیان» در این زمینه آمده است: «خلفا در این آیات جمع خلیفه است و معنایش این است که گروهی بر جای گروهی دیگر به تدبیر امور اقدام نمایند.»((3))

بنابراین یک دسته از آیات نشان دهنده خلافت عامه مردم در استفاده از نعمت های الاهی است که بنابر حکمت الاهی از نعمت های خداوند در زمین استفاده می برند.

1-) شیخ محمد سند، الامامه الالهیه، ج1، ص205.
2-) المیزان، ج17، ص75.
3-) التبیان، ج4، ص284.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ب - نمونه ای از آیات دسته دوم

در برابر آیات پیشین یک سری آیات در قرآن مسئله خلافت و جانشینی را به معنای خاص طرح کرده اند که دانشمندان از آن آیات، شأن ولایت خاصه و تصرف در امور را برای آن خلفا استفاده کرده اند که به نمونه ای از آیات که صراحت بیشتری در این زمینه دارند اشاره می شود:

«وَاذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ انِّی جَاعِلٌ فِی الارْضِ خَلِیفَهً»((1))

«و به خاطر آور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بر روی زمین جانشینی (= نماینده ای) قرار خواهم داد.»

«یَا دَاوُدُ انَّا جَعَلْنَاکَ خَلِیفَهً فِی الارْضِ فَاحْکُمْ بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»((2))

«ای داوود! ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم پس در میان مردم به حق داوری کن.»

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ امَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الارْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ امْنًا یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئًا وَمَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذَلِکَ فَاولَئِکَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»((3))

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعا آنان

1-) بقره، 30.
2-) ص، 26.
3-) نور، 55.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان آنان خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس شان را به امنیت و آرامش مبدل می کند آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که بعد از آن کافر شوند آنان فاسقانند.»

درباره دلالت این آیات بر خلافت و جانشینی در بعضی منابع این چنین آمده است: «خلیفه و استخلاف که در قرآن آمده است به دو معنا است. اول: جانشینی عام برای نوع بشر که هدف از آن آبادانی زمین و عالم هستی است. دوم: جانشینی خاصی که هدف از آن جانشینی برگزیدگان است که در آیات دسته دوم این نوع از خلافت و جانشینی مراد است که مخصوص عدهای از افراد بشر است نه تمام بشر... و مراد از خلافت و جانشینی بشر از خداوند که واجب الوجود است به معنای جانشینی بعد از فقدان نیست؛ زیرا فقدان نسبت به واجب الوجود معنا ندارد، بلکه مراد خلافت اولیه است به این معنا که مالک اصلی زمین و آسمان خداوند است، اما در عین حال به نوعی قدرت و امکان برای بندگان برگزیده خود نیز داده است. ((1))

1-) شیخ محمد سند، الامامه الالهیه، ج1، ص315- 316.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

صدرالمتالهین شیرازی با استفاده از آیه ی:

«یَا دَاوُدُ انَّا جَعَلْنَاکَ خَلِیفَةً فِی الارْضِ فَاحْکُمْ بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»((1))

می گوید: مراد از خلافت آدم در زمین، مقام ولایت است و این مقام بزرگترین منصب است که با آن حق تصرف در امور و مصالح دیگران پیدا می کند.((2))

نیز ایشان از واژه «جاعل» در «انِّی جَاعِلٌ فِی الارْضِ خَلِیفَةً»((3)) استفاده نموده که جاعل اشاره دارد بر اینکه انتخاب خلیفه از طرف خداوند است و جایز نیست که آن را به مردم واگذارد.((4))

آیت الله جوادی املی در تفسیر آیه «انِّی جَاعِلٌ فِی الارْضِ خَلِیفَةً» میگوید: «مقام آدمیت که شخصیت حقوقی انسان کامل است محور خلافت الاهی است؛ زیرا بیان خلافت در قالب جمله اسمیه مفید استمرار است.»((5))

در بعضی روایات در تفسیر این آیه آمده است: مراد از اینکه خداوند می فرماید من در روی زمین خلیفه قرار دادم این است که یکون حجه لی فی

1-) ص، 26.
2-) تفسیر قرآن العظیم، ج3، ص4.
3-) بقره، 30.
4-) صدر المتالهین شیرازی، پیشین، ج3، ص51.
5-) صورت و سیرت انسان در قرآن، ص291.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الارض علی خلقی؛((1)) تا آنان حجت بر مخلوقاتم در روی زمین باشند.

هم چنین در روایات درباره تفسیر و بیان کردار خلفا در این آیات آمده است:

خلفائی علی خلقی فی الارض ینهونهم عن معصیتی و ینذرونهم و یهدونهم الی طاعتی و یسلکون بهم سبیلی؛((2))

(آنان) جانشینان من بر بندگانم در روی زمین هستند باز می دارند بندگانم را از نافرمانیم و آنان را بیم داده و هدایت می کنند به سوی فرمانبرداری از من و راه می پیمایند با آنان راهی به سوی من.

هم چنین در حدیثی از امام رضا علیه السلام که سلسله سند آن به امیرالمؤمنین علیه السلام می رسد نقل شده است که رسول خدا9 به چهار آیه از قرآن اشاره کرد و فرمود: خداوند در این آیات از چهار خلیفه خبر داده است:

الاول: «قال انِّی جَاعِلٌ فِی الارْضِ خَلِیفَةً»((3))

و خلیفه در این آیه آدم است.

الثانی: «یَا دَاوُدُ انَّا جَعَلْنَاکَ خَلِیفَةً فِی الارْضِ»((4))

و خلیفه در این آیه داوود است.

1-) البرهان فی تفسیر القرآن، ج1، ص168.
2-) قصص الانبیا، راوندی، ص42.
3-) بقره 30.
4-) سوره ص / 26.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الثالث: خداوند از قول موسی حکایت نموده

« قال لهارون اخلفنی فی قومی»((1))

و خلیفه در این آیه هارون است.

الرابع: خداوند فرموده: «و اذان من الله و رسوله الی الناس»((2))

فکنت انت یا علی خلیفتی

یعنی کسی که از جانب خدا و رسول اذن دارد تو هستی یا علی((3))

بنابراین آنچه تاکنون به نگارش درآمد رهیافتی بود برای این مطلب که واژه خلیفه به معنای جانشینی خداوند در قرآن به دو معنا به کار رفته است: یکی به معنای جانشینی عام و برای استفاده از نعمت های خداوند در زمین و دوم به معنای جانشینی خاص و دارای مقام و منصب الاهی که از آثار آن داشتن ولایت و حق تصرف در امور دیگران است تا در سایه رهبری آنان احکام و قوانین الاهی از تغییر و تحریف محفوظ ماند و بر این اساس است که وجود آن خلفای الاهی برای همیشه در روی زمین به عنوان حجت الاهی و هدایت گر انسان ها لازم است و از طرف دیگر برای همه واجب است که با آنان مخالفت نورزیده و فرمانبردار آنان باشند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید:

لا تخلوالارض من قائم لله بحجه اما ظاهرا مشهورا و اما خائفا

1-) اعراف 142.
2-) توبه 3.
3-) البرهان فی تفسیر القرآن، ج2، ص735.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مغمورا... اولئک خلفاء الله فی ارضه و الدعاه الی دینه؛((1))

هرگز زمین خالی نمی ماند از کسی که حجت الاهی را به پا دارد خواه آشکار و مشهور باشد یا بیمناک و پنهان، آنان جانشینان خدا در روی زمین و داعیان به سوی دین اویند.

در حدیثی از پیامبر9 نقل شده که درباره علی علیه السلام فرمود:

ان علیا خلیفه الله؛((2))

همانا علی خلیفه خداست.

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرمایند در روز قیامت ندا می شود:

این خلیفه الله فیقوم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فیاتی الندا من قبل الله یا معشر الخلائق هذا علی بن ابی طالب علیه السلام خلیفته الله فی ارضه و حجته علی عباده؛((3))

کجا است خلیفه خداوند؟ پس از آن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بلند می شود. پس از آن ندایی از جانب خداوند می رسد که ای تمام مخلوقات این علی بن ابی طالب علیه السلام خلیفه خدا در زمین و حجت او برای

1-) نهج البلاغه، حکمت 147، ص660.
2-) راوندی، قصص الانبیا، ص177.
3-) تفسیر نور الثقلین، ج1، ص150؛ مناقب آل ابی طالب، ج3، ص78.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بندگانش بود.

در حدیثی امام رضا علیه السلام مقام امامت را مقام خلیفهٔ اللهی دانسته، می فرماید:

ان الامامه خلافه الله؛((1))

همانا امامت خلافت و جانشینی خداوند است.

لغوی مشهور ابن منظور در این زمینه می گوید:

جاز ان یقال للائمه خلفا الله فی ارضه؛((2))

جایز است به پیشوایان، جانشینان خداوند در زمین گفته شود.

بدیهی است که اینجا مراد، پیشوایان تأیید شده از طرف خداوند است نه پیشوایان طاغوتی و غیر الاهی.

در اینجا نکته ای که باید آن را مد نظر قرار داد این است که، این خلفای الاهی دارای شئون و ویژگی های خاصی هستند؛ از جمله داشتن حق حاکمیت و فرمانروایی از طرف خداوند؛ منتهی اجرایی شدن این حق وابسته به شرایطی مانند پذیرش مردمی است اما از نظر حقوقی همیشه ثابت و پابرجا است چه مردم بخواهند و چه نخواهند.

کاربرد واژه خلیفه در روایات

پیش از نگارش روایات، توجه به این مطلب ضرورت دارد که در منابع روایی و تاریخی شیعه و سنی واژه «خلیفه» و مشتقات آن یکی از واژگان

1-) اصول کافی، ج1، ص284؛ تحف العقول، ص223.
2-) لسان العرب، ج9، ص84.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پرکاربرد است که برای معرفی جانشین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بیان ضرورت آن استفاده شده است و دقت و تأمل می توان مفاد این روایات را به دو دسته مطلق (بدون بیان مصداق) و مقید (با تعیین مصداق) تقسیم کرد که در اینجا ابتدا، برای اثبات ضرورت خلافت و طرح آن در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله، روایات مطلق را به نگارش در آورده، سپس در پایان این فصل به روایات مقید که در آنان مصادیق خلفا بیان شده است، خواهیم پرداخت.

در میان روایاتی که واژه «خلیفه» در آن بیان شده است، روایات اثنا عشر، که در آن رسول اکرم صلی الله علیه و آله طرح جانشینان دوازده گانه بعد از خود را پایه ریزی کرده است، از مشهورترین روایات در این باب است که پیش از نقل این روایات توجه به این نکته ضرورت دارد که احادیث اثنا عشر با واژگان «اثنا عشر اماما((1)) و اثنا عشر امیرا»((2)) نیز نقل شده است و اما آنچه به تناسب این فصل ذکر می شود اختصاص دارد به احادیثی که در آن واژه «خلیفه» به کار رفته است.

در روایتی که سند آن به عبدالله بن مسعود می رسد این چنین نقل شده است: «در آن زمانی که ایشان درکوفه مشغول تعلیم دادن قرآن برای آن مردم بود کسی از او سؤال کرد آیا پیامبر به شما از تعداد جانشینان پس از خود خبر داده بود؟ ابن مسعود به او گفت: از آن روزی که من

1-) که این احادیث در فصل یکم نقل شد.
2-) در فصل جداگانه بعداً ذکر می شود.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به عراق آمدم تا هنوز کسی از من در این باره سؤال نکرده است، بله در این زمینه خودم از رسول خدا9 شنیدم که فرمود:

«یکون بعدی من الخلفا عدد نقباء بنی اسرائیل اثنا عشر کلهم من قریش»؛ ((1))

پس از من تعداد جانشینانم به تعداد نقبای بنی اسرائیل دوازده نفر می باشد که تمام آنان از قریش هستند.

هم چنین از رسول خدا9 نقل شده است:

«لا یزال الدین قائما حتی تقوم الساعه او یکون علیهم اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش»؛((2))

پیوسته دین اسلام تا روز قیامت پابرجا خواهد بود دوازده خلیفه که همگی از قریش هستند بر مردم خلافت خواهند کرد.

در حدیث دیگر نقل شده است:

«لا یزال هذا الدین قائما حتی یکون علیکم اثنا عشر خلیفه؛((3))

همیشه این دین (اسلام) پابرجاست تا دوازده خلیفه، خلافت کنند.

1-) راوندی، قصص الانبیا، ص368؛ عیون اخبار الرضا، ج2، ص54؛ مسند احمد، ج5، ص106؛ معجم کبیر طبرانی، ص198. با اندک تفاوت
2-) صحیح مسلم، ج6، ص4غ کتاب اماره، باب 1؛ کنز العمال، ج12، ص32.
3-) تاریخ الخلفا، سیوطی، ص10؛ سنن ابی داوود، ج2، ص309.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سید بن طاووس حدیث اثنا عشر خلیفه را با چندین سند از منابع اهل سنت نقل نموده است از جمله این حدیث:

«لا یزال هذاالدین ظاهرا حتی تقوم الساعه و یکون علیهم اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش؛((1))

پیوسته این دین آشکار است تا قیامت بر پا شود و یا دوازده خلیفه بر آنان (مسلمانان) خلافت کنند که همگی از قریش هستند.

در «عیون اخبار الرضا» درباره تعداد خلفا و کارنامه عملی آنان نقل شده است:

«ان هذه الامه لا تهدی حتی تکون فیها اثنا عشر خلیفه کلهم یعمل بالهدی و دین الحق»؛((2))

این امت هدایت نگردد مگر اینکه دوازده خلیفه در بین آنان خلافت نمایند که همه آنان به سوی هدایت گری و دین حق عمل نمایند.

هم چنین در روایتی نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«یکون بعدی اثنا عشر خلیفه... اسمائهم فی الوصیه من لدن»؛((3))

پس از من دوازده خلیفه هستند که

1-) الطرائف، ص170.
2-) عیون اخبار الرضا، ج2، ص55.
3-) راوندی، قصص الانبیا، ص368.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نام های آنان با سفارش (از جانب خداوند) تعیین شده است.

در «کنز العمال» نقل شده است:

«لا یزال امر امتی صالحا حتی یمضی منهم اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش؛((1))

همیشه امر خلافت میان امت من به شایستگی ادامه دارد تا اینکه میان آنان دوران دوازده نفر خلیفه پایان یابد و همگی از قریش هستند»

در روایت جابر بن سمره از پیامبر9 آمده است:

«ان الاسلام لا یزال عزیزا الا اثنا عشر خلیفه»؛((2))

«اسلام همیشه عزت مند است تا مادامی که دوازده خلیفه خلافت کنند.»

در حدیث دیگر از پیامبر9 نقل شده است:

«لا تزال هذه الامه مستقیما امرها ظاهره علی عدوها حتی یمضی اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش»؛((3))

همیشه امر این امت به راهی راست

1-) کنز العمال، ج12، ص32؛ مستدرک علی الصحیحین، ج3، ص618.
2-) مسند طیالسی، ص105؛ مسند علی بن جعد جوهری، ص290؛ الکفایه فی علم الدرایه، خطیب بغدادی، ص95؛ معجم الکبیر، طبرانی، ج2، ص195.
3-) تهذیب الکمال، ج3، ص224.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بوده و بر دشمنان پیروز است تا اینکه دوازده نفر خلیفه بر آنان خلافت کنند که همگی از قریش هستند.

هم چنین حضرت فرمود:

«لا یزال هذا الامر عزیزا الا اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش»؛((1))

همیشه امر خلافت استوار است تا دوازده خلیفه که همه از قریش هستند خلافت نمایند.

ما در اینجا به ذکر همین مقدار از روایات اکتفا می کنیم و تأکید می کنیم که به جز روایات نگارش یافته در اینجا، دهها روایات دیگر با همین مضمون در منابع شیعه و سنی نقل شده است که برای اطلاع بیشتر به منابع ذیل مراجعه شود.((2))

ویژگی های حدیث اثنا عشر و خلفا

با توجه به نقل های فراوان که حدیث اثنا عشر در منابع شیعه و سنی دارد و نیز تأمل در خصوصیات و ویژگی هایی که برای خلفا ذکر شده است، می توان رهیافتی پیدا نمود به سوی شناخت و معرفت خلفای واقعی از خلفای دروغین. بر این اساس مناسب است به برخی از آن ویژگی ها اشاره شود:

1-) نعیم بن حماد، کتاب الفتن، ص52.
2-) مسند احمد، ج5، ص106 به بعد؛ کنز العمال، ج12، ص32 به بعد؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج3، ص618؛ معجم کبیر طبرانی، ج2، ص195؛ فتح الباری، ج13، ص211؛ عیون اخبار الرضا، ج2، ص54 به بعد؛ خصال صدوق، ج2، ص235 به بعد؛ الطرائف، سید بن طاووس، ص170 و دهها منبع دیگر از شیعه و سنی.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1 - همان گونه که نگارش یافت، این احادیث مورد اتفاق شیعه و سنی است.

2 - تأکید بر عدد دوازده که این مطلب در متن تمام روایات به عنوان شاخصه اصلی مورد توجه قرار گرفته که تعداد خلفا بعد از رسول دوازده نفرند.

3 - تمام آن دوازده نفر از قریش هستند.

4 - خلافت اختصاص به زمان خاصی ندارد، بلکه تا امت اسلامی باقی است خلافت نیز برای آنان ضرورت دارد.

5 - قوام و ثبات دین به وجود خلفای دوازده گانه وابسته است.

6 - عزت اسلام به وجود خلفای دوازده گانه است.

7 - صحت حدیث. (از جهت کاربردی و اعتقادی یکی از مهم ترین ویژگی های حدیث اثنا عشر این است که این حدیث مورد اتفاق شیعه و سنی است و این نکته قابل توجه است که از جهت پیشینه شناسی حدیث یاد شده نخستین بار در منابع اهل سنت که مربوط به اواخر قرن دوم است به ثبت رسیده، مانند ابوداوود طیالسی در «مسند» خود و نعیم بن حماد در کتاب «الفتن»((1)) و پس از آن محدثان و دیگر دانشمندان نامدار اهل سنت حدیث فوق را نقل نموده و بسیار نیز بر صحت آن اشاره نموده اند.)

ترمذی در «صحیح» خود پس از نقل حدیث تصریح

1-) برای نمونه پیشتر حدیث اثنا عشر از هر دو منبع مذکور نقل گردید.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نموده است: هذا حدیث حسن.((1))

هیثمی می نگارد: «رجال حدیث اثنا عشر که طبرانی آن را در «معجم الکبیر» نقل نموده است همگی صحیح و مورد وثوق است».((2))

هم چنین ابن حجر درباره حدیث اثنا عشر که از ابن مسعود نقل شده می نگارد: «حدیث حسن» است.((3))

ذهبی پس از نقل حدیث اثنا عشر می نگارد:

هذه حدیث صحیح((4))

عمروبن عاصم درباره این حدیث می گوید:

حدیث صحیح، اسناده حسن و رجاله ثقات((5))

بنابراین حدیث اثنا عشر مورد وثوق و اطمینان دانشمندان اهل سنت است که این از جهت کاربردی می تواند از مهمترین ویژگی های این حدیث به شمار آید.

1-) صحیح ترمذی، ج3، ص340؛ کتاب الفتن، باب26.
2-) مجمع الزوائد، ج5، ص190.
3-) فتح الباری، ج13، ص182.
4-) سیر اعلام النبلا، ج14، ص444.
5-) کتاب السنه، ص518.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واژه یابی خلیفه و خلافت در لغت

این دو واژه، که در اصل یکی برای شخص معین (خلیفه) و دیگری برای مقام آن شخص (خلافت) به کار می روند، در لغت به معنای جانشین آمده است. خلیل در این باره می نگارد:

الخلیفه من استخلف مکان من قبله و یقوم مقامه؛((1))

خلیفه کسی است که جانشین کسی شود که پیش از او بوده و بر مقام و جایگاه او بنشیند.

جوهری در «صحاح» می نگارد: «خلیفه به معنای سلطان اعظم (بزرگ) است و جمع آن خلائف می باشد و گفته می شود فلانی جانشین فلانی گردید یا گفته می شود فلانی جانشین فلانی در قومش گردید؛((2)) ابن اثیر می گوید:

الخلیفه من یقوم مقام الذاهب و یسد مسده؛((3))

خلیفه کسی است که به جای دیگری در صورت رفتن او می نشیند و بر مسند او تکیه می زند.

در «قاموس» درباره واژه خلافت و منشأ پیدایش آن آمده است: «خلافت نیابت از غیر است در اثر غیبت منوب عنه یا برای مرگش یا برای عاجز بودنش یا برای شرافت و یا برای شرافت نائب از این قبیل است که خداوند اولیای خویش را در زمین خلیفه قرار داده، یعنی برای شرافت

1-) کتاب العین، ج4، ص267.
2-) الصحاح، ج4، ص1356.
3-) النهایه، ج2، ص69.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اولیا».((1))

در برخی منابع آمده است که خلیفه به معنای سلطان بزرگ است و در آن دو معنای فاعلی و مفعولی را می توان لحاظ کرد. معنای فاعلی به اعتبار اینکه او جانشین است از کسی که قبل از او بود و معنای مفعولی به اعتبار این که خداوند او را خلیفه قرار داده است.((2))

از معنای لغوی خلیفه می توان استنباط کرد که خلافت و جانشینی در دو فرایند زیر محقق می شود:

الف - گروهی از کاری کنار روند و عده ای دیگر جانشین آنان شوند.

ب - شخص یا گروهی تدبیر و اداره کاری را از سوی شخص یا گروهی بر عهده گیرند.((3))

در حقیقت از گفتار اهل لغت درباره جایگاه خلیفه و مقام خلافت می توان به این نتیجه رسید که همان سلطه و حقی که در امری برای مستخلف عنه بالاصاله وجود داشت پس از او بالتبع برای خلیفه و جانشینش محقق می شود تا بر کارهای او همانند خودش سامان بخشد.

1-) قاموس القرآن، ج2، ص286.
2-) التحقیق فی کلمات القرآن، ج3، ص108.
3-) مجمع البحرین، ج5، ص50.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خلیفه و خلافت در اصطلاح متکلمان

پیش از شناخت معنای خلیفه در اصطلاح متکلمان توجه به این مطلب ضرورت دارد که در مفهوم شناسی کلامی این واژگان، این واقعیت را نباید نادیده گرفت که مسلمانان صدر اسلام با مفهوم این واژگان نا آشنا نبودند؛ زیرا در موارد فراوان مورخان گزارش کردهاند که رسول خدا9 در زمانی که برای شرکت در جهاد یا مسافرت های دیگر از مدینه خارج می شد افرادی را به عنوان خلیفه و جانشین خود در مدینه معین می کرد تا در نبود آن حضرت، به امور مردم رسیدگی کنند((1)) و پس از آن در نبود پیامبر مردم از آن جانشین پیروی کنند و همانند زمان حضور آن حضرت در نماز های جمعه و جماعات حاضر شوند. در حقیقت مسلمانان تبعیت از جانشین پیامبر را جزء وظایف دینی خود می دانستند که از طرف رسول خدا9 به آنان سفارش شده بود و مهم تر از همه انبوه روایاتی بود که در آنان رسول خدا9 در موقعیت های گوناگون از ضرورت وجود خلیفه و جانشین پس از خود خبر داده بود و در موارد فراوان اصحاب آن حضرت درباره خلفای بعد از ایشان سؤالاتی مطرح می کردند و ایشان برای آنان توضیحات لازم را ارائه می کردند.((2))

بر این اساس مفهوم خلیفه و جانشین پیامبر

1-) برای اطلاع از اسم افرادی که پیامبر در نبود خود آنان را جانشین خویش در مدینه می گذاشت رک طبقات الکبری، ج20، ص224؛ مسند احمد بن حنبل، ج3، ص192و انساب الاشراف، ج1، ص311.
2-) بعداً به گونه ای مستقل این روایات را بررسی خواهیم کرد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در میان مردمان صدر اسلام روشن بود. سید مرتضی در این باره می نگارد:

در عرف مردمان هر عصر و دوره ای این مطلب مسلم است که امرا و حاکمان شان فردی را به عنوان قائم مقام و جانشین خود در نظر می گیرند تا در نبود آن حاکم یا امیر به کارها سامان بخشد و در مواردی هم مردم از سلاطین خود در این زمینه سؤال می کردند که چه کسی را جانشین خود تعیین کرده و در امت اسلام نیز بارها رسول اکرم صلی الله علیه و آله به یاران خود فرمود: خلیفتی فلان او فلان و مفهوم خلیفه و نیز ضرورت وجود آن بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نظر مردمان چنان بدیهی و روشن بود که کسی نه از مفهوم سؤال می کرد و نه اعلام بی نیازی از آن می کرد.((1)) و همین که پیامبر از خلافت یا خلیفه بعد از خود سخن به میان می آورد اطرافیان حضرت می دانستند که مراد حضرت همان قائم مقام و جانشین ایشان است.((2))

پس از رحلت پیامبر9 واژگان «خلیفه» و «خلافت» به عنوان اصطلاحاتی مشهور در امر رهبری و جانشینی آن حضرت مطرح گردیدند((3)) و در این میان آنچه با بحث این نوشتار تناسب دارد بررسی اصطلاح کلامی و جایگاه اعتقادی خلیفه و خلافت نزد مسلمانان است که در این زمینه با تتبع در منابع شیعه و سنی می توان به این حقیقت دست یافت که در تعریف هایی که بعدها دانشمندان اسلامی از خلیفه و خلافت ارائه نموده اند غالبا با توجه به همان ارتکاز ذهنی

1-) الشافی فی الامامه، ج، ص129.
2-) ابن جبر، نهج الایمان، ص294.
3-) ما بعداً در سیر تاریخی این واژگان بحث خواهیم کرد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و عرف نزد مسلمانان صدر اسلام و اهل لغت بوده است زیرا در تمام تعریف ها بحث جانشینی و نیابت لحاظ شده است و از جهت روش شناسی در تعریف خلافت همان روشی را پیموده است که در امامت پیموده بود که به شواهدی از تعریف ها دانشمندان شیعه و سنی اشاره می شود:

تفتازانی می گوید:

خلافتهم ثابته ای نیابتهم عن رسولالله فی اقامه الدین بحیث یجب علی کافه الامم الاتباع؛((1))

خلافت یعنی نیابت آنان (خلفا) از پیامبر در به پا داشتن دین ثابت است به گونه ای که بر تمام مردمان پیروی از آنان واجب می باشد.

مولف کتاب «تراتیب الاداریه» می نویسد: «خلافت، سرپرستی جامعه در امور دینی و دنیوی است و به کسی که این مقام را به عهده می گیرد خلیفه گویند چون او جانشین رسول خدا9 است و بر او امام نیز می گویند چون امامت در اجرای خطبه ها و نماز به عهده اوست و از دیگر وظایف خلیفه حکمرانی است و به این دلیل او را امیرالمؤمنین علیه السلام می گویند زیرا او سرپرستی است که بالاتر از او کسی نیست.»((2))

1-) شرح عقائد النسفیه، ص229.
2-) تراتیب الاداریه، ج1، ص2.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و در کتاب «ماثر الانافه فی معالم الخلافه» آمده است: «خلیفه کسی است که ولایت عمومی بر مردم داشته باشد و برای ساماندهی کارهای دنیوی و اخروی آنان قیام کند.»((1))

مناوی در تعریف خلافت می نگارد:

الخلافه الملک و السلطه؛((2))

خلافت عبارت است از پادشاهی و سلطنت.

ابن خلدون پس از گفتار درباره وظایف دنیوی و اخروی مردم و نقش رهبری انبیا در امور دینی و دنیایی مردم درباره خلفا می گوید:

و الخلافه هی حمل الکافه علی مقتضی النظر الشرعی فی مصالحهم الاخرویه و الدنیویه؛((3))

خلافت عبارت است از واداشتن همگان بر طبق خواهش شرع در مصلحت دنیوی و اخروی مردم.

در بسیاری از تعریف ها واژه «خلافت» به عنوان تفسیر کننده واژه «امامت» ذکر شده و هردو واژه کنار هم تعریف شده است.

سیف الدین آمدی می گوید:

الحق ان الامامه عباره عن خلافه الشخص من الاشخاص للرسول فی

1-) ماثر الانافه، ج1، ص16.
2-) فیض القدیر، شرح جامع الصغیر، ج1، ص242.
3-) مقدمه ابن خلدون، ص204.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اقامه قوانین الشرع و حفظ حوزه المله علی وجه یجب اتباعه علی کافه الامه؛((1))

حق این است که امامت عبارت است از جانشینی فردی از افراد، از رسول خدا9 در برپایی قوانین شرع و نگهبانی از تمامیت ملت به گونه ای که بر تمام امت پیروی از آن واجب است.

قاضی ایجی بعد از ذکر امامت می نگارد:

و هی خلافه الرسول فی اقامه الدین بحیث یجب اتباعه علی کافه الامه؛ ((2))

امامت یعنی جانشینی پیامبر در برپایی دین، به گونه ای که لازم است تمام امت از او پیروی کنند.

آنچه تاکنون به نگارش در آمد تعریف هایی بود که دانشمندان اهل سنت درباره خلافت ارائه کرده بودند و در این رابطه دانشمندان شیعی نیز غالبا تعریف هایی هماهنگ با اهل سنت درباره خلافت ارائه کرده اند.

1-) ابکار الافکار فی اصول الدین، ج3، ص416.
2-) شرح المواقف، ج8، ص345.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نوری طبرسی:

الامامه هی الریاسه العامه الاهیه خلافه عن رسول الله فی امور الدین و الدنیا؛((1))

امامت ریاست فراگیر الاهی و جانشینی رسول خدا9 است در امور دین و دنیا.

شیخ طوسی:

سمی الخلیفه خلیفه لانه خلف من کان قبله فقام مقامه؛((2))

خلیفه، خلیفه نام نهاده شد چون او جانشین کسی شده است که پیش از او بود. پس او (خلیفه) در جایگاه او قرار گرفته است.

طبرسی:

الخلیفه هو المدبر الامور من قبل غیره بدلا من تدبیره؛((3))

خلیفه و جانشین اداره کننده امور است از طرف غیر خود به جای اداره و تدبیر آن غیر.

علامه طباطبایی:

ایشان پس از بررسی واژه خَلَفَ می گوید:

«معنایش این است که فلانی به جای او نشست.»((4))

در برخی منابع آمده است:

1-) کفایه الموحدین، ج2، ص3.
2-) البیان فی تفسیر القرآن، ج1، ص131.
3-) مجمع البیان، ج8، ص736.
4-) المیزان، ج11، ص80.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الخلافه هی الامامه العامه فی امور الدین و الاحکام الشرعیه؛((1))

خلافت عبارت است از پیشوای فراگیر دینی و دستورات شرعی.

از آنچه تاکنون درباره تعریف خلافت نگارش یافت. آشکار است که دانشمندان شیعه و سنی در تعریف خلافت نگرش یکسانی دارند که در اینجا به همین مقدار بسنده می کنیم.

نسبت بین واژگان «امامت» و «خلافت»

با دقت در تعریف های پیشین درباره امامت و خلافت و نیز کاربرد های کلامی و تاریخی این دو واژه به خوبی روشن می شود که نسبت بین این دو واژه از جهت منطقی مترادف است؛ زیرا همان گونه که در کاربردهای تاریخی این دو کلام نمایان است، مسلمانان همواره خلافت و امامت را دو اسم برای یک منصب یعنی اداره امور دینی و دنیوی مردم پس از رسول خدا9 می دانستند.

ابن خلدون پس از توضیح و تحلیلی درباره پیدایش اختلاف میان امت اسلامی برای دست یابی به منصب خلافت می نگارد:

حقیقت هذا لمنصب و انه نیابه عن صاحب الشریعه تسمی خلافه و امامه و القائم به خلیفه و اماما فاما تسمیته اماما تشبیهاً بامام الصلاه فی اتباعه و الاقتدا به و اما تسمیته خلیفه فلکونه یخلف النبی فی امته فیقال خلیفه رسول الله؛((2))

1-) منار الهدی فی النص علی ائمه اثنا عشر، ص159.
2-) مقدمه ابن خلدون، ص204.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حقیقت این منصب نیابت از صاحب شریعت است که آن را خلافت و امامت نام نهاده و آن کسی که این منصب را به دست می گیرد خلیفه یا امام می گویند؛ امام می گویند به دلیل شباهت داشتن آن به امامت در نماز که دیگران باید از او پیروی کرده و به وی اقتدا نمایند و خلیفه می گویند چون او جانشین نبی در میان امتش می باشد؛ لذا می گوید خلیفه رسول الله.

بنابراین، دو واژه «خلیفه» و «امام» از جهت مفهوم، کاربردی همسان دارند و تنها اختلاف شأن در تعبیر لفظی است که آن هم به جهت نسبت است که در اصل اشتقاق آن دو لفظ بر می گردد به این معنا که اگر آن مقام نسبت به رسول خدا9 لحاظ گردد از او به خلیفه و خلافت تعبیر می شود و اگر نسبت به مردم لحاظ گردد از او به امام و امامت تعبیر می شود. توجه به این مطلب مهم است که در هر دو تعبیر معنا و مفهوم تغییر نکرده، بلکه به گونه ای یکسان نشان دهنده مقام رهبری پس از رسول خدا9 است.

یکی از معاصران در این زمینه می نگارد: «امام و خلیفه دو واژه اند که گویای یک معنا می باشند و آن عبارت است از ریاست عامه در امور دین و دنیا به نیابت از پیامبر و به کسی که این کارها راه بر عهده دارد امام گفته می شود؛ زیرا در اموری که برقرار می کند و در راهی که به مردم نشان می دهد آنان پشت سر او حرکت می کنند و اینکه خلیفه نامیده شده است،

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

چنانکه در روزگار خلفای راشدین و پس از آنان معمول بوده است، برای این است که در اداره امور امت و رهبری آن جانشین پیامبر بوده اند.»((1))

یکی از لغت شناسان عرب در این زمینه می نگارد: امام و خلیفه در مفهوم یکی است و تنها فرق آن دو در ماده اشتقاق و نسبت شان است:

فالخلیفه من استخلف فی الامر مکان من کان قبله فهو ماخوذ من انه خلف غیره... و الامام ماخوذ من التقدم فهو المتقدم فیما یقضی وجوب الاقتدا و فرض اطاعته فیما تقدم؛((2))

پس خلیفه کسی است که جانشین شده در کاری از کسی که پیش از او بوده و پس به او خلیفه گفته شده است به این دلیل که او پشت کس دیگر واقع شده و امام گرفته شده است از تقدم یعنی پیشرو؛ پس امام جلو است در چیزی که میطلبد وجوب اقتدا بر او را و واجب بودن اطاعت او در آنچه او پیش افتاده است.

نگاهی بر آنچه گذشت

با دقت در دو گزینه پیشین درباره واژگان «خلیفه» و «خلافت» می توان به نکات ذیل اشاره کرد:

1- نسبت میان واژگان «امام» و «خلیفه» ترادف می باشد و هر دو کلمه در اصطلاح خاص

1-) هاشم معروف حسینی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ص274، ترجمه محمد صادق عارف.
2-) الفروق اللغویه، ص222.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مسلمانان برای کسی به کار می رود که مقام رهبری پس از پیامبر را عهده دار شود.

2 - جایگاه قانونی و کاربردی خلیفه طبق این تعاریف همان جایگاه رسول خدا9 می باشد که در بیشتر آنها، این مطلب تصریح شده است.

3 - وظیفه خلیفه هدایت مردم به مصالح دنیوی و اخروی آنان به نیابت از پیامبراست؛کما اینکه به این وظیفه در بیشتر تعریف ها تأکید شده است که در حقیقت این قید در تعاریف شرح وظایف جانشینان پیامبر بوده و از جهت مصداق شناسی اهمیتی فراوان دارد؛ زیرا می توان از این قید به عنوان ملاک در شناخت جانشینان راستین و دروغین استفاده کرد؛ به این معنا که هر کس در دوره تاریخ اسلام ادعای جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را کرده است یکی از راههای شناخت او این است که کارنامه عملی و اجرایی او ارزیابی شود که تا چه میزانی به وظایف دینی و دنیوی خود در رعایت دستورات پیامبر و مصالح مردم پایبند بوده است.

4 - حق ولایت خلیفه در جهت مصالح دنیوی و اخروی مردم و واجب الاطاعه بودن خلیفه (این قید نیز در بیشتر تعریف ها ذکر گردیده است که در واقع بیان کننده حقوق متقابل جانشین پیامبر و امت است، یعنی جانشین پیامبر حق حکمرانی بر آنان را به دلیل اجرای دستورات دینی دارد و مردم باید از آنان فرمان ببرند و از طرف دیگر مردم هم حق دارند که خلیفه همیشه مصلحت دنیوی و اخروی آنان را در نظر گیرد.)

5 - ریاست الاهیه (این قید که خلافت پیامبر، ریاست الاهی و خدادادی است تنها در تعریف برخی

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دانشمندان شیعی بدان اشاره شده بود که از جهت معنا شناسی و مشروعیت خلافت اهمیت فراوان دارد.)((1))

تعریف خلافت با رویکرد الاهی

با توجه به اینکه هویت خلافت و جانشینی پیامبر در نزد دانشمندان شیعی مانند نبوت دارای منشأ و خاستگاه الاهی است (و همان گونه که اصل بعثت پیامبر9 از جانب خداوند لطف است تا بندگانش توسط پیامبر از مسیر گمراهی نجات یافته در مسیر هدایت قرار گیرد) تعیین جانشین پیامبر نیز از طرف خداوند لطف است؛ بر این اساس است که گرچه برخی از تعریف های متکلمان شیعی، که قبلاً نسبت به خلافت ذکر شد، هماهنگ با اهل سنت است که آن هم به دلیل مماشات با آنان بوده است اما در این میان بسیاری از دانشمندان شیعی رویکردی جدا از تعریف اهل سنت درباره خلافت را ارائه کرده اند که در آنان با صراحت به جنبه الاهی بودن مقام خلافت تصریح شده است.

محمد جواد مغنیه در تعریف خلافت می گوید:

الخلافه منصب الهیی امرها بید الله لا بید الناس؛((2))

خلافت منصبی خدادادی است که امر آن مربوط به خداوند است نه بر مردم.

هم چنین در شرح «منهاج الکرامه» در تعریف خلافت آمده است:

ان الخلافه منصب الهیی کالنبوه فکما لا یراد من رسول الله من ادعی

1-) که ما بعداً به آن اشاره خواهیم کرد.
2-) الشیعه فی المیزان، ص16.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الرساله او من قال الناس برسالته بل المراد من انتخبه الله لرسالته کذالک لا یراد من خلیفه رسول الله من ادعی الخلافه او من قال الناس بخلافته بل المراد من استخلفه الرسول؛((1))

خلافت مانند نبوت منصب خدادادی است، همان گونه که اگر کسی ادعای رسالت کند یا مردم گویند او رسول است، مورد پذیرش نیست بلکه مراد از رسول کسی است که خداوند او را به رسالت خود برگزیده باشد، هم چنین مراد از خلیفه نیز کسی نیست که خودش ادعای خلافت کند یا مردم گویند او خلیفه است بلکه مراد کسی است که پیامبر او را به جانشینی خود معرفی کرده باشد.

بنابراین انتخاب خلیفه پیامبر مانند انتخاب خود پیامبر از عهده مردم خارج بوده و هر دو در اختیار خداوند است:

الخلافه هی باختیار الله وحده لان الخلافه کالنبوه لیست هی من اعمال العباد و لا موکوله الیهم؛((2))

خلافت تنها در اختیار خداوند است زیراخلافت مانند نبوت مربوط به بندگان نیست و هم چنین واگذار به بندگان هم نشده است.

1-) شرح منهاج الکرامه، ج1، ص438.
2-) دکتر تیجانی، لاکون مع لاصادقین، ص148.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هم چنین علمای علم اصول نیز، در مواردی که به بحث خلافت اشاره کرده اند با صراحت خلافت را منصب الاهی تعریف کرده اند.((1))

علامه طباطبایی در این زمینه می نگارد: «مقام خلافت همان گونه که از نام آن پیداست تمام نمی شود مگر اینکه خلیفه نمایشگر مستخلف باشد.»((2))

بنابراین خلیفه پیامبر کسی است که تمام شئون آن حضرت را داشته باشد مگر مواردی که با دلیل خارج شده باشد. طبق مبانی شیعه جانشین پیامبر، جز مقام نبوت باقی شئون آن حضرت را دارا می باشد. هم چنانکه در برخی تعاریف آمده است:

انها منصب الاهی و التنصیب من قبل الله و اما الرسول فهو مبلغ للناس عن ذلک فقط؛((3))

خلافت منصبی خدادادی است و معرفی آن از جانب خداوند است و پیامبر تنها وظیفه دارد که آن را به مردم ابلاغ نماید.

و در برخی تعاریف آمده است:

الخلافه منصب الهیی و عهد ربانی لا یناله الا ذو حظ عظیم یمتاز عن سائر الافراد؛((4))

خلافت منصبی خدادادی و تعهد با

1-) فرائد الاصول، نائینی، ج1، ص126، تحقیق کاظمینی.
2-) المیزان، ج1، ص177.
3-) الشهب الثاقب، ص14.
4-) المناظرات فی الامامه، ص16.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پروردگار است که به آن دست نمی یابند مگر افرادی که دارای بهره ای بزرگ بوده و نسبت به دیگر افراد امت امتیاز بالا داشته باشند.

سرانجام اینکه تعریف اخیر، با الاهی دانستن منصب خلافت بعد از رسول خدا9، همان عقیده اصیل متکلمان امامیه است که با توجه به روایات معصومان: ارائه شده است.

نگاهی تطبیقی میان مفهوم و مصداق خلیفه نزد شیعه و سنی

اشاره

بنابر آنچه از نظر تاریخی و رویکرد اعتقادی، قطعی و مسلم است، این مطلب است که شیعه و سنی پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اصل ضرورت و نیازمندی به وجود خلیفه و جانشین برای آن حضرت را یک امر مسلم می دانستند و در این میان آنچه مهم می باشد این است که در گزینش و ماهیت خلافت دو رویکرد جداگانه و ناسازگار با هم در پیش گرفتند که سرانجام به جدا انگاری و دوگانگی در انتخاب مصادیق انجامید و بدیهی است که هر کدام برای اثبات حقانیت اعتقاد خود و باطل جلوه دادن دیگری نیازمند به پشتوانه های دینی و مذهبی بودند که در این زمینه وجود حدیث اثناعشر با آن شهرت و نیز روشن بودن ویژگی های خلفا در این حدیث، یکی از ادله بسیار مهم و تاثیرگذار بود که کسی نمی توانست آن را انکار کند؛ بلکه طبق شواهد موجود در منابع شیعه و سنی هرکدام سعی داشتند با بهره برداری از این حدیث اقدام به تطبیق مفهوم و مصداق خلفای مورد اعتقاد خود با مضمون حدیث اثناعشر نموده

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و تفسیرها و توجیهاتی ارائه کنند که به دلیل روشن شدن مطلب ضرورت دارد به شواهدی اشاره گردد:

الف - مصادیق خلفای اثناعشر در اندیشه شیعی

اشاره

با توجه به اینکه حدیث اثناعشر در منابع روایی شیعه و نزد دانشمندان این مذهب از شهرت بالایی برخوردار است، تعداد خلفا و امامان بعد از پیامبر در اندیشه شیعیان دوازده نفر هستند که در منظومه اعتقادی شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان خلیفه و جانشین بلافصل پیامبر9 و پس از ایشان یازده نفر از فرزندان معصوم آن حضرت که حجت بن الحسن آخرین آنان است، به امامت و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوند منصوب شده اند که تمام آنان در یک هدف یعنی هدایت انسان ها قدم گذارده و هیچ گاه زمان از وجود یکی از آنان که حجت خدا هستند خالی نیست و از آن طرف هم در عقیده شیعه امکان ندارد که در یک زمان دو نفر امام وجود داشته باشد.((1))

در حقیقت اساس خلافت اسلامی و به عبارت دقیق تر نظام امامت و رهبری پس از رسول خدا9 در تداوم مقام رسالت برای هدایت بشر است که پس از ختم نبوت و پایان یافتن سفارت الاهی به وسیله ی پیامبر خاتم9((2)) دین و شریعت آن حضرت باقی است و این مطلب بدیهی است که تا امت اسلامی باقی است، برای عزت و قوام دین و بقای شریعت باید کسانی باشند که همانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله کارشناس در دین و تفسیر کننده معانی و مفاهیم قرآن و حجت خداوند در میان مردمان باشند.((3))

1-) تحف العقول، ص324؛ بحار الانوار، ج25، ص105 به بعد.
2-) احزاب، 40.
3-) المسلک فی اصول الدین، ص272؛ علم الیقین فی الصول الدین، ص500.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بنابر عقیده شیعه، آن دوازده خلیفه و جانشین که پیامبر9 برای بعد از خود معرفی کرده بودند همان کارشناسان دین و مرزبآنان شریعت آن حضرت هستند که هر یک مقام و منصب خلافت را از جانب خداوند دریافت کرده و پیامبر9 در موقعیت های فراوان و بیان های گوناگون از جمله با حدیث اثناعشر، خلافت و جانشینی آنان را برای پس از خود ابلاغ کرده است و در این ابلاغ پیامبر تنها پیام رسان الاهی است و در اصل گزینش آن خلفا هیچ گونه دخالتی ندارد؛ زیرا همان گونه که مقام رسالت امر الاهی است، مقام خلافت و رهبری پس از آن حضرت نیز الاهی است و جز خداوند هیچ کسی حتی شخص پیامبر9 در انتخاب آنان دخالت ندارد. در حقیقت احادیث اثنا عشر و امثال آن که حکایت از ضرورت وجود خلفای اثنا عشر می کند ابلاغ پیام وحیانی و آسمانی است که آن حضرت مأمور رساندن آن بود تا حجت بر مردم تمام شده و اطاعت و فرمانبرداری آنان بر امت اسلامی واجب است.((1))

بنابراین، پیروان مذهب شیعه اثناعشری((2)) در تطبیق مفهوم و مصداق حدیث اثناعشر با سلسله امامان دوازده گانه مورد اعتقاد خودشان که همگی از خاندان پیامبر9 هستند بر این عقیده اصرار دارند که امامت و خلافت آنان از عصر خود پیامبر به امر خداوند پایه ریزی شده است((3));

1-) شیخ مفید، اوائل المقالات، ص7؛ سید مرتضی، الذخیره فی علم الکلام، ص424.
2-) سَوای مذاهبی مانند زیدیه و اسماعیلیه که منسوب به شیعه هستند.
3-) کشف الغمه، ج1، ص56؛ قواعدالمرام، ص90.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

زیرا خلفای پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارای هویت الاهی هستند و همان گونه که بعثت رسول در اختیار خداوند است انتخاب خلیفه و جانشین رسول نیز باید از جانب خداوند انجام شود. بر همین اساس شیعیان عقیده دارند که امام علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان خلیفه و جانشین بلافصل رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای هدایت مردم از جانب خداوند معرفی شده است و پس از آن حضرت، یازده نفر از فرزندان علی علیه السلام و زهرا3((1)) یکی پس از دیگری به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر9 هستند.((2))

نگرشی بر دلایل شیعه بر این مدعا

اشاره

دانشمندان امامیه، همان گونه که در مقام ثبوت ادعا دارند که مقام امامت و خلافت پس از رسول خدا9 منصبی الاهی است و باید از جانب خداوند کسی در این مقام نصب گردد، در مقام اثبات این قضیه نیز با استفاده از آیات قرآن و روایات، ادله روشن و فراوانی را به کمک ادله عقلی ذکر نموده اند که به برخی از آن آیات و روایات اشاره می شود:

1-) بعداً به روایاتی که مؤید این نظریه است اشاره خواهیم کرد.
2-) البته اعتقاد به امامت و خلافت دوازده امام اختصاص به شیعیان دوازده امامی معروف به اثنا عشریه دارد و در مسیر امامت فرقه هایی مانند زیدیه و اسماعیلیه انشعاب کرده اند که اینجا جای بحث نیست. رک: الملل و النحل؛ خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه های شیعی، علی آقا نوری؛ امامت از دیدگاه امامیه و زیدیه، مصطفی سلطانی.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1 - آیات

1- آیه ولایت:

«انَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ امَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاهَ وَهُمْ رَاکِعُونَ وَمَنْ یَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِینَ امَنُوا فَانَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»((1))

2- آیه تطهیر:

«وَقَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَلا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّهِ الاولَی وَاقِمْنَ الصَّلاهَ واتِینَ الزَّکَاهَ وَاطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ انَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا»((2))

3- آیه مودهّ:

«ذَلِکَ الَّذِی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِینَ امَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لا اسْالُکُمْ عَلَیْهِ اجْرًا الا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی وَمَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْنًا ان اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ»((3))

4- آیه مباهله:

«فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ ابْنَاءَنَا وَابْنَاءَکُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَکُمْ وَانْفُسَنَا وَانْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَهَ اللَّهِ عَلَی الْکَاذِبِینَ»((4))

5- آیه اولی الامر:

«یَا ایُّهَا الَّذِینَ امَنُوا اطِیعُوا اللَّهَ وَاطِیعُوا الرَّسُولَ وَاولِی الامْرِ مِنْکُمْ فَانْ تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ الَی اللَّهِ وَالرَّسُولِ ان کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الاخِرِ ذَلِکَ خَیْرٌ وَاحْسَنُ تَاوِیلا»((5))

6- آیه صادقین:

«یَا ایُّهَا الَّذِینَ امَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»((6))

7- آیه علم الکتاب:

ص: 166

1-) مائده، 55 و 56.
2-) احزاب، 33.
3-) شوری، 23.
4-) آل عمران، 61.
5-) نسا، 59.
6-) توبه، 119.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«وَیَقُولُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلا قُلْ کَفَی بِاللَّهِ شَهِیدًا بَیْنِی وَبَیْنَکُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتَابِ»((1))

آیات فراوان دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، ولی از آنجا که در این اثر، بحث ما در مصداق شناسی و تطبیق مفهوم آن است نه استدلال آن، به همین مقدار اشاره و به آیات مذکور اکتفا می کنیم.((2))

2 - روایات

عمده ترین دلیل در این زمینه روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در برخی از آن روایات با صراحت نام هر یک از امامان به عنوان حجت خداوند ذکر شده است.((3))

از آن جمله در تفسیر آیه اولی الامر از جابر بن عبدلله انصاری نقل شده است که رسول خدا9 در تفسیر اولی الامر فرمود:

«هم خلفائی من بعدی و ائمه الهدی بعدی اولهم علی بن ابی طالب علیه السلام ثم الحسن علیه السلام ثم الحسین علیه السلام ثم علی بن الحسین علیه السلام ثم محمد بن علی علیه السلام ثم جعفر بن محمد علیه السلام ثم موسی بن جعفر علیه السلام ثم علی بن موسی علیه السلام ثم محمد بن علی علیه السلام ثم علی بن محمد علیه السلام ثم الحسن بن علی علیه السلام ثم سمیّی و کنیّی حجه الله فی ارضه»((4))

1-) رعد، 43.
2-) برای تفصیل مطلب رک: نفخات الازهار، ج20؛ مصباح الهدایه، مرحوم بهبهانی و...
3-) کمال الدین، صدوق، ج2، ص262.
4-) بحار الانوار، ج23، ص289؛ تفسیر صافی، ج1، ص464؛ تفسیر نور الثقلین، ج1؛ ص499؛ تفسیر المیزان، ج4، ص409.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در این حدیث رسول خدا9 با صراحت خلفا را به دوازده نفر از ائمه که مورد اعتقاد شیعه است تفسیر و تطبیق کرده است.

و نیز به نقل زید بن ارقم، پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود:

انت الامام و الخلیفه بعدی و ابناک سبطای هما سیدا شباب اهل الجنه و تسعه من ولد الحسین ائمه معصومون؛((1))

یا علی! تو پیشوا و جانشین بعد از من هستی و دو فرزند تو نوادگان من و بزرگ جوانان بهشت و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان معصوم هستند.

هم چنین از عبدالله بن عباس نقل شده است که پیامبر9 فرمود:

ان الخلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی اثنا عشر اولهم اخی و اخرهم ولدی؛((2))

همانا جانشینان و اوصیای من و حجت های خدا بر مردم بعد از من دوازده نفرند نخستین آنان برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنان فرزندم مهدی علیه السلام است.

و نیز بارها پیامبر9 به اصحاب خطاب کرد: «علی بن ابی طالب علیه السلام جانشین و پیشوای پس از من

1-) کفایه الاثر، ص100.
2-) فرائد السمطین، ج2، ص312؛ الانصاف، ص156.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

است و خداوند اطاعت او را بر شما واجب کرده است.»((1))

در روایت دیگری از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که روزی رسول خدا9 صفات فراوانی را به قرار زیر برای علی علیه السلام برشمرد:

اقدم امتی سلما و اکثرهم علما و اصحهم دینا و افضلهم یقینا و اکملهم حلما و پس از ان فرمود: و هو الامام و الخلیفه بعدی؛

«یعنی علی با این صفات برجسته پیشوا و جانشین پس از من است.»((2))

و هم چنین علی بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران خود تا به رسول خدا9 و آن حضرت با سند به جبرئیل و با استناد به حدیث قدسی به خداوند، می فرماید:

«ان علی بن ابی طالب علیه السلام ولیی و خلیفتی و ان الائمه من ولده حججی»؛((3))

1-) من لا یحضره الفقیه، ج3، ص254.
2-) غایه المرام، ج16، ص9.
3-) احتجاج، طبرسی، ج1، ص83.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

همانا علی بن ابی طالب علیه السلام ولی و خلیفه من و پیشوایان از فرزندان او حجت من هستند.

از ابو سعید خدری نقل شده است: از رسول خدا9 شنیدم که فرمود:

الخلفاء بعدی اثنا عشر تسعه من صلب الحسین؛((1))

جانشینان پس از من دوازده نفرند و نه نفر از صلب حسین هستند.

از جهت پیشینه شناسی، واژه «خلیفه» برای علی بن ابی طالب علیه السلام همزمان با ابلاغ رسالت بازگو شده است که بهترین گواه در این زمینه حدیث مشهور یوم الدار است((2)) و در اینجا به تناسب بحث مفهوم شناسی و کاربردی واژه «خلیفه» تنها به این مطلب اشاره می شود که پیامبر9 در این حدیث با اشاره به علی علیه السلام فرمود:

«ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی فیکم فاسمعوا و اطیعوا»؛

این برادر من و وصی من و جانشین من میان شما است از او فرمان برید و به دستورش گوش فرادهید.

بزرگان بنی هاشم از آنجا با تمسخر بلند شده، به ابوطالب گفتند: «فرزند برادرت می گوید از فرزند خردسالت پیروی کن.»((3))

درباره این حدیث توجه به امور ذیل ضرورت دارد:

1-) الانصاف، ص163.
2-) جریان تفصیلی حدیث بعداً ذکر خواهد شد.
3-) تاریخ طبری، ج2، ص319؛ الکامل ابن اثیر، ج2، 5 ص42.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1 - در این حدیث، واژه «خلیفتی فیکم» با صراحت نقل شده که همان جانشینی آن حضرت را می رساند که از نظر تاریخی دوشادوش رسالت مطرح شده است.

2 - از واژه «فاسمعوا و اطیعوا» به دست می آید که آن خلیفه مانند خود حضرت واجب الاطاعت است.

3 - از واکنش ابتدایی بنی هاشم که به ابوطالب خطاب کردند فرزند برادرت به تو دستور داده است که از فرزند خود (علی) اطاعت کنی، نیز همین واجب الاطاعت بودن به دست می آید.

و نیز در برخی روایات تشبیهی میان خلفای اثناعشر در امت اسلامی و نقبای بنی اسرائیل ذکر شده است و همان گونه که خداوند درباره نقبای بنی اسرائیل فرموده:

«وَلَقَدْ اخَذَ اللَّهُ مِیثَاقَ بَنِی اسْرَائِیلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَیْ عَشَرَ نَقِیبًا» ((1))

همانا خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و دوازده بزرگ میان آنان برانگیختیم.

همان گونه جانشینان پیامبر خاتم نیز دوازده نفر و به انتخاب از جانب خداوند باید باشند.((2)) علاوه بر این دسته از روایات، روایات فراوانی از رسول خدا9 نقل شده است که با صراحت نام خلفای دوازده گانه در آنان آمده است.

1-) مائده، 12.
2-) علم الیقین فی اصول الدین، ج1، ص546؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج2، ص386.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در این میان مطلبی که در مصداق شناسی و تطبیق مفهومی آن دارای اهمیت است، این نکته است که هرگاه خداوند فردی را به عنوان امام مردم و جانشین پیامبر برگزید، لازمه آن انتخاب این نیست که آن امام و خلیفه حتما باید به حکومت و فرمانروایی دست یابد؛ زیرا به عقیده شیعه، امامت مانند نبوت دارای شئون فراوان است که یکی از شئون آن حکومت و امارت ظاهری بر مردم است و اگر به سبب مانع یا مصلحت، امامی نتواند قدرت و فرمانروایی مردم را در دست بگیرد به منصب امامت و خلافت او هیچ گونه خدشه ای وارد نشده و رهبری الاهی او به قوت خود باقی است؛ زیرا همان گونه که برخی موانع در مسیر رسالت پیامبران و کناره گیری برخی آنان در مدت زمانی به دلیل مصالح موجود، به نبوت آنان لطمه ای نمی زند، در امامت و خلافت نیز اگر کسی از طرف خداوند، به عنوان امام واجب الاطاعت و خلیفه بعد از پیامبر، منصوب گردید در هر حال، فرض واجب الاطاعت بودن او باقی است((1)) و این مبنای امامیه مبتنی بر این است که در اندیشه شیعه امامت و خلافت مساوی با امارت ظاهری نیست.

بر همین اساس گرچه به دلیل ناسپاسی ها و برخی رفتارهای کینه توزانه امت اسلامی، خلفا و امامان دوازده گانه مورد نظر شیعه همیشه از حکومت اجتماعی دور ماندند و تنها نزدیک پنج سال امیرالمؤمنین علیه السلام و حدودا شش ماه فرزندش

1-) برای تفصیل بیشتر رک: الشافی فی الامامت، ج1، ص139و ج3، ص50 به بعد؛ الانتصار، عاملی، ج8، 61 به بعد؛ شرح منهاج الکرامه، آیت الله میلانی، ج1، ص52 به بعد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

امام حسن مجتبی علیه السلام به قدرت ظاهری دست یافتند و باقی امامان همواره دور از حکومت بودند اما در عین حال آن سلطنت الاهی و هدایت گری آنان همیشه بوده است و هر امامی به مقتضای عصرخود، وظیفه رهبری الاهی و هدایت گرانه خود را انجام داده است؛ زیرا اگر چه نیروهای فشار و قدرت طلبان موفق شدند که قدرت سیاسی، اجتماعی و امارت اسلامی را از آنان بگیرند (به عقیده شیعه) آن منصب الاهی و ولایت مطلقه ای را که خداوند به امامان و جانشینان پیامبرش داده است، هیچ گاه نتوانستند از آنان جدا کنند و هیچ گونه ملازمه ای میان منصب الاهی که خداوند به آنان داده است با منصب و امارت دنیوی وجود ندارد آن گونه که رسول خدا9 نسبت به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فرمود:

الحسن و الحسین امامان قاما او قعدا؛((1))

حسن و حسین دو پیشوایند چه قیام کنند چه بنشینند.

و در روایت دیگر

ابنای هذان امامان قاما او قعدا؛((2))

این دو فرزندم امام هستند چه قیام کنند چه بنشینند.

قاضی نورالله تستری پس از نقل این حدیث می نگارد: اصحاب ما از این حدیث استفاده کرده اند که برکنار ماندن امامانی که خداوند

1-) کراجکی، التعجب، ص52؛ نفحات الازهار، ج4، ص196.
2-) علل الشرایع، ج1، ص211؛ ارشاد مفید، ص199؛ بحارالانوار، ج44، ص2.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آنان را انتخاب کرده از منصب امارت ظاهری، بر منصب الاهی شان خدشه ای وارد نمی کند.

اذلم یقدح فی النبوه الانبیا تکذیب من کذبهم؛

همان گونه که در نبوت انبیا تکذیب دشمنانشان اشکالی وارد نمی کند. ((1))

ب - مصداق شناسی خلفای اثنی عشر نزد اهل سنت

اشاره

از آنجا که ماهیت خلافت در اعتقاد اهل سنت یک مقام اعطایی بشری است، مفهوم و مصداق خلیفه و خلافت در نزد آنان بر مبانی استوار و محکم قرار ندارد، بلکه مفهوم و مصداق خلیفه در مبانی اعتقادی اهل سنت بسیار تحول گرا بوده و از آن ابزارگونه استفاده شده است و هر فرد با هر ویژگی و از هر طریق عرفی و اجتماعی که موفق شود به قدرت اجرایی جامعه اسلامی دست یابد، بدون مانع نام خلیفه بر او گذاشته می شود.

در عین حال نکته ای که باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد، چگونه تطبیق مصداق حدیث اثناعشر است، زیرا این حدیث نزد اهل سنت از شهرت بالایی برخوردار است و به همین دلیل است که آنان نتوانسته اند اصل حدیث یا صحت سند آن را انکار کنند بلکه مجبور شده اند با رویکرد توجیهی برای آن مصادیقی را ذکر کنند که در این زمینه به اقوال زیر اشاره می شود:

1 - ابن جوزی در توجیه حدیث مذکور سه وجه ذکر کرده است.

وجه یکم: در جمله «یکون بعدی» در حدیث،

1-) الصوارم المهرقه، ص95.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مراد زمان بعد از آن حضرت و اصحاب ایشان است.

لان حکم اصحابه مرتبط بحکمه؛

در واقع آن حضرت خبر داده که بعد از اصحاب او خلافت تبدیل می شود به امارت و پس از آن درباره مصداق می نگارد: عثمان و معاویه و ابن زبیر چون از اصحاب بودند حساب نمی شوند بلکه نخستین خلفای مورد نظر یزید بن معاویه است و آخرینشان مروان بن محمد (حمار) که تا اینجا تعدادشان سیزده نفر است و از میان آنان مروان بن حکم نیز حساب نیست؛ زیرا با وجود رضایت مردم به ابن زبیر، او قدرت را به دست گرفت و به غیر از او باقی خلفا تا آن زمان دوازده نفر می شوند و پس از آن، دوره دیگری از هرج پیش آمد و پیش گویی پیامبر9 تا آن زمان تحقق یافت.

وجه دوم: شاید مراد پیامبر9 از خلفای اثنا عشر دوازده خلیفه است که بعد از وفات مهدی در آخر الزمان ظهور می کنند.

وجه سوم: اینکه پیامبر9 خبر داده که در تمام مدت خلافت تا روز قیامت فقط دوازده نفر روی کار می آیند که به راه حق عمل می کنند حتی اگر روزگار آنان پشت سر هم نباشند یعنی یکی می آید و با عدالت رفتار می کند و او خلیفه است؛ بعد چندین نفر دیگر قدرت را به دست می گیرند و ظلم می کنند و آنان خلیفه نیستند. پس از آن همین گونه بعضی عدالت پیشگان می آیند تا عدد دوازده تمام شود.((1))

1-) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، کشف المشکل، ج1، ص289 تا 293.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

2 - در برخی توجیهات آمده است که مراد حضرت از«یکون بعدی» در این حدیث، همان بعدیّت متصل به خودشان است که این خلفا از ابوبکر آغاز شده و به عمر بن عبدالعزیز ختم می شود و در این میان از جهت عددی تعدادشان چهارده نفر است که خلافت و ولایت معاویهٔ بن یزید و مروان بن حکم چون دارای زمان کوتاه بود و مستقر نشد باقی دوازده نفر می شوند. ((1))

3 - شمس الدین عظیم آبادی به نقل از جماعتی از جمله ابن حبان مصداق خلفای اثناعشر را به قرار زیر برشمرده است: 1 - ابوبکر 2 - عمر 3- عثمان 4- علی بن ابی طالب7 5 - معاویه 6 - یزید بن معاویه علیه السلام - معاویهٔ بن یزید 8- مروان بن حکم 9- عبدالملک بن مروان 10- ولید بن عبدالملک 11- سلیمان بن عبدالملک 12- عمر بن عبدالعزیز.((2))

4 - ابن کثیر هم در تفسیر و هم در تاریخ خود می نگارد: معنای این حدیث بشارتی است از جانب پیامبر به وجود دوازده خلیفه صالح، که حق و عدالت به واسطه آنان برپا می شود و لازم نیست که آن دوازده خلیفه پشت سر هم روی کار آیند و چهار خلیفه در آغاز و پس از آن عمر بن عبدالعزیز و برخی از خلفا بنی عباس از مصادیق آن هستند و باقی خلفا دوازده گانه قبل از برپایی قیامت روی کار می آیند

و الظّاهر ان منهم المهدی المبشر به

1-) فتح الباری، ج13، ص215.
2-) عون المعبود، ج9، ص216.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فی الاحادیث((1))

5 - ابن حبان یکی دیگر از محدثان اهل سنت در توجیه حدیث می گوید:

«مراد پیامبر در حدیث اثنا عشر این است که اسلام در زمان دوازده خلیفه عزت می یابد و این خبری است درباره آینده از آن حضرت و از دیگران هم نفی خلافت نکرده است.»((2))

6 - هم چنین برخی منابع با مسلم دانستن خلفای اربعه و امام حسن بن علی علیه السلام و معاویه و عبدالله بن زبیر و عمر بن عبدالعزیز و مهدی عباسی که ده نفر می شوند، یازدهمین نفر را مهدی منتظر معرفی کرده اند و نسبت به نفر دوازدهم سکوت کرده اند.»((3))

7 - سیوطی پس از اشاره به اقوال و نظریات فراوان درباره معنای حدیث اثنا عشر نیز به همین نظریه فوق اشاره کرده است.((4))

1-) تفسیر ابن کثیر، ج2، ص34؛ البدایه و النهایه، ج1، ص177 با اندک تفاوت.
2-) صحیح بن حبان، ج15، ص42. و در ادامه مصداق خلفا را از ابوبکر تا عمر بن عبدالعزیز حساب نموده است: همان، ص37 تا 41.
3-) الصواعق المحرقه، ج1، ص55.
4-) تاریخ الخلفا، ص12.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

با اندک تأمل در کردار و رفتار افرادی که اهل سنت آنان را به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر و حاکم در دین و دنیای مردم ذکر کرده اند، نمی توان از مطالب و پرسش های فراوانی که در این باره وجود دارد دست برداشته و به آسانی آنان را به عنوان خلیفه پیامبر قبول کرد که به نمونه هایی از آن پرسش ها اشاره می شود:

1 - تفاوت روش ها و نتایج: توجه به این نکته اساسی اهمیت دارد که همه آن دسته از دانشمندان اهل سنت که درباره حدیث اثناعشر دست به توجیه زده اند؛ به اتفاق به دنبال این هستند که برای حدیث یاد شده از خلفای مورد اعتقاد خودشان مصداق تعیین کنند؛ اما از جهت روش بحث و نتایجی که به دست آورده اند دارای تفاوت های اساسی هستند که برای هیچ کس در این زمینه اطمینان حاصل نشده و همواره جای این سؤال باقی است کدام روش های طی شده و مصادیق گوناگون را باید پذیرفت؟((1))

2 - تفاوت در ویژگی ها: همان گونه که قبلاً نگارش یافت، در حدیث اثناعشر، قوام و عزت دین و عزت امت اسلامی به وجود خلفای اثناعشر ذکر شده است و در رابطه به توجیهات دانشمندان اهل سنت و خلفای مذکور جای این سؤال باقی است که آیا قوام و عزت دین و امت اسلامی به واسطه خلفای مذکور، به ویژه اینکه بیشتر خلفا از

1-) برای دست یابی بهتر به این تفاوت ها یکبار دیگر به آراء نگارش یافته با دید نقد گرایانه بنگرید تا بهتر به مطلب پی برده شود.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دودمان بنی امیه است. حفظ شد؟ و این در حالیست که درمنابع اهل سنت درباره خلفا بنی امیه تصریح شده است که پیامبر9 فرمود: بعد از من کسانی روی کار می آیند که آنان نماز را از بین می برند.

و قد وقع هذا فی زمان بنی امیه

یعنی این حدیث در زمان خلافت بنی امیه تحقق یافت؛

زیرا آنان حقیقت نماز را از بین بردند.((1)) برخی دیگر نیز در این باره این چنین تصرح کرده اند:

کان إمراء بنی امیه او اکثرهم یصلون الجمعه عند الغروب؛((2))

تمام امرای بنی امیه یا بیشتر شأن نماز جمعه را هنگام غروب به جا می آوردند.

حال خلفایی که حتی نسبت به نماز که از مهم ترین فروعات اسلامی و شعار دین داران است این گونه دستبرد بزنند، چگونه می توان گفت که اسلام و امت اسلامی در دوران آنان به عزت رسید؟ و مهم تر از همه اینکه بیشتر این توجیه گران، یزید بن معاویه را یکی از خلفای دوازده گانه به حساب آورده اند. حال چگونه می توان آن ویژگی های خلیفه اسلامی را که عزت اسلام در دست اوست با کردار ظالمانه یزید که امام حسین علیه السلام ، ریحانه رسول خدا9 را به شهادت رسانید و

1-) شرح النووی علی صحیح مسلم، ج2، ص444.
2-) الاستذکار، ج1، ص79.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خاندان پیامبر9 را اسیر کرد و پس از آن در برخورد با مردم مدینه در کنار قبر پیامبر9 بدترین فاجعه را به وجود آورد و در ادامه برای تکمیل حلقه های رفتار جنایت کارانه خود در برخورد با فرزند زبیر خانه کعبه را به منجنیق بست و خرابی هایی را به وجود آورد، تطبیق نمود؟((1))

هم چنین در بسیاری از این توجیهات چندین نفر از مروانیان به عنوان مصداق خلفای اثناعشر ذکر شده اند این در حالیست که در سیره حکومتی آنان، جز اسلام ستیزی چیز دیگری نمی توان جست تا جایی که احمد امین مصری درباره مروانیان می نگارد:

مروان بن الحکم اموی و شیعته هدمو کل ما بناه الاسلام من قبل؛((2))

مروان فرزند حکم اموی و پیروانش تمام آنچه را اسلام پیش از آنان بنیانگذاری کرده بود از بین بردند.

اگر با دید انصاف و رویکرد دینی به سیره حکومتی خاندان مروان نگریسته شود، چگونه کسی می تواند جرئت کند که آنان را از مصادیق خلفای اثنا عشر برشمارد در حالی که در نظر رسول خدا9 خلافت آنان اهمیت فراوان داشته و بارها برای امت اسلامی خبر داده و اتمام حجت کردند؟

3 - زندگانی بدون امام: یکی از خصوصیت های دیگری که از حدیث اثنا عشر و نیز احادیث دیگر مانند:

1-) سیوطی، تاریخ خلفا، ص209.
2-) فجر الاسلام، ص254.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«من مات و لم یعرف امام زمانه و...»((1))

به دست می آید این مطلب مهم است که خلافت مربوط به تمام امت اسلامی است و تا قیامت برپا نشده، خلافت باقی است و بر مردم نیز لازم است که آنان را شناخته و از آنان پیروی کنند. حال در این توجیهات مذکور غالبا عمر بن عبدالعزیز متوفای 101، ((2)) آخرین خلیفه دوازده گانه به حساب آمده است. در برخی توجیهات با گزینش افرادی از بنی امیه و بنی عباس تعداد خلفا همانند کلاف سردرگمی شده است که هیچ کس در آن نمی تواند به هدف معین دست یابد. به هر حال در همه این توجیهات جای این سؤال است که در زمان نبود خلیفه، امت اسلامی چه وظیفه ای دارند؟ آیا ضرورت وجود خلیفه را در هر زمان منکر شویم یا اینکه بگوییم امت اسلامی بدون امام به گمراهی کشیده شده و در نتیجه بدون شناخت امام با مرگ جاهلی از دنیا رفته است؟

4 - تعارض با روایات دیگر: ما در منابع شیعی، روایات فراوانی داریم که در آنان مصادیق خلفای اثنا عشر با مشخصات و نام افراد از خاندان پیامبر9 معرفی شده است که نمونه های آن ذکر شد و این روایات مبنای اعتقادی شیعه در امامان دوازده گانه اهل بیت است و در نتیجه مصادیق اهل سنت با آن روایات در تضاد آشکار قرار دارد.

1-) شرح مقاصد، ج5، ص239؛ بحار، ج32، ص 331 و...
2-) تاریخ خلفا، سیوطی، ص264.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دانشمندان اهل سنت برای موجه جلوه دادن شخصیت و مقام خلفای مورد اعتقادشان روایاتی را ذکر کرده اند که بر اساس آن روایات، فردی که به وسیله ی مسلمانان یا به هر نحو دیگر به خلافت انتخاب می شود مجاز است هر کاری انجام دهد و بر مسلمانان واجب است در هر وضعیتی از او فرمانبرداری کنند و جایز نیست که با آنان از در مخالفت برخواسته و بر وی شمشیر بکشند که به نمونه هایی از آن روایات اشاره می کنیم:

محدث بزرگ اهل سنت مسلم بن حجاج قشیری و دیگران از حذیفهؓ بن یمان نقل کرده اند که پیامبر9 فرمود:

«یکون بعدی ائمه لا یهتدون بهدای و لا یستنون بسنتی فیهم رجال قلوبهم کقلوب الشیاطین فی جثمان انس قال قلت کیف اصنع یا رسول الله ان ادرک ذالک قال تسمع و تطیع للامیروأن ضرب ظهرک واخذ مالک فاسمع و اطع»؛((1))

«پس از من پیشوایانی خواهند آمد که نه در راه من قدم بر می دارند و نه به روش من عمل می کنند در میان ایشان مردانی برخواهند خاست که پیکرشان پیکر آدمی ولی قلبشان قلب شیطان است. من (حذیفه) پرسیدم: ای فرستاده خدا اگر آن زمان را درک

1-) صحیح مسلم، ج6، ص 20 باب لامر بلزوم الجماعه؛ کنز العمال، ج11، ص223؛ المعجم الاوسط، طبرانی، ج3، ص190 با اندک تفاوت در متن حدیث.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کنم تکلیف چیست؟ حضرت فرمود: مطیع و فرمانبردار پیشوا باش اگر چه پشتت را با تازیانه بکوبد و مالت را ببرد، تو باید فرمان ببری و گوش به فرمان باشی.»

هم چنین از ابن عباس نقل شده است که پیامبر9 فرمود:

من رأی من امیره شیئا یکرهه فلیبصر فانه من فارق الجماعه شبرا فمات میته الجاهلیه؛((1))

اگر کسی از پیشوایش چیزی ناخوشایند ببیند باید صبر کند؛ زیرا اگر به اندازه یک وجب از جماعت مردم دور شود و در آن حال بمیرد مرده اش، مردۀ جاهلیت است.

در حدیث دیگری از ابن عباس به همین مضمون نقل شده که پیامبر9 فرمود:

من کره من امیره شیئا فلیصبر علیه فانه لیس احد من الناس خرج من السلطان شبراً فمات علیه الا مات میته الجاهلیه؛((2))

کسی که از فرمانده اش کردار ناپسند ببیند باید بردباری کند، زیرا بر هیچ کسی از مردمان روا نیست که از پادشاه خود سرپیچی کند و اگر چنین

1-) صحیح مسلم، ج6، ص22؛ سنن دارمی، ج2، ص241؛ بیهقی، سنن الکبری، ج12، ص293؛ بخاری، ج8، ص88.
2-) صحیح مسلم، ج6، ص22؛ صحیح بخاری، ج8، ص87.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کند با مرگ جاهلی مرده است.

هم چنین در حدیث دیگر از عرباض بن ساریه نقل کرده است که در صبحگاهی رسول خدا9 بعد از ادای نماز ما را موعظه و نصیحت کرد که در اثر آن چشم های ما پر از اشک و قلب های ما به تپش در آمد و در ادامه فرمود:

اتقوالله و علیکم بالسمع و الطاعه و ان کان عبدا حبشیا و انه من یعشی منکم بعدی فسیری اختلافا کثیرا فعلیکم بسنتی وسنه الخلفا من بعدی الراشدین المهدیین و ایاکم و محدثات الامور فان کل بدعه ضلاله؛((1))

تقوای الاهی را پیشه دارید و بر شما باد بر شنیدن و فرمان برداری اگر چه عبد حبشی باشد و هر کس از شما بعد از من زنده بماند پس به زودی اختلافات فراوان را خواهد دید. بر شما باد که به سنت من و سنت جانشینان راه یافته و هدایت کننده من عمل کنید و بپرهیزید از ایجاد مسیرهای جدید که هر بدعت گمراهی است.

بر اساس همین روایات است که در دیدگاه اهل سنت، عدالت در خلیفه شرط نبوده و هرگونه فسق و فجور خلیفه، او را از خلافت اسلامی بر کنار نمی کند و بر مردم اطاعت و فرمان برداری از او

1-) المعجم الکبیر، طبرانی، ج18، ص246؛ صحیح، ابن حبان، ج1، ص179.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واجب است.((1))

یکی از نویسندگان معاصر اهل سنت نیز از همین روایات و روایات مشابه، صحت خلافت خلفا و لزوم پیروی از آنان را استفاده نموده است.((2))

روایات معارض

دربرابر روایات پیشین مبنی بر اطاعت از خلفا، روایات دیگری در منابع اهل سنت نقل شده است که تأکید بر پیروی نکردن از حاکمان ظالم و ستمگر کرده است.

در حدیثی از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که پیامبر9 با کعب بن عجره سخن از امرای سفها به میان آورد و کعب بن عجره ازحضرت سؤال که مراد از امرای سفها چیست؟ حضرت فرمود:

امراء یکونون من بعدی لا یقتدون بهدای و لا یستنون بسنتی فمن دخل علیهم و صدقهم بکذبهم و اعانهم علی ظلمهم فاولئک لیستومنی و لست منهم و لا یردون علی حوضی و من لم یدخل علیهم و لم یصدقهم بکذبهم و لم یعنهم علی ظلمهم فاولئک منی و انا منهم و سیردون علی حوضی؛((3))

فرمانروایان پس از من که نه در راه من قدم بر می دارند و نه به روش من عمل می کنند پس هر کسی همراه آنان شده و دروغهای آنان را تصدیق نماید

1-) شرح النووی علی صحیح بن مسلم، ج12ف ص229؛ شرح عقائد نسفی، ص185.
2-) حسن بن فرحان، المالکی، نحو انقاذ تاریخ اسلامی، ص122.
3-) المصنف، عبدالرزاق، ج11، ص246؛ تحفته الاحوذی، ج6ف ص444؛ صحیح ابن حبان، ج1ف ص372؛ کنز العمال، ج6، ص71.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

یا آنان را در ظلم شأن یاری رساند پس آنان از من نیستند و من از آنان نیستم و از حوض من بهره ای ندارند اما کسانیکه آنان را همراهی نکرده و دروغ آنان را تصدیق نکنند و در ظلم شان یاری نرسانند آنان از من هستند و من از آنان و به زودی بر حوضم وارد می شوند.

با دقت در این روایت و روایات پیشین به دو وجه، یکی اشتراک و دیگری افتراق بر می خوریم:

الف - وجه اشتراک: در هر دو دسته از روایات تصریح شده است که بعد از آن حضرت، خلفا و فرمانروایانی بر روی کار می آیند که مسیر آنان جدا از مسیر هدایت گرانه پیامبر است.

ب - وجه افتراق: در روایات قبلی پیروی مطلق خواسته شده ودر این روایت پیروی نکردن از خلفا و امرا جور خواسته شده است. در اینجا شایسته بود که اهل سنت محتوای هر دو دسته از روایات را با مبانی اصیل اسلام سنجیده و راهی را برگزینند که از کشیده شدن جامعه دینی و حکومت اسلامی به سوی ظلم گرایی و خودسریهای حاکمان جلوگیری می کردند؛ زیرا در روایات اهل سنت به وفور آمده است که پیامبر9 فرمود:

من امرکم من الولاه بمعصیه فلا تطیعوه؛((1))

هر کدام از والیان شما را امر به انجام معصیت کند از او اطاعت نکنید.

و نیز فرمود:

1-) کنز العمال، ج6، ص67.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

انما الطاعه فی معروف؛((1))

همانا فرمانبرداری تنها در معروف لازم است.

تحلیلی بر آنچه گذشت

با دقت و تحلیل منصفانه نسبت به آنچه از اهل سنت درباره مصداق و اطاعت از خلیفه نگارش یافت، می توان به مباحث ذیل به عنوان شاخصه های فکری اهل سنت درباره خلافت اسلامی اشاره کرد:

1 - بنا به عقیده اهل سنت اصل مشروعیت خلافت پس از رسول خدا9 هیچ گونه ارتباطی با خداوند ندارد بلکه مشروعیت آن از طرف مردم تعیین می شود.

2 - خلیفه از جهت اعتقادی و تعامل اجتماعی به عنوان خلیفه رسول الله واجب الاطاعت و دارای حق ولایت و تصرف در امور مردم پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.((2))

3 - اهل سنت در مصداق شناسی و تطبیق مفهوم خلافت بر افراد، مسیری حداقلی و سیر نزولی را پیموده است که برای خلیفه نه عصمت شرط شده است و نه علم برتر از دیگران و صرفا علم در حد اجتهاد کافی است و هم چنین در اعتقاد اهل سنت عدالت در خلیفه شرط نیست بلکه او در اجرای قوانین و امنیت اجتماعی سعی می کند قوانین را عادلانه اجرا کند و بر تاکتیکهای

1-) همان، ج5، ص791.
2-) برای دست یابی به این مطلب رک: شرح عقائد نسفیه، ص229؛ مقدمه ابن خلدون، ص204؛ فیض القدیر، ج1، ص242؛ ابکار الابکار فی اصول الدین، ج3، ص416.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

جنگی و اداره لشکریان وقوف داشته باشد.((1))

حال با توجه به آنچه ذکر شد، بزرگترین مشکلی که در اندیشه اهل سنت وجود دارد، ناسازگاری میان مفهوم خلافت با قید واجب الاتباع و حق تصرف ولایی داشتن در امور مردم با آن مصادیق است که آنان بدون هیچ گونه قید و الزاماتی مانند داشتن حق مشروعیت و تأیید الاهی، عصمت، علم برتر از باقی امت و... عقیده به خلافت آنان دارند.((2))

بازخوانی تحول تاریخی مفهوم خلافت در عرف سیاسی و اعتقادی مسلمانان

به لحاظ تاریخی پیدایش اختلاف در مسئله امامت و خلافت از همان زمان رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد.

یکی از نویسندگان معاصر با بر شمردن خلافت به عنوان نخستین مسئله ی اختلاف برانگیز میان مسلمانان می نگارد: پس از رحلت رسول خدا9 امت اسلامی درباره تصاحب جانشینی آن حضرت به سه گروه تقسیم شدند:

الف - انصار که به دلیل یاری رساندن به پیامبر و یاران آن حضرت و نیز کمک به پیشرفت دین ادعا داشتند که خلافت حق آنان است؛ زیرا رسول خدا9 در حالی از دنیا رفت که از انصار راضی بود.

ب - گروهی از مهاجران که خود را از

1-) ماوردی، الاحکام السلطانیه، ص10؛ باقلانی، تمهید الاوائل، ص471.
2-) بحث تکمیلی بعداً در بحث تحولات تاریخی مفهوم خلافت خواهد امد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مسلمانان آغازین و اقوام پیامبر می دانستند و در نهایت پس از گفت و گوهایی میان این دو گروه در سقیفه کار به نفع مهاجران خاتمه یافت و ابوبکر خلیفه شد.

ج - گروه سوم نیز علی علیه السلام و عده ای از بنی هاشم و گروهی دیگر از اصحاب بودند. علی علیه السلام و اصحابش که مشغول تجهیز بدن مبارک پیامبر بودند، وقتی از بیعت با ابوبکر آگاه شدند به خلافت ابوبکر رضایت نداند. در ادامه ادعای گروه انصار خوابید اما دو گروه دیگر یعنی طرفداران ابوبکر و طرفداران علی در طول تاریخ با شدیدترین جدال ها باقی ماندند.((1))

حقیقتا آن گونه که از این گزارش به دست آمد امر خلافت نخستین چیزی بود که سبب نزاع میان مسلمانان شد؛ اما پس از آن هم همیشه این نزاع ادامه یافت و سبب پیدایش فرقه های مذهبی و سیاسی گردید که در این زمینه اگر نیک نگریسته شود، مفهوم خلافت در طول تاریخ مورد سوء استفاده ها یا بی مهری هایی شده است که مناسب است از دو منظر شیعه و سنی بررسی شود:

تحول مفهوم خلافت در حیات تاریخی تشیع

همان گونه که در تعریف خلافت اشاره شد، به عقیده شیعه خلافت یک مقام و منصب الاهی است و از لحاظ تاریخی هم این مطلب مسلم است که پیروان علی علیه السلام در طول تاریخ این عقیده را داشته و برای حفظ این عقیده دوره های محنت زا و غم انگیزی را در طول حیات سیاسی و اجتماعی خود

1-) احمد امین، فجر الاسلام، صص252 تا 253.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیموده اند. نویسندگان ملل و نحل به اتفاق نگاشته اند که شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام همواره در دوره خلفای راشدین و پس از آن، در دوره خلافت بنی امیه و بنی عباس به عنوان یک نیروی مخالف شناخته شده و معروف بودند که آنان این گونه خلافت را که تنها خاستگاه مردمی دارد، مشروع ندانسته و طبیعتا آنان، خلفا را غاصبانی می دانستند که به ناحق خلافت الاهی اهل بیت پیامبر9 را به دست گرفته اند((1)) و در این میان توجه به این نکته ضرورت دارد که کناره گیری و داخل نشدن به کارهای حکومتی خلفای جور نه خواست امامان شیعه و پیروان آنان بود و نه خواست خلفا. خواست امامان شیعه نبود؛ زیرا امامان معصوم شیعه هر کدام همکاری با خلفای جور را نوعی کمک به دوام حکومت آنان و تأیید کردار ظالمانه آنان می دانستند و از طرف دیگر خلفا نیز هیچ گاه همکاری امامان شیعه و پیروان آنان را به نفع خود ندانسته و شدیدا با عقیده آنان که امامت را منصب الاهی می دانستند مبارزه می کردند.

بر این اساس بود که امامان شیعه و یاران آنان با زیرکی و احتیاط تمام، مفهوم الاهی بودن خلافت را با سختی های فراوان حفظ کردند که در این زمینه اگر با رویکرد تاریخی و تحلیلی نگریسته شود، امامان شیعه و نیز پیروان خاص آنان در هر عصر از درون و بیرون با چالش های فکری، سیاسی و اجتماعی روبه رو بودند. از

1-) ملل و نحل، شهرستانی، ج1، ص131؛ شیخ مفید، اوائل المقالات، ص37؛ ابن حزم اندلسی، الفصل فی الملل و الهوا و النحل، ج2، ص270.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

درون، انشعابات افراد کم ظرفیت شیعی که اعتقاد به خلافت الاهی علی علیه السلام و پس از ایشان دو فرزندش امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام داشتند اما پس از آن سه بزرگوار نتوانستند این مسیر را ادامه دهند و از اندیشه اصیل تشیع که عقیده به خلافت نه نفر از فرزندان معصوم امام حسین علیه السلام داشتند، جدا شدند و فرقه هایی مانند کیسانیه را در عصر امام سجاد علیه السلام به وجود آوردند((1)) و پس از آن انشعاب زیدیه در زمان صادقین((2)) و نیز پیدایش گروه اسماعیلیه با زیر مجموعه هایش پس از درگذشت امام صادق علیه السلام در سال 148 به وقوع پیوست.((3)) این انشعابات داخلی در زمان باقی امامان نیز ادامه داشت که به نحوی چالشی درونی برای حفظ خط فکری که امامان شیعه به دنبال حفظ آن بودند، و در کنار آن چالش های داخلی، منازعات سیاسی و فشار های ستیزه جویانه حاکمان با امامان شیعه و پیروان شان محافظت و پاسداری از تعلیمات اصیل اسلامی از جمله حفظ اعتقاد به منصب الاهی بودن خلافت و امامت که لبه ستیز خلفای نام نهاده شده ی اسلامی با آن اندیشه و تفکر الاهی بود، کار را برای امامان و پیروان شان سخت تر کرده بود. در حقیقت از نظر تاریخی موضع گیری با تفکر نص گرایی و منصب الاهی دانستن خلافت و جانشینی پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله از همان زمان تشکیل سقیفه آغاز شده بود. به نقل احمد امین از همان زمان عده ای از پیروان علی علیه السلام مانند عمار، سلمان فارسی، اباذر، جابر بن

1-) ملل و نحل شهرستانی، ج1، ص131؛ ابن حزم، الفصل، ج5، ص35؛ الکسانیه فی تاریخ والادب، ص265.
2-) ابوزهره، الامام الزید، ص47؛ ملل و نحل شهرستانی، ج1، ص139؛ فرق الشیعه، نوبختی، ص52
3-) فرق الشیعه، ص67.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عبدالله انصاری، عباس و فرزندان، ابی بن کعب و... در برابر تفکر انتخابی بودن خلیفه که در سقیفه انجام شد به مخالفت برخواسته و در همان زمان به علی علیه السلام لقب وصی را داده، می گفتند او از طریق نص به این منصب برگزیده شده است.((1))

پس از آن نیز همواره جریان نص گرایی در معرفی جانشین پیامبر با استناد به روایات ادامه داشت که در اینجا غزالی یکی از دانشمندان اهل سنت به جمله ای جالب اشاره کرده است. او پس از گفتار درباره منشأ پیدایش خلافت وقتی به جریان نص گرایی می رسد درباره خطبه غدیر می نگارد:

و اجمع الجماهر علی متن الحدیث من خطبته فی یوم عید غدیر خم...و هو یقول من کنت مولاه فعلی مولاه - فقال عمر بخ بخ یا اباالحسن لقد اصبحت مولای فهذا تسلیم و رضا و تحکیم ثم بعد لهذا غلب الهوی لحب الریاسه و حمل عمود الخلافه؛((2))

«اجماع دارند بزرگان بر متن حدیث از خطبه ای که در روز عید غدیر خم ایراد شد که ایشان (پیامبر) فرمود: هر کس را من مولای اوبودم پس از من علی علیه السلام مولای اوست. و از آن عمر گفت: مبارک باد مبارک باد ای اباالحسن که مولای من و مولای دیگران شدی. پس این گفتار عمر تسلیم بود و رضایت داشت. پس از آن هوای نفس و ریاست

1-) احمد امین، فجر الاسلام، ص267.
2-) مجموعه الرسائل الامام غزالی، ص453، رساله سر العالمین.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

طلبی بر او غلبه کرد و او پایه های خلافت را بردوش گرفت.»

که در حقیقت اعتراف این دانشمند اهل سنت منصفانه ترین گفتاری است که در عمل کرد تمام خلفا تطبیق شده و هر یک از آنان چه در زمان بنی امیه و چه در زمان بنی عباس به دلیل ریاست طلبی و هوای نفس در برابر امامان از اهل بیت قد برافراشتند و آنان را از حقشان محروم کردند.

در عصر خلافت امویان، از همان آغاز خلافت، معاویه میزان مقبولیت علی علیه السلام را در میان پیروانش می دانست و دریافته بود که اعتقاد پیروان علی علیه السلام به آن حضرت به انگیزه دینی و مذهبی استوار بوده و ایشان را دارای منصب و مقام الاهی می دانند، در مبارزه با آن حضرت با جدیت تمام برخواسته و از میان تمام مخالفان خود با ایشان مبارزه جدی تری را آغاز کرد. صف آرایی های نظامی، ترویج لعن و نفرین به آن حضرت در خطبه های نماز جمعه و... همه پایه ریزی پروژه ای بود که برای کوبیدن شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام و جدا کردن مردم از خاندان پیامبر9 بنا نهاده شده بود و پس از وی باقی خلفای بنی امیه از روش و سیاست او با شدت تمام پیروی کردند و در همین راستا فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام امام حسین علیه السلام توسط فرزند معاویه، یزید، به شهادت می رسد. تفکر و اندیشه امامیه در آن زمان چنان مجرمانه بود که اگر به کسی زندیق می گفتند بهتر از این بود که به او شیعه

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بگویند.((1)) پس از فروپاشی بنی امیه، بنی عباس نیز روش ستیزه جویانه در برابر امامان شیعه و پیروانشان انتخاب کردند. هر چند آنان در ابتدا با همراهی شیعیان بر ضد بنی امیه قیام کرده بودند، اما پس از دست یابی به خلافت روشی بدتر از بنی امیه را در مبارزه با شیعیان وامامانشان پیش گرفتند((2)) و بسیار جالب است که آنان برای مبارزه عینی با تفکر امامان شیعه در بحث خلافت، خود را همواره خلیفهٔ الله مطرح می کردند.((3))

بنابراین حفظ اعتقادات اصیل اسلامی از جمله عقیده به منصوصیت جانشینان پیامبر9، به دلیل حساسیت ویژه خلفا در برابر امامان شیعه و پیروانشان، در طول تاریخ بسیار مشکل و خطر آفرین بوده است و امامان شیعه که وظیفه اصلی شان امامت و هدایت مردم بوده است با موانع و چالش های فراوان روبه رو بوده اند ولی آنان هر کدام با زیرکی تمام، راهکارهایی را طبق مصلحت و اقتضای زمان امامت شان برگزیده بودند و از آموزه های اصیل اسلام پاسداری می کردند که در این میان یکی از بزرگترین دستاورد های اعتقادی و عملی امامان شیعه و شاگردان ویژه آنان، حفظ اعتقاد به مفهوم و مصداق امامان دوازده گانه منصوب از جانب خداوند بوده است که می توان از ثمره عینی و

1-) احمد امین، فجر الاسلام، ص275؛ مروج الذهب، ج3، ص75 به بعد.
2-) احمد امین، فجر الاسلام، ص274.
3-) حاتم قادری، تحول مبانی مشروعیت خلافت از آغاز تا فروپاشی عباسیان، ص72.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نماد فکری آن، شیعیان اثنا عشری را نام برد که این عقیده با عبور از موانع بازدارنده و فضاهای تاریک درونی وبیرونی در طول تاریخ موفق شد اندیشه ای را در جهان عرضه کند که با آموزه ها و روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله موافق است.

پیدایش اعتقاد به مفهوم و مصداق خلفای اثنا عشر

در منابع قدیم و جدید که درباره ملل و نحل نگارش یافته است، در بخش معرفی عناوین شیعه و امامیه به واژه «اثنا عشریه» بر می خوریم که در معرفی آن این چنین آمده است: شیعه اثناعشریه گروهی هستند که عقیده دارند علی بن ابی طالب علیه السلام با نص به عنوان خلیفه بلافصل پیامبر9 معرفی شده است و پس از ایشان یازده نفر از فرزندانش به عنوان امامان منصوص و واجب الاطاعت هستند که دوازدهم آنان به عنوان مهدی در حال غیبت به سر می برد.((1))

حال در اینجا به تناسب بحث مفهوم شناسی و تطبیق مصداقی آن، مهم ترین سؤال این است که اعتقاد به این مفهوم و مصداق، (یعنی حصر مفهوم خلافت و امامت به دوازده نفر)، از چه زمان پیدا شده است و اهمیت این امر در این است که تاریخ پیدایش باقی فرق منسوب به شیعه مانند کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه و واقفیه در اصطلاحات ملل و نحل نگاران روشن است که در دوره معین ظهور کرده است و اما نسبت به اثنا

1-) ملل و نحل شهرستانی، ج1، ص150؛ مقدمه ابن خلدون، ص215؛ احمد امین، فجر الاسلام، ص272.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عشری جای این سؤال است که آیا این عقیده بعد از تکمیل عدد دوازده امام، یعنی دوره امامت امام عصر، پیدا شد یا اینکه از همان دوره نخستین امامت امام علی علیه السلام اعتقاد به مفهوم و مصداق این عدد وجود داشت و پیروان علی از همان زمان این سلسله را می دانستند؟

در این زمینه یکی از مستشرقان به نام اتان کولبرگ در مقاله ای با عنوان «از امامیه تا اثناعشریه» تفکر و اندیشه اثناعشریه را یک پدیده نوظهور دانسته است((1)) و از برخی منابع استفاده می شود که در ابتدا واژه امامیه بر مجموعه فرقه های زیدیه، اسماعیلیه و اثناعشریه به کار می رفته است.((2)) در منابع فراوان واژه «امامیه» را مخصوص شیعیان اثناعشری دانسته است. ابن خلدون در این زمینه می نگارد:

و اما الاثناعشریه فربما خَصُّو باسم الامامیه

و پس از آن نام هر یک از امامان شیعه اثناعشری را می شمارد.((3))

بعضی از اهل سنت ادعا کرده اند که اعتقاد به ائمه اثنا عشر از قرن چهارم به وجود آمده است((4)) که در پاسخ به این ادعا باید به گفت:

اصولا در شناخت هر اندیشه و تفکری باید میان

1-) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول، شماره2.
2-) احمد امین، فجر الاسلام، ص273؛ سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج1، ص21.
3-) مقدمه ابن خلدون، ص215.
4-) الشبهات و الردود، ج1، ص14.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دو گزینه اصطلاح شناسی و پیشینه مفاهیم اعتقادی تفکیک قائل شد؛ زیرا بسیارند مفاهیم و اعتقاداتی که به دلیل تقیه از دشمنان یا به دلیل اغراض سیاسی و مذهبی، خود دارندگان آن عقیده سعی می کنند از افشا شدن اسم رسمی و بازاری شدن آن عقیده خودداری ورزیده و برای افراد خاص به عنوان اسرار بازگو نمایند.

بر این اساس نسبت به واژه اثناعشری از جهت اصطلاح شناسی و رسمیت یافتن در آثار فرقه نگاران می توان این نظریه را پذیرفت که این اصطلاح از زمان امامت امام دوازدهم به بعد میان نویسندگان رایج شده است؛ اما از جهت پیشینه اعتقادی و بازگوشدن مفهومی، نمی توان این نظریه را پذیرفت که عقیده به امامت امامان دوازده گانه نیز در آن زمان پیدا شده است؛ بلکه با توجه به این مطلب که شیعیان حقیقی علی بن ابی طالب علیه السلام ، که امامت و خلافت بلافصل آن حضرت را با نص از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می دانستند، هیچ گاه قانع بر این نبودند که نسبت به امامان و پیشوایان بعد از آن حضرت ساکت بمانند و بسیار طبیعی به نظر می رسد که آنان نسبت به امامان بعدی و تعداد آنان نیز سؤالاتی را مطرح کنند که در این زمینه، هم خود امامان در هر عصر و هم روایات فراوانی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره تعداد امامان وجود داشت، می توانست برای شیعیان همان گونه که مسئله جانشینی علی را حل کند مسئله امامان بعد از ایشان را نیز حل کند.

در این زمینه روایات مشهور اثناعشر که در

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

منابع شیعه و سنی مشهور است((1)) و نیز روایات مشهور صحیفه از جابر بن عبدالله انصاری که در نزد حضرت زهرا3 موجود بود و در آن نام هر یک از دوازده امام و نام مادران شان نوشته شده بود((2)) و نیز حدیث معروف جابر از رسول خدا9 در تفسیر آیه اولی الامر که در آن حدیث رسول خدا9 اولی الامر را با دوازده جانشین خود که مطابق با عقیده اثناعشری است تطبیق کرده است((3)) و روایات فراوان دیگر که در آنان واژگان امام((4)) یا دوازده خلیفه با صراحت ذکر شده است.((5))

در منابع کلامی شیعه در این زمینه آمده است که روایات اثبات ائمه دوازده گانه مورد اعتقاد شیعه با سند متواتر به پیامبر می رسد.((6))

ناشی اکبر، که جزو نخستین فرقه نگاران اهل سنت است، می نگارد: «پس از کشته شدن علی علیه السلام شیعیان به سه دسته تقسیم شدند: دسته یکم: کسانی که به مرگ آن حضرت یقین کرده و معتقد بودند امام پس از او حسن بن علی است و اعتقاد داشتند که پیامبر امامت او را همانند امامت پدرش با صراحت بیان داشته است؛ اینان همان کسانی هستند که به تسلسل رشته امامت معتقد

1-) کشف الغمه، ج1، ص56؛ حق الیقین، ج1، ص195 به بعد؛ معجم الکبیر طبرانی، ج2، ص277؛ مسند احمد، ج5، ص106؛ فتح الباری، ج 13، ص211.
2-) الاحتجاج طبرسی، ج2، ص292؛ ملحقات احقاق الحق، ج12، ص17؛ بحار الانوار، ج36، ص196.
3-) کمال الدین صدوق، ص253؛ ینابیع المودت، ج3، ص399.
4-) نمونه هایی در فصل یکم این اثر نقل شده است.
5-) در پایان این فصل نمونه هایی از آن روایات ذکر خواهد شد.
6-) علامه حلی، مناهج الیقین فی اصول الدین، ص328؛ المنقذ من التقلید، ج 2، ص369.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بوده و به وصیت متوالی پیامبر درباره امامان پایبندند. این گروه معتقدند تا دنیا برقرار است، پس از هر امامی امام دیگر لازم است و بعد از وصی وجود وصی دیگر ضروری است و پیامبر اسامی و صفات تمامی امامانی که پس از علی از نسل او تا روز قیامت خواهند آمد را بیان کرده است. ((1))

نکته مهم در این گزارش این است که یک نویسنده سنی که در حدود قرن دوم و سوم می زیسته است، وجود اعتقاد به امامان دوازده گانه را از زمان نخستین امام شیعیان گزارش کرده است.

مهم تر از همه، وجود روایات فراوان درباره مهدی موعود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم: می باشد که با توجه به این روایات، شیعه و سنی این امر را مسلم می دانستند که پایان این جهان به وسیله ی مهدی موعود اداره می شود و دین با آن حضرت که از خاندان پیامبر9 است، تکمیل می گردد.((2))

در بسیاری از این روایات تصریح شده است که آن مهدی موعود، دوازدهمین پیشوا از خاندان پیامبر9 است.((3)) این مسلم است که پس از بازگو شدن مهدی4 به عنوان دوازدهمین پیشوا، هر شخصی به ویژه شیعیان و معتقدان به امامت منصوصه خاندان پیامبر9 برای شناخت امامان قبل از

1-) فرقه های اسلامی و مسئله امامت، ص 41.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج4، ص558؛ عقد الدرر، ص215؛ الدرر المنثور، ج6، ص56.
3-) فرائد السمطین، ج2، ص133؛ ینابیع الموده، ج3، ص285؛ کفایه الاثر، خزاز قمی، ص85؛ بحار الانوار، ج51، ص216 به بعد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ایشان نیز اقدام کرده و راضی نمی شدند که دراین میان خلا در تسلسل امامان دوازده گانه به وجود آید و اعتقاد به موعود گرایی از نظر تاریخی همیشه به ویژه در زمان خلافت بنی عباس چنان قطعی و مسلم بوده است که در طول تاریخ افرادی ادعای مهدویت کرده و ادعا می کردند که آنان منجی بشریت هستند مانند محمد بن عبدالله بن حسن مثنی و مهدی فرزند منصور عباسی.((1))

بنابراین با توجه به روایاتی که نگارش یافت می توان به این نتیجه رسید که مفهوم خلفای اثناعشر و اعتقاد به آن از دوره حضور امامان شیعه وجود داشته است؛ اما از جهت اصطلاحی بعید نیست که بعد از زمان امامت امام دوازدهم به عنوان اصطلاح رایج متکلمان و ملل و نحل نگاران مشهور شده باشد؛ منتها دراینجا توجه به این نکته ضرورت دارد که از نظر اعتقادی و التزام عملی، هر شیعه موظف بود که از امام دوره خود و امام قبل از آن پیروی کند.((2))

تحول تاریخی مفهوم خلافت در نزد اهل سنت

در ارزیابی تغییرات و تحولات تمام فرایندهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، بیش از همه توجه به این مطلب ضرورت دارد که در تمام فرایند های مذکور بیشتر تحولات در آن دسته از فرایند ها رخ می دهد که بر روی مبانی محکم و استوار، بنیان گذاری نشده باشد و بر همین اساس است که تحول تاریخی مفهوم خلافت در نزد اهل سنت به دلیل نداشتن مبانی محکم و استوار، بیشترین تغییر و تحول را پذیرفته است؛ زیرا با توجه به شواهد

1-) تاریخ طبری، ج6، ص82.
2-) علامه مرتضی عسکری، نقش ائمه در احیای دین، جزء10، ص55.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تاریخی، مفهوم خلافت در نظام سیاسی و اجتماعی اهل سنت غالبا به ابزار حکومتی و توجیهِ کردار امیران و سلاطین، که جز قدرت و تداوم سلطه گری اندیشه ای نداشتند، تبدیل شده بود.

برای اثبات این مطلب کافی است که به فراز و نشیب های کاربردی مفهوم واژگان «خلیفه» و «خلافت» در تعاملات عالمان و دانشمندان اهل سنت و حاکمان اسلامی پس از رسول خدا9 نظر افکنده شود که در این زمینه می توان با یک جمع بندی کلی به این نتیجه دست یافت که سیر کاربردی این واژگان در نظام سیاسی و حکومتی اهل سنت یک مسیر پلکانی و تدریجی را پیموده است که با مرور زمان از مفهوم اصلی و شرایط ابتدایی خود فاصله گرفته و انعطاف پذیر شده است؛ همان طور که در نخستین گردهمایی مهاجر و انصار در سقیفه و پایه گذاری نظام خلافت نیز در هیچ گزارشی نیامده است که واژه «خلیفه» به کار رفته باشد، بلکه در آنجا از واژه «امر» استفاده کردند((1)) که ظهورش بر امارت و فرماندهی برای برقراری نظم اجتماعی بود و در این زمینه ابوبکر و یارانش چنان زیرکانه عمل کردند که حتی در مرحله دوم بیعت ستانی در مسجد، که هنوز پایه های حکومت محکم نشده بود وقتی مردم را در مسجد جمع کردند عمر که پیش از ابوبکر سخن آغاز کرد نام از خلافت نبرد، بلکه واژه «امر» را بکار برد و بعد از آن ابوبکر نیز در خطبه خود گفت: «من امارت برشما

1-) انساب الاشراف، ج1، ص582؛ طبقات الکبری، ج3، ص182؛ الکامل فی التاریخ، ج2، ص223؛ ریاض النضره فی مناقب العشره، ج2، ص204.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را بر عهده گرفتم در حالی که هیچ گاه خواهان امارت نبودم.»((1))

در حقیقت این واژه از جهت نظم بخشی و ایجاد امنیت برای مردم آن روزگار که در نبود رسول خدا9 آرامش خود را از دست داده بودند و امنیت خود را در خطر می دیدند، خوشایند بود؛ اما نکته اساسی در این زمینه این است که خلیفه با آن مفهوم، یعنی حاکم و زمامدار مسلمانان، یک نام گذاری و اصطلاح شرعی نبود، بلکه از اصطلاحات مسلمانان بود((2)) و با استقرار پایه حکومت پس از مدت کوتاهی حکومتیان واژه خلیفهٔ رسول الله را در فرهنگ سیاسی و حکومتی برای دست یابی به پشتوانه دینی و مذهبی وارد عرصه کردند.

بنا به نقل ابن قتیبه و طبری، در روزهای نخست حکمرانی ابوبکر، علی علیه السلام و عده ای از یارانش با او مخالفت ورزیدند و ابوبکر نیز برای مقابله، قنفذ را به سراغ علی علیه السلام فرستاد و هنگامی که او به درب خانه علی آمد ندا داد که خلیفه پیامبر9، علی علیه السلام را برای بیعت خواسته است و امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن خودداری از رفتن، فرمود: «چه زود به رسول خدا9 دروغ بستید.»((3))

از برخی منابع استفاده می شود که پس از آن بعضی افراد از روی تملق به ابوبکر لقب خلیفهٔ الله داده، به او خطاب می کرد:

یا خلیفه الله ! قال انا خلیفه محمد و انا راض بذالک و کره ان یقال له

1-) تاریخ الخلفا، سیوطی، ص69.
2-) نقش ائمه در احیای دین، ج11، ص52.
3-) الامامه السیاسه، ص11؛ تاریخ طبری، ج2، ص207.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خلیفه الله؛((1))

ای جانشین خدا! ابوبکر گفت: من جانشین محمد هستم و بر آن رضایت دارم و دوست نداشت به او خلیفه الله بگویند.

و از آن زمان کاربرد خلیفهٔ الرسول برای ابوبکر میان مسلمانان رایج گردید.

پس از سپری شدن دوره زمامداری ابوبکر و روی کار آمدن عمر، هم خود او و هم اطرافیانش در اینکه به ایشان چه لقبی بدهند گرفتار سردرگمی شده و گاهی به او خلیفه ی خلیفهٔ رسول الله و گاهی امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب می کردند و پس از مدتی به دلیل طولانی بودن واژگان خلیفهٔ خلیفهٔ رسول الله آن ترکیبات به دستور خود عمر حذف شد و به او بدون ترکیب یا «خلیفه» می گفتند و یا امیرالمؤمنین((2)) و در عین حال عمر وقتی به کارنامه حکومتی خود می نگریست متحیر بود که برای آن مقام و منصب که به عهده گرفته است چه واژه ای به کار گیرد.

به نقل شخصی به نام ابی العرجاء روزی عمر به یاران خود خطاب کرد:

ما ادری اخلیفه انا ام ملک؛

من ندانستم که من خلیفه هستم یا پادشاه.

1-) تاریخ دمشق، ج20، ص294؛ قرطبی، جامع الاحکام القرآن، ج14، ص356.
2-) تاریخ الخلفا، سیوطی، ص138؛ تاریخ طبری، ج2، ص411.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به عمر گفته شد میان هر دو فرق است؛ زیرا خلیفه چیزی نمی ستاند و نمی گذارد مگر از راه حق و پادشاه با مردم نیرنگ کرده از هر راهی به دست آورده و در هر جایی که خواهد به کار می گیرد.((1))

و پس از آن، در دوره زمامداری عثمان همواره از واژه «خلیفه» بدون اضافه و نیز از واژه امیرالمؤمنین استفاده می شد و آنچه در اینجا مهم است، این مطلب است که گرچه در شکل ظاهری واژه «خلیفه» تحولاتی مانند: خلیفهٔ الله - خلیفهٔ الرسول الله - خلیفهٔ خلیفهٔ الرسول الله و خلیفه بدون ترکیبی خاص در زمان سه خلیفه به وجود آمد اما در حقیقت از جهت مفهومی یک هدف دنبال می شد که آن عبارت بود از بخشیدن مقام قدسی به خلفا تا کسی هیچ حقی نداشته باشد که درباره کردار آنان حرفی به زبان آورند.

بر این اساس در تعامل اجتماعی دوران خلفا، کاربرد واژه «خلیفه» چنان مهم و حساس بود که در بعضی موارد احساسات قوم گرایی را برانگیخته و خویشان خلیفه در بکار گیری آن به فردی از خاندان خود افتخار می نمودند. به نقل ابن ابی الحدید روزی عده ای از طائفه بنی عدی (خویشان عمر) نزد عمر آمده به او خطاب نمودند: انت خلیفهٔ رسول الله و عمر گفت: من خلیفه ابوبکر و ابوبکر خلیفه رسول خدا9 بود. خویشان عمر با روحیه و تعصب قبیله خواهی راضی نبودند که فردی از قبیله آنان جانشین فردی از قبیله دیگر (ابوبکر از قبیله تیم) خوانده شود، لذا به او گفتند: گرچه از جهت ترتیب چنین است اما تو باید خود را مانند ابوبکر خلیفهٔ رسول الله اعلام

1-) الدرر المنثور، ج5، ص306.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نمایی.((1))

بنابراین کاربرد واژه «خلیفه» در آن دوره از جهت مفهومی برای کسب آبرو و رسیدن به جایگاه بهتر اجتماعی و سیاسی و رسیدن به اهداف سود جویانه تبدیل شده بود.

آنچه در تحلیل تاریخی ونگاه آسیب شناسانه در تغییر مفهومی و ظاهری واژه «خلیفه» و «خلافت» می توان به دست آورد، این است که اوج تغییرات و سوء استفاده از این واژه از زمان حکمرانی معاویه آغاز گردید. او که خود را وارث خلیفه سوم می دانست، پس از روی کار آمدن، بدون نظر داشتن دوره خلافت امام علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام ، در نامه نگاری ها و خطابه هایش میان خلافت خود و خلافت عثمان پیوند برقرار نموده، می نگاشت:

من معاویه بن ابی سفیان خلیفه عثمان بن عفان امام المسلمین و خلیفه رسول رب العالمین؛((2))

از معاویه فرزند ابوسفیان جانشین عثمان فرزند عفان پیشوای مسلمانان و جانشین فرستاده پروردگار عالمیان.

پس از آن معاویه در مدت تقریبا بیست سال خلافت خود چنان بی باکانه در کارنامه خلافت اسلامی تغییر و تحول ایجاد کرد که تنها از واژه و مفهوم «خلافت» به عنوان ابزار برای توجیه کردار خود استفاده می کرد و به اقرار بسیاری از دانشمندان اهل سنت، بنی امیه به ناحق ادعا می کردند که خلافت در آنان استقرار یافته است، بلکه تمام دوران حکمرانی بنی امیه که از زمان معاویه آغاز شده بود سلطنت

1-) شرح نهج البلاغه، ج12، ص94.
2-) ابن مغازلی، المناقب، ص199.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بود نه خلافت((1))

شخصی به نام اسود بن یزید نقل کرده است که از کردار معاویه نزد عایشه، همسر رسول خدا9، یاد کردم و گفتم: آیا تعجب نمی کنی که این مرد (معاویه) از خاندان طلقا چگونه با اصحاب رسول خدا9 درباره خلافت به منازعه برخاسته است؟

عایشه در جوابم گفت:

ما تعجب من ذلک و هو سلطان الله یؤتیه البر والفاجر؛((2))

تعجب نکن از این؛ زیرا خلافت، پادشاهی از جانب خداوند است که آن را به نیکان و بدان می دهد.

با نگرش در کردار معاویه پیداست که یکی از بدترین تغییراتی که در مفهوم خلافت به وجود آورد بنیان گذاری روشی جدید به نام ولایت عهدی و موروثی کردن این مقام بود؛ زیرا او در یک اقدام بی سابقه فرزندش یزید را خلیفه و جانشین پس از خود معرفی کرد و این در حالی بود که افرادی مانند عبدالرحمن بن ابی بکر، عبدلله بن عمر و ابن زبیر با این کردار معاویه مخالفت ورزیده و آن را از روش اسلامی خارج دانسته، می گفتند:

سنه کسری و قیصر؛((3))

این روش شاهان طاغوتی کسری و قیصر است.

ابن خلدون پس از گفتاری درباره خلافت معاویه

1-) تاریخ الخلفا، سیوطی، ص199.
2-) الدرر المنثور، ج6، ص19.
3-) تاریخ الخلفا، سیوطی، صص196- 197.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و مروانیان می نگارد:

ذهبت معانی الخلافه و لم یبق الا اسمها و صار الامر ملکا بحتا((1))

در زمان آنان مفهوم خلافت از بین رفت و به جز اسم خلافت چیزی باقی نماند بلکه امر خلافت صرفا تبدیل به پادشاهی شده بود.

سرانجام اینکه ایجاد تغییر و تحولات گسترده و بنیادی در مفهوم خلافت در زمان بنی امیه و روی آوردن آنان به سوی کردارهای خراب کارانه و ضد اسلامی، بستری را برای برخی اعتراضات که با نیت های مختلف ابراز می شد، آماده کرد و در این میان بنی عباس با یک خیزش تلفیقی فرهنگی((2)) و سیاسی و همکاری نیروهایی از علویون وشیعیان معترض، خلافت بنی امیه را از میان برداشتند که به تناسب بحث اشاره می شود که بنی عباس پس از براندازی امویان، نسبت به واژگان «خلیفه» و «خلافت» و مفهوم آن همان سوء استفاده مغرضانه بنی امیه و بلکه بدتر از آن را در دستور کار خود قرار دادند و در طول تاریخ خلافت بنی عباس مشاهده می شود که هر یک از آن خلفا در شعار ها و خطبه هایشان بر سلیقه خود گاهی از واژه خلیفهٔ الله و گاهی از واژه سلطان الله و بعضا از واژه خلیفهٔ رسول الله استفاده می کردند. برای نمونه در یکی از خطابه های منصور دومین خلیفه عباسی آمده است که او در روز عرفه در خطبه ای به مردم خطاب کرد:

1-) مقدمه ابن خلدون، 222.
2-) در بخش فرهنگی می توان به سوء استفاده آنان از خویشاوندی با پیامبر اشاره کرد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ایها الناس انما انا سلطان الله فی ارضه اسوسکم بتوفیقه؛((1))

ای مردم! من پادشاه از جانب خدا در روی زمینش هستم و شما را به توفیق او رهبری می کنم.

واقعیت این است که خاندان عباسی در به کارگیری واژگان مذهبی چنان زیرکانه عمل می کردند که هر وقت نماد های مذهبی و اجتماعی بهتر برای واژه ای در تداوم قدرت شان می دیدند فوراً از آن استفاده می کردند. برای نمونه واژه «امام» در آن روزگار به وسیله ی شیعیان برای پیشوایان معصوم کاربرد فراوان داشت که به نحوی تداعی کننده همان خلافت و جانشینی رسول خدا9 بود و به همین دلیل از نیمه دوم خلافت عباسیان واژه «امام» نیز، برای خلیفه به کار گرفته می شد.((2))

در این میان توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که خلفای بنی عباس در یک بازی سیاسی و فریب کارانه دیگر از واژه «الله» به عنوان پسوند به اسامی شان استفاده کردند که این فریب کاری از دوره خلافت واثق با عنوان الخلیفه واثق بالله آغاز شد و پس از آن تمام خلفای عباسی از آن به عنوان لقب مضاف استفاده می کردند.((3))

بنابراین تغییر و تحول در واژگان «خلیفه» و «خلافت» و مفهوم آن از زمان بنیان گذاری مکتب خلافت آغاز شد و در دوره بنی امیه و بنی عباس

1-) تاریخ الخلفا، سیوطی، ص263؛ فی التاریخ العباسی و الفاطمی، ص30.
2-) ماثر الانافه فی معالم الخلافه، ص19.
3-) الخلافه الاسلامیه، محمد سعید العثاوری، صص269 تا 271.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به موازات بیشتر شدن فاصله زمانی با عصر رسالت، شدت آن تغییرات بیشتر شد و با استفاده ابزارگونه از واژه «خلیفه» و اضافه کردن پسوند ها به آن، به دنبال فریفتن و به بازی گرفتن مردم با قدسیت بخشیدن به مفهوم خلافت بودند که البته در این زمینه موفقیت هایی را نیز کسب کرده بودند. آن گونه که در بعضی گزارشات آمده است در اواخر دوره بنی امیه و آغاز خلافت بنی عباس، مفهوم منصب خلافت چنان در میان مردم جایگاه مهم پیدا کرده بود که هر خلیفه خود را سلطان می خواند و کسی میان واژه «سلطان» و «خلیفه» تفاوت نمی گذاشت و پیروی از آن را واجب می دانست.((1))

اما از جهت محتوا و مبانی دینی، خلفا چنان از تدین و تعلیمات دینی فاصله گرفته بودند که به اعتراف ابن خلدون از خلافت به جز اسم - که آن هم با چنگ زدن به عصبیت عربی بود - چیزی باقی نمانده بود.((2)) و در حیات سیاسی بنی عباس یکی از بازیهایی که روی دست گرفته بودند ولایت عهدی بود که آن را به پیروی از بنی امیه به شدت دنبال کردند و هر خلیفه فرزند یا برادر خود را به ولایت عهدی برگزیده و دیگر حتی از آن معیارهای نخستین قابل قبول نزد اهل سنت، مانند بیعت و شورا هم خبری نبود و خود همین روش ولایت عهدی، برخی نزاع های داخلی و نارضایتی بیرونی را نسبت به خلافت بنی عباس فراهم کرد((3)) و پس از آن به موازات خلافت بنی عباس بازماندگان اموی در

1-) الدوله العباسیه، محمد خضری، ص30.
2-) مقدمه ابن خلدون، ص222.
3-) الدوله العباسیه، ص39.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اندلس حکومت جداگانه ای تشکیل دادند که در آنجا عبدالرحمن سوم اموی خطبه ای مستقل به نام خلافت ایراد کرد و پس از آن در سال 218 در تحولی دیگر، معتصم با به کار گرفتن ترکان در حکومت آن گونه به آنان میدان داد که از زمان متوکل به بعد عملا ترکان کارگزار، طبق نقشه و میل خود خلفا را انتخاب می کردند.((1))

در عین حال با توجه به آنچه درباره تغییرات و تحول بنیادی در مفهوم خلافت حتی طبق مبانی اهل سنت گزارش شد باز هم از جهت کاربرد اجتماعی و فرهنگی، مفهوم خلیفه و خلافت در نزد توده مردم چنان دارای قداست و جا افتاده بود که هنگامی که در سال 334، معز الدوله شیعی، بغداد، پایتخت عباسیان را تصرف کرد و تمام قدرت را در اختیار گرفت، برای خود لقب خلیفه را انتخاب نکرد بلکه به دلیل قداست مقام خلافت نزد سنی مذهبان، خلیفه را برجایگاهی که داشت اسماً باقی گذارید تا بدین وسیله از مخالفت های سنی مذهبان و آشوبهای دیگر مدعیان خلافت جلوگیری کند.((2))

در اینجا برای خارج نشدن از موضوع بحث (تحول در مفهوم و واژه خلافت) به همین مقدار اکتفا می شود و تنها مطلبی که بر آن تأکید می شود این است که با همه آن بازی های سیاسی که خلفای مورد قبول اهل سنت بر مفهوم و محتوای خلافت در آورده بودند و از نظر مصداقی به گونه ای آشکارا کسانی ادعای خلافت می کردند که بیشترشان اهل فسق، فجور، قمار بازی و میگساری بودند باز هم در اندیشه توده مردم و حتی بعضی دانایان مفهوم خلافت و واژگان همسو که به وسیله ی خلفا انتخاب می شدند، همچنان دارای قداست و

1-) تاریخ الخلفا، سیوطی، ص350.
2-) السلاطین فی مشرق الغربی، عصام محمد، ص13؛ تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج3، ص68.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بار معنوی بود که به دلیل اهمیت، جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

بررسی نقش عناصر فرهنگی و سیاسی در تحول مفهوم خلافت

با تحلیل در تعامل میان اندیشه عناصر سیاسی و حکومتی اهل سنت با اندیشه عناصر فرهنگی و مذهبی شان به رگه هایی از همگرایی به صورت قرار دادی برخوردیم که همیشه میان حاکمان و عناصر مذهبی و فرهنگی آنان وجود داشته است که عملا پشتیبان و مدافع یکدیگر بودند و نکته تأمل برانگیز در این همگرایی میان متولیان خلافت و عناصر فرهنگی و مذهبی این است که گویا هر دو دسته به دنبال هدف مشترک حرکت می کردند که آن عبارت بود از حفظ و تداوم اقتدار سیاسی و مذهبی در جامعه اسلامی و آنان در این همگرایی و بازی هایی که با واژه خلافت و واژگان همسو انجام می دادند به دنبال این بودند که به این واژه با اضافه کردن پسوند هایی مانند «الله و رسول» قداست و بار معنوی داده و سپس از مفهوم و محتوای آن که به معنای جانشینی خدا و رسول است به نفع حکومت و مذهب استفاده کنند که در این زمینه اگر با رویکرد اجتماعی نظر افکنده شود مشاهده می شود که موفقیت های چشم گیری در جذب توده های اجتماعی در مسائل حکومتی و مذهبی به دست آورده بودند.

در این همگرایی آنچه را که نمی توان نادیده گرفت، این مطلب است که غالبا نیروهای مذهبی و فرهنگی اهل سنت، که هماهنگ با حکومتیان در

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

قداست بخشی به مفهوم واژگان خلیفه و خلافت فعالیت می کردند، از نظر مصداق شناسی و افرادی که آن منصب را به دست می گرفت چنان منفعلانه و با چشم های بسته حرکت می کردند که از جهت اجرایی و عملی هر فرد با هر اندیشه و کردار خراب کارانه و ضد دینی می توانست خلافت اسلامی را در دست گیرد. چنانچه در این زمینه در طول تاریخ خلافت اسلامی به موارد فراوان بر می خوریم که برخی خلفا با اینکه اهل فسق، فجور، قمار و میگساری بودند((1)) اما همین که با دست دادن عده ای به عنوان بیعت یا انتخاب خلیفه قبل یا زور و تزویر به قدرت می رسیدند بدون هیچ گونه ملاحظه دینی او در زیر چتر محافظتی واژه خلیفه قرار می گرفت.

آن قداست و معنویت که این واژه پیدا کرده بود سبب می شد که خلیفه در مصونیت و حمایت حفاظتی توده های مردمی و برخی عالمان دینی قرار بگیرد و در تمام کردار های خود آزادانه عمل می کند و هیچ کسی نسبت به او چون خلیفه پیامبر بود حق اعتراض نداشت.

به هر حال نسبت به اندیشه دینی و فرهنگی اهل سنت از جهت تطبیقی همواره این تضاد میان مفهوم قدسی خلافت اسلامی و مصادیق آن وجود داشته است.

برای تکمیل این بحث اشاره می شود که در تحول و تغییر مفهوم خلافت و قداست بخشی آن از جهت فرهنگی برخی از شعرا و عالمان دینی درباری

1-) برای دست یابی به کردار خلفای بنی امیه و بنی عباس رک: تاریخ الخلفا، سیوطی؛ ماثر الانافه فی معالم الخلافه، قلقشندی و نیز به مواردی در احکام السلطانیه ماوردی مراجعه شود.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نقش بسیار فعالی داشته اند و این مطلبی است که برخی دانشمندان اهل سنت نیز به آن توجه جدی کرده اند. ابن خلدون در این زمینه می نگارد: «صناعت شعر در دوره جاهلیت جایگاه مهم داشت و با بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا حدودی فروکش نمود و پس از آن در دوره بنی امیه و اوائل بنی عباس دوباره رشد کرد بیشتر شعرا برای مدح خلفا شعری می سرودند و از آنان جایزه می گرفتند.»((1)) و هم چنین در این زمینه، احمد امین از شاعران زمان بنی امیه که برای مدح آنان شعر می گفتند به نام های جریر، فرزدق و اخطل اشاره کرده است.((2))

هم چنین درباره بنی عباس در استفاده از شعرا نقل شده است که آنان در ابتدای روی کار آمدن با علویون روبه رو گردیدند که آنان خلافت را از آن خود می دانستند و بنی عباس برای مبارزه فرهنگی با آنها، شعرا را در خدمت گرفتند و آنان در تمام سروده های شان با دادن القابی مانند خلیفةُ الله و خلیفةُ الرسول به خلفای بنی عباس می گفتند خلافت به وراثت نیست که به آل علی برسد بلکه مال بنی عباس است که اکنون آن را در دست گرفته است.((3))

در تاثیرگذاری شعرا در ایجاد تحول در مفهوم و واژه «خلیفه» و قداست بخشی به آن، توجه به این نکته ضرورت دارد که آنان در اشعارشان نسبت به خلفا از واژگان مذهبی و غلو آمیز استفاده می کردند که در ترویج مفاهیم دینی و اعتقادی میان عامه مردم نقش مهمی داشت که در این زمینه میتوان به واژگان زیر در شعر شعرای

1-) مقدمه ابن خلدون، ص661.
2-) فجرالاسلام، ص80.
3-) فی التاریخ العباسی و الفاطمی، ص21.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دوره بنی امیه اشاره کرد:

خلیفه الله فی الارض الامین المامون، امام المسلمین، امین الله، جنه الدین، الخلیفه المبارک، خیار الله للناس، راعی الله فی الارض، الامام المصطفی، ولی الحق، امام المهدی، ولی عهد الله امام المبارک، امام العدل، خلیفه الحق، الخلیفه الافضل وپ..((1))

با توجه به واژگان به کار رفته در اشعار و مفاهیم مذهبی آن می توان به نقش تاریخی شاعران درباری در تحول فرهنگی مفهوم خلافت در فریب دادن عامه مردم به خوبی پی برد.

هم چنین برخی از عالمان دینی و بنیان گذاران مذاهب، در تحول فرهنگی مفهوم خلافت نقش مهمی داشته اند که در این زمینه در برخی منابع از تعامل و همکاری فرهنگی فرقه مرجئه به عنوان نخستین فرقه مذهبی با بنی امیه نام برده شده است.

احمد امین در این زمینه می نگارد: در ابتدا دو فرقه خوارج و شیعه با دو دیدگاه سیاسی درباره خلافت به وجود آمد که هر دو گروه رویکرد جداگانه نسبت به خلفای سه گانه داشتند اما نسبت به بنی امیه اتفاق داشتند که آنان

1-) رسول جعفریان؛ تاریخ الخلفا، ص778 و هم چنین در این زمینه ایشان در چندین صفحه شواهدی از اشعار شعرای دوران مروانیان نقل کرده است.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ظالم و ناحق هستند و در برابر این دو گروه گروه مرجئه با دیدگاهی خاص به وجود آمد که

یرون حکومه الامویین حکومه شرعیه و کفی بذلک تاییدا؛((1))

حکومت بنی امیه را حکومت شرعی می دانست و همین مقدار در تأیید حکومت آنان کفایت می کرد.

برخی نویسندگان مرجئه را به دو دسته مرجئه خالص و ناخالص تقسیم کرده و می نگارند: مرجئه خالص که حکومت بنی امیه را قبول داشتند عقیده جبریه داشتند و این عقیده به نفع بنی امیه بود و آنان را تقویت می کرد.((2))

در حقیقت شاخصه اعتقاد مرجئه، که نسبت به مؤمن بودن و کافر بودن افراد نباید حرف زد بلکه باید داوری در این زمینه را برای روز رستاخیز به تأخیر انداخت و باید به این امید بود که شاید خداوند گناه کاران را بخشیده و از ستم کاران درگذرد، ((3)) برای به اغفال کشاندن مردم و نادیده گرفتن کردار خلفا زمینه ساز شد که این به نفع خود کامگی خلفای بنی امیه بود.

هم چنین در طول تاریخ خلافت اسلامی همواره عالمان درباری بوده اند که برای خوشایندی آنان سخنان به دور از حقیقت گفته و توجیه گر کردار آنان از جنبه فرهنگی و مذهبی بوده اند، افرادی مانند کعب الاحبار در تشویق معاویه در غصب خلافت علوی((4)) و عالم درباری مانند وهب بن منبه در زمان عمربن عبدالعزیز((5)) و نیز خدمات محمد بن

1-) فجر الاسلام، ص279 - 280.
2-) تاریخ الاسلام الثقافی السیاسی، صاحب عبدالحمید، ص610.
3-) ملل و نحل شهرستانی، ج1، ص125.
4-) تاریخ طبری، ج4، ص343؛ الکامل فی التاریخ، ج3، ص495.
5-) تاریخ الخلفا، سیوطی، ص233.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شهاب زهری در دربار هشام بن عبدالملک.((1)) در این زمینه کار به جایی رسیده بود که وقتی یزید بن عبدالملک به حکومت رسید در ابتدا می خواست طبق روش عمر بن عبدالعزیز (با عدالت نسبی) رفتار کند و در آن زمان بود که

فاتی باربعین شیخا فشهدوله ما علی الخلفا حساب و لا عذاب((2))

چهل نفر از شیوخ نزد او آمدند و شهادت دادند که خلفا نه حسابی دارند نه عذاب.

سرانجام اینکه از جهت فرهنگی و اندیشه مذهبی، همواره در میان اهل سنت با برخی فراز و نشیب هایی، اندیشه قداست بخشی نسبت به خلفا وجود داشته است و ترویج کننده این افکار بوده است که هر کس و با هر وسیله وقتی در جامعه اسلامی به خلافت رسید دیگر برای هر کس که ایمان به خدا و روز قیامت دارد روا نیست که شبی را به روز آورد در حالی که او را امام نداند و فرقی ندارد که آن خلیفه جنایت کار باشد یا فردی نیکو.((3))

در تمام اظهارات و فتاوای علما و دانشمندان اهل سنت درباره اطاعت و فرمانبرداری از خلفا در هر وضعیتی نمی توان مبنایی برای آن جست، جز همان قداست مقام خلافت که هر کسی که دارای اقبال بلند بود و این نام روی او نهاده شد دیگر در برابر خدا و خلق خدا دارای مصونیت و آزادی است.

1-) تذکره الحفاظ، ج1، ص109.
2-) تاریخ الخلفا، سیوطی، ص246.
3-) احکام السلطانیه، ماوردی، ص23؛ ماوردی، المجموع، ج15، ص297 به بعد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فصل سوم: واژگان ولی و ولایت

اشاره

ص: 217

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در اندیشه دینی و تاریخ تفکر اسلامی، بحث ولایت یکی از بحث های بسیار مهم و دامنه داری است که در پیوند با بحث امامت و خلافت به وسیله ی دانشمندان اسلامی مورد بحث و داوری های فراوان قرار گرفته است که به تناسب بحث بررسی واژه امام و واژگان مرتبط، می توان به این مطلب اشاره کرد که دو واژه ولی و ولایت پرتویی درخشان و یکی از ابعاد امامت است که در منابع دینی مانند قرآن، سنت و اصطلاحات اسلامی به آنان از جهت مصداق و مفهوم پرداخته شده است و در حقیقت بحث ولایت یکی از مهم ترین و کارآمد ترین شئونات امامت است که امام زمان هر عصری به عنوان ولی و سرپرست انسان ها دارای اولویت در تصرف به امورات آنان می باشد. بر این اساس ضرورت دارد که با اختصار به کاربرد لفظی و مفهومی ولی و ولایت در منابع اسلامی اشاره شود:

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واژه ولی و مشتقات آن به صورت اسم و فعل 233 بار در قرآن آمده است((1)) که ما به دلیل دور نشدن از مطلب، از ذکر آن خودداری ورزیده و فقط به این مختصر اشاره می شود که واژگان ولی، ولایت و مولا که مشتق شده از وَلْی می باشند، در معارف اسلامی به ویژه در بحث امامت، جایگاه بسیار مهمی در قرآن دارند که با صرف نظر از وجوه و احتمالات فراوان درباره معنای ولایت مانند ربوبیت، محبت، نصرت، موالات وصله، تولیت و سلطنت، ((2)) ما این معانی را در بخش اصطلاح شناسی ولی و مولا بررسی خواهیم کرد.

آنچه در اینجا باید مورد اشاره قرار گیرد این است که بر اساس موارد استعمال ولایت در قرآن قدر جامع در میان همه آنان قرب است و مراد از آن نحوۀ نزدیکی بدون فاصله بین دو شئ است که موجب نوعی حق تصرف و مالکیت و تدبیر در غیر می شود.((3))

بر این اساس واژه ولی در قرآن از جهت نوع شناسی به دو نوع مثبت (الاهی) و منفی (طاغوتی) به کار رفته است که در نوع منفی آن سلطه پذیری، یاری طلبیدن و شفاعت خواهی از غیر خداوند نفی شده است که در قرآن شواهد زیادی می توان در این باره جست که ما به شواهدی اشاره می کنیم:

«

الَمْ تَعْلَمْ ان اللَّهَ لَهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالارْضِ وَمَا لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ

1-) فؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرست لالفاظ القرآن الکریم، صص874 تا 877.
2-) مجمع البحرین، ج1، ص455؛ المفردات راغب، ص533؛ زمخشری، الکشاف، ج2، ص724.
3-) المیزان، ج6، ص12.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مِنْ وَلِیٍّ وَلا نَصِیر»((1))

«آیا نمی دانستی که حکومت آسمان ها و زمین از آن خداست (و حق دارد هرگونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد) و جز خدا ولی و یاوری برای شما نیست؟ (و اوست که مصلحت شما را می داند و تعیین می کند.)»

«یَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا کَلِمَةَ الْکُفْرِ وَکَفَرُوا بَعْدَ اسْلامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ یَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا الا ان اغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَانْ یَتُوبُوا یَکُ خَیْرًا لَهُمْ وَانْ یَتَوَلَّوْا یُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا الِیمًا فِی الدُّنْیَا وَالاخِرَهِ وَمَا لَهُمْ فِی الارْضِ مِنْ وَلِیٍّ وَلا نَصِیر»((2))

«به خدا سوگند می خورند که (در غیاب پیامبر9 سخنان نادرست) نگفتند در حالی که قطعا سخنان کفرآمیز گفته اند و پس از اسلام آوردنشان کافر شده اند و تصمیم (به کار خطرناکی) گرفته اند که به آن نرسیده اند آنان فقط از این انتقام می گیرند که خداوند و رسولش آنان را به فضل (و کرم) خود بینیاز ساختند. (با این حال) اگرتوبه کنند برای آنان بهتر است و اگر روی گردانند خداوند آنان را در دنیا و آخرت به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد و در سراسر زمین نه

1-) بقره، 107.
2-) توبه، 74.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ولی و حامی دارند و نه یاوری.»

«وَکَذَلِکَ اَنْزَلْنَاهُ حُکْمًا عَرَبِیًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اهْوَاءَهُمْ بَعْدَمَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَکَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَلا وَاقٍ»((1))

همان گونه (که به پیامبران پیشین کتاب آسمانی دادیم) به تو نیز این (قرآن) را به عنوان فرمان روشن و صریحی نازل کردیم و اگر از هوس های آنان بعد از آنکه آگاهی برای تو آمده پیروی کنی هیچ کس در برابر خدا از تو حمایت و جلوگیری نخواهد کرد.

«وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا»((2))

«و بگو: ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد و نه برای ضعف و ذلت (حامی و) سرپرستی برای اوست و او را بسیار بزرگ شمار.»

«قُلْ اغَیْرَ اللَّهِ اتَّخِذُ وَلِیًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالارْضِ وَهُوَ یُطْعِمُ وَلا یُطْعَمُ قُلْ انِّی امِرْتُ ان اکُونَ اوَّلَ مَنْ اسْلَمَ وَلا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکِینَ»((3))

«بگو: آیا غیر خدا را ولی خود انتخاب کنیم؟ خدایی که آفریننده

1-) رعد، 37.
2-) اسرا، 111.
3-) انعام، 14.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آسمان ها و زمین است، اوست که روزی می دهد و از کسی روزی نمی گیرد، بگو من مامورم که نخستین مسلمان باشم و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش.»

«وَلاضِلَّنَّهُمْ وَلامَنِّيَنَّهُمْ وَلامُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ إذَانَ الانْعَامِ وَلامُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا»((1))

و آنان را گمراه می کنم و به آرزوها سرگرم می سازم و به آنان دستور می دهم که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند (و فطرت توحید را به شرک بیالایند) و هر کس شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند زیان آشکاری کرده است.

آشکار است که در این آیات خداوند ولایت غیر خودش را چه از شیاطین و چه غیر آن نفی کرده است.

و نوع دوم، اثبات ولایت در قرآن است. خداوند در ضمن چند آیه خود را ولی مطلق دانسته است. اینک نمونه هایی از آن آیات:

«فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ » (شورا/9) «وَهُوَ

الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ » (شورا/28) «وَهُوَ وَلِيُّهُمْ » (انعام/127) «انْتَ وَلِيُّنَا» (اعراف/155) «انْتَ وَلِيِّى فِى الدُّنْيَا وَالاخِرَهِ» (یوسف/101) «وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا» (ال عمران/122) «وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ »

1-) نسا، 119.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

(اعراف/196) «وَاللَّهُ وَلِیُّ الْمُتَّقِینَ» (جاثیه/19) «وَاللَّهُ وَلِیُّ الْمُؤْمِنِینَ» (ال عمران/69) «اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ امَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ الَی النُّورِ» (بقره/257) «وَکَفَی بِاللَّهِ وَلِیًّا» (نسا/45) «وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا» (نسا/75).

در تمام این آیات با رویکرد اثباتی به بحث ولایت نگریسته شده است و با اختصاص دادن واژه ولی به خداوند، ولایت خداوند را دارای آثاری چون اخراج مؤمنان از تاریکی به روشنایی و نیز ولایت خداوند را در دنیا و آخرت برقرار و کافی دانسته است که در حقیقت ولایت خداوند در قرآن برای پذیرندگان آن سرآغاز راهی است برای رسیدن به کمال در زندگی دنیوی و اخروی که در آن هیچ گونه تخلف وجود ندارد.

در امتداد ولایت الاهی برای فراهم شدن بهتر زمینه های رشد و کمال انسانها خداوند زیر مجموعه و مظاهری را برای ولایت هدایت گرانه خود معرفی کرده است که ولایت و رهبری آنان همواره و به گونه ای ملموس در اختیار بشر برای گام نهادن در مسیر ترقی و کمال است که در این زمینه به تناسب بحث امامت و رهبری آیه 55 سوره مائده، که معروف است به آیه «ولایت»، دلیل روشن و سند گویای الاهی است بر اینکه کسانی به اذن خداوند ولایت بر جامعه بشری دارند.

مفهوم ولی در آیه ولایت

خداوند در آیه ولایت می فرماید:

«انَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ امَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاهَ وَهُمْ رَاکِعُونَ»((1))

جز این نیست که صاحب اختیار و

1-) مائده، 55.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سرپرست شما خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که نماز را به پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

از آنجا که نسبت به این آیه دانشمندان و مفسران شیعه و سنی بحث های گسترده و در خور توجه انجام داده اند ما در اینجا از بحث تفصیلی خودداری ورزیده، تنها به تناسب موضوع به این نکته تأکید می کنیم که کاربرد ولایت رسول و مؤمنان، با آن نشانه ها در کنار ولایت خداوند در این آیه، دارای این مفهوم بلند و پیام روشن است که ولایت رسول و آن مؤمنان از سنخ ولایت خداوند بوده و می توان آن را از مجرای قانونی تأیید شده از جانب خداوند پذیرا شد که این مطلب از نظر کاربردی دارای این اثر مهم است که انسان در ولایت پذیری میان ولایت الاهی و غیر الاهی تمایز ها را در نظر گیرد؛ زیرا در تفسیر این آیه درباره حقیقت ولی و ولایت از نظر معنا شناسی و مفهومی اختلاف فراوان است که در مجموع می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1 - ولی مشترک لفظی است بین معانی اولی به تصرف، نصرت، محبت و...((1))

2 - ولی مشترک معنوی است و قدر جامع آن سلطنت و اولی به تصرف بودن است.(2)

3 - ولی حقیقت درامارت و سلطنت است و کاربرد

1-) تفسیر کبیر فخر رازی، ج12، ص27.
2-) مظفر، دلائل الصدق، ج2، ص740.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آن بر سایرمعانی مجاز است.((1))

4 - ولی مشترک معنوی و قدر جامع آن قرب است.((2))

در برخی منابع تفسیری همین معنای چهارم را برگزیده اند و در وجه آن اشاره کرده اند که نسبت دادن واژه قرب به مافوق مفید سلطنت و اولویت در تدبیر است.((3))

به هر حال از نظر معنا شناسی که ارتباط با امامت دارد دقت در این مطلب ضرورت دارد که با توجه به همه این معانی و تطبیق واژگان آیه از جمله واژه «انما» که دلالت بر حصر می کند می توان به این نتیجه دست یافت که واژگان ولایت و ولی در تمام کاربرد هایی که دارند مانند ولی میت، ولی صغیر، ولی نصرت و... ولایت قربی در آنان لحاظ شده است که باعث جواز نوع خاصی از تصرف مالکیت و تدبیر امور می شود و خداوند که ولی بندگانش است نیز به این معناست که امور دنیا و آخرت آنان را تدبیر می کند((4)) و هم چنین متکلمان شیعه نیز اتفاق نظر دارند بر اینکه ولی به معنای اولی در تصرف است.((5)) در برخی منابع در این باره این چنین آمده است: ولایت در آیه اولا به تصرف است که خداوند پس از اثبات آن ولایت برای خود در سیاق واحد همان ولایت را

1-) مناهج الیقین، ص؛272؛ مجمع البیان، ج3، ص323.
2-) مجمع البحرین، ج1ف ص455؛ مقاییس اللغه، ج6، ص141.
3-) طریحی، غریب القرآن، ص78؛ المیزان، ج10، ص89؛ تفسیر کبیر، ج21، ص181.
4-) المیزان، ج6، ص12.
5-) الذخیره، سید مرتضی، ص438؛ تمهید الاصول فی علم الکلام، شیخ طوسی، ص372؛ کشف المراد، ص368، مناهج الیقین، ص472؛ ارشاد الطالبین، ص382 و....

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برای نبی و ولی نیز بیان کرده است.((1))

حال نکته اساسی این است که پس از شناخت ولایت خدا و ولایت رسول که هر کدام از جهت مصداق روشن است، درباره مؤمنانی که هم سیاق آنان دارای ولایت ذکر شده جای این سؤال است که مراد کدام مؤمنان است؟ آیا صنف خاصی مراد است یا اینکه مطلق مؤمنان مراد است؟

مصداق شناسی

در آیه مذکور از ولایت خدا و رسول و مؤمنان خبر داده است که از جهت مصداق شناسی نسبت به خدا و رسول مشکل وجود ندارد اما نسبت به مؤمنان که دارای ولایت است در مصداق شناسی آن اندک اختلاف وجود دارد؛ زیرا برخی می گویند مراد از «الذین امنوا» در آیه همه مؤمنان است و آیه ارتباط به امامت ندارد.((2))

نیز بعضی ادعا کرده اند که آیه مذکور در حق ابوبکر نازل شده است. بنابراین اگر دلالت بر اثبات امامت می کند امامت ابوبکر است.((3))

واقعیت این است که هر دو احتمال مذکور از جهاتی مخدوش است زیرا نخست این که: هر دو قول با مضمون آیه نمی سازد چون در آیه یؤتون الزکاةٌ و هم راکعون مخاطب خاصی را بیان می کند زیرا و هم راکعون در آیه حال است و معنایش این است که زکات (صدقه) را در حال رکوع داد. حال این صفت عامه مؤمنان نیست و با

1-) المراجعات، مراجعه 40، ص313.
2-) تفسیر طبری، ج6، ص186؛ تفسیر ابن کثیر، ج2، ص71؛ واحدی نیشابوری، اسباب النزول، ص201.
3-) تفسیر کبیر فخر رازی، ج12، ص25.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

قول دوم هم نمی سازد زیرا هیچ کس این صفت را برای ابوبکر نقل نکرده که در حال رکوع صدقه داده باشد، بلکه این صفت وصفی خاص برای فردی معین می باشد که قطعا در خارج تحقق پیدا کرده باشد.((1))

دوم این که هر دو قول معارض است با قول سوم که می گوید آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است و در صورت معارض بودن ترجیح با قول سوم است؛ زیرا خاصه و عامه درمنابع فراوان نقل کرده اند که این آیه در شأن علی نازل شده است و همه دراین مطلب اتفاق دارند که غیر از علی علیه السلام کس دیگر در حال رکوع صدقه نداده است و حتی برخی در این زمینه ادعای اجماع کرده اند که این آیه در حق علی علیه السلام نازل شده است.((2))

روایات فراوان در این زمینه نقل شده است که روزی علی علیه السلام در هنگام ظهر مشغول نماز بود و سائلی وارد مسجد شد و از مسلمانان کمک خواست و کسی به او کمک نکرد و آن فقیر دل شکسته شد و دست ها را به سوی آسمان بلند کرد و از بی اعتنایی مسلمانان نزد خداوند شکایت کرد و در آن حال علی علیه السلام به سائل اشاره کرد که انگشتری که در انگشتش بود بردارد و سائل آن را برداشت. در آن وقت رسول خدا9 با دیدن آن منظره شادمان شده در حق علی علیه السلام دعا کرد و در آن لحظه آیه انما ولیکم الله... نازل شد.((3))

1-) شیخ مفید، مسائل عکبریه، ص49؛ شیخ طوسی، تفسیر تبیان، ج3، ص560.
2-) طبرسی، مجمع البیان، ج3، ص363؛ شرح مواقف، ج8، ص360؛ شرح مقاصد، ج5، ص269.
3-) شواهد التنزیل، ج1، ص164؛ فخر رازی، تفسیر کبیر، ج12، ص26؛ مجمع البیان، ج3، ص363 و نیز روایات دیگر با اندک تفاوت رک: ریاض النضره، ج2، ص302؛ الدرر المنثور، ج2، ص293؛ روح المعانی، ج6، ص167.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

با نگرش در فضای خطابی آیه مذکور این مطلب آشکار است که می خواهد با اشاره به واقعه ای که در خارج تحقق پیدا کرده است حکمی را به گونه ای کنایه ای اثبات کند؛ زیرا پس از اشاره به ولایت خدا و رسول، سخن از ولایت شخصی معین به میان آورده که او هم با آن وصف مانند خدا و رسول ولی مؤمنان است.

محقق حلی در دلالت آیه می گوید:« «انما» در آیه برای حصر است و گویا فرموده: لا ولی لکم الا لله... و «ولی» در آیه به معنای اولی است و این ولایت برای علی به این دلیل ثابت است که صدقه دادن در حال رکوع جز برای ایشان، برای هیچ فرد دیگری نقل نشده است.»((1))

مرحوم بهبهانی در دلالت آیه مینگارد: «ولایت ذاتا مال خداوند است و مخلوقات هیچ کدام ولایت ذاتی بر دیگری ندارند و اگر در مواردی ولایت کسی بر دیگری مشاهده می شود آن با جعل و قرار دادن از جانب خداوند است که برای هر کسی خداوند ولایت را جعل کند از آثار آن مطاعیت است؛ یعنی برای دیگران واجب می شود که از آن ولی خود فرمانبرداری نموده و به اوامر و نواهی او پایبند باشد((2)) و از جهت اعتقادی این مطلب دارای اهمیت است که ولایت علی در این آیه هم سیاق ولایت خدا و رسول قرار گرفته است که حتی نسبت به اهمیت این مطلب در روایات نیز اشاره شده است.((3))

1-) المسلک فی اصول الدین، ص248.
2-) مصباح الهدایه فی اثبات الولایه، ص137.
3-) تحف العقول، ص434؛ امالی صدوق، ص624.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ولی و ولایت در روایات

واژگان ولی و ولایت در روایات از واژگان پرکاربرد هستند که غالبا به معنای اولویت در تصرف و برای تأکید به ولایت داشتن عده ای خاص به کار رفته اند که برای دیگران نسبت به پذیرش ولایت آن والیان الاهی تأکید فراوان شده است.

در حقیقت طرح ولایت در روایات یک طرح پایدار و بستر ساز برای مسیر هدایت و تکامل است که از آن به عنوان یک فریضه برتر از همه فرائض الاهی یاد کرده است که از آن به عنوان سرچشمه زلال معرفت الاهی یاد شده است که نحوه تلقی و برخورد انسان ها در رد یا پذیرش ولایت در باقی اعمال او اثر می گذارد.

در روایت از زراره از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«بنی الاسلام علی خمسه اشیاءعلی الصلاه و الزکات و الحج و الصوم و الولایه قال زراره فقلت: وای شیء من من ذلک افضل؟ فقال الولایه لانها مفتاحهن و الوالی هو الد لیل علیهن»؛((1))

اسلام بر پنج چیز نماز، زکات، حج، روزه و ولایت استوار است. زراره می گوید: «از امام سؤال نمودم کدام یک از آن پنج تا بهتر است؟ حضرت فرمود: ولایت؛ زیرا ولایت کلید آنان و والی راهنمای بر آنان است.»

و در حدیث دیگر از آن حضرت نقل شده است:

1-) کلینی، الکافی، ج2، ص18.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«اما لو ان رجلا قام لیله و صام نهاره و تصدق بجمیع ماله و حج جمیع دهره و لم یعرف ولایه ولیی الله فیوالیه و یکون بجمیع اعماله بدلالته الیه ما کان علی الله حق فی ثوابه»؛((1))

آگاه باشید اگر فردی شب ها را زنده بدارد و روزها را روزه بگیرد و تمام دارایی اش را صدقه بدهد و همه روزگارش را حج بجا آورد، ولی نسبت به ولایت ولی خدا اعتقاد نداشته باشد تا ولایتش را پذیرا شود و تمام اعمالش به راهنمایی وی انجام گردد بر خداوند لازم نیست ثوابی به او بدهد.

از این دو حدیث به دست می آید که ولایت و سرپرستی والیان تأیید شده از جانب خداوند، در پالایش و پاکسازی اعمال و کردار انسان تأثیر گذارده و در حقیقت ولایت آنان چراغ هدایت است به سوی نیکی ها.

در حدیث دیگر از رسول خدا9 نقل شده است:

«فوالذی نفسی بیده لا ینتفع عبدا بعمله الا بمعرفتنا و ولایتنا»؛((2))

«سوگند به آنکه جان محمد به دست اوست هیچ بنده ای را عملش سودی نرساند مگر با قبول معرفت و ولایت ما.»

1-) وسائل الشیعه، ج1، ص119.
2-) شیخ مفید، امالی، ص82.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در برخی روایات درباره برتر بودن ولایت بر باقی فرائض این چنین آمده است: اگر نماز، زکات، روزه و حج به علتی فوت شود، قابل تدارک و جبران پذیر است؛ اما ولایت چنان مهم است که اگر از کسی فوت شد، دیگر چیزی نمی تواند معادل آن قرار گرفته و جبران کند.((1))

بحث ولایت و نیز ابلاغ آن به وسیله ی پیامبران الاهی آن گونه مهم و سرنوشت ساز است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: در آخرین حجی که انجام دادم در یکی از مواقف حج، جبرئیل به من نازل شد و گفت: خداوند می گوید: پایان عمرت نزدیک شده برای امت خود یادآوری کن.

«عهدی الذی عهدت الیهم من ولایه ولیی و مولاهم و مولا کل مؤمن و مؤمنه علی بن ابی طالب علیه السلام فانی لم اقبض نبیا من الانبیا الا من بعد اکمال دینی و اتمام نعمتی علی خلقی بولایه اولیائی و معاداه اعدائی و ذالک کمال توحیدی و دینی و اتمام نعمتی علی خلقی باتباع ولیی و طاعته»؛((2))

«پیمانم را که از آنان عهد گرفته بودم (نسبت به) ولایت ولی خودم و مولای آنان و مولای تمام زن و مردم مؤمن علی بن ابی طالب علیه السلام است. همانا من هیچ نبی از انبیا را قبض روح نکردم مگر بعد از کامل شدن نعمت

1-) وسائل الشیعه، ج1، ص18.
2-) سید هاشم بحرانی، غایه المرام، ج1، ص327؛ سید بن طاووس، الیقین، ص373.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هایم بر بندگانم به واسطه ولایت اولیای خودم و دوری گزیدن از دشمنانم و این نهایت توحید و دین و پایان نعمتم بر مخلوقاتم است که اطاعت و فرمانبرداری کنند از اولیای من.»

هم چنین درباره اهمیت ابلاغ ولایت از پیامبر9 نقل شده است: جبرئیل از جانب خداوند به من خطاب نمود:

علم الناس ولایتهم کما علمتهم من صلاتهم و زکاتهم و صومهم و حجهم؛ ((1))

«آگاه کن مردم را از ولایت اولیا آن گونه که آگاهشان نمودی از نماز، زکات، روزه و حج....»

بنابراین امامت و ولایت گشاینده راه تقرب به سوی خداوند و به عنوان روح در کالبد اعمال و رفتار انسان است که اگر کسی ولایت را پذیرا شده و تسلیم آن والیان منصوب از جانب خداوند گردد، در زیر چتر حمایتی آنان قرار خواهد گرفت.

ما دراینجا به ذکر همین مقدار از احادیث که نمایانگر مفهوم ولایت و ضرورت آن در زندگی انسان ها است بسنده می کنیم و روایاتی که درباره مصادیق ولی و والیان نقل شده است را در پایان این فصل خواهیم نگاشت.

معنا شناسی ولی و ولایت در لغت

واژه ولی از ماده «وَلْی» است و لغت دآنان وَلْی

1-) قاضی نعمان، شرح الاخبار، ص104.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را به معانی قرب و نزدیکی معنا کرده اند.((1)) اما بعضی می گویند: الولیُّی: ولیّی النعم؛((2)) مراد از ولی سرپرست و صاحب نعمت است. عده ای از لغویان نیز ولی را به معنای سرپرست و اداره کننده امور دانستهاند.((3))

راغب در «مفردات» می گوید: الولاء و التوالی به این معناست که دو چیز یا بیشتر از یک جنس بدون اینکه جنسی از غیر آنان فاصله ایجاد کند پشت سر هم و پی در پی به وجود آیند و این استعمال کنایه است برای نزدیک بودن از جهت مکان، نسبت، دین، صداقت و اعتقاد و اما ولایت یعنی به عهده گرفتن سرپرستی امور دیگران.((4))

طریحی می گوید:

ولایت بالفتح محبه اهل البیت و اتباعهم فی الدین و امتثال اوامرهم و نواهیهم والتأسی بهم فی الاعمال و الاخلاق... ولولی من اسمائه تعالی و هو ناصر؛((5))

ولایت دوستی اهل بیت و پیروی از آنان در دین و پایبند بودن به دستورات آنان و ولی از نام های خداوند به معنای ناصر است.

و برخی لغویان این معانی را برای ولی و ولایت ذکر کرده اند: نصرت، تابع محب، قرب، آزاد

1-) مقاییس اللغه، ج6، ص161؛ تاج العروس، ج10، ص398؛ صحاح اللغه، ج2، ص715.
2-) کتاب العین، ج8، ص365.
3-) مقاییس اللغه، ج6، ص141؛ قرشی، قاموس القرآن، ج7، ص247
4-) المفردات فی غریب القرآن، ص885.
5-) مجمع البحرین، ج1، ص463.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کننده و مدبر.((1))

صاحب التحقیق در بحث طولانی درباره ولی می نگارد: ولی به معنای قرب و نزدیکی است و معانی مانند معتق، صاحب حلیف، ابن عم، ناصر و جار همه به همین معنای قرب بر می گردد و هر کس کار دیگری را به عهده گیرد، ولی آن است.((2))

و اما درباره واژه ولایت می نگارد:

الولایه بمعنی تدبیر امور الغیر و القیام بکفایه جریان حیاته و معاشه؛((3))

ولایت یعنی تدبیر کارهای غیر و ایستادگی به کفایت زندگی آن.

نیز معانی زیر برای ولی نقل شده است: 1 - اولی و سزاواری. 2 - مالک عبد. 3 - آزاد شده. 4 - پسر عم. 5 - ناصر. 6 - متولی ضامن جریره.7 - متولی تجویز میراث. 8 - همسایه. 9 - هم پیمان. 10- سید و مطاع. بعد می گوید از میان همه این معانی اصل همان معنای اول (سزاوار بودن) است و باقی معانی همه به آن بر میگردد.((4))

سرانجام اینکه گرچه ولی و ولایت در منابع لغوی به معانی گوناگون استعمال شده است اما بسیاری از آنان اشاره می کنند بر اینکه معنای حقیقی و شایع ولی و ولایت همان سرپرستی و صاحب

1-) ازهری، تهذیب اللغه، ج15، ص447؛ فیومی، مصباح المنیر، ص672؛ لسان العرب، ج15، ص406.
2-) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج13، ص202.
3-) همان، ص204.
4-) العمده ابن بطریق، ص113.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اختیاری است و معانی دیگر مجازی است که همه به همان یک معنای حقیقی سرپرست بودن بر می گردد.((1))

بنابراین واژگان ولی و ولایت در لغت نیز تا حدودی، با معانی قرآنی و روایی این واژگان که به معنای سرپرستی و صاحب اختیار است، هماهنگ هستند.

مفهوم و مصداق ولی و ولایت در اندیشه اسلامی

طرح ولی و ولایت در منابع اسلامی مانند قرآن و سنت و نیز در میان اهل لغت آن گونه که نگارش یافت تنها طرح یک مفهوم خاص نبود، بلکه یک عقیده پایدار بود که در آن بحث رهبری و سرپرستی مردم بعد از رسول خدا9 مطرح شده بود و بدیهی است که این طرح با ضرورت های اجتماعی نیز بسیار هماهنگ بود؛ زیرا هر کسی این مطلب را بدون شک و ابهام قبول داشت که جامعه اسلامی بعد از پیامبر نیازمند به ولی و سرپرست است تا به سوی هرج و مرج کشیده نشود.

اما طرح ولایت در منابع دینی و نیز احساس ضرورت آن در جامعه اسلامی هیچ گاه به معنای این نبود که مسلمانان از جهت اندیشه و تفکر یکسان فکر کرده و نسبت به مصداق و مفهوم ولی و ولایت دوگانگی نداشته باشند؛ بلکه آن گونه که در دو فصل پیشین نگارش یافت، بعد از رسول خدا9 فرقه های گوناگون با اندیشه های متفاوت در جامعه اسلامی پیدا شدند که هم نسبت به مفهوم و

1-) لسان العرب، ج15، ص410؛ مصباح المنیر، ج2، ص350؛ ابن اثیر، النهایه، ج5، ص228؛ مجمع البحرین، ج4، ص554؛ التحقیق، ج13، ص204.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

محدوده ولایت و هم در مصداق ولی با هم نزاع های اساسی داشتند که به شواهدی از گفتار و اعتقادات اندیشمندان شیعه و سنی، جداگانه اشاره می شود:

ولی و ولایت در اندیشه اهل سنت

آن گونه که پیش از این نگارش یافت، امامت و خلافت در نظام اعتقادی و سیاسی اهل سنت مساوی است با زمامداری سیاسی مسلمانان و ایجاد حاکمیت برای برقراری نظم اجتماعی و جلوگیری از اختلاف که در حقیقت مسئله خلافت بعد از پیامبر در نظر اهل سنت تئوری یک حکومت اسلامی است که تکوّن و خاستگاه آن به دور از دخالت داشتن خواست الاهی و تنها به عهده مسلمانان است که با اموری همانند اهل حل و عقد (مانند انتخاب خلیفه اول) یا استخلاف (مانند انتخاب خلیفه دوم) یا استیلا با قهر و غلبه (مانند بسیاری از خلفای بنی امیه و بنی عباس) یا وراثت ولایت عهدی (مانند خلافت یزید بن معاویه)((1)) انجام می شود و از نظر تاریخی هر یک از این نظریات در نظام فکری اهل سنت تجربه شده و پس از آن هر یک مبنای مستقلی برای انتخاب خلیفه شده است.((2))

بدیهی است وقتی که اصل خلافت و امامت یک مقام اعطایی بشری بود، بحث ولایت که یک شأن از شئون امامت است نیز مقام عادی و محدود به حدود است که تنها اندیشه بشری حد و مرز آن را

1-) ماوردی، الاحکام السلطانیه، ص6؛ مقدمه ابن خلدون، ص223؛ شرح مواقف، ج8، ص351؛ شرح مقاصد، ج5، ص233.
2-) در دو فصل قبلی به تفصیل به آن اشاره شد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

باید تعیین کند؛ زیرا نمی توان این مطلب را پذیرفت که اصل مشروعیت امام یا ولی از جانب مردم باشد و ولایت آن از جانب دیگر مانند منشأ الاهی دانستن، آن گونه که امامیه به آن اعتقاد دارد.

از این رو دانشمندان اهل سنت در ارائه خاستگاه ولایتی والیان امور و محدوده قانونی آن، تئوری هایی را مطرح کرده اند که هیچ گونه ارتباطی با برنامه های وحیانی اسلام و آموزهای دینی که به عصر رسالت برگردد ندارند، بلکه بر اساس ضرورت های اجتماعی در هر عصر و زمان پایه ریزی شده و در حقیقت به دنبال توجیه کردار حاکمان و گردانندگان حاکمیت است و در نهایت دانشمندان اهل سنت در معرفی مصداق ولی و محدوده ولایت آن با رویکرد تاریخی بر جریان ولایت نگریسته و در این زمینه نظریات متفاوتی ارائه کرده اند.

برخی می نگارند: ولایت چهار خلیفه نخست ابوبکر، عمر، عثمان و علی و عمر بن عبدالعزیز و برخی از بنی عباس از مسلمات است.((1)) در برخی منابع والیان امر از ابوبکر تا زمان عمر بن عبدالعزیز را ذکر کرده و بر این باورند که در این میان تنها ولایت معاویه بن یزید و مروان بن حکم، مستقر نشده است.((2))

به هر حال از جهت مصداق شناسی همان گونه که در مصداق شناسی امام و خلیفه نگارش یافت، اهل سنت گرفتار نظریات ناهمگون شده اند که در

1-) عون المعبود، ج11، ص247؛ حسن بن فرحان مالکی، نحو انقاذ التاریخ الاسلامی، ص122؛ تحفه الاحوذی، ج6، ص393.
2-) فتح الباری، ج13، ص185.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اینجا از تکرار آن خودداری می کنیم اما در این بین توجه به این مطلب ضرورت دارد که محدوده ولایت آن والیان نیز بر اساس اندیشه سیاسی و تئوری حکومتی طراحی شده است که در تعامل میان امام و امت بر اساس پیش برد برنامه های حکومت در امور زندگی مردم مانند معاملات، ازدواج ها، جهاد، اقامه حدود، اجرای نماز های جمعه، جماعات و نماز عیدین (فطر و قربان) که هر یک از این موارد مصالح عامه ای است که به امور دنیایی و آخرتی مردم باز می گردد و امام در هر یک از آنان ولایت دارد.((1))

تفتازانی نیز درباره ولایت امام می نگارد: «ناگزیر مردم باید پیشوایی داشته باشند تا در اموری مانند اجرای احکام، اجرای حدود، دفاع از مرزها، جمع آوری صدقات، برطرف کردن نزاع ها میان مردم و به ازدواج درآوردن کسانی که سرپرست ندارند، اعمال ولایت نماید».((2))

واقعیت این است که در اندیشه اهل سنت شأن ولایت امام فراتر از مسائل حکومتی و سیاسی نیست((3)) و در این میان جای شگفتی در این است که اهل سنت نسبت به شرایط آن ولی و سرپرست که حاکمیت را در دست می گیرد آن گونه با مماشات برخورد کرده است که هر کسی هر چند در حد انسان معمولی، می تواند زمام را به دست گیرد و از جانب دیگر، در اطاعت و فرمانبرداری امت از ولی، بدون ملاحظه بر این باور هستند که اطاعت از ولی واجب است چه عادل باشد و چه فاسق؛ زیرا مردم با بیعت و انتخاب خود در واقع سرپرستی امور خود را به او سپرده اند.

پس از این انتخاب بر مردم واجب است که از

1-) شرح مواقف، ج8، ص346.
2-) شرح عقائد النسفیه، ص233.
3-) مقدمه ابن خلدون، ص232.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

او فرمان برده و اگر در مواردی از او خلاف مشاهده کردند او را نصیحت کنند و قیام علیه او یا برکنار کردن او از ولایت و سرپرستی جایز نیست.((1)) و درعلت این مطلب که عزل امام فاسق یا قیام علیه او جایز نیست به این مطلب اشاره شد که هو من اهل الولایت زیرا آن پیشوای فاسق دارای ولایت است.((2))

قرطبی نیز درباره محدوده این ولایت تصریح کرده است که مساوی است با امارت و حکومت.((3))

از نظر تاریخی این نکته قابل توجه است که ابوبکر پس از دست یابی به خلافت در نخستین خطبه خود سخنانی را ایراد کرد که در آن خود را ولی و سرپرست مردم در امور حکومتی دانست؛ اما جالب اینکه او اطاعت مطلقه از خود را واجب نمی دانست. او در خطبه خود گفت: ولیتکم و لست بخیرکم؛((4)) ولایت و سرپرستی شما را عهده دار شدم، حال آنکه بهتر از شما نیستم؛ واژه ولیتکم در کلام ابوبکر دلالت دارد بر اینکه او پس از دست یابی به خلافت، خود را صاحب اختیار و اولی بر دیگران می دانسته است. اما جمله لست بخیرکم معنایش این است که این ولایت من، دلیل بر این نیست که من بهترین و افضل شما هستم.((5)) در ادامه همین خطبه درباره محدوده اطاعت خود می گوید: «پیوسته شیطانی مرا به لغزش وا میدارد؛ لذا اگر خوب رفتار کردم کمکم کنید و

1-) باقلانی، تمهید الاوائل، ص471؛ النووی، شرح صحیح مسلم، ج12، ص29.
2-) شرح عقائد نسفیه، ص240.
3-) الجامع لاحکام القرآن، ج8، ص56.
4-) الکامل فی التاریخ، ج2، ص331؛ الامات و السیاسه، ج1، ص16.
5-) المعیار و الموازنه، ص40.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از من پیروی کنید و اگر خطا کردم هدایتم کنید.»((1))

بنابراین با تحلیلی از خطبه ابوبکر می توان به این مطلب دست یافت که ایشان ولایت را یکی از شئون خلافت می دانسته است، ولی محدوده این ولایت که اطاعت دیگران را به دنبال دارد، در محدوده خاصی بر محور حق قرار داشته است و در پیوست همین گفتار صریح خلیفه، جالب است که درباره محدوده ولایت و اطاعت از خلیفه، دانشمندان اهل سنت چنان مبالغه آمیز حرکت کرده اند که برخلاف گفتار ابوبکر، که می گفت در موارد حق از من پیروی کنید و در باطل شما راهنمای من باشید، عقیده دارند که هرگاه کسی به وسیله ی مردم برای خلافت انتخاب شد، او دارای ولایت و مطاعیت شده و در هر وضعیتی باید مردم از او فرمان برند و حتی می گویند آن حاکم منتخب در مواردی مانند اقامه نماز ولایت دارد و وقتی که او به اقامه نماز اقدام کرد، بر دیگران واجب است که به او اقتدا کرده و با او مخالفت نورزند هرچند که او فاسق باشد.((2)) چنانچه قاضی عبدالجبار معتزلی در این زمینه می نگارد: امام در اصطلاح شرع به کسی گفته می شود که

له الولایت علی الامه و التصرف فی امور هم علی وجه لایکون فوق یده یدٌ؛ ((3))

او ولایت بر امت و حق تصرف بر امور آنان دارد به گونه ای که قدرتی

1-) المصنف، ابن ابی شیبه، ج11، ص336؛ ابن کثیر، السیره النبویه، ج4، ص493؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص156.
2-) نیل الاوطار، ج3، ص200؛ سرخسی، المبسوط، ج1، ص40.
3-) شرح اصول الخمسه، ص509.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بالاتر از قدرت او (ولی) نیست.

هم چنین سیف الدین آمدی می نگارد:

یجب اتباعه علی کافه الامه؛((1))

واجب است متابعت ولی برتمام امت.

در اینجا جای این سؤال از دانشمندان اهل سنت باقی است که با توجه به مصادیقی که آنان به عنوان ولی معرفی کرده اند که در میان آنان افرادی مانند یزید بن معاویه و ستمگران آل مروان قرار دارند، چگونه واجب الاطاعت بودن آنان را با کرداری که داشتند((2))، بر امت اسلامی توجیه می کنند؟

سرانجام اینکه ولی و ولایت دراندیشه اهل سنت فراتر از همان امارت و حکمرانی نیست و ولایت هم در مواردی مانند جمع آوری صدقات، تقسیم بیت المال، سرپرستی افراد بی سرپرست مانند ایتام و آماده کردن مردم برای جهاد، قضاوت در میان مردم و اقامه نمازهای روزانه و عیدین است که هر کدام این موارد از وظایف حکومت می باشد که تنها ولی در این موارد بر دیگران اولویت دارد، آن هم به دلیل اینکه از هرج و مرج و شورشها جلوگیری کند.((3))

در حقیقت به این دلیل که بستر اصلی امامت و رهبری در اندیشه اهل سنت با ساختاری از انتخاب بشری تشکیل شده است؛ لذا از جهت کاربردی از همان داده های فکری بشر، برای اداره امور

1-) ابکار الفکار، ج3، ص416.
2-) نمونه هایی از کردار آنان در فصل دوم ذکر شد.
3-) ابوجعفر اسکافی، المعیار و الموازنه، ص43؛ ماوردی، احکام السلطانیه، ص51.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حکومتی فراتر نمی رود.

مفهوم و مصداق ولی و ولایت در اندیشه امامیه

همان گونه که در دو فصل پیشین در معنا شناسی واژگان «امام» و «خلیفه» نگارش یافت، امامت و جانشینی پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به اعتقاد شیعه دارای ماهیت الاهی است که خداوند در پیوست مقام نبوت، مقام و منصب خلافت را قرار داده است. در حقیقت امامتی که شیعه بدان عقیده دارد، دارای چندین شأن از شئونات مهم و تأیید شده از جانب خداوند است که مهم ترین آن شئون، شأن ولایت و سرپرستی است که در درون آن هدایت گری نهفته است؛ زیرا این ولایت که شیعه برای ولی قائل است از سنخ ولایت خدا و رسول است و هیچ گونه ارتباطی با رد یا قبول بشر ندارد بلکه هر فردی را که خداوند به رهبری پس از پیامبرش انتخاب کرد او دارای ولایت الاهی و ماذون از جانب خداوند در تصرف امور دیگران است که این معنا از آیه ولایت

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«انَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ امَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاهَ وَهُمْ رَاکِعُونَ»((1))

به دست آمد که شأن نزول آیه درباره امیرالمؤمنین علیه السلام است و اینجا خداوند ولایت آن حضرت را قرین ولایت خود و ولایت پیامبر قرار داده است.((2))

هم چنانکه در سوره کهف، خداوند درباره ولایت خود می فرماید:

«هُنَالِکَ الْوَلایَهُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَیْرٌ ثَوَابًا وَخَیْرٌ عُقْبًا»((3))

در آنجا ثابت شد که ولایت و قدرت از آن خداوند بر حق است؛ اوست که برترین ثواب و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نگارد: «از آنجا که کلمه الله در اینجا به حق که در برابر باطل است توصیف شده است پس معنای ولایت در آیه سلطنت و تدبیر در امور است نه نصرت، چون اگر مراد نصرت می بود باید الله را به عزت، قدرت یا غلبه توصیف می کرد. علاوه بر آن جمله «خیر ثواباً و خیر عقباً» با نصرت نمی سازد.»((4))

حافظ حسکانی در شواهد التنزیل در تفسیر آیه

1-) مائده، 55.
2-) استدلال به این ایه قبلاً در بررسی واژه ولایت در قرآن گذشت.
3-) کهف، 42.
4-) المیزان، ج13، ص317.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«هنالک الولایه لله الحق» از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

«تلک ولایه امیرالمؤمنین التی لم یبعث نبی قط الا بها»؛((1))

مراد از ولایت در این آیه، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است و هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر برای «پیام رسانی». آن ولایت و تفسیر آن در آیه مبارکه به ولایت علی علیه السلام از جهت کاربردی، بر این اساس است که آن حضرت مظهر ولایت و سلطنت خداوند است و از جهت حقانیت و مصونیت از خطا مانند ولایت حقه الاهی است و هم چنین مانند حدیث یاد شده - در تفسیر ولایت در آیه به ولایت علی - از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است.((2))

و هم چنین از آن حضرت نقل شده است:

«ولایتنا ولایه الله عزوجل اللتی لم یُبعث نبیّی قط الا بها»؛((3))

«ولایت ما ولایت خداوند است که پیامبری را مبعوث نکرد مگر برای (تبلیغ) آن»

و در اثبات پیوستگی میان ولایت پیامبر و ولایت ولی و جانشین آن حضرت می توان گفت همان گونه که قرآن درباره پیامبر9 فرموده:

«النَّبِیُّ اوْلَی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ انْفُسِهِمْ»((4))

«پیامبر بر مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.»

1-) شواهد التنزیل، ج1، ص356؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج2، ص469.
2-) امالی طوسی، ص671.
3-) امالی مفید، ص142.
4-) احزاب، 6.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

همین اولویت بعد از رسول برای والیان و جانشینان بر حق آن حضرت نیز ثابت است((1)) و هم چنین آن حضرت درباره پیوستگی میان ولایت خود و ولایت جانشینان معصوم بعد از خود به ابن عباس فرمود:

«یابن عباس ولایتهم ولایتی و ولایتی ولایه الله حربهم حربی و حربی حرب الله و سلمهم سلمی و سلمی سلّم الله»؛((2))

«ای فرزند عباس! ولایت آنان (ائمه) ولایت من است و ولایت من ولایت خداوند است؛ جنگ با آنان جنگ با من و جنگ با من جنگ با خداوند است.»

در روایات دیگر نیز تصریح شده است که میان ولایت خدا، رسول و ولایت ائمه پیوستگی خاص وجود دارد که این پیوستگی به واسطه جعل و قرار دادن خداوند است.((3)) نسبت به آثار کاربردی و اعتقادی این پیوستگی می توان گفت همان گونه که طبق آیه مبارکه

«اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ امَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ الَی النُّورِ»((4))

ولایت خداوند رشد آور و نجات بخش از تاریکی ها معرفی شده است، ولایت رسول و والیان بعد از او نیز رشد آور و برای پذیرندگان ولایت آنان راهنما به سوی نیک اندیشی و راهی روشن است.

در نتیجه بنابر همین آیات و روایت است که

1-) البرهان، ج2، ص378؛ مجمع البحرین، ج4، ص555.
2-) کفایه الاثر، ص18.
3-) امالی صدوق، ص624؛ تحف العقول، ص434.
4-) بقره، 257.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مفهوم ولایت در میان متکلمان و دیگر دانشمندان امامیه از جایگاه بسیار بلند برخوردار بوده و مورد دقت فراوان قرار گرفته است و از جهت اعتقادی و کلامی امام و ولی دعوت کننده حق و منادی الاهی و حجت خداوند و نظم دهنده برنامه های دینی است.((1))

علامه حلی درباره جایگاه ولایت می گوید: «هر کس ولایت علی علیه السلام را قبول نکند فاسق است.»((2))

سید هاشم بحرانی می گوید: «همانا ولایت علی علیه السلام حجت رسای خداوند برای مردم است و هر کس در پناه ولایت و سرپرستی آن حضرت قرار بگیرد و از ایشان فرمانبرداری کند داخل بهشت می شود و هر کس از ولایت او خارج شود جایگاهش جهنم است.»((3))

ابن جبر می گوید: ولایت علی علیه السلام از جانب خداوند جعل شده و به وسیله ی پیامبر9 برای مردم ابلاغ شد و پیامبر در شأن علی علیه السلام فرمود:

«یقاتل علی تاویله کما قاتلت علی تنزیله»؛

علی جنگ می کند برای تاویل (قرآن) همان طور که من جنگیدم برای تنزیل آن (قرآن).»

از این تشبیه می توان مماثلت میان ولایت پیامبر9 و علی علیه السلام را به دست آورد که پیامبر9 ولایت بر تنزیل قرآن و علی علیه السلام ولایت بر تاویل

1-) بحار الانوار، ج78، ص183.
2-) نهج الحق و کشف الصدق، ص211.
3-) غایه المرام، ج1، ص327.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

قرآن دارد.((1))

ملاصدرا در این باره می گوید: «مقام ولایت بالاترین مقام است که ولی به وسیله ی آن حق تصرف در امور را پیدا می کند.»((2))

سید مرتضی نیز این نظر را دارد: «مراد از ولایت امارت و حکمرانی نیست؛ بلکه مراد این است که ولی حق تصرف در امور دیگران را دارد و ممکن است بعضی وقت ها به دلیل وجود مانعی مصلحت را در نظر گرفته و تصرف در امور نکند اما آن ولایت الاهی او پا برجاست کما اینکه در حالات بعضی از امامان معصوم: این گونه بود و این هیچ گونه ضربه ای به اصل ولایت آنان وارد نمی کند.»((3))

شیخ مفید نیز می گوید: «ولایت خدا، رسول و جانشینان پیامبر بر مردم عبارت است از تسلیم شدن در برابر آنان و رعایت امر و نهی که از جانب آنان صادر می شود.»((4))

هم چنین سید علی بهبهانی درباره منشأ پیدایش ولایت پیامبر می نگارد: «ولایت در اصل ذاتاً مال خداوند است؛ لذا غیر خدا کسی بر دیگری ولایت ذاتی ندارد و این ولایت به وسیله ی جعل و قرارداد از جانب بشر هم نمی تواند ثابت شود، زیرا کسی که ذاتا دارای ولایت نباشد نمی تواند بر کس دیگری ولایت را جعل کند؛ زیرا ولایت بعضی انسان ها بر دیگری مانند ولایت رسول و امام عارضی است و باید منتهی شود به ولایت

1-) نهج الایمان، ص524.
2-) تفسیر القرآن، ج3، ص4.
3-) الشافی فی الامامه، ج3، ص50.
4-) مسائل العکبریه، ص50.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بالذات که آن تنها ولایت خداوند است. به همین دلیل منشأ ولایت پیامبران و جانشینان آنان به جعل الاهی است.»((1))

بنابراین ولایت در اندیشه معرفتی شیعه از جایگاه مهمی برخوردار است که در پرتو امامت مطرح شده است وایی ولایت از جهت کاربردی مهم ترین بُعد امامت است زیرا در این بعد امام دست پذیرندگان ولایت را گرفته و آنان را از کج راهه های گمراهی به سوی معرفت و شناخت الاهی که مسیر نجات انسان هاست هدایت می کند.

علامه طباطبایی در این زمینه می گوید: «مقام نبوت و ولایت دو سبب مستقل هستند که خدای عزیز، ما را به وسیله آن دو از پرتگاه گمراهی نجات بخشید.»((2)) ایشان در جای دیگری از ولایت به عنوان یک امر باطنی و به منزله روح برای ظواهر دینی تعبیر کرده که به واسطه ولایت، قوانین و مقررات دینی به پا نگهداشته شده و دوام می یابد.((3))

شهید مطهری در بیان مراتب امامت از مراتب سه گانه سخن به میان آورده است:

الف - ریاست عامه و زعامت جامعه که پس از پیامبر این وظیفه به عهده امام است و شیعه و سنی در آن اتفاق دارند.

ب - امامت به معنای مرجعیت دینی که در این مرتبه نوعی کارشناسی اسلام است و امام از طریق رمز و غیبی که بر ما مجهول است علوم اسلام را

1-) مصباح الهدایه، ص137.
2-) المیزان، ج4، ص675.
3-) همان، ج1، ص411.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از پیامبر گرفته است که عاری از خطاست. اهل تسنن برای هیچ کسی چنین مقامی قائل نیستند و آنان در این مرتبه نه قائل به امام هستند و نه قائل به امامت نه اینکه قائل به امامت، باشند و فقط اختلاف مصداقی با شیعه داشته باشند.

ج - ولایت در مرتبه سوم (ولایت) اوج مفهوم امامت است. امامت به این معنا در نزد شیعه جایگاه خاصی دارد و همین معناست که در ادبیات ادعیه و متون دینی شیعه بارها مطرح شده است که زمین هیچ گاه خالی نیست؛ یعنی در هر دوره ای انسان کامل - که حامل معنویت کلی انسانیت است - وجود دارد.((1))

در تفکر شیعی از جهت مصداق شناسی این ولایت برای دوازده نفر از جانشینان معصوم پیامبر از جانب خداوند جعل شده است که از علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان جانشین بلافصل پیامبر آغاز شده و در یازدهمین فرزند آن حضرت، حضرت مهدی موعود خاتمه خواهد یافته است.((2))

در اندیشه شیعی محدوده ولایت امام فراتر از مسئولیت حکومتی و سیاسی جامعه است. گرچه زعامت سیاسی و حکومت یکی از شئون امام است اما محدوده مهم ولایت، هدایت و رهبری دینی و معنوی جامعه است که با هدایت تشریعی در طول نبوت وظیفه هدایت نفوس پاک را به سوی کمال حقیقی و ملکوتی تدبیر می کند.((3)) امام با این شأن ولایت

1-) امامت و رهبری، ص51 تا 55.
2-) بحار الانوار، ج52، ص161؛
3-) شیخ محمد سند، امامت الهیه، ج2، ص106.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الاهی زمامدار دین و مایه انتظام مسلمانان و رستگاری و عزت مؤمنان و امین خداوند و حجت او بر بندگان است.((1))

سخن نهایی اینکه اندیشه امامیه درباره مفهوم و مصداق ولی و ولایت برگرفته شده از انبوهی از آیات و روایات است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نیز از امامان معصوم: نقل شده است.((2))

بازخوانی تفاوت دو اندیشه

بنابر آنچه نگارش یافت، نمی توان این واقعیت را نادیده گرفت که دانشمندان شیعه و سنی از جهت عملی مسیری همسان را درباره ولایت و مطاعیت امامان و خلفای مورد نظرشان پیموده اند؛ زیرا همان گونه که شیعه امامان خود را واجب الاطاعت و دارای شأن والایی می دانند، اهل سنت نیز خلفای مورد نظر خود را به عنوان والیان امر و واجب الاطاعت می دانند که حتی از دستورات فاسقان آنان نیز نمی توان سرپیچی کرد و اما تفاوت این دو مسیر طی شده در دو نکته اساسی است:

1-) اصول کافی، ج1، ص283.
2-) بعداً به شواهد زیادی از این روایات اشاره خواهد شد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الف - در اعتقاد شیعه هیچ گاه لغزش و خطا در امامان شان راه ندارد، بلکه آنان منتخبان الاهی و دارای مقام عصمت و علم برتر هستند که جز حق و حقیقت جویی در زندگی شان چیز دیگری وجود ندارد؛ بر خلاف اهل سنت که برای خلفای خود گرفتار شدن در دام لغزش و خطا را جایز می دانند.

ب - تفاوت در ماهیت: همان گونه که نگارش یافت، ماهیت ولی و ولایت در اعتقاد شیعی یک مقام الاهی و بدون دخالت بشر است که خداوند در پیوست میان مقام رسالت و مقام امامت هم برای رسول و هم برای امام این مقام هدایت گرانه متصرفانه را قرار داده است؛ اما در اعتقاد اهل سنت این پیوست میان مقام رسول و ولی به هم خورده و در خلفا و جانشینان پیامبر بدون دخالت الاهی خود مردم دست به کار شده آن ولی و سرپرست خود را انتخاب می کنند و آن فرد منتخب دارای ولایت است و اطاعت از او واجب است، اینجا جای تعجب است که چگونه آن بشری که در ذات خود هیچ گونه ولایت بر دیگری ندارد و در انتخابش هم پیداست که او گاهی افرادی مانند مسیلمه کذاب و... را به عنوان نبی انتخاب نموده و خطاهایش هر روز فاجعه می آفریند حال با کدام پشتوانه دینی و عقلی انتخاب او در جانشین پیامبر این همه اهمیت یافته است که نمی توان از فرد منتخب او سر بر تافته، بلکه باید او را به عنوان سلطان اعظم و ولی امر پذیرفت.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از دو گزینه پیشین که درباره مفهوم و مصداق ولی و ولایت در نزد شیعه و اهل سنت نگارش یافت، به روشنی می توان به این نتیجه دست یافت که دانشمندان شیعه و سنی در ماهیت ولی و ولایت تفاوت های اعتقادی فراوانی دارند که هر کدام برای اثبات اندیشه خود به راهبردهای گوناگون رو آورده است و انصاف این است که روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان: یکی از ادله بسیار مهم و اطمینان آور است که برای رهیافت به واقعیت ها می توان از آن استفاده کرد و به دور از تعصب و لجاجت آن، نزاع ها را برطرف کرد.

بر این اساس، برای ولی و ولایت در منابع حدیثی شیعه و سنی روایات فراوانی وجود دارد که ولی و ولایت را به روشنی طرح کرده است. بخشی از این روایات، که به گونه مطلق در این زمینه نقل شده است، در آغاز این فصل نگارش یافت و برای روشن شدن واقعیت به شواهدی از بخش دیگر این روایات، که مفهوم و مصداق ولی و ولایت را نیز تعیین کرده اند، اشاره می شود:

از عمران بن حصین نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

ان علیا منی و انا منه و هو ولی کل مؤمن؛((1))

همانا علی از من است و من از علی و علی سرپرست مؤمنان است بعد از من.

1-) نسائی، سنن الکبری، ج5، ص45؛ مسند احمد، ج5، ص251؛ تاریخ بغداد، ج4، ص339.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و نیز از بریده نقل شده است: پیامبر دو لشکر به سوی یمن فرستاد، یکی به فرماندهی علی علیه السلام و دیگری به فرماندهی خالد بن ولید و در جنگی که با قبیله بنی زبید پیش آمد مسلمانان پیروز شدند و در آن هنگام خالد نامه ای در شکایت از امیرالمؤمنین علیه السلام به من داد تا خدمت رسول خدا9 ببرم. وقتی آن نامه را به حضرت تحویل دادم آثار ناراحتی در چهره ایشان مشاهده کردم. حضرت به من فرمود:

لا تقع فی علی فانه منی و انا منه و هو ولیکم بعدی؛((1))

از علی شکایت نکنید. همانا او از من است و من از او و علی سرپرست شما بعد از من است.

از ابن عباس روایت شده است که پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود:

انت ولی کل مؤمن بعدی؛((2))

تو (یا علی) بعد از من سرپرست همه مؤمنان هستی.

در حدیثی از زید بن ارقم نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«من اراد ان یحیی حیاتی و یموت موتی و یسکن جنه الخلد التی

1-) این حدیث از احادیث مشهور است که با اندک تفاوت در منابع زیر آمده است: مسند احمد، ج5، ص356؛ المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص110؛ مجمع الزوائد، ج9، ص128؛ فرائد المسمطین، ج1، ص298.
2-) مستدرک علی الصحیحین، ج3، ص134؛ مسند احمد، ج1، ص331.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وعدنی ربی فلیتول علی بن ابی طالب علیه السلام فانه لن یخرجکم من هدی و لن یدخلکم فی ضلاله»؛((1))

هر کس بخواهد مانند من زندگی کند و مانند من بمیرد و در بهشت همیشگی که پروردگارم به من وعده کرده سکنی گزیند باید علی بن ابی طالب علیه السلام را سرپرست انتخاب کند. همانا علی هرگز شما را از راه هدایت خارج نکرده و در راه گمراهی داخل نمی کند.

هم چنین از عمار بن یاسر نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«من آمن بی و صدقنی فلیتول علی بن ابی طالب علیه السلام فان ولایته ولایتی و ولایتی ولایه الله»؛((2))

«هر کس به من ایمان آورده و مرا تصدیق کند باید علی بن ابی طالب علیه السلام را سرپرست انتخاب کند؛ همانا ولایت او ولایت من و ولایت من ولایت خداست.»

و هم چنین از حذیفه نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«ان تولو علیا تجدوه هادیا»؛((3))

«اگر علی را سرپرست برگزینید او را هدایت کننده می یابید.»

1-) مستدرک علی الصحیحین، ج3، ص139.
2-) کنز العمال، ج11، ص61.
3-) الاستیعاب، ص478؛ حلیه الاولیا، ج1، ص64.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آنچه تاکنون نگارش یافت، نمونه ای بود از روایاتی که در منابع اهل سنت نقل شده است و با همین مضمون، روایات فراوان دیگری در منابع شیعی نقل شده است که مسئله ولی و ولایت را با مفهوم و گستره وسیع مطرح کرده اند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

ما خلق الله خلقا الا و قد عرض ولایتنا علیه و احتج بنا علیه فمؤمن بنا و کافر و جاحد حتی السموات و الارض و الجبال؛((1))

«خداوند هیچ موجودی را نیافریده مگر اینکه ولایت ما را بر او عرضه کرده است و بر او با ما احتجاج کرده است، برخی ایمان آورده و برخی کافر گشته و بعضی انکار کرده اند حتی آسمانها و زمین و کوهها.»

هم چنین در حدیثی از رسول خدا9 درباره آثار دوری از ولایت علی و امامان بعد از آن حضرت نقل شده است:

1-) بحار الانوار، ج27، ص46.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«قال الله تبارک و تعالی استکمال حجتی علی الاشقیا من امتک من ترک الولایه علی و الاوصیا من بعدک فان فیهم سنتک و سنه الانبیا من قبلک و هم خزانی علمی من بعدک»؛((1))

«خداوند تبارک و تعالی فرمود: حجت من بر اشقیای امت تو تمام است، آن کسانیکه ولایت علی و اوصیای بعد از تو را وانهند؛ زیرا در علی و اوصیا روش تو و تمام پیامبران پیشین موجود است و آنان خزانه داران بر علم من بعد از تو هستند.»

هم چنین در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که دوازده نفر از اهل بیت من بعد از من دارای منصب ولایت و حجت های خداوند در روی زمین هستند؛ سپس نام یک یک آن دوازده ولی را می برد که عینا مطابقت دارد با اسامی امامان دوازده گانه مورد اعتقاد شیعه. ((2))

در حدیثی از مقداد نقل شده است که پیامبر9 فرمود:

«معرفه آل محمد برائه من النار و حب آل محمد جواز علی الصراط و الولایه لال محمد امان من العذاب»؛((3))

شناخت خاندان پیامبر9 دوری از آتش

1-) اصول کافی، ج1، ص368.
2-) الاحتجاج، طبرسی، ج1، ص182.
3-) فرائد المسمطین، ج2، باب 49؛ الحاوی الفتاوی، ج2، ص129.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

است و دوستی خاندان پیامبر9 جوازی است بر عبور از صراط و ولایت آل محمد پناه از عذاب می باشد.

هم چنین رسول خدا9 خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«یا علی والذی بعثنی بالنبوه و اصطفانی علی جمیع اهل البریه لو ان عبدا اعبد الله الف عام ما قبل ذالک منه الا بولایتک و ولایةَ الائمه من ولدک»؛ ((1))

ای علی! سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، اگر روز رستاخیز بنده ای عمل هفتاد پیامبر را آورد، خداوند آن را از او نپذیرد مگر آن که خدا را همراه با ولایت من و اهل بیت من دیدار کند.

درباره پیوستگی ولایت علی علیه السلام و پیامبر9 از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است: روزی رسول خدا9 خطبه ای خواند و فرمود:

«من آمن بی و صدقنی فلیتول علیا من بعدی فان ولایته ولایتی و ولایتی ولایت الله»؛((2))

«هر کس مرا تصدیق کند و به من ایمان آورد پس باید بعد از من ولایت علی را بپذیرد زیرا ولایت علی ولایت من و ولایت من ولایت خداست.»

1-) بحار الانوار، ج27، ص199.
2-) امالی طوسی، ص418.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هم چنین آن حضرت در این باره فرمود:

«الکفار من جحد نبوتی و العنید من جحد ولایه علی بن ابی طالب علیه السلام »؛((1))

«کافر کسی است که نبوت من را انکار می کند و معاند کسی است که ولایت علی را منکر می شود.»

در روایتی نقل شده است که رسول خدا9 خطاب به مردم فرمود:

معاشر الناس الیس الله اولی بی من نفسی یأمرنی و ینهانی مالی علی الله أمر و لانهیی قالو: بلی یا رسول الله قال من کان الله و انا مولاه فهذا علی مولاه یامرکم و ینهاکم مالکم علیه من امر و لا نهی؛((2))

ای گروهی از مردم! آیا خدا بر من از خودم سزاوارتر نیست؟ امر می کند به من و نهی می کند و از جانب من بر خداوند امر و نهی نیست؟ مردم گفتند: چنین است ای فرستاده خدا. بعد حضرت فرمود: هر که را خداوند و من مولایش هستیم پس این علی مولای اوست که امر و نهی می کند شما را و از جانب شما بر او امر و نهی نیست.

هم چنین در حدیثی با همین مضمون و با اندکی تفصیل از رسول خدا9 درباره ولایت علی علیه السلام در بحار الانوار نقل شده است.((3))

1-) الفضائل، قمی، ص129.
2-) الغدیر، ج1، ص387.
3-) بحار الانوار، ج37، ص222 و ج38، ص151.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در این دو حدیث با صراحت ولایت و سزاوار بودن علی را در امور مردم همانند اولویت و سزاوار بودن خدا و رسول ذکر کرده است.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که درباره ولایت خاندان پیامبر9 فرمود:

«لا یقاس بال محمد من هذه الامه احد و لهم خصائص حق الولایت وفیهم الوراثت و الوصیه»؛((1))

«هیچ یک از این امت (اسلام) را با خاندان پیامبر برابر نکنید زیرا برای خاندان پیامبر حق ولایت اختصاص داده شده و در میان آنان وراثت و وصیت قرار داده شده است.»

از روایاتی که در این بحث نگارش یافت، می توان به خوبی این مطلب را به دست آورد که همان گونه که رسول خدا9 اصل ولایت و ضرورت آن را برای جامعه بارها بیان کرده بود، در مصداق شناسی ولی نیز آن حضرت بیانات روشن و صریح داشته است که برای هیچ کس از حق جویان راه عذر و بهانه ای باقی نگذاشته بود، مگر عده ای بهانه جو که در مصداق شناسی ولی کج اندیشی کرده و مسیری را پیمودند که جز رضایت عده ای قدرت طلب هیچ گاه رضایت خداوند در آن مطرح نبود. البته تأکید می شود که این مطلب طبیعی بود که رسول خدا9 مردم را نسبت به شناخت اولیای دین پس از خود جاهل نگذارد تا عذر و بهانه ای نداشته باشند و روایاتی که نگارش یافت بهترین شاهد است بر اینکه رسول خدا9 در این باره کوشش های فراوان کرده است.

منشا شناسی مشروعیت ولایت ولی در روایات

همان گونه که نگارش یافت، مهم ترین اختلاف میان دانشمندان اسلامی از شیعه و سنی، درباره ی منشأ

1-) طبری، دلائل الامامه، ص21.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیدایش مشروعیت ولایت ولی است که امامیه آن را از جانب خداوند می داند و اهل سنت آن را یک قضیه غیر الاهی و با اعطای از جانب بشر می دانند و در اینجا ارزشمندی و اهمیت روایات در تعیین مورد اختلاف و منازعه هویدا شده و حق را آشکار می کند. با اندک جست جو در روایات می توان به انبوهی از روایات در این زمینه دست یافت که منشأ ولایت ولی را از سنخ ولایت نبی و منشأ پیدایش مشروعیت هر دو را از جانب خداوند دانسته اند که بعضی روایات در این زمینه در فصل یکم و دوم این اثر نگارش یافت و در اینجا هم به مناسبت واژه «مولا» به شواهدی اشاره می شود که در این زمینه از روشن ترین دلایل بر اثبات ماهیت الاهی داشتن ولایت ولی، آیات 55 سوره مائده((1)) و 59 سوره نسا((2)) و روایات شأن نزول این آیات است که همه ی دانشمندان شیعه و نیز بسیاری از دانشمندان اهل سنت می گویند: هر دو آیه دلالت دارد که عده ای از جانب خداوند دارای اولویت ویژه و حق تصرف در امور دینی و دنیایی مردم هستند.((3)) ما در اینجا از تکرار آن خودداری ورزیده و تأکید می کنیم که علاوه بر آن موارد، روایات فراوان دیگری نیز بر این مطلب دلالت می کنند.

از جمله رسول خدا9 روزی به عده ای از اصحاب خود درباره امامت علی علیه السلام سخن گفته و در ادامه فرمود:

«واعلمو ان الله قد نصبه لکم ولیا و اماما مفترضا طاعته»؛((4))

1-) پیشتر مطالبی در مفاد آیه نگارش یافت.
2-) بعداً در واژه امیر اشاره خواهد شد.
3-) مجمع البیان، ج3، ص363؛ شیخ مفید، مسائل العکبریه، ص50؛ ابن طاووس، الیقین، ص250.
4-) غایه المرام، ج17، ص5.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بدانید که خداوند علی را به عنوان سرپرست و امام شما نصب کرد و اطاعت از او واجب است.

هم چنین از آن حضرت این چنین نقل شده است: «ولایت علی علیه السلام عهدی بود از جانب خداوند و من مأمور بودم تا آن را ابلاغ کنم.»((1))

هم چنین در روایات مشهور دیگر نقل شده است که روزی جبرئیل امین از جانب خداوند به پیامبر نازل شد و خبر از پایان بقای آن حضرت در دنیا داد و بعد فرمود: «خداوند امر کرده است که ولایت جانشین خود علی بن ابی طالب علیه السلام را برای مردم ابلاغ کنی؛ زیرا هیچ پیامبری از دنیا نمی رود مگر اینکه به امر خداوند ولی و حجت بعد از خود را برای مردم اعلام می کند آن گونه که نماز، زکات، روزه و... را ابلاغ کرد.»((2))

بنابراین طبق روایات نگارش یافته، اصل مشروعیت نظام ولایی از جانب خداوند به افراد خاصی مانند پیامبر و پس از آن حضرت برای جانشینان ایشان از جانب خداوند واگذار شده است و نمی توان پذیرفت که مشروعیت ولایت به وسیله ی بشر جعل شده گردد.

واژه مولا

در ادامه بررسی واژگان ولی و ولایت، بررسی

1-) امالی طوسی، ص418.
2-) سید بن طاووس، الیقین، ص373؛ شرح الاخبار، قاضی نعمان، ص104.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واژه مولا ضرورت دارد؛ زیرا این واژه در پیوست واژه ولی در منابع دینی مانند قرآن و روایات کاربرد فراوان دارد و هم چنین در کاربرد های اجتماعی و سیاسی نیز میان مسلمانان با حساسیت هایی به کار رفته است که سبب اصلی این حساسیت ها ارتباط مفهومی و مصداقی این واژه با امامت و رهبری پس از رسول خدا9 می باشد.

واژه مولا در قرآن به معانی گوناگون به کار رفته است و از جمله معانی آن درباره خداوند است که به عنوان بهترین مولا و بر حق یاد شده است.

«فَاعْلَمُوا ان اللَّهَ مَوْلاکُمْ نِعْمَ الْمَوْلَی وَنِعْمَ النَّصِیر»((1))

«رُدُّوا الَی اللَّهِ مَوْلاهُمُ الْحَقِّ»((2))

«وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلاکُمْ»((3))

به هر حال بررسی تمام معانی مولا در اینجا از حد نیاز و ضرورت بحث خارج است. تنها آنچه با بحث تناسب دارد این است که آیات پیشین مولویت خداوند را امری تثبیت شده می داند و در برخی آیات، افراد دیگری نیز به عنوان مظاهر ولایت خداوند و دارای ولایت از ناحیه خداوند بر جامعه معرفی شده اند.

در منابع تفسیری درباره آیه ی:

«فَانَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَجِبْرِیلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِینَ»((4))

آمده است که مراد از صالح، مؤمنان علیعلیه السلام است که مولویت او از جانب خداوند جعل شده است.((5))

1-) انفال، 40.
2-) یونس، 30.
3-) حج، 78
4-) تحریم، 4.
5-) تفسیر قمی، ج2، ص393؛ الدر المنثور، ج6، ص244.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در منابع حدیثی، واژه مولا بالاترین بحث ها و نزاع های مذهبی را به دنبال داشته است که ما در پی تفصیل آن نیستیم و تنها به این مطلب اشاره می شود که واژه مولا در حدیث معروف و مشهور غدیر، پایه و اساس بحث های فراوان تاریخی و اعتقادی میان دانشمندان اسلامی درباره پیشوایی بعد از رسول خدا9 شده است. از آنجا که شهرت این حدیث در منابع شیعه و سنی، در حد بالایی قرار دارد و نیز تک نگاره های فراوانی درباره این حدیث به وسیله ی دانشمندان نوشته شده است، ((1)) در اینجا از بحث تفصیلی حدیث غدیر خودداری می کنیم و تنها به تناسب واژه شناسی مولا به این مطلب اشاره می شود که گرچه کاربرد واژه مولا در حدیث غدیر به علی علیه السلام مسلم شمرده شده است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله با بلند کردن دست علی فرمود:

«من کنت مولاه فهذا علی مولاه»((2))،

اما اینکه معنای مولا درحدیث چه بوده است، یکی از جنجالی ترین مباحثی است که در طول تاریخ درباره معنای آن اظهار نظر شده است که هیچ یک از این اظهارات، خالی از تعصبات خشک مذهبی نبوده است که عمده ترین فشار ها و کج اندیشی ها روی معنای واژه مولا بوده است تا آن را بر معانی حمل کنند که دور از اثبات ولایت و سرپرستی برای علی علیه السلام باشد.

1-) می توان از مهم ترین آن آثار به الغدیر علامه امینی اشاره کرد.
2- - البدایه و النهایه، ج7، ص347؛ کنز العمال، ج13، ص158؛ مسند احمد، ج6، ص583.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اهل لغت برای مولا معانی زیر را نقل کرده اند: مالک، عبد، آزاد کننده، آزاد شده، همراه، نزدیک، همانند، پسر عمو، همسایه، هم قسم، فرزند عمو، فرود امده، شریک، سرپرست، تربیت کننده، یاور، نعمت دهنده، نعمت داده شده، دوست، پیرو و داماد.((1))

ابن بطریق با بر شمردن 10 معنا برای مولا می گوید: «حق این است که همه آن معانی بر می گردد به یک معنا و آن اولا و سزاوار بودن به یک چیز است، ولی این اولویت به حسب استعمال در هر مورد از مواردش مختلف است و نتیجه اینکه لفظ مولا مشترک معنوی بین این معانی مختلف است.»((2))

راغب می گوید: «ولی و مولا هر دو به معنای (تولی امر) عهده دار شدن امور دیگران به کار می روند.»((3))

صاحب التحقیق پس از بر شمردن چندین معانی برای مولا می گوید:

الولی هو المتصف بالولایه و التدبیر... و من هذا المعن المولی و هو فی الاصل اسم مکان بمعن محل الولایه ای الذی فیه یتحقق مفهوم التولیه فهو مصداق لظهور الولایه؛((4))

ولی کسی است که متصف است به سرپرستی و اداره امور و مولا از

1-) قاموس المحیط، ج4، 410.
2-) ابن بطریق، العمده، ص114.
3-) مفردات راغب، ص885.
4-) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج13، ص204.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

همین معنا است که آن در اصل اسم مکان است به معنای جایگاه ولایت یعنی کسی که در او معنای سرپرستی تحقق یافته است و او (مولا) مصداق برای آشکار شدن ولایت است. بنابراین واژه مولا از جهت لغت معانی فراوان دارد که در این بین معنای اولا و سزاوار بودن ظهور بیشتری دارد.

همین معانی گوناگون که اهل لغت برای واژه مولا ذکر کرده اند در اصطلاح علما و دانشمندان اسلامی نیز راه یافته است و هر کس بر مبنای مذهب خود معنای خاصی اراده کرده است، مانند حمل نمودن مولا بر معنای محب و ناصر و توجیهات دیگر((1)) که به دلیل بی پایه بودن آن توجیهات و نیز جواب های داده شده از ذکر آن خودداری می کنیم و در جواب آن احتمالات به برخی تصریحات دانشمندان شیعه و سنی اشاره می شود که مولا را به معنای اولا و سزاوار بودن در تصرف گرفته است:

امام محمد غزالی بعد از نقل حدیث غدیر، صحت آن را پذیرفته و بخ بخ عمر بن خطاب را دلیلی بر رضایت و تسلیم دانسته است؛ ولی بعد از آن واقعه می گوید:

غلب الهوی لحب الریاسه و حمل عمود الخلافه؛((2))

هوا پرستی و ریاست طلبی بر او غلبه

1-) شرح مواقف، ج8، ص361؛ شرح المقصد، ج5، ص274، ابن اثیر، النهایه، ج4، ص246؛ الصواعق المحرقه، ص43؛ ابن تیمیه، منهاج السنه، ج7، ص319.
2-) مجموعه الرسائل، امام محمد غزالی، مقاله سر العالمین، ص453.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کرد و پایه خلافت را در دست گرفت.

دانشمند دیگر اهل سنت، سبط بن جوزی، پس از بر شمردن ده معنا برای مولا و ناسازگار دانستن نه تا از آن معانی در آخر می نگارد:

فتعین الوجه العاشر و هو الولا و معناه من کنت اولا به من نفسه فعلی اولی به؛((1))

پس معین شد معنای دهم و آن معنای اولا و سزاوار بودن است و معنای حدیث این است که هر کس را من بر او سزاوار از خودش بودم، پس از من علی سزاوار بر اوست.

و پس از آن شواهدی از اقوال علما و شعرا بر تأیید معنای سزاوار بودن برای مولا می آورد.

فقیه و متکلم امامیه شیخ مفید در این زمینه می نگارد: «کلمه «مولا» در لغت دارای ده معنا است مانند: اولا، مالک، معتیق، معتق، ابن العم، ناصر، متولی، حلیف، جار، الامام السید المطاع. بعد از بیان این معانی می گوید معنای نخست که اولا و سزاوار بودن است معنی اصلی است که باقی معانی در حقیقت به آن برمی گردد.»((2))

محمد حسن مظفر درباره معانی مذکور می گوید:« «ولی» مشترک معنوی و به معنای تسلط و قدرت است، مانند ولی زن، ولی کودک و ولی رعیت که همگی به معنای رسیدگی به امور آنان است و کسی که بر آنان تسلط دارد و می تواند در امور آنان

1-) تذکره الخواص، ص60.
2-) شیخ مفید، اقسام المولا فی اللسان، صص27 تا 29.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تصرف کند و هم چنین به معنای دولت و دولت دار نیز می باشد که دولت به طور ضمنی نوعی تسلط دارد... .»((1))

علامه امینی بیست و هفت معنا برای حدیث ذکر کرده است و پس از آن در بررسی جامع آن معانی و تطبیق آن با واقعه غدیر نتیجه می گیرد که:

فلیس للمولا الا معنا واحد و هو الأولا بالشی و تختلف هذه الاولویت بحسب الاستعمال فی کل من موارده فالاشتراک معنوی و هو الأولا من الاشتراک اللفظی؛((2))

پس برای مولا معنایی نیست مگر واحد که آن اولا و سزاوار بودن بر شی است و این سزاوار بودن در هر مورد طبق کاربردش می باشد و اشتراک در اینجا نیز اشتراک معنوی است، چون اشتراک معنوی بهتر است از اشتراک لفظی و بنابراین آنچه تاکنون برای واژه مولا نگارش یافت، معنای اولا و سزاوار بودن از دیگر معانی آن بهتر و به عنوان اصل مطرح است که دیگر معانی به آن بر می گردد و در ارتباط این معنا با ولایت علی علیه السلام به این نتیجه می توان دست یافت که رسول خدا9 از به کار بردن این واژه (مولا) نسبت به علی علیه السلام معنایی جز همان اولویت و سزاوار بودن را که یک شأن از شئون امامت آن حضرت است، اراده نکرده است.

در حقیقت این حدیث را از جهت مفهوم و مصداق باید یکی از آن احادیثی دانست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله

1-) دلائل الصدق، ج2، ص74.
2-) الغدیر، ج1، ص362 تا 370.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بنا به رسالتی که از جانب خداوند داشت، در واقعه غدیر خم ولایت و رهبری علی علیه السلام را برای زمان پس از خود ابلاغ کرد.

در پایان به نتایج به دست آمده از واژگان «ولی» و «ولایت» اشاره می شود:

1 - ولی حقیقی کسی است که از جانب خداوند منصوب شود و آن گونه که همه ولایت رسول را الاهی می دانند، ولایت جانشین او نیز باید الاهی باشد.

2 - ولی مورد تأیید قرآن و سنت کسی است که ولایت او با ولایت خدا و رسول سنخیت داشته باشند از جمله اینکه در اعمال ولایت گرفتار خطا نگردد.

3 - معنای ولایت مساوی با حکمرانی و امارت نیست، بلکه حکومت جزئی از وظایف ولی است که در صورت نبودن مانع آن را اعمال می کند.

4 - ولایت یک حقیقت جعلی از جانب خداوند است که استقبال مردم یا مخالفت آنان هیچ گونه دخالتی بر اصل مشروعیت آن ندارد.

5 - از مطالبی که تاکنون نگارش یافت به این نتیجه رسیدیم که آن ولایت تأیید شده از جانب خداوند از جهت مفهومی و مصداق، جز با علی علیه السلام و یازده فرزند معصوم ایشان سازگاری ندارد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فصل چهارم: واژگان وصی و وصایت

اشاره

ص: 271

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

یکی دیگر از واژگانی که در بحث امام و امامت بحث و بررسی شده است، واژگان وصی و وصایت است که در این زمینه میان علما و اندیشمندان شیعه و سنی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ شیعه ادعا دارد که رسول خدا9 بعد از خود، وصی برای پاسداری از دین و شریعت و ترویج آن تعیین کرده بود و در برابر شیعه، اهل سنت منکر تعیین وصی به وسیله ی رسول خدا9 شده و امت اسلامی را بی نیاز از وصی بعد از پیامبر می دانند و بر این اساس مناسب است که در این اثر هر دو دیدگاه را با ملاک قرار دادن منابع دینی مانند قرآن و سنت تحلیل و بررسی کنیم و با رهیافت به برخی شواهد تاریخی و ضرورت های دینی واجتماعی به این مطلب برسیم که آیا امت اسلام در مسائل دینی و عملی شان به حد خودکفایی و بی نیازی رسیده بودند تا احتیاج به وصی بعد از پیامبر نداشته باشند یا اینکه در تفسیر دین و منابع دینی خود احتیاج به تفسیر کننده داشتند که طبق آن ضرورت، رسول خدا9 نیز وظیفه داشت که آنان را به حال خودشان وانگذارد و کسی را به عنوان وصی و تفسیر کننده دین بعد از خود معرفی نماید.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کاربرد مفهومی و مصداقی وصی و وصایت در قرآن

اشاره

با نگرش موضوعی به آیات قرآن، واژگان وصی و وصایت با مشتقات خود حدود 34 بار در قرآن تکرار شده اند((1)) که از جهت معنا شناسی غالبا توصیه و سفارش های خداوند خطاب به پیامبر و امت اسلامی است که این آیات چندگانه را از جهت راهبردی و عملی می توان به امور زیر تقسیم کرد:

الف - وصیت در امور مالی.

ب - وصیت در امور اخلاقی و رفتار با دیگران.

ج - وصیت درامور دین و پاسداری از آن.

اینک برای دست یابی بهتر به پیام این آیات و نیز ارتباط مفهومی آن با مسئله وصی بعد از پیامبران الاهی به ویژه پیامبر خاتم به نمونه هایی از آن آیات اشاره می شود:

دسته یکم: وصیت در امور مالی

در سوره بقره این چنین آمده است:

«کُتِبَ عَلَیْکُمْ اذَا حَضَرَ احَدَکُمُ الْمَوْتُ ان تَرَکَ خَیْرًا الْوَصِیَّهُ لِلْوَالِدَیْنِ وَالاقْرَبِینَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَی الْمُتَّقِینَ»((2))

بر شما نوشته شده چون یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر دارای متاع دنیاست وصیت کند برای پدر و مادر و خویشاوندان به قدر متعارف. این کار سزاوار مقام پرهیزکاران است.

در سوره مائده می فرماید:

1-) المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ص862.
2-) بقره، 180.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«اذا حَضَرَ احَدَکُمُ الْمَوْتُ حِینَ الْوَصِیَّهِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْکُمْ»((1))

«هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسید، در موقع وصیت باید از میان شما دو نفر عادل را به شهادت بطلبد.»

هم چنین در آیات یازده و دوازده سوره نسا و آیات دیگر، احکام وصیت به امور مالی با تفصیل بیشتری مطرح شده است((2)) که به دلیل نداشتن ارتباط مستقیم با این اثر از ذکر آن آیات خودداری می شود.

دسته دوم - وصیت در امور اخلاقی و رفتار با دیگران

در این بخش از آیات، خداوند به مسائل اجتماعی و ساختار های عملی بندگان خود با دیگران توجه کرده و توصیه های سازنده ای دارد.

در سوره انعام به پیامبر9 خطاب می کند:

«قُلْ تَعَالَوْا اتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّکُمْ عَلَیْکُمْ الا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئًا وَبِالْوَالِدَیْنِ احْسَانًا وَلا تَقْتُلُوا اوْلادَکُمْ مِنْ امْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُکُمْ وَایَّاهُمْ وَلا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ الا بِالْحَقِّ ذَلِکُمْ وَصَّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ»((3))

بگو بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم، اینکه چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندانتان را از ترس تنگدستی نکشید ما شما و آنان را روزی می دهیم و به کارهای

1-) مائده، 106.
2-) رک سوره نساء، 11و 12؛ بقره، 240.
3-) انعام، 151.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق نکشید. خدا این گونه به شما سفارش کرده تا بیندیشید.

درباره رفتار با پدر و مادر در چندین آیه این گونه توصیه کرده است:

«وَوَصَّیْنَا الانْسَانَ بِوَالِدَیْهِ احْسَانًا حَمَلَتْهُ امُّهُ کُرْهًا وَوَضَعَتْهُ کُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلاثُونَ شَهْرًا»((1))

و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم مادرش او را با تحمل رنج و زحمت باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید و دوران بارداری و بازگرفتنش از شیر سی ماه است.

در سوره لقمان((2)) و عنکبوت((3)) توصیه به پدر و مادر از جانب خداوند مطرح شده است که از نگارش تفصیلی آن خودداری می شود.

در پایان این دو گزینه بر این مطلب تأکید می شود که گرچه این دو گزینه ارتباط مستقیم با مسئله وصیت پیامبر و تعیین وصی بعد از خود ندارد، اما دو مطلب را می توان از این آیات به دست آورد.

الف - اصل وصیت و سفارش کردن دیگران به کارهای نیک امر مشروع و پسندیدهای است؛ آن گونه که خداوند وصیت کرده است.

1-) احقاف، 15.
2-) وَوَصَّیْنَا الانْسَانَ بِوَالِدَیْهِ حَمَلَتْهُ امُّهُ وَهْنًا عَلَی وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِی عَامَیْنِ.لقمان، 14.
3-) وَوَصَّیْنَا الانْسَانَ بِوَالِدَیْهِ حُسْنًا. عنکبوت، 8.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ب - از این دو توصیه خداوند در امور مالی و کردار اجتماعی می توان به دست آورد که خداوند نسبت به امور مهم و کلیدی توجه ویژه داشته و هیچ گاه مسائل مهم و تأثیرگذار مانند امور مالی و احترام گذاشتن به دیگران مانند پدر و مادر را که از جهت حقوقی اثر مهم دارند، فرونگذاشته و از این دو مطلب می توان پی برد که نسبت به حفظ دین و شریعت، که از کلیدی ترین مسائل و زیربنای تمام مسائل دیگر است غفلت نورزیده بلکه در یک نظام هماهنگ میان آورنده شریعت یعنی رسول و حافظ آن یعنی وصی رسول را نیز معرفی کرده است که در این زمینه به نمونه هایی از آیات دسته سوم، که در آن توصیه های دینی مطرح شده و با کمک روایات می تواند رهیافت خوبی باشد، اشاره می شود.

دسته سوم - توصیه به دین و محافظت از آن

در سوره بقره می فرماید:

«وَوَصَّی بِهَا ابْرَاهِیمُ بَنِیهِ وَیَعْقُوبُ یَا بَنِیَّ ان اللَّهَ اصْطَفَی لَکُمُ الدِّینَ فَلا تَمُوتُنَّ الا وَانْتُمْ مُسْلِمُونَ»((1))

و ابراهیم و یعقوب پسرانشان را به آیین اسلام سفارش کردند که ای پسران من یقینا خدا این دین را برای شما برگزیده، پس شما باید جز در حالی که مسلمان باشید نمیرید.

هم چنین در سوره شوری می فرماید:

1-) بقره، 132.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ نُوحًا وَالَّذِی اوْحَیْنَا الَیْکَ وَمَا وَصَّیْنَا بِهِ ابْرَاهِیمَ وَمُوسَی وَعِیسَی ان اقِیمُوا الدِّینَ وَلا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ مَا تَدْعُوهُمْ الَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبِی الَیْهِ مَنْ یَشَاءُ وَیَهْدِی الَیْهِ مَنْ یُنِیبُ»((1))

«از دین آنچه را به نوح سفارش کرده بود برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن توصیه کردیم (این است) که دین را بر پا دارید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید. بر مشرکان دینی که آنان را به آن می خوانی گران است. خدا هر کس را بخواهد به سوی (این) دین جلب می کند و هر کس را که به سوی او بازگردد هدایت می کند.»

در این دو آیه با صراحت توصیه به دین و اقامه آن مطرح شده است و تا زمانی که خود پیامبران الاهی زنده بودند، وظیفه داشتند که در اقامه دین کوشش کنند اما پس از رحلت شان نسبت به فرزندان خود توصیه می کردند.

در تفسیر آیه «شرع لکم الدین» و ارتباط آن با امر وصایت از امام رضا7 نقل شده است که فرمود:

نحن اولاد (ابناء) الاوصیا و نحن المخصوصون فی کتاب الله و نحن اولی الناس برسول الله و نحن الذین شرع الله لنا دینه فقال فی کتابه

1-) شوری، 13.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الذی اوحینا الیک یا محمد و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی قد علمنا و بلغنا ما علمنا و استودعنا علمهم و نحن ورثه الی العزم من الرسل و الانبیاء أن أقیمو الدین کما قال و لا تتفرقو فیه کبر علی المشرکین من اشرک بولایه علی - ما تدعو الیه من ولایه علی؛((1))

ما (اهل بیت) فرزندان اوصیا و سفارش شدگان در کتاب خدا هستیم و ما سزاوارترین مردمان به رسول خدا9 می باشیم و ما کسانی هستیم که خداوند دین خود را برای ما تشریع کرده و پس از آن در کتاب خود فرمود آیینی را برای شما تشریع کردم که به نوح توصیه کرده بودم و آنچه را به تو ای محمد وحی فرستادیم و آنچه را به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم. همه آن علوم به ما رسید و ما دانستیم و به ما ودیعه نهاده شد علم آنان و ما وارثان تمام انبیا و پیامبران الوالعزم می باشیم بر اینکه دین را به پا داریم و دوگانگی در آن ایجاد نکنیم و بر مشرکان (کسانی که در ولایت علی) شریک قائل هستند سنگین است که آنچه به سوی آن (ولایت علی) دعوت می کنید.

1-) البرهان فی تفسیر القرآن، ج4، ص810.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در برخی منابع تفسیری اهل سنت، در تفسیر آیه آمده است: نوح که بعد از حضرت آدم نخستین رسول بود مأموریت یافت که وصیت کند و پس از آن ابراهیم و موسی و عیسی نیزمأمور به وصیت شدند و این وصیت درباره دین و شریعت بود که باید کسی را به عنوان حافظ آن تعیین می کردند و پیامبر خاتم9 نیز برای حفظ قرآن و شریعت مأمور بود که وصی خود را تعیین کند.((1)) مضمون گفتار این مفسر اهل سنت مبنی بر مأموریت داشتن پیامبران الاهی برای تعیین وصی در اخبار فراوانی که در منابع شیعه و سنی نقل شده است وجود دارد؛((2)) اما این دانشمند اهل سنت پس از نگارش این مطلب نسبت به مصداق وصی پیامبر سخنی به میان نیاورده است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نگارد: هیچ پیامبری بدون وصی نبوده است که این از مضمون آیه «وصی به نوحا...» استفاده می شود که یکی از آن مورد تعیین وصی توسط نوح بوده است. ((3))

هم چنین یکی از دانشمندان معاصر درباره جایگاه وصایت در قرآن می نگارد: چنانکه اهل دانش و اصطلاح می دانند، وصایت و امامت در طول نبوت جای دارد نه در عرض آن، پس ضرورت آن مسلم است و نفی آن معنا ندارد، به ویژه که در قرآن کریم درباره اوصیای پیامبران تصریح شده است؛ پس بر مبنای قرآن اصل وصایت اصلی قرآنی است به ویژه در مورد پیامبر خاتم9.((4))

1-) زحیلی وهبه بن مصطفی، شافعی اشعری، تفسیر المنیر، ج25، ص37.
2-) بعداً به این اخبار اشاره خواهم کرد.
3-) المیزان، ج18، ص334.
4-) محمد رضا حکیمی، الهیات الاهی و الهیات بشری، ص280.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هم چنین درباره مأموریت داشتن پیامبران برای تعیین وصی از ابن عباس در تفسیر آیه:

«اذْ قَضَیْنَا الَی مُوسَی الامْرَ»((1))

«فرمان نبوت را به موسی دادیم»

نقل شده است که مراد از امر در این آیه درباره تعیین وصی است؛ زیرا خداوند هیچ پیامبری را بدون تعیین وصی وانگذاشته و بر این اساس خداوند به پیامبر خاتم9 فرمود: علی را بعد از خود وصی معرفی کن.((2))

سرانجام اینکه می توان مسئله وصی و وصایت انبیا را به عنوان یک دستور از جانب خداوند برای پیامبران از قرآن استفاده کرد و اما اینکه آیا پیامبران به ویژه پیامبر خاتم9 این دستور الاهی را اجرا کرد یا اینکه از کنار آن با بی توجهی گذشته و تعیین وصی نکردند، بحث تاریخی و مورد گفت گوی فراوان میان دانشمندان شیعه و سنی است که برای دست یابی به واقعیت ها در این زمینه، ضرورت دارد که به انبوهی از روایات که در منابع فریقین نقل شده است اشاره گردد.

1-) قصص، 44.
2-) البرهان فی تفسیر القرآن، ج4، ص268.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

طرح وصی و وصایت در روایات در گستره وسیع و با راهبردهای روشن و بدون هیچ گونه ابهامی پایه ریزی شده است که اگر با دید منصفانه و بدون دخالت دادن پیش فرض از برداشت های کج اندیشی و غرض ورزانه مذهبی به این روایات نگریسته شود، برای هر کسی ضرورت تعیین وصی پیامبران و اهمیت جایگاه وصایت در پیشبرد و تفسیر واقعی اهداف دین و شریعت روشن خواهد شد.

گرچه روایات وصایت در منابع اسلامی، به ویژه منابع روایی شیعی بسیار گسترده و متنوع نقل شده است، اما در عین حال تمام اندیشمندان مسلمان نسبت به مسئله وصایت دارای یک اندیشه نبوده؛ بلکه برخی به دنبال انکار وصایت هستند. از این رو ضرورت دارد که برای استفاده وصایت از این روایات، در یک طرح جامع نگرانه و موضوع شناسی، امر وصایت در تمام منادیان الاهی نگریسته شود.

بر این اساس با نگرش موضوعی به روایات وصایت می توان آنان را به دو دسته الف - طرح کلی و جایگاه تشریعی وصایت و ب - طرح مصداق شناسی وصایت در اسلام تقسیم نمود که ما در این اثر هر دو بخش را جداگانه بررسی خواهیم کرد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از گزینه نگارش یافته پیشین (وصی و وصایت در قرآن) این نتیجه به دست آمد که تعیین وصی و جریان وصایت در تمام ادیان به عنوان یک دستور الاهی برای همه سفیران هدایت مطرح بوده است.

در ادامه بحث قرآنی و تأکید بر آن، ضرورت دارد به این مطلب اشاره شود که وصایت یک نظام مستقل و در عین حال پیوسته به رسالت است که وصی وظیفه دارد خط و مسیر افتتاح شده به وسیله ی رسول را ادامه دهد و از جهت مبنا و جایگاه ارزشی، مشروعیت وصایت همانند مشروعیت رسالت تنها از جانب خداوند بوده است که پیشینه نظام وصایت با پیشینه رسالت پیوند ناگسستنی دارد، یعنی هیچ نبی و رسولی از جانب خداوند نیامده مگر اینکه وصی او نیز به امر الاهی تعیین شده است.

در این زمینه روایات فراوانی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در منابع شیعه و سنی نقل شده است که تعیین وصی برای تمام پیامبران به عنوان یک قاعده و قانون ثابت و تغییر ناپذیر الاهی بوده است، هم چنان که حضرت فرمود:

«فانه لم یبعث نبیی الا و کان له وصیی من امته»؛((1))

همانا هیچ نبی برگزیده نشد مگر اینکه برای او وصیی از امتش بود.

هم چنین آن حضرت فرمود:

«لکل نبی وصیی و وارث و ان علی وصیی و وارثی»؛((2))

1-) فتح الباری، ج8، ص114؛ سید مرتضی، رسائل مرتضی، ج4، ص93.
2-) شیخ طوسی، اختیار المعرفته الرجال، ج1، ص384؛ المعجم الرجال، ج10، ص27؛ تاریخ مدینه الدمشق، ج42، ص392؛ مناقب خوارزمی، ص85.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برای هر نبی وصی و وارث می باشد وصی و وارث من علی است.

نیز از آن حضرت نقل شده است:

«ان الله جعل لکل نبی وصیا»؛((1))

خداوند برای هر نبی وصیی قرار داده است.

در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده است:

ان الله عزوجل اختار من کل امه نبیا و اختار لکل نبی وصیا؛((2))

خداوند از هر امت نبیی را اختیار کرد و برای هر نبی وصی تعیین نمود.

از امام صادق علیه السلام با استناد به جدش رسول خدا9 نقل شده است:

ما قبض الله نبیا حتی امره ان یوصی الی افضل عترته؛((3))

خداوند هیچ نبیی را قبض روح نکرد مگر اینکه به او دستور داد تا به سوی بهترین فرد از خاندانش وصیت کند.

از مجموعه روایاتی که تا اینجا به نگارش درآمد می توان به دست آورد که گزینش وصی در تمام ادیان آسمانی به عنوان یک قانون هدایت گرانه و برای پر کردن جای خالی بعد از

1-) بحار الانوار، ج38، ص2.
2-) مناقب خوارزمی، ص147.
3-) بشارت المصطفی، ص74.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

رسالت مطرح بوده است، که از روزگار نخستین پیامبر، حضرت آدم این قانون اجرا شده و تا زمان آخرین پیامبر یعنی حضرت رسول خاتم9، ادامه داشته است که ضرورت دارد به برخی روایات مصداقی در این زمینه اشاره شود:

بنا به روایات، حضرت آدم در هنگام وفات به امر خداوند فرزند بزرگ خود شیث را وصی قرار داد و میراث نبوت را به او سپرد و پس از آن شیث فرزندش انوش را وصی قرار داد. انوش فرزندش فینان و فینان مهلائیل را و او فرزندش یرد و ایشان فرزندش اخنوخ را و ایشان فرزندش متوشلخ را و درباره حضرت نوح روایت شده است که به دستور خداوند سام را وصی قرار داد و ابراهیم فرزندش اسماعیل را به وصایت برگزید و اسحاق فرزندش یعقوب را وصی قرار داد و موسی فرزند عمویش یوشع بن نون را به وصایت برگزید و حضرت عیسی شمعون را وصی برگزید و میراث نبوت را به وی تحویل داد.((1))

هم چنین در این باره روایات فراوان نقل شده است که در آخرین روزهای عمر رسول خدا9، جبرئیل امین از جانب خداوند بر آن حضرت وحی آورد که من روح هیچ نبیی را قبض نکردم مگر اینکه به او مأموریت دادم تا وصی خود را برای مردم معرفی کند و ودایع نبوت را به او بسپارد و تو هم ای آخرین فرستاده ام! مأمور هستی تا وصی خود را معرفی و میراث نبوت را به او

1-) جهت تفصیل مطالب رک تاریخ طبری، ج1، ص164؛ الکامل فی التاریخ، ج1، ص46؛ البدایه و النهایه، ج1، ص136؛ امالی طوسی، ج2، ص57، المسترشد فی الامامه امیرالمؤمنین، ابن جریر طبری شیعی، ص282.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واگذار کنی.((1))

بنابراین، اساس تعیین وصی از حضرت آدم آغاز شده و پس از آن به وسیله ی تمام پیامبران انجام پذیرفته است و اگر کسی ادعا کند که انجام دادن این سنت الاهی در دوره یکی از پیامبران الاهی مانند پیامبر خاتم9 متوقف شده است نیازمند دلیل است که برای تکمیل این بحث در گزینه جداگانه بررسی خواهد شد.

واژگان وصی و وصایت در لغت

ابن فارس لغوی دان مشهور عرب می نگارد:

وصی اصل یدل علی وصل الشیء بشیء... والوصیه من هذا القیاس کانه کلام یوصی ای یوصل؛((2))

وصی اصلی است که بیان کننده پیوند چیزی به چیز دیگر است. وصیت نیز از این قیاس است؛ گویا سخنی است که وصیت شده، به چیزی وصل می گردد.

1-) تفسیر صافی، ج2، ص53؛ غایه المرام، ج1، ص327.
2-) معجم مقاییس اللغه، ج6، ص116.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در «تاج العروس» می نگارد: وصیت یعنی سفارش و تعهد سپردن بر چیزی؛ و در ادامه آمده است:

والوصی لقب علی سمیی له لاتصال سببه و نسبه و سمته بنسب رسول الله و سببه و سمته؛((1))

وصی لقب علی بود و ایشان را وصی لقب دادند چون که سبب، نسب و سمت او به نسب، سبب و سمت پیامبر پیوند داشت.

راغب در «مفردات» می نگارد: «وصیت یعنی سفارش انجام دادان کاری را بر غیر که همراه موعظه و نصیحت باشد.»((2))

در برخی منابع آمده است که وصی، متصل شدن و متصل کردن (ایصاء و توصیه) به معنی سفارش و دستور است. به قولی وصیت را از این جهت وصیت می گویند که موصی کارش را به کارهای وصی متصل می کند و به قولی کارهای قبل از مرگ را به کارهای بعد از مرگ متصل می کند و در حقیقت وصی، ایصا، امر و عهد به یک معناست.((3))

بنابراین وصیت در نزد اهل لغت به معنای سفارش و تعهد به ادامه کار وصیت کننده به وسیله ی وصی، می باشد که از واژگان قرآنی وصیت نیز همین معنا به دست آمد، منتها اموری که بر آن وصیت می شود فرق دارد؛ گاهی مالی گاهی اخلاقی و اجتماعی و گاهی انجام کار مهم مانند

1-) تاج العروس، ج20، ص296 تا 297؛ لسان العرب، ج15، ص394.
2-) المفردات، ص874.
3-) قاموس قرآن، ج7، ص224.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سامان دادن اهداف بلند مدت مانند وصیت پیامبران بر ادامه کارشان به وسیله ی اوصیا و ترویج اندیشه و اعتقاد آنان.

مفهوم شناسی وصی و وصایت در اصطلاح

در اصطلاح شناسی وصی و وصایت این مطلب مهم است که دانشمندان اسلامی از این واژگان همان معنای قرآنی و لغوی را که غالبا به معنای سفارش به انجام کارها بعد از موصی به وسیله ی وصی می باشد، اراده کرده اند و از جهت کاربردی «وصیت» در دو معنای فقهی و کلامی مورد بحث واقع شده است که در معنای فقهی دانشمندان اسلامی بیشتر وصیت در اموال و شرایط آن را بررسی کرده اند که از بحث اینجا خارج است؛ اما وصیت به معنای کلامی آن که اصطلاح خاص اعتقادی و مربوط به این است که آیا رسول خدا9 بعد از خود کسی را وصی تعیین کرده یا نه، یکی از بحث های دامنه دار میان دانشمندان اسلامی است که بعداً در دوگزینه جداگانه بحث خواهد شد و در اینجا که بحث اصطلاح شناسی وصی و وصایت است بر این مطلب تأکید می شود که در معنای اصطلاحی وصیت، بیشتر علما و دانشمندان شیعه و سنی به معنایی چون سفارش به انجام کار بعد از مرگ و تعهد اشاره کرده اند.

فخر رازی در این رابطه می نگارد: «وصیت عبارت است تعهد و گاهی اراده می شود از آن کس که به عهده گیرد انجام دادن چیزی را بعد از مرگ دیگری که بر آن وال، ولی و وصی گفته

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می شود.»((1))

علامه طباطبایی می نگارد: «معنای وصیت این است که به دیگری پیشنهاد کنی که فلان کار را بکند و این پیشنهاد توام با موعظه و خیر خواهی باشد.»((2))

و در برخی منابع با مساوی دانستن عهد و وصیت تصریح شده است بر اینکه

الاستعمال العهد فی الوصیه و العکس فوق حد الاحصاء فی الآیات و الاخبار و غیر هما کقوله تعالی و عهدنا الی ادم و عهدنا الی الابراهیم و...؛((3))

به کار رفتن عهد در وصیت و عکس آن در قرآن و روایات غیر آن بالاتر از حد شمارش است؛ مانند خطاب خداوند به حضرت آدم و حضرت ابراهیم با واژگان

«عهد نا الی آدم و عهد نا الی ابراهیم.»

قرطبی در این زمینه می نگارد: وصیت یعنی درخواست و تعهد سپردن به انجام کاری و عرف، وصیت را اختصاص داده به تعهد و انجام آن کار بعد از مرگ وصیت کننده (موصی) به وسیله ی

1-) تفسیر فخر رازی، ج2، ص237.
2-) المیزان، ج18، ص306.
3-) تفسیر صافی، ج2، ص53.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وحی.((1))

در برخی منابع درباره معنای اصطلاحی وصیت می نگارند: وصیت را از آن جهت وصیت گویند که موصی کارهایش را به کار وصی متصل می کند، یعنی کارهای قبل از مرگ را به کارهای بعد از مرگ.((2))

سرانجام اینکه در اصطلاح شناسی وصیت میان دانشمندان شیعه و سنی تقریبا اتفاق است بر اینکه وصیت عبارت است از تعهد و سفارش بر کارهایی که انجام دادن آن بر وصی به وسیله ی وصایت لازم می شود.

وصی و وصایت در اندیشه اهل سنت

آن گونه که از عنوان پیداست در این گزینه بحث در مفهوم کلامی و اعتقادی وصیت - که مربوط به اوصیای پیامبران است، - می باشد که در این باره، بنا بر شواهد موجود در منابع اهل سنت آنان اصل مسئله تعیین وصی و وصایت را در پیامبران سابق به عنوان یک مسئله مسلم می پذیرند که طبق فرمان خداوند همه آنان اوصیای خود را برای مردم معرفی کرده بودند و روایات در این زمینه با استناد به منابع اهل سنت - که در آن روایات نام اوصیای پیامبران پیشین نیز با صراحت نقل شده بودند - نگارش یافت؛ اما نکته قابل توجه در اندیشه اهل سنت این است که آنان اجرای این سنت الاهی را (تعیین وصی) به وسیله ی پیامبر گرامی اسلام9 منکر شده و بر این نظرند که آن حضرت برای خود

1- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج2، ص259.
2-) قاموس القرآن، ج7، ص223.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وصی انتخاب نکردند که پیش از همه ضرورت دارد به شواهدی از تصریحات دانشمندان اهل سنت در این زمینه اشاره گردد.

با نگاهی به منابع اهل سنت پیداست که در برخی از آنان به گونه مطلق و بدون قید آمده است:

لم یوصی رسول الله؛((1))

رسول خدا9 وصیت نکرده بود.

و در برخی منابع قیدی به آن اضافه کرده؛ می نگارد:

لم یوصی بالخلافه لعلی((2))

شوکانی در نقل انکار وصیت رسول خدا9 می نگارد: اگر گفته شود که وصیت امر واجب است، پس چرا رسول خدا9 آن را ترک کرد؟ می گوییم مراد از اینکه رسول خدا9 وصیت نکرد تنها نفی وصیت در امر خلافت است و الا آن حضرت در امور دیگری وصیت انجام داده بود.((3))

و از ابن ابی اوفی نقل شده است که پیامبر9 وصیت نکرد مگر طبق عمل به کتاب الله.((4))

برخی در توجیه وصیت نکردن پیامبر9 می گوید: قرآن امر به وصیت کرده است، پس چگونه پیامبر وصیت را ترک کرد؟ جواب این است که شاید این

1-) ابی داوود، طیالسی، مسند ابی داوود، ص198؛ سنن ترمذی، ج3، ص392؛
2-) البدایه و النهایه، ج7، ص251.
3-) نیل الاوطار، ج6، ص144.
4-) سنن کبری، بیهقی، ج6، ص266.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وصیت نکردن در اموال بوده؛ زیرا آن حضرت مالی از خود باقی نگذاشته بود.((1))

عبدالرزاق می نگارد:

توفی رسول الله فما اوصی و اوصی ابوبکر فان اوصی حسن و ان لم یوصی فلا باس؛((2))

رسول خدا9 از دنیا رفت و وصیت نکرد و ابوبکر وصیت کرد پس اگر وصیت انجام شود نیکوست و اگر نشود باک ندارد.

از تحلیل این گفتار پیداست که کار ابوبکر نیکو بوده و کار رسول خدا9 غیر نیکو ولی جایز بوده است!

سرخسی می نگارد: مردم سؤال می کنند که آیا رسول خدا9 هنگام رحلت خود وصیت انجام داد یا نه؟

1-) تحفه الاحوذی، ج6، ص257.
2-) مصنف، عبدالرزاق، ج9، ص57.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

والصحیح عندنا انه لم یوصی الی احد بشیئ؛((1))

صحیح نزد ما (اهل سنت) این است که آن حضرت برای هیچ کس و نسبت به هیچ چیزی وصیت نکرد.

دلیل انکار وصیت پیامبر9 نزد اهل سنت

اشاره

در گفتار آن دسته از دانشمندان اهل سنت که وصیت رسول خدا9 را انکار کرده اند این نکته روشن است که می خواهند با این ادعا، داستان تعیین وصایت امام علی علیه السلام را که در روایات فراوان مطرح شده است از بین ببرند. بر این اساس است که آنان در ادله ای که برای انکار وصیت رسول خدا9 نقل کرده اند بیشترین تکیه گاه راهبردی را بر محور رضایت علی علیه السلام ، روایت عایشه و گفتار عمر دارند که جهت رعایت انصاف به این ادله به طور جداگانه اشاره می شود:

1 - رضایت علی به خلافت دیگران

اشاره

با توجه به اینکه اندیشه انکار وصیت به وسیله ی دانشمندان اهل سنت در برابر ادعای شیعه مبنی بر ادعای وصایت علی علیه السلام قرار گرفته است، یکی از ادله ای که اهل سنت بر انکار وصیت پیامبر9 ذکر کرده اند این است که خود علی علیه السلام پس از استقرار یافتن خلافت ابوبکر هیچ گاه اعتراض نکرد و حال آنکه اگر پیامبر9 خلافت را برای ایشان وصیت کرده بود، ایشان باید ادعا می کرد.

شوکانی در این زمینه می نگارد:

1-) المبسوط سرخسی، ج27، ص145.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کانت الشیعه قد وضعوا احادیث فی ان النبی اوصی بالخلافه لعلی فرد ذالک جماعه من الصحابه و من بعدهم و... من ذالک ان علیا لم یدع ذالک لنفسه و لا بعدان ولی الخلافه و لا ذکره لاحدمن الصحابه یوم السقیفه؛ ((1))

شیعیان احادیثی را ساخته اند در اینکه رسول خدا9 خلافت را برای علی وصیت کرده بود و این ادعا را جماعتی از اصحاب و تابعین رد کرده و دلیل دیگر بر نادرستی این ادعا اینکه هیچ گاه خود علی در موقعیت هایی مانند بعد از رسیدن به خلافت و نه پیش از آن در روز سقیفه ادعا نکرد که پیامبر خلافت را برای من وصیت کرده بود.

هم چنین ابن حجر می گوید: «حدیث وصی بودن علی علیه السلام در نزد ما صحیح نیست و دلیل ما بر این ادعا این است که خود علی علیه السلام هیچ گاه ادعا نکرد که رسول خدا9 او را وصی قرار داده بود و کسانی که ادعای وصیت علی علیه السلام را دارند در حقیقت علی علیه السلام را کوچک می کنند، زیرا اگر او واقعا وصی بود چگونه با آن شجاعت و سخت گیری که در راه دین داشت از حق خود چشم می پوشید.((2)) بیهقی نیز تصریح نموده است که خود علی علیه السلام هیچ گونه روایت

1-) نیل الاوطار، ج6، ص144.
2-) فتح الباری، ج5، ص269.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از رسول خدا9 درباره وصی بودن خود که دلالت بر خلافت او کند، نقل نکرده است.((1))

در برخی منابع اهل سنت آمده است: اینکه شیعه ادعا می کند که پیامبر9 در امر خلافت علی علیه السلام را وصی خود قرار داد، با سیره علی علیه السلام در برابر خلفا نمی سازد؛ زیرا بعد از دست یابی ابوبکر به خلافت، علی علیه السلام با او بیعت کرد و هیچ گاه ادعا نکرد که رسول خدا9 خلافت را به من وصیت کرده بود.((2))

بنابراین، رضایت دادن علی علیه السلام به خلافت دیگران یکی از راهبردهای دفاعی دانشمندان اهل سنت برای مشروع جلوه دادن خلفای مورد نظرشان در برابر خلافت علی علیه السلام می باشد.

رهیافتی بر بی پایگی این ادعا

با نگاهی تحلیلی بر ادعای پیشین اهل سنت مبنی بر این که علی علیه السلام وصایت را برای خودش ادعا نکرد و تطبیق این ادعا با واقعیت های مسلم تاریخی از سیره رفتاری امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز بخش هایی از گفتار آن حضرت، که در منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت ثبت شده است، می توان بر بی اساس بودن این ادعا دست یافت؛ زیرا مورخان و محدثان اهل سنت موارد فراوان از کردار مخالفت جویانه امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر حاکمان عصرش و نیز محدثان، سخنان دردمندانه و معترضانه فراوانی را از آن حضرت، درباره وصیت پیامبر9

1-) سنن الکبری، ج8، ص34.
2-) المطلی شافعی، التنبیه و الرد علی اهلا لاهواء و البدع، ص164؛ احمد بن سالم حنبلی، لوامع الانوار الهیه، ج2، ص50.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نسبت به خلافت ایشان نقل کرده اند که اگر با دید منصفانه به آن نگریسته شود هر یک رهیافت نیکو و اطمینان آوری است بر اینکه علی علیه السلام هیچ گاه از حق غصب شده خود چشم پوشی نکرده بود، بلکه طبق مصلحت آن روزگار راه کارهایی را برای بیان حق خود و اتمام حجت برای دیگران انتخاب کرده بود که نسبت به اصل اسلام ضربه ای وارد نگردد. بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت نگاشته اند که در همان روز نخست خلافت ابوبکر، علی علیه السلام و یاران و خاندانش در یک اقدام مخالفت جویانه، در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام که زهرا3، تنها یادگار پیامبر نیز در آن خانه بود، جمع شدند و در حالی که دیگران با ابوبکر از روی اجبار بیعت می کردند، علی علیه السلام و یارنش از بیعت با خلیفه سر باز زدند.((1))

احمد بن حنبل در این باره می نگارد: «پس از دست یابی ابوبکر به خلافت، علی علیه السلام و زبیر و عده ای که همراه آنان بودند برای اعتراض به خلافت ابوبکر، در خانه فاطمه سلام الله علیهاجمع شدند.»((2)) و پس از آن هم دستگاه حکومت بارها بر علی علیه السلام فشار آورد که با خلیفه بیعت کند اما او تا همسرش زهرا3 زنده بود بیعت نکرد.((3)) و هم چنین از اقدام دیگر آن حضرت در برابر خلیفه وقت می توان به حضور شبانه آن حضرت در خانه انصار، در حالی که زهرا3

1-) تاریخ طبری، ج2، ص232؛ تاریخ یعقوبی، ج2، ص124؛ الامامه و السیاسه، ص28.
2-) مسند احمد، ج1، ص55.
3-) صحیح مسلم، ج2، ص186؛ اسد الغابه، ج3، ص223؛ بخاری مدت بیعت نکردن علی را شش ماه نقل کرده است.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نیز در کنارش بود، نام برد.((1))

در رفتارشناسی امیرالمؤمنین علیه السلام با خلفا پیداست که ایشان مسیری را انتخاب کرده بود که سعی می کرد این ابراز مخالفت ها به ستیزه های نظامی و جنگی کشیده نشود.

در کنار این ابراز مخالفت های عملی، آن حضرت هیچ گاه دست از فعالیت های گفتاری نیز برنداشتند بلکه هر جا موقعیت ایجاب می کرد از وصی بودن خود سخن به میان آوردند و سعی می کرد نامشروع بودن حاکمیت دیگران را روشن کنند که در این زمینه می توان به احادیث فراوان از آن حضرت دست یافت که از جمله آنان حدیث یوم الدار است که علی علیه السلام این جریان را از رسول خدا9 نقل کرده است که آن حضرت فرمود: هذا اخی و وصیی؛((2)) این (علی علیه السلام) برادر و وصی من است و نیز آن حضرت بعد از دست یابی به خلافت فرمود:

«لا یقاس بال محمد من هذه الامه احد... و هم اساس الدین و عماد الیقین الیهم یفئی الغالی و بهم یلحق التالی و لهم خصایص حق الولایه و فیهم الوصیه و الوراثه الآن اذ رجع الحق الی اهله و نقل الی منتقله»؛((3))

کسی را با خاندان رسالت نمی شود مقایسه کرد. آنان (عترت پیامبر) اساس دین و ستون های استوار یقین

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج16، ص215.
2-) مسند احمد، ج1، ص216؛ معالم التنزیل، ج4، ص149؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج6، ص221؛ التهذیب التهذیب، ج3، ص91.
3-) نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه2، ص44.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می باشند شتاب کننده باید به آنان بازگردد و عقب مانده باید به آنان بپیوندد زیرا ویژگی های حق ولایت به آنان اختصاص دارد. وصیت پیامبر9 نسبت به خلافت و میراث رسالت به آنان تعلق دارد. هم اکنون حق به اهل آن بازگشت و دوباره به جایگاهی که از آن دورمانده بود بازگردانده شد.

هم چنین در خطبه دیگر فرمود:

«و خلف فیکم ما خلفت الانبیا فی اممها اذلم یترکوهم هملا بغیر طریق واضح و لا علم قائم»؛((1))

رسول گرامی اسلام در میان شما مردم جانشینانی برگزید که تمام پیامبران گذشته برای امت های خود برگزیدند زیرا آنان هرگز انسان ها را سرگردان رها نکردند و بدون معرفی راهی روشن و نشانه های استوار از میان مردم نرفتند.

هم چنین به نقل خوارزمی آن حضرت فرمود:

«معاشر الناس انا اخو رسول الله و وصیه و وارث علمه خصنی و حبانی بوصیته و اختارنی من بینهم»؛((2))

ای مردم من برادر رسول خدا9 و وصی

1-) همان، خطبه 1، ص38.
2-) مناقب خوارزمی، ص222.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

او و وارث دانش او هستم پیامبر مرا از میان اصحابش برگزید و به جانشینی خود اختصاص داد.

بنابراین ادعای این مطلب که علی علیه السلام ادعایی بر خلافت و وصیت از جانب رسول خدا9 برای خودش نداشت، ادعایی بی اساس و به دور از واقعیت های تاریخی است که در بسیاری از منابع اهل سنت آمده است و هم چنین آن حضرت در روز تشکیل شورای سفارشی عمر، رو به اصحاب شورا کرد و با آنان چنین احتجاج کرد:

انا شدکم الله هل تعلمون ان لرسول الله وصیا غیری؛((1))

شما را به خدا سوگند می دهم آیا غیر از من وصی برای رسول خدا9 سراغ دارید؟

2 - روایت عایشه

در منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت، با استناد به شخصی به نام اسود بن یزید نقل شده است:

ذکروا عند عایشه ان علیا کان وصیا فقالت متی اوصی الیه فقد کنت مستندته الی صدری فما شعرت انّه قدمات فمتی اوصی الیه؛

عده ای نزد عایشه گفتند: علی وصی بود و عایشه در جواب آنان گفت: در کدام زمان وصیت کرد برای او در حالی که او (پیامبر) بر سینه من تکیه داده بود و من نفهمیدم که آن

1-) مناقب شهر اشوب، ج3، ص58.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حضرت وفات نموده پس کی برای علی وصیت کرد؟

این روایت در بسیاری از منابع اهل سنت با تفاوت هایی در متن روایت نقل شده است((1)) و این روایت از عمده ترین دلایلی است که علمای اهل سنت برای انکار وصی بودن علی7 بعد از رسول خدا9 به آن تمسک کرده اند.

شوکانی در این زمینه می نگارد: «شیعه ادعا دارد که رسول خدا9 علی علیه السلام را وصی خود قرار داده بود و این ادعا را - روایتی که عایشه گفت رسول خدا9 چنین وصیت نکرده بود -، رد می کند.»((2))

هم چنین ابن حجر می گوید: «این ادعای شیعه که رسول خدا9 برای علی علیه السلام وصیت کرده بوده دفع می شود با حدیث عایشه که وصیت را انکار کرده است.»((3))

3 - آخرین گفتار عمر

یکی دیگر از ادله اهل سنت برای انکار وصیت رسول خدا9 و وصی قرار دادن علی علیه السلام ، بهره جستن از سخن عمر است که در آخرین لحظات عمرش به آن استدلال کرد. همان گونه که در منابع اهل سنت نقل شده است، در آخرین روزهای عمر خلیفه،

1-) صحیح بخاری، ج3، ص93، باب وصایا؛ الجمع بین الصحیحین مسلم و بخاری، ج4، ص123؛ مسند احمد، ج6، ص32؛ صحیح مسلم، ج5، ص75؛ سنن ابی ماجه، ج5، ص194؛ مصنف ابی ابی شیبه، ج6، ص228.
2-) نیل الاوطار، ج6، ص144.
3-) فتح الباری، ج8، ص114.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اطرافیان او درک کرده بودند که او به زودی از دنیا خواهد رفت و از هر طرف رایزنی ها و پیشنهادها درباره تعیین خلیفه بعدی به وسیله ی ایشان آغاز شده بود و او در جواب کسی که گفت اگر از دنیا بروی در حالی که جانشین خود را تعیین نکردی و امت را مانند گله بدون سرپرست رها کنی خدا را چه جواب می گویی؟ او گفت:

ان استخلف فقد استخلف من هو خیر منی ابوبکر و ان اترک فقد ترک من هو خیر منی رسولالله؛((1))

اگر خلیفه را برگزینم همانا ابوبکر که بهتر از من بود برگزید و اگر ترک کنم همانا رسول خدا9 که بهتر از من بود ترک کرد.

بسیاری از دانشمندان اهل سنت این گفتار عمر را دلیلی گرفته اند بر اینکه رسول خدا9 برای زمان بعد از خود وصی تعیین نکرده بود.

نووی می گوید: «هرگاه برای خلیفه نشانه های مرگ پیدا شد برای او جایز است که نسبت به خلیفه بعد از خود وصیت کند و نیز جایز است که وصیت نکند که در اول به ابوبکر اقتدا کرده و در دوم به رسول خدا9.»((2))

در برخی منابع با استناد به فرزند عمر این چنین نقل شده است: «هنگامی که پدرم نام

1-) صحیح بخاری، ج8، ص126؛ صحیح ابن حبان، ج10، ص331؛ تاریخ مدینه دمشق، ج44، ص425، سیر اعلام النبلا، ج9، ص267؛ تاریخ طبری، ج3، ص292.
2-) شرح صحیح مسلم، ج12، ص205.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

رسول خدا9 را به میان آورد دانستم که او مانند آن حضرت نسبت به خلیفه بعد از خود وصیت نمی کند.»((1))

و هم چنین صالحی شامی با استناد به سخن عمر تصریح کرده است بر اینکه قول عمر یدل علی انه لم یوصی؛((2)) سخن عمر دلالت می کند بر اینکه که رسول خدا9 وصیت نکرده بود.

ابن خلدون می گوید: اینکه شیعه ادعا می کند که رسول خدا9 علی را وصی خود قرار داده بود، صحیح نیست؛ زیرا عمر بعد از مجروح شدن خود گفت:

ان اعهد لقد عهد من هو خیر منی یعنی ابابکر و ان اترک فقد ترک من هو خیر منی یعنی النبی لم اعهد؛((3))

اگر وصیت کنم همانا کسی وصیت کرده بود که او از من بهتر بود و اگر ترک کنم همانا کسی ترک نموده بود که او از من بهتر بود یعنی رسول خدا9.

1-) مسند ابی یعلی، ج1، ص182؛ کنز العمال، ج5، ص727؛ تاریخ دمشق، ج44، ص433.
2-) سبل الهدی، ج12، ص309.
3-) مقدمه ابن خلدون، ص226.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بررسی ناسازگاری ها

اشاره

با نگاهی تطبیقانه به روایات موجود در منابع اهل سنت درباره وصیت رسول خدا9 به ناسازگاری ها و تضادهایی برمی خوریم که هر کس با دید منصفانه و به دور از اظهارات مغرضانه به آنان نظر افکند، متوجه خواهد شد که در انکار داستان تعیین وصی به وسیله ی رسول خدا9 برخی عوامل و انگیزه های سیاسی و مذهبی دخالت داشته است؛ زیرا بعضی دانشمندان اهل سنت به خوبی متوجه این مطلب شده بودند که در صورت اثبات وصیت کردن رسول خدا9 برای وصایت فرد خاصی مانند امیرالمؤمنین علیه السلام ، تمام زیربنا های خلافت خلفای مورد نظر آنان که بر اساس گزینش مردم استوار است با نداشتن مشروعیت دینی روبه رو شده و اذهان پرسش گر مردم را با وجود نص بر وصایت از جانب رسول خدا9 و کنار گذاشتن آنان تنها با گزینش مردمی نمی توان قانع کرد. بر این اساس زیرکانه وارد شده و از اساس داستان وصیت پیامبر را منکر شدند که مناسب است دو دلیل که در گزینه پیشین نگارش یافت، ارزیابی شوند.

الف - روایات تعارض گونه عایشه

پیش از این نگارش یافت که عمده دلیل دانشمندان اهل سنت مبنی بر انکار وصیت رسول خدا9 نسبت به وصی قرار دادن علی بن ابی طالب علیه السلام ، روایت عایشه بود که در آن از قول او آمده بود که متی اوصی الیه که با این جمله وصیت پیامبر9 نسبت به وصی قرار دادن علی علیه السلام به شدت انکار شده و مورد استفاده دانشمندان

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اهل سنت قرار گرفته بود تا مبانی گزینش مردمی را برای انتخاب خلیفه بر آن استوار سازد و این در حالیست که در برابر این نقل برخی روایات دیگر از عایشه نقل شده است که در آن وصیت مالی رسول خدا9 مورد انکار قرار گرفته است و سخن از وصیت درباره خلافت به میان نیامده است.

در این باره از عاصم بن زر نقل شده است که از عایشه سؤال شد آیا رسول خدا9 وصیت کرده بود؟ او در جواب گفت:

ما ترک رسول الله دینارا و لا درهما و لاشاه و لا بعیراً و لا اوصی بشیئ؛ ((1))

رسول خدا9 درهم، دینار، گوسفند و شتر باقی نگذاشته و بر هیچ چیزی وصیت نکرد.

مانند این روایت در منابع اهل سنت از ابن ابی الاوفی نیز نقل شده است که رسول خدا9 از دنیا رفت و وصیت نکرد. راوی با شنیدن این جمله تعجب می کند که چگونه آن حضرت وصیت را ترک نمود؟ او در جواب می گوید: «رسول خدا9 بر کتاب الله وصیت کرد.»((2))

بر اساس همین روایت عایشه است که در میان فقهای اهل سنت، بحث جدی به وجود آمده است که آیا وصیت واجب است یا نه؟ بسیاری استنباط کرده اند که وصیت واجب نیست. ابن حبان با صراحت می نگارد:

1- صحیح ابن حبان، ج14، ص572؛ صحیح مسلم، ج2، ص15، طبع حلبی.
2-) المجموع، نوویی، ج15، ص399؛ سنن الکبری، بیهقی، ج6، ص266.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و الدلیل علی انها غیر واجبه ما روی عن عایشه و ابن ابو اوفی؛((1))

قرطبی در این باره می نگارد: مالک، شافعی و توری با توجه به روایت عایشه می گویند وصیت واجب نیست.((2))

اما بسیاری از دانشمندان این روایت را منکر شده و نقل کرده اند که پیامبر9 وصیت در اموال داشته است. سرانجام اینکه روایت انکار وصیت رسول خدا9 از عایشه در یک حالت ابهام و تعارض قرار دارد که موردش معین نیست که درباره اموال بوده یا درباره تعیین وصی.((3))

علاوه بر این، در متن روایت انکار وصیت درباره علی علیه السلام از زبان عایشه، آمده بود که رسول خدا9 در حالی از دنیا رفت که سرش در دامن من بود (و بنا به برخی نقل ها سرش در سینه من بود.)((4)) در حالی که درمنابع صحیح اهل سنت نقل شده است که پیامبر9 در حالی از دنیا رفت که سرش در دامن علی علیه السلام بود.

در سنن نسائی با استناد به ام سلمه نقل شده است که ام سلمه سوگند یاد کرده است که هنگام وفات رسول خدا9 نزدیک ترین فرد به آن حضرت

1- صحیح ابن حبان، ج14، ص535.
2-) الجامع لاحکام القرآن، ج2، ص259.
3-) دلائل النبوه، بیهقی، ج8، ص343؛ نیل الاوطار، ج6، ص144.
4-) صحیح بخاری، ج3، ص93؛ صحیح مسلم، ج5، ص75؛ مسند احمد، ج6، ص32؛ سنن ابی ماجه، ج5، ص194.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

علی علیه السلام بود و پیامبر9 در آخرین لحظات عمر خود سه مرتبه علی علیه السلام را صدا زد. وقتی علی علیه السلام کنار آن حضرت آمد ما (همسران حضرت) فهمیدیم که پیامبر9 به علی علیه السلام حاجت دارد؛ لذا بیرون رفتیم و تنها علی علیه السلام نزد حضرت باقی ماند و او آخرین کسی بود که از رسول خدا9 جدا شد.((1))

علامه سبط ابن جوزی درباره برداشتن تعارض میان روایت عایشه و ام سلمه می نگارد: اینکه عایشه گفت مردم گمان می کنند رسول خدا9 علی علیه السلام را وصی قرار داده بود اشاره می کند به روایت ام سلمه در این زمینه و حال آنکه ام سلمه نیز مانند عایشه یکی از همسران رسول خدا9 بود؛

ثم قول ام سلمه مثبت و قول عایشه نافیی و متی اجمع المثبت و النافی قدم المثبت باجماع الامه؛((2))

گفتار ام سلمه اثبات کننده وصیت و گفتار عایشه نفی کننده وصیت است و به اجماع امت در صورت تعارض مثبت و منفی مثبت مقدم است.

و نیز از ابن عطفان نقل شده است که ابن عباس گفت

توفی رسولالله و الی صدر علی.

بعد راوی گوید عروه (فرزند خواهر عایشه) نقل کرده است که عایشه گفت: پیامبر9 سرش در دامن من بود که از دنیا رفت. ابن عباس دوباره

1-) سنن کبری، نسائی، ج4، ص260.
2-) تذکره الخواص، ص72.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تأکید کرد که آن حضرت سرش در سینه علی علیه السلام بود که از دنیا رفت.((1))

ابن حجر در «فتح الباری» ضمن نقل حدیث نگارش یافته از ابن عباس به حدیث ام سلمه نیز اشاره و توجیه کرده است که شاید مراد ام سلمه این بوده که از مردان، علی علیه السلام آخرین فردی بود که با رسول خدا9 وداع کرده است که در این صورت با حدیث عایشه منافات ندارد.((2))

سرانجام اینکه با این تعارض در نقل و متن روایت عایشه در منابع اهل سنت چگونه می توان پذیرفت که رسول خدا9 بدون وصیت از دنیا رفته و نه درباره اموال بعد از خود هیچ گونه سفارشی داشته است و نه درباره وصی؟! درحالی که قرآن سفارش کرده است:

«کُتِبَ عَلَیْکُمْ اذَا حَضَرَ احَدَکُمُ الْمَوْتُ ان تَرَکَ خَیْرًا الْوَصِیَّهُ»((3))

و نیز با آن همه سفارش خود آن حضرت در انجام وصیت.((4))

1-) فتح الباری، ج8، ص107، کنز العمال، ج7، ص253؛ طبقات الکبری، ج2، ص263.
2-) فتح الباری، ج8، ص107.
3-) بقره، 180.
4-) صحیح بخاری، ج3، ص186؛ موطا مالک، ج2، ص229.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ب - روایات معارض دیگر

علاوه بر جواب پیشین که به ناسازگاری در ادعای عایشه اختصاص داشت، اشکال دیگر بر هر دو دلیل یعنی ادعای عایشه و گفتار عمر، مبنی بر وصیت نکردن پیامبر بر وصایت علی علیه السلام ، این است که این هر دو دلیل مستند به گفتار رسول خدا9 نمی باشد، بلکه درایت و برداشتی است که عایشه و عمر به عنوان یک واقعه مهم آن را نقل کرده اند و مطلب مهم که در این بین وجود دارد این است که این دو گفتار معارض است با انبوهی از روایات که در منابع شیعه و سنی درباره تعیین وصی به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که در اینجا با استناد به منابع اهل سنت به برخی از آن روایات اشاره می شود.

از مشهور ترین روایات وصیت، روایت یوم الدار است که رسول خدا9 در ابتدای رسالت خود وصایت علی علیه السلام را نیز مطرح کرده است. بنابر آنچه در منابع نقل شده است هنگامی که آیه

«وَانْذِرْ عَشِیرَتَکَ الاقْرَبِینَ»؛((1))

«خویشان نزدیک خود را انذار کن، »

به رسول خدا9 نازل شد، آن حضرت به علی بن ابیطالب علیه السلام دستور می دهد که خویشاوندان نزدیک را دعوت کند و علی علیه السلام با آماده کردن غذا آنان را که چهل نفر بودند دعوت می کند و پس از صرف غذا و نوشیدن شیر، همین که پیامبر می خواهد با

1-) شعرا، 214

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آنان سخن بگوید ابولهب لب به اهانت گشوده، آن حضرت را ساحر می خواند و مجلس به هم می خورد. فردای آن روز دوباره علی علیه السلام به امر پیامبر9 غذا را آماده و آنان را دعوت می کند. این بار پس از صرف غذا رسول خدا9 دعوت خود را چنین آغاز می کند: ای فرزندان عبدالمطلب! به خدا قسم در میان عرب جوانی را نمی شناسم که چیزی برای قومش آورده باشد بهتر از آنچه من برای شما آورده ام.

«و قد امرنی الله ان ادعو کم الیه فایکم یوازرنی علی هذا لامر علی ان یکون اخی و وصیی و خلیفتی فیکم قال فاحجم القوم عنها جمیعا و قلت انا یا نبی الله اکون وزیرک علیه فاخذ برقبتی و قال هذا اخی و وصیی و خلیفتی فیکم اسمعوا له و اطیعوا»؛((1))

«خدای تعالی به من امر کرده شما را به آنچه آورده ام دعوت کنم. کدامیک از شما مرا دراین کار پشتیبانی میکند تا او برادر، وصی و خلیفه من در میان شما باشد؟ آنان همگی از جواب دادن خودداری ورزیدند. من (علی) که از همه کوچک تر بودن گفتم: ای پیامبر خدا من در این کار یاور شما هستم. رسول خدا9 پشت گردن من

1-) مسند احمد، ج1، ص236؛ ابن عساکر، ترجمه علی بن ابی طالب، ج1، ص86؛ معالم التنزیل، ج4، ص278؛ تاریخ طبری، ج2، ص319؛ الکامل فی التاریخ، ج1، ص487؛ البدایه و النهایه، ج1، ص116.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را گرفت و فرمود: این برادر من و وصی و خلیفه من در میان شماست سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.»

هم چنین این حدیث با اندک تفاوتهایی در متن در منابع فراوان دیگر اهل سنت آمده است.((1))

هم چنین این حدیث در منابع حدیثی شیعه به حد تواتر نقل شده است که ما به دلیل شهرت آن از نقل دیگر سند های این حدیث خودداری می کنیم و تأکید می شود که دلالت این حدیث بر وصایت علی علیه السلام و نیز اهمیت وصایت آن حضرت که همزمان با طرح رسالت پایه ریزی شده است، روشن بوده و علاوه بر آن، روایات فراوان دیگری نیز از رسول خدا9 در منابع شیعه و سنی در موقعیت های مختلف درباره وصایت علی نقل شده است که نشان دهنده این مطلب است که مسئله وصایت و تبلیغ یکی از برنامه های رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده است؛ چنانچه در بسیاری از منابع حدیثی اهل سنت نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«فان وصیی و موضع سری و خیر من اترک بعدی و یقضی دینی علی بن ابی طالب علیه السلام »؛((2))

«همانا وصی و نگهدارنده اسرار من و بهترین کس بعد از من و ادا کننده دیونم علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

1-) سنن الکبری، نسائی، ج5، ص125؛ تاریخ مدینه دمشق، ج42، ص48؛ سیره حلبی، ج1، ص286، کنز العمال، ج13، ص149.
2-) طبرانی، معجم الکبیر، ج6، ص221؛ جامع الاحادیث سیوطی، ج9، ص404؛ مسند ابی یعلی، ج4، ص345؛ التهذیب التهذیب، ج3، ص91.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هم چنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

«ان علیا وصیی و وارثی»؛((1))

«همانا علی وصی و وارث من است.»

در مسند ابی یعلی به نقل از ابن عباس آمده است: پس از شهادت حضرت حمزه، دختری کوچک از او باقی مانده بود. بنا شد کسی سرپرستی او را به عهده گیرد که در این باره جعفر بن ابی طالب، امیرالمؤمنین علیه السلام و زید بن حارثه داوطلب شدند و پس از ابراز نظر میان آنها، رسول خدا9 مطالبی درباره شخصیت جعفر و زید گفت و اما درباره علی فرمود:

«یا علی فانا منک و انت وصیی»؛((2))

«ای علی من از تو هستم و تو وصی من می باشی.»

ما در اینجا به نگارش این مقدار روایات، که با استناد به منابع اهل سنت به نگارش درآمد، اکتفا می کنیم((3)) و بر این نکته اصلی تأکید می شود که بعضی دانشمندان اهل سنت بر صحیح بودن حدیث یوم الدار تصریح کرده اند((4)) و بر این اساس است که بعضی دانشمندان اهل سنت با استناد به همین روایات و شواهد تاریخی تصریح نموده اند که در صدر اسلام مسئله وصایت امام

1-) کنز العمال، ج11، ص610؛ تاریخ دمشق، ج42، ص392؛ مناقب خوارزمی، ص85؛ فتح الباری، ج8، ص114.
2-) مسند ابی یعلی، ج6، ص13.
3-) بحث تکمیلی روایات وصی و وصایت در پایان همین فصل خواهد امد.
4-) رک طبری، تهذیب الاثار، ص61؛ مجمع الزوائد، ج8، ص532.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

علی علیه السلام میان مسلمانان مشهور و زبانزد همه بوده است.

محمد عرفه دسوقی در این باره می نگارد: داستان وصایت امام علی علیه السلام آن گونه در صدر اسلام مشهور بود که پس از روی کار آمدن خلافت ابوبکر، بعضی از دادن زکات جلوگیری کردند.

لزعمهم انه علیه السلام اوصی بالخلافه لعلی؛((1))

زیرا آنان (مانعین زکات) گمان داشتند که پیامبر خلافت را برای علی وصیت کرده است.

و نیز ابن ابی الحدید معتزلی پس از گفتار درباره شعرای عرب در صدر اسلام می گوید: از اشعار شعرا به دست می آید که علی علیه السلام در صدر اسلام معروف به وصی بوده است.((2))

نگاهی بر آنچه گذشت

با توجه به اهمیت وصیت در قرآن و نیز تأکید بر این مطلب که دانشمندان اهل سنت، وصیت پیامبران پیشین را به عنوان یک اصل مسلم و سنت الاهی پذیرفته اند حال این سؤال مطرح می شود که چگونه طبق نظر آنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به وصی بعد از خود بی توجه بوده و اصل تعیین وصی را که همه پیامبران قبل از ایشان، به عنوان یک دستور الاهی رعایت کرده بودند، رعایت نکرده و بدون اینکه وصی معرفی کند از دنیا رفت و این در حالیست که علی القاعده آن حضرت باید

1-) حاشیه الدسوق، ج4، ص299.
2-) شرح نهج البلاغه، ج1، ص142.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تعیین وصی می کرد چون نبوت آن حضرت پایان بعثت و رسالت بود و طبیعتا دینی را آورده بود که دینی جاویدان و همیشگی بود. اساساً این مطلب نشان دهنده این امر است که این دین نیاز به نگهبان و تفسیرگری واقعی داشت تا در طول تاریخ از دستبرد بدخواهان و کج اندیشان محافظت گردد.((1))

اما دلیل اینکه دانشمندان اهل سنت با استناد به آن سه دلیل، - که بی پایه بودن آنان معلوم شد، - وصیت پیامبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله را انکار کردند و اصرار دارند که رسول خدا9 وصی تعیین نکرد، هیچ گونه توجیه هماهنگ با مبانی دینی و عقلایی و ضرورت های اجتماعی ندارد، مگر همان توجیه رایج که درباره امامت و خلافت نگارش یافت مبنی بر اینکه انکار وصیت روی مبانی پسین و بر اساس ضرورت های تاریخی برای موجه جلوه دادن خلفایی ارائه شده است که از جهت اجرای حاکمیت آنان بعد از رحلت رسول خدا9 واقع شده بود. اما از جهت مبانی غیر از تکیه بر مشروعیت بخشی مردمی، خاستگاه دیگری از شرع - مانند وصیت از جانب پیامبر - نداشتند و پیروان آنان در عمل آسان ترین راه را بر این دیدند که اصل وصایت رسول خاتم را انکار کنند.

حال آنکه زحیلی یکی از دانشمندان اهل سنت می پذیرد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوندمأمور بود تا برای محافظت از قرآن و شریعت وصی

1-) الذخیره فی علم الکلام، ص424.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تعیین کند((1)) و اما در اینکه رسول خدا9 این مأموریت را با تعیین وصی انجام داد یا نه و مصداق آن وصی چه کسی بود، چون با مبانی مذهبی ایشان سازش ندارد اشاره نکرده است.

حال با تحلیل راهبردی و مقایسه ای بر آنچه گذشت، می توان به دوگانگی مهم دیگری در اندیشه اهل سنت اشاره کرد و آن اینکه در مبانی فقهی اهل سنت، وصیت در اموال و تعیین وصی در این زمینه برای جلوگیری از نزاع بازماندگان میت واجب دانسته شده است، ((2)) اما نسبت به امورات دینی که مصلحت دنیا و آخرت مردم در پناه وحدت در آموزه های دینی و قرآنی است، منکر تعیین وصی شده است و این در حالی است که از جهت تاثیرگذاری، وصیت در امور دین به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، از مهم ترین و کارآمد ترین وصیت ها بود؛ زیرا آن حضرت آورنده و معلم دین بود و می دانست که مردم در امور دینی به خودکفایی، که از اختلاف و دوگانگی به دور مانند، نرسیده اند((3))؛ لذا باید برای امور دینی مردم کسی را وصی تعیین می کرد و اساساً جای شگفتی است که چگونه منکران وصیت می توانند بپذیرند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از اختلافات دینی و کج اندیشی هایی که ممکن بود در میان امت اسلامی به وجود آید راه حلی نیندیشیده و بدون تعیین وصی از دنیا رفت و حال آنکه جهالت مردم در امور دینی و دخالت دادن رأی و سلیقه های شخصی در

1-) تفسیر المنیر، ج25، ص37.
2-) نیل الاوطار، ج6، ص144؛ تفسیر قرطبی، ج2، ص259؛ تحفه الاحوذی، ج6، ص257.
3-) علامه حلی، الفین، ص58.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

این زمینه آن گونه برای همه به ویژه برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله روشن بود که احمد امین مصری در این باره می نگارد: بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و قطع شدن وحی و هم زمان با فتوحات عظیمی که رخ داد، امت اسلامی با مسائل جدید در امورات دینی، مالی، خانوادگی، حقوقی و روابط داخلی و خارجی روبه رو شدند و کسی نمی توانست ادعا کند که این امورات جزئی را می توان از طریق قرآن و سنت حل کرد. از این رو

فتنتج عن هذا ان کان اصل آخر من اصول التشریع و هو الرای الذی نظم و سمّی القیاس؛((1))

پس از آن درماندگی نتیجه گرفتند که باید به اصلی دیگر از اصول تشریع روی آورند که آن عبارت بود از دخالت دادن رأی افراد و بعد ها به آن نظم بخشیدند که آن را قیاس نامیدند.

و در ادامه این مطلب، ایشان گزارش طولانی درباره اجتهادات اصحاب ارائه کرده است که هر جا نص وجود نداشت آنان به رأی خودشان عمل می کردند تا می رسد به دوران خلیفه دوم و درباره ایشان می نگارد:

بل یظهر لی ان عمر کان یستعمل الرای فی اوسع من المعنی الذی ذکرنا ذالک ان ما ذکرنا هو استعمال الرای حیث لا نص من کتاب و

1-) فجر الاسلام، صص234 تا 235 با اندک تلخیص.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

لا سنه و لکنا نری عمر سار ابعد من ذالک فکان یجتهد فی تعرف المصلحت فی احکامه؛((1))

آنچه برای من آشکار شده این است که عمر به فراتر از آنچه گفتم (یعنی به کارگیری رأی در موردی که نص از کتاب و سنت نباشد) رأی خود را دخالت می داد؛ زیرا او در شناخت مصلحت و صدور احکام اجتهاد می کرد که موارد فراوان از احکام صادره به وسیله ی عمر بر خلاف آنچه در زمان رسول خدا9 اجرا شده بود نقل شده است مانند قطع سهم مؤلفه قلوبهم، قطع نکردن دست دزد و تغییر در طلاق.

در توضیح گفتار ایشان به این نکته اشاره می شود که تمام این گرفتاری های دینی مسلمانان و صدور احکام بر مبانی شخصی و سلیقه گرایی، از آثار و پی آمد های ناگوار اندیشه انکار وصایت و جدا شدن از متخصصان در امور دین بود که بر این اساس، بعداً در اندیشه امامیه اشاره خواهیم کرد که رسول خدا9 برای جلوگیری از چنین پی آمدهای شوم، علی بن ابی طالب علیه السلام را بعد از خود وصی تعیین کرده بود.

1-) همان، صص 238 تا 240.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ضرورت وصی و وصایت دراندیشه شیعی

در اندیشه اعتقادی دانشمندان شیعی، مسئله وصایت بعد از رسول خاتم از جایگاه اعتقادی بسیار مهمی برخوردار بوده و متکلمان و دیگر عالمان شیعی وجود وصی را در بخشی از منظومه فکری شیعی، در نظام بخشیدن به امور دین و دنیای مردم، همانند وجود رسول یکی از الطاف و عنایات الاهی دانسته اند که برای هدایت خلق از گمراهی به سوی سعادتمندی پس از نبی، وصی او به امر خداوند در قله بلند معرفت و دین شناسی قرار دارد و با ضریب صد در صد اطمینان آور، مردم را در زمان نبود رسول رهبری می کنند که برای رهیافت بهتر به این اندیشه دانشمندان شیعی به شواهدی از گفتار آنان اشاره می شود:

شیخ مفید(ره) درباره ضرورت این مطلب می نگارد: «ما امامیه عقیده داریم بر اینکه خداوند یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر برای هدایت مردم برگزید و نیز عقیده داریم که به عدد پیامبران اوصیایی برای آنان به امر خداوند برگزیده شد که همه آنان بر حق، امر آنان امر خدا، فرمان برداری از آنان فرمان برداری از خداوند و نافرمانی آنان نافرمانی از خداوند بود. ((1))

شیخ صدوق در این رابطه می نگارد: «تمام انبیا به امر خداوند وصی داشتند و پیامبر ما نیز طبق این سنت دیرین الاهی اوصیای خود را برگزید؛ زیرا وجود آنان بعد از پیامبر به عنوان حجت ضرورت داشت.»((2))

1-) الاعتقادات، ص 93.
2-) کمال الدین، ص 26.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شیخ طوسی درباره ضرورت وصی می نگارد: «تمام ادله که بر اثبات ضرورت سنت و عنایت الاهی بر وجوب ارسال پیامبران برای هدایت مردم دلالت می کند، دلالت دارد بر این که بعد از نبی نیز خداوند مردم را به حال خودشان رها نکرده، بلکه طبق همان سنت و عنایت، باید وصیی برای پیامبران معرفی کند تا در جایگاه نبی قرار گیرد تا به عنوان نائب امر، جانشینی نبی را در اختیار گیرد؛ زیرا وصی (خلیفه) به منزله نبی و واسطه فیض الاهی است و به واسطه وصی دین رشد می کند و عدالت برقرار می شود و نبی و وصی در حقیقت به منزله مغز در بدن انسان است که فرماندهی حرکات بدن را به عهده دارد همان گونه که نبی و وصی فرمان حرکت و رشد دین را به عهده دارند.((1))

علامه حلی درباره ضرورت تعیین وصی می گوید: «خداوند پیامبرش را امر به رحمت و شفقت کرده است و هیچ رحمت و شفقتی برای مردم بالاتر از تعیین وصی نیست و این دلالت دارد که برای نبی ضرورت داشت تا برای مردم وصی خود را معین کند.»((2))

کاشف الغطا در این باره می نگارد: «امامیه اعتقاد دارد بر اینکه خداوند هیچ گاه زمین را از حجت که نبی یا وصی است خالی نمی گذارد؛ حال آن وصی برای همه مشهور و شناخته شده باشد یا بنابر مصالحی از نظر ها پنهان باشد.»((3))

نیز مرحوم علامه شرف الدین در «مراجعه» درباره

1-) اختیار معرفه الرجال، ص232.
2-) علامه حلی، الفین، ص114.
3-) اصل الشیعه و اصوله، ص 70.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ضرورت تعیین وصی می نگارد: «عقل به تنهایی درک می کند که سزاوار نبود برای نبی تا دین خدا را که تازه پا گرفته بود و مسلمانان نیز تازه مسلمان شده بودند، بدون تعیین وصی باقی گذارد».((1))

و نیز علامه طباطبایی با استناد به آیه مبارکه «وصی به نوحاً» اشاره کرده است که به حکم این آیه تعیین وصی برای همه پیامبران امر لازم و ضروری بوده است.((2))

هم چنین مرحوم بحرانی می نگارد: «از اینکه وصیت از حضرت آدم شروع شد و بعد از آن در عصر هر یک از پیامبران ادامه داشت، معلوم می شود که امر وصایت یک امر الاهی و ضروری بوده است.»((3))

یکی دیگر از دانشمندان معاصر شیعی درباره ضرورت وصایت می نگارد: «در قرآن کریم آیات نیاز به توضیح دارند و پس از پیامبر نیز باید کسی باشد تا آنان را برای امت توضیح دهد و بیان کند و این توضیح دهنده هر کسی نمی تواند باشد، بلکه باید انسانی باشد پرورده دست پیامبر و وارث علم او از راه وصایت سپردن... اگر از راه وصایت به علم قرآنی نرسیده باشد عالم به قرآن و موارد خاص آن نیست... و این سرّ وصایت است که شیعه از قدیم همواره بر طرح کردن آن تأکید داشته اند»((4))

بنابراین اندیشه، امامیه بر اصل تعیین وصی

1-) المراجعات، ص475.
2-) المیزان، ج18، ص334.
3-) البرهان، ج2، ص265.
4-) محمد رضا حکیمی، الهیات الاهی و الهیات بشری، ص287.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به وسیله ی پیامبران بر اساس درک از عقل و شرع آن را امری ضروری و واجب دانسته و جزء جدا ناپذیر از امور دینی می داند که باید به وسیله ی تمام پیامبران از جمله پیامبر خاتم9 انجام شود و برای مردم ابلاغ گردد و ما به این مقدار از تصریحات دانشمندان شیعی اکتفا می کنیم و روایات در این باب را جداگانه خواهم نگاشت.

مصداق شناسی وصی در اندیشه شیعی

اندیشه دانشمندان شیعی در مصداق شناسی وصی دارای مبانی روشن و بر اساس روایات متواتر است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است و در راهبرد نظری و اعتقادی شیعه شناخت مصداق وصی از طریق روایات چنان بدیهی و روشن است که با بودن این روایات نیاز به هیچ دلیلی احساس نمی شود. به همین دلیل ما این روایات را بعداً در گزینه ای جداگانه ذکر خواهیم کرد و در اینجا مناسب است به مناسبت بحث (مصداق شناسی وصی در اندیشه دانشمندان شیعی) به شواهدی از گفتار برخی آنان اشاره می شود:

شیخ مفید: «ما عقیده داریم بر اینکه پیامبر اسلام که سید و بزرگ تمام پیامبران الاهی بود بر اساس امر خداوند همانند تمام پیامبران دیگر که وصی داشتند برای خود، علی بن ابی طالب علیه السلام را وصی انتخاب کرد.»((1))

شیخ صدوق: «پیامبر ما همانند دیگر پیامبران، برای خود اوصیائی معرفی کرده و

1-) الاعتقادات، ص92.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نخستین وصی آن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام همانند وصی موسی گرفتاری پیدا کرد و آن گرفتاری در این بود که در برابر یوشع بن نون وصی موسی، صفراء همسر موسی به مخالفت برخاست و در برابر امیرالمؤمنین علیه السلام وصی رسول خدا9، عایشه به مخالفت برخاست.»((1))

سید مرتضی علم الهدی: «امیرالمؤمنین علیه السلام وصی پیامبر بود و داستان وصایت ایشان در صدر اسلام چنان مشهور بود که همه مردم آن حضرت را وصی خطاب می کردند و این اسم (وصی) برای ایشان به صورت علم و صفت در آمده بود و او را از دیگران متمایز می کرد و تنها مردم در معنای وصی اختلاف داشتند که مخالفان شیعه او را تنها وصی بر خاندان پیامبر می دانستند؛ اما شیعه وصایت او را گسترده بر خاندان رسول خدا9 و همه امت اسلامی می دانستند و کاربرد وصی در امیرالمؤمنین علیه السلام در اخبار متظاهره و متواتر نقل شده است.»((2))

عیاشی: «جریان تعیین وصی یک قانون الاهی بود که تمام پیامبران به آن اقدام کردند و بنابر اخبار فراوان پیامبر اسلام نیز علی علیه السلام را به عنوان وصی خود معین کرد.»((3))

علامه مجلسی: «از اخبار باب وصیت به دست می آید که امام علی علیه السلام بنا به دستور خداوند به وسیله ی پیامبر به وصایت که همان خلافت عظمی

1-) کمال الدین، صدوق، ص26.
2-) رسائل سید مرتضی، ج4، ص93.
3-) تفسیر عیاشی، ج1، ص311.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

است برگزیده شد.»((1))

کاشف الغطا: «رسول خدا9 طبق سنت الاهی بعد از خود دوازده نفر را که نخستین آنان امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنان مهدی منتظر بوده به وصایت برگزیده بودند.»((2))

علامه سید مرتضی عسکری: «در میان امت اسلامی وصی یکی از لقب های مشهور امیرالمؤمنین علیه السلام است و این لقب برای آن حضرت علم شده و معنایش این بود که ایشان وصی پیامبر و خاتم الاوصیا است.»((3))

آیت الله سید علی میلانی: «اینکه اوصیای پیامبر دوازده شخص هستند مطلبی است که از روایات فریقین استفاده می شود؛ برای مثال وقتی حدیث ثقلین را به حدیث الائمهٔ اثنا عشر ضمیمه کنیم که هر دو متواتر هستند نتیجه همان می شود.»((4))

بنابراین از آنچه نگارش یافت به دست آمد که زیرساخت های اعتقادی دانشمندان شیعه در تعیین مصداق وصی بر اساس روایاتی است که بعداً به این روایات اشاره خواهد شد.

1-) بحار الانوار، ج38، ص20.
2-) اصل الشیعه و اصولها، ص70.
3-) معالم المدرستین، ج1، ص 165.
4-) با پیشوایان هدایت گر، ج1، ص 316.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خاستگاه مشروعیت وصی در اندیشه شیعی

اشاره

پس از نگارش دو گزینه پیشین مبنی بر ضرورت تعیین وصی و مصداق شناسی آن، اینک بررسی خاستگاه مشروعیت و مقبولیت وصی در اندیشه شیعی ضرورت دارد؛ زیرا همان گونه که در آغاز این فصل اشاره شد مفهوم و مصداق وصی یکی از آن واژگانی است که ارتباط قوی با اثبات امامت و خلافت پیشوایان بعد از رسول خدا9 دارد و این مفهوم و مصداق از جهت کاربرد اعتقادی میان دانشمندان شیعه و سنی، مورد بحث های فراوان واقع شده است که در نهایت اهل سنت اصل وصایت و مشروعیت و مقبولیت آن پس از رسول خدا9 را منکر شده اند که پیشتر دیدگاه آنان نگارش یافت.

اما در نظام اعتقادی شیعه مشروعیت و مقبولیت وصی یک مسئله برخاسته از آموزه های دینی است که این ادعا بر مبانی محکم و استوار از عقل و نقل(سنت) قرار دارد که به اختصار به هر دو مبنا اشاره می شود:

الف - دلیل عقلی بر ضرورت وصایت از باب لطف

در نظام معرفتی شیعه، این مطلب از اصول مسلم و شناخته شده است که هر چیزی که وجودش برای دین داری و هدایت بندگان به وسیله ی عقل یا شرع مهم و تاثیرگذار تشخیص داده شود، خداوند از راه لطف و احسان و اتمام حجت، بندگان خود را از آن محروم نمی کند؛ زیرا لطف الاهی بر بندگان موهبتی است که در پرتو آن اسباب اطاعت از خداوند و زمینه دوری از نافرمانی او فراهم می گردد و تردیدی وجود ندارد که تعیین وصی بعد از پیامبر با آن ملاک هایی که در شخص پیامبر وجود داشت زمینه ساز روی آوردن مردمان به اطاعت

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خداوند و پرهیز از معصیت الاهی خواهد بود همان گونه که غرض خداوند از آفرینش انسان ها، عبادت و طاعت و دوری گزیدن از نافرمانی است. بر این اساس بر خداوند واجب است وصی پیامبر را که به عنوان پیشوای بعد از آن حضرت است معرفی کند.((1))

شیخ مفید در تعریف لطف می نگارد:

اللطف هو ما یقرب المکلف من الطاعه و یبعد عن المعصیه؛((2))

لطف چیزی است که با بودن آن، بندگان نزدیک به اطاعت شده و از معصیت دوری گزینند.

بر این اساس علامه حلی درباره تأثیرگذار بودن وصی در بندگان و لزوم نصب وصی بر خداوند می نگارد: لطف بر خداوند واجب است به دلیل اینکه با لطف، غرض خداوند که بر عبادت و معرفت بندگان تعلق گرفته است حاصل می شود. پس اگر خداوند بدون برگزیدن پیامبر و نیز بدون نصب جانشین برای پیامبر تکلیف را از مردم بخواهد غرض او حاصل نمی شود،

فیجب علیه سبحانه تحصیلا لغرضه ان یبعث للعباد الانبیا و یجعل لهم اوصیا معصومین؛((3))

پس واجب است بر خداوند سبحان که برای تحصیل غرض خود پیامبران را برای بندگان برانگیزد و برای آن

1-) شریف مرتضی، رسائل، ج2، ص309؛ علامه حلی، مناهج الیقین، ص439؛ دلائل الصدق، ج2، ص41؛ اصل الشیعه و اصولها، ص74.
2-) النکه الاعتقاد، ص11.
3-) الفین، ص31.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیامبران وصیان معصوم قرار دهد.

ایشان در جای دیگر می فرماید: هر عقل سالمی درک می کند که برای دوام دین و زدودن غبار تحریف از آن و نیز بقای امت اسلامی و نجات آنان از انحرافات و کج اندیشی خداوند بعد از پیامبر باید وصی معصوم را نصب کند.((1))

هم چنین علی بن یونس عاملی در این باره می گوید: سزاوار نیست که هیچ زمانی از وجود پیشوای الاهی خالی باشد؛ زیرا لطف خداوند استمرار دارد بر این که

ان ینصب الانبیا و الاوصیا فی جمیع الازمان؛((2))

نصب کند انبیا و اوصیا را در تمام زمانها.

بنابراین یکی از دلیل های امامیه بر اثبات نظام وصایت بر مبنای عقلی و بر اساس قاعده لطف استوار است که به واسطه آن ضرورت وجود جانشین پیامبر را در یک نظام پیوسته میان ضرورت بعثت و وصایت از جانب خداوند برای هدایت بندگان ثابت می کند؛ یعنی همان گونه که برای اصل تشریع دین وجود پیامبر لطف از جانب خداوند است، برای بقا و استمرار دین نیز وجود وصی لطف دیگری است که بندگان به واسطه آن وصی در مسیر هدایت قرار گیرند.

1-) کشف الیقین، ص7.
2-) صراط المستقیم، ج3، ص4.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ب - روایات تشریع وصایت

دومین دلیل دانشمندان امامیه برای خاستگاه مشروعیت و مقبولیت نظام وصایت روایاتی است که در این باب با صراحت نقل شده است و در این باره بیش از همه به این مطلب اشاره می شود که با نگریستن موضوعی در روایات وصایت، می توان پی برد که این روایات به طور کلی به سه دسته تقسیم می شوند:

الف - روایات ضرورت وصایت.

ب - روایاتی که به اصل مبنایی تشریع وصایت پرداخته.

ج - روایاتی که بیان کننده ی مصداق است.

ما روایات دسته یکم را پیش از این به نگارش درآوردیم و روایات دسته سوم در پایان این فصل خواهد آمد؛ اما در این بخش مناسب است که برای اثبات مشروعیت وصایت به مواردی از روایات تشریع وصایت اشاره شود:

در روایتی که در آن جریان آخرین حج رسول اکرم صلی الله علیه و آله (حجةٌ الوداع) نقل شده، آمده است: هنگامی که رسول خدا9 در حال وقوف به عرفات بود جبرئیل امین بر آن حضرت نازل شد و پیام خداوند را این گونه به ایشان ابلاغ کرد:

«یا محمد ان الله یقرئک السلام و یقول انه قددنا اجلک و مدتک و انا مستقدمک علی ما لابد منه و لا محیص فاعهد عهدک و نفذ وصیتک و اعمد الی ما عندک من العلم و میراث علوم الانبیا من قبلک و السلاح و التابوت و جمیع ما عندک من ایات الانبیا فسلمها الی وصیّک و خلیفتک من بعدک الحجه البالغه علی خلقی علی بن

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ابی طالب علیه السلام »؛((1))

ای محمد! خدایت سلام می رساند و می گوید اجل و پایان عمرت نزدیک شده و من اقدام می کنم بر آن چیزی (قبض روح تو) که ناگزیر و چاره ناپذیر است، پس تعهد خود را به انجام رسانیده و وصیت خود را اجرا کن و نگاه کن بر آنچه نزد توست از دانش و علوم انبیای پیشین که به عنوان ارث رسیده است و نیز اسلحه و تابوت و تمام آنچه از نشانه های انبیا نزد توست، پس همه را برای وصی و خلیفه بعد از خود، علی بن ابی طالب علیه السلام ، که حجت رسای من برای مخلوقاتم است واگذار.

هم چنین از امام رضا علیه السلام نقل شده است که ما اوصیای پیامبر هستیم و این وصایت ما به امر خداوند بوده است و خداوند به خاندان پیامبر وصیت کرد آنچه را که به نوح، ابراهیم، اسماعیل، موسی، عیسی، اسحاق و یعقوب وصیت کرده بود و ما بازماندگان تمام انبیا و پیامبران اولولعزم هستیم.((2))

1-) غایه المرام، ج1، ص327؛ تفسیر صافی، ج2، ص53.
2-) تفسیر برهان، ج4، ص810.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از رسول خدا9 نیز این چنین نقل شده است: «هنگامی که خداوند مرا به معراج برد در آنجا اموری را به من نشان داد. از جمله دیدم اوصیای دوازده گانه من هر یک با نام و نشان از جانب خداوند تعیین شده است.((1))

هم چنین در این زمینه امام صادق علیه السلام با استناد به رسول خدا9 نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

«ما قبض الله نبیا حتی امره ان یوصی الی افضل عترته و امرنی اوصی فقلت الی من یا رب فقال اوصی یا محمد الی ابن عمک علی بن ابی طالب علیه السلام فانی قد اثبته فی کتب السابقه و کتبت فیها انه وصیک و علی هذا اخذت میثاق الخلائق و مواثیق انبیائی»؛((2))

«خداوند هیچ پیامبری را قبض روح نکرد مگر اینکه به او دستور داد تا به سوی بهترین فرد از خاندانش وصیت کند و به من هم دستور داد وصیت کنم. گفتم: پروردگارا به چه کسی وصیت کنم؟ فرمود: ای محمد برای فرزند عمویت علی بن ابی طالب علیه السلام وصیت کن زیرا من وصایت او را در کتاب های پیشین ثابت کردم و نوشتم که او وصی توست و بر وصایت او از تمام مخلوقات و پیامبرانم پیمان گرفتم.»

هم چنین از ام سلمه نقل شده است که رسول

1-) صدوق، علل الشرایع، ص6؛ حر عاملی، الجواهر السنیه، ص241.
2-) عماد الدین طبری، بشاره المصطفی، ص74.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خدا9 فرمود: «من به امر خداوند علی را وصی پس از خود برگزیدم.»((1))

از امام باقر علیه السلام نیز این چنین نقل شده است:

«الوصیه نزلت من السما علی محمد کتابا»؛((2))

وصیت از آسمان به صورت کتابی بر پیامبر نازل شد.

ما در اینجا به نگارش این مقدار از روایات اکتفا می کنیم و بر این نتیجهی روشن تأکید می کنیم که از یاد کرد قاعده لطف و نیز این روایات به دست آمد که عقیده شیعه در خاستگاه مشروعیت و مقبولیت وصایت پس از رسول خدا9 بر روی مبانی محکم و استواری از عقل و نقل، قرار دارد که بر اساس قاعده لطف و روایات به آن دست یافته است.

مصداق شناسی وصی در روایات

اشاره

پیش از نگارش روایات مصداق شناسی وصی بر این مطلب اشاره می شود که همان گونه که قبلاً اشاره شد مبنای فکری و اعتقادی امامیه مصداق شناسی نظام وصایت پس از رسول خدا9، بر این اساس است که تعداد اوصیا بعد از آن حضرت دوازده نفر هستند که در میان آنان علی علیه السلام نخستین وصی بلافصل و پس از ایشان یازده نفر دیگر از فرزندان معصوم آن حضرت هر یک پس از دیگری به وصایت آن حضرت از جانب خداوند برگزیده شدند((3)) که در

1-) مناقب، خوارزمی، ص147.
2-) الکافی، ج1، ص279؛ غیبه، نعمانی، ص51.
3-) علل الشرایع، ص6، شیخ طوسی، قواعد العقائد، ص122، اصل الشیعه و اصولها، ص70؛ شیعه در اسلام، ص274.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حقیقت این عقیده از روایاتی برگرفته شده است که در این زمینه با دو رویکرد معین، یعنی وصایت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز وصایت بقیه ائمه در منابع حدیثی نقل شده است که دراینجا به دلیل راهبرد بهتر به گونه ای مستقل به این روایات اشاره می شود:

الف - روایات وصایت بلافصل امام علی علیه السلام

اشاره

از جهت کاربردی و اثباتی، وصایت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث مشهور و متواتر «یوم الدار» است که پیش از این به آن اشاره شد و در اینجا از تکرار آن خودداری می شود و هم چنین در این باره حدیث مشهور دیگری از سلمان فارسی نقل شده است که به رسول خدا9 عرض کردم: خداوند هیچ پیامبری را برنگزید مگر اینکه برای او وصی را در میان امتش برگزید. و ای فرستاده خدا وصی شما در میان امت چه کسی است؟ حضرت در جواب من چیزی نگفت تا اینکه وارد مسجد شدم و رسول خدا9 نیز آنجا بود:

«فنادی رسول الله فقال یا سلمان سالنی عن وصیی من امتی فهل تدری من کان وصی موسی من امته فقلت کان وصیه یوشع بن نون بن فتاه فقال فهل تدری لم کان اوصی الیه قلت الله و رسوله اعلم قال اوصی الیه لانه کان اعلم امته بعده و وصیی اعلم امتی بعدی علی بن ابی طالب علیه السلام »؛((1))

1-) شریف مرتضی، رسائل، ج4، ص92؛ امالی صدوق، ص13؛ صراط المستقیم، ج2، ص38.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«رسول خدا9 ندایم کرد و فرمود: ای سلمان! از من درباره وصیم از میان این امت سؤال کردی؛ آیا می دانی چه کسی وصی موسی از میان امتش بود؟ گفتم: وصی موسی یوشع بن نون فتا بود. پس از آن حضرت فرمود: چون او (یوشع) داناترین فرد در میان امت موسی بود لذا بر وصایت نصب شد و وصی من نیز داناترین فرد در میان امتم بعد از من، یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

حدیث یاد شده در برخی منابع شیعه و سنی با تتمه ی زیر آمده است که حضرت در جواب سلمان فرمود:

«فان وصیی و موضع سری و خیر من اترک بعدی و ینجز عِدَتی و یقضی دینی علی بن ابی طالب علیه السلام »؛((1))

«وصی، دارنده اسرار و بهترین کس بعد از من که به وعده هایم وفا کرده و دینم را ادا می کند علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

از ام سلمه نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای ام سلمه! آگاه باش و شهادت بده بر اینکه

علی بن ابی طالب علیه السلام وصیی و خلیفتی من بعدی؛((2))

1-) معجم الکبیر، طبرانی، ج6، ص221؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج10، ص114؛ کنز العمال، ج11، ص609؛ ارشاد القلوب دیلمی، ج2، ص236؛ بحارالانوار، ج38، ص11.
2-) امالی صدوق، ص464.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

علی بن ابی طالب علیه السلام وصی و جانشین بعد از من است.

هم چنین آن حضرت به امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب کرد:

«انت وصیی تقضی دینی و تنجز وعدی و تقتل علی سنتی کذب من زعم انه ببغضک و هو یحبنی»؛((1))

«تو وصی من هستی و دینم را ادا کرده؛ به وعده هایم وفا می کنی و نبرد می کنی بر سنت من و دروغ گفته کسی که تو را دشمن دارد و گمان کند که من را دوست می دارد.»

هم چنین در حدیث دیگری بُرَیده از آن حضرت نقل کرده است که فرمود:

«لکل نبیی وصی و وارث و ان وصیی و وارثی علی بن ابی طالب علیه السلام »((2))

در حدیثی از انس نقل شده است که رسول خدا9 به من فرمود:

«یا انس اول من یدخل علیک من هذا الباب امام المتقین و سید المسلمین و خاتم الوصیین و قائد الغر المحجلین قال انس فجا علی فقام الیه رسول الله مستبشرا فاعتنقه و قال له انت تؤدی عنی و تسمعهم صوتی و تبین لهم ماختلفوا فیه من بعدی»؛((3))

1-) شواهد التنزیل، ج1، ص76.
2-) ابن عساکر، ترجمه علی بن ابی طالب، ج3، ص5؛ مناقب خوارزمی، ص85؛ ذخائر العقبی، ص71؛ تاریخ دمشق، ج42، ص392؛ کشف الغمه، ج1، ص112؛ علامه حلی، الیقین، ص262.
3-) حلیه الاولیا، ج1، ص63؛ مناقب خوارزمی، ص42، ابن عساکر ترجمه علی بن ابی طالب، ج2، ص487؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج1، ص64.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«ای انس نخستین کسی که از این درب وارد شود پیشوای پرهیزگاران و اقای مسلمانان و خاتم اوصیا و رهبر سفید رویان است. انس گوید: پس در آن هنگام علی بن ابی طالب علیه السلام وارد خانه شد و رسول خدا9 به استقبال او رفت در حالی که به او بشارت می داد دست به گردن او انداخت و می فرمود: تو از جانب من ادا می کنی و تو ندایم را به آنان می رسانی و تو برای آنان بیان می کنی آنچه را که بعد از من آنان نسبت به آن اختلاف کردند.»

هم چنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

معاشر الناس انی نبی و علی وصیی؛((1))

«مردم! من نبی و علی وصی من است.»

و نیز فرمود:

«ان وصیی لافضل الاوصیا وانه لحجه الله علی عباده»؛((2))

«وصی من با فضیلت ترین وصیهاست و همانا او حجت خدا بر بندگانش است.»

و در منابع شیعه و سنی حدیث معروف از بریده نقل شده است که رسول خدا9 فرمود: «هر پیامبری وصیی دارد و وصی من علی بن ابی طالب علیه السلام است.»((3))

1-) روضه الواعظین، ص97.
2-) الاختصاص، شیخ مفید، ص224.
3-) تاریخ دمشق، ج42، ص392؛ مناقب خوارزمی، ص85؛ سید مرتضی، رسائل، ج4، ص95.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و بریده کسی بود که بعد از رحلت پیامبر و خانه نشین شدن امیرالمؤمنین علیه السلام می گفت: «انا لله و انا الیه راجعون چه بر روزگار حق از جانب باطل وارد شده است و ما در زمان حیات رسول خدا9 علی علیه السلام را امیرالمؤمنین خطاب می کردیم.»((1))

و دراین زمینه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«من عرفنی و عرف حقی فقد عرف ربه لأنی وصی نبیه فی ارضه و حجته علی خلقه لا ینکر هذا الا راد علی الله و رسوله»؛((2))

«کسی که من و حق من را بشناسد همانا پروردگارش را شناخته، زیرا من وصی پیامبر او در زمین و حجت او بر مخلوقاتش هستم و این را منکر نمی شود مگر اینکه انکار کند خدا و رسول را.»

و از ابن عباس نقل شده است که از رسول خدا9 شنیدم که خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا علی انت وصیی اوصیت الیک بأمر ربی و انت الذی تبین لامتی ما یختلفون فیه من بعدی و تقوم فیهم مقامی قولک قولی و امرک امری و طاعتک طاعتی و طاعتی طاعه الله و معصیتک معصیتی و معصیتی معصیه الله عز و جل»؛((3))

«ای علی! تو وصی من هستی! من به

1-) الاحتجاج، ص95.
2-) شیخ صدوق، التوحید، ص165.
3-) من لا یحضره الفقیه، ج4، ص175.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سوی تو به امر پروردگارم وصیت کردم و تو کسی هستی که بیان می داری برای امتم آنچه را که درباره آن بعد از من به اختلاف می افتند و تو در میان این امت بر جایگاه من قرار می گیری و سخن تو سخن من و فرمان تو فرمان من و اطاعت از تو اطاعت از من و اطاعت از من اطاعت از خداست و نافرمانی از تو نافرمانی از من و نافرمانی از من نافرمانی از خداست.»

سرانجام اینکه روایات وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار فراوان در منابع شیعه و سنی نقل شده است که برخی بزرگان شیعه این احادیث را در حد متواتر دانسته اند((1)) که ما در اینجا به ذکر این مقدار از احادیث وصایت آن حضرت اکتفا می کنیم و برای روشن شدن امر وصایت در اسلام، به احادیث بقیه اوصیا اشاره خواهیم کرد.

روایات وصایت بقیه اوصیا

علاوه بر روایات پیشین که در خصوص وصایت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام بود، روایات دیگری نیز در منابع شیعی از رسول خدا9 و بقیه معصومان: نقل شده است که بعد از وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام ، وصایت یازده نفر دیگر از فرزندان آن حضرت را نقل کرده است که در مجموع، رویکرد این روایات در یک روند اثباتی و با نگرش به این مطلب که

1-) حلیه الابرار، ج2، ص444؛ بحار، ج38، ص20؛

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

استمرار امر وصایت در امتداد استمرار و بقای دین جاویدان اسلام ادامه داشته و هیچ گاه امکان ندارد که دین بدون نظارت و هدایت وصیی از اوصیای پیامبر در حیات واقعی خود ادامه داشته و باقی بماند. اینک شواهدی از این روایات:

در داستان معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آن حضرت نقل شده است که با جبرئیل به سوی آسمان در حرکت بودیم تا اینکه به جایگاهی رسیدیم که جبرئیل از رفتن باز ماند و گفت اگر من از این فراتر روم از حدود خود تجاوز کرده ام و دیگر توان رفتن ندارم و پس از آن من تنها به مسیرم ادامه دادم تا رسیدم به جایگاهی که:

«فنودیت یا محمد انت عبدی و انا ربک فایای فاعبد و علیّ فلیتوکل فانک نوری فی عبادی و رسولی الی خلقی و حجتی علی بریتی لک و لمن تبعک خلقت جنتی و لمن خالفک خلقت ناری و لاوصیائک اوجبت کرامتی و لشیعتهم اوجبت ثوابی فقلت با رب و من اوصیائی؟ فنودیت یا محمد اوصیائک المکتوبون علی ساق عرش فنظرت و انا بین یدی ربی الی ساق العرش فرایت اثنی عشر نورا فی کل نور سطر اخضر علیه اسم وصیی من اوصیائی اولهم علی بن ابی طالب علیه السلام و اخرهم مهدیّ امتی فقلت یا رب هؤلاء اوصیائی من بعدی فنودیت یا محمد هولاء اولیائی و اوصیائی و حججی بعدک علی بریتی و هم اوصیائک...»؛((1))

«ندایم داد: ای محمد! تو بنده من و من پروردگار تو هستم، پس عبادتم کن و بر من توکل

1-) علل الشرایع، صدوق، ج1، ص6؛ حلیه الابرار، بحرانی، ج1، ص12.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نما. همانا تو نور من در میان بندگانم و فرستاده ام به سوی خلقم و حجت من بر مخلوقاتم می باشی؛ بهشتم را برای تو و پیروانت آفریدم و آتش را برای دشمنانت آفریدم و کرامتم را برای اوصیای تو لازم نمودم و ثوابم را برای شیعیان آنان. رسول خدا9 میگوید عرض کردم: پروردگارا! اوصیای من کیانند؟ ندا فرمود: ای محمد! اوصیای تو در ساق عرش نوشته شده اند. پس در حالی که من در جوار رحمت پروردگار بودم به ساق عرش نظر افکندم و دوازده نور مشاهده کردم و در هر نوری خطی سبز رنگ وجود داشت که در هر یک اسم یکی از اوصیایم نوشته شده بودند که نخستینشان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخر آنان مهدی(عج) بود و عرض کردم: پروردگارا! اینان اوصیای من هستند؟ فرمود: ای محمد اینان اولیا و اوصیا و حجت های من بعد تو در میان مخلوقاتم هستند و اینان اوصیای تو هستند.»

هم چنین درباره اوصیای دوازده گانه رسول خدا9 حدیثی مشهور به حدیث لوح از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که در جریان این حدیث از امام صادق علیه السلام آمده است که پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من با تو کاری دارم؛ چه وقت برای تو آسان تر است که تو را تنها ببینم و از تو سؤال کنم؟ جابر عرض کرد: هر وقت شما بخواهید. پس روزی با او در خلوت نشست و به او فرمود: درباره لوحی که آن را در دست مادرم فاطمه زهرا3 دیده ای و آنچه مادرم به تو فرمود که در آن لوح نوشته شده بود به من خبر ده. پس از آن جابر جریان را نقل می کند که در هنگام ولادت امام حسن علیه السلام به خدمت مادرت فاطمه سلام الله علیهارفتم تا

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به او تولد فرزندش را تبریک بگویم. در دستش لوح سبزی را دیدم که گمان کردم از زمرد است و مکتوبی سفید در آن دیدم که مانند رنگ خورشید درخشان بود. به او عرض کردم: ای دختر رسول خدا9 پدر و مادرم فدایت باد! این لوح چیست؟ در ذیل این حدیث نام هر یک از امامان و اوصیای دوازده گانه رسول خدا9 نقل شده است که به دلیل طولانی بودن از ذکر آنان خودداری می شود و به دو جمله از این حدیث که واژه اوصیا ذکر شده است اشاره می شود: در جمله نخست جابر می گوید: فاطمه الزهرا3 به من فرمود:

«هذا اللوح اهداه الله تعالی الی رسوله و فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و اسماء الاوصیا من ولدی فاعطانیه ابی لیسرنی بذالک»؛

این لوحی است که خداوند آن را به رسولش اهدا کرده و اسم پدرم، اسم شوهرم، اسم دو پسرم (حسن و حسین) و اسم اوصیائی از فرزندانم در آن نوشته است و پدرم برای اینکه من را خوشحال کند آن را به من عطا کرد.

در جمله دوم محل شاهد در متن این لوح آمده است که خداوند به پیامبرش فرمود: هیچ پیامبری از دنیا نرفت مگر اینکه من برای او وصی قرار دادم و

انی فضلتک علی الانبیا و فضلت وصیک علی الاوصیا

که پس از آن نام دوازده وصی آشکارا آمده است.((1))

1-) الکافی، ج1، ص527؛ الاحتجاج طبرسی، ص81؛ امالی طوسی، ص291؛ ارشاد القلوب دیلمی، ج2، ص290؛ بحارالانوار، ج36، ص195؛ اعلام الوری، ص392.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دلالت این حدیث بر اثبات وصایت در میان اصحاب ائمه چنان روشن و با اهمیت بوده است که عبدالرحمن بن سالم می گوید: «ابوبصیر به من فرمود: اگر در تمام عمرت حدیث نشنیدی، همین یک حدیث برای تو کفایت می کند و آن را از دستبرد نااهلان حفظ کن.»((1))

علاوه بر این دو حدیث، روایات فراوان دیگر درباره اوصیای دوازده گانه نقل شده است که در برخی از آنان همانند این دو حدیث مفهوم و مصداق دوازده اوصیا ذکر شده است، چنان چه در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

اوصیائی من بعدی عدد نقباء بنی اسرائیل؛((2))

«اوصیای بعد از من به تعداد برگزیدگان بنی اسرائیل است و تعداد آنان در قرآن دوازده نفر ذکر شده است.»

هم چنین آن حضرت فرمود:

«ان وصیی و خلیفتی من بعدی علی بن ابی طالب علیه السلام و بعده سبطای الحسن و الحسین تتلوه تسعه من صلب الحسین الائمه الابرار»؛ ((3))

«وصی و خلیفه بعد از من علی بن ابی طالب علیه السلام است و پس از او دو فرزندم حسن و حسین و به دنبال او نه نفر از دودمان حسین ائمه نیکان است.»

1-) الاحتجاج، ص83.
2-) مستدرک الوسائل، ج12، ص279.
3-) کفایه الاثر، ص13.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هم چنین به نقل ابن عباس، رسول خدا9 فرمود:

«انا سید النبیین و علی بن ابی طالب علیه السلام سید الوصیین و ان اوصیائی بعدی اثناعشر اولهم علی بن ابی طالب علیه السلام و اخرهم القائم»؛((1))

«من آقا و بزرگ انبیا هستم و علی بن ابی طالب علیه السلام آقا و بزرگ اوصیا است، همانا اوصیای بعد از من دوازده نفر هستند که نخستینشان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنان قائم علیه السلام است.»

در حدیث دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود:

«ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی اثنا عشر»؛((2))

«جانشینان و اوصیا و حجج خداوند بر خلق پس از من دوازده نفر هستند.»

بنابراین طبق این روایات، رسول خدا9 امر وصایت پس از خود را مبهم نگذاشته بود، بلکه به امر خداوند اوصیای بعد از خود را تعیین و به امت ابلاغ کرده بود که در حقیقت برای عینیت سازی و کاربردی کردن وصایت می توان گفت که رسول خدا9 امامان و جانشینان پس از خود را با بیان واژگان وصی و اوصیا معرفی کرده بود و در بسیاری از این روایات با صراحت آمده بود که اختیار و تعیین این اوصیا از جانب خداوند بوده است و قرآن کریم درباره اهمیت اختیار خدا و

1-) عیون اخبار الرضا، ج2، ص66؛ منتخب الاثر، ص10؛ صراطی المستقیم، ج2، ص121.
2-) کشف الغمه، ج2، ص507.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

رسول و تسلیم شدن بندگان در برابر آن، بر آن در سوره مبارکه احزاب می فرماید:

«وَمَا کَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلا مُؤْمِنَهٍ اذَا قَضَی اللَّهُ وَرَسُولُهُ امْرًا ان یَکُونَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ مِنْ امْرِهِمْ وَمَنْ یَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالا مُبِینًا»؛((1))

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد هنگامی که خدا و پیامبرش کاری را حکم کنند برای آنان در کار خودشان اختیار باشد و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند یقینا به صورتی آشکار گمراه شده است.

حال با توجه به مفاد این روایات که انتخاب همه اوصیای پیامبران به امر خداوند بوده است، مهم ترین سؤال این است که چگونه امت اسلامی از این اختیار خداوند در امر وصایت و تعیین جانشینان رسول اکرم صلی الله علیه و آله سر برتافته و دیگران را بر اوصیای تعیین شده ترجیح دادند که جواب این سؤال بر عهده کسانی است که امر وصایت را به وسیله ی رسول خدا9 منکر شده اند.

رهیافتی بر جایگاه مردمی وصی و وصایت

در پایان این نوشتار درباره وصی و وصایت مناسب است به این بحث به صورت کاربردی نگریسته شود و به جایگاه عملی آن اشاره گردد که در این باره بیش از همه توجه به این مطلب ضرورت دارد که مفهوم وصیت در اصل یک معنای عام و گسترده ای دارد که روی سه پایه وصی، موصی و ما به الوصیهٌ (مورد وصیت) استوار است

1-) احزاب، 36.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و دراین معنای عام که بیشتر با رویکرد فقهی به آن نظر می شود به معنای تعهد و پیمان آمده است که وصی کارهای موصی (وصیت کننده) را بعد از مرگش بر زمین ننهاده و با انجام آن کارها آن را به کار موصی متصل و ادامه می دهد.((1))

به بیان دیگر، وصیت تعهدی است که وصی آن را بعد از مرگ موصی انجام می دهد((2)) و درامر وصیت پیشنهاد در انجام کار توأم با موعظه و خیرخواهی است.((3)) بنابراین مفهوم وصیت در اصل معنای عام دارد که در آن توصیه و سفارش به انجام دادن کار بعد از مرگ وصیت کننده لحاظ شده است که در حقیقت از جهت اجرایی وصیت هر شیء طبق مورد خاص خودش و به حسب مورد است.

بر این اساس اگر به معنای اعتقادی و کلامی مفهوم و مصداق وصی و وصایت نگریسته شود، آن گونه که در این اثر مورد بحث واقع شد، از آن معنای خاصی اراده می شود که از جهت کاربردی و عملی به مسئله امامت و جانشینی پس از رسول خدا9 مربوط می شود و معنای این ادعا این است که مسئله رهبری و هدایت گری مردم پس از رسول خدا9 در چه وضعیتی قرار داشته است که طبق مبانی شیعه، علی بن ابی طالب علیه السلام و یازده فرزندش به عنوان اوصیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای امامت و هدایت مردم منصوب شده بود تا آنان را درمصالح فراگیر دنیایی و آخرتی، همانند رسول خدا9 هدایت کند.

1-) مفردات راغب، ص873؛ قاموس قرآن، ج7، ص223.
2-) تفسیر فخر رازی، ج2، ص237.
3-) المیزان، ج18، ص306.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

علامه امینی در این باره می گوید: «مراد از وصی بودن علی علیه السلام این بود که او در تبلیغ علم و رساندن حقایق معارف دینی پس از رسول خدا9، مردم را رهبری کند.»((1))

در مبنای اعتقادی شیعه، وصی پیامبر یعنی همان امام و پیشوایی که اطاعت از او اطاعت خدا و فرمان او فرمان خداست؛ و هر چه می گوید از جانب خداست نه خواهش های نفسانی خودش((2)) و در حقیقت با وصیت از جانب خدا به کسی به عنوان وصی اذن برای تصرف در امور دیگران برای آن وصی داده می شود.((3))

برای اثبات این ادعا می توان به روایات فراوانی اشاره کرد که در آنان از وصی به عنوان حجت خدا یاد شده است که به مواردی از این روایات، قبلاً اشاره شد و در موارد دیگر آمده است:

«الاوصیا لحجه علی عباده»؛((4))

اوصیا حجت های خداوند بر بندگان هستند.»

«و اوصیائی حجج الله علی امتی بعدی»؛((5))

اوصیا من حجت های خداوند بر امتم هستند پس از من.»

1-) الغدیر، ج6، ص69.
2-) شیخ مفید، الاعتقادات، ص92.
3-) بیان السعاده، ج2، ص292..
4-) اختصاص، شیخ مفید، ص223.
5-) من لا یحضره الفقیه، ج4، ص179؛ اعلام الوری، ص391؛ جامع الاخبار، ص17.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«و اوصیایی حجج الله علا الخلق»؛((1))

اوصیای من حجت خداوند بر مخلوقات هستند.»

اساسا کاربرد واژه حجت بر وصی نشان دهنده معنای عمیقی است که از جهت اعتقادی و کلامی همان واسط بودن میان خداوند و بندگان را می رساند که در آن مطاعیت و فرمانبری از حجت و وصی نیز نهفته است و بحث تفصیلی این مطلب در واژه حجت خواهد آمد.

1-) کشف الغمه، ج2، ص507.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فصل پنجم: واژگان حجت و حجیت

اشاره

ص: 345

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

یکی دیگر از واژگانی که در ارتباط با بحث امامت کاربرد فراوان دارد، واژه حجت است و در کاربرد مفهومی این واژه از جهت اعتقادی و فکری این مطلب میان تمام اندیشمندان مسلمان از هر گروه و مذهبی پذیرفته شده است که بشر برای پیمودن مسیر هدایت، همیشه نیازمند به حجت از جانب خداوند است و خداوند نیز برای اینکه به این نیاز بشر و نیز جلوگیری از بهانه جویی ها و عذر آوردن او جواب داده باشد، این امر مهم را با نزول کتاب های آسمانی و برگزیدن پیامبران برآورده کرده و حجت را برای هر امت تمام کرده است. این امر از آیات قرآن و روایات نیز به خوبی استفاده می شود.

در این میان، مطلب مهم این است که در میان دانشمندان اسلامی، برای عصر بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به وجود حجت، هم در مصداق و هم در مفهوم آن با این سؤال مواجه بوده اند که آیا مردم به حجت با همان مفهوم و شرایطی که برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله قائل بودند، نیازمند هستند یا خیر که برای دست یافتن به این واقعیت ها، مناسب است این بحث از دیدگاه آیات قرآن و روایات بررسی شود.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واژه حجت و مشتقات آن مانند: حاجّ،((1)) حاججتم،((2)) حاجک،((3)) حاجّه،((4)) حاجّوک،((5)) تحاجّون،((6)) یحاجون((7)) و... در قرآن حدود هجده بار تکرار شده است((8)) و بیشترین رویکرد این آیات درباره سامان دادن نظام معرفتی و احتجاج در برابر منکران و کج اندیشان است که در مجموع، خداوند با این آیات به دنبال اتمام حجت برای بندگان خود با اقامه دلیل و برهان است که ما در اینجا به تناسب بحث که درباره اثبات مقام حجیت الاهی برای پیامبران و جانشینان آنان است، به بخشی از این آیات که با واژه حجت و با صراحت بیشتری برای اثبات این موضوع به کار رفته است اشاره خواهیم کرد:

در سوره بقره اجرای حکم عملی و چگونگی رو آوردن به سوی کعبه به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان دلیل و حجت در برابر دلیل و حجت دشمنان دانسته، به پیامبر خطاب می کند:

«وَمِنْ حَیْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُمَا کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ لِئَلا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَیْکُمْ حُجَّهٌ الا الَّذِینَ

1-) بقره، 258.
2-) آل عمران، 66.
3-) آل عمران، 61.
4-) انعام، 80.
5-) آل عمران، 20.
6-) آل عمران، 65.
7-) شوری، 16.
8-) المعجم الفهرس، محمد فؤاد عبدالباقی، ص246.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ظَلَمُوا منهم»((1))

«از هر جا خارج شدی روی خود را به جانب مسجدالحرام کن و هر جا بودید روی خود را به سوی آن کنید تا مردم جز ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی دارند) دلیلی بر ضد شما نداشته باشند.»

و در سوره نساء با اشاره به انجام دادن بشارت و انذار به وسیله ی پیامبران و حجت دانستن آن برای مردم می گوید:

«رُسُلا مُبَشِّرِینَ وَمُنْذِرِینَ لِئَلا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَی اللَّهِ حُجَّهٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَکَانَ اللَّهُ عَزِیزًا حَکِیمًا»((2))

«پیامبران که بشارت دهنده وبیم دهنده بودند تا بعد از این پیامبران، حجت برای مردم باقی نماند (و حجت بر همه تمام شود) و خداوند توانا و حکیم است.»

در دو آیه قبل از این آیه، خداوند برای تثبیت مقام حجیت پیامبران، نام یازده نفر از پیامبران پیشین را ذکر کرده و می گوید برنامه های آنان توسط وحی الاهی بود و پس از آن، این مطلب مطرح می شود که بشارت و انذار آنان حجت خداوند بر مردم است و با تدبیر و حکمت الاهی اجرا می شود.

شیخ طوسی در تفسیر این آیه می نگارد: «این آیه دلالت دارد بر اینکه بشارت وانذار انبیا از

1-) بقره، 150.
2- نساء، 165.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

جهت حجیت برای مردم تمام و کامل است؛ زیرا اگر تمام نباشد باید بگوییم که انبیا به حجت دیگر نیازمند هستند و از لازمه آن تسلسل می باشد.»((1))

امام صادق علیه السلام درباره علت بعثت پیامبران و حجت بودن آنان، به این آیه استدلال کرده و می فرماید: خداوند پیامبران را برگزید تا حجت بر مردم تمام شده، پس از آن بهانه و عذری نیاورند و خداوند از کردار بدکاران با بیم دهندگان که حجت الاهی بودند این گونه خبر داده است:

«كُلَّمَا الْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَالَهُمْ خَزَنَتُهَا الَمْ يَاتِكُمْ نَذِيرٌ- قالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ»؛((2))

هرگاه که گروهی از آنان به دوزخ افکنده شوند، نگهبانان دوزخ از آنان می پرسند مگر بیم دهنده الاهی به سوی شما نیامد؟ می گویند چرا بیم دهنده به سوی ما آمد ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم خداوند هرگز چیزی نازل نکرده است.((3))

در سوره انعام درباره رسا بودن حجت الاهی می گوید:

«قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّهُ الْبَالِغَهُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ اجْمَعِينَ»؛((4))

بگو دلیل رسا و قاطع برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه ای باقی نمی گذارد) و اگر او بخواهد

1-) التبیان فی تفسیر القرآن، ج3، ص396.
2-) ملک، 8و9.
3-) تفسیر ثقلین، ج5، ص381.
4-) انعام، 149.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

همه شما را (به اجبار) هدایت می کند (ولی چون هدایت اجباری بی ثمر است این کار را نمی کند).

در برخی منابع تفسیری آمده است که مراد از حجت بالغه این است که تمام بهانه ها را از بین می برد و هیچ گونه شک و شبهه باقی نمی گذارد، چون خداوند جز حق چیزی نیست.((1))

هم چنین در سوره شوری دعوت هدایت گرانه پیامبر را حجت و سبب از بین رفتن حجت و دلیل مخالفان دانسته، به آن حضرت خطاب می کند:

«فَلِذَلِکَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ کَمَا امِرْتَ وَلا تَتَّبِعْ اهْوَاءَهُمْ وَقُلْ امَنْتُ بِمَا انْزَلَ اللَّهُ مِنْ کِتَابٍ وَامِرْتُ لِاعْدِلَ بَیْنَکُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّکُمْ لَنَا اعْمَالُنَا وَلَکُمْ اعْمَالُکُمْ لا حُجَّةَ بَیْنَنَا وَبَیْنَکُمُ اللَّهُ یَجْمَعُ بَیْنَنَا وَالَیْهِ الْمَصِیرُ»؛((2))

بدین سبب ای پیامبر! تو همه را به دین اسلام و کلمه توحید دعوت کن و چنانکه ماموری، پایداری کن و پیرو هوای نفس مباش و به امت بگو که من به کتابی که خدا فرستاده ایمان آورده ام و مامورم که میان شما به عدالت حکم کنم. خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست؛ پاداش عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از این تبلیغ) دیگر هیچ گفت و گویی میان ما و شما نیست. خداوند ما و شما را در یک جا جمع می کند و

1-) مجمع البیان، ج4، ص188.
2-) شوری، 15.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بازگشت همه به سوی اوست.

بنابراین اصل بحث حجت در قرآن به عنوان یک مطلب پذیرفته شده و بنیادی مطرح است که خداوند برای هدایت بندگان خود، کسانی را به عنوان حجت میان خود و بندگان معرفی کرده است که در این میان، بعثت پیامبران یکی از مصادیق روشن آن حجت های الاهی است که به واسطه آنان از بهانه جویی و عذرتراشی های بدکاران جلوگیری می کند تا در روز بازخواست از کردار، آنان نگویند که ما راهنمایی نداشتیم؛ لذا گمراه شدیم.

موضوع قانع کننده بودن حجت های خداوند به ویژه برنامه های هدایت گرانه پیامبران چنان مهم و تأثیرگذار دانسته شده است که در قرآن می گوید: پس از معرفی پیامبران به عنوان حجت الاهی و رسیدن برنامه های تبلیغی آنان به مردم دیگر هیچ گونه حجت و دلیل از طرف مخالفان پذیرفته نمی شود.

«وَالَّذِینَ یُحَاجُّونَ فِی اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِیبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَیْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ»؛((1))

کسانی که درباره خدا بعد از پذیرفتن او محاجه می کنند دلیل شان نزد پروردگارشان بی پایه و اساس است و غضب بر آنان است و عذاب شدید دارند.

و سرانجام اینکه خداوند در آیه ای دیگر، برنامه های آسمانی حضرت ابراهیم را به عنوان مصداق روشن حجت الاهی در برابر قومش ذکر کرده، می فرماید:

1-) شوری، 16.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«وَتِلْکَ حُجَّتُنَا اتَیْنَاهَا ابْرَاهِیمَ عَلَی قَوْمِهِ»((1))

اینها دلائل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم.

ما در اینجا به ذکر همین مقدار از آیات قرآن اکتفا می کنیم و بر این مطلب تأکید می شود که از این آیات به دست آمد که وجود پیامبران الاهی به عنوان حجت و برهان خداوند برای بندگان او در قرآن مطرح شده است و از جهت کاربردی و اعتقادی، این آیات زمینه ساز این مبنا و تفکر هستند که بندگان خداوند در هیچ زمان و عصری بی نیاز از حجت الاهی نیستند و از این رو خداوند در نظام پیوسته گاهی پیامبران را و گاهی کسانی را به جانشینی پیامبر به عنوان حجت میان خود و بندگان خود برگزیده است.

چنان چه صدرالمتألهین شیرازی با استفاده از آن دسته از آیات قرآن که پیامبران را به عنوان حجت معرفی کرده است، می گوید: از این آیات استفاده می شود که هیچ زمان و عصری از وجود حجت خدا خالی نبوده و این امر یک سنت همیشگی خداوند است و اما چون نبوت که به پیامبر اسلام خاتمه یافت، ولایت که باطن نبوت است به عنوان حجت الاهی تا روز قیامت باقی است.((2))

ما دراین اثر با استفاده از این آموزه قرآنی درباره ضرورت حجت خداوند پس از رسول

1-) انعام، 83.
2-) تفسیر قرآن، ج6، ص298.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خدا9 در قالب امامت، در گزینه های بعدی به تفصیل اشاره خواهیم کرد.

جایگاه مفهوم و مصداق حجت در روایات

با نگاه کاربردی به روایات، این مطلب قابل توجه است که واژه حجت در روایات یکی از واژگان پرکاربرد است که با روش های فراوان بدان پرداخته شده است و بیش از همه توجه به این نکته ضرورت دارد که هدف از بررسی حجت در این گزینه مفهوم و مصداق خاصی است که با واژگان ترکیبی چون «حجت الله»، «حجت الله علی الخلق» یا «حجت الله علی العباد» ذکر شده است؛ زیرا ما در اینجا از جهت روش شناسی به دنبال اثبات این مطلب هستیم که از دیدگاه روایات، وجود حجت خداوند در میان مخلوقات یکی از نیازمندی های همیشگی بندگان بوده و خداوند هم به این نیاز پاسخ داده و همیشه حجت خود را برای مردم تعیین کرده است. بر این اساس پیش از همه مناسب است آن دسته از روایات که در آنان اصل ضرورت حجت مطرح شده، نگارش یابد.((1))

1-) یادآوری می شود در منابع حدیثی اهل سنت روایات ضرورت حجت بسیار کمرنگ مطح شده است.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در روایتی از رسول خدا9 نقل شده است که خداوند به من فرمود:

«انی لا أترک أرضی بلا قیم لیکون حجه لی علی خلقی»؛((1))

من زمینم را بدون سرپرست وا نمی گذارم تا او حجت من بر خلقم باشد.

هم چنین در تفسیر آیه انی جاعل فی الارض خلیفه((2)) نقل شده است که مراد این است که آن خلیفه، حجت خداوند بر بندگانش باشد.((3))

روزی یکی از یاران رسول خدا9 از آن حضرت سؤال کرد:

اخبرنی ایعذب الله احد بلا حجه فقال معاذ الله؛((4))

به من خبر دهید آیا خداوند کسی را بدون حجت و دلیل عذاب می کند؟ حضرت فرمود: پناه می برم به خدا.

نیز امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ضرورت حجت خداوند در روی زمین به کمیل بن زیاد می فرماید:

«اللهم بلا لا تخلوا الارض من قائم لله بحجه اما ظاهرا مشهورا و اما

1-) تفسیر صافی، ج2، ص53؛ غایه المرام، ج1، ص327.
2-) بقره، 30.
3-) قصص الانبیا، راوندی، ص42.
4-) نور البراهین، سید نعمت الله جزائری، ج2، ص372.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خائفا مغمورا لئلا تبطل حجج الله و بیناته و کم ذا و این اولئک الا قلون عددا و لاعظمون عند الله قدرا یحفظ الله بهم حججه و بیناته... اولئک خلفاء الله فی ارضه و الدعاه الی دینه»؛((1))

«آری خداوندا! زمین هیچ گاه از حجت الاهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن قیام کند یا آشکار و شناخته شده یا بیمناک و پنهان تا حجت خدا باطل نشود و نشانه هایش از میان نرود. تعدادشان چه قدر و در کجا هستند به خدا سوگند که تعدادشان اندک ولی نزد خدا بزرگ مقدارند که خدا به وسیله آنان حجت های خود را نگه می دارد... آنان جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان مردم به دین خدایند.»

هم چنین آن حضرت درباره قطعی بودن حجت الاهی به مردم خطاب می کند:

فقد اعذر الله الیکم بحجج مسفره ظاهره؛((2))

خداوند با دلائل روشن و آشکار عذر ها را قطع کرده است.

امام صادق علیه السلام درباره دائمی بودن حجت الاهی می فرماید:

«الحجه قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق»((3))

1-) نهج البلاغه، حکمت 147، ص660، ترجمه دشتی.
2-) همان، خطبه 81، ص128.
3-) اصول کافی، ج1، ص332.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حجت پیش از مردم بوده و همراه مردم و پس از مردم خواهد بود.

هم چنین آن حضرت فرمود:

«ما زالت الارض الا ولله فیها الحجه یعرف الحلال و الحرام و یدعون الناس الی سبیل الله»؛((1))

زمین همیشه نپاید جز آنکه برای خدا در آن حجت باشد که حلال و حرام را برای مردم بیان کند و آنان را به راه خدا دعوت کند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که درباره ضرورت وجود حجت الاهی در میان مخلوقات فرمود:

«و الله ما ترک الله ارضا منذ قبض آدم الا و فیها امام یهتدی به الی لله و هو حجته علی عباده و لا تبقی الارض بغیر امام حجه الله علی عباده»؛((2))

«به خدا سوگند از روزی که آدم قبض روح شد خدا زمینی را رها نکرده جز آنکه در آن امام و پیشوای هدایتگری به سوی خدا بوده و او حجت خدا بر بندگانش بوده است هیچ گاه زمین بدون امام که حجت خدا بر بندگانش است باقی نمی ماند.»

هم چنین امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمود:

1-) همان، ص333.
2-) همان، ص334.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«لم تخل الارض منذ خلق الله آدم من حجه الله فیها ظاهر مشهور او غائب مستور و لا تخلو الی ان تقوم الساعه من حجه الله فیها و لولا ذلک لم یعبد الله»؛((1))

«از روزی که خداوند آدم را آفرید، هرگز زمین از حجت خدا در آن به گونه آشکار یا پنهان خالی نبوده و تا برپایی قیامت نیز از حجت خدا خالی نخواهد ماند؛ زیرا اگر حجت نباشد خداوند هرگز عبادت نمی شود.»

نیز آن حضرت فرمود:

«لم تخلو الارض منذ کانت من حجه عالم یحیی فیها ما یمیتون من الحق»؛ ((2))

«زمین از روزی که به وجود آمد هرگز از حجت دانا خالی نماند که در زمین کسانی را که از پیمودن راه حق هلاک می شدند زنده می کرد.»

امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

«ان الارض لا تخلو من حجه الله علی خلقه فی کل عصر و اوان و

1-) بحار الانوار، ج52، ص92.
2-) همان؛، ج23، ص37.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

انهم لعروه الوثقی و ائمه الهدی و الحجه علی اهل الدنیا»؛((1))

«همانا زمین هیچ گاه از حجت خدا بر خلق در تمام دوره و زمانها خالی نمی ماند و آن (حجت خدا) ریسمان محکم و پیشوایان هدایت و حجت بر اهل دنیا است.»

امام صادق علیه السلام درباره وجود حجت در تمام زمانها می فرماید:

«ان آخر من یموت الامام لئلا یحتج احد علی الله عزوجل انه ترکه بغیر حجه لله علیه»؛((2))

آخرین کسی که از دنیا می رود پیشواست تا کسی به خداوند نگوید که او را بدون حجت واگذاشته بود.

بنابراین، مسئله حجت و ضرورت آن در روایات به عنوان یکی از اصول مسلم هدایتگرانه خداوند مطرح شده است که ما به ذکر همین مقدار از روایات بسنده می کنیم و بر این نکته اشاره می شود که طبق این روایات، حجت الاهی جلوه ای است از حکمت هدایت گرانه ی خداوند برای نجات بندگانش از گمراهی که در هر عصر و زمانی در قالب نبوت و امامت به هدایت مردم پرداخته و با وجود آن عذر و بهانه مردم از افتادن در دام جهالت و بی خبری بسته شده و برای مردم نیز واجب است که از آن حجت های الاهی فرمانبرده و

1-) تفسیر نور الثقلین، ح1، ص262؛ تفسیر کنز الدقائق، ج1، ص614.
2-) اصول کافی، ج1، ص336.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

با دستورات آنان مخالفت نورزند.

مفهوم حجت در لغت

مفهوم حجت در نزد لغویان بسیار گسترده و دارای معنای عام است که در کاربرد های اهل این فن به هر چیزی که بتوان با آن در برابر دیگران استدلال کرد به آن حجت می گویند.

ازهری در «لسان العرب» می گوید:

و الحجه الدلیل و البرهان و القصد و الوجه الذی یکون به الظفری عند الخصومه؛((1))

حجت یعنی دلیل و برهان و قصد که به وسیله ی آن پیروز شود هنگام منازعه.

صاحب «فروق اللغویه» می نگارد:

الحجه هی الاستقامه فی النظر و المضیء علی سنن المستقیم و هی الطریق المستقیم؛((2))

حجت عبارت است از پایداری در نظر و پیمودن بر روش راست و آن (حجت) راهی راست و بدون انحراف است.

در برخی منابع لغوی آمده است:

الحجه... ما دفع به الخصم و انما سمیت حجه لانها تحتج ای تقصد؛((3))

حجت چیزی است که با آن دشمن دفع می شود و حجت را حجت نامیدند چون با آن استدلال نموده و قصد و آهنگ

1-) لسان العرب، ج2، ص226.
2-) فروق اللغویه، ص233.
3-) تاج العروس، ج2، ص17.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می کنند.

در «قاموس القرآن» نیز حجت را به معنای برهان و دلیل معنا کرده است. ((1))

بنابراین حجت در نزد لغویان عبارت است از چیزی که در مقام منازعه کاربرد دارد و بتوان با آن بر دشمن پیروز شده و در آن شرط است که در نزد خصم مسلم و مورد قبول باشد تا برای او مطلب را ثابت کرده و عذر و بهانهٔ او را از بین ببرد.

حجت در اصطلاح

با دقت در کاربرد های اصطلاحی حجت این مطلب روشن است که واژه حجت در بسیاری از علوم کاربرد دارد اما از جهت مفهوم هر کدام دارای ویژگی های تاحدودی متفاوت و هماهنگ با اصطلاح خاص موضوع آن علم، به کار رفته است. برای نمونه حجت نزد منطقیان گاهی آن چیزی است که در هنگام استدلال حد وسط در میان کبری و صغری قرار می گیرد و گاهی می گوید: حجت به معنای مجموع قضایای قیاسی و مقدمات و نتیجه آن است و حجت نزد اصولیان یعنی طرق و امارات شرعیه که بتوان با استناد به آن به احکام شرعیه دست یافت.((2))

به تناسب بحث در اینجا تأکید می شود که هدف از مفهوم حجت در این اثر معنای خاص اعتقادی و کلامی است که به عنوان حجةٌ الله (حجت خدا) مطرح است که در گستره وسیع و در تمام ابعاد زندگی فردی، اجتماعی، عملی و اعتقادی دانشمندان

1-) قاموس القرآن، ج1، ص190.
2-) آقا ضیا عراقی، نهایه الافکار، ج3، ص20؛ فوائد الاصول، ج3، ص4.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اسلامی مفهوم و مصداق خاص دارد که بر اساس لطف خداوند برای همیشه در روی زمین وجود دارد که در تعریف آن آمده است:

ان الارض لا تخلو من حجه وان وجوده لطف و تصرفه لطف اخر؛((1))

زمین هیچ گاه از حجت خالی نیست و وجود آن (حجت) لطف است و تصرف آن لطف دیگر.

در برخی منابع آمده است: اساساً چون غرض از خلقت بشر به کمال رسیدن اوست، پس باید برنامه ای باشد و آن برنامه باید ابلاغ شود و خداوند توسط رسول این کار را انجام داده است حال چون رسول از دنیا می رود باید زمین از حجت خدا خالی نباشد که این مراحل به قاعده لطف تحقق یافته و خداوند در احتجاج بر مکلفان می فرماید: مگر من برای شما شریعت نفرستادم؟ و سرکشان را به واسطه وجود آن حجت مؤاخذه می کند و اگر غیر از این باشد مؤاخذه و بازخواست قبیح خواهد بود.((2))

صدرالمتألهین شیرازی در این باره می گوید: مراد از بحث «حجت الله علی العباد» این است که سنت خداوند بر این بوده است که در هر زمان کسانی را برای پیشوایی انسان ها معرفی کند.

لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حیی عن بینه؛((3))

تا گمراهان از روی بینه گمراه شده و رستگاران نیز از روی بینه و دلیل رستگار شوند.

1-) قواعد العقائد، ص120؛ اصل الشیعه و اصولها، ص74.
2-) آیت الله میلانی، با پیشوایان هدایتگر، صص280- 281.
3-) تفسیر قرآن کریم، ج6، ص298.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هم چنین حجت در اصطلاح دانشمندان اهل سنت به همان معنای قطع عذر و بهانه آمده است که خداوند با وجود آن حجت بر بندگان خود احتجاج کرده و خطاکاران را مؤاخذه می کند.((1))

در بسیاری از منابع اهل سنت از حجت به معنای سلطان تعبیر شده و می گوید: حجت را سلطان می گویند؛

لان الصاحب الحجه یقهر من لا حجه معه عند النظر کما یقهره السلطان غیره؛((2))

چون دارنده حجت (دلیل) بر کسی که هنگام مناظره دلیل همراه ندارد غلبه می کند، آن گونه که سلطان بر غیر خودش غلبه می کند.

نویسنده موسوعهٔ مصطلحات علم الکلام در این زمینه می نگارد: مراد از حجت در نزد دانشمندانی مانند ابن هذیل و هشام این است که

ان الله لا یخلی الارض من جماعه المسلمین اتقیاء یغیرون الی ان یفارقهم الدنیا؛((3))

خداوند زمین را از وجود گروهی از مسلمانان که از پرهیزگاران و نیکان هستند خالی نمی گذارد و گفتار آنان برای پیشینیان آنان حجت است؛ زیرا خداوند می داند که آنان تغییر و

1-) ابو جعفر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج10، ص9.
2-) تفسیر فخر رازی، ج6، ص394.
3-) دکتر سمیح دغیم، موسوعهٔ مصطلحات علم الکلام الاسلامیه، ج1، ص 452.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دگرگونی در دین ایجاد نمی کنند تا اینکه از دنیا بروند.

و در برخی منابع آمده است: به امیر، سلطان و حجت می گویند چون او حجت خداوند در زمین است.((1)) جرجانی دراین باره می نگارد:

و قد اشبهت الحجه بالشمس من جهه ظهورها؛((2))

گاهی از حجت به شمس تعبیر می شود از جهت اینکه روشن و آشکار است.

سرانجام اینکه مفهوم حجت در نزد متکلمان، یکی از حجت ها و براهین روشن خداوند است که برای قطع عذر و بهانهٔ بندگان از جانب خداوند معرفی می شود و ما در اینجا به این مقدار بسنده می کنیم و تأکید می شود که تمام دانشمندان اسلامی در اصل مفهوم حجت الله و کاربرد اعتقادی آن اختلاف ندارند.((3))

1-) ابن جوزی، زاد المسیر، ج2، ص211.
2-) اسرارالبلاغه، ص34.
3-) شرح اصول خمسه، ج1، ص2.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ضرورت حجت در اندیشه دانشمندان اسلامی

با بررسی آرا و افکار دانشمندان اسلامی این مطلب مهم به دست می آید که تمام اندیشمندان اسلامی نسبت به ضرورت وجود حجت میان خداوند و بندگانش اندیشه مشترک دارند و همگان به عنوان یک مبنای مسلم پذیرفته اند که چون خداوند تکالیفی را به عهده بندگانش گذاشته است و در روز قیامت آنان را نسبت به آن تکالیف بازخواست می کند، و نیز از آنجا که رفتار خداوند طبق حکمت و بر اساس دلیل و برهان است، لازم است در هر عصر و دوره، حجت از جانب خداوند باشد تا با بیان آن دستورات و تکالیف الاهی بر بندگان، حجت را بر آنان تمام کند که به عنوان شاهد به مواردی از گفتار دانشمندان اشاره می شود:

علامه حلی در این رابطه می گوید: ناگزیر در هر عصر و زمان باید حجت از جانب خداوند بر بندگانش باشد تا احکام شرعی را برای آنان بازگو کند تا مردم نسبت به فرمانهای الاهی گرفتار خطا نگردند و بر این اساس امکان ندارد که خود آن حجت گرفتار خطا شود.((1))

شیخ مفید درباره ضرورت حجت می گوید:

نعتقد ان الارض لا تخلو من حجه الله علی خلقه؛((2))

ما (امامیه) عقیده داریم بر اینکه

1-) الالفین، ص279.
2-) الاعتقاد، ص94.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

زمین هیچ گاه از وجود حجت بر بندگان خالی نیست.

سید مرتضی در (الشافی) می گوید: واجب است در هر عصر و زمان میان خداوند و بندگانش کسی به عنوان حجت وجود داشته باشد و آن حجت عبارت است از امام و پیشوایی که تأیید شده از جانب خداوند است؛ زیرا برای حجت لازم است شرایط و صفاتی مانند عصمت وجود داشته باشد. ((1))

شیخ طوسی در این باره می نگارد:

لا یخلو من الاوقات ممن یجب اتباعه و تثبت حجته و یکون حجه الله علی خلقه؛((2))

هیچ زمانی از زمان ها خالی نیست از کسی که واجب باشد پیروی از آن و ثابت نماید حجت خداوند را و او حجت خداوند بر بندگانش است.

صدر المتألهین شیرازی با نگرش به آیات قرآن در تفسیر آیه 27 سوره حدید درباره ضرورت حجت می گوید: این آیه دلالت دارد بر این که

عدم خلو الزمان عمن یقوم به حجه الله علی خلقه اذ علم انه بهذا اجرت سنه الله من لدن آدم و نوح و آل ابراهیم الی وقت نبینا و لن تجد لسنه الله تبدیلا لکن النبوه قد ختمت برسولنا و لولایه هی باطن

1-) الشافی، ج1، ص36.
2-) تفسیر تبیان، ج4، ص311.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

النبوه باقیه الی یوم القیامه فلابد فی کل زمان بعد زمان الرساله من وجود ولی یعبد الله علی الشهود الکشفی من غیر تعلم و یکون عنده ماخذ علوم العلما و المجتهدین وله الرئاسه العامه فی امر الدین والدینا و هو الداعی للخلق بحسب الفطره من قبل الله سواء اطاعه الرعیه اولا و الناس اجابوه او نکروه؛((1))

زمان هیچ گاه خالی نیست از کسی که به وسیله ی او اقامه گردد حجت خدا بر خلقش؛ زیرا می دانیم این سنت خداوند از زمان حضرت آدم، نوح و آل ابراهیم تا زمان پیامبر ما جاری شده و برای سنت خداوند تحول و دگرگونی به وجود نمی آید و از آنجایی که نبوت با آمدن رسول ما پایان یافته است، ولایت که حقیقت نبوت است تا روز قیامت باقی است، پس ناگزیر در هر زمان بعد از عصر رسالت باید ولی (سرپرستی) وجود داشته باشد تا خداوند را از راه شهود و کشف و بدون کسب و تعلم عبادت نماید و باید در نزد آن ولی، سرچشمه دانش دانشمندان و مجتهدان وجود داشته باشد و برای او (حجت) پیشوایی همگانی در امور دین و دنیا است و او دعوت کننده مردم طبق فطرت

1-) تفسیر القرآن الکریم، ج6، ص298.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به سوی خداوند است، حال مردم از او فرمان برند یا نبرند، اجابت کنند دعوت او را یا انکار فرقی ندارد.

بنابراین دانشمندان امامیه نسبت به ضرورت وجود حجت اتفاق نظر دارند و همچنین دانشمندان اهل سنت به ضرورت وجود حجت مانند دانشمندان شیعه اتفاق دارند که به شواهدی اشاره می شود:

فتح الدین حنفی پس از طرح این سؤال که آیا در هر عصر و زمان وجود حجت که اطاعت او بر همگان واجب باشد لازم است یا نه، در جواب می گوید:

والجواب انه یجب ان یکون فی کل عصر معلم یکون حجه علی الخلق من الله تعالی و قد اعترف بهذا الضرورت کلهم؛((1))

پاسخ ما این است که واجب است در هر زمان معلم باشد از جانب خداوند تا او حجت باشد برای مردم و بر این ضرورت (وجود حجت) تمام دانشمندان اعتراف کرده اند

جصاص در «احکام القرآن» می نگارد: آیه 27 سوره حدید که می گوید:

ثم قفینا علی اثرهم برسلنا،

سپس در پی آنان رسولان دیگر خود را فرستادیم؛

فی هذه الایه حجه علی عدم خلو الزمان عمن یقوم به حجه الله علی

1-) فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، ص104.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خلقه اذ علم آنان بهذا جرت سنه الله من لدن آدم و نوح و آل ابراهیم الی وقت نبینا؛((1))

این آیه دلیل است بر اینکه هیچ گاه زمان از کسی که به وسیله ی آن حجت خداوند بر مردم تمام شود خالی نیست، زیرا می دانیم که این سنت خداوند از زمان حضرت آدم و نوح و آل ابراهیم تا زمان پیامبر ما جریان داشته است.

در برخی منابع اعتقادی اهل سنت امده:

لا یعذب الله احدا حتی تقوم علیه الحجه و حتی یهدی هذه الهدایه کما قال الله رسلا مبشرین و منذرین؛((2))

خداوند هرگز کسی را عذاب نمی کند مگر اینکه حجت را بر او تمام کرده و او را به وسیله ی هدایت گران هدایت و راهنمایی کند آن گونه که در قرآن فرموده پیامبران بشارت دهنده و بیم دهنده هستند.

محمد بن جریر طبری در تفسیر آیه 42 سوره انفال (لیهلک من هلک عن بینهٔ؛ تا آنان که هلاک (گمراه) می شوند از روی حجت و برهان باشد) می گوید این آیه دلالت دارد که خداوند برای آنان حجت و برهان معرفی می کند تا از عذر و

1-) احکام القرآن، ج1، ص108.
2-) شرح عقیده الطحاویه، ص112.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بهانه ای که می آورند، جلوگیری کند.((1))

هم چنین علاوه بر آنچه ذکر شد، بسیاری از دانشمندان اهل سنت ضرورت وجود حجت را در تمام زمانها به ویژه در زمان بعد از رسول خدا9 در میان امت اسلامی پذیرفته اند.((2))

بنابراین از آنچه به نگارش درآمد، به دست آمد که مسئله ضرورت وجود حجت در میان دانشمندان شیعه و سنی به عنوان یک مبنای مشترک و مسلم پذیرفته شده و کسی ادعا نکرده است که ما نیاز به حجت از جانب خداوند نداریم.

جایگاه ابلاغ و تفهیم حجت بر مردم

با قرار گرفتن واژگانی چون «حجةٌ الله علی الناس» در کنار یکدیگر و اثبات این مطلب که در همه زمان ها وجود حجت خداوند برای مردم ضرورت دارد، ((3)) اکنون اشاره به این مطلب ضرورت دارد که از جهت تئوری در این سه واژه، الله در یک طرف قضیه و مردم در جانب دیگر آن قرار دارند و حجت به عنوان حلقه اتصال میان خداوند و بندگانش مطرح شده است و این قضیه از جهت مفهومی و کاربردی به این معناست که حجت باید از جانب خداوند برای مردم تعیین شود.

حال برای بیرون شدن از حالت تئوری و نظریه پردازی بر ضرورت وجود حجت، ضرورت دارد با نگاهی کاربردی و عینی، به این سؤال مهم اشاره

1- جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج10، ص9.
2-) نصر بن حجاج مروزی، السنه، ص15؛ عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، ص87؛ مجموعه من العلما، بحوث الندوه، ص43.
3-) ادله آن در گزینه های قبلی گذشت.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شود که دو طرف این قضیه یعنی خداوند به عنوان اقامه کننده و مردم به عنوان پذیرنده حجت، چه مسیری را باید طی کنند؟ گرچه در ابتدای نظر پاسخ این سؤال از جانب هر کس بسیار روشن خواهد بود تا بدون تأمل اظهار بدارد که در این قضیه طبیعی ترین و عاقلانه ترین راه این است که اقامه کننده حجت و دلیل وظیفه دارد تا حجت و دلیل خود را به اطلاع طرف مقابل رسانده و برای او حجت را تفهیم کند تا جلوی عذر و بهانه او را در مدعایش بگیرد.

بر همین اساس است که تمام دانشمندان شیعی و بسیاری از دانشمندان اهل سنت پس از اثبات ضرورت وجود حجت از جانب خداوند برای مردم، در مرحله بعد این مطلب را به عنوان یک مطلب بدیهی و عقلانی پذیرفته اند که بر خداوند سزاوار است تا آن حجت خود را برای مردم تعیین و معرفی کند که ما هم در اینجا برای روشن بودن این مطلب نیاز به ذکر دلیل و شاهد نمی بینیم((1)) اما برای رعایت مسیر علمی بحث به این نکته اشاره می شود که در میان دانشمندان اهل سنت کسانی وجود دارند که می گویند در این قضیه اگر چه از جهت مبانی، وجود حجت از جانب خداوند برای مردم ضرورت دارد اما تفهیم و شناساندن آن حجت از جانب خداوند برای مردم لازم نیست، بلکه صرفا ابلاغ کافی است. در برخی منابع آمده است:

ان الحجه قائمه علی هولاء بمجرد البلوغ فدل علی ان الفهم لیس

1-) برای مطالعه بیشتر رک التبیان، شیخ طوسی، ج1، ص252؛ مجمع البیان، ج4، ص188؛ الشافی، ج1، ص160؛ شیخ مفید، رسائل فی الغیبه، ص5.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بشرط؛((1))

همین که حجت برای مردم ابلاغ شد کافی است و دیگر تفهیم حجت برای آنان لازم نیست.

بعضی ادعا کرده اند که علما اجماع دارند بر اینکه برای هر کس نام حجت رسید حجت بر او تمام شده است؛

و لیس المراد بقیام الحجه ان یفهمها الانسان؛((2))

و مراد از قیام حجت این نیست که کسی آن را بفهمد.

هم چنین در بعضی منابع آمده است که حجت خداوند صرفا با نزول قرآن و ارسال رسول تمام می شود و دیگر تفهیم شرط نیست((3))؛ اما از جانب دیگر برخی دانشمندان اهل سنت به مقابله با این نظریه برخاسته می گویند: برای اینکه حجت خداوند بر مردم تمام شود باید علاوه بر ابلاغ در مواردی که ابهام وجود دارد تفهیم نیز داشته باشد.

در برخی منابع در این زمینه آمده است:

و من المسلم به ان حجه الله لا تقوم علی الخلق الا بالبیان و الدعوه؛((4))

از بدیهیات است که حجت خداوند بر مردم تمام نمی شود مگر به وسیله ی

1-) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، ص32.
2-) سلیمان خشعمی، کشف الاوهام و الالتباس، ص112.
3-) انجاح المعتمد، ص19؛ لوامع الانوار البهیه، ج2، ص405.
4-) بحوث الندوه، ص43.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بیان و خواندن.

حال این بیان و خواندن، بخشی از آن تفهیم است و باید ابهام زدایی صورت گیرد.

سرانجام اینکه ما اگر تاریخ پیامبران الاهی و اوصیای بعد از آنان را به دقت مطالعه کنیم این مطلب بسیار روشن است که خداوند در فرستادن آن حجت های خود، صرفا به بعثت و برگزیدن آنان میان مردم اکتفا نکرده است، بلکه برای اینکه جلوی هرگونه کج اندیشی را گرفته باشد، تمام آن حجت های خود را با معجزات آشکار و ادله برای اثبات حجت بودن آنان به سوی بشر فرستاده است تا کسی در این زمینه ادعای جهل و بی خبری نکند.((1)) علاوه بر این فلسفه وجودی حجت نیز این اقتضا را دارد؛ زیرا هدف خداوند از برگزیدن آن حجت ها میان خلق این است که به وسیله ی آنان در قیامت خلاف کاران را کیفر کند. حال اگر آن حجت های خود را برای مردم با ادله ای مخصوص مانند داشتن معجزات و غیره معرفی نکند، حجت بالغه الاهی تمام نخواهد شد و عذر های دیگری خواهند آورد و اما اینکه پس از اقدام خداوند بر معرفی و تفهیم حجت،

1-) مقدمه ابن خلدون، ص110.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مردم آن را می پذیرند یا نه این سخن دیگری است که اینجا جای بحث تفصیلی آن نیست و تنها به این نکته تأکید می شود که برخی اوقات ممکن است انگیزه هایی مانند لجاجت، تعصب، حسادت و... سبب شود که کسی بعد از تفهیم الاهی نیز حجت او را نپذیرد.

مصداق حجت در اندیشه دانشمندان اسلامی

اشاره

با اندک نگرش بر مبانی و اندیشه دانشمندان شیعی و سنی و رویکرد معرفتی آنان بر مصداق شناسی حجت خداوند، به فرایند ها و مسیر های گوناگون پیموده شده به وسیله ی آنان برمی خوریم که در برخی از آن فرایند ها نقاط مشترک و امیدوار کننده ای برای ایجاد وحدت اسلامی وجود دارد و در مواردی نیز به یک سری جدا انگاری ها و نقاط جدایی میرسیم که مناسب است در اینجا به دلیل اهمیت مطلب به گونه ای جداگانه و مستقل بررسی شود:

الف - مصادیق مشترک حجت در نزد شیعه و سنی

پیش از همه تأکید می شود همان گونه که دانشمندان شیعی و سنی نسبت به ضرورت وجود حجت خداوند بر مردم دارای مبانی مشترک هستند، به دنبال آن در مصداق گزینی حجت نیز در موارد بسیار مهم و کلیدی دارای تفاهم و اندیشه یکسان هستند.

برای نمونه تمام اندیشمندان شیعه و سنی بر این امر اتفاق دارند که وجود قرآن و پیامبر به عنوان دو حجت رسا و خطاناپذیر الاهی در میان امت اسلامی برای همیشه بوده و هست و هیچ دانشمند معتقد به اسلام، حجیت قرآن و پیامبر

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را انکار نکرده بلکه تمام دانشمندان اسلامی از هر گروه و صنفی سعی دارند تا برای اثبات مدعای خود در هر زمینه از آیات قرآن و روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله شاهد اقامه کنند که این اقبال عمومی نشان دهنده مقبولیت و حجت بودن قرآن و پیامبر در نزد مسلمانان است و همگان بر این مطلب عقیده دارند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوند حجت و هدایتگر خلق برگزیده شده و قرآن که بر آن حضرت نازل شده بود نیز حجت و تحریف ناپذیر است.((1))

در حقیقت این عقیده مشترک دانشمندان اسلامی برگرفته شده از تأییدات خداوند است که در قرآن کریم با نازل کردن آیات فراوان، قرآن و پیامبر را به عنوان دو حجت همسان و اطمینان بخش برای مسلمانان معرفی کرده است که ما در اینجا به برخی از آن آیات به عنوان شاهد اشاره می کنیم:

در سوره بقره می فرماید:

«كَانَ النَّاسُ امَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَانْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ الا الَّذِينَ اوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ»؛((2))

مردم (در آغاز) یک دسته بودند (تضاد میان آنان وجود نداشت) به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضاد های میان آنان پیدا شد (در این حال) خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و

1-) اصل الشیعه و اصولها، ص66.
2-) بقره، 213.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بیم دهند و کتابی آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد به آنان نازل کرد تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند داوری کنند. تنها کسانی که کتاب را دریافت کرده بودند و نشانه های روشن به آنان رسیده بود، به دلیل انحراف از حق و ستمگری در آن اختلاف کردند.

و در آیه دیگر می فرماید:

«لَقَدْ ارْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَیِّنَاتِ وَانْزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَابَ وَالْمِیزَانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛((1))

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب (آسمانی) و میزان شناسایی حق از باطل نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

در سوره مبارکه جمعه می گوید:

«هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الامِّیِّینَ رَسُولا مِنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ ایَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَهَ»؛((2))

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از میان خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می خواند و آنان را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد.

سرانجام اینکه این آیات و آیات فراوان دیگر، پیامبر و قرآن را به عنوان دو حجت خود برای مسلمانان معرفی کرده است که در حجیت آنان هیچ گونه شک و شبهه ای وجود ندارد.

1-) حدید، 25.
2-) جمعه، 2.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بر این اساس است که برخی از دانشمندان معاصر درباره حجیت قرآن و مقبولیت آن نزد مسلمانان می گویند:

حجیه القرآن اکبر من ان یتحدث عنها بین المسلمین بعد ایمانهم جمیعا بثبوت تواتره و اعجازه؛((1))

حجیت قرآن بزرگتر است از اینکه درباره آن میان مسلمانان سخن به میان آید، زیرا آنان به تواتر و معجزه بودن قرآن ایمان دارند.

در برخی منابع اهل سنت آمده است: «کتاب خداوند و رسول به عنوان دو حجت خداوند در میان بندگانش می باشد.»((2))

هم چنین یکی از علمای شافعی مذهب می گوید: «بدون شک قرآن یکی از حجت های خداوند بر مردم است.»((3))

سرانجام اینکه نسبت به حجت بودن قرآن و پیامبر میان دانشمندان اسلامی، دوگانگی وجود ندارد، مگر در بعضی موارد بسیار فرعی و جزئی که آنان نیز مورد توجه بیشتر بزرگان قرار ندارد.((4))

ما در اینجا به همین مقدار بسنده می کنیم و در پیوند همین بحث اشاره می شود که بر اساس حجت بودن شخص پیامبر است که دانشمندان اسلامی،

1-) محمد تقی حکیم، الاصول العامه للفقه المقارن، ص95.
2-) موسوعه مصطلحات علم الکلام، ج1، ص453.
3-) التنبیه و الرد، ص29.
4-) برای اطلاع بیشتر رک فرائد الاصول، ج3، ص48؛ البیان فی تفسیر القرآن، خوئی، ص144؛ الاتقان، سیوطی، ج1، ص58 به بعد؛ العقاعد الاسلامیه، عبدالحمید بن بادیس، ص87.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سنت آن حضرت را نیز به عنوان حجت پذیرفته اند و مصداق سنت در نزد آنان عبارت است از کردار، گفتار و امضای رسول خدا9 (تقریر).

درباره اثبات سنت و برخی شرایط جزئی دیگر میان دانشمندان به ویژه اصولیان، اختلافاتی در مبانی وجود دارد که ارتباط با بحث اینجا ندارد، ولی آنچه ارتباط به اینجا دارد این مطلب است که به طور کلی نسبت به اصل حجیت سنت بسیاری، ادعای ضرورت کرده اند و آن را از بدیهیات دینی دانسته اند. در کتاب الاصول العامه للفقه المقارن آمده است:

و الحقیقه ان المناقشه فی حجیه السنه او انکارها مناقشه فی الضروریات الدینیه و لیس لنامع منکر الضروری من الدین حساب لانه خارج عن طبیعه رسالتنا بحکم خروجه عن اسلام؛((1))

و در حقیقت اشکال نمودن به حجیت سنت یا انکار آن، اشکال گرفتن در ضروریات دینی است و ما را با منکر ضروری دین کاری نیست چون او خارج از وظیفه ما و به حکم بیرون از اسلام است.

شوکانی یکی از دانشمندان اهل سنت می گوید:

ان ثبوت حجیه السنه المطهره و استقلالها بتشریع الاحکام ضروره دینیه و لا یخالف فی ذلک الا من لا حظ له فی دین الاسلام؛((2))

1-) محمد تقی حکیم، الاصول العامه، ص119.
2-) محمد تقی حکیم، پیشین، ص119، به نقل از ارشاد الفحول، ص33.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اثبات حجیت سنت پاک و مستقل بودن برای تشریع (استنباط) احکام از بدیهیات دینی است و بر این امر مخالفت نمی ورزد مگر کسی که بهره ای از دین اسلام ندارد.

با این دو شاهد از گفتار دو دانشمند شیعی و سنی، این بحث را به پایان رسانده و بر این مطلب تأکید می کنیم که ما بحث حجیت سنت پیامبر را به این دلیل در اینجا مطرح کردیم که در حقیقت حجیت سنت آن حضرت به عنوان یک حجت الاهی است که در حقیقت می توان گفت مسلمانان در مرحله نخست خود آن حضرت را به عنوان یک حجت تایید شده از جانب خداوند، که هیچ گونه شک در آن وجود ندارد، پذیرفته اند و در مرحله بعد سنت ایشان را که باز هم از امور مشترک است، پذیرفته اند.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ب - رهیافتی بر مصادیق اختصاصی حجت

با مراجعه به آرا و عقاید دانشمندان اسلامی، آشکار می شود که آنان برای زمان بعد از رسول خدا9 اصل نیاز به حجت را امری مسلم دانسته و از جهت کاربردی، مصادیقی را نیز به عنوان حجت معرفی کرده اند که در ارائه مصادیق و حجت بعد از رسول خدا9 مبانی متفاوت و گوناگونی ارائه شده که در نتیجه، امت اسلامی در زمینه حجت شناسی در دام ناگوارترین تلخ کامی ها و اختلافات گرفتار شدند که به مواردی از مبانی مذاهب اسلامی در مصداق شناسی حجت به گونه ای مستقل اشاره می شود.

مصداق حجت در اندیشه اهل سنت

اشاره

اندیشه اهل سنت در مصداق شناسی حجت خداوند بعد از رسول خدا9 ظاهرگراست و در حقیقت مبانی آنان در این زمینه بر اساس برخی مسائل تاریخی استوار است و در این زمینه با توجه به این مطلب که با بعثت پیامبر خاتم، نبوت خاتمه یافته؛ اما دین آن حضرت برای ابد باقی است و تا در این دنیا مکلفی وجود دارد، او برای رسیدن به سعادتمندی و پیمودن مسیر تکامل نیازمند به دین است و چون برای همه مکلفان دست یابی به واقعیت های دین میسر نیست و از طرفی اختلافات در مسائل دینی وجود دارد، لذا دین داران همیشه در شناخت و معرفت واقعی دین نیاز به راهنما و افراد متخصص در دین دارند و بر این اساس است که دانشمندان اهل سنت مصادیقی را به عنوان حجت بعد از رسول خدا9 برای امت اسلامی معرفی کرده اند که به مواردی اشاره

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می شود:

1 - حجیت مقامی و معرفتی اصحاب

اشاره

گزینه انتخاب شده به معنای عام آن - که در علم اصول یا فقه یا علم رجال درباره جایگاه حجیت سنت و روایات و اجماع صحابه در استنباط احکام یا حل مسائل تاریخی، سیاسی و اجتماعی بحث می کند - نیست بلکه دراینجا زاویه بحث مربوط به جایگاه کلامی و اعتقادی حجیت صحابه و مربوط به مقام معنوی آنان است که در بسیاری از منابع اهل سنت از آنان به عنوان «حجةٌ الله بین العباد» تعبیر شده است و صحابه را بعد از رسول خدا9 به عنوان یک مرجع دینی و پیروی کردن از آنان را سبب ادای تکلیف و موجب برداشته شدن عقاب الاهی می دانند و از طرفی مخالفت با آنان را سبب کفر و خروج از دین می دانند که با توجه به این قداست بخشی برای اصحاب پیامبر، نمی توان برای آنان مقامی جز مقام حجت الاهی برگزید که مربوط می شود به مبانی اعتقادی و کلامی و اثبات شأن و مقام حجیت برای آنان((1)) و تفکر و اندیشه اهل سنت بر این اساس استوار است که صحابه منادیان دین و حافظان شریعت پس از رسول خدا9 هستند.((2))

1-) از جهت روش علمی تفکیک میان مبانی بحث ضرورت فراوان دارد؛ زیرا در موارد فراوان اصرار بر یک مورد، انسان را از واقعیت های مهم تر محروم می کند مثلا در همین بحث در مرحله نخست بحث قداست بخشی مقام معنوی بر صحابه است که متفرع آن بحث سنت صحابه و اجماع آنان مطرح است و حال آنکه در بسیاری از بحث ها این مسئله روشن نشده است.

2-) فتح المغیت، ج3، ص103؛ سیوطی، تدریب الراوی، ج2، ص214.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نصر بن حجاج مروزی در این زمینه می نگارد:

فهم (الصحابه) حجه الله علی خلقه بعد رسول الله یؤدون عن الرسول ما ادّی الیهم لانه بذلک امرهم فقال فلیبلغ الشاهد منکم الغائب فمضو علی منهاج نبیهم متبعین حکم القرآن و سنت رسول الله؛((1))

پس آنان (اصحاب) حجت خداوند بر مخلوقاتش بعد از رسول خدا9 هستند و آنان ابلاغ می کنند از جانب پیامبر آنچه را که به آنان رسیده بود، زیرا رسول خدا9 به آنان سفارش کرده بود که حاضران به غائبان ابلاغ کنند. پس از آن صحابه قدم گذاشتند بر راه پیامبرشان و از دستور قرآن و سنت پیامبر پیروی کردند.

شیخ الاسلام رازی در این باره می گوید: «پس از رسول خدا9، اصحاب حجت میان خدا و خلق هستند و ما معانی قرآن و دین را به وسیله ی آثار صحابه می شناسیم.»((2))

عجلی یکی از رجال نویسان در این باره می گوید: اهل سنت و جماعت اتفاق دارند بر اینکه

الصحابه کلهم عدول لم یخالف الامبتدع بتعدیل الله لهم واخباره

1-) مروزی، السنه، ص15.
2-) الجریح و التعدیل، ج1، ص2.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بطهارتهم؛((1))

همه اصحاب عادل اند و با آنان مخالفت نمی ورزند مگر بدعت گزاران به دلیل اینکه خداوند آنان (اصحاب) را تعدیل کرد و رسول خدا9 نیز به عدالت آنان خبر داده است.

ابن حجر در «اصابه» می گوید: «هر کسی به عدالت صحابه اشکال کند زندیق است.»((2))

حاکم در «مستدرک» می نگارد:

فان الله تعالی انعم علی هذه الامه باصطفائه بصحبه نبیه اخیار خلقه فی عصره و هم الصحابه النجبا البرره الاتقیا لزموه فی الشده و الرخاء حتی یحفظو عنه ما شرع لامته بامر الله؛((3))

پس خداوند بر این امت، نعمت عنایت کرد و برای مصاحبت پیامبرش از میان این امت عده ای از بهترین خلقش را برگزید و آن عده از برگزیدگان اصحاب نجیب و نیکان و پرهیزگاران بودند که در گرفتاری ها و خوشی ها همراه رسول خدا9 بودند و آنچه از جانب خداوند برای امت پیامبر تشریع شده بود، نگه داشتند.

برخی از معاصران اهل سنت می گویند:

1-) معرفته الثقات، ج1، ص93.
2-) الاصابه، ج1، ص22.
3-) المستدرک علی الصحیحین، ج1، ص2.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کانه الصحابه کلهم اسوه فی الدین و الزهد و المجاهده؛((1))

تمام اصحاب الگو در دین و زهد و جهاد بودند.

غزالی درباره حجت بودن صحابه می گوید: «آنان (صحابه) معاصر پیامبر و دانا ترین افراد به حقیقت گفتار پیامبر بودند، از این رو اَسرار پیامبر را بهتر درک می کردند و راه تقرب جستن به خداوند را به خوبی می دانستند؛ لذا رسول خدا9 آنان را بهترین مخلوقات پس از خود و حجت برای امت معرفی کرده است.»((2))

ابن خلدون در این باره می گوید: «تمام اصحاب الگو به سوی هدایت هستند و اگر ما آنان را مورد جرح و تعدیل قرار دهیم و عدالت آنان را خدشه دار کنیم پس کسی به عنوان عادل باقی نمی ماند و حجت وجود نخواهد داشت.»((3))

شهرستانی درباره مقام و جایگاه معنوی صحابه می گوید:

ان الصحابه رضی الله عنهم الذین هم الائمه الراشدون لا تجتمعون علی ضلال؛((4))

همانا اصحاب کسانی از پیشوایان راهیافتگان اند و هیچ گاه بر گمراهی جمع نمی شوند.

هم چنین قاضی ایجی در «مواقف» می نگارد:

1-) ابوریه؛ اضواء علی سنه المحمدیه، ص132.
2-) مجموعه الرسائل، صص318 تا 321.
3-) مقدمه ابن خلدون، ص231.
4-) ملل و نحل، ج1، ص173.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

انه یجب تعظیم الصحابه کلهم و الکف عن القدح فیهم لان الله سبحانه عظمهم و اثنا علیهم فی غیر موضع من کتابه؛((1))

واجب است بزرگ شمردن همه صحابه و خود داری از اشکال گرفتن بر آنان؛ زیرا خدای سبحان آنان را بزرگ شمرده و در چندین آیه از قرآن آنان را ستایش کرده است.

بنابراین، صحابه دراندیشه اعتقادی و مذهبی اهل سنت دارای شأن و مقام معنوی بالایی هستند که به عنوان حاملان شریعت اسلامی بعد از رسول خدا9 می باشند و هر یک حجت خداوند میان بندگان اند و آن گونه که مسلمان در برابر دو حجت دیگر الاهی، قرآن و رسول اکرم صلی الله علیه و آله، تسلیم اند باید در برابر حجیت صحابه نیز تسلیم باشند و هیچ گونه شک و شبهه ای به خود نسبت به آنان راه ندهد و با پیروی کردن از آنان، همگی در پیشگاه خداوند معذور خواهند بود.

تبیین ادله اهل سنت بر حجیت صحابه

ادعای مقام حجیت برای عده ای که تنها امتیاز آنان افتخار هم صحبتی و هم عصر بودن با رسول خدا9 بود، مطلبی نیست که به آسانی مورد پذیرش همگان به ویژه اهل رأی و نظر قرار گیرد. بر این اساس است که دانشمندان اهل سنت برای مقبول جلوه دادن این نظریه دست به گمانه زنی ها زده و برای دست یابی به پشتوانه علمی و نیز منطقی

1-) شرح المواقف، ج8، ص373.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

جلوه دادن طرح اثبات مقام حجیت برای اصحاب پیامبر، به شواهدی از عمومات آیات قرآن و احادیث نبوی دست زده اند که برای رعایت انصاف و ضایع نشدن حق علمی و عملی آنان در پیوست گزینه پیشین که صرفا ادعای مقام حجیت بود، ضرورت دارد به نمونه هایی از ادله آنان اشاره شود:

ادله حجیت صحابه در آیات قرآن

نخستین و مهم ترین دلیلی که اهل سنت برای اثبات مقام حجیت برای اصحاب ذکر کرده اند، آیات فراوان قرآن است که تنها بخشی از آیات به قرار زیر است:

«کُنْتُمْ خَیْرَ امَّهٍ اخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَامُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»؛((1))

«شما بهترین امت بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.»

«وَکَذَلِکَ جَعَلْنَاکُمْ امَّهً وَسَطًا لِتَکُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیدًا»؛((2))

همان گونه که قبله شما یک قبله میانه است شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم تا برمردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه باشد.

«وَالسَّابِقُونَ الاوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ وَالانْصَارِ وَالَّذِینَ اتَّبَعُوهُمْ

1-) آل عمران، 110.
2-) بقره، 143.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بِاحْسَانٍ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَاعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی تَحْتَهَا الانْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا ابَدًا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیم»؛((1))

پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند خداوند از آنان خشنود گشت و آنان از او خشنود شدند و باغ هایی از بهشت برای آنان فراهم ساخت که نهر ها از زیر درختانش جاری است؛ جاویدانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

«یَا ایُّهَا النَّبِیُّ حَسْبُکَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ»؛((2))

ای پیامبر! خداوند و مؤمنان که از تو پیروی می کنند برای حمایت کافی هستند.

«لَقَدْ رَضِیَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ اذْ یُبَایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ فَعَلِمَ مَا فِی قُلُوبِهِمْ فَانْزَلَ السَّکِینَهَ عَلَیْهِمْ وَاثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِیبًا»؛((3))

«خداوند از مؤمنان هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند راضی و خشنود شد. خداوند آنچه را در درون دلهایشان نهفته بود می دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به عنوان پاداش نصیب آنان کرد.»

1-) التوبه، 100.
2-) انفال، 64.
3-) فتح، 18.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ اخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَامْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ اولَئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ»؛((1))

این اموال برای فقیران مهاجر که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الاهی و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند و آنان راستگویانند.

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ اولَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ»؛((2))

پیشگامان پیشگامان، آنان مقربانند در باغهای پر نعمت بهشت.

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِینَ مَعَهُ اشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُکَّعًا سُجَّدًا یَبْتَغُونَ فَضْلا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا»؛((3))

«محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کافران سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنان را در حال رکوع و سجود می بینی؛ در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند.»

«یَوْمَ لا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَالَّذِینَ امَنُوا مَعَهُ»؛((4))

روزی که خداوند پیامبر و مؤمنان همراه او را خوار نخواهد کرد.

1-) الحشر، 8.
2-) واقعه، 10-11-12.
3-) فتح، 29.
4-) تحریم، 8.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«لَکِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِینَ امَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِامْوَالِهِمْ وَانْفُسِهِمْ وَاولَئِکَ لَهُمُ الْخَیْرَاتُ وَاولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ اعَدَّ اللّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الانْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ»؛((1))

«اما پیامبر و کسانی که به او ایمان آوردند با اموال و جانهایشان جهاد کردند و همه نیکی ها برای آنان است و آنان همان رستگارانند. خداوند برای آنان باغهایی از بهشت فراهم ساخته که نهر ها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود و این است رستگاری بزرگ.»

سرانجام اینکه اهل سنت با ظاهر آیات نگارش یافته و برخی آیات دیگر فضیلت و برتری ویژه ای را برای اصحاب پیامبر استفاده کرده اند و از جهت کاربردی اعتقادی، آیات یاد شده را دلیل بر این دانسته اند که از دیدگاه قرآن تمام صحابه بعد از رسول خدا9 حاملان شریعت و حجت خداوند بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند که برای روشن شدن بهتر مطلب، به برخی برداشت ها و نگرش های فکری و اعتقادی دانشمندان اهل سنت از این آیات درباره صحابه اشاره می شود:

احمد بن عبدلله عجلی با اشاره به این مطلب که تمام اهل سنت اعتقاد به عدالت صحابه دارند، آیاتی را که نگارش یافت به عنوان دلیل بر اینکه تمام صحابه از نیکان و مورد رضایت خداوند بوده اند، می آورد.((2))

مؤلف کتاب «عون المعبود» نیز می نگارد:

1-) توبه، 88-89.
2-) معرفه الثقاه، ج1، ص91 به بعد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«تمام صحابه عادل و مورد اعتماد هستند زیرا خداوند در قرآن آنان را پاک و از نیکان معرفی کرده است».((1))

ابن حبان با اشاره به آیات یاد شده می گوید:

الصحابه کلهم عدول لیس فیهم مجروح و لا ضعیف؛((2))

تمام صحابه عادل هستند و در میان آنان اشکال دار و ضعیف وجود ندارد.

خطیب بغدادی در گفتاری جامع تمام آیات مذکور را مربوط به صحابه دانسته، می گوید: «گرچه برخی از این آیات ظهور عام دارند و تمام امت اسلامی را شامل می شود ولی نمی توان به آن عموم تمسک کرد؛ بلکه مراد خاص (صحابه) است و غیر آنان را شامل نمی شود.»((3))

اسفراینی می نگارد: خداوند در قرآن با آیات فراوان از جمله آیه

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِینَ مَعَهُ اشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ»؛((4))

اصحاب پیامبر را مورد مدح و ستایش ویژه قرار داده است.((5))

برخی از دانشمندان معاصر اهل سنت می گویند: بعد از پیامبر تمام اصحاب آن حضرت سپاه حمایت گر توحید و دعوت گران و نگهبانان دین بودند که تنها در مسیر شناخته شده از جانب

1-) عون المعبود، ج، ص 32.
2-) صحیح ابن حبان، ج1، ص162.
3-) الکفایه فی علم الروایه، ص46.
4-) فتح، 29.
5-) التبصیر فی الدین، ص178.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیامبر حرکت می کردند. سپس این دانشمند برای اثبات شخصیت ممتاز صحابه و جایگاه دینی آنان آیات 57 تا 60 سوره مؤمنون را به عنوان شاهد ذکر کرده است.((1))

قاضی ایجی درباره دلالت آیات قرآن بر اثبات حجیت مقام صحابه و عظمت آنان می گوید: بر هر کسی واجب است که صحابه را بزرگ شمارد

لان الله عظمهم... کقوله «وَالسَّابِقُونَ الاوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ وَالانْصَار»((2))

و قوله «یَوْمَ لا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَالَّذِینَ امَنُوا مَعَهُ»((3))

و قوله «وَالَّذِینَ مَعَهُ اشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّار»((4))

و قوله «رَضِیَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ اذْ یُبَایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ»((5))

الی غیر ذلک من الایات الداله علی عظم قدرهم و کرامتهم عند الله((6))

زیرا خداوند با این آیات آنان را بزرگ شمرده که این آیات و آیات دیگر بر بزرگی جایگاه و کرامت صحابه نزد خداوند دلالت می کند.

ما به همین مقدار از ذکر آیات قرآن و تصریح برخی دانشمندان اهل سنت بر دلالت این آیات بر اثبات مقام معنوی حجیت و عدالت صحابه بسنده می کنیم و لازم است بر این مطلب تأکید شود که با تحلیل و دقت در مطالبی که نگارش یافت، این

1-) مجمل اعتقاد ائمه سلف، ص24.
2-) توبه، 100.
3-) تحریم، 8.
4-) فتح، 29.
5-) فتح، 18.
6-) شرح المواقف، ج8، ص373.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نکته قابل توجه است که از جهت کاربردی و اعتقادی، اهل سنت در ادعای مقام حجیت برای صحابه در حقیقت به دنبال شخصیت سازی و قداست بخشی دینی و اعطای مصونیت از لغزش ها برای آنان است که نتیجه ی این اعتبار شخصیتی و اثبات قداست، برای آنان نتایج دیگری نیز داشته است که به مواردی از آن اشاره می شود:

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پی آمدهای مقام حجیت صحابه

1 - نقد ناپذیر بودن صحابه

یکی از بازتاب های بسیار مهم اعتقاد به مقام معنوی صحابه و حجت الاهی دانستن آنان در میان مردمان، این است که صحابه را از جهت شخصیت و اعتبار سنجی در جایگاه متمایز نسبت به افراد عادی قرار دادند و هیچ گونه نقد و بررسی فنون رجالی را نسبت به صدق و کذب آنان جایز نمی دانند.

لا یسئل عنهم و لا تستعمل فیهم کلمات تعدیل و التوثیق کغیرهم؛((1))

آنها (صحابه) مورد پرسش قرار نگرفته و درباره آنان (واژگان) تعدیل و توثیق مانند دیگران به کار نمی رود.

و کل من جرح الصحابه زندیق؛((2))

هر کسی صحابه را نقد کند زندیق و از دین برگشته است.

ابوزرعه می گوید: «هر گاه شخصی را دیدید که از اصحاب رسول خدا9 عیب جویی می کند بدانید او زندیق است؛ زیرا رسول خدا9 و قرآن نزد ما حق است و این اصحاب بودند که سنت و قرآن را به ما رساندند و اینان می خواهند با اشکال بر اصحاب، کتاب و سنت را باطل کنند.»((3))

قاضی ایجی نیز با واجب دانستن تسلیم شدن در

1-) عجلی، معرفه الثقاه، ج1، ص98.
2-) الاصابه، ج1، ص22.
3-) الکفایه، ص49.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برابر صحابه، هرگونه نقد آنان را دور از شأنی که خداوند برای آنان قرار داده است، می داند.((1))

در تحلیل عینی و منصفانه این ادعا باید گفت گرچه اهل سنت در اصل مبنای خود، صحابه را انسان هایی خطاکار می دانند و دارای مقام عصمت نمی دانند اما از جهت عمل گرایی بنابر آنچه نگارش یافت، آنان چنان در چتر حفاظتی قرار دارند که جز با مقام عصمت با هیچ مقام دیگری سازش ندارد.

2 - حجیت کردار و گفتار صحابه

با نگرش به گفتار و اظهارات دانشمندان اهل سنت و نیز منازعات عملی که میان مذاهب اسلامی به وجود آمده است می توان به این مطلب دست یافت که یکی از آثار و نتایج ادعای مقام حجیت برای صحابه این است که تمام گفتار و کردار صحابه مانند روایات آنان (سنت صحابه) و اجماع آنان در امور دینی، سیاسی و اجتماعی حجت بوده و هر کسی از آنان پیروی کند به حق دست یافته و مورد بازخواست خداوند قرار نمی گیرد؛ زیرا اجماع صحابه در هر حال صورت گیرد او حجت بوده و برای امت اسلامی ترک آن و یا خارج شدن از آن جایز نیست.((2)) حتی در اندیشه اهل سنت گفتار صحابه آن گونه بلند است که اگر در میان راویان افراد مجهول وجود داشته باشد باز هم روایت او مورد قبول است.((3))

از آنجا که بحث جرح و تعدیل صحابه مربوط به

1-) شرح مواقف، ج8، ص373.
2-) جصاص، احکام القرآن، ج1، ص108.
3-) عون المعبود، ج2، ص33؛ صحیح ابن حبان، ج1، ص162.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

علم رجال و هم چنین بحث حجیت سنت و اجماع صحابه مربوط به علم اصول فقه است و هر دو موضوع از محل بحث ما در این اثر که بحث اعتقادی است، خارج می باشد به همین مقدار، که از آثار و نتایج اعتقاد به مقام معنوی حجیت برای صحابه بود، بسنده می کنیم و در گزینه های بعدی که درباره نقد این اندیشه هاست، به نظریات مخالف که در این زمینه ارائه شده است، اشاره خواهیم کرد.

بازخوانی و نقد اندیشه حجیت صحابه

اشاره

ادعای مقام و جایگاه حجیت برای تمام صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و معرفی آنان به عنوان حجت خداوند و حاملان شریعت در امت اسلامی، آن هم با استفاده از آیات قرآن مطلبی بسیار مهم و سرنوشت ساز است که هر انسان دین مدار و دارای دغدغه دینی به آسانی نمی تواند این طرح را بپذیرد و مرجعیت دینی خود را به کسانی واگذارد که تنها از جهت تاریخی نام صحابه بر آنان گذاشته شده، ولی از جهت کردار و عمل در میان آنان افراد معلوم الحال و کج اندیشانی وجود دارد که جز فتنه انگیزی و رفتار تخریبی در جامعه اسلامی نام و نشان دیگری در پرونده خود ندارند.((1))

بر این اساس، شرط اساسی در استدلال به آیات قرآن و دست یافتن به نتیجه اطمینان بخش درباره سرنوشت صحابه این است که با نگاهی جامع به شأن نزول ها و هم چنین به آیات معارض دراین موضوع نگریسته شود و این در حالیست که

1-) در گزینه بعدی شواهدی دراین زمینه خواهیم اورد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

با اندک تأمل در برداشت ها و مبانی آن عده از دانشمندان اهل سنت که حجیت و عدالت صحابه را از آیات قرآن استفاده کرده بودند، به خوبی نمایان است که نگرش آنان بر دلالت این آیات به دور از جامع نگری لازم، و بر اساس پیش فرض هایی استوار بوده است که در آنان هیچ گونه معیار های علمی رعایت نشده اند و در اینجا برای روشن شدن مطلب به دو مورد از نقد هایی که در این زمینه وجود دارد اشاره می شود:

1 - تفاوت برداشت ها و شأن نزول ها

با دقت در آراء مفسران و دیگر دانشمندان اهل سنت درباره دلالت آیات نگارش یافته به برداشت های ناهمگون و تفاوت های نظری و اعتقادی بر می خوریم که نسبت به شأن نزول این آیات و دلالت آنان کاملا در اندیشه مخالف و ضدیت با همدیگر قرار گرفته است؛ زیرا آن گونه که پیش از این نگارش یافت، در تعدادی از این آیات، مقام حجیت و عدالت همه اصحاب را استفاده کرده و چنان به قاطعیت رسیده اند که بدون ملاحظه به سیره و رفتار برخی صحابه همگان را اسوه در دین و حجت برای دین مداران دانسته اند و سخن ناروا گفتن در شأن صحابه را موجب کفر و زندیقه می دانند.((1))

در اینجا از تکرار این ادعا که در گزینه پیشین گذشت، خودداری می کنیم و این مطلب را پی می گیریم که در برابر این ادعا بسیاری از

1-) رک الاصابه، ج1، ص22؛ شرح المواقف، ج8، ص334؛ ایشان با صراحت می گوید شیعیان و خوارج به دلیل قدحی که بر صحابه وارد کرده اند کافر شده اند

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دانشمندان به ویژه مفسران اهل سنت خطاب در این آیات را مخصوص صحابه ندانسته، بلکه می گویند این آیات درباره عموم امت اسلامی نازل شده است.

ابن جوزی در تفسیرش درباره آیه «کنتم خیر امه» ((1)) می نگارد: «در این آیه چهار احتمال است: 1 - اهل بدر 2- مهاجران 3 - جمیع صحابه 4 - جمیع امت اسلامی.»((2))

ثعالبی در تفسیر آیه «والذین معه اشداء علی الکفار» ((3)) می گوید: «در آیه دو احتمال است: 1 - جمیع صحابه مراد باشد. 2 - تنها اهل بدر مراد است.»((4))

ابن کثیر درباره آیه «کنتم خیر امه»((5)) اقوال فراوانی مطرح کرده و پس از آن می گوید: «آنچه نزد من صحیح است این است که این آیه و آیه «و جعلناکم امه وسطا»((6)) تمام امت اسلامی است نه گروهی خاص مانند صحابه.»((7))

هم چنین قرطبی آیه«کنتم خیر امه» را مربوط به تمام امت اسلامی دانسته، می گوید: «جمله تامرون بالمعروف در آیه ستایش بر همه امت اسلامی است و هر گاه آنان دست از امر به معروف بردارند این مدح از آنان برداشته می شود و نکوهش الاهی متوجه آنان خواهد شد که این خود باعث هلاکت

1-) آل عمران، 110.
2-) زاد المسیر، ج2، ص16.
3-) فتح، 29.
4-) تفسیر ثعالبی، ج5، ص261.
5-) آل عمران، 110.
6-) بقره، 143.
7-) تفسیر القرآن العظیم، ج1، ص399.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آنان است.»((1))

فخر رازی درباره آیه «کنتم خیر امه» احتمالاتی را مطرح کرده و بالأخره به نقل از زجاج می گوید: «گرچه ظاهر آیه مربوط به اصحاب است؛ ولی در حقیقت آیه عام و شامل جمیع امت اسلامی است.»((2))

اما در مورد آیه 18 فتح «لقد رضی الله عن المؤمنین» که بیشترین تأکید بر دلالت این آیه نسبت به اصحاب می باشد، ((3)) کافی است در بی اساس بودن این ادعا توجه شود که:

1 - این دلیل اخص از مدعی است؛ زیرا ادعا این بود که این آیه دلالت می کند بر اینکه همه صحابه عادلند؛ این در حالیست که همه قبول دارند که این آیه در جریان صلح حدیبیه و داستان معروف بیعت رضوان نازل شده و از جهت تاریخی مسلم است که در آن زمان بسیاری از افراد که از آنان به نام صحابه تجلیل می شود مانند ابوسفیان، معاویه، خالد بن ولید و عمروبن عاص در آن روز نه تنها مسلمان نشده بودند بلکه از ستیزه جویان با رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودند و مهم تر از همه اینکه در آیه دهم همین سوره می گوید این رضایت الاهی از همان عدهٔ بیعت کننده نیز مطلق نبوده بلکه مشروط به نشکستن پیمان است:

«انَّ الَّذِینَ یُبَایِعُونَکَ انَّمَا یُبَایِعُونَ اللَّهَ یَدُ اللَّهِ فَوْقَ ایْدِیهِمْ فَمَنْ نَکَثَ فَانَّمَا یَنْکُثُ عَلَی نَفْسِهِ وَمَنْ اوْفَی بِمَا عَاهَدَ عَلَیْهُ اللَّهَ فَسَیُؤْتِیهِ اجْرًا عَظِیمًا»؛ ((4))

1-) الجامع لاحکام القرآن، ج4، ص173.
2-) تفسیر کبیر، ج3، ص325.
3-) الاستیعاب، ج1، ص119.
4-) فتح، 10.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کسانی که با تو بیعت می کنند در حقیقت فقط با خدا بیعت می کنند و دست خدا بالای دست آنان است. پس هر کس پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان شکسته است و آنکه به عهدی که با خدا بسته وفا کند به زودی پاداش عظیمی به او خواهیم داد.

در آیه 11 سوره فتح سخن از عده ای است که در بیعت حضور نداشتند.

بنابراین، این آیات اصحاب را به سه گروه تقسیم کردند:

الف - کسانی که در بیعت حضور نداشتند.

ب - بیعت کنندگان مؤمنان که وفای به عهد و پیمان کردند.

ج - کسانی که غیر مؤمن بودند و پیمان را شکستند.

لذا در آیه 18 رضایت را مخصوص لقد رضی الله عن المؤمنین کرده نه جمیع اصحاب که حضور فیزیکی داشتند؛ یا حتی از همین حضور هم محروم بودند. بنابراین آیه 18 هیچ گونه دلالت بر رضایت از عموم صحابه ندارد. به گفته براء بن عازب برخی از صحابه بعد از این بیعت چه کارهایی (بدعت) بود که نکردند.((1))

بنابراین اهل سنت در دلالت آیات نسبت به اصحاب اتفاق ندارند و ما در نقد این دلیل اهل سنت، به نقل همین مقدار از تعارضات نظری و

1-) صحیح بخاری، ج5، ص78.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فکری اهل سنت بسنده می کنیم و تکمیل این بحث را در ادامه، که ضدیت میان این ادعا با آیات دیگر قرآن است، پی می گیریم.

2 - تفاوت ها و تعارضات با دیگر آیات قرآن

اشاره

علاوه بر نقد نخست، که درباره قول حجیت صحابه در اندیشه اعتقادی اهل سنت ذکر شد، اشکال بسیار مهم دیگر این است که آیاتی که درباره حجیت صحابه مورد استناد قرار گرفت با برخی آیات دیگر که درباره صحابه و سیره آنان با صراحت بیشتر نازل شده است، در تعارضی آشکار قرار دارد که استدلال به آیات پیشین و اثبات مقام حجیت و عدالت صحابه بدون در نظر گرفتن این آیات روشی یک جانبه نگر و بدون جامعیت خواهد بود که هیچ گونه ارزش عملی و اعتقادی نخواهد داشت. اینک شواهدی از این آیات:

الف - دو چهرگان منافق

وجود منافقان و دو چهرگان در میان اصحاب رسول خدا9 یکی از موضوعاتی است که قرآن درباره آن تأکید فراوان کرده و در بیش از 150 آیه با روش های گوناگون از آنان خبر داده است که بیشترین این آیات در سوره های بقره، آل عمران، مائده، توبه، عنکبوت، احزاب، محمد، فتح، مجادله و حشر نازل شده و در گستره وسیع از وجود منافقان و اعمال و کردارشان و علامت ها و تهدید های خراب کارانه ی آنان برای جامعه اسلامی خبر داده و در مجموع حرکات خزنده و موزیانه آنان چنان خطر آفرین بوده است که حتی سوره ای مستقل در قرآن به نام آنان (منافقان) می باشد. در این جا به نمونه اندکی از این آیات اشاره

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می شود:

خداوند در سوره توبه درباره وجود منافقان می فرماید:

«وَمِمَّنْ حَوْلَکُمْ مِنَ الاعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ اهْلِ الْمَدِینَهِ مَرَدُوا عَلَی النِّفَاقِ»؛ ((1))

از میان اعراب بادیه نشین که پیرامون شما هستند گروهی منافقند و از اهل مدینه نیز گروهی بر نفاق پا می فشارند.

پروردگار متعال در سوره آل عمران، جنگ احد میان مسلمانان و کفار را صحنه امتحان و آشکار شدن چهره نفاق افکنان ذکر کرده، می فرماید:

«وَلِیَعْلَمَ الَّذِینَ نَافَقُوا وَقِیلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ او ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالا لاتَّبَعْنَاکُمْ هُمْ لِلْکُفْرِ یَوْمَئِذٍ اقْرَبُ مِنْهُمْ لِلایمَانِ یَقُولُونَ بِافْواهِهِمْ مَا لَیْسَ فِی قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ اعْلَمُ بِمَا یَکْتُمُونَ»؛((2))

و نیز برای این بوده که منافقان شناخته شوند، آنان که به ایشان گفته شد بیایید در راه خدا نبرد کنید یا (حداقل) از حریم خود دفاع نمایید گفتند اگر می دانستیم جنگی روی خواهد داد از شما پیروی نمی کردیم. آنان در آن هنگام به کفر نزدیک تر بودند تا به ایمان. به زبان خود چیزی می گویند که در دلهایشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می کنند آگاه تر است.

1-) توبه، 101.
2-) آل عمران، 167.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و نیز خداوند در سوره منافقون تصریح می کند که عده ای از منافقان نزد پیامبر9 آمده، با حضرت هم صحبت شده، اظهار ایمان می کردند:

«اذَا جَاءَکَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ انَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ یَعْلَمُ انَّکَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ یَشْهَدُ ان الْمُنَافِقِینَ لَکَاذِبُونَ»؛((1))

«هنگامی که منافقان نزد تو می آیند می گویند: ما شهادت می دهیم که بی گمان تو رسول خدایی. خداوند می داند که تو رسول او هستی ولی خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغ گو هستند.»

سه آیه ی نگارش یافته با صراحت از وجود منافقان در زمان رسول خدا9 خبر داده که آنان در مدینه و بیرون مدینه که همان محیط کشور اسلامی بود زندگی می کردند و به دلیل خطراتی که آنان داشتند خداوند می خواست آنان در جامعه شناسایی گردند و مهم ترین نکته این است که طبق آیه سوم اذ جائک المنافقون آنان با رسول خدا9 هم صحبت می شدند که تعریف اصطلاحی صحابه نزد اهل سنت شامل آنان نیز می شود.

ب - بیمار دلان و شکاکان در دین

در فرهنگ قرآن، مسلمان واقعی کسی است که اسلام را آگاهانه بپذیرد و در آموزه های دینی و دستورات رسول اکرم صلی الله علیه و آله از روی اطمینان و یقین بنگرد. آنان به مرحله ای از یقین و ایمان رسیده اند که هنگامی که رسول خدا9 میان آنان داوری می کند:

1-) منافقون، 1.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«لا یَجِدُوا فِی انْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُوا تَسْلِیمًا»؛((1))

پس از داوری تو (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) در دل خود احساس ناراحتی نکرده و کاملا تسلیم باشند.

و در خدا باوری این گونه افراد به جایگاهی رسیده اند که:

«الَّذِینَ امَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ الا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛((2))

آنان کسانی هستند که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام است آگاه باشید که تنها با یاد خدا آرامش می یابید.

در برابر اینان، قرآن از وجود افراد بیماردل و شکاکان در دین در میان مسلمانان خبر داده است که آنان پس از ظهور اسلام با انگیزه های متفاوت اظهار اسلام کردند و در سوره مدثر مردم را به چهار دسته کافران، مؤمنان، اهل کتاب و بیمار دلان تقسیم کرده می فرماید:

«وَمَا جَعَلْنَا اصْحَابَ النَّارِ الا مَلائِکَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ الا فِتْنَةً لِلَّذِینَ کَفَرُوا لِیَسْتَیْقِنَ الَّذِینَ اوتُوا الْکِتَابَ وَیَزْدَادَ الَّذِینَ امَنُوا ایمَانًا وَلا یَرْتَابَ الَّذِینَ اوتُوا الْکِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِیَقُولَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْکَافِرُونَ مَاذَا ارَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلا»؛((3))

و مأموران دوزخ را تنها فرشتگان قرار دادیم و تعدادی از آنان را جز برای آزمایش کافران معین نکرده ایم

1-) نساء، 65.
2-) رعد، 28.
3-) مدثر، 31.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تا اهل کتاب (یهود و نصارا) یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید و اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند و بیمار دلان و کافران بگویند خداوند از این توصیف چه منظوری دارد.

در این آیه خداوند بیمار دلان را گروهی مستقل دانسته است و نمی توان گفت آنان جزء کافران بوده اند

و در آیه دیگر می فرماید:

«وَاذْ یَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ الا غُرُورًا»؛((1))

و نیز به خاطر آورید زمانی راکه منافقان و بیماردلان می گفتند خدا و پیامبرش جز وعده دروغین به ما نداده اند.

و در سوره انفال میگوید:

«اذْ یَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلاءِ دِینُهُمْ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَانَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ»؛((2))

«هنگامی که منافقان و کسانی که در دلهایشان بیماری است می گفتند این گروه (مسلمانان) را دین شان مغرور ساخته است.»

1-) احزاب، 12.
2-) انفال، 49.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و در سوره توبه درباره شکاکان می فرماید:

«انَّمَا یَسْتَاذِنُکَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الاخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِی رَیْبِهِمْ یَتَرَدَّدُونَ»؛((1))

«تنها کسانی از تو اجازه (ترک جهاد) گیرند که به خدا و روز جزا ایمان ندارند و دلهایشان با شک و تردید آمیخته است. آنان در تردید خود سرگردانند.»

و درباره سرنوشت بیمار دلان می فرماید:

«وَامَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا الَی رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ کَافِرُونَ»؛((2))

و اما کسانی که در دلهایشان بیماری هست پلیدی بر پلیدیشان افزوده و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند.

بنابراین جامعه اسلامی در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکسان نبوده است، بلکه در میان اصحاب آن حضرت افراد بیمار دل و نیز کسانی بودند که اساساً نسبت به اسلام شک داشتند، ولی با انگیزه های شخصی و با تظاهر به دین، زیر پرچم اسلام گرد آمده بودند و اینان کسانی نبودند که به دنبال حق قدم بردارند و واقعاً ایمان آورند، بلکه تا پایان عمر در همان حالت بی دینی خود باقی ماندند و با همان حال هم از دنیا رفتند.

1-) توبه، 45.
2-) توبه، 125.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اگر با دید تحلیلی و جامعه شناختی به تاریخ پیدایش اسلام نظر افکنیم آغاز اسلام در میان مردمی بوده است که آنان در دوره جاهلیت و در انواع تاریکی ها و خرافه پرستی قرار داشتند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خدا مأموریت داشت تا بنای فرسوده جاهلیت را از بین ببرد و بنایی جدید از توحید پی ریزی و با برنامه های آسمانی بنا گذاری کند. طبیعی بود که ایجاد تحول در جامعه ای که افراد آن با انواع کردار جاهلانه خو گرفته اند، کاری مشکل است.

بر این اساس قرآن کریم نیز از افرادی در میان مسلمانان خبر می دهد که گرچه در ظاهر اسلام را اختیار کرده بودند؛ اما قلب آنان هیچ گاه با نور ایمان روشن نشده بوده، بلکه بر اساس همان کردار جاهلیت به زندگی خود ادامه می دادند.

خداوند در سوره آل عمران به دو گروه از مسلمانان اشاره کرده، می فرماید:

«ثُمَّ انْزَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ امَنَةً نُعَاسًا یَغْشَی طَائِفَةً مِنْکُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ اهَمَّتْهُمْ انْفُسُهُمْ یَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَیْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِیَّهِ یَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الامْرِ مِنْ شَیْءٍ»؛((1))

«پس به دنبال این غم و اندوه، آرامش بر شما فرستاد. این آرامش به صورت خواب سبکی بود که گروهی از شما را فراگرفت؛ اما گروه دیگر در فکر جان خویش بودند و آنان گمان های نادرستی همچون گمان های دوران جاهلیت درباره خدا داشتند و

1-) آل عمران، 154.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می گفتند آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می شود؟»

هم چنین قرآن کریم گروهی دیگر از اعراب را نام می برد که پیامبر را دیده و با وی به گفت وگو پرداخته اند و با اینکه دم از ایمان می زنند، اما خداوند آنان را مسلمانان غیر مؤمن می داند:

«قَالَتِ الاعْرَابُ امَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَکِنْ قُولُوا اسْلَمْنَا وَلَمَّا یَدْخُلِ الایمَانُ فِی قُلُوبِکُمْ وَانْ تُطِیعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لا یَلِتْکُمْ مِنْ اعْمَالِکُمْ شَیئًا ان اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ»؛((1))

اعراب بادیه نشین گفتند ایمان آورده ایم بگو شما ایمان نیاورده اید ولی بگویید اسلام آورده ایم؛ ولی هنوز ایمان به قلب های شما وارد نشده است و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی کند؛ خداوند آمرزنده و مهربان است.

بنابراین در میان اصحاب رسول خدا9 افرادی با افکار جاهلی وجود داشتند که هنوز ایمان به قلب های آنان وارد نشده بود. چگونه می توان آنان را الگو قرار داد و به آنان اقتدا کرد؟

د - فاسقان و بداندیشان

در برخی آیات خبر از وجود فاسقان و بداندیشان در میان اصحاب و جامعه اسلامی داده، می فرماید:

1- حجرات، 14.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«قُلْ ان کَانَ ابَاؤُکُمْ وَابْنَاؤُکُمْ وَاخْوَانُکُمْ وَازْوَاجُکُمْ وَعَشِیرَتُکُمْ وَامْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَهٌ تَخْشَوْنَ کَسَادَهَا وَمَسَاکِنُ تَرْضَوْنَهَا احَبَّ الَیْکُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِی سَبِیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّی یَاتِیَ اللَّهُ بِامْرِهِ وَاللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِینَ»؛((1))

بگو اگر پدران و برادران و همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید و خانه هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب تر است درانتظار این باشد که خداوند عذابش را بر شما بفرستد و خداوند جمعیت نافرمانبردار و فاسق را هدایت نمی کند.

در حقیقت گروه فاسقان چنان در جامعه اسلامی و میان مسلمانان حضور پیدا کرده بودند که قرآن کریم در آیه دیگر به مؤمنان خطاب می کند که نسبت به خبر گزاری ها و شایعه سازیهای آنان برخورد احتیاط آمیز داشته باشید:

«یَا ایُّهَا الَّذِینَ امَنُوا ان جَاءَکُمْ فَاسِقٌ بِنَبَا فَتَبَیَّنُوا ان تُصِیبُوا قَوْمًا بِجَهَالَهٍ فَتُصْبِحُوا عَلَی مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِینَ»؛((2))

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسق خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید

1-) توبه، 24.
2-) حجرات، 6.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واز کرده خود پشیمان شوید.»

و در آیه دیگر سخن از دو طائفه مؤمنان و فاسقان داده، در روبه رو شدن عملی مسلمانان با آنان خطاب می کند:

«افَمَنْ کَانَ مُؤْمِنًا کَمَنْ کَانَ فَاسِقًا لا یَسْتَوُونَ»؛((1))

«آیا کسی که با ایمان باشد هم چون کسی است که فاسق باشد؟ نه هرگز این دو برابر نیستند.»

از آیات یاد شده به دست می آید که گروهی از مسلمانان که در کنار پیامبر و از اصحاب حضرت بودند در مسیر فسق قدم گذاشته بودند که در این میان، در روایات از ولید بن عقبه بن ابی معیط به عنوان فاسق یاد شده است.((2))

با این وصف به گونه ای جدی جای این سؤال باقی است که چگونه فاسقانی مانند ولید به آن مقام معنوی و حجیتی دست یافته اند که هرگز نمی توان در عدالت آنان شک کرد. در حالی که خداوند نسبت به آنان اعلام نارضایتی کرده به پیامبرش خطاب می کند:

«یَحْلِفُونَ لَکُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَانْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَانَّ اللَّهَ لا یَرْضَی عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِینَ»؛((3))

برای شما قسم یاد می کند تا از آنان راضی شوید خداوند هرگز از جمعیت فاسق راضی نخواهد شد.

1-) سجده، 18.
2-) زمخشری، تفسیر الکشاف، ج4، ص359؛ الدر المنثور، ج7، ص483.
3-) توبه، 96.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ه- - آزار دهندگان به پیامبر

با دقت در آیات قرآن کریم مشاهده می شود که برخی آیات قرآن به رفتار شناسی صحابه و تعامل آنان با رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته و این مطلب را با صراحت بیان کرده است که برخی اصحاب در پی اذیت و آزار رسانی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودند.

«وَمِنْهُمُ الَّذِینَ یُؤْذُونَ النَّبِیَّ وَیَقُولُونَ هُوَ اذُنٌ قُلْ اذُنُ خَیْرٍ لَکُمْ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَیُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِینَ امَنُوا مِنْکُمْ وَالَّذِینَ یُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ الِیمٌ»؛((1))

و برخی از آنان شماری هستند که پیاپی پیامبر را اذیت می کنند و می گویند شخصی زود باور است. بگو این زود باوری من به نفع شماست. پیامبر به خدا و مؤمنان ایمان آورده و اطمینان و رحمتی است بر مؤمنان حقیقی و اما آنان که رسول خدا9 را اذیت و آزار می دهند بر ایشان عذاب دردناک آماده شده است.

و در تفسیر این آیات از افرادی مانند نبتل بن حرث و ذوالخویصره تمیمی که هر دو از اصحاب بودند به عنوان آزار دهندگان به پیامبر یاد شده است. ((2))

1-) توبه، 61.
2-) صحیح بخاری، ج4، ص215.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و در سوره احزاب آمده است:

«وَمَا کَانَ لَکُمْ ان تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلا ان تَنْکِحُوا ازْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ ابَدًا ان ذَلِکُمْ کَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِیمًا»؛((1))

شما حق ندارید رسول خدا9 را آزار دهید ونه هرگز همسران او را پس از او به همسری خود در آورید که این کار نزد خدا بزرگ است.

و در روایات از طلحهؓ بن عبیدلله به عنوان گوینده این کلام آزار دهنده یاد شده است که می گفت اگر پیامبر بمیرد من با عایشه ازدواج می کنم((2)) و نیز از افرادی مانند حکم بن عاص که در مکه از همسایگان پیامبر بود به عنوان یکی از آزار دهندگان رسول اکرم صلی الله علیه و آله یاد شده است که گاهی با نگاه کردن به منزل پیامبر و گاهی با حرکات ناشایست و گاهی با مسخره کردن نماز خواندن آن حضرت، آزار رسانی می کرد و رسول خدا9 با دیدن کردارهای ناشایست و آزار دهنده وی، او را مورد لعن قرار داده و سرانجام او را از مدینه به طائف تبعید کرد.((3))

کردار برخی اصحاب چنان آزار دهنده و ناشایست بود که حتی در انجام فریضه نماز رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تنها می گذاشتند و موجب رنجش خاطر آن حضرت می شدند:

1-) احزاب، 53.
2-) الدر المنثور، ج5، ص214.
3-) الاصابه، ج1، ص345؛ السیره الحلبیه، ج1، ص461؛ اسد الغابه، ج2، ص34.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«وَاذَا رَاوْا تِجَارَةً اوْ لَهْوًا انْفَضُّوا الَيْهَا وَتَرَكُوکَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛((1))

هنگامی که آنان تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می شوند و به سوی آن می روندو تو را ایستاده به حال خود رها می کنند؛ بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است، وخداوند بهترین روزی دهندگان است.

حال جای این سؤال است که آن اصحاب آزار دهنده و آن کسانی که با دیدن لهویات از نماز دست برداشته، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تنها می گذاشتند، چگونه به این مقام بلند رسیدند که حجت خداوند شدند و اندک سخن نمی توان درباره آنان گفت؟

و - رو آوران به سوی ارتداد

در برخی آیات قرآن از بازگشت برخی صحابه از دین و در اصطلاح قرآن از ارتداد آنان سخن به میان آمده و آنان را تهدید کرده است:

«یا ایُّهَا الَّذِینَ امَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکُمْ عَنْ دِینِهِ فَسَوْفَ یَاتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَهُ»؛((2))

ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی رساند) خداوند جمعیتی را می آورد که آنان را دوست دارد و

1-) جمعه، 11.
2-) مائده، 54.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آنان (نیز) او را دوست دارند.

«انَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلَی ادْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی الشَّیْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَامْلَی لَهُمْ»؛((1))

«کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنان، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان رادر نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.»

«وَمَا مُحَمَّدٌ الا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ افَانْ مَاتَ اوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَی اعْقَابِکُمْ وَمَنْ یَنْقَلِبْ عَلَی عَقِبَیْهِ فَلَنْ یَضُرَّ اللَّهَ شَیْئًا وَسَیَجْزِی اللَّهُ الشَّاکِرِینَ»؛((2))

محمد9 فقط فرستاده خداست و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ اگر او بمیرد یا کشته شود، آیا شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفربازگشت خواهید کرد؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند و خداوند به زودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد.

در سوره بقره پس از افشای کردار دشمنان اسلام و اینکه آنان می خواهند مسلمانان را از دین شان به ارتداد بکشانند می فرماید:

«وَمَنْ یَرْتَدِدْ مِنْکُمْ عَنْ دِینِهِ فَیَمُتْ وَهُوَ کَافِرٌ فَاولَئِکَ حَبِطَتْ اعْمَالُهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالاخِرَهِ وَاولَئِکَ اصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ»؛((3))

کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته)

1-) محمد، 25.
2-) آل عمران، 144.
3-) بقره، 217.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

او، در دنیا و آخرت، برباد می رود و آنان اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود.

بنابراین برخی از صحابه در اندیشه ارتداد و بازگشت به جاهلیت بوده اند که خداوند از آن به عنوان یک واقعیت خبر داده است و ما بعداً روایاتی را به عنوان شاهد از منابع اهل سنت درباره ارتداد برخی صحابه خواهیم نگاشت.

ز - خیانت پیشگان

در برخی آیات قرآن بعضی افراد صحابه را به عنوان خیانت گران و کسانی که اسرار مسلمانان را برای دشمنان آنان گزارش می کردند یاد کرده است:

«وَاذَا لَقُوا الَّذِینَ امَنُوا قَالُوا امَنَّا وَاذَا خَلَوْا الَی شَیَاطِینِهِمْ قَالُوا انَّا مَعَکُمْ انَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ»؛((1))

و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می کنند، می گویند: ما ایمان آورده ایم! (ولی) هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می کنند، می گویند: ما با شماییم! ما فقط (آنان را) مسخره می کنیم.

در آیه 51 سوره مائده پس از نهی مؤمنان از دوست گزینی یهود و نصارا و تهدید در این

1-) بقره، 14.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

زمینه در آیه بعد می فرماید:

«فَتَرَی الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ یُسَارِعُونَ فِیهِمْ یَقُولُونَ نَخْشَی ان تُصِیبَنَا دَائِرَهٌ فَعَسَی اللَّهُ ان یَاتِیَ بِالْفَتْحِ اوْ امْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَیُصْبِحُوا عَلَی مَا اسَرُّوا فِی انْفُسِهِمْ نَادِمِینَ»؛((1))

(ولی) کسانی را که در دلهایشان بیماری است می بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می گیرند، و می گویند: می ترسیم حادثه ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنان داشته باشیم!) شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند.

«وَمِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ الَیْکَ حَتَّی اذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِکَ قَالُوا لِلَّذِینَ اوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ انِفًا اولَئِکَ الَّذِینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَی قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا اهْوَاءَهُمْ»؛((2))

گروهی از آنان به سخنانت گوش فرا می دهند، اما هنگامی که از نزد تو خارج می شوند به کسانی که علم و دانش به آنان بخشیده شده (از روی استهزا) می گویند: (این مرد) الان چه گفت؟! آنان کسانی هستند که خداوند بر دلهایشان مهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده اند.

1- - مائده، 51.
2-) محمد، 16.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و در سوره حشر به پیامبر خطاب می کند:

«الَمْ تر الَی الَّذِینَ نَافَقُوا یَقُولُونَ لاخْوَانِهِمُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ اهْلِ الْکِتَابِ لَئِنْ اخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَکُمْ وَلا نُطِیعُ فِیکُمْ احَدًا ابَدًا وَانْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّکُمْ وَاللَّهُ یَشْهَدُ انَّهُمْ لَکَاذِبُون»؛((1))

آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کفارشان از اهل کتاب می گفتند: هرگاه شما را (از وطن) بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد و اگر با شما پیکار شود، یاریتان خواهیم نمود؟ خداوند شهادت می دهد که آنان دروغگویانند.

بنابراین در میان اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله افراد خیانت پیشه و در حقیقت جاسوسان حرفه ای وجود داشتند که با داشتن ارتباط پنهانی با دشمنان اسلام سعی می کردند آنان را تحریک کنند و به نبرد با مسلمانان بکشانند.

در سوره نسا نیز از نشست های سرّی و توطئه های شبانه آنان به پیامبر خبر داده، میگوید:

«وَیَقُولُونَ طَاعَهٌ فَاذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِکَ بَیَّتَ طَائِفَهٌ مِنْهُمْ غَیْرَ الَّذِی تَقُولُ وَاللَّهُ یَکْتُبُ مَا یُبَیِّتُونَ فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ وَکِیلا»؛((2))

آنان در حضور تو می گویند: فرمانبرداریم؛ اما هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، جمعی ازآنان

1-) حشر، 11.
2-) نساء، 81.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بر خلاف گفته های تو، جلسات سری شبانه تشکیل می دهند و آنچه را در این جلسات می گویند، خداوند می نویسد. اعتنایی به آنان نکن! (و از نقشه های آنان وحشت نداشته باش!) وبر خدا توکل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد.

در اینجا به نگارش همین مقدار از آیات قرآن درباره اصحاب و کردار شناسی آنان بسنده می کنیم و تأکید می کنیم که این آیات با آیاتی که دانشمندان اهل سنت با نگاهی به ظاهر آن آیات مقام حجیت کل صحابه را ادعا کرده بودند معارض است؛ زیرا از این آیات با صراحت به دست آمد که تمام اصحاب و یاران رسول خدا9 یکدست و مؤمنان واقعی نبوده اند؛ بلکه در میان آنان افرادی با اندیشه های خطرناک وجود داشته است که با تظاهر به اسلام همواره در اندیشه براندازی اسلام بوده اند

ادله حجیت صحابه در روایات

اشاره

اهل سنت برای اثبات مقام حجیت صحابه افزون بر آیاتی که ذکر شد به برخی روایات نیز استدلال کرده اند که اینک به مشهور ترین آن روایات در منابع اهل سنت اشاره می شود:

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

روایت یکم: نهی از دشمنی با اصحاب

در بسیاری از منابع اهل سنت نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

الله الله فی اصحابی لا تتخذوهم غرضا بعدی فمن احبهم فبحبی احبهم و من ابغضهم فببغضی ابغضهم و من اذاهم فقد اذانی و من اذانی فقد اذا الله فیوشک ان یاخذه؛((1))

خدا را خدا را در مورد اصحاب من در نظر بگیرید. پس از من آنان را هدف تیر های (سب و شتم) خود قرار ندهید. کسی که آنان را دوست بدارد پس به دلیل دوستی با من آنان را دوست داشته باشد و کسی که به آنان بغض و کینه دارد به جهت دشمنی با من آنان را دشمن داند؛ کسی که آنان را اذیت می کند مرا اذیت کرده، و هر کس مرا اذیت کند، خداوند او را بازخواست خواهد کرد.

اهل سنت از این حدیث نتیجه گرفته اند که یاران رسول خدا9 در نزد آن حضرت دارای محبوبیت فراوان بوده اند که اذیت آنان اذیت خدا و رسول است و مورد مؤاخذه قرار می گیرند و آنان نه تنها عادل اند بلکه اوصاف بالایی همچون خیر الناس، محبوب خدا و رسول را دارند؛ بنابراین کسی که نسبت به اصحاب بدگویی کند ملحد و کفران کننده نعمت خداوند است؛ زیرا اگر به اصحاب نقص وارد شود دیگر برای دین،

1-) صحیح ابن حبان، جامع الصغیر سیوطی، ج1، ص214؛ سنن ترمذی، ج5، ص692؛ ایجی، شرح مواقف، ج8، ص373؛ مسند احمد، ج5، ص54.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ستون باقی نمی ماند.((1))

روایت دوم: نهی از توهین به اصحاب

لا تسبو اصحابی فلو ان احدکم انفق مثل احد ذهبا ما بلغ مد احدهم و لا نصیفه؛((2))

اصحابم را دشنام ندهید اگر یکی از شما همانند کوه احد طلا انفاق کند به اندازه یک مد و حتی نصفِ انفاق آنان ارزش ندارد.

از این حدیث استفاده کرده اند که اطلاق لا تسبوبی اصحابی دلالت بر عموم دارد که در حقیقت پیامبر خواسته موقعیت تمام اصحاب را، یعنی چه برای اصحاب زمان خود و چه برای آیندگان، بیان دارد که همگان رعایت حال آنان را بنمایند.((3))

نووی می گوید: «این حدیث دلالت دارد که سب صحابه از بزرگترین گناهان است و حتی از کسانی که داخل در فتنه شدند نیز نباید سؤال کرد؛ زیرا اصحاب همه اهل تأویل و اجتهاد بوده اند که در خطایشان نیز ثواب می بردند و برخی میگویند: دشنام دهنده صحابه را باید تعزیر کرد و برخی فقهای مالکیه می گویند باید آنان را به قتل رساند.((4))

1-) فیض الغدیر، شرح جامع الصغیر، ج2، ص124
2-) الدر المنثور، ج6، ص172؛ شرح النووی علی الصحیح مسلم، ج16، ص92؛ مسند احمد، ج3، ص63.
3-) شخاوی، فتح المغیث، ج3، ص93.
4-) شرح النووی، ج8، ص321.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

روایت سوم: اصحاب، ستارگان هدایت

در منابع اهل سنت، حدیثی به این مضمون که اصحاب را به ستارگان آسمان و هدایتگران خاک نشین تعبیر کرده، فراوان نقل شده است. دربعضی از آنان آمده است: روزی رسول خدا9 فرمود: هر چیزی را که در کتاب خدا به شما داده شده، عمل بدان لازم است و کسی در ترکش عذری ندارد و اگر در کتاب خدا نبود در سنت که ازمن به جای مانده و اگر در سنت نبود،

فما قال اصحابی ان اصحابی بمنزله النجوم فی السماء فبأیهم اخذتم اهتدیتم((1));

آنچه اصحابم گفته اند زیرا اصحابم همانند ستارگان آسمانند که دینتان را از هر کدام از آنان بگیرید هدایت می شوید.

هم چنین از سعید بن مسیب و او از عمر بن خطاب نقل کرده است که رسول خدا9 فرمود: «درباره اختلاف اصحابم پس از خود، از پروردگارم پرسیدم؛ خداوند به من وحی کرد: ای محمد! اصحاب تو در نزد من هم چون ستارگان آسمانند که بعضی از بعضی دیگر فروزان ترند؛ پس اگر کسی به چیزی که آنان در آن اختلاف دارند دست یابد در نزد من بر هدایت است».((2))

و نیز احادیثی به این مضمون نقل شده است که

1-) کنز العمال، ج1، ص199؛ لسان المیزان، ج2، ص137.
2-) خطیب بغدادی، الکفایه فی علم الروایه، ص48.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیهم اهتدیتم؛((1))

اصحابم همانند ستارگانند به هر یک از آنان اقتدا کنید هدایت می شوید.

روایت چهارم: جلوگیری اصحاب از فساد در دین

در برخی روایات اهل سنت تشبیه میان اصحاب و نمک به کار رفته است که آن حضرت فرمود:

«اصحابی کالملح فی الطعام لا یصلح الطعام الا بالملح»؛

اصحابم همانند نمک در طعام هستند آن گونه که طعام اصلاح نمی شود مگر با نمک (امور شما امت نیز اصلاح نمی گردد مگر به ووسیله ی اصحاب)

از این رو نباید به این اصحاب بدبین بود، بلکه هر کسی برای حفظ دین خود باید از آنان استفاده کند.

روایت پنجم: برتر بودن امت زمان پیامبر

در احادیث فراوان دیگر اصحاب را به دلیل همزمان بودن آنان با زمان پیامبر برترین امت ذکر کرده اند که در منابع اهل سنت این دسته از روایات با متن های گوناگون و فراوان نقل شده است.

از جمله از عمران بن حصین نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«خیر امتی القرن الذین بعثت فیهم ثم الذین یلونهم ثم الذین

1-) لسان المیزان، ج2، ص488؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج20، ص28؛ خطیب بغدادی، پیشین، ص48.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

یلونهم»؛((1))

بهترین امت من در قرنی است که من در آن برای آنان (امت) برگزیده شدم پس از آن کسانی به دنبال آنان می آیند، سپس کسانی که به دنبال آنان می آیند.

در برخی روایات از ابوهریره نقل شده است که آن حضرت فرمود: «بهترین شما همزمانان با من هستند، سپس کسانی که پس از شما می آیند و پس از آنان قومی می آیند که دوست دارند به چیزی که ندارند افتخار کنند و پیش از دعوت به شهادت، شهادت می دهند.((2))

بر اساس این روایات، اهل سنت می گویند: واژه خیر امتی از جهت دلالت، عام است و نیکو بودن تمام اصحاب را ثابت می کند.((3))

مراد از «قرن» پیامبر را می گویند و این مدت زمانی است که صحابه در آن زندگی کرده اند که ابوالطفیل در سال یکصد و بیست بعثت (نه هجرت) وفات کرد.((4))

در اینجا به نگارش همین مقدار از احادیث که در منابع اهل سنت ذکر شده است، بسنده کرده و بار دیگر تأکید می شود که دانشمندان اهل سنت از این احادیث و احادیث فراوان دیگر که با همین مضامین نقل شده است، مقام معنوی حجیت را برای

1-) المصنف صنعانی، ج11، ص87؛ شرح المواقف، ج8، ص73؛ سنن بیهقی، ج10، ص160 (با اندکی تفاوت در بعضی متون).
2-) الکفایه فی علم الروایه، ص47.
3-) الاصابه، ج1، ص20.
4-) فتح المغیث، ج3، ص93.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آنان استفاده کرده اند و آنان را به عنوان حاملان شریعت، انسان هایی پاک و به دور از هرگونه خطاکاری می دانند که کسی حق بررسی احوال آنان را همانند دیگر انسان ها ندارد.((1))

بازاندیشی سند ودلالت این روایات

اشاره

وجود روایاتی که درباره صحابه با استناد به منابع اهل سنت نگارش یافت، دراندیشه اعتقادی و عملی اهل سنت چنان تأثیر گذار بوده است که بیشتر آنان بدون کمترین توجه به موازین علمی در بررسی سند و دلالت این روایات تمام اصحاب را دارای مقام معنوی بالا و شخصیت های برجسته دانسته اند، گویا همه آنان جز رفتار معصومانه هیچ گاه خطا و لغزش در زندگی شان نداشته اند و همین برخورد خوشبینانه در برداشت از این روایات سبب شده است که در مجامع علمی و عمومی اهل سنت، کردار خلاف برخی اصحاب گاهی اوقات مورد انکار قرار گیرد و گاهی نیز با توجیهات غیر منصفانه مورد قبول واقع شود تا کوچک ترین غبار بر چهره صحابه ننشیند.

لازم به ذکر است که گرچه از جهت اعتقادی و عملی بیشتر دانشمندان اهل سنت نسبت به اصحاب با خوشبینی برخورد کرده اند، اما برخی از آنان با نگاه عالمانه و رعایت موازین علمی به روایاتی که درباره اصحاب نقل شده نگریسته اند و بنا به نگرش علمی که داشته اند، این روایات مورد پذیرش آنان قرار نگرفته است که در اینجا

1-) برای تفصیل بیشتر رک شرح مواقف، ج8، ص373؛ شرح عقائد نسفیه، ص241؛ الاصابه، ج1 مقدمه کتاب؛ اسدالغابه، ج1، مقدمه آن.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به دلیل رعایت حق مطلب، ما بدون توجه به گفته های دانشمندان شیعی تنها به آنچه دانشمندان اهل سنت اظهار کرده اند به سه گزینه سند، دلالت و روایات معارض دیگر اشاره خواهیم کرد.

گفتار یکم - سند روایات

پنج گروه از روایاتی که مورد استناد قرار گرفت هر کدام از جهت سند مورد نقد و خدشه برخی دانشمندان به قرار زیر قرار گرفته است:

سند روایت نخست (روایت «الله الله فی اصحابی» و دشمنی نکردن با آنان)

ناصر الدین:

ضعیف غریب لاتعرفه الا من هذا الوجه؛((1))

این روایت ضعیف و غریب است که آن را جز این طریق از طرق دیگر ندیدم.

ابن کثیر:

«این حدیث ضعیف است و احمد بن حنبل آن را نقل نکرده است.»((2))

عقیلی:

و اما حدیث الله الله فی اسناده نظر((3))

معلوم می شود که به نظر ایشان این حدیث سند قابل قبولی ندارد.

1-) ضعیف السنن، الترمذی، ص518.
2-) تفسیر ابن کثیر، ج30، ص525.
3-) ضعفا الکبیر، ص272.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ابن عدی:

پس از اشاره به سند این حدیث میگوید:

و هو اسناد لا یعرف... و فیه نظر

این سند شناخته شده نیست و در آن نظر است

و در ادامه می گوید: از ابن معین درباره این حدیث سؤال شد، گفت: ضعیف.((1))

ترمذی نیز این حدیث را ضعیف دانسته است.((2))

سند روایت دوم (لا تسبو اصحابی - نهی از توهین به اصحاب)

این حدیث با اسناد گوناگون و در وقایع متفاوت نقل شده است. در این میان بیشتر دانشمندان اهل سنت به دو سند، یکی از ابی هریره و دیگری از ابن سعید، اعتماد بیشتری کرده اند که بسیاری بدون اینکه تک تک رجال حدیث را بررسی کنند حکم کرده اند که چون در صحیحین آمده، لذا صحیح است؛ اما در برابر اینان در برخی منابع اهل سنت روی تک تک روات نظر شده است و برخی افراد را تضعیف کرده اند مثلا درباره سند ابوهریره آمده است:

و رجاله صحاح غیر عاصم بن ابی نجود؛((3))

همه راویان آن صحیح هستند جز عاصم بن ابی نجود.

ابن حبان از راوی یی به نام موسی بن مروان نام برده، می گوید:

1-) الکامل ابن عدی، ج4، ص167.
2-) سنن ترمذی، ج5، ص358.
3-) مجمع الزوائد، ج10، ص15.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

رجاله ثقات غیر موسی بن مروان؛((1))

همه راویان آن ثقه هستند مگر موسی بن مروان.

و اما در سند ابی سعید نیز برخی روات تضعیف شده است.

ابی یعلی می نگارد:

اسناده ضعیف داوود بن زبرقان متروک الحدیث((2))

طبرانی در «معجم الاوسط» می گوید: داوود بن زبیرقان در سند این حدیث واقع شده و او ضعیف است.((3))

و در سند دیگر ابی سعید ابی لهیعه واقع شده است و احمد درباره او می نگارد:

هذا الاسناد ضعیف من اجل ابی لهیعه((4))

سند روایت سوم (که اصحاب را نجوم و ستارگان هدایت ذکر کرده بود)

سند این روایت نیز به وسیله ی بعضی افراد تضعیف شده است.

متقی هندی می گوید: «سند این روایت به دلیل وجود سلیمان بن ابی کریمه و جویسر ضعیف است».((5))

ابن حجر می گوید: «نزد مالک رجال این حدیث

1-) صحیح ابن حبان، ج16، ص238.
2-) مسند ابی یعلی، ج2، ص342.
3-) معجم الاوسط، ج6، ص338.
4-) مسند احمد، ج6، ص6.
5-) کنز العمال، ج1، ص99.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مجهول است.»((1))

هم چنین ایشان می نگارد: ابوذرعه درباره حدیث «اصحابی کانجوم» گفته است:

لا اصل لها - انه باطل موضوعه((2))

سند روایت چهارم (که اصحاب را پاسبان و جلوگیری کنندگان از فساد در دین دانسته بود)

این حدیث نیز از جهت سند مورد اشکال برخی دانشمندان اهل سنت قرار گرفته است.

مناوی پس از اشاره به حدیث «اصحابی کا الملح من الطعام» درباره سند آن می نگارد: «این حدیث غیر حسن است و برخی مانند هیثمی آن را ضعیف دانسته است.»((3))

در مجمع الزوائد هیثمی آمده است: «روایت «اصحابی کالملح من الطعام» ضعیف است زیرا در سند آن اسماعیل بن مسلم قرار دارد.»((4))

سند روایت پنجم (که اصحاب را خیر و برترین امت ذکر کرده بود)

گر چه این حدیث نیز نزد اهل سنت از شهرت بالایی برخوردار است که با مضامین فراوان نقل شده است، اما با دقت درمنابع اهل سنت معلوم می شود که این روایت نیز مانند روایات دیگر از جهت سند مورد نقد و اشکال برخی قرار گرفته است که به مواردی اشاره می شود:

در سند حدیث، جابر بن ابی لهیعه واقع شده است و احمد بن حنبل و هیثمی آن را تضعیف

1-) لسان المیزان، ج2، ص138.
2-) همان، ص118.
3-) فیض القدیر، ج5، ص659

4- مجمع الزوائد، ج10، ص18.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کرده اند((1))

در سند دیگر حدیث «خیر امتی» آمده است: عن عبدالله بن عمیره عن رجل عن زوج بنت ابی جهل عن رسول خیر امتی... این سند نیز به دلیل وجود دو نفر مجهول، رجل و زوج بنت ابی جهل، تضعیف شده است.((2))

در سند دیگر حدیث «خیر امتی» فیض بن وثیق، واقع شده است که ابن معین درباره او گفته است: کذاب خبیث.((3))

در سند حدیث که از سمرهٔ بن جندب نقل شده است، فردی به نام عبدالله بن عیثون واقع شده است و هیثمی درباره او می گوید: مجهول است. ((4)) و هم چنین در طریق دیگر این حدیث به وسیله ی انس از یزید رقاش نقل شده است. ابن عدی درباره او می گوید:

1-) مسند احمد، ج6، ص6؛ مجمع الزوائد، ج2، ص362؛ فیض القدیر، ج3، ص483.
2-) الاحاد المثانی ابوبکر شیبانی، ج5، ص334؛ فتح الباری، ج7، ص5؛ مجمع الزوائد، ج10، ص20.
3-) کنز العمال، ج11، ص755.
4-) مجمع الزوائد، ج9، ص743.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و احادیثه عن یزید غیر محفوظه((1))

هم چنین در سند دیگر این حدیث از انس به جهت ابن لهیعه که قبلاً ذکر شد این سند نیز ضعیف دانسته شده است.((2))

یکی از دانشمندان اهل سنت درباره این حدیث با صراحت می گوید:

حدیث خیر امتی بعدی مکذوب موضوع باطل((3))

در این جا آنچه درباره تضعیفات برخی دانشمندان اهل سنت نسبت به پنج گروه از احادیث درباره فضیلت و برتری برخی اصحاب به نگارش درآمد، بسنده می کنیم و بر این مطلب تأکید می شود که آن عده از دانشمندان اهل سنت که از این احادیث افراط گونه جایگاه معنوی و خدشه ناپذیر بودن اصحاب را استفاده کرده اند، سزاوار بود به این مطالب و گفته ها توجه کرده و سپس نگاهی به دلالت آن احادیث و تطبیق آن با سیره اصحاب می کردند تا از جاده حق و انصاف خارج نشده و در سپردن دین به دست افرادی که خودشان می گویند معصوم نبودند این گونه خوش بینانه و سخاوتمندانه حکم نمی کردند.

1-) الکامل فی ضعفاء الرجال، ج7، ص107.
2-) فتح الباری، ج7، ص5.
3-) فتحی، الدین الحنفی فلک النجاه، ص82.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

گفتار دوم: دلالت احادیث حجیت صحابه

در رهیافت به دلالت این روایات، پیش از همه توجه به این واقعیت ضرورت دارد که در بحث حجیت صحابه ادعا این بود که آنان پس از رسول خدا9 حاملان شریعت و حجت میان خدا و خلق هستند((1)) که یکی از ادله آنان پنج دسته روایت بود که نگارش یافت و در مجموع دانشمندان اهل سنت قاطعانه ادعا دارند که این روایت بر اثبات مقام معنوی حجیت شخصیت تمام اصحاب دلالت می کند و به دنبال آن می گویند که ما بعد از رسول خدا9 باید دین خود را از سنت و اجماع اصحاب بگیریم.)(2)(

در پاسخ این ادعا کافی است به این مطلب اساسی توجه شود که با توجه به شواهد قرآنی درباره نفاق برخی اصحاب و شواهد تاریخی از سیره و رفتار ضد دینی بعضی آنان و نیز مخدوش بودن این روایات از جهت سند، بسیار مشکل است که کسی چشم خود را بر این حقایق بسته و ادعا کند که این احادیث به گونه ای مطلق همه اصحاب را دارای شأن و مقام حجیت دانسته است، کما اینکه برخی از دانشمندان اهل سنت منصفانه به این قضیه نگریسته و متوجه این مشکل در دلالت این روایات شده اند

1-) این ادعا و ادله آن پیش از این نگارش یافت دیگر تکرار نمی شود.
2-) التبصیر فی الدین، اسفراینی، ص178؛ مجمل اعتقاد ائمه السلف، ص22؛ عون المعبود، ج1، ص33؛ الاصابه، ج1، ص22؛ شرح مواقف ایجی، ج8، ص344؛ معرفت الثقات، عجلی، ج1، ص93.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

یکی از دانشمندان اهل سنت با توجه به این روایات و دلالت آنان می گوید: اگر کسی سؤال کند که آیا با وجود این روایات جایز است اصحاب را جرح و تعدیل کرد؟ در جواب می گوییم:

یجب ان نفتش احوالهم کما هو جار فی احوال سائر الروات لان کل من حضر عندالنبی و اظهر اسلامه لیس بصحابی فی الحقیقت و لیس بمؤمنین و ان کان مؤمنا فلیس بمعصوم بحیث لا یصدر علیه ذنب؛((1))

واجب است بر ما که احوال صحابه را بررسی کنیم آن گونه که احوال دیگر روات را بررسی می کنیم؛ زیرا هر کس که نزد پیامبر حاضر شده و اسلام خود را آشکار کرد. در واقع مؤمن نبود و اگر مؤمن هم باشد معصوم نیست تا از او گناهی سر نزند.

ابن حجر در «فتح الباری» درباره دلالت این احادیث بر افضلیت و برتری اصحاب می گوید: «آیا این دلالت نسبت به مجموع امت است یا نسبت به بعضی افراد و پس از بحث دامنه دار، دلالت نسبت به بعضی افراد را ترجیح داده و مطلق بودن را بعید می داند.»((2))

ابن ابی الحدید معتزلی دربارهٔ دلالت این روایات می گوید: بعید است که رسول خدا9 تمام اصحاب را هدایت شده و هدایت کننده دانسته باشد؛ زیرا لازمه آن این است که در نزاع هایی

1-) فلک النجات، ص62.
2-) فتح الباری، ج3، ص353.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مانند جنگ صفین هم اهل شام و هم اهل عراق در مسیر هدایت باشند و باید عمار و قاتل او هر دو هدایت یافته باشند، در حالی که در حدیث است که رسول خدا9 قاتل عمار را از گروه بغی و ستمگر دانست و نیز باید گفت بسر بن ارطاةؑ که دو طفل صغیر ابن عباس را در یمن در جلوی چشم مادرشان سر برید، باید هدایت یافته باشد و هم چنین باید گفت معاویه و عمروعاص که علی و دو فرزندش حسنین را لعن می کردند باید در طریق هدایت باشند و هم چنین در میان اصحاب، کسانی بودند که اعمال منافی عفت انجام می دادند وشراب می نوشیدند و برخی مرتد شدند و از لازمه این روایات این است که بگوییم همه آنان هدایت یافتگان هستند.((1))

علاوه بر این اشکالات صریح که برخی دانشمندان اهل سنت در دلالت آن روایات بر عموم اصحاب دارند، گفتار دیگری نیز از برخی دانشمندان درباره سیره اصحاب بعد از رسول خدا9 ثبت شده است که دقت در آن نیز، عمومیت آن روایات نسبت به جمیع اصحاب را خدشه دار می کند.

شهرستانی در «ملل و نحل» می نگارد: اگر دقت کنیم سرچشمه تمام شبهاتی که در ادیان و شریعت های انبیا به وجود آمده است به کفار و ملحدان و منافقان زمان آن انبیا برمی گردد. حال نسبت به شریعت های سابق گرچه به دلیل طولانی بودن زمان، این مطلب بر ما روشن نیست اما در اسلام

فلا یخف فی هذه الامه ان شبهاتها نشات کلها من شبهات منافقی

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج20، ص28 به بعد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

زمن النبی اذلم یرضو بحکمه فیما کان یأمروا ینهی؛((1))

مخفی نیست که در امت اسلام تمام شبهات آنان برخاسته از شبهات منافقان زمان پیامبر بود زیرا آنان به دستور آن حضرت رضایت نمی دادند.

حال با گفتار این دانشمند اهل سنت چگونه می توان پذیرفت که رسول خدا9 تمام اصحاب را آن گونه ستایش کرده است؟!

هم چنین قرطبی درباره وضعیت دینی اصحاب بعد از رسول خدا9 می نگارد:

ان النبی لما مات ارتدت العرب کلها... فقام ابوبکر یدعو الناس الی الاسلام و یقاتلهم علی الدّخول فی الدین کما فعل النبی فاستحق من هذه الجهه ان یقال فی حقه ثانی اثنین؛((2))

1-) ملل و نحل، ج1، ص27.
2-) الجامع لاحکام القرآن، ج8، ص147.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هنگامی که رسول خدا9 رحلت کرد تمام عرب مرتد شدند. پس از آن ابوبکر قیام کرد و مردم را به سوی اسلام دعوت کرد و با آنان جنگید تا در دین داخلشان کند هم چنان که رسول خدا9 با آنان جنگیده بود و از این جهت به ابوبکر، ثانی اثنین (دومین نفر) می گفتند.

قاضی ایجی نیز می پذیرد که بدون شک بعد از رسول خدا9 فتنه هایی میان اصحاب پیامبر رخ داد؛ مانند خروج بعضی اصحاب بر ضد عثمان وعلی بن ابی طالب علیه السلام که هر دو خلیفه بر حق بودند.((1))

رفتار های ضد دینی در میان اصحاب چنان اوج گرفته بود که حتی برخی اصحاب موقع مرگ خود وصیت می کردند که فلان صحابه بر بدن او نماز نخواند و این نبود مگر به دلیل اینکه همدیگر را فاسق می دانستند((2)) مانند وصیت عبدالله بن مسعود بر اینکه عمار بر بدن او نماز بخواند نه خلیفه وقت عثمان که طبق معمول باید عثمان نماز می خواند چون خلیفه بود.((3))

در تاریخ اصحاب رسول خدا9 بارها مشاهده شده است که آنان به همدیگر اعتماد و اعتقاد کامل نداشتند؛ ولی ما در اینجا به دلیل دور نشدن از موضوع بحث، به همین مقدار از شواهد و دلالت نداشتن این احادیث بر عموم اصحاب بسنده می کنیم و بار دیگر تأکید می شود که با قطع نظر از

1-) شرح المواقف، ج8، ص374.
2-) فلک النجات، ص156.
3-) تاریخ یعقوبی، ج2، ص170.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اشکالاتی که در سند این روایات نگارش یافت، در دلالت آنان بر عموم اصحاب نیز این اشکالات وجود دارد.

گفتار سوم:روایات معارض

با بررسی روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اصحاب در منابع اهل سنت به روایاتی برمیخوریم که از آینده تاریک و انحرافات اعتقادی و عملی اصحاب خبر داده است. در حقیقت این روایات از جهت روش شناسی و بیان معرفتی معارض روایاتی است که قبلاً برای تقدیس و فضیلت اصحاب نگارش یافت و بسیاری از این روایات در صحیح بخاری و مسلم، که از موثق ترین منابع اهل سنت است، آمده است که به چند نمونه اشاره می شود:

1 - در روایات از ابن عباس نقل شده است که روزی رسول خدا9 یارانش را موعظه و نصیحت می فرمود و از کیفیت محشور شدن به سوی جهان آخرت سخن به میان آورد تا اینکه فرمود:

«و انه سیجاء برجال من امتی فیؤخذ بهم ذات الشمال فاقول یا رب اصحابی قال فیقال لی انک لا تدری ما احدثو بعدک لم یزالو مرتدین علی اعقابهم منذ فارقتهم»؛((1))

«و زود است که مردان از امت من را گرفته آنان را به جانب دیگر ببرند، پس از آن من بگویم: پروردگارا! اصحابم. حضرت فرمود: پس در جوابم گفته می شود تو نمی دانی آنچه را که آنان بعد از تو به وجود آوردند آن روزی که از آنان جدا شدی آنان همواره به عقب (دوره جاهلیت) بازگشتند.»

1-) صحیح مسلم، ج8، ص157؛ مسند احمد، ج1، ص235.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

2 - در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده که خطاب به اصحاب فرمود:

«انا فرطکم علی الحوض و لیرفعن رجال منکم لیختلجنّ دونی فاقول یا رب اصحابی فیقال انک لا تدری ما احدثو بعدک»؛((1))

من در حوض کوثر بر شما وارد می شوم ولی گروهی از شما مردان را، از آنجا می رانند در حالی که سراسیمه و آشفته اند. می گویم: پروردگارا (اینان) اصحاب من هستند.

در پاسخ گفته می شود: تو نمی دانی که پس از تو چه کارهایی کرده اند

3 - در روایتی دیگر نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«یرد علیَّ الحوض رجال من اصحابی فیحلئون عنه فاقول یا رب اصحابی فیقول انک لا علم لک بما احدثو بعدک انهم ارتد و علی ادبارهم قهقری»؛ ((2))

«بر سر حوض کوثر مردانی از اصحابم وارد می شوند ولی آنان را دور می کنند. می گویم: بار خدایا اصحاب من هستند. گفته می شود: تو نمی دانی بعد از تو چه کردند، آنان مرتد شده و به قهقهرا (جاهلیت) بازگشتند.»

4 - در روایتی از ابوهریره آمده است که

1-) بخاری، ج7، ص206.
2-) بخاری، ج7، ص208.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیامبر فرمود:

«بینا انا قائم فاذا زمره حتی اذا عرفتهم خرج رجل من بینی و بینهم فقال هلم فقلت این قال الی النار و الله قلت ما شأنهم قال انهم ارتدوا بعدک علی ادبار هم قهقری فلا اراه یخلص منهم الامثل همل النعم»؛((1))

زمانی فرا می رسد (در روز قیامت) که من ایستاده ام و گروهی بر من وارد می شوند که من آنان را می شناسم (و از اصحاب من هستند) پس مردی از میان آنان برمی خیزد و دستور می دهد بشتابید، می پرسم: کجا؟ می گوید: به خدا سوگند به سوی آتش. می پرسم اینان چه کرده اند؟ پاسخ می دهند: آنان پس از تو به گذشته (جاهلیت) بازگشته، مرتد شدند. و از میان آنان کسی نجات نمی یابد مگر به اندازه چهارپایان سالخورده ای که از قافله عقب می مانند.

5 - در دسته دیگری از روایات نقل شده است که آن حضرت خبر از نفاق افکنی منافقان در میان اصحاب داده است و به روایت حذیفه آن حضرت فرمود:

1-) صحیح بخاری، ج7، ص208.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«فی اصحابی اثناعشر منافقا لا یدخلون الجنه و لا یجدون ریحها حتی یلج الجمل فی سم الخیاطه»؛((1))

در میان اصحابم دوازده نفر منافق هستند که آنان وارد بهشت نمی شوند و بوی بهشت نیز به مشام آنان نمی رسد مگر اینکه شتر از میان سوراخ سوزن داخل شود.

حال با توجه به صراحت این روایات درباره کردار اصحاب بعد از پیامبر که در معتبر ترین منابع حدیثی اهل سنت آمده است، آیا مجال این باقی می ماند که گفته شود همه اصحاب بدون استثنا دارای مقام بلند و تأیید شده از جانب خدا و رسول و حاملان شریعت هستند که نباید درباره مقام با عظمت آنان سخن گفت؟

گفتار چهارم: تعارض با سیره صحابه

علاوه بر سه اشکال نگارش یافته بر روایات فضیلت و برتری تمام اصحاب که هر سه اشکال به نوعی ناسازگاری درونی آن روایات به حساب می آمدند، یکی دیگر از اشکالات مهم که به نوعی ناسازگاری بیرونی می باشد، ناسازگاری تطبیقی و تعارض آشکار میان محتوای روایات فضیلت اصحاب و ادعای شأن حجیت برای آنان با سیره عملی شان می باشد.

با نگاهی به تاریخ زندگانی اصحاب و یاران رسول خدا9، این مطلب به خوبی پیداست که آنان

1-) صحیح مسلم، ج8، ص123.؛ سنن الکبری، بیهقی، ج8، ص198.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پس از فقدان آن حضرت همگی دارای آرمان های مشترک نبودند و در یک مسیر قرار نگرفتند؛ بلکه بسیاری از آنان دارای افکار و اندیشه متفاوت بودند و جز دست یابی به اهداف شخصی و اقتدار گرایی به مطلب دیگری نمی اندیشیدند و در حقیقت اهمیت درک این بخش از سیره عملی اصحاب و پی بردن به کردار ناپسند آنان در این است که طبق شواهد تاریخی، ریشه تاریخی و زیرساخت های کردار ناپسند برخی اصحاب به کردار خلاف کارانه آنان در زمان حضور رسول خدا9 بازمی گردد که نشان دهنده تسلیم نبودن آنان به دین مقدس اسلام است و از آنجا که اصحاب رسول خدا9 از جهت تعداد و شمارش افراد، در گستره وسیع قرار دارند طبیعتا بحث و بررسی سیره و کردار آنان نیز در گستره ای وسیع و درخور چندین جلد کتاب است که ما در این نوشتار تنها به شواهدی اندک اشاره خواهیم کرد:

دقت درباره تاریخ زندگانی خالد بن ولید، که در سال هشتم هجری مسلمان شد و از او به عنوان شمشیر خدای تعالی، سوارکار اسلام، امیر بزرگ، جلودار مجاهدان و... یاد شده است، ((1)) این مطلب را نشان می دهد که او در زمان حیات پیامبر، به دلیل کینۀ دیرینه ای که با قبیله بنی جذیمه داشت، همه افراد قبیله را، با اینکه اظهار اسلام کرده بودند، با خدعه و نیرنگ از دم تیغ گذراند و این عمل او از نظر رسول خدا9 چنان جنایت کارانه بود که پس از شنیدن آن واقعه ناگوار آن حضرت دست ها را به

1-) سیر اعلام النبلاء، ج1، ص366.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سوی آسمان بلند کرد و دو بار فرمود: پروردگارا من از آنچه خالد کرده دوری می جویم.((1)) پس از رحلت رسول خدا9 و در زمان خلافت ابوبکر نیز، کشتار بی رحمانه مالک بن نویره و افراد قبیله او و همبستر شدن خالد با همسر مالک در همان شب از دیگر جنایت های خالد است که این کردار جنایت کارانهٔ وی از نظر دیگر صحابه مانند ابوقتاده که همراه مالک بود و نیز عمر بن خطاب، عملی نابخشودنی بود.((2))

هم چنین معاویه و عمروبن عاص که یک بار رسول خدا9 آنان را نفرین کرده بود؛ کردارشان در زمان رسول خدا9 چنان ناشایست بود که به نقل ذهبی ابوبرزه می گوید: «ما با پیامبر بودیم که صدای آواز ترانه شنیدیم. فرمود بنگرید چه خبرشده است. من بالا رفتم و دیدم که معاویه و عمروعاص با هم مشغول آواز و ترانه هستند. به پیامبر خبر دادم حضرت فرمود: بار خدایا آنان را در فتنه ها غرق کن و داخل آتش جهنم نما.»((3))

هم چنین درباره برخی اصحاب نقل شده است که آنان همان گونه که پیش از اسلام عادت به نوشیدن شراب داشتند پس از آنکه اسلام را اختیار کردند نیز تغییری در آنان ایجاد نشد و به آن عادت خود در نوشیدن شراب ادامه دادند که از آن جمله درباره ولید بن عقبه برادر مادری عثمان از علقمه نقل شده است: ما در روم بودیم و ولید امیر ما بود. وی در آنجا شراب نوشیده

1-) صحیح بخاری، ج5، ص125، ح4339
2-) البدایه و النهایه، ج6، ص322؛ تاریخ طبری، ج2، ص273.
3-) همان، ج3، ص132.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بود. برخاستیم بر او حد جاری کنیم که حذیفهٔ بن یمان گفت: آیا حال که به دشمن نزدیک شده ایم امیر خود را حد می زنید تا در شما طمع کنند. و این عمل ناپسند او ادامه داشت و حتی در آخر کار را به جایی رسانید که در زمان فرمانداری اش از جانب عثمان در کوفه به نقل حصین بن منذر شبی شراب نوشیده بود و در صبح آن در حالت مستی در مسجد کوفه برای انجام نماز صبح حاضر شد و نماز صبح را چهار رکعت به جا آورد و با حال مستی در حال رکوع و سجود نعره می زد:

اشرب و اسقنی؛

بنوش و به ما نیز بنوشان.((1))

و در اثر این کردار او، اعتراضات مردمی بر ضد او بالا گرفت و عثمان مجبور شد او را عزل کند.((2))

نیز قدامهٔ بن مظعون که از اصحاب بدر و حکمران خلیفه دوم در بحرین بود شراب نوشید و عمر او را عزل کرد و حد بر او جاری ساخت.((3))

بالاتر از همه، جنگ ها و کشتار هایی بود که میان اصحاب رخ داد و چه بسا صحابیان در این نبرد های داخلی جان خود را از دست دادند، مانند قتل عثمان به وسیله ی برخی دیگر از اصحاب((4)) و نیز جنگ های خانمان سوز صفین و

1-) الکامل فی التاریخ، ج3، ص40؛ مسند احمد، ج1، ص144؛ مروج الذهب، ج1، ص435.
2-) انساب الاشراف، بلاذری، ج5، ص33.
3-) سیر اعلام النبلا، ج1، ص161.
4-) الکامل فی التاریخ، ج3، ص68؛ تاریخ خلفا، سیوطی، ص160.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نهروان و جمل((1)) که قاضی ایجی درباره این نبرد ها می گوید:

والذی علیه الجمهور من الامه هو ان المخطئ قتله عثمان و محاربوا علی لانهما امامان فیحرم القتل و المخالفه قطعا؛((2))

آنچه مشهور امت بر آن (عقیده مند) هستند این است که کشندگان عثمان و جنگ کنندگان با علی خطا کرده اند؛ زیرا آن دو پیشوا بودند پس حرام بود جنگ و مخالفت با آنان.

به هر حال مهم این است که قطعا این جنگ ها میان اصحاب بوده است؛ گرچه بسیاری از خوش بینان به صحابه، آن را به گونه ای توجیه کرده و مربوط به اجتهاد آنان دانسته اند((3)) که پذیرش این گونه توجیهات با وجود نص صریح رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر حرمت خون مسلمان، کاری بسیار مشکل و تسلیم نشدن در برابر نص صریح است.

بر این اساس بود که خود اصحاب رسول خدا9 نسبت به آینده خود هراسناک بودند و کردارشان را دور از مبانی اسلام می دانستند. در «صحیح بخاری» از علاء بن مسیب نقل شده است که به براء بن عازب گفتم: خوشا به حالت با پیامبر هم صحبت بودی و زیر درخت (بیعت رضوان) با او بیعت کردی. گفت: فرزند برادرم تو نمی دانی که

1-) تاریخ طبری، ج4، ص431؛ تاریخ یعقوبی، ج2، ص157؛ انساب الاشراف، ج5، ص81.
2-) شرح مواقف، ج8، ص374.
3-) شرح عقائد نسفیه، تفتازانی، ص247.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ما پس از او چه کارهایی کردیم و چه انحراف هایی در دین به وجود آوردیم.((1))

نیز از عایشه، انس بن مالک، ابو سعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری و ابودردا و.... روایات فراوان ذکر شده است مبنی بر اینکه ما اصحاب رسول خدا9 پس از آن حضرت تغییراتی در دین به وجود آوردیم.((2))

بنابراین اگر به تاریخ زندگانی صحابه با دید منصفانه و بدون بزرگ نمایی و پیش فرض های جانب دارانه نگریسته شود، پیداست که در میان آنان نیرنگ ها، تهمت زدنها، قتل، کشتار همدیگر، تفسیق همدیگر، و کردار هایی مانند شراب خواری و هراس از خطاکاری هایشان وجود داشته است که با این وصف اعتقاد داشتن به پاکی و خوب بودن آنان کاری مشکل است.

مبنای حجیت سلاطین و پادشاهان در اندیشه اهل سنت

در حقیقت گزاره های تعیین حجت پس از رسول خدا9 در اندیشه راهبردی اهل سنت، بر اساس این اصل مسلم تاریخی و مسلم استوار است که چون در تمام اعصار و قرون پس از رسول خدا9 دین الاهی باقیست و از طرفی به این دلیل که مردم نسبت به برداشت ها و تلقی های امور دینی یکسان نیستند، پس باید در هر عصر و دوره دین رسانانی به عنوان حجت الاهی در میان مردم وجود

1-) صحیح بخاری، ج5، ص78.
2-) رک صحیح بخاری، ج5، ص ؛ مستدرک حاکم، ج3، ص560؛ الاصابه، ج3، ص83؛ مجمع الزوائد، ج7، ص463.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

داشته باشند.

در عصر نخست تا فردی از صحابه وجود داشت، او این سمت را به عهده داشت ولی از آنجا که اصحاب گرامی نیز گرفتار مرگ شدند و عصر آنان پایان پذیرفت بعد از آنان نیز باید حجت وجود داشته باشد.((1))

در این زمینه با جست و جو در آثار دانشمندان اهل سنت به گفتار های شگفت انگیزی بر میخوریم؛ زیرا بسیاری از آنان نظریه حجیت سلاطین و پادشاهان را به عنوان حجت مطرح کرده اند که برای ادا شدن حق مطلب، به شواهدی از روایات و تصریح برخی از دانشمندان اهل سنت اشاره می شود:

در حدیثی از ابی بکره آمده است که رسول خدا9 فرمود:

«السلطان ظل الله فی الارض فمن اکرمه اکرم الله و من اهانه اهان الله»؛((2))

سلطان سایه خداوند در زمین است؛ پس هر کس او را گرامی دارد خدا را گرامی داشته و هر کس به او اهانت کند، به خدا اهانت کرده است.

در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است:

1-) فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، ص106؛ غزالی، الاعتقاد فی الاقتصاد، ج1، ص76.
2-) الجامع الصغیر سیوطی، ج2، ص69؛ کنز العمال، ج6، ص4؛ شرح نووی، ج16، ص123؛ مجمع الزوائد، ج5، ص215.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«لا تسبوالسلطان فانه ظل الله فی الارض»؛((1))

سلطان را دشنام ندهید چون او سایه خداوند در روی زمین است.

در حدیث دیگری از انس نقل شده است که پیامبر9 فرمود:

«اذا مررت ببلده لیس فیها سلطان فلاتدخلها انما السلطان ظل الله فی الارض»؛((2))

هرگاه گذر کردید از قریه ای که در آن سلطان وجود نداشت، پس به آن (قریه) داخل نشوید؛ زیرا که سلطان سایه خدا در روی زمین است.

در حدیث دیگری آمده است:

«السلطان ظل الله و رمحه فی الارض»؛((3))

سلطان سایه و خنجر خداوند در روی زمین است.

هم چنین درباره پیروی و اطاعت از سلطان، از آن حضرت نقل شده است:

«فانه لیس احد من الناس یخرج من السلطان شبرا فمات الا میته

1-) کتاب السنه ابی عاصم، ص483.
2-) سنن کبری، بیهقی، ج8، ص162؛ جامع الصغیر سیوطی، ج1؛ ص132؛ مسند الشهاب، ج1، ص201؛ مجمع الزوائد، ج5، ص196.
3-) کنز العمال، ج6، ص8.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الجاهلیه»؛((1))

«پس همانا هیچ یک از مردمان نیست که از سلطان به اندازه یک وجب فاصله بگیرد مگر اینکه پس از آن با مرگ جاهلی از دنیا برود.»

سرانجام اینکه وجود این گونه روایات سبب شده است که اهل سنت در تعامل با پادشاهان و سلاطین دارای مبانی انعطاف پذیر بوده و موضع گیری های آشتی جویانه داشته و آنان را به نوعی مجریان دستورات الاهی و حجت خداوند بدانند و این ادعا در تعریف ها و لقب هایی که دانشمندان اهل سنت به سلاطین و پادشاهان داده اند و نیز در رویکردهای تبعیت پذیری آنان از سلاطین به خوبی نمایان است. چنانکه فخررازی در تعریف سلطان به نقل از زجاج می نگارد:

سمی السلطان سلطانا لانه حجه الله فی ارضه؛((2))

سلطان را سلطان نامیدند چون او حجت خدا در زمین است.

جساس در این باره می نگارد:

السلطان حجت و من هذا قیل للوالی سلطان لانه حجه الله عزوجل فی ارضه؛((3))

1-) صحیح مسلم، ج6، ص22؛ مسند احمد، ج1، ص310.
2-) تفسیر کبیر، ج6، ص394.
3-) معانی القرآن، ج3، ص378.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سلطان حجت است و به این دلیل به حکمران سلطان گویند که او حجت خداوند در زمینش است.

هم چنین ابن جوزی می نگارد:

السلطان حجه ظاهره و انما قیل للامیر سلطان لانه حجه الله فی ارضه؛ ((1))

سلطان حجت آشکار است و به امیر سلطان گفته می شود چون او حجت خدا در زمینش است.

هم چنین قرطبی از سلطان به عنوان حجت خداوند در زمین نام می برد. ((2))

بسیاری از دانشمندان اهل سنت بر اساس این جایگاه رفیع که برای سلاطین و پادشاهان قائل شده اند، تعامل و سازش و همکاری با هر سلطان را ضروری دانسته و مخالفت با آنان را بدعت گذاری می دانند. چنانچه بربهاری در این زمینه با صراحت می گوید: «اگر دیدی کسی علیه سلطان تبلیغ می کند بدان که اهل بدعت است و اگر دیدی کسی به نفع سلطان دعوت می کند بدان که او پیرو سنت است.»((3))

و نیز غزالی، دانشمند معروف اهل سنت، در ضمن تحلیل و گفتار طولانی درباره ضرورت وجود امرا و سلاطین پیروی از آنان را مطلقا لازم دانسته است.((4))

در بسیاری از آثار احمد بن حنبل صبر کردن

1-) زاد المسیر، ج2، ص211.
2-) احکام القرآن، ج4، ص394.
3-) شرح السنه، ص51.
4-) الاعتقاد فی الاقتصاد، ص76.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در زیر پرچم سلطان چه بدکردار باشد و چه نیک کردار مورد تمجید قرار گرفته است.((1))

هم چنین او می گوید:

لا یحل قتال السلطان و لالخروج علیه لاحد من الناس فمن فعل ذلک فهو مبتدع علی غیر سنه؛((2))

جنگ با سلطان و خروج بر علیه آن بر هیچ کس جایز نیست و اگر کسی جنگ نماید و یا خروج کند بر علیه سلطان، او بدعت گذار و بر خلاف سنت است.

از آنچه تاکنون به نگارش درآمد، به این نتیجه می توان دست یافت که در اندیشه برخی دانشمندان اهل سنت، سلاطین و پادشاهان دارای جایگاه ارزشی بسیار بلند و مجریان دستورات خداوند و از قانون گذاران الاهی هستند که کسی حق درگیر شدن با آنان را ندارد.

1-) العقیده ابن حنبل، 72.
2-) اصول السنه، ص46؛ شرح اصول اعتقادات اهل السنه و الجماعه، ج1، ص161.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تحلیل و نقدی بر این نظریه

پیش از نقد این نظریه، بر این نکته تأکید می شود که دانشمندان شیعی با اصل این تئوری اهل سنت، که وجود سلطان و حاکم را در هر عصر و دوره ضروری می داند، موافق بوده و همگان قبول دارند که برای ایجاد نظم و انضباط اجتماعی و کشیده نشدن جامعه به سوی هرج و مرج، وجود حاکم ضرورت دارد و ما ریشه اصلی و کامل این نظریه را از کلام امیرالمؤمنین7 می توانیم به دست آوریم که آن حضرت سلطنت و حکومت حقیقی را از آن خداوند ذکر کرده، ولی از جهت زمامداری و اجرایی می فرماید:

انه لابد للناس من امیر بر او فاجرٍ یعمل فی أمرته المؤمن و یستمتع فیها الکافر و یبلّغ الله فیها الاجل؛((1))

«مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره مند شوند و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند.»

بنابراین اصل تئوری ضرورت وجود سلطان و حاکم در جامعه، مسلم و قابل قبول است. اما نکته اساسی در نقد این تئوری این است که مبنای ظل الله قائل شدن و لقب حجت الله دادن به سلاطین و پادشاهان چنان نظریه افراطی و به دور از هرگونه واقعیت است که به هیچ وجه با مبانی اعتقادی سازش ندارد.

1-) نهج البلاغه، خطبه 40، ص92.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

باطل بودن این نظریه چنان بدیهی و روشن است که در این زمینه کافیست به تاریخ حکمرانی سلاطین و پادشاهان نظر افکنده، روش های حکومتی ضد دینی و اقتدار طلبانه آنان را منصفانه بررسی کرد که نتیجه آن آشکار است.

و نیز چگونه می توان باور داشت که همه طاغوتیان و ستمگران، که روزگاری بر کرسی قدرت نشستند و با تمام توانی که داشتند تنها برای حفظ قدرت خود کوشیدند و در برخوردهای دینی نه تنها خود اهل دین و دیانت نبودند، بلکه به فکر گسترش و تبلیغ دین نیز نبودند، به عنوان حجت الله معرفی شوند.

از جهت تاریخی، خاستگاه اندیشه ظل الله بودن و حجت دانستن سلاطین به افکار و رسومات دوره جاهلیت برمی گردد که به گفته یکی از نویسندگان غربی، برای پادشاهان و سلاطین مرتبه خدایی و تالی خداوند قائل می شدند یا آنان را ظل الله یا نسخه دوم پروردگار یا مظهر خدا در عالم خاکی و تجلی پروردگار می شمردند.((1)) پس از دوره جاهلیت و در دوره اسلامی، به گفته ابن خلدون از دوره معاویه به بعد خلافت اسلامی به ملک و سلطنتی تبدیل شد که در عجم وجود داشت و اگر گاهی از آن سلطنت به خلافت تعبیر می شد به دلیل اشتباهی بود که در معنای این دو واژه (خلافت و سلطنت) به وجود آمده بود.((2))

ما این نظریه ابن خلدون را نیک می دانیم و برای تکمیل این نظریه تأکید می کنیم که به

1-) مک ایور، جامعه و حکومت، ص18، ترجمه ابراهیم علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.
2-) مقدمه ابن خلدون، ص222.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دلیل ظهور سلاطین در هرم قدرت بود که دانشمندان اهل سنت در یک اقدام کاملاً سیاسی، برای حیات سیاسی و اجتماعی خود و نیز پیش برد اهداف فرهنگی و پیروز شدن بر مخالفان، اندیشه تأیید و تمجید از هرگونه حکمران و سلطان را ترویج کردند تا با تلفیق دو نیروی فرهنگی و سیاسی به نتایج دلخواه خود دست یابند. این در حالیست که بسیاری از دانشمندان اهل سنت روایات السلطان ظل الله را ضعیف دانسته اند((1)) و نیز در منابع اهل سنت به انبوهی از روایات برمی خوریم که اعانت از سلاطین مذمت شده و سفارش به دوری از آنان شده است.((2))

سرانجام اینکه مبنای تعظیم و بزرگ دانستن تمام سلاطین و پادشاهان به جز توجیه سیاسی هیچ گونه توجیه دینی ندارد، زیرا خداوند بندگانش را آزاد آفریده است تا او را بندگی کنند و هیچ گاه راضی نمی شود که آنان در قید اطاعت و فرمانبرداری هر طاغوت و ستمگر قرار گرفته، از آنان پیروی کنند.

در نهایت اینکه اگر از جهت سند، روایاتی که در تعظیم سلطان وارد شده است را بپذیریم، باز هم اهل سنت در دلالت آنان که حمل بر مطلق سلاطین کرده اند گرفتار خطا شده اند؛ زیرا هر سلطانی نمی تواند مصداق آن سلطان که ظل خدا و سایه (رحمت) خدا و مصداق حجت خداوند است، باشد بلکه مراد قطعا آن سلطانی است که از جانب خداوند تأیید شده و این مقام سلطنت به او واگذار شده باشد که این مطلب در منابع شیعه با استناد روشن به آیات قرآن به وسیله ی ائمه معصوم: بیان شده است.

1-) کتاب السنه، ص473، سنن ابی داوود، ج1، ص653؛ سنن دارمی، ج1، ص90.
2-) مسند احمد، ج2، ص371.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برید عجلی می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره آیه

«امْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَی مَا اتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ اتَیْنَا آل ابْرَاهِیمَ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَهَ وَاتَیْنَاهُمْ مُلْکًا عَظِیمًا»؛((1))

آیا نسبت به مردم (پیامبر9 و خاندانش)، و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می ورزند؟ ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز) کتاب و حکمت دادیم وحکومت عظیمی در اختیار آنان (پیامبران بنی اسرائیل) قرار دادیم، پرسیدم.

سؤال کردم و آن حضرت فرمود:

الملک العظیم ان جعل فیهم ائمه من اطاعهم اطاع الله و من عصاهم عصی الله فهو الملک العظیم؛((2))

ملک و سلطنت بزرگی که خداوند به آل ابراهیم عطا کرده این است که در میان آنان امامانی قرار داده است که هر کس اطاعتشان کند خدا را اطاعت کرده است و هر کس آنان را معصیت کند، خدا را معصیت کرده است.

هم چنین ابی داوود بن فرقد می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه

«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشَاءُ»؛ ((3))

بگو: بارالها! مالک حکومتها تویی؛

1-) نسا، 54.
2-) الکافی، ج1، ص206.
3-) آل عمران، 26.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به هر کس بخواهی، حکومت می بخشی و از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری؛

پرسیدم و گفتم: آیا خداوند ملک و سلطنت به بنی امیه داده است؟

حضرت فرمود:

«لیس حیث تذهب الناس الیه ان الله اتانا الملک و اخذه بنوامیه بمنزله الرجل یکون له ثوب و یاخذه الاخر فلیس هو للذی یاخذه»؛((1))

«این نیست که مردم می گویند خداوند ملک و سلطنت را به ما عطا کرد و بنی امیه آن را به زور از ما گرفتند و این مانند آن است که کسی لباسی داشته باشد و دیگری آن را به زور از او بگیرد. در این صورت لباس مال کسی که آن را غصب کرد، نخواهد شد.»

بر اساس این دیدگاه، سلطنت یک امر الاهی است که خداوند آن را به ذریه ابراهیم که آل محمد هستند عنایت کرده است نه مال هر طاغوت و زورمداری که تنها با دسیسه های مردمی یا سایه شمشیر و تزویر به سلطنت و حکومت دست یافته است.

مسئله سلطنت که تأیید شده از جانب خداوند است، حقیقتی می باشد که می توان آن را یک شأن از شئون نبوت دانست که از جانب خداوند به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عنایت شده بود. چنان چه مناوی به نقل از غزالی می گوید: «سلطنت مقامی است که در کنار مقام نبوت برای حضرت محمد9 جمع شده

1-) تفسیر عیاشی، ج1، ص166.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بود.»((1)) پس از این مطلب ایشان می گوید: «بعضی از صوفیه از جمله عارف بزرگ اهل سنت ابن عربی، سلطنت را مساوی قطب دانسته و آنان عقیده دارند این قطبیت بودن و سلطنت مخصوص آل محمد است؛ زیرا به امور دین و دنیا احاطه دارند.»((2))

در این زمینه بسیار جالب است که در نظر ابن عربی مفهوم قطب عبارت است از حقیقتی که اداره کننده امور معنوی و مادی عالم است و ایشان طبق مبنای شیعه، قطب های بعد از پیامبر را دوازده قطب می داند و در این زمینه می نگارد:

و علم ان اقطاب المحمدیین علی نوعین اقطاب بعد بعثته و اقطاب قبل بعثته فالاقطاب الذی کانو قبل بعثته هم الرسل و هم ثلاثه ماه و ثلاثه عشر رسولا و اما الاقطاب من امته الذین کانو بعد بعثته الی یوم القیامه فهم اثناعشر قطبا؛((3))

بدان که قطب های محمد بر دو نوع است: قطب های بعد از بعثت و قطب های پیش از بعثت. قطب های پیش از بعثت 313 رسول بودند (پیامبران مرسل) و اما قطب هایی که از امت محمد و پس از بعثت او بودند و تا روز قیامت ادامه دارند دوازده نفرند.

اگرچه در اینجا مصداق آن قطب های دوازده گانه در کلام ابن عربی تعیین نشده است، اما از جهت تعداد (دوازده نفر) و زمان که آنان تا روز

1-) فیض القدیر، ج4، ص188.
2-). همان، ج4، ص189
3-) الفتوحات مکیه، ج1، ص75

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

قیامت قطبیت دارند، با مبانی شیعه اثناعشری بسیار نزدیک است.

تا اینجا بحث سلطنت و مفهوم شناسی آن را به پایان رساندیم و بار دیگر تأکید می کنیم مبنایی که هر سلطانی را ظل الله یعنی سایه رحمت خدا و حجت بدانیم با مبانی دینی سازگاری ندارد، بلکه این معنا برای سلطان، مخصوص عده خاصی از خاندان رسالت است.

مصداق شناسی حجت در اندیشه شیعی

همان گونه که پیش از این نگارش یافت، اندیشمندان شیعی نسبت به ضرورت وجود حجت میان خداوند و بندگانش و نیز اعتقاد به حجیت قرآن و رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان دو حجت الاهی در میان مخلوقات با اندیشمندان دیگر مذاهب اسلامی همسو و دریک جهت قرار دارند.

در این میان آنچه با موضوع این اثر تناسب بیشتر دارد، تأکید دوباره به این مطلب است که برای زمان پس از رسول خدا9 نیز تمام اندیشمندان مذاهب اسلامی برای دست یابی مردم به تکالیف واقعی، وجود حجت را به عنوان مبلغ و تبیین کننده آموزه های دینی قبول دارند و پس از توجه به این مشترکات، نکته اساسی این است که از جهت کاربردی و معرفتی، درباره مصداق حجت پس از رسول خدا9 جدا انگاری ها آغاز شده و اندیشه های متفاوت درباره حجت شناسی ارائه شده است که در این زمینه طرح و فرضیه حجیت صحابه به عنوان حاملان شریعت و حجت الاهی از جانب اهل سنت مطرح گردید و در مقابل این فرضیه اهل سنت، دانشمندان شیعی با ارائه طرح دیگر مصداق حجت را در میان اهل بیت و خاندان رسالت جست وجو

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کرده و با راهبردهای تعیین شده بر اساس روایات از رسول اکرم صلی الله علیه و آله دوازده نفر از خاندان پیامبر9 را با شرایط ویژه و متفاوت با افراد عادی جامعه اعم از اصحاب و دیگر افراد، به عنوان مصداق حجت های الاهی و مبلغان دین و شریعت پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله معرفی کرده اند که به شواهدی از گفتار برخی دانشمندان شیعی اشاره می شود:

شیخ مفید: ما (امامیه) عقیده داریم بر اینکه زمین هیچ گاه از وجود حجت خدا بر خلق خالی نمی ماند تا اینکه احکام و دستورات خداوند را در هر زمان برای مردم ابلاغ کند و بر همین اساس، ما عقیده داریم که خداوند دوازده نفر را به عنوان امام و حجت خود برای مردم زمان بعد از رسول خدا9 معرفی کرده است که نخستینشان علی بن ابی طالب علیه السلام پس از آن امام حسن علیه السلام ، امام حسین علیه السلام ، امام علی بن حسین علیه السلام ، امام محمد باقر علیه السلام ، امام جعفر الصادق علیه السلام ، امام موسی بن جعفر علیه السلام ، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ، امام محمد تقی الجواد علیه السلام ، امام علی النقی علیه السلام ، امام حسن عسکری علیه السلام و دوازدهم آنان قائم آل محمد9 و همنام رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.((1))

سید مرتضی علم الهدی: وجود حجت برای مکلفان از جانب حکیم، لطف است و این لطف با معرفی دوازده حجت از جانب خداوند انجام شده است.((2))

شیخ طوسی: ایشان بعد از اینکه وجود امام و

1-) الاعتقاد، ص95.
2-) الشافی، ج1، ص160.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حجت را لطف الاهی می داند می گوید: امامیه اتفاق دارند بر امامت و حجت بودن علی علیه السلام بعد از پیامبر؛ و پس از ایشان یازده نفر دیگر از حجت های الاهی را نام برده، می گوید:

و لاجل ذلک لقّبو بالاثنی عشریّه؛((1))

به دلیل همین اعتقاد به دوازده پیشوا و حجت برای فرقه امامیه لقب اثنا عشری داده شده است.

علامه حلی: ایشان نیز با اشاره به اینکه خداوند عادل و حکیم است و از آنجا که وعده ثواب و عقاب به مکلفان داده است، لذا برای اتمام حجت در رساندن تکلیف برای بندگان، رسولانی را فرستاده است که دارای مقام عصمت بوده که هیچ گونه احتمال خطا و نسیان در آنان راه ندارد و پس از آن در پیوست رسالت، بعد از رحلت رسول این راه به واسطه امامت ادامه یافت و پس از آن خداوند پیشوایان و حجج دوازده گانه را برای مردم نصب کردند تا مردم را از خطا و سهو امنیت بخشیده، بدین وسیله عالم از لطف خدا و با وجود آن حجج خالی نماند که نخستینشان علی بن ابی طالب علیه السلام و سپس .... الخلف الحجةؑ محمد بن حسن.((2))

کاشف الغطا: ایشان نیز با تصریح بر ضرورت وجود حجت در روی زمین، پس از آن به مصداق دوازده گانه حجت که همان امامان دوازده گانه شیعه هستند اشاره کرده است.((3))

از تصریحات دانشمندان معروف و مشهور امامیه

1-) قواعد العقائد، ص122.
2-) شرح مفتاح الکرامه، ج1، ص21 تا 23.
3-) اصل الشیعه و اصولها، ص علیه السلام 0.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

به دست می آید که پیروان مذهب اثناعشری در مصداق شناسی حجت های خداوند بعد از رسول خدا9 بدون هیچ گونه اختلافی در عدد و اسامی آن حجج در یک اندیشه و عقیده قرار دارند که این عقیده برگرفته شده از روایات فراوان است که در گزینه بعدی به آن اشاره می شود.

مصداق شناسی حجت در روایات

با دقت در روایاتی که درباره حجت خداوند در میان مخلوقات نقل شده است، می توان این روایات را از جهت محتوا سنجی به دو دسته کلی ضرورت وجود حجت و بیان مصادیق عینی حجت های خداوند بعد از رسول تقسیم کرد که ما دسته نخست را در ابتدای این بخش ذکر کردیم و آن را به عنوان یکی از ادله بر حتمی بودن وجود حجت دانستیم.

اینک از جهت کاربردی و التزام اعتقادی و عملی ضرورت دارد به دسته دوم آن روایات که تعیین مصداق حجت است اشاره گردد و این روایات که با متن های فراوان و گوناگون در منابع حدیثی نقل شده است در حقیقت همگی در پی اثبات یک معنا می باشد که آن عبارت است از معرفی حجت و در بعضی از این روایات تنها به حجت بودن امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح شده است و در بعضی دیگر به وجود حجج دوازده گانه به عنوان یک نظام به هم پیوسته و بدون فاصله اشاره شده است.

در روایتی از امام حسن علیه السلام نقل شده است که رسول خدا9 آیه ی

«عَمَّ یَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَا الْعَظِیمِ»((1))

1-) نبأ، 1و2.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«آنان از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟ از خبر بزرگ و پراهمیت»

را درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تفسیر کردند و فرمود:

«یا علی انت حجه الله و انت باب الله و انت طریق الی لله و انت النباء العظیم و انت الطریق المستقیم و انت المثل الاعلی»؛((1))

«یا علی! تو حجت خدا و دروازه (معرفت خدا) و راه به سوی خدا و آن خبر بزرگ و راه مستقیم و مثل بالا هستی.»

و در روایات فراوان آیه مبارکه

«الَّذِی هُمْ فِیهِ مُخْتَلِفُونَ»؛((2))

«خبر بزرگ که مردم در آن اختلاف کردند».

به خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام و اختلاف مردم نسبت به آن تفسیر شده است.

در روایت دیگر از رسول خدا9 نقل شده است که خداوند به من خطاب کرد:

«ان علیا حجتی بعدک علی خلقی و امام من اطاعنی»؛((3))

«همانا علی حجت من بعد از تو بر مخلوقاتم و پیشوای کسانی است که مرا اطاعت کنند.»

1-) تفسیر صافی، ج5، ص273؛ تفسیر نور الثقلین، ج5، ص491.
2-) نبأ، 3.
3-) امالی صدوق، ص566؛ مدینه المعاجز، ج2، ص404؛ بحار الانوار، ج18، ص340.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در حدیث دیگری نقل شده است که خداوند فرمود:

«محمد نبیی رحمتی و علی مقیم حجتی لا اعذب من والاه»؛((1))

«محمد نبی و رحمت من است و علی اقامه کننده ی حجت. من عذاب نمی کنم کسی را که ولایت او (علی) را پذیرا گردد.»

در حدیث دیگری از انس نقل شده است که روزی در کنار رسول خدا9 نشسته بودم. در آن هنگام علی بن ابی طالب علیه السلام به سوی ما آمد:

«فقال النبی یا انس من هذا فقلت هذا علی بن ابی طالب علیه السلام فقال النبی یا انس انا و هذا حجه الله علی خلقه»؛((2))

پس از آن پیامبر فرمود: ای انس این کیست؟ گفتم او علی بن ابی طالب علیه السلام است. پس از آن پیامبر فرمود: ای انس من و او حجت خدا بر خلق خدا هستیم.

هم چنین رسول خدا9 به امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب کرد:

«یا علی انا و انت حجه الله علی خلقه یوم القیامه»؛((3))

«ای علی! من و تو در روز قیامت حجت

1- خصال صدوق، ص583.
2-) ابن عدی، الکامل فی التاریخ، ج6، ص397؛ تاریخ دمشق، ج42، ص308.
3-) زیل تاریخ بغداد، ج4، ص66.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خداوند بر بندگانش هستیم.»

در حدیث دیگری آمده است که رسول خدا9 فرمود:

«علی نور الله فی بلاده و حجته علی عباده و وارث علم انبیائه»؛((1))

«علی نور خدا در بلادش و حجت خدا بر بندگانش و وارث انبیائش است.»

از ابن عباس نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«ان علیا امیرالمؤمنین بولایه من الله عزوجل عقد ها فوق عرشه و اشهد علی ذلک ملائکته و ان علیا خلیفه الله و حجه الله»؛((2))

«همانا علی امیر مؤمنان و دارای ولایت از جانب خداوند است که آن را در عرش خود بسته و ملائکه ها را بر آن گواه گرفته بود و علی خلیفه خدا و حجت خداست.»

هم چنین در حدیثی از رسول خدا9 نقل شده است که خداوند به وسیله ی جبرئیل به من فرمود:

«من بعدک حجتی البالغه علی خلقی علی بن ابی طالب علیه السلام فاقمه للناس و جدد عهده و میثاقه»؛((3))

بعد از تو حجت رسای من بر خلقم علی بن ابی طالب علیه السلام است، پس او را برای

1-) امالی صدوق، ص61.
2-) همان، ص116.
3-) غایه المرام، ج1، ص327.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مردم پا برجا کن و عهد و پیمان او را تازه کن.

در روایتی از منصور بن حازم نقل شده است که به امام صادق علیه السلام گفتم به راستی خداوند بزرگ تر از آن است که به وسیله خلقش شناخته شود؛ بلکه خلق به وسیله خداوند شناخته می شود. حضرت فرمود: راست گفتی. پس از آن گفتم: کسی که عقیده به خداوند دارد می داند که خداوند خشنودی و خشمی دارد و این خشنودی و خشم او فهمیده نشود مگر به وحی و به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله و من به مردم گفتم که پیامبر حجت خدا بر خلق بود و همگی تصدیقم کردند. گفتم: پس از درگذشت پیامبر چه کسی حجت خدا بر خلق بود؟ همه گفتند: قرآن و من در قرآن نظر کردم و دیدم همه مردم از آن برای خود دلیل می آوردند مانند مرجئه، قدریه و زندیق (برداشت های متفاوت دارند) و در اینجا فهمیدم قرآن بدون قیم و تفسیرکننده واقعی حجت که عذرآور نیست. به مردم گفتم: این قیم و دانای به قرآن کیست؟ گفتند: ابن مسعود، عمر و حذیفه. گفتم: آنان همه قرآن را می دانستند؟ گفتند: نه و در جست و جوهایم از مردم دانستم که غیر از علی علیه السلام هیچ کس تمام قرآن را نمی داند:

فاشهد ان علیا کان قیم القرآن و کان طاعته مفترضه و کان حجه علی الناس بعد رسول الله... فقال رحمک الله؛((1))

پس شهادت می دهم بر اینکه علی قیم

1-) اصول کافی، ج1، ص314و ص356.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

قرآن و فرمانبرداری از او واجب و او حجت بر مردم بعد از رسول خدا9 است. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: خدا تو را رحمت کند.

حجت های پیوسته

آنچه تاکنون نگارش یافت، روایاتی بود که تنها درباره حجت بودن امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده بود و در پیوست همان روایات، بر اساس نیازمندی همیشگی انسان به وجود حجت، روایات فراوانی در منابع شیعه و سنی نقل شده است که به دنبال معرفی علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان نخستین حجت پس از رسول خدا9، حجت های بعد از ایشان را نیز برای تمام عصر ها و دوران بعد از ایشان معرفی کرده است که به شواهدی اشاره می شود:

در روایتی از رسول خدا9 در این زمینه نقل شده است که فرمود:

«کان امیرالمؤمنین باب الله الذی لا یؤتی الامنه و سبیله الذی من سلک بغیره هلک و بذلک جرت الائمه واحدا بعد واحد جعلهم الله ارکان الارض ان تمیدبهم و الحجه البالغه علی من فوق الارض و من تحت الثری»؛((1))

«امیرالمؤمنین علیه السلام دروازه معرفت خداوند است تا کسی وارد نگردد مگر از آن مسیر و راه آن چنان است که اگر از راهی جز آن را بپیماید هلاک

1-) الکافی، ج1، ص196، ینابیع المعاجز، بحرانی، ص123.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می شود و به همین گونه پیشوایان بعد از او هر یک بعد از دیگری جریان دارد. خداوند آنان را پایه های زمین قرار داده است تا با آنان ادامه دهد و نیز خداوند آنان را حجت رسای خود بر روی زمین و زیر آسمان قرار داده است.»

در حدیثی از سلمان نقل شده است که روزی نزد رسول خدا9 رفتم و دیدم حسین در دامن آن حضرت نشسته و پیامبر چشمان او را بوسیده، لبان خود را بر لبان او می گذارد و در آن هنگام فرمود:

«انک سید ابن سید ابوساده انک امام ابن امام ابوالائمه انک حجه ابن حجه ابوحجج تسعه من صلبک تاسعهم قائمهم»؛((1))

«تو آقا، فرزند آقا و پدر آقایان و پیشوا، فرزند پیشوا پدر پیشوایان و حجت، فرزند حجت و پدر حجت های نه گانه هستی که همه از پشت تو بوده و نهم آنان قائم است.»

امام صادق علیه السلام به سدیر فرمود:

نحن قوم معصومون امر الله بطاعتنا و نهی از معصیتنا نحن الحجه البالغه؛ ((2))

ما قومی هستیم دارای مقام عصمت که خداوند امر کرده به اطاعت ما و نهی

1-) مقتل الحسین، خوارزمی، ص212.
2-) الکافی، ج1، ص269 ، بحار الانوار ، ج25، ص298.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کرده از نافرمانی ما و ما حجت بالغه هستیم.

و نیز فرمود:

«ما من شیء و لا من آدمی و لا انسیّ و لا ملک فی المساوات الا و نحن الحجج علیهم ما خلق الله خلقا الا و قد عرض ولایتنا علیه و احتج بنا علیه فمؤمن بنا و کافر و جاحد حتی السماوات و الارض و الجبال»؛((1))

«هیچ چیزی و هیچ آدمی و هیچ انسانی و هیچ جن و هیچ فرشته ای در آسمان وجود ندارد مگر اینکه ما حجت بر او هستیم وخدا هیچ موجودی نیافریده مگر اینکه ولایت ما را بر او عرضه داشته است و بر او با ما احتجاج کرده است، برخی ایمان آورده و برخی کافر گشته و بعضی انکار کرده اند حتی آسمانها و زمین و کوهها.»

نیز آن حضرت به ابن ابی یعفور فرمود:

«نحن حجه الله فی عباده و شهداء علی خلقه و امناء علی وحیه و خزانه علی علمه»؛((2))

«ما حجت خدا در میان بندگانش و گواهان بر خلقش و امنا بر وحی او و خزانه داران علمش هستیم.»

1-) بحارالانوار، ج27، ص46.
2-) توحید صدوق، ص151.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در حدیث دیگری درباره اهل بیت آمده است:

«آل محمد الذین یستنبطون من القرآن و یعرفون الحلال والحرام و هم حجه الله علی الخلق»؛((1))

«خاندان پیامبر کسانی هستند که از قرآن استنباط می کنند و حلال و حرام را می شناسند و آنان حجت خداوند بر خلق هستند.»

هم چنین در حدیثی از امام صادق علیه السلام با استناد به پیامبر9 نقل شده است که آن حضرت فرمود:

«الائمه بعدی اثناعشر اولهم علی بن ابی طالب علیه السلام و اخرهم قائم فهم خلفائی و اوصیائی و اولیائی و حجج الله علی امتی بعدی المقربهم مؤمن و المنکر لهم کافر»؛((2))

«پیشوایان پس ازمن دوازده تن هستند نخستینشان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنان قائم است. ایشان جانشینان و وصی و اولیای من و حجت خداوند بر امتم پس از من هستند. هر کس آنان را بپذیرد مؤمن و هر کس انکار کند کافر است.»

1-) تفسیر صافی، ج1، ص474.
2-) بحار الانوار، ج36، ص254؛ من لا یحضره الفقیه، ج4، ص180.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در اینجا به همین مقدار از روایات درباره مفهوم ومصداق حجت بسنده می کنیم و در پایان این بخش یادآوری می شود که مفهوم حجت در آیات قرآن و روایات و نیز اصطلاح کلامی آن معنای خاص و ویژه ای است که خداوند به واسطه آن حجت، عذر و بهانه بندگان خود را قطع کرده و آن حجت در فردای قیامت نیز دست آویزی برای بندگان خواهد بود و اما از جهت مصداق میان مسلمانان درباره قرآن و رسول اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نظر وجود داشت که هر دو به عنوان حجه الله علی الخلق هستند.

و نیز میان اهل سنت و شیعه در اصل نیاز به وجود حجت در زمان پس از رسول خدا9 هم اندیشی وجود دارد؛ اما از جهت مصداق شناسی اختلافات فراوان وجود دارد که به تفصیل بدان اشاره شد که اهل سنت اصحاب را دارای مقام حجیت بعد از رسول خدا9 می دانند؛ اما شیعه در برابر آنان، دوازده نفر از خاندان پیامبر را در یک نظام پیوسته که همگی از جانب خداوند منصوب شده اند و دارای شرایط مشترک مانند علم ویژه و عصمت می باشند، جهت می داند که این اندیشه شیعه درباره مصداق حجت با روایات فراوان نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فصل ششم: واژگان وارث و وراثت

اشاره

ص: 469

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از واژگانی که در منابع حدیثی و اعتقادی در ارتباط با امامت بعد از رسول خدا9 کاربرد دارد و از آن برای اثبات امامت و جانشینی علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان پس از ایشان استفاده شده است، واژگان وارث و وراثت است. در حقیقت با دقت در آیات قرآن و روایات و نیز گفتار دانشمندان اسلامی می توان به شواهدی برخورد که مسئله وراثت از انبیا در تمام ادیان به عنوان یک قانون مسلم و امر الاهی بوده است که سفیران هدایت گر الاهی علاوه بر ارث گذاشتن اموال که ملک فرزندان و دیگر وارثان قانونی آنان بوده است، برخی ودایع و ویژگی های نبوت و رسالت نزد آنان بوده است که این موارد هیچ گونه ارتباطی با قانون ارث که در اموال جاری بود، نداشتند بلکه به امر خداوند آنان به افراد خاصی که لیاقت محافظت از آن ودایع را داشته اند تعلق گرفته و آن علامت و نشانه ای بود برای خداپرستان تا امور دین خود را با مراجعه به آن کس که ودایع نبوت در نزد اوست، به عنوان وارث و حافظ دین به دست آورد.

در میان مذاهب اسلامی شیعیان برای امام علی علیه السلام مسئله وراثت پیامبر اسلام را ادعا کرده اند که در برابر آنان مذاهب دیگر منکر این امرند و ما در اینجا به طور خلاصه طبق دیگر بخش های این اثر مسئله را ابتدا از قرآن بررسی می کنیم.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واژه ارث با تمام مشتقات خود حدود 34 بار در قرآن به کار رفته است که بیشتر آن آیات مربوط به اموال و بیان کننده ی قانون حقوقی وارثان است و ارتباطی با این بحث که با رویکرد اعتقادی و کلامی در پی اثبات وراثت پیامبر و رهیافت به سوی امامت و خلافت پیامبر است ندارد.

اما دراین میان بعضی آیات هستند که درباره ارث پیامبران سابق سخن به میان آورده که می توان با مدد جستن از روایات و نیز گفتار مفسران از این آیات علاوه بر اموال، مسئله وراثت ودایع و آثار نبوت را که یک مسئله اعتقادی و کلامی است استفاده کرد.

در سوره نمل می فرماید:

«وَلَقَدْ اٰتَیْنَا دَاوُدَ وَسُلَیْمَانَ عِلْمًا وَقَالا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی فَضَّلَنَا عَلَی کَثِیرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِینَ وَوَرِثَ سُلَیْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ یَا اَیُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّیْرِ وَاوتِینَا مِنْ کُلِّ شَیْءٍ ان هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِینُ»؛((1))

و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم و آنان گفتند: ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ این فضیلت آشکاری است.

در این آیه سخن از دادن علم ویژه به دو نبی

1-) النمل، 15 و 16.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

داوود و سلیمان است و اینکه این علم ازجانب خداوند به ایشان که ویژه نبوت آنان بود، عنایت شده و بدین وسیله آنان بر دیگر مردمان برتری داشتند و نیز در آیه دیگر حضرت سلیمان به عنوان وارث داوود مطرح شده است. حال مراد از وارث بودن ایشان چیست؟

هم چنین در سوره مریم در داستان حضرت زکریا آمده است که در پیشگاه خداوند عرض کرد:

«وَانِّی خِفْتُ الْمَوَالِیَ مِنْ وَرَائِی وَکَانَتِ امْرَاتِی عَاقِرًا فَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا یَرِثُنِی وَیَرِثُ مِنْ آل یَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیًّا یَا زَکَرِیَّا انَّا نُبَشِّرُکَ بِغُلامٍ اسْمُهُ یَحْیَی لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِیًّا»؛((1))

«من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند) و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است. تو از جانب خود جانشینی به من ببخش که وارث من و دودمان یعقوب باشد و او را مورد رضایتت قرار بده. ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می دهیم که نامش یحیی است و پیش از این همنامی برای او قرار ندادیم.»

در این آیات نیز نگرانی حضرت زکریا از آینده و درخواست وارث برای خود و برای کل خاندان حضرت یعقوب را می بینیم که در نهایت خداوند نیز آن وارث را که یحیی است، معین کرده است. حال در خصوص این آیات که ارث بردن از پیامبران را مطرح کرده است میان مفسران و دیگر دانشمندان اسلامی تا حدودی اختلاف وجود

1-) مریم، 5 تا 7.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دارد زیرا دانشمندان اهل سنت نوعا تعلق ارث از پیامبران را محدود به علم و حکمت و سلطنت نبوت نموده و دانشمندان شیعی متعلق این ارث را عام و در محدوده علم و مال دانسته اند.

در روش شناسی اهل سنت به خوبی آشکار است که آنان این نظریه (اختصاص ارث به علم و حکمت نه اموال) را بر اساس یک واقعه تاریخی و سیاسی که مربوط به حکمرانی خلیفه اول می شود، برگزیده اند؛ زیرا بر اساس گزارش تاریخ پس از رحلت رسول خدا9 و به حکومت رسیدن ابوبکر، ایشان کارگزاران فاطمه زهرا3 را از فدک که ملک زهرا3 بود اخراج کرد و پس از منازعه های فراوان میان ابوبکر و حضرت زهرا3، سرانجام حضرت زهرا3 ادعای میراث بودن فدک را از جانب پدرش پیامبر مطرح کرد و این بار ابوبکر با گفتن حدیث نحن معاشر الانبیا لا نورث و ما ترکنا صدقه وارد میدان شد.((1))

بر اساس آن بنایی که خلیفه اول آن روز در مخاصمه با حضرت زهرا3 چید؛ حال دانشمندان اهل سنت بسیار زیرکانه تمام این آیات را تنها بر میراث علمی و حکمت و سلطنت نبوت حمل کرده و ارث گذاشتن مالی انبیا را منکر شده و می گویند: طبق آیات سوره نمل که سلیمان را وارث داوود معرفی می کند و نیز سوره مریم که خوف زکریا را بیان کرده است مسلم است که وارث مالی داوود تنها سلیمان نبود و هم چنین پیامبران نسبت به مال دنیا ارزشی قائل نبودند تا نسبت به آن، خوف در آنان راه یابد؛ از این

1-) رک مسند احمد، ج1، ص12؛ سنن کبری، بیهقی، ج6، ص297.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

رو داستان ارث این پیامبران تنها مربوط به علم و حکمت و سلطنت نبوت آنان بوده است و هیچ گونه ارتباطی به اموال ندارد و شاهد ما حدیث ابوبکر است که گفت ما پیامبران از خود مالی به ارث نمی گذاریم.((1))

دانشمندان شیعی این اعتقاد اهل سنت (نفی ارث مالی انبیا) را قبول نکرده و دراین رابطه، انبیا را همانند دیگران مکلف به امر وصیت دانسته و آنان را صاحب اموال، و اموال آنان را همانند اموال دیگران داخل در قانون ارث می دانند؛ زیرا از میان همه آیات قرآن که درباره ارث می باشد در هیچ آیه و روایتی نیامده است که پیامبران را از این قانون خارج کرده باشد و درباره آیات نگارش یافته از سوره نمل و مریم می گویند که این آیات در حقیقت مربوط به ارث مالی و ودایع نبوت می باشد.

شیخ طوسی در تفسیر آیات مربوط به درخواست وارث کردن حضرت زکریا در سوره مریم می گوید: این آیات دلالت دارد بر اینکه انبیا مال به ارث می گذارند و ادعای مخالفان ما که می گویند انبیا مال به ارث نمی گذارند باطل است؛ زیرا زکریا در مناجات با خداوند تصریح کرده است که کسی را به او عنایت کند تا وارث مال او شود و مانع از ارث بردن فرزندان عمو و عصبه او گردد و اگر ایشان درخواست وارث در نبوت می کرد واژه رضا را به کار نمی برد زیرا نبیی نیست مگر اینکه مورد رضایت خداوند و معصوم باشد که این

1-) الدر المنثور، ج4، ص327؛ تفسیر ثعالبی، ج4، ص245؛ جامع البیان طبری، ج17، ص74؛ زاد المسیر، ابن جوزی، ج6، ص60، الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج11، ص78.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

قابل درخواست نیست.((1)) و در نهایت ایشان می گوید: این وراثت در حقیقت در اموال است، اما در علم هم کاربرد دارد منتهی از جهت تشبیه و مجاز.((2))

هم چنین ایشان در تفسیر آیه (ورث سلیمان داوود) که در سوره نمل آمده است می گوید: در اینکه سلیمان از داوود چه چیزی به ارث برد مفسران اختلاف کردند و اصحاب ما (شیعه) گویند مال و علم را به ارث برد و مخالفان می گویند علم تنها را به ارث برد و آنان به حدیث نحن معاشر الانبیا تمسک کرده که انبیا مالی به ارث نمی گذارند و اما از آنجا که حقیقت ارث انتقال است لذا باید به اعیان تعلق گیرد و اگر در مورد علم به کار رود، مجاز است و در این آیه ما قرینه نداریم که به غیر معنای حقیقی که اعیان است استعمال شده باشد و آن حدیث هم چون خبر واحد است، لذا نمی توان با آن، آیه را تخصیص زد یا نسخ کرد.((3))

طبرسی نیز این آیات را مربوط به ارث در اموال تفسیر کرده و می گوید: «چون معنای حقیقی ارث همان اعیان است؛ لذا نمی توان این آیات را به نبوت یا علم که بعضی از اهل سنت ادعا کرده اند، حمل نمود.»((4))

هم چنین علامه طباطبایی می گوید: «در این آیات مراد از ارث همان مال و ملک است و اما

1-) التبیان، ، ج7، ص108.
2-) همان، ص351.
3-) شیخ طوسی، پیشین، ج8، ص82.
4-) مجمع البیان، ج7، ص334.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نبوت را که بعضی ادعا کرده اند صحیح نیست؛ زیرا نبوت قابل ارث بردن نیست و اما علم را مجازا می توان گفت ارث برده است.»((1))

سید مرتضی در «الشافی» در این باره می گوید: «در این آیات گرچه معنای حقیقی همان ارث مال و ملک است، دلالت بر علم نیز دارد که یحیی از آل یعقوب و سلیمان از داوود علم و حکمت را به ارث برده اند.((2))

بنابراین بحث ارث بردن در میان پیامبران، با آن معنای اعتقادی و کلامی که شامل بخشی از ودایع و آثار نبوت است، شایسته می باشد.

ضرورت وراثت نبی در روایات

روایت وراثت بعد از پیامبران با دو رویکرد و روش در منابع اسلامی نقل شده است که با نگرش تحلیلی و کاربردی در محتوای روایات می توان آن را به دو بخش الف - ضرورت وراثت و انتقال آثار نبوت و ب - روایات بیان مصادیق وارثان بعد از پیامبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله تقسیم کرد.

ما در این اثر پیش از همه به نگارش روایات ضرورت مسئله وراثت اشاره می کنیم و بر این مطلب تأکید می شود که زیرساختهای مشروعیت دینی و مذهبی وراثت، در سنت همدوش با قرآن تأکید شده است.

در بعضی روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در منابع شیعه و سنی آمده است، وراثت بعد از نبوت به عنوان یک مبنای پایدار کلامی و اعتقادی در تمام ادیان ذکر شده است. چنان چه در حدیث

1-) المیزان، ج15، ص296.
2-) الشافی فی الامامه، ج4، ص79.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بریده آمده است که رسول خدا9 فرمود:

لکل نبی وصیّ و وارث؛((1))

برای هر نبی وصی و وارثی بود.

از پیامبر9 نیز نقل شده است که فرمود:

«ان الله لم یبعث نبیا الا و جعل له من اهله وارثا»؛((2))

خداوند هیچ نبیی را برنگزید مگر اینکه از خاندان او برایش وارث قرار داد.

هم چنین در تفسیر آیه

«وَجَعَلَهَا کَلِمَةً بَاقِیَةً فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ»؛((3))

«او را کلمه پاینده ای در نسلهای بعدی خود قرار داد تا شاید به سوی خدا بازگردند.»

در روایات شیعی نقل شده است که مراد از کلمه «باقیه» در آیه این است که امامت در ذریه ابراهیم و در ادامه به ذریه امام حسین علیه السلام تا روز قیامت نهاده شده و آنان آثار نبوت را هر کدام به ارث می بردند.((4))

طبرسی می نگارد: امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر گفت: مراد از کلمه باقیه امامت است که در نسل

1-) مناقف خوارزمی، ص42؛ ذخائر العقبی، ص71؛ کفایه الطالب، گنجی شافعی، ص620؛ ریاض النظره، ج2، ص234؛ بحار، ج38، ص339؛ الغدیر، ج2، 286؛ کشف الیقین، علامه حلی، ص363.
2-) بحار، ج18، ص178.
3-) زخرف، 28.
4-) تفسیر نور الثقلین، ج4، ص570؛ کنز الدقائق، ج1، ص331؛ تفسیر صافی، ج4، ص387؛ علل الشرایع، صدوق، ج1، ص207؛ خصال، ص305؛

کفایه الاثر، ص137؛ الروضه الواعظین، ص98.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حسین قرار داده شده:

«و ان الامامه خلافه الله لیس لاحد ان یقول لم فعل الله ذلک»؛((1))

«امامت جانشینی خداوند است و کسی حق ندارد بگوید چرا خداوند آن را در نسل حسین قرار داده است.»

در برخی تفاسیر اهل سنت نیز تصریح شده است که مراد از کلمه «باقیةً فی عقبیه» پیامبر است که از نسل پیامبران سابق و از جمله حضرت ابراهیم وارث آثار نبوت و خاتم پیامبران بود.((2))

در برخی منابع تفسیر اهل سنت نیز کلمه «باقیه» به آل محمّد9 تفسیر شده است.((3))

هم چنین در برخی روایات درباره سلسله وراثت در انبیا آمده است که حضرت سلیمان وارث حضرت داوود و حضرت محمد9 وارث سلیمان بود که در این میان از انگشتر حضرت سلیمان و صحف ابراهیم و الواح موسی به عنوان نشانه های آن پیامبران اسم برده شده است که به عنوان علامت نبوت از آنان برای حضرت محمد9 به ارث منتقل شده بود.((4))

از امام محمد باقر علیه السلام نیز نقل شده است که تمام انبیا نشانه هایی از جمله علم و حکمت را ازخود به ارث گذاشته بودند که همه آنان نزد اوصیا به ارث رسیده و باقی است.

هم چنین از آن حضرت نقل شده است که

1-) مجمع البیان، ج1، ص375.
2-) الدر المنثور، ج3، ص341.
3-) الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج16، ص76.
4-) الکافی، ج1، ص225.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«اما ان محمدا ورث علم من کان قبله من الانبیا و المرسلین»؛((1))

آگاه باشید که حضرت محمد9 ارث برده است دانایی کسانی را که پیش از ایشان بودند یعنی انبیا و رسولان.

بنابراین بحث وراثت در تمام ادیان به عنوان یک سنت الاهی مطرح بوده است که با صلاح دید خداوند برخی آثار و علامت نبوت از هر پیامبری به امر خداوند در اختیار جانشین او قرار می گرفت که در حقیقت آن آثار یکی از نشانه های الاهی برای تأیید و تصدیق آن جانشین در ادعای جانشینی از پیامبر بوده است که هر کس با دیدن آن آثار اطمینان پیدا می کرد و تحت فرمان آن شخص قرار می گرفت.

1-) الخرایج و الجرایح، ج2، ص693؛ بصائر الدرجات، ص136.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واژه ارث در میان اهل لغت به معانی متفاوت مانند انتقال شیء یا باقی گذاردن چیزی آمده است که در مجموع سه واژه وارث، موروث و مورث به در این رابطه وجود دارند که این واژگان در یک فرایند مفهومی در کنار هم قرار گرفته و به معنای این است که چیزی از کسی به دیگری انتقال یابد.

ابن فارس در این رابطه می نگارد:

«ان یکون الشیء لقوم ثم یصیر الی اخرین»؛((1))

«ارث یعنی اینکه چیزی مال گروهی باشد و پس از آن به گروهی دیگر منتقل شود.»

صاحب کتاب «العین» می نگارد:

ورث ای الابقاء للشیء یورث ای یبقی میراثا؛((2))

ورث یعنی باقی گذاشتن چیزی و یورث یعنی میراث باقی گذاشت.

در «قاموس محیط» می گوید: «مراد از ورث یعنی چیزی را برای بازماندگان خود باقی گذاشت و مراد از وارث یعنی بازماندگان بعد از فانی شده».((3))

راغب در «مفردات» درباره واژه ارث می گوید:

1-) معجم مقاییس اللغه، ج6، ص105.
2-) کتاب العین، ج1، ص234.
3-) قاموس المحیط، ج1، ص176.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الوارثه و الوارث انتقال قنیه الیک عن غیرک من غیر عقد و لا ما یجری مجری العقد؛((1))

وراثت و ارث یعنی انتقال چیزی ارزشمند برای او از کسی دیگر بدون عقد و مانند آن.

بنابراین در میان اهل لغت ارث یعنی انتقال چیزی از کسی برای دیگری که در مجموع از معنای عام و مطلق به دست می آید که منظور از آن انتقالی است که در آن مانند بیع و اجاره و... عقد در کار نیست و نیز مقید نیست بر این که آن ارث گذار مرده باشد یا زنده و اما اینکه وارث چه چیزی را به ارث می برد حتماً باید دارای جنس و عین باشد؛ شرط نیست زیرا در مواردی به امور معنوی مانند جود و سخاوت و اخلاق نیکو... گفته می شود که فلانی از کسی دیگر، مثلا از پدرش سخاوت را به ارث برده است.

وارث و وراثت در اصطلاح

اصطلاح وارث، ارث و وراثت در میان دانشمندان اسلامی در شاخه های گوناگون به کار رفته است که در هر علمی با تناسب به موضوع آن علم تعریف خاصی دارد و از گسترده ترین موضوعات در فقه اسلامی است که با احکام و ضوابط خاص، درباره انتقال آنچه میت از خود بر جای گذاشته به ورّاث بحث می کند. تقریبا تمام فقهای اسلامی از مذاهب مختلف تعریف جامع و نزدیک به هم در این باره دارند که از محل بحث خارج است.

1-) المفردات فی غریب القرآن، ص518.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آنچه مربوط به این اثر است، مفهوم و مصداق ارث، وارث و وراثت با مفهوم اعتقادی و کلامی است که از آن تعبیر به «ورثهٔ الانبیا» می شود. با توجه به این معنا، دست یابی به یک تعریف جامع و کامل در مبانی دانشمندان اسلامی کاری مشکل است؛ زیرا مسئله وراثت انبیا به ویژه وراثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از مسائل اختلافی و جنجال برانگیز میان دانشمندان اسلامی تبدیل شده است که معتقدان به وراثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای عده ای خاص مانند علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمه بعد از ایشان این وراثت را دلیلی بر حقانیت امامت و جانشینی آنان پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می دانند و در برابر آنان، عده ای از دانشمندان اسلامی اثبات وراثت بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگر ائمه معصوم: را با مبانی سیاسی و حکومتی که آنان در فرایند خلافت اسلامی دارند ناسازگار دانسته و منکر وراثت افراد خاصی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شده اند یا اینکه از کنار این قضیه با بی تفاوتی گذشته و غالبا تعریفی در این زمینه ارائه نکرده اند.

در نهایت با نگاهی به مسئله وراثت بعد از نبی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، می توان به این نتیجه دست یافت که آمیخته شدن این مسئله اعتقادی با مسائل سیاسی و تاریخی سبب شده است که آنان هم نسبت به مصداق وارث بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و هم نسبت به آنچه از آن حضرت به عنوان ارث باقی مانده و به عنوان علامت برای اثبات جانشینی فردی خاص بعد از ایشان است، گرفتار اختلاف شده و از ارائه مبنای مشترک و پذیرفتنی برای همه بازمانند.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شاهد بر این ادعا این که دانشمندان اهل سنت پس از طرح اصطلاح وراثت در ادیان گذشته گاهی آن را بر کلمه توحید((1)) و گاهی بر عبادت((2)) و گاهی بر ملک و سلطنت و نبوت)(3)(تفسیر و تعریف کرده اند که در نتیجه تعریف مشخصی ارائه نکرده اند و بسیار جالب است که اهل سنت در آثار کلامی و اعتقادی شان با کم توجهی هماهنگ از بیان مفهوم و مصداق وراثت بعد از انبیا گذشته اند

اما دانشمندان شیعی اصطلاحی خاص و با رویکرد کلامی و اعتقادی نسبت به مفهوم و مصداق وراثت بعد النبی دارند که در حقیقت بر مبنای اعتقادی شیعه میان مفهوم وراثت النبی و امامت بعد النبی، پیوند گسست ناپذیر برقرار است که هر کس به عنوان وارث نبی مطرح شد، او امام و پیشوای مردم بعد از نبی است.((4))

در بعضی منابع آمده است که مراد از وراثت نبوت، یعنی شئون نبوت مانند حفظ کتاب، سنت، افتراض الطاعه، عصمت و طهارت از نبی به دیگری اختصاص یابد.((5))

هم چنین در بعضی تعریف ها آمده است:

الوارث قائم مقام النبی؛((6))

وارث یعنی کسی که بر جایگاه نبی قیام کند.

1-) جامع البیان، ج25، ص80.
2-) الجامع الاحکام القرآن، ج16، ص76.
3-) الدر المنثور، ج4، ص327؛ تفسیر ثعالبی، ج4، ص245.
4-) صراط المستقیم، ج1، ص66.
5-) مصباح الهدایه، ص126.
6-) الرد علا السقیفه، سید محمد کاظم قزوینی، ص206.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برخی معاصران در این باره می گویند: اینکه می گویند نبوت و وصایت در شرایع آسمانی از امور ارثی است، به این معنا نیست که خود وارث ملاک معین باشد،

بل بمعن انه سبحانه جعل النور النبوه و ولامامه فی بیوتات خاصه؛((1))

بلکه به معنای این است که خداوند نور نبوت و امامت را در خاندان خاص قرار می دهد.

هم چنین بعضی از معاصران درباره ورثهٔ الانبیا میگویند: معنای ارث در ورثهٔ الانبیا چنین است که جایگاهی که پیامبران دارند با همه خصوصیاتش از آن ائمه است چون (آنها) پر کننده خلأ حاصل از فقدان انبیا هستند.((2))

هم چنین در تعریف وراثه نبی در بعضی منابع این چنین آمده است: اینکه می گویند امامت به ارث می رسد مراد از آن وراثت نسبی نیست بلکه مراد اینجا مقام تکوینی و وراثت روحی است که برای بعضی استعدادی به وجود می آید تا صفات و کمالات را از دیگران دریافت نماید.((3))

سرانجام اینکه از جهت اصطلاح شناسی نمی توان نسبت به اصطلاح وارث و وراثت در اصطلاح دانشمندان اسلامی به یک مبنای مشخص دست یافت. در اینجا به همین مقدار اکتفا نموده و توضیح بیشتر این مطلب در گزینه بعدی، یعنی مصداق

1-) اضواء علی العقائد الشیعه الامامیه، سبحانی، ص87.
2-) با پیشوایان هدایت گر، آیت الله میلانی، ج1، ص261.
3-) شیخ محمد سند، امامت الهیه، ج1، ص256.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شناسی وارث در روایات، خواهد امد.

مصداق شناسی وارث رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایات

مصداق وارث پیامبر در روایات با راهبرد مشخص و زدودن هرگونه ابهام بیان شده است که در منظومه اعتقادی و عملی مسلمانان می توان آن روایات را به عنوان مبنا و ملاک معرفت و شناخت جانشین پس از رسول خدا9 قرار داده و از آن فرد یا افراد، که به عنوان وارث و یا وارثان معرفی شده است، احکام و دستورات دینی را دریافت نموده و به آنان اطمینان نمود. در برخی روایات تنها از امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان وراث رسول اکرم صلی الله علیه و آله یاد شده است که به نمونه هایی از آن روایات اشاره می شود:

در حدیثی از زید بن ابی اوفا در جریان ایجاد پیوند برادری نقل شده است که رسول خدا9 میان اصحاب خود دو نفر به دو نفر عقد اخوت و برادری ایجاد نمود ولی میان امیرالمؤمنین علیه السلام با کسی این عقد اخوت جاری نشد. آن حضرت اندوهناک شده نزد رسول خدا9 حضور یافت و گفت: ای فرستاده خدا آنچه با اصحابت انجام دادی مشاهده نمودم سبب چیست که برای من برادری انتخاب نکردی پس از آن رسول خدا9 فرمود:

«والذی بعثنی بالحق ما اخرتک الا لنفسی و انت منی بمنزله هارون من موسی غیر انه لا نبی بعدی و انت اخی و وارثی فقال ما ارث منک یا رسول الله قال ما ورث الانبیا من قبلی کتاب ربهم و سنه نبیهم و انت معی فی قصری فی الجنه مع فاطمه ابنتی و انت اخی و

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

رفیقی ثم تلا اخْوَانًا عَلَی سُرُرٍ مُتَقَابِلِینَ((1)) المتحابین فی الله ینظر بعضهم الی بعض»؛((2))

سوگند به آن خدایی که من را به حق بر انگیخت تو را وا نگذاریدم مگر برای خودم و تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی الا اینکه بعد از من پیامبری نیست و تو برادر و وارث من می باشی پس از آن علی علیه السلام گفت چه چیزی را من از تو به ارث می برم؟ رسول خدا9 فرمود: آنچه را که از انبیا پیش من به ارث بردند که کتاب پروردگارشان و سنت نبی شأن بود و تو همراه دخترم فاطمه در با من در بهشت هستید و تو برادر و رفیقم می باشی. پس این آیه را قرائت نمود « در حالی که همه برادرند و بر تخت ها روبروی یکدیگر قرار دارند» و کسانی که در راه خدا دوستی نمایند بعضی شان بر بعضی دیگر نظر می افکنند.

1-) الحجر، 47.
2-) امالی صدوق، ص346؛ بشاره المصطفی، ص33، العمده ابن طیق، ص167؛ مناقب امیرالمؤمنین، محمد بن سلیمان کوفی، ج1، ص317؛ الصراط المستقیم، ج2، ص284؛ مصباح الهدایه، ص117؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی، ص49، کنز العمال، ج6، ص390؛ فرائد السمطین، ج1، ص115؛ الریاض النظره، ج2، ص234؛ الدر المنثور، ج4، ص371. با اندکی تفاوت در بعضی منابع.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هم چنین در حدیث مشهور یوم الدار آمده است که رسول خدا9 در آن جریان نزد چهل نفر از اقوامش به وارث بودن امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح نموده و فرمود:

«ایکم یوازرنی علی هذاالامر ان یکون اخی و صاحبی و وارثی»

که جز امیرالمؤمنین علیه السلام کسی جواب آن حضرت را نداد و در آخر حضرت خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«انت اخی و وزیری و وصیی و خلیفتی من بعدی»((1))

از سلمان نقل شده است که از رسول خدا9 شنیدم که فرمود:

«یا معشر المهاجرین و الانصار الا ادلکم علی ما ان تمسکتم به لن تضلو بعدی ابدا قالو بلی یا رسول الله قال هذا علی اخی و وصیی و وزیری و وارثی و خلیفتی فاحبوه لحبّی و اکرموه لکرامتی فان جبرئیل امرنی ان اقول لکم»؛((2))

«ای گروه مهاجر و انصار! آیا راهنمایی نکنم شما را به چیزی که اگر به آن تمسک جویید هیچ گاه به گمراهی کشیده نشوید همگان گفتند:

1-) سنن کبری، نسائی، ج5، ص125؛ مسند احمد، ج1، ص335؛ تفسیر ابن کثیر، ج3، ص363؛ کشف الیقین، حلی، ص40.
2-) امالی صدوق، ص477، امالی طوسی، ص223؛ بشاره المصطفی، ص164.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

چرا یا رسول الله ! حضرت فرمود: این علی برادر و وصی و وزیر و وارث و جانشین من است پس او را به جهت دوستی من دوست بدارید و به جهت اکرام من گرامی دارید همانا جبرئیل به من از جانب خداوند امر نمود تا این مطلب را برای شما برسانم.»

از عمار بن یاسر نقل شده است که رسول خدا9 در هنگام رحلت خود علی را طلب نموده و با او مدتی مخفیانه سخن گفت و پس از آن فرمود:

«یا علی انت وصیی و وارثی قد اعطاک الله علمی و فهمی فاذا مت ظهرت لک ضغائن فی صدور قوم غصبت علی حقک»؛((1))

«یا علی! تو برادر و وصی و وارث من هستی که خدا برای تو علم و فهم من را داده پس زمانی که از این دنیا رفتم کینه هایی که در سینه گروهی وجود دارد آشکار شده، حق تو را غصب می کنند.»

از جابر بن عبدلله انصاری نقل شده است که رسول خدا9 به علی علیه السلام فرمود:

«یا علی انت اخی و وصیی و وارثی و خلیفتی علی امتی»؛((2))

یا علی تو برادر و وصی و وارث و جانشین من بر امتم می باشی.

در حدیث دیگری نقل شده است که روزی رسول خدا9

1-) بحار، ج22، ص536.
2-) امالی صدوق، ص134.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خطبه ای خواند و فرمود:

«ان الله نظر الی اهل الارض فاختارنی منهم ثم نظر ثانیه فاختار علیا اخی و وارثی فی امتی»؛((1))

خداوند به سوی اهل زمین توجه کرد و من را از میان آنان برگزید پس از آن در مرتبه دوم توجه کرد پس علی را برادر و وارث من در میان امتم اختیار کرد.

هم چنین از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که روزی به عده ای از اصحاب پیامبر خطاب کرد: آیه به یاد ندارید که رسول خدا9 فرمود:

«ان الله فرض علیکم طاعتی و نهاکم عن معصیتی و اوجب علیکم اتباع امری و فرض علیکم طاعه علی بن ابی طالب علیه السلام بعدی کما فرض علیکم طاعتی و نهاکم عن معصیتی و جعله اخی و وصیی و وارثی و هو منی و انا منه»؛((2))

خداوند طاعت من را بر شما واجب و از نافرمانی من منع کرده است و بر شما پیروی از فرمان من را واجب گردانیده است و واجب کرده بر شما اطاعت از علی بن ابی طالب علیه السلام را بعد از من آن گونه که اطاعت از من را واجب گردانیده بود و بازداشته شما را از نافرمانی علی علیه السلام و خداوند او

1-) بحارالانوار، ج23، ص320.
2-) بحار الانوار، ج38، ص151.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

(علی علیه السلام) را برادر و وصی و وارث من قرار داده و علی علیه السلام از من است و من از علی علیه السلام .

از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا9 به علی علیه السلام فرمود:

یا علی انت اخی و وارثی و وصیی و خلیفتی فی اهلی و امتی؛((1))

یا علی! تو برادر و وارث و وصی و جانشین من در خاندان و امت من هستی.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام درباره وارثان پیامبران پیشین نقل شده است که پیامبر9 فرمود: تمام 124 هزار پیامبران الاهی بعد از خود وارث داشتند و نخستین وارث در روی زمین هبةٌ الله فرزند آدم بود.

و ان علی بن ابی طالب علیه السلام کان هبه الله لمحمد و ورث علم الاوصیا و علم من کان قبله؛((2))

به راستی که علی بن ابی طالب علیه السلام هبةٌ الله محمد بود او علم تمام کسانی که پیش از او بودند و همه اوصیا را به ارث برد.

روایاتی که درباره وراثت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است بسیار گسترده و گوناگون است که حتی برخی دانشمندان روایات وارثت آن حضرت را در

1-) کفایه الاثر، ص124.
2- بحار الانوار، ج11، ص41؛ الاختصاص، شیخ مفید، ص279.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حد تواتر دانستهاند.((1))

در اینجا به نگارش همین مقدار بسنده می کنیم و در پیوست آن روایات بر این مطلب مهم دیگر اشاره می شود که در روایات فراوان دیگر، سلسله وارثان رسول خدا9 بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام به گونه ای پیوسته برای یازده نفر دیگر از فرزندان امام علی علیه السلام نیز نقل شده است که به نمونه هایی از این دست روایات نیز اشاره می شود.

در مکاتبه حضرت رضا علیه السلام به عبدالله جندب آمده است:

«ان محمدا کان امین الله فی خلقه فلما قبض کنا اهل البیت ورثته فنحن امناء الله فی ارضه و عندنا علم البلایا و المنایا»؛((2))

«به راستی محمد امین خدا بود در خلقش و چون رحلت کرد ما خانواده وارثان او بودیم و ما امناء خداییم در زمین خدا و در نزد ماست آگاهی به همه بلاها و مرگ و میرها.»

در حدیث فریس کناس آمده است: با ابوبصیر در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم آن حضرت فرمود:

«ان داوود ورث علم الانبیا و ان سلیمان ورث داوود و ان محمدا ورث سلیمان و انا ورثنا محمدا و ان عندنا صحف ابراهیم و الواح

1-) المراجعات، شرف الدین، ص437.
2-) اصول کافی، ج1، ص431؛ ینابیع المعاجز، بحرانی، ص117.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

موسی»؛((1))

داوود علم انبیا را به ارث برد و سلیمان وارث داوود شد و محمد وارث سلیمان است و ما (اهل بیت) وارث محمدیم نزد ما است صحف ابراهیم و الواح موسی.

در حدیثی از حمران نقل شده است که از امام باقر علیه السلام درباره صحیفه مختومه ای که به ام سلمه داده شد و مردم درباره آن سخن می گویند، سؤال کردم. حضرت فرمود:

«ان رسول الله لما قبض ورث علی علمه و سلاحه و ما هناک ثم صار الی الحسن ثم صار الی الحسین فلما خشینا ان نعشی استودعها ثم قبضها بعد ذلک علی بن الحسین قال فقلت نعم ثم صار الی ابیک ثم انتهی الیک فقال نعم»؛((2))

هنگامی که پیامبر از دنیا رفت علی علم و سلاح آن حضرت و هر چه را آنجا بود به ارث برد. سپس اینها به حسن رسید. پس از آن به حسین رسید. آنگاه نگران بودیم که شهید شویم (جریان رفتن امام حسین علیه السلام به عراق) آنان را به ام سلمه سپرد. پس از آن علی بن حسین میراث را در اختیار گرفت. حمران می گوید: پس از آن به پدرتان رسید. سپس به دست شما رسید؟ حضرت فرمود: بلی.

فضیل از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود:

1-) بصائر الدرجات ص155، الکافی ج1 ص225.
2-) الکافی ج1، ص236، بصائر الدرجات ص197

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«ان العلم الذی هبط مع آدم لم یرفع و العلم یتوارث و ان علیا عالم هذه الامه و انه لم یمت منا عالم الا خلف من بعده من یعلم مثله»؛((1))

به راستی که دانش و آگاهی که همراه حضرت آدم فرود آمده بود هرگز برداشته نشد و آن آگاهی به ارث برده می شود و همانا علی داناترین این امت بود و از ما خاندان کسی نمی میرد مگر اینکه جانشین قرار می دهد برای پس از خود کسی را که مثل او دانا است.

بر اساس همین تداوم وراثت در خاندان پیامبر است که در روایات فراوان نقل شده است که امامت پس از امام حسین علیه السلام در نسل و ذریه آن حضرت؛ که تعداد آنان نه نفر است، قرار داده شده است و آنان هر یک نشانه ها و علامات نبوت را از همدیگر به ارث می برند.((2))

این مطلب در منابع حدیثی شیعه به وضوح ذکر شده است هر امامی که هنگام وفاتش می رسید بنا به سفارش رسول خدا9 آنچه را از آن حضرت به ارث برده بود برای امام بعد از خود وصیت می کرد تا اینکه این امر به امام دوازدهم منتهی شد و اکنون تمام آن موارث و آثار انبیاء نزد آن حضرت است.((3))

از امام صادق علیه السلام درباره انتقال میراث نبوت از امامی به امام بعدش حدیث طولانی نقل شده است تا اینکه حضرت می فرماید: و هر کدام ما امامان به نوبت آن یکی از آن مواریث که از رسول خدا9 به ما رسیده را پوشیده و بعد از خود به امام بعدی باقی می گذاریم و در پایان فرمود

«و قائمنا من اذا لبسها ملأ ها و انشا الله»؛((4))

«و چون قائم ما آن را در بر کند به اندامش رسا باشد انشاء الله»

1-) بصائر الدرجات، ص136.
2-) تفسیر نورالثقلین، ج4، ص594؛ مجمع البیان، ج1، ص375؛ کنز الدقائق، ج1، ص331؛ تفسیر صافی، ج4، ص387؛ علل الشرایع، ص207؛ کفایه الاثر، ص137؛ روضه الواعظین، ص98.

3-) بصائر الدرجات، ص158.
4-) اصول کافی، ج1، ص449.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بنابراین، جریان وراثت از نبی اکرم برای دوازده نفر از امامان و پیشوایان بعد از حضرت در روایات با صراحت آمده است و از جهت کاربردی این میراث ها علامت و نشانه صاحبان آن ها در ادعای امامت و جانشینی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود و بسیار جالب است که وجود میراث های نبوت در نزد امامان معصوم: شیعه برای دشمنان آنان نیز آشکار و حساسیت برانگیز بوده است که شاهد این ادعا، تاریخ امامت امامان معصوم: می باشد. دیده می شود که گاهی به دلیل احساس خطر از جانب دشمنان، بعضی امامان احتیاط می کردند و آن مواریث را مستقیما به دست امام بعد از خود تحویل نمی دادند، بلکه به عنوان امانت دست افراد امین دیگری می سپردند تا در موقعیت بهتر به دست امام برسد که در منابع تاریخی و روایی نام ام سلمه و حضرت زینب و سوسن مادر امام عسکری به عنوان نگهبانان و امانت داران موارث امامت ذکر شده است. ((1))

خاستگاه مشروعیت وراثت نبوت

گرچه اصل وراثت از نگاه عرفی و مبنای فقهی، یک امر اعتباری است که شخصی بنا به دستور شرع آنچه را که مالک است به دیگری که وارث شرعی و قانونی اوست منتقل می کند؛ اما با اندک دقت در ماهیت وراثت در امر نبوت معلوم می شود که این وراثت از سنخ وصیت عرفی و فقهی خارج است؛ بلکه یک امر حقیقی و اعتقادی است که خاستگاه آن با خاستگاه اصل نبوت و امامت پیوند خورده است.

در حقیقت همان گونه که نبوت یک امر الاهی است و تنها خداوند نبی را برای مردم برمی گزیند، امر وراثت و انتخاب وارث نبی نیز با شرایط خاصی که دارد باید از جانب خداوند معرفی شود

1-) محدثات شیعه، ص194 و 223.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

که حتی شخص نبی نیز در این باره بدون امر خداوند حق واگذاری میراث نبوت را به هر کسی که او بخواهد، ندارد.

بنا به روایات موجود، انتخاب وارث نبی از سنت های همیشگی خداوند است که هم زمان پس از پایان نبوت نخستین پیامبر حضرت آدم به وسیله ی خداوند اجرا شده و همیشه ادامه داشته است؛ چنانچه از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«لما انقضت نبوت آدم اوحی الله الیه یا آدم قد انقضت نبوتک و انقطع اکلک فانظر الی ما عندک من العلم و الایمان و میراث النبوه و آثار العلم و الاسم الاعظم فاجعله فی العقب من ذریتک عند هبه الله فانی لن ادع الارض بغیر عالم یعرف به دینی و یعرف به طاعتی»؛((1))

هنگامی که زمان نبوت آدم پایان یافت خداوند به او وحی کرد: ای آدم! نبوت تو پایان یافته و رزق تو تمام شده است؛ نگاه کن به آنچه از دانایی، ایمان، میراث نبوت، آثار علم و اسم اعظم نزد توست آنان را برای ذریه پس از خود هبهٔ الله قرار بده؛ به درستی که من هرگز زمین را بدون عالم که دینم با او شناخته شود و نیز مسیر طاعتم با او معرفی گردد، خالی نمی گذارم.

1-) علل الشرایع، صدوق، ج1، ص195؛ المحاسن برقی، ج1، ص235؛ دلائل الامامه، ص437.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است هنگامی که زمان نبوت حضرت نوح تمام شد به او خطاب رسید:

ادفع میراث العلم و آثار النبوه التی معک الی ابنک سام؛((1))

میراث علم و آثار نبوت را که همراه توست برای فرزندت سام بگذار.

هم چنین آن حضرت درباره عمومیت میراث و وراثت در تمام انبیا فرمود:

اما ان محمدا9 ورث علم من کان قبله من الانبیاء و المرسلین؛((2))

آگاه باشید که محمد9 به ارث برد علم تمام انبیا و رسولان را که پیش از او بودند.

همین سنت خداوند در تعیین وارث برای تمام انبیای الاهی جاری بود تا اینکه دوران آخرین سفیر هدایت حضرت محمد9 فرا رسید و پس از پایان یافتن دوران نبوت آن حضرت نیز همان سنت دیرینه جاری شد و به نقل ابوحمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام

«فلما قضی محمد نبوته و استکملت ایامه اوحی الله الیه یا محمد قد قضیت نبوتک و استکملت ایامک فاجعل العلم الذی عندک و الایمان و الاسم الاکبر و میراث العلم و آثار النبوه فی اهل بیتک عند علی بن ابی طالب علیه السلام فانی لم اقطع العلم النبوه من العقب من ذریتک کما لم اقطعها من بیوتات الانبیا»؛((3))

1-) بحارالانوار، ص23، ص33.
2-) الکافی، ج1، ص224؛ اختصاص، شیخ مفید، ص279.
3-) الکافی، ج1، ص293؛ بصائر الدرجات، ص488؛ تفسیر عیاشی، ج1، ص118؛ بحارالانوار، ج23، ص226.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

هنگامی که دوره نبوت محمد9 پایان یافت و عمرش تمام شد خداوند به او وحی کرد که ای محمد9 به درستی که نبوت تو را به پایان رساندم و عمرت را به آخر رساندم پس قرار بده علم را که نزد توست و ایمان و اسم بزرگ و میراث علم و آثار علم نبوت را در خاندان خود نزد علی بن ابی طالب علیه السلام . همانا من هرگز بر نمی دارم علم و اسم اکبر و میراث علم و آثار نبوت را از بازماندگان و ذریه تو آن گونه که از ذریه انبیای قبل از تو بر نداشتم.

در روایت آمده است: هنگامی که رسول خدا9 آخرین حج (حجةٌ الوداع) را انجام داد پس از بازگشت حضرت از مکه به سوی مدینه، جبرئیل از جانب خداوند به آن حضرت نازل شد و خطاب نمود که زمان نبوت تو پایان یافته و زمان بازگشت تو به سوی من نزدیک است:

فاعهد عهدک و قدم وصیتک و اعهد الی ما عندک من العلم و میراث علوم الانبیا من قبلک و السلاح و التابوت و جمیع ما عندک من آیات الانبیا فسلمها الی وصیک و خلیفتک من بعدک حجتی البالغه علی خلقی علی بن ابی طالب علیه السلام ؛((1))

1-) تفسیر صافی، ج2، ص54؛ روضه الواعظین، ص89؛ الیقین، سید بن طاووس، ص334؛ بحار الانوار، ج37، ص202؛ احتجاج طبرسی، ج1، ص69.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پس وفا کن به پیمان خود و انجام بده وصیت خود را و نظر کن به سوی آنچه از علم و میراث علوم انبیای پیشین و اسلحه و تابوت و تمام آنچه از نشانه های انبیا نزد توست. پس همه آنان را تسلیم نما برای وصی و خلیفه بعد از خود علی ابن ابی طالب که او حجت رسای من بر خلقم است.

بنابراین جریان انتخاب وارث نبی در هر عصر و دوره از جانب خداوند انجام شده و کس دیگری در این زمینه دخالت نداشته است و بر این اساس می توان گفت فرایند وراثت بعد از نبوت یک حقیقت اعتقادی و کلامی است که مشروعیت آن مانند مشروعیت نبوت تنها با مصلحت الاهی مورد امضا و تأیید قرار می گیرد.

وراثت امام علی علیه السلام پس از پیامبر در اندیشه اسلامی

در دو گزینه پیشین اشاره شد که وارثان تمام پیامبران و از جمله وارثان پیامبر خاتم از جانب خداوند منصوب گردیدند که این امر را رسول اکرم صلی الله علیه و آله با صراحت برای امت اسلامی ابلاغ کرد و حال مهم ترین سؤال این است که آیا پس از رحلت رسول خدا9، مسئله وراثت امیرالمؤمنین علیه السلام در اندیشه مسلمانان مطرح بود یا اینکه مورد غفلت واقع شده و دراین باره هیچ گونه نگرشی وجود نداشت و از ذهن ها محو گردیده بود؟

در پاسخ به این سؤال ناگزیریم به این مطلب اساسی اشاره کنیم که با نگریستن دقیق به

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وضعیت اجتماعی مردم مدینه و تحلیل گفتار و رفتار آنان نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام با سه گزینه روبه رو می شویم:

1 - دشمنان آن حضرت؛

2 - افراد کم توجه، فرصت طلب و بی هدف؛

3 - طرفداران امیرالمؤمنین علیه السلام .

درباره گروه یکم، که هم حاکمیت و اقتدار اجتماعی در دست آنان بود و هم اکثریت را تشکیل می دادند، شکی وجود ندارد که اینان برای تثبیت پایه های لرزان حکومت خود از طرح هرگونه فضائل و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام از جمله پخش مسئله وراثت آن حضرت به شدت جلوگیری کرده و سعی داشتند آن حضرت را از چشم مردم انداخته و با کشانیدن آن حضرت به انزوای سیاسی و اجتماعی اذهان مردم را از اندیشه زمامداری ایشان خالی کنند و در اجرای این نقشه چنان با شدت و زیرکانه رفتار کردند که اگر کسی روایتی از آن حضرت نقل می کرد نمی توانست آن را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت مردی از اصحاب پیامبر یا مردی از قریش و برخی می گفتند ابو زینب چنین فرمود.((1))

به گفته یکی از مستشرقان، ابوبکر برای گمنام نگهداشتن علی بن ابی طالب علیه السلام سعی می کرد که نام علی به میان نیاید.((2)) بدیهی است که این گروه از تمام احادیثی که بیان کننده فضیلت و حق حاکمیت امیرالمؤمنین علیه السلام بود جلوگیری می نمودند که طبق مناسبت این اثر، تأکید می شود

1-) الارشاد، مفید، ج1، ص300.
2-) مادلونگ، جانشین حضرت محمد، ص300.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

که مسئله وراثت آن حضرت بعد از رسول خدا9 یکی از آن مطالبی بود که جلوگیری از پخش آن در دستور کار مجریان حکومت قرار داشت.

اما گروه دیگر افراد کم توجه که در حقیقت حاشیه نشینان بی هدف را تشکیل می دادند. البته اینان از جهت زمانی در هر عصر و دوره وجود داشته و دارند و از جهت کردارشناسی فرصت طلبانی هستند که موضع روشن و قاطعی ندارند و با کم توجهی نظاره گر حوادث هستند و در جریان پس از رحلت پیامبر و رخداد سقیفه شاهد وجود جمع فراوانی از مسلمانان هستیم که کاری به امور دینی و سیاسی و اجتماعی نداشتند ولی چون هدف و اراده قوی نداشتند تسلیم امواج اجتماعی شده و تنها به منافع خود می اندیشیدند نه به حق و باطل. به نقل ابن ابی الحدید از استادش گروهی از مردم که اکثریت را تشکیل می دهند در هر دوره ای یافت می شوند که دارای فکر قوی و رأی ثابت نیستند. اینان تقلید گرند، نه پرسش دارند و نه جدل، همیشه پیرو قدرت حاکم هستند؛ اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز ترک می کنند؛ به همین علت بود که دستورات صریح پیامبر در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام کهنه و پایمال شد و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

بر این اساس بود که در جریان سقیفه افراد بی توجه با دیدن قدرت در دست مخالفان علی بی ابی طالب علیه السلام انگیزه ای برای طرح مسئله وراثت آن حضرت نداشتند و از این مسئله با بی توجهی گذشتند و تنها خواست آنان حفظ امنیت و

1-) شرح نهج البلاغه، ج12، ص117.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دست یابی به منافع شخصی شان بود که تا حدودی در سایه زمامداری ابوبکر فراهم می شد و کار به اینکه چه کسی سزاوار زمامداری است نداشتند.

اما گروه سوم، یاران امیرالمؤمنین علیه السلام را تشکیل می دادند که تعدادشان بسیار اندک هم بودند؛ گرچه طرح مسائل ناخوشایند با حکومتیان برای آنان خطر زا بود، اما در عین حال شواهد تاریخی نشان دهنده این است که هم خود حضرت علی علیه السلام و هم یاران ایشان برای توجه دادن افکار مردم به باطل و ناحق بودن خلافت زمامداران و پیروزمندان سقیفه بارها مسئله وراثت امیرالمؤمنین علیه السلام را طرح کردند و با این دلیل خلافت و جانشینی پس از پیامبر را حق آن حضرت می دانستند.

امیرالمؤمنین علیه السلام گفت وگو و احتجاج های فراوان برای اثبات حقانیت خود داشتند، از آن جمله می فرماید:

«نشدتکم بالله هل فیکم احد ورث سلاح رسول الله و رایته و خاتمه غیری قالوا لا»؛((1))

«شما را به خدا سوگند آیا در میان شما غیر از من کسی هست که اسلحه، پرچم و انگشتر رسول خدا9 را به ارث برده باشد همگی گفتند: نه.»

هم چنین یاران آن حضرت در هر موقعیت جریان وراثت آن حضرت را بازگو می کردند که در این میان درباره عمار نقل شده است که گاهی میان مردم رفته؛ ندا می کرد: ای مردم من از رسول

1-) الاحتجاج، طبرسی، ص168.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خدا9 شنیدم که به علی فرمود: یا علی! تو وارث بعد از من هستی و خداوند دانش و فهم من را به تو داده است.((1))

نیز درباره جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که گاهی به میان جمعیت رفته خطاب می کرد: ای مردم! من از رسول خدا9 شنیدم که فرمود: علی بعد از من وارث من در میان امتم است.((2))

هم چنین به نقل ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام بعد از جریان خانه نشینی امیرالمؤمنین علیه السلام ، دوازده نفر که شش تن از مهاجر و شش تن از انصار بودند به مسجد رسول خدا9 و نزد ابوبکر رفتند و هر کدام به نحوی با ابوبکر احتجاج و او را نصیحت کردند که حق علی علیه السلام را غصب نکند و از آن جمله عمار یاسر اشاره به وراثت امیرالمؤمنین علیه السلام کرد و گفت:

فاعلمو ان اهل بیت نبیکم اولی به و احق بارثه و اقوم بامور الدین و امیر علی المؤمنین و احفظ لملته فلیرد الحق الی اهله؛((3))

بدانید که خاندان پیامبر شما سزاوارتر بر او و سزاوارتر به ارث بردن از اوست و نیز پایدار تر در امور دین و امیر بر مؤمنان و نگهدارنده تر بر طریقت پیامبر و خیر خواه تر بر امت اوست پس برگردانید حق را به صاحبش.

1-) بحار الانوار، ج22، ص531.
2-) امالی صدوق، ص134.
3-) الاحتجاج، ص95؛ امالی طوسی، ص550؛ بحار ج28، ص175

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بنابر شواهدی که نگارش یافت، مسئله وراثت امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از راهکار های مبارزاتی علی بن ابی طالب علیه السلام و یاران آن حضرت در برابر حکومتیان بود که گرچه برای برگرداندن حق امیرالمؤمنین علیه السلام تأثیر گذار نبود، اما طرح این گونه مسائل و احتجاج، این اثر مهم را داشت که در زیرساخت های اعتقادی مردم علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان وارث رسول خدا9 مطرح گردید و این مطلب در روشن نگه داشتن چراغ محبت اهل بیت پیامبر9 در آن روزگار که حقوق آنان از هر جهت ضایع شده بود و نیز در استوار نگه داشتن شیعیان و پیروان امیرالمؤمنین علیه السلام مؤثر بود.

هم چنین یادآوری وراثت امیرالمؤمنین علیه السلام در نزد عامه مردم به وسیله ی بزرگانی مانند سلمان، عمار و دیگر یاران آن حضرت که هر کدام از صحابه مورد احترام بودند در اندیشه و افکار عمومی یادآور خاطراتی بودند که آنان از رسول خدا9 درباره فضائل و برتری های علی بن ابی طالب علیه السلام شنیده بودند. بنا به نقل یعقوبی در اثر همین تلاش های یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و بازگو کردن احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله، برخی از انصار نزد ابن عباس و حسان بن ثابت آمده، می گفتند امیرالمؤمنین علیه السلام در فضل و سابقه از دیگران با فضیلت تر است؛ زیرا رسول خدا او را به عنوان حافظ دین، وارث و وصی پس از خود معرفی کرده بود و او از دیگران آگاه تر به کتاب خداست؛

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

لذا او را برای بیعت گیری حاضر نمایید.((1))

بر این اساس بود که گاهی مردم روایات پیامبر9 را درباره فضایل علی علیه السلام میان خود بازگو می کردند و حکومتیان نیز آن روایات را انکار نمی توانستند، بلکه توجیه می کردند و می گفتند ما امروز در موقعیتی قرار گرفته ایم که پیامبر در آن نیست و فرد حاضر چه بسا بر اموری مطلع است که فرد غایب از آن بی اطلاع است.

و بر این اساس بود که طرح وراثت امیرالمؤمنین علیه السلام و جایگاه ارزشمند آن در میان اصحاب به گونه ای اوج گرفته بود که برخی از آنان نزد ابن عباس آمده از او سؤال می کردند که چگونه علی بن ابی طالب علیه السلام به فضیلت و برتری وراثت دست یافت و شما خاندان عباسی محروم گردیدید؟ و ایشان در جواب به فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می کردند. چنان چه در منابع شیعه و سنی از شخصی به نام ابی اسحاق این چنین نقل شده است:

سئلت عن قشم بن عباس کیف ورث علی رسول الله دونکم؛

از قشم فرزند عباس سؤال کردم چه شد که علی علیه السلام از رسول خدا9 ارث برد نه شما خاندان عباسی؟

او در جواب گفت چون علی علیه السلام پیش از ما اسلام آورد و وفایش بیشتر از ما به رسول خدا9 بود.((2))

1-) تاریخ یعقوبی، ج2، ص128.
2-) الطرائف، ابن طاووس، ص284؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج8، ص348؛ سنن نسائی، ج5، ص139.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از نحوه سؤال و جواب به دست می آید که مسئله وراثت امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان یک فضیلت برای آن حضرت در میان اصحاب مطرح بوده است و حاکم درباره این حدیث می نگارد: «حدیث صحیح الاسناد است اما بخاری و مسلم آن را نقل نکردهاند.»((1))

بسیاری بر این باور و اعتقاد بودند که آثار رسول خدا9 مانند شمشیر و زره آن حضرت به هر کسی به ارث رسیده او پیشوای واجب الاطاعت است. ((2))

در این باره روایتی از سعید سمان نقل شده است که نزد امام صادق علیه السلام بودم که دو نفر زیدی مسلک نزد آن حضرت وارد شدند و سؤال کردند که آیا در میان شما آل محمد9 امام مفترض الطاعت است؟ امام فرمود: نه؛ آن دو عرض کردند: مردمان موثق از جانب شما خبر دادند که شما فتوا داده ای که فلانی (یعنی زید) امام واجب الاطاعه است. امام غضبناک شد و فرمود: من چنین نگفته ام. آن دو بیرون رفتند. امام از من سؤال کرد: این دو را می شناسی؟ گفتم: آری، آنان از اهل بازار ما و زیدیاند و معتقد هستند که شمشیر رسول الله نزد عبدالله بن حسن است. حضرت فرمود: دروغ می گویند شمشیر رسول خدا9 نزد من است.((3))

سرانجام اینکه مسئله وراثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مبانی فکری مسلمانان و اندیشه آنان دلیلی

1-) مستدرک علی الصحیحین، ج3، ص125.
2-) صراط المستقیم، ج1، ص66.
3-) اصول کافی، ج1، ص448.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بوده است که برخی یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز خود آن حضرت آن را بازگو کرده است و با آن بر حقانیت خود به امر خلافت بعد از رسول خدا9 استدلال می کرد و در اندیشه مسلمانان به ویژه عموم شیعیان این مطلب به عنوان یک اصل پذیرفته شده وجود داشت و بدین وسیله استواری آنان افزایش می یافت.

ماهیت شناسی میراث پیامبر

اشاره

ماهیت شناسی میراث رسول خدا9 و اینکه وارثان آن حضرت چه چیزی از ایشان به ارث بردند، یکی از مهم ترین بحث هایی است که با روشن شدن صحیح آن می توان در مبانی کلامی و اعتقادی استفاده کرده و برای تعیین امام و جانشین بعد از آن حضرت به عنوان یک راهکار به حساب آورد.

با دقت در روایات در این زمینه به دست می آید که پیامبران برای جانشینان خود اموری را به ارث می گذارند که در روایات از آنان به عنوان مواریث و ودایع پیامبران الاهی یاد شده است که بخشی از آنان از پیامبران سابق به رسول خاتم رسیده و از ایشان با اضافه هایی به امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد از آن به امامان بعدی به ارث رسیده است و در این زمینه از روایات به دست می آید که میراث پیامبران سابق و پیامبر اسلام به امامان بعدی به دو گونه مادی مانند اسب، زره، شمشیر، پیراهن و... و معنوی مانند علوم شان و کتاب های آسمانی بوده است تا آن وارثان بر حق خلاء فقدان پیامبر را پرکنند.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1 - آثار انبیای پیشین

درباره ارث گذاشتن انبیا سابق برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پس از ایشان برای ائمه در روایات آمده است:

«کل نبی ورث علما او غیره فقد انتهی الی آل محمد9»؛((1))

هر پیامبری که علم یا غیر علم را به ارث گذاشته به آل محمد9 (امامان اهل بیت) رسیده است.

در بسیاری از روایات درباره وراثت علمی ائمه از انبیا آمده است:

ان العلم الذی هبط مع آدم لم یرفع و العلم یتوارث و ان علیا عالم هذه الامه و انه لم یمت منا عالم الا خلف من بعده من یعلم مثله؛((2))

آن علمی که به حضرت آدم نازل شد، برداشته نشد و علم به ارث گذاشته می شود همانا علی داناترین این امت است و از دنیا نمی رود کسی از ما خاندان مگر اینکه بر جا می گذارد کسی را که مثل او دانا باشد.

در روایت دیگر آمده است: تمام فضیلت ها به رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است زیرا آن حضرت وارث تمام

1-) تفسیر صافی، ج3، ص45؛ تفسیر نور الثقلین، ج2، ص463.
2-) بصائر الدرجات، ص136؛ بحار، ج36، ص174.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیامبران است.((1))

هم چنین در روایت، از امام صادق علیه السلام نقل شده که برخی آثار از حضرت موسی نزد ما به ارث رسیده است:

«الواح موسی عندنا و عصا موسی عندنا و نحن ورثنا النبی»((2))

الواح موسی و عصای او نزد ماست و ما وارث پیامبریم.

در روایات فراوان از امام کاظم علیه السلام و دیگر امامان نقل شده است که کتاب های انبیای پیشین مانند تورات و انجیل و دیگر کتاب های آسمانی نیز به ائمه معصوم: به ارث رسیده است و نزد آنان موجود است؛ لذا آنان علم اولین و آخرین را دارا هستند.((3))

در روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پیراهن یوسف را به عنوان یکی از آن مواریث و یادگار پیامبران سابق نزد ائمه ذکر کرده است.

مفضل می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود می دانی پیراهن یوسف چه بود؟ عرض کردم: نه؛ حضرت فرمود:

ان ابراهیم لمّا اوقدت له النار اتاه جبرئیل بثوب من ثیاب الجنه فالبسه ایاه فلم یضره معه حر و با برد؛

هنگامی که به فرمان نمرود برای ابراهیم آتشی افروخته شد، جبرئیل جامه ای از جامه های بهشت برای

1-) علل الشرایع، ج1، ص26.
2-) بحار، ج26، ص206.
3-) اصول کافی، ج1، ص438.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ابراهیم آورد؛ او آن را پوشید و به سبب آن گرما و سرما به ابراهیم آزار نمی رسانید.

و ابراهیم هنگام وفات خود آن پیراهن را به اسحاق آویخت و پیراهن از اسحاق به یعقوب رسید و یعقوب هنگام تولد یوسف آن را بر یوسف آویخت و بر گردن یوسف بود تا به حکومت مصر رسید تا اینکه یعقوب بوی آن پیراهن را دریافت و از این روست که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده و از زبان یعقوب می گوید:

«وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِیرُ قَالَ ابُوهُمْ انِّی لاجِدُ رِیحَ یُوسُفَ لَوْلا ان تُفَنِّدُونِ»؛((1))

من بوی یوسف را احساس می کنم اگر من را متهم نکنید.

بعد مفضل می گوید: عرض کردم فدایت گردم سپس پیراهن به چه کسی رسید؟ امام فرمود: به اهلش رسید. آن گاه فرمود:

کل نبیی ورث علما او غیره فقد انتهی الی آل محمد9؛((2))

هر پیامبری که علم یا غیر علم را به ارث گذاشته به خاندان محمد9 رسیده است.

سرانجام اینکه مواریث و یادگار های مادی و معنوی از پیامبران سابق به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان به ائمه معصوم: رسیده است.

1-) یوسف، 94.
2-) اصول کافی، ج1، ص447.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

2 - آثار و یادگاری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزد ائمه:

بر اساس روایات، علاوه بر مواریث پیامبران سابق، برخی میراث اختصاصی از پیامبر اکرم نیز برای ائمه رسیده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگام وفات، آنان را به امیرالمؤمنین علیه السلام تحویل داد و بعد از آن حضرت به هر یک از امامان رسیده است.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است:

«ترک رسول الله فی المتاع سیفا و درعا و عنزةً و رحلا و بغلته الشهبا فورث ذالک کله علی بن ابی طالب علیه السلام »؛((1))

«رسول خدا9 شمشیر، زره، نیزه، زین و استر شهبا که همه را علی بن ابی طالب علیه السلام به ارث برد، از خود بر جای گذاشت.»

هم چنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است: هنگامی که رسول خدا9 در بستر وفات قرار گرفت، ابتدا به عمویش عباس رو کرد و فرمود: ای عمو! حاضری ارث محمد9 را ببری و به وعده هایش وفا کنی؟ عباس از قبول آن سر باز زد. سپس فرمود: ای علی حاضری ارث محمد9 را ببری و به وعده هایش وفا کنی؟ آن حضرت عرض کرد: آری پدر و مادرم فدایت همه اینها به عهده من باشد. علی علیه السلام می گوید: من به پیامبر9 نگاه می کردم،

1-) اصول کافی، ج1، ص451.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آنگاه دیدم انگشتر خود را از انگشت درآورد و فرمود: تا من زنده ام این را در دست کن، چون آن را در انگشتم نهادم، به آن نظر کردم و آرزو کردم از تمام میراث پیامبر همین یک انگشتر را داشته باشم. سپس پیامبر بلال را ندا کرد که وسایل زیر را بیاور: کلاهخود، زره، پرچم، پیراهن، ذوالفقار، عمامه سحاب، جامه برد، کمربند که بهشتی بود، عصا، دو جفت نعلین، دو پیراهن که در جنگ احد و شب معراج پوشیده بود و.... سپس پیامبر همه آنان را به امیرالمؤمنین علیه السلام سپرد و فرمود:

«اقبضها فی حیاتی حتی لا ینازعک فیها احد بعدی»؛((1))

«اینها را تا زنده ام بگیر تا بعد از من هیچ کس با تو نزاع نکند...»

به نقل صدوق پیامبر9 فرمود:

«یاعلی قم فاقبض هذا بشهاده من فی البیت من المهاجرین و الانصار کی لا ینازعک احد بعدی»؛((2))

«علی برخیز و در برابر چشم حاضران از مهاجران و انصار اینها را بگیر تا بعد از من هیچ کس با تو نزاع و ستیز نکند.»

و در برخی روایات نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام علم رسول خدا9 و کتاب و سنت و

1-) بحار الانوار، ج22، ص457.
2-) علل الشرایع، ج1، ص67.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اسلحه و پرچم آن حضرت را به ارث برد.((1))

امیرالمؤمنین علیه السلام تمام آنچه از رسول خدا9 به او رسید را بنا به سفارش پیامبر به امام حسن علیه السلام ، جانشین بعد از خود سپرد. امام صادق علیه السلام می گوید: چون رسول خدا9 رحلت کرد علم و سلاح خود و هر آنچه آنجا بود به علی علیه السلام به ارث داد سپس به حسن علیه السلام ، سپس به حسین علیه السلام سپس به علی بن حسین علیه السلام و بعد از ایشان به فرزندش امام محمد باقر علیه السلام . بعد راوی از امام صادق علیه السلام سؤال می کند آیا اکنون به دست شما رسیده؟ امام می فرماید: بله.((2))

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام وصیت کرد در حالی که فرزندان دیگرش امام حسین علیه السلام و محمد حنفیه و گروهی از شیعیان و جمعی از خانواده اش را بر این وصیت شاهد گرفت؛

«ثم دفع الیه الکتاب و السلاح ثم قال لابنه الحسن یا بنی امرنی رسول الله ان اوصی الیک و ان ادفع الیک کتبی و سلاحی کما اوصی الی رسول الله و دفع الیّ کتبه و سلاحه و امرنی ان امرک اذا حضرک الموت ان تدفعه الی اخیک الحسین»؛((3))

«سپس کتاب و سلاح را به او سپرد و به فرزندش حسن گفت فرزندم پیامبر خدا مرا امر فرمود که به تو سفارش

1-) روضه الواعظین، ص 210؛ امالی طوسی، ص550.
2-) اصول کافی، ج1، ص453.
3-) بصائر الدرجات، ص162.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کنم و کتاب و سلاح را به تو بسپارم همان گونه که رسول خدا9 به من سفارش کرد و کتابها و سلاحش را به من سپرد و به من فرمود که به توسفارش کنم که هر گاه در حال احتضار قرار گرفتی آنها را به برادرت حسین بسپاری.»

هم چنین در میان مواریثی که به ائمه ارث رسیده است از کتاب هایی به نام «جامعه» که به املای رسول خدا9 و خط امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شد و کتاب «جفر» که در آن تمام علوم انبیا است و مصحف فاطمه3، نام برده شده است که هر کدام به عنوان منبعی از علوم الاهی در نزد ائمه موجود است.((1))

بنابراین با دقت در روایات به دست می آید که مواریث انبیای پیشین و رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای هر یک از امامان رسیده است که بعضی مادی و بعضی معنوی بوده است و دراین میان مهم این است که تمام آن مواریث، علامت و نشانه ای بوده است برای اثبات مقام امامت و حقانیت آنان که در گزینه بعدی به آن خواهیم پرداخت.

1-) اصول کافی، ج1، ص456.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از برخی آیات قرآن و روایات به دست می آید که فلسفه وجودی میراث پیامبران در نزد وارثانشان علامت و نشانه ای بوده است برای شناخت مقام امامت و رهبری آنان پس از پیامبران، چنان چه از جهت پیشینه شناسی قرآن کریم در سوره بقره به این مطلب در میان قوم بنی اسرائیل اشاره کرده است:

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِیُّهُمْ ان ایَهَ مُلْکِهِ ان یَاتِیَکُمُ التَّابُوتُ فِیهِ سَکِینَهٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَبَقِیَّهٌ مِمَّا تَرَکَ آل مُوسَی وَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِکَهُ ان فِی ذَلِکَ لایَهً لَکُمْ ان کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ»؛((1))

«و پیامبرشان به آنان گفت یقینا نشانه فرمانروایی او این است که آن صندوق (که موسی را در آن گذاشتند و به دریا انداختند) نزد شما خواهد آمد، در آن آرامشی از سوی پروردگارتان است و باقی مانده ای از آنچه خاندان موسی و هارون به جا

1-) بقره، 248.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

گذاشته اند (چون الواح تورات، عصای موسی و عمامه هارون) و فرشتگان آن را حمل می کنند، البته در آن نشانه ای برای شماست اگر مؤمن باشید.»

آنچه از این جریان به دست می آید این مطلب است که صندوق عهد که میراث فرهنگی و معنوی بنی اسرائیل بوده به عنوان نشانه صدق و شناخت مقام فرماندهی طالوت برای قوم بنی اسرائیل معرفی شده است. بر اساس این آموزه قرآنی در روایات اهل بیت پیوندی میان نشانه بودن تابوت درمیان بنی اسرائیل و وجود میراث رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نزد ائمه ایجاد شده و می گوید: همان گونه که تابوت میان بنی اسرائیل نشانه سلطنت بود، وجود میراث رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نزد ائمه نشانه امامت آنان است.

در «اصول کافی» بابی با عنوان آن مَثَل سلاح رسول الله مثلا التابوت فی بنی اسرائیل وجود دارد که در آن باب چهار روایت برای اثبات مطلب نقل شده است که در روایت یکم باب، امام صادق علیه السلام می فرماید:

«انما مثل السلاح فینا مثل التابوت فی بنی اسرائیل کانت بنو اسرائیل ایٌّ اهل بیت وجد التابوت علی بابهم اوتو النبوه فمن صار الیه السلاح منا اوتی الامامه»؛((1))

همانا مَثَل سلاح در ما (خاندان

1-) اصول کافی، ج1، ص455.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیامبر) مَثَل تابوت است در میان بنی اسرائیل. شیوه بنی اسرائیل این بود که تابوت بر در هر خاندانی یافت می شد نبوت به آنان عطا می شد و (در ما خاندان نیز) سلاح به دست هر کدام از ما برسد امامت به او داده می شود.

امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«ان الامامه هی منزله الانبیا وارث الاوصیا و مقام امیرالمؤمنین و میراث الحسن و الحسین؛((1))

امامت مقام انبیا و ارث اوصیا و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است.

البته این وراثت از نوع وراثت مالی و فقهی نیست که حتما از جهت خانوادگی و انتقال مانند ملکیت در آن لحاظ گردد بلکه مراد از وراثت در امامت یک سنخ معنوی و ملکوتی است که خداوند پس از رسولش شخصی را برگزیده و به او مقام غیبی و منصب الاهی عنایت می کند.((2))

در این زمینه شکی وجود ندارد که اصل نبوت و

1-) اصول کافی، ج1، ص386.
2-) شیخ محمد سند، امامت الهیه، ج2، ص97.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

امامت مقام موهبتی است از جانب خداوند و قابل ارث گذاری نیست اما بعضی مقامات و شئونات رسالت و امامت امتداد داشته و قابل اتصال است مانند محافظت از دین، کتاب، سنت و مقام افتراض الطاعت.((1))

بعضی از امامت پژوهان معاصر دراین رابطه می نگارند: با تأمل در آیات و روایات از مجموع آنان استفاده می شود که پیامبران امور زیر را به ارث می گذارند:

1 - مقامات و منازل، مانند ولایتهای انبیا و وساطت آنان در فیض؛

2 - ملکات و صفات حمید و جهات معنوی دیگر؛

3 - اشیای اختصاصی مانند صحیفه ها، کتاب ها و اشیای ویژه انبیا؛

4 - حکومت ظاهری و مبسوط الید بودن و اطاعت از آنان.((2))

سرانجام اینکه اصل وراثت از پیامبران امری مسلم است اما فلسفه آن را می توان در امور زیر دست یافت:

1 - مواریث نزد امامان رهیافت و نشانه ای است برای اثبات حقانیت امامت آنان در برابر مدعیان دروغین.

2 - اسرار و علوم مخفی به عنوان اسرار امامت در آنان وجود داشت که دست یابی از طریق معمولی به آنان ممکن نبود.

1-) مصباح الهدایه، ص126.
2-) ایت الله میلانی، پیشوایان هدایت گر، ج1، ص260.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فصل هفتم: واژگان امیر و امارت

اشاره

ص: 519

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از دیگر واژه هایی که در ارتباط با امامت و رهبری جامعه پس از رسول خدا9 در میان امت اسلامی کاربرد پیدا کرد، واژگان امیر و امارت بود که با دقت به محتوای عرفی و اراده دانشمندان اسلامی از این واژگان به خوبی نمایان است که از جهت محتوا این واژگان هیچ گاه در یک معنای ثابت به کار نرفته اند؛ بلکه در طول تاریخ اسلام از همان عصر رسول خدا9 گاهی واژه امیر به تنهایی و بدون قیدی در مورد امیران و فرماندهان به کار رفته است و در مواردی این واژه با پسوند مؤمنین (امیرالمؤمنین) به کار رفته است که در این مورد معنای خاص دیگری از آن مانند امارت و سرپرستی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام قصد شده است.

اما در عصر پس از رسول خدا9 نیز این واژگان در فرایند یکسان نبوده اند بلکه از جهت محتوا دارای فراز و نشیب های فراوان و غالبا مورد استفاده سودجویانه سیاست گزاران و زورمداران جامعه اسلامی بوده است که برای تداوم قدرت و سلطه خود از مفهوم امیر و امارت سود جسته و مردم را فریب می دادند که در اینجا ضرورت دارد به تناسب موضوع این اثر، به مفهوم امیر و امارت و ارتباط آن با امام و امامت ونیز سوء استفاده هایی که از آن شده است، اشاره گردد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مفهوم شناسی امیر و امارت

پی جویی واژگان امیر و امارت در منابع نگارش یافته به وسیله ی لغویان و نیز در عرف عامه مردم و اصطلاح دانشمندان اسلامی دارای پیچیدگی های فراوان است؛ زیرا این واژگان در طول تاریخ اسلامی غالبا به عنوان ابزاری در دست حاکمان قدرت طلب در آمده و آنان با اضافه کردن قید هایی مانند مؤمنین (امیرالمؤمنین) و اسلامی (امارت اسلامی) به این واژگان به دنبال مشروعیت بخشی و اسلامی جلوه دادن حاکمیت خود بوده اند و شواهد تاریخی گواه بر این است که بسیاری از آنان با اینکه هیچ گونه اعتقاد و پایبندی به حقوق و خواسته های جامعه اسلامی و هم چنین قانون و برنامه های اسلام نداشتند، اما اهداف سیاسی و قدرت طلبی خود را چنان در لفافه واژگانی چون مؤمنین و اسلامی زیرکانه می پیچیدند که به آسانی مردم را فریب می دادند و مردم آنان را به عنوان پیشوایان و نگهبانان دین و شریعت می دانستند. بر این اساس ضرورت دارد که این واژگان از جهت مفهومی دریک فرآیند تاریخی کالبد شکافی شود تا به آن مفهوم و مصداق واقعی امیر و امارت دست یابیم.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مفهوم لغوی

با دقت در آثار لغویان نمایان می شود که آنان امیر را به معنای صاحب امر و فرمانروا می دانند:

الامیر ذوالامر؛((1))

امیر یعنی صاحب امر و فرمان.

و برخی لغویان مفهوم امیر را در محدوده یک قوم و طائفه دانسته اند:

الامیر من تولی امر قوم؛((2))

امیر کسی است که به عهده گیرد گردانندگی امور قوم و طائفه را.

راغب در «مفردات» با همین رویکرد ضرورت قوم گرایی، درباره خاستگاه امیر می نگارد:

القوم اذاکثر و صارو ذا امیر من حیث انهم لابدلهم من سائس یسوسهم؛ ((3))

هر گروهی زمانی که از جهت تعداد افراد فراوان شود ناگزیر دارای امیر و فرمانده می گردد زیرا باید برای آنان، سیاست مداری باشد تا سیاست گذاری نمایند.

در برخی منابع فارسی نیز آمده است: امیر به معنای صاحب امر و فرمانروایی که اطاعت و

1-) جوهری، صحاح اللغه، ج2، ص5814.
2-) اقرب الموارد، ج1، ص70.
3- مفردات راغب، ص89.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فرمانبرداری از او واجب می باشد.((1))

مؤلف التحقیق می نگارد:

قیل للحاکم والامیر راع لقیامه بتدبیر الناس و سیاستهم و الناس رعیتهم؛ ((2))

حاکم و امیر پیشتازان هستند؛ زیرا او ایستادگی می کند در اداره مردم و سیاست گذاری آنان و مردم پیروان آنان هستند.

بنابراین از دیدگاه لغویان در بن مایه واژه امیر مفهوم فرمانروایی وجود دارد که بنا به برخی ضرورت ها برای ساماندهی زندگی گروهی، بر عهده افراد کارگزار است تا جامعه را سامان دهی کنند.

برای مفهوم واژه امارت که در حقیقت شأن اجرایی امیر است؛ لغویان معانی زیر را نگاشته اند:

والاماره الولایه؛((3))

امارات یعنی شأن و مقام امیر.

کانت منصب امیر؛((4))

امارت یعنی شأن و مقام امیر.

کانت الاماره معنی ولایه الامور الدنیه و السیاسیه و الحربیه و

1-) فرهنگ معارف اسلامی، ج1، ص287.
2-) التحقیق فی کلمات القرآن، ج4، ص161.
3-) صحاح اللغه، ج2، ص581.
4-) المنجد، ص40.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

القضائیه؛((1))

مراد از امارت سرپرستی کارهای دینی، سیاسی، نظامی و قضایی می باشد.

در برخی منابع فارسی آمده است: امارت یعنی امیری کردن و فرمانروایی کردن.((2))

سرانجام اینکه با تلفیق واژگان امیر و امارت می توان به مفهوم فرمانروایی و مدیریت فردی به نام امیر، بر جامعه دست یافت که به محل مدیریت و سیاست گذاری امیر دارالامارهٔ می گویند.

امیر و امارت در اصطلاح

با دقت در کاربرد واژه امیر می توان به این مطلب دست یافت که این واژه یک اصطلاح قدیمی است که در عصر رسول خدا9 برای فرماندهان نظامی و گاهی برای حاکم و فرمانروای یک منطقه به کار می رفته است. بر این اساس است که در بعضی منابع درباره معنای اصطلاحی امیر آمده است:

الامیر کانوا فی صدر الاسلام یسمون به قواد البعوث قال کان فی الجاهلیه یدعون النبی امیر مکه و امیر حجاز؛((3))

مردمان صدر اسلام فرماندهان لشکر را امیر می نامیدند و گفته شده که در

1-) الحضاره العربیه الاسلامیه، ص185
2-) فرهنگ سخن، ج، ص200.
3-) مقدمه ابن خلدون، ص؛ موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، دکتر رفیق العجم، ص69.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دوره جاهلیت پیامبر را امیر مکه و امیر حجاز می گفتند.

در بعضی منابع آمده است: الامیر هو الامام؛((1)) امیر یعنی پیشوا.

هم چنین امیر به معنای فرمانروای قوم و عشیره نیز آمده است.((2))

در برخی منابع آمده است: امیر یعنی فرمانده و سلطان و رهبر.((3))

و نیز امیر به مفهوم حاکم و پیشرو آمده است چون امیر تدبیر امور مردم را در دست دارد.((4))

بنابراین معنای اصطلاحی امیر یعنی فرمانروا و پیش رونده و در این زمینه توجه به این نکته اهمیت دارد که در کاربردهای این واژه همیشه پسوند هایی اضافه شده است که هر کدام از آنان به عنوان یک قید در عرف مردم مطرح بوده و مفهوم امیر را از حالت مطلق فرمانروایی خارج کرده و در آن حالت ترکیبی معنای خاصی برای واژه امیر اراده می شد.

مثلاً در صدر اسلام از واژگان مرکبی چون امیر الجیش؛((5)) فرمانده لشکر و امیر الحاج؛((6)) فرمانده حاجیان و... استفاده می شده است و این موارد معنای خاصی بود که در عرف اعراب صدر اسلام به کار می رفت و در این میان واژه مرکب امیرالمؤمنین نیز به وسیله ی رسول خدا9 به

1-) موسوعه مصطلحات الامام غزالی، ص108.
2-) معارف و معاریف، ج2، ص531.
3-) دائره المعارف تشیع، سید جوادی، ج2، ص522.
4-) فیض القدیر، ج5، ص299.
5-) عون المعبود، ج11، ص230.
6-) الکامل فی التاریخ، ج11، ص103.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عنوان یک اصطلاح خاص به کار رفته است که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

مفهوم امارت در اصطلاح اسلامی برگرفته شده از همان مفهوم امیر و به شکل اجرای فرمانهای امیر بستگی دارد.

در بعضی منابع آمده است: امارت یعنی سروری، زعامت، ریاست و فرمانروایی.((1))

هم چنین بعضی مفهوم امارت را به معنای سرپرستی در امور دینی، سیاسی، جنگی و قضایی دانسته اند.((2))

هم چنین امارت به معنای خلافت و نیابت نیز آمده است.((3))

سید مرتضی با نگاه خاص کلامی و اعتقادی به مفهوم امارت می نگارد:

و الاماره و ما جری مجراها من امر الولایه رئاسه فی الدین و ان العقول لا تفرق بین رئاسه الامام و الامیر؛((4))

امارت و آنچه در این مسیر قرار می گیرد، از شئون ولایت و ریاست در دین است و عقل میان ریاست امام و ریاست امیر تفاوتی نمی گذارد؛

زیرا در حقیقت هر دو یعنی امام و امیر حاکم بر امور دینی و دنیایی مردم هستند و بنابراین واژگان امیر و امارت در اصطلاح مسلمانان در صدر اسلام با مفهوم خاص کاربرد داشته است که ما در اینجا به نگارش همین مقدار بسنده

1-) معارف و معاریف، ج2، ص469.
2-) الحضاره العربیه الااسلامیه، شوقی ابو خلیل، ص69.
3-) فیض قدیر، ج2، ص703.
4-) الشافی، ج1، ص50.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می کنیم و توضیح بیشتر را در بخش روایات خواهیم نگاشت.

امیر و امارت در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله

با نگاهی به روایات رسول خدا9 درباره امیر و امارت، می توان به این واقعیت دست یافت که آن حضرت نسبت به امرا و فرمانروایان پس از خود دغدغه های فروان داشته است و مناسب است پیش از همه بر این مطلب تأکید شود که با تحلیل تاریخی از عصر رسول خدا9 و سپس تطبیق دوران آن حضرت با عصر جاهلیت آشکار است که ایشان در فرایندهای گوناگون دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود جز فرمانروایی قبایلی، رقابت های تباه کننده قوم گرایی را تجربه نکرده بود.

پیامبر پس از هجرت به مدینه و استقرار حکومت اسلامی در آنجا، بنای جدیدی از حاکمیت و فرمانروایی را با مبانی دینی که در آن تمام ساختارهای جاهلی شکسته بود، بنیانگذاری کرد که اساساً برای اعراب جمع شدن تحت حاکمیت واحد با مبانی آسمانی و نادیده گرفتن تمام اندیشه های جاهلی و ساختار های قومی کاری دشوار بود و بر این اساس پیامبر در دوران رسالت خود بارها سخن از امرای پس از خود به میان آورده و وظیفه امت اسلامی را در این زمینه بیان کرده است.

یکی از دانشمندان اهل سنت در این زمینه می نگارد: قبل از اسلام در دوره جاهلیت مردم با امارت آشنا نبودند و رسول خدا9 پس از برپایی نظام اسلامی به آنان فهماند که در جامعه وجود

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

امیر لازم است و باید از امیر فرمان ببرند.((1))

لذا برای فهم بهتر روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهداف آن حضرت لازم است این روایات در گزینه های مصداق شناسی امیرمؤمنان و امرای ستم پیشه به گونه ای جداگانه بررسی شود.

مصداق شناسی امیر مؤمنان در روایات

پیش از این در گزاره اصطلاح شناسی اشاره شده که این واژه در عصر رسول خدا9 با پسوند هایی به کار می رفت که به شواهدی اشاره گردید و در بحث مصداق شناسی بر این مطلب تأکید می شود که یکی از پسوند هایی که در واژه امیر، آن هم به وسیله ی رسول خدا9، به کار می رفت واژه مؤمنین است که ما در روایات فراوان در منابع شیعه و سنی به واژگان ترکیبی امیرالمؤمنین بر می خوریم.

بدیهی است که از جهت مفهومی ترکیب این دو واژه نشان دهنده مفهوم معنوی ویژه ای است که در حقیقت بیان کننده اندیشه مصداق شناسی فرمانروایی مؤمنان و طرح جایگاه ایمان و خداباوری امیر در آن گنجانده شده بود؛ زیرا هر کس با اندک دقت در کاربرد واژگان امیرالمؤمنین (فرمانروای مؤمنان) این نکته اساسی را می فهمید که پس خود امیر که امور مؤمنان را در دست دارد باید در ایمان گرایی سرآمد همه باشد که در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان تنها مصداق امیرالمؤمنین ذکر شده است.

1-) عمده القاری، ج14، ص222.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در روایتی از سلمان فارسی نقل شده است که گفت:

«اشهد ان النبی یقول علی امام المتقین و قائد غر المحجلین و هو الامیر بعدی»؛((1))

«گواهی می دهم که رسول خدا9 فرمود: علی علیه السلام امام پرهیزگاران و رهبر سفید رویان و امیر بعد از من است.»

هم چنین از ام هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«یا ام هانی انه (علی علیه السلام) امیر فی الارض و امیر فی السماء»؛ ((2))

«ای ام هانی او (علی علیه السلام) در زمین و آسمان فرمانرواست.»

هم چنین رسول خدا9 به علی علیه السلام فرمود:

«یا علی سیکون بعدی اثنا عشر اماما و انت اولهم سماک الله فی سمائه امیرالمؤمنین»؛((3))

«یا علی علیه السلام بعد از من دوازده پیشوا است که تو نخستین شان هستی و خداوند در آسمان تو را امیرالمؤمنین

1-) الیقین، سید بن طاووس، ص183، ؛ بحار، ج37، ص331.
2-) بحار، ج38، ص2.
3-) الغیبه، طوسی، ص150؛ بحار، ج36، ص261.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نامیده است.»

هم چنین آن حضرت روزی در جمع اصحاب خود فرمود: بعد از من آشوب هایی به وجود می آید که راه نجات تنها در ولایت سید وصیین است. از آن حضرت سؤال شد سید وصیین چه کسی است؟

«قال امیرالمؤمنین قیل من امیرالمؤمنین قال اخی علی ابن ابی طالب و هو امیر کل مؤمن بعدی»؛((1))

«حضرت فرمود: سید وصیین امیرالمؤمنین است سؤال شد چه کسی امیرالمؤمنین است؟ حضرت فرمود: برادرم علی ابن ابی طالب علیه السلام و او امیر بر تمام مؤمنان بعد از من است.»

هم چنین رسول خدا9 به امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب کرد:

«یا علی انت الامام بعدی و الامیر بعدی»؛((2))

«ای علی! تو پیشوای بعد از من و امیر بعد از من می باشی.»

در روایت دیگری از رسول خدا9 نقل شده است که به علی علیه السلام فرمود:

«یا علی انت امام المسلمین و امیرالمؤمنین و خیر الوصیین»؛((3))

«ای علی! تو پیشوای مسلمانان و

1-) سید بن طاووس، الیقین، ص250؛ همای التحصین؛ ص552.
2-) امالی صدوق، ص101؛ روضه الواعظین، ص102.
3- احقاق الحق، ج20، ص369؛ عیون اخبار الرضا، ج2، ص6.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فرمانروای مؤمنان و بهترین اوصیا می باشی.»

به نقل ابو نعیم اصفهانی در حلیهٔ الاولیا روزی رسول خدا9 به خدمت گزار و دربان منزلش فرمود:

«یا انس اول من یدخل علیک من هذا الباب امیرالمؤمنین و سید المسلمین و قائد غر المحجلین و خاتم الوصیین»؛

«ای انس! نخستین کسی که بر تو از این درب وارد می شود او فرمانروای مؤمنان و بزرگ مسلمانان و پیشوای سفید رویان و خاتم اوصیا است. انس می گوید من از خداوند درخواست کردم که او مردی از انصار باشد و در آن هنگام علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد و رسول خدا9 او را استقبال کرد و در آغوش گرفت.»((1))

در روایتی از ابوذر نقل شده است که روزی در مسجد با رسول خدا9 نشسته بودیم و آن حضرت به ما خطاب نمود:

یدخل علیکم من هذا الباب رجل هو امیرالمؤمنین و امام المسلمین

1-) حلیه الاوالیه، ج1، ص63؛ کشف الغمه، ج1، ص342.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فاذا بعلی بن ابی طالب علیه السلام قد طلع؛((1))

مردی از این در بر شما وارد می شود که او فرمانروای مؤمنان و پیشوای مسلمانان است و در آن هنگام علی بن ابی طالب علیه السلام نمایان شد.

هم چنین امام صادق علیه السلام با استناد به اجداد گرامی اش و از رسول خدا9 نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

«علی منی و انا من علی خلق من طینتی یبین للناس ما اختلفوا فیه من سنتی و هو امیرالمؤمنین»؛((2))

«علی از من است و من از علی او از سرشت من خلق شده و بیان می کند برای مردم آنچه را که درباره سنت به اختلاف می افتند و او (علی) امیر مؤمنان است.»

بنا به نقل اربلی در «کشف الغمه» روزی عایشه در کنار رسول خدا9 بود که علی علیه السلام وارد شد و نزد رسول خدا9 نشست و در آن هنگام عایشه ناراحت شد و به علی علیه السلام اعتراض کرد. رسول خدا9 به عایشه فرمود: مرا نسبت به برادرم آزار مده.

«فانه امیرالمؤمنین و سید المسلمین و قائد غر المحجلین یوم القیامه یقعد علی الصراط فیدخل اولیائه الجنه و یدخل اعدائه النار»؛((3))

1-) امالی صدوق، ص484.
2-) امالی صدوق، ص111.
3-) کشف الغمه، ج1، ص342.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

همانا او (علی) فرمانروای مؤمنان و بزرگ مسلمانان و رهبر سفید رویان است روز قیامت بر پل صراط می نشیند. پس دوستان خود را وارد بهشت و دشمنان خود را وارد جهنم می کند.

ابن شهر آشوب به نقل از تفسیر مجاهد می نگارد: «در هر آیه که یا ایها الذین امنوا آمده، مورد خطاب نخست علی علیه السلام است و خداوند او را در هشتاد و نه جایگاه، امیرالمؤمنین خطاب کرده است. بعد صاحب مناقب از امام باقر علیه السلام نقل می کند که کسانی بودند که به علی علیه السلام بنا به سفارش رسول خدا9 به عنوان امیرالمؤمنین سلام می کردند؛ اما پس از رسول خدا9 زیر بار نرفته، از امارت آن حضرت سر برتافتند و وفا نکردند.((1))

در اینجا به آنچه از روایات درباره کاربرد واژگان ترکیبی امیرالمؤمنین به نگارش در آمد، بسنده می کنیم و تأکید می شود که در زمان رسول خدا9 این واژه با این ترکیب با صراحت برای علی بن ابی طالب علیه السلام بارها و در موقعیت های فراوان به کار رفته بود که اساساً نشان دهنده اهتمام رسول خدا9 نسبت به معرفی امارت و پیشوای بعد از خودش بوده است و در این میان برخی ویژگی ها و خصوصیات در این احادیث قابل پیگیری است که مناسب است به پیوست این بحث اشاره گردد:

1-) مناقب آل ابی طالب، ج3، ص65.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نگاهی به پیوست های آنچه گذشت

اشاره

با استناد به روایات نگارش یافته در گزینه پیشین، می توان به این مطلب پی برد که طرح امارت و فرمانروایی علی بن ابی طالب علیه السلام به وسیله ی رسول خدا9 پایه ریزی شده بود و در هیچ روایت دیگری نیامده است که آن حضرت واژه امیرالمؤمنین را برای کس دیگری نیز به کار برده باشد و مناسب است به دلیل اهمیت جایگاه امارت امیرالمؤمنین به برخی پیوست های مهم دیگر که از این روایات و نیز روایات دیگر به دست می آید به قرار زیر اشاره گردد:

الف - امیرالمؤمنین لقب اختصاصی امام علی علیه السلام

همان گونه که در بحث اصطلاح شناسی اشاره شد، از واژگان ترکیبی امیر در عصر رسالت می توان به گونه هایی مانند: امیر الجیش، امیر الحاج، امیر القوم اشاره کرد که هر کدام آنان بنا به مناسبت، برای افراد با توجه به موقعیت فرمانروایی آنان در آن محدوده ی تعیین شده، به کار گرفته می شد ولی آنچه در این میان قابل توجه است این نکته است که هیچ یک از واژگان ترکیبی لقب اختصاصی افراد نبود، بلکه به تناسب عهده داری وظیفه افراد این لقب به آنان داده می شد تا نسبت به افراد زیر فرمان خود تمایز داشته باشند.

در این بین تنها واژه ترکیبی امیرالمؤمنین در کاربرد خود دارای مفهوم خاص و مصداق ویژه ای بود که به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله این لقب تنها برای علی علیه السلام تعیین شده بود. از شواهد تاریخی و روایی که در گزینه پیشین نگارش یافت به دست می آید که نه تنها رسول خدا9 این لقب

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را به جز علی بن ابی طالب علیه السلام برای هیچ فرد دیگری به کار نبرده است، بلکه از گفتار آن حضرت و نیز از روایات امامان معصوم: از خاندان ایشان می توان استنباط کرد که این لقب از واژگان توقیفی و ویژه علی بن ابی طالب است که جز برای ایشان برای هیچ فرد دیگری، حتی امامان معصوم: بعد از ایشان، نمی توان به کار گرفت.

به نقل کلینی در «اصول کافی» یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از آن حضرت درباره حضرت قائم امام زمان4 سؤال کرد.

«یسلم علیه بامره المؤمنین قال لا ذلک اسم سمی الله به امیرالمؤمنین لم یسم به احد قبله و لا یسمی بعده الا کافر»؛((1))

«به امام قائم می توان گفت درود بر تو ای امیرالمؤمنین حضرت فرمود: نه این نام را خداوند مخصوص امیرالمؤمنین نهاده پیش از او کسی بدان نامیده نشده و پس از او هم جز کافر خود را بدان ننامد.»

هم چنین روزی یکی از یاران امام صادق علیه السلام بر آن

1-) اصول کافی، ج2، ص365.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

حضرت وارد شده و گفت: السلام علیک یا امیرالمؤمنین حضرت به او خطاب کرد:

مه هذا الاسم لا یصلح الا لامیرالمؤمنین سم-ا به و لم یسم به احد غیره؛ ((1))

«ساکت باش این (امیرالمؤمنین) نامی است که برای غیر امیرالمؤمنین نهاده نشده و تنها امیرالمؤمنین علیه السلام به آن نامیده شد و غیر ایشان هیچکس بدان نام نهاده نشده است.»

یکی از یاران امام رضا علیه السلام از ایشان سؤال کرد:

لم سمی امیرالمؤمنین قال لانه یمیرهم العلم اما سمعت فی کتاب الله وَنَمِیرُ اهْلَنَا؛((2))، ((3))

چرا او (علی علیه السلام) امیرالمؤمنین نامیده شد؟ فرمود برای اینکه خوراک دانش به آنان می رساند، آیا نشنیدی در قرآن است ما خوار و بار برای خاندان خود می آوریم؟

با توجه به همین روایات است که برخی دانشمندان تصریح کرده اند که امیرالمؤمنین لقب خاص علی بن ابی طالب علیه السلام است.((4))

سرانجام اینکه واژه امیرالمؤمنین با آن

1- بحار الانوار، ج37، ص331.
2-) یوسف، 65.
3-) علل الشرایع، ج1، ص161؛ تفسیر نور الثقلین، ج2، ص440.
4-) موسوعه من مصطلحات علم التاریخ العربی، ص69؛ معارف و معاریف، ج2، ص531.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مفهوم ترکیبی فرمانروایی مؤمنان، ویژه علی بن ابی طالب علیه السلام امام اول شیعیان بوده است که در زمان رسول خدا9 این لقب به ایشان داده شده بود و برای هیچ کس دیگری کاربرد آن جایز نیست.

ب - پیوستگی میان امارت و رسالت

در روایاتی که درباره امارت و فرمانروایی علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شد می توان به این مطلب مهم دست یافت که از جهت کاربردی پیوند گسست ناپذیر و پیوستگی همیشگی میان رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وامارت علی بن ابی طالب علیه السلام که در حقیقت یکی از شئون امامت و رهبری آن حضرت است، وجود دارد؛ زیرا در بسیاری از آن روایات تعبیر «امیرالمؤمنین من بعدی» آمده است و این جمله اشاره دارد به این مهم که از جهت اجتماعی امت اسلامی هیچ گاه نمی تواند بدون یک رهبر و پیشوای الاهی به مسیر خود ادامه دهد و این مسلم است که تا وجود شخص پیامبر در میان مردم است ایشان به عنوان حاکم و پیشوای امت از جانب خداوند وظیفه هدایت گری را به عهده دارد؛ اما پس از فقدان آن حضرت برای اینکه خلاء رهبری پر گردد، وظیفه هدایت گری و پیشوایی مردم که از جمله شئون آن فرمانبرداری و امارت است به عهده علی بن ابی طالب علیه السلام گذاشته شده است که برای اثبات این پیوند و ناگسست بودن آن، کافیست تعبیرات روایات پیشین مرور شود و نیز در روایات زیر می توان این مطلب را جست وجو کرد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در روایتی آمده است که رسول خدا9 فرمود:

«یا علی انت الامیر بعدی و مالک فی امتی نظیر»؛((1))

«یاعلی! تو فرمانروای بعد از من می باشی و در میان امت من همانند تو نیست.»

و در منابع تفسیری در تفسیر آیه مبارکه

«اطِیعُوا اللَّهَ وَاطِیعُوا الرَّسُولَ وَاولِی الامْرِ مِنْکُمْ»؛((2))

به این مطلب تصریح شده است که خداوند در این آیه اطاعت از خود و رسول و اولی الامر را به گونه ای یکسان واجب قرار داده و این نشان دهنده این است که والیان امر کسانی هستند که امور دینی و دنیایی مردم و از جمله فرمانروایی به دست آنان، که از طرف خداوند برگزیده شده اند، قرار می گیرد.((3))

در حقیقت می توان گفت تا زمانی که پیامبر در قید حیات و مشغول امر و نهی است پیشوای دیگری به جهت عظمت امر رسالت امر و نهی نمی کند؛ اما پس از رحلت رسول و فرستاده خدا امیر و پیشوای بعد از او وظیفه الاهی، سیاسی و اجتماعی او را به عهده می گیرد.((4))

چنانچه دانشمندان شیعه و سنی درباره پیوند امارت و رسالت به این نکته اساسی تصریح

1-) حلیه الابرار، ج2، ص27؛ روضه الواعظین، ج1، ص128.
2-) نسا، 59.
3-) مجمع البیان، ج3، ص100.
4-) التبیان فی تفسیر القرآن، ج3، ص563.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کرده اند که جایگاه کاربردی امارت امیر بر مؤمنان پس از رسول خدا9 عبارت است از سرپرستی امور دینی، سیاسی، جهاد و قضاوت.((1))

هم چنین از رسول خدا9 نقل شده است که امارت امانت بزرگ خداوند است که مربوط به حقوق خدا و مردمان است.((2))

زمان اجرای امارت، بعد از رسول خدا9 و مربوط به پیشوایی مردم در زمینه های فراوان و فراگیر در امور دینی و دنیایی آنان است تا به جای پیامبر امت را از حیرت و سرگردانی نجات دهد.((3))

علامه طباطبایی در این زمینه می نگارد: «ولایت خدای سبحان و سرپرستی او نسبت به امور بندگان تمام نمی شود مگر به ولایت رسولش و ولایت رسولش نیز تمام نمی شود مگر به ولایت اولی الامر که بعد از درگذشت آن جناب به امر خدای سبحان تربیت و تدبیر را به دست بگیرند».((4))

بنابراین امیری که بعد از رسول خدا9 امارت و فرمانروایی مؤمنان را به دست می گیرد باید دارای تأیید از جانب خداوند و ادامه دهنده راه رسول باشد که مردم را در محور های دینی و دنیایی همانند رسول راهنمایی کند و با این وصف از دیدگاه دینی و اعتقادی نمی توان بر هر امیر خود سر و تابع هوا و هوس اعتماد کرده و او را به عنوان امیر پذیرفت و اطاعت و فرمانبرداری از او را واجب دانست؛ زیرا هر فردی نمی تواند ادامه دهنده راستین راه هدایت گرانه رسول باشد، بلکه در اندیشه دینی و

1-) دکتر شوقی، الحضارت العربیه الاسلامیه، ص280.
2-) ملا علی قاری، شرح مسند ابوحنیفه، ص422.
3-) عمده القاری، ج20، ص189.
4-) المیزان، ج5، ص291.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اعتقادی، امیرالمؤمنین یعنی فرمانروای مؤمنان که باید همانند رسول دارای شرایط و ویژگی های خاصی باشد تا بتواند مردم را هدایت کند.

مبنا شناسی مشروعیت امارت امیر

اشاره

واژگان امیر و امارت در روایات و نیز در آرای دانشمندان اسلامی به مفهوم فرمانروایی فرمانروا و در پیوست پس از عصر رسالت و دارای جایگاه بسیار مهم و کاربردی است که در حقیقت امیر حاکم و تدبیر کننده امور دینی و دنیایی امت اسلامی است و این مهم را می طلبد که امارت امیر دارای مشروعیت دینی و تأیید شده از جانب خداوند باشد و در عین حال با نگاهی مبنا شناختی به آرا و نظریات دانشمندان شیعی و سنی به تفاوت عمده مبنایی بر می خوریم که ضرورت دارد مبانی هر کدام را جداگانه و مستقل بررسی کنیم:

الف - مبنای مشروعیت امارت امیر در نگاه اهل سنت

در مبنا شناسی اهل سنت نسبت به مشروعیت امارت امیر، پیش از همه توجه به این مطلب ضرورت دارد که آنان در مبانی کاربردی امارت و فرمانروایی امیران در طرح آغازین مسئله امارت راهی را پیموده اند که تنها به ضرورت های اجتماعی و سیاست گزاری جامعه مربوط می شود و در حقیقت در اندیشه اهل سنت خاستگاه اصلی امارت اسلامی که پیوند با دستور خداوند است، لحاظ نگردیده است؛ بلکه دانشمندان اهل سنت، با توجه به برخی زمینه های اجتماعی و تاریخی به مسئله امارت نگریسته و بر اساس واقعه های تاریخی

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

امارت، هر گاه کسی هرچند با زور و تزویر یا به هر نحو دیگری روی کار آمده است، اندیشه های خود را بر اساس آن پایه ریزی کرده و اطاعت از آن را به عنوان امیر و فرمانروا واجب شمرده اند و در این مسئله چنان بدون ملاحظه قدم گذاشته اند که حتی گرفتار شدن در دام معصیت و خطا کاری را برای امرا باز گذاشته و اطاعت از آنان را واجب می داند.

تفتازانی در «شرح عقائد نسفیه» می گوید: عزل پیشوایان به دلیل انجام دادن فسق جایز نیست

لانه قد ظهر الفسق و انتشر الجور من الامرا... و السلف کانو ینقادون لهم و یقیمون الجمع و لاعیاد باذنهم و لا یرون الخروج علیهم؛((1))

زیرا گاهی فسق و ستم از امرا آشکار می شد و گذشتگان تنها به آنان تذکر داده و نماز و اعیاد را با اذن آنان برگزار می کردند و خروج بر آنان را جایز نمی دانستند.

در زمینه مصداق شناسی امیر نیز اهل سنت چنان گرفتار اندیشه های متفاوت و تعارضات فکری شده اند که حدود یازده قول در این زمینه ابراز داشته اند و در نتیجه آنان را صاحبان فتوا در امور دینی و فرمانروایان واجب الاطاعت ذکر کرده اند.((2))

1-) شرح عقاید نسفیه، ص239.
2-) برای مطالعه بیشتر رک عمده القاری، ج18، ص176؛ موسوعه مصطلحات امام غزالی، ص108.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در این زمینه دانشمندان اهل سنت به تبعیت از درباریان عباسی لقب دیگری برای والیان و منصوبان از طرف حکومت مرکزی بر ولایات و فرمانداری ها اختراع کرده و آنان امیر و خلیفه ای را که در مرکز قرار داشت امیر الامرا می گفتند و در نتیجه تبعیت و فرمانبرداری از آنان را نیز واجب می دانستند.((1))

در منابع حدیثی اهل سنت نیز درباره فرمانبرداری از امیران آمده است که رسول خدا9 فرمود: همیشه از امیران و فرمانروایان خود اطاعت کنید. اگر شما را به چیزی که موافق احکام الاهی است امر کردند آنان ماجور خواهند بود و شما هم به دلیل اطاعت از آنان پاداش خواهید گرفت و اگر به چیزی که موافق احکام الاهی نباشد امر کردند این امر به ضرر آنان تمام خواهد شد و شما از آن بری خواهید بود.((2))

سرانجام اینکه در اندیشه اهل سنت اطاعت از امیران و فرماندهان واجب است و مخالفت با آنان، هرچند که اهل فسق و ستم باشند، جایز نیست و مبنای مشروعیت اطاعت از امیران و فرماندهان غالبا کردار پیشینیان است که افرادی مانند ابن عمر، حسن بصری، ابن شهاب زهری و یحیی بن سعید از امیر و فرمانروایی فاسق مانند حجاج اطاعت می کردند و پشت سر او نماز می خواندند و از دست آنان جایزه قبول می کردند.((3)) این در حالیست که در روایات

1-) دائره المعارف قرن العشرین، ج1، ص571؛ دائره المعارف بستانی، ج4، ص411.
2-) کنز العمال، ج6، ص108.
3-) التمهید، ج4، ص115.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فراوان در منابع شیعه و سنی در مذمت امرای گمراه کننده نقل شده و رسول خدا9 به شدت از پیروی و اطاعت آنان نهی کرده است.((1))

ب - مبنای مشروعیت امارت امیر در اندیشه شیعی

دانشمندان شیعی در برابر اندیشه اهل سنت با نگرشی ویژه به امارت و فرمانروایی مؤمنان نگریسته و در طرح اولیه امارت اسلامی با نگاهی دینی آن را یکی از شئون امامت و رهبری اسلامی می دانند.

در نگاه شیعی ترکیب واژگانی چون «امیرالمؤمنین من بعدی» به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و کاربرد آن تنها برای علی بن ابی طالب علیه السلام رهیافتی است بر این مطلب که رسول خدا9 با انتخاب این لقب ویژه برای آن حضرت به دنبال یک ساختار پیوندی وپیوستگی مدیریتی میان فرمانروایی الاهی خود و فرمانروای بعد از خود بوده است تا مردم پس از درگذشت آن حضرت، که با مدیریت و تدبیر خدا محورانه ایشان خو گرفته بودند، با روی کار آمدن فرمانروایان و مدیران هوس باز، با خلاء و یا سوء مدیریت روبه رو نگردند. بر این اساس بود که پیامبر برای جلب توجه امت اسلامی نسبت به پیشوایی و فرماندهی ایشان، که یکی از شئون امامت و پیشوایی است، تأکید کرده اند و او را «امیرالمؤمنین من بعدی» خطاب می کردند و به تناسب این بحث توجه به این نکته اهمیت دارد که در حقیقت بیان امارت و فرمانروایی علی بن

1-) بعداً این روایات را خواهیم نگاشت.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ابی طالب علیه السلام به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بخشی از مأموریت های تبلیغی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود که این امر به دستور خداوند به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله انجام گرفت؛ زیرا در اندیشه شیعه امارت و فرمانروایی، مستقل از امامت و پیشوایی جامعه اسلامی نیست بلکه جزء وظیفه امام است که به امر خداوند برای هدایت مردم به آن اقدام می کند و در حقیقت همان گونه که اصل انتخاب امام و مشروعیت امامت مانند انتخاب نبی و نبوت از جانب خداوند است وظایف امامت نیز مانند وظایف رسالت از جانب خداوند مشروعیت پیدا می کند.

بر این مبناست که دانشمند بزرگ شیعی، سید مرتضی علم الهدی، در این رابطه می گوید: «امارت و آنچه مربوط به آن است از ولایت و سرپرستی مردم در امور دینی و دنیایی و عقلا فرقی میان ریاست امام و امیر نمی گذارد.»((1))

مرحوم شرف الدین در این زمینه می گوید: «لام در امیرالمؤمنین برای استغراق است و آن به معنای سرپرستی و فرمانروایی همگانی برای تمام مؤمنان است».((2))

نیز در برخی منابع شیعی این چنین آمده است: امیر یعنی فرمانده و رهبر و آن کسی است که از جانب رسول الله منصوب شده باشد.((3))

دراین زمینه تأکید می شود که فرمانروایی امام در جامعه یکی از شئون سیاسی امام است و با نگرش به این شأن، امام کسی است که به

1-) الشافی، ج1، ص50.
2-) تاویل الایات، ص187.
3-) دائره المعارف تشیع، ج2، ص522.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عنوان امیر و فرمانروا، تدبیر و سیاست امت را بر عهده دارد و به تادیب مجرمان و تولیت ولایت و اقامه حدود و جنگ با دشمنان و بدخواهان امت می پردازد.((1))

اربلی در «کشف الغمه» می نگارد: دانشمندان امامیه اجماع دارد بر اینکه رسول خدا9 بارها علی علیه السلام را با لقب امیرالمؤمنین خطاب کرد که این خطابات یا مستقیم به واسطه وحی بود یا اگر در مواردی از جانب خود آن حضرت بود بازهم بر می گردد به وحی؛ زیرا آن حضرت چیزی نمی گفت مگر به واسطه وحی الاهی.((2))

بنابراین مسلم است که در مبنای اعتقادی و کلامی شیعی مشروعیت امارت و فرمانروایی امیر بعد از رسول خدا9 از جانب خداوند است که بر اساس تدبیر و مصلحت، خداوند علی بن ابی طالب علیه السلام را برای امارت و فرمانروایی امت اسلامی بعد از رسول خدا9 برگزید و این مبنا برگرفته شده از روایات فراوانی است که در آن تصریح شده است که امارت و فرمانروایی علی علیه السلام از جانب خداوند بوده است که به نمونه هایی از آن روایات اشاره می شود:

1-) حسن زاده آملی، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، ص43.
2-) کشف الغمه، ج1، ص340.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مشروعیت امارت امیرالمؤمنین در روایات

در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به امارت امیرالمؤمنین می توان به این اشاره کرد که یک دسته از این روایات جنبه ابلاغی و بیانی داشت که در گزینه پیشین نگارش یافت و در آنان رسول خدا9 بارها برای مردم امارت ایشان را بیان کرد و در این میان یک دسته روایات دیگری نقل شده است که با نگاه مبنایی بر مشروعیت امارت امیرالمؤمنین نقل شده و با صراحت تأکید بر این امر دارد که انتخاب ایشان به فرمانروایی از جانب خداوند بوده است که حتی در این زمینه شخص پیامبر هیچ گونه نقشی نداشته، بلکه تنها به عنوان واسطه میان خداوند و مردم وظیفه ابلاغ آن را، همانند دیگر دستورات خداوند، داشته است. اینک نمونه هایی از آن روایات:

در حدیث معراج از رسول خدا9 نقل شده است که خداوند در این سفر آسمانی من را مورد لطف خود قرار داد و فرمود:

«یا محمد فانصب اخاک علیا علما لعبادی لیهدیهم الی دینی یا محمد انی جعلت المؤمنین اخص عبادی و جعلت علیا الامیر علیهم فمن تامر علیه لعنته من و خالفه عذبته و من اطاعه قربته»((1))

ای محمد! برادرت علی را نشانه ای برای بندگانم قرار بده تا آنان را به سوی آئینم هدایت کند. ای محمد!

1-) محمد بن احمد قمی، ماه منقبه، ص50؛ مدینه المعاجز، بحرانی، ج2، ص402.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

من مؤمنان را بندگان ویژه خود قرار دادم و علی را فرمانروای آنان انتخاب کردم. پس کسی که بخواهد بر علی امارت نماید او را لعن کردم و کسی که او را مخالفت نماید عذابش می کنم و کسی که از علی فرمانبرداری کند نزدیکش گردانم.

نیز آن حضرت به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا علی! سماک الله فی سمائه علیا مرتضی و امیرالمؤمنین و الصدیق الاکبر و فاروق الاعظم و المامون و المهدی فلا تصح هذه الاسماء لاحد غیرک»؛((1))

«ملاحظه می شود در این حدیث چندین لقب آسمانی از جمله امیرالمؤمنین برای آن حضرت ذکر شده است.»

هم چنین در روایتی از جابر نقل شده است از امام باقر علیه السلام سؤال کردم:

«لم سمی امیرالمؤمنین قال الله سماه و هکذا انزل فی کتابه «وَاذْ اخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدم مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَاشْهَدَهُمْ عَلَی انْفُسِهِمْ الَسْتُ بِرَبِّکُمْ»((2)) و ان محمدا رسولی و ان علیا امیرالمؤمنین»؛((3))

چرا او (علی علیه السلام) را امیرالمؤمنین نامیدند؟ فرمود: خداوند او را نامیده؛ او این چنین در قرآن نازل

1-) الغیبه، طوسی، ص150؛ بحار الانوار، ج36، ص261.
2-) اعراف، 172.
3-) اصول کافی، ج2، ص172؛ الیقین، سید بن طاووس، ص284؛ الصراط المستقیم، ج2، ص55.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فرموده و چون از پشت و صلب فرزندان آدم ذریه آنان را بر گرفت و آنان را گواه بر خویشتن ساخت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم، محمد رسول من نیست و علی امیرالمؤمنین نیست؟

هم چنین از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود اگر جاهلان این امت می دانستند که چه کسی (یعنی خداوند) علی علیه السلام را امیرالمؤمنین نامیده، هرگز او را انکار نمی کردند و حال آنکه خداوند از فرزندان آدم پیمان گرفته بود بر امارت و فرمانروایی علی بن ابی طالب علیه السلام .((1))

هم چنین در روایت دیگری از رسول خدا9 نقل شده است که فرمود:

«اوحیی فی علی بن ابی طالب علیه السلام انه امیرالمؤمنین»؛((2))

به من وحی شده درباره علی بن ابی طالب علیه السلام که او امیر و فرمانروای مؤمنان است.

از ابن عباس نقل شده است: روزی علی علیه السلام به رسول خدا9 سلام کرد و گفت:

«السلام علیک یا رسول الله! پیامبر9 در جواب او فرمود: و علیک السلام یا امیرالمؤمنین! علی علیه السلام گفت یا رسول الله انت حیی و تسمینی امیرالمؤمنین؛

1-) تفسیر عیاشی، ج2، ص41؛ بحار الانوار، ج26، ص293؛ ینابیع الموده، ج2، ص279؛ تفسیر نور الثقلین، ج2، ص96.
2-) کتاب الولایه، ابن عقده کوفی، ص194.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شما در قید حیات مرا امیرالمؤمنین نامیدید؟

حضرت فرمود:

نعم انما سماک جبرئیل من عند الله و انا حیی؛

بله همانا جبرئیل از جانب خداوند تو را امیرالمؤمنین نامیده در حالی که من زندهام.»((1))

بنابر آنچه گزارش شد می توان به دست آورد که طبق این روایات، مشروعیت امارت امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب خداوند تایید شده است تا مردم با آگاهی بیشتر و انگیزه الاهی به امارت ایشان گردن نهند.

خبر از امیران ستم پیشه و گمراه گر

با دقت در روایات پیامبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره امرا و فرمانروایان پس از خود می توان به این واقعیت پی برد که ایشان نسبت به فرماندهان بعد از خود دغدغه خاطر فراوان داشته است. آن حضرت با اینکه با اصرار فراوان و بدون ابهام امارت علی بن ابی طالب علیه السلام را با استناد به تاییدات خداوند بیان کرده بود اما از جانب دیگر پیداست که ایشان با آن علم الاهی و زیرکی در فهم و با شناختی که از روحیه و کردار برخی اصحاب و یارانش داشت به خوبی دریافته بود که آنان پس از پایان عصر رسالت آن حضرت و فرارسیدن زمان فرمانروایی علی بن ابی طالب علیه السلام ، از در مخالفت و ستیزه جویی در آمده، هیچ گاه

1-) مناقب آل ابی طالب، ج3، ص66.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سر تسلیم در آستان فرمانروایی او فرو نخواهند آورد.

بر این اساس بود که آن حضرت در پیام الاهی دیگری پیش گویی ها و خبرهایی درباره وجود امیران ستم پیشه و بدکردار در جامعه اسلامی پس از خود داده است است و با بیان نشانه هایی از کردار ضد دینی آنان امت اسلامی را از گردن نهادن به فرمان آنان به شدت منع می کرد. وجود این گونه روایات در منابع حدیثی شیعه و سنی گواه روشنی از نگرانی های پیامبر9 در این زمینه است. ((1))

در روایتی از ابوذر نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«سیکون بعدی امرأ یمیتون الصلاه فصل الصلاه لوقتها»؛((2))

«زود است بعد از من امیرانی روی کار آیند که نماز را از بین ببرند و شما نماز را در اول وقت آن انجام دهید».

شارحان «صحیح مسلم» تصریح کرده اند که این حدیث در زمان امارت بنی امیه تحقق یافت؛ زیرا آنان در نماز اول وقت تغییراتی داده بودند. ((3))

هم چنین از ابو سعید خدری نقل شده است که پیامبر9 فرمود:

«ایها الناس سیکون بعدی أمرأ لا یستقیم لهم الملک الا بالقتل و

1-) برای اطلاعات بیشتر درباره ی این روایات به کتاب نگرانی های پیامبر9 از همین نویسنده مراجعه شود.
2-) شرح اصول کافی، ج5، ص284؛ صحیح مسلم، ج2، ص120.
3-) نووی، شرح مسلم، ج5، ص444؛ سیوطی، الدیباج علی مسلم، ج2، ص290.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

التجبر»؛((1))

«زود است بعد از من امیرانی روی کار آیند که قدرت و سلطنت آنان پایدار نگردد مگر با کشتار و ستم گری.»

هم چنین آن حضرت فرمود:

«سیکون من بعدی أمرأ یقتلون علی الملک بقتل بعضهم علیه بعضا»؛((2))

«به زودی پس از من فرمانروایانی روی کار آیند که بر سر قدرت با هم جنگیده و همدیگر را برای دست یابی به آن به قتل رسانند.»

نیز آن حضرت فرمود:

«سیکون بعدی أمرا فمن دخل علیهم فصدقهم بکذبهم و اعانهم علی ظلمهم فلیس منی و لست منه»؛((3))

«به زودی پس از من فرمانروایانی آیند، هر کس با آنان شریک شده و دروغ های آنان را تأیید کند و در ستمگری ها یاری شان کند پس او از من نبوده و من از او نیستم.»

در حدیثی از ابن عمر نقل شده است که رسول

1-) مستدرک الوسائل، ج11، ص284.
2-) مسند ابی یعلی، ج3، ص212؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج2، ص63.
3-) سنن ترمذی، ج3، ص358، مستدرک حاکم، ج1، ص79؛ الغدیر، ج8، ص290؛ مسند احمد، ج4، ص267.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خدا9 فرمود:

«سیکون بعدی علیکم امرا یامرونکم بما لا تفعلون»؛((1))

«به زودی بعد از من فرمانروایانی می آیند که شما را فرمان می دهند به آنچه خود انجام نمی دهند.»

از حذیفه نقل شده است که رسول خدا9 فرمود: بعد از من کسانی روی کار می آیند که

«قلوبهم قلوب الشیاطین فی اجساد الانس قلت کیف اضع ان ادرکنی ذالک قال تسمع و تطیع الامیر الاعظم»؛((2))

«قلب های آنان قلب شیاطین در بدن انسان است. گفتم یا رسول الله اگر آن زمان را درک کنم چه کنم؟ فرمود: گوش فرا ده و اطاعت کن از فرمانروای بزرگ.»

نیز از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که رسول خدا9 فرمود: پناه می برم به خدا از فرمانروای سفیهان. از رسول خدا9 سؤال شد مراد از امارت سفهاء چیست؟ فرمود:

«امرأ یکونون بعدی لا یهتدون و لا یستنون بسنتی»؛((3))

«فرمانروایانی که به راهی که من هدایت کردم هدایت نکردند و به سنت و روش من رفتار نمی کنند.»

1-) مجمع الزوائد، ج5، ص247.
2-) تحفه الاحوذی، ج6، ص444؛ المصنف، صنعانی، ج11، ص246.
3-) صحیح ابن حبان، ج1، ص372.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در روایت دیگری از رسول خدا9 نقل شده است که: «بعد از من فتنه به وجود می آید که نجات آن تنها در قبول ولایت و فرمانروای سید و بزرگ اوصیاست. از حضرت سؤال شد بزرگ اوصیا چه کسی است؟ حضرت فرمود: فرمانروای مؤمنان و برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام .»((1))

از ابوذر نقل شده است که رسول خدا9 به من فرمود:

«نعم الشی ء الاماره لمن اخذها بحقها و حلها و بئس الشی ء الاماره لمن اخذها بغیر حقها فتکون علیه حسره یوم القیامه»؛((2))

«فرمانروایی بهترین چیز برای کسی است که از راه حق و حلال به دست آورد آن را و بد چیزی است فرمانروایی برای کسی که از راه غیر حق به دست آورد پس در روز قیامت مایه حسرت او خواهد بود.»

سرانجام اینکه این روایات دلیلی است بر اینکه رسول خدا9 با ضمیر آگاهی که داشت به روشنی از وجود فرمانروایان ضلالت پیشه خبر داده و حجت را برای امت اسلامی تمام کرده بود تا با دوری گزیدن از فرمانروایان قدرت طلب که جز حفظ تداوم و اقتدار و حکمرانی شان اندیشه ای نداشتند راهی را انتخاب کنند که اقتدارگرایان مجال دست یابی به سرنوشت امت اسلامی را نیابند؛ اما با کمال تأسف تاریخ حوادث و تحولات پس از

1-) التحصین، سید بن طاووس، ص552؛ و همان الیقین، ص250.
2-) معجم کبیر طبرانی، ج5، ص127؛ کنز العمال، ج6، ص39.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

رسول خدا9، بر تلخ کامی ها و خودسری های فرمانروایان که بدون هیچ گونه ملاحظه به سرنوشت مردم حاکم شدند، گواهی می دهند و چنان وضعیت تاریک و آشفته را پیش آورده بودند که حذیفهٔ بن یمان در هنگام مرگ و احتضارش با حالت نگران و گرفته به سر می برد. اطرافیانش علت را جویا شدند؛ او با ناراحتی از کردار امیران عصر و دوره خود سخن به میان آورد و گفت: «خدایا پناه می برم به تو از ظلم و ستمی که فرمانروایان ما به وجود آوردند خدایا تو شاهدی که من آنان را در ستم گری شان یاری نرساندم» و در ادامه گفت: «رسول خدا9 به ما از این شر و ستمگری ها خبر داده بود.»((1))

نگاهی به جریان امارت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله

در این گزینه هدف بیان تمام جریانات سیاسی و تحولات اجتماعی پس از رحلت رسول خدا9 نیست؛ بلکه نگاهی گذرا به مواردی است که واژگان امیر وامارت پس از رحلت پیامبر9 در میان اصحاب آن حضرت استفاده شد.

در این زمینه با دقت در منابع تاریخی و تحلیل گفتار کسانی که در جست و خیز افتاده بودند تا قدرت را به دست آورند، می توان به این مطلب پی برد که آنان در استفاده از واژگان امیر و امارت و پسوند های ترکیبی آن بسیار زیرکانه و به گونه ای تدریجی استفاده کرده اند؛ زیرا با توجه به روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره امارت علی بن ابی طالب علیه السلام و معروف بودن

1-) کنز العمال، ج11، ص223.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آن حضرت به لقب امیرالمؤمنین انتظار این بود که ایشان پس از فقدان غم انگیز پیامبر9، فرمانروایی مؤمنان را که یکی از شئون اجرایی و تدبیر امور مردم بود به دست گیرد؛ اما در همان لحظات رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله کسانی در سقیفه بدون اتلاف وقت حضور به هم رسانیدند و در حقیقت کودتایی نرم را علیه حکومت و فرمانروایی آن حضرت به راه انداختند.

به نقل مورخان، شعار آغازین کودتاچیان، که برای پیروزی خود نیازمند برخی شعار ها و آموزه های سیاسی بودند، واژه «امیر» به معنای فرمانروایی بود و در آن رویارویی حساس که میان مهاجر و انصار به وجود آمده بود حباب بن منذر زمزمه مشارکت در فرمانروایی و قدرت را پیش کشیده، گفت: «ای گروه مهاجر! می دانید که سیره رسول خدا9 این بود که هرگاه یکی از شما مهاجران را به مقامی می گمارید یکی از ما انصار را نیز همراه او می گماشت حال که در نبود آن حضرت کار به اینجا رسید به نظر من، منا امیر و منکم امیر، فرمانروایی از شما و فرمانروایی از ما انتخاب شود.»((1))

در همان لحظه طرح مشارکت حباب با شدت از طرف عمر رد شد و گفت محال است دو حکومت و فرمانروایی در یک زمان دوام یابد.((2))

انتخاب واژه «امیر» به عنوان فرمانروا نشان دهنده این مطلب است که سقیفه نشینان با توجه به مفهوم ذهنی که (همان فرمانروایی بود) از این واژه داشتند، می خواستند این مطلب را القا

1-) الکامل فی التاریخ، ج2، ص223؛، ریاض النظره فی مناقب العشره، ج2، ص204؛ طبقات کبری، ج3، ص183.
2-) الکامل فی التاریخ، ج2، ص329.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کنند که همان گونه که در زمان رسول خدا9 کسی به عنوان امیر الجیش و امیر القوم و امیر الحاج منصوب شده و به امورات نظامی و قومی و حجاج رسیدگی میکرد، الآن در نبود رسول خدا9 چنین امیری که با فرامین خود نظم امت اسلامی را سامان بخشد، نیاز است و در نتیجه آنان درسقیفه تنها به دنبال تعیین امیر و فرمانده بودند.((1))

در حقیقت آنان وظیفه فرمانروایی و پیشوایی بعد از پیامبر9 را تنها به همان اعمال قدرت و تدبیر امور اجتماعی و سیاسی می دانستند و از واژه منا امیر و منکم امیر به وسیله ی حباب انصاری به دست می آید که انصار می خواستند قدرت در شهرشان را در دست بگیرند و گمان می کردند که مهاجران پس از رسول خدا9 دلیل موجهی برای ماندن در مدینه ندارند و اگر کسانی بمانند حکومت و فرمانروایی انصار را خواهند پذیرفت.((2))

پس از جریان سقیفه نیز واژه امیر به تنهایی برای فرماندهان جنگ استفاده می شد که در این میان کاربرد این واژه به اسامهؓ بن زید که به وسیله ی رسول خدا9 به فرماندهی جنگ انتخاب شده بود معروف و مشهور بود.

حتی عمر بن خطاب هر گاه اسامه را می دید می گفت: السلام علیک ایها الامیر و اسامه با او تعارف می نمود که شخصیتی مثل شما به من امیر می گوید! عمر در جواب او می گفت:

لا ازال ادعوک ما عشت ایها الامیر مات رسول الله و انت علیّ امیر؛

تا وقتی که زنده ام به توامیر

1-) عمده القاری، ج16، ص184.
2-). مادلونگ، جانشین حضرت محمد، ص51

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می گویم زیرا هنگامی که رسول خدا9 از دنیا رفت تو بر من امیر بودی. ((1))

گرچه معروف این است که استفاده از واژه مرکب امیرالمؤمنین از زمان عمر پایه ریزی شد((2)) اما از برخی منابع به دست می آید که ابوبکر به تحریک عمر، قنفذ را به درب خانه امیرالمؤمنین علیه السلام فرستاد تا حاضر شود با ابوبکر بیعت کند و ابوبکر به قنفذ گفت به علی بگو اجب امیرالمؤمنین و بنا به نقلی گفت اِنّ امیرالمؤمنین یدعوک. وقتی قنفذ این پیام را به آن حضرت رساند علی علیه السلام فرمود: سبحان الله او (ابوبکر) چیزی را ادعا کرده که برای خودش نیست.((3)) پس از آن در هیچ گزارشی نقل نشده است که برای ابوبکر در دوران حکمرانی اش واژه ی مرکب امیرالمؤمنین را به کار برده باشند.

از واژه امیر به تنهایی فراوان استفاده شده است. به نقل ابن ابی الحدید معتزلی روزی دو نفر به نام های عیینهٔ بن حصن و اقرع بن حابس نزد ابوبکر رفتند و از او تقاضا کردند مقداری زمین به آنان ببخشد و ابوبکر درخواست آنان را اجرا کرد و نامه ای نوشت و عده ای را شاهد گرفت و آن دو نزد عمر رفتند تا او هم نامه را امضا کند و عمر آن نامه را پاره کرد و آن دو نزد ابوبکر رفتند و گفتند: والله ما ندری انت امیر

1-) کنز العمال، ج13، ص270.
2-) بعداً در این باره اشاره خواهد شد.
3-) الامامه و السیاسه، ص11؛ تاریخ طبری، ج2، ص232.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ام عمر؛ ما نمی دانیم تو فرمانروا هستی یا عمر. ابوبکر گفت: عمر هر چه بخواهد انجام می دهد.((1))

این گزارش نشان می دهد که در عرف مردمان آن روز ابوبکر به عنوان امیر و فرمانروا مطرح بوده است.

هدف از نگارش این گزارش ها این بود که در زمان خلافت ابوبکر استفاده از واژگان ترکیبی امیرالمؤمنین برای حکومت گران رسم نشده بود که شاید این مسئله به دلیل ملاحظه کاری های سیاسی بوده است؛ زیرا در آن زمان که فاصله چندانی با زمان رسول خدا9 نداشت، افرادی بودند که به خوبی به یاد داشتند که این واژه ترکیبی تنها برای علی بن ابی طالب علیه السلام به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به کار رفته است و اطرافیان حکومت نو پای ابوبکر به لحاظ سیاسی مناسب نمی دیدند که این واژگان را برای کس دیگری به کارگرفته، مردم را به یاد سخنان پیامبر9 و جایگاه علی علیه السلام اندازد اما واژه امیر مطلق با پسوندی مانند امیر الجیش وامیر الحاج چون جنبه و محدوده خاص داشتند که چه در عصر پیامبر9 و چه بعد از ایشان به تناسب مقام هر فرد به کار می رفت؛ لذا برای کسی حساسیت بر انگیز نبود.

در زمینه استفاده از واژه «امیر» تنها ابوبکر در نامه خود به اسامهؓ بن زید نگاشت که مردم مرا به امارت خود برگزیده اند و پس از آن در ملاقات رو در رویی که میان اسامه و

1-) شرح نهج البلاغه، ج12، ص59.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ابوبکر انجام گرفت، ابوبکر واژه امیر را برای اسامه به کار برد و گفت: السلام علیک ایها الامیر؛((1)) این موارد نشان دهنده این است که واژه مؤمنین گویا خط قرمز در زمان خلافت ابوبکر بوده است که او به لحاظ سیاسی وارد آن نمی شد.

هم چنین ابوبکر در نامه نگاری های خود هیچ گاه از واژه امیرالمؤمنین استفاده نکرد بلکه می نوشت من خلیفهٔ رسول الله. اما در زمان خلافت عمر واژه امیرالمؤمنین در عنوان نامه رسم شد.((2))

بسیار جالب است که ابوبکر در نخستین سخنرانی خود نیز از حکومت خود تعبیر به امارت می کرد و می گفت: «من امارت و فرمانروایی شما را به دست گرفتم در حالی که بهتر از شما نیستم و هیچ گاه من به فکر امارت شما نبودم و خدا چنین خواست.» در این جمله قابل توجه این است که مسئله خلافت و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اندیشه ابوبکر چیزی جز همانند فرماندهی نظامی و فرمانروایی و سرپرستی حاجیان بیشتر نبوده است که در حقیقت نقطه اصلی جدایی ابوبکر و پیروانش با اندیشه علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیانش از همین جا آغاز می شود؛ زیرا علی علیه السلام و پیروانش فرمانروایی را جزئی از پیشوایی و رهبری الاهی می دانند.

سرانجام اینکه راهبرد خلفا در استفاده از واژه امیر از همان لحظات حضور در سقیفه و

1-) احتجاج، طبرسی، ص106.
2-) کنز العمال، ج5، ص597؛ الکامل فی التاریخ، ج2، ص331؛ تاریخ طبری، ج2، ص245.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دست یابی به قدرت و فرمانروایی آغاز گردید؛ اما استفاده از واژه امیرالمؤمنین بسیار با احتیاط و به صورت پلکانی انجام شد که مناسب است مطالب موجود در منابع تاریخی در این زمینه استفاده شود.

رهیافتی بر کاربرد واژگان امیرالمؤمنین در عصر خلفا

همان گونه که پیش از این نگارش یافت در زمان ابوبکر هیچ گاه از واژه امیرالمؤمنین به لحاظ ملاحظات سیاسی به عنوان یک شعار و ابزار تبلیغاتی استفاده نشد، اما بعد از روی کار آمدن خلیفه دوم این واژگان ترکیبی وارد حوزه فرهنگی مسلمانان شد و عمر برای نخستین بار از مفهوم معنوی این واژه به عنوان خوراک تبلیغاتی خود استفاده می کرد و به گونه ای رسمی خود را امیرالمؤمنین نامید و در عنوان نامه های خود از آن استفاده می کرد و بدین وسیله می خواست پیوند هایی میان امارت خود و مؤمنان ایجاد کند.

اصل این مسئله میان مورخان مورد اتفاق است که عمر نخستین کسی بود که در زمان پس از رسول خدا9 خود را امیرالمؤمنین خواند.

در برخی منابع آمده است:

امیرالمؤمنین هو لقب خلفا المسلمین و اول من تلقب به عمر بن

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

خطاب؛((1))

امیرالمؤمنین لقب خلفای مسلمانان است و نخستین کسی که این لقب را برگزید عمر بن خطاب بود.

و نیز در این زمینه نقل شده است:

و امیرالمؤمنین لقب عمر و من خلفه من الخلفا و لا ینبغی خلطه بامیر المسلمین فانه لیس من القاب الخلفا بل هو لقب للرابطین؛((2))

و امیرالمؤمنین لقب عمر و خلفای پس از او بود و سزاوار نیست که امیرالمؤمنین را با امیر مسلمانان خلط کرد زیرا امیر مسلمانان لقبی برای خلفا نیست بلکه لقب کارگزاران آنان است و نخستین کسی که لقب امیرالمؤمنین گرفت عمر بود و بعد میراثی شد برای دیگر خلفا.

در منابع اهل سنت نیز تصریح شده است بر اینکه

کان عمر اول من سمی امیرالمؤمنین؛((3))

عمر نخستین فردی بود که امیرالمؤمنین نامیده شد.

1-) دائره المعارف القرن العشرین، ج1، ص570.
2-) دائره المعارف بستانی، ج4، ص411.
3-) الاذکار النوویه، ص361؛ مجمع الزوائد، ج5، ص199.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در برخی منابع شیعی نیز آمده است که عنوان امیرالمؤمنین از زمان عمر به بعد برای خلفا باب شد.((1))

در اینکه چه کسی این لقب را به عمر داده بود میان مورخان اختلاف است. غزالی می گوید: خود عمر این لقب را برای خود برگزید. او در این زمینه میگوید:

اول من دعی بأمیرالمؤمنین عمر بن خطاب فقال یاایها المؤمنین سمونی امیرا فانی امیرکم؛((2))

نخستین فردی که امیرالمؤمنین خوانده شد عمر بن خطاب بود و او خطاب به مردم گفت: ای مؤمنان! مرا امیر نام گذارید زیرا من فرمانده شمایم.

بنا به نقلی این لقب به وسیله ی حاشیه نشینان حکومت و ثناگویان درباری برای عمر انتخاب شد که در این میان نام عبدالله بن جحش، عمرو بن عاص و مغیرهٔ بن شعبه ذکر شده است که آنان این لقب را برای خلیفه انتخاب کردند.((3))

سیوطی در این زمینه می نگارد: عمر در ابتدای خلافت خود در نامه هایش می نوشت: من خلیفهٔ رسول الله تا اینکه لبید بن ربیعه و عدی بن حاتم از عراق به مدینه آمدند و در مسجد نزد عمرو بن

1-) دائره المعارف تشیع، ج2، ص522.
2-) موسوعه مصطلحات امام غزالی، ص108.
3-) دائره المعارف القرن العشرین، ج1، ص571.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عاص رفتند و به او گفتند استاذن لنا امیرالمؤمنین و عمر بن عاص این جمله را پسندید و نزد عمر بن خطاب رفت و بر او این گونه سلام نمود: السلام علیک یا امیرالمؤمنین و این واژگان چنان برای عمر غیر منتظره بود که گفت: هدف تو از این اسم برای من چیست؟ عمرو بن عاص برای او توضیح داد و عمر پس از آن این لقب را پسندید و در آغاز نامه هایش این چنین می نگاشت: من امیرالمؤمنین.((1))

ابن خلدون جریان انتخاب لقب امیرالمؤمنین برای عمر را چنین گزارش کرده است: وقتی خلافت به عمر رسید مردم او را خلیفهٔ خلیفهٔ الرسول می گفتند و کاربرد این لقب به دلیل طولانی بودنش برای آنان سنگین بود و تصمیم گرفتند که لقب مناسب دیگری را جایگزین آن کنند و از آنجا که اعراب پیش از آن به فرماندهان لشکر امیر می گفتند لذا بعضی اصحاب لقب امیرالمؤمنین را برای عمر انتخاب نمودند و گفته شده نخستین کسی که عمر را امیرالمؤمنین خطاب کرد عبدالله بن جحش بود و بعضی گویند عمرو بن عاص و مغیرهٔ بن شعبه این لقب را برای او برگزیدند. پس از آن بود که این لقب برای عمر در میان مردم مشهور شد و به خلفای بعد از عمر نیز این لقب داده شد.((2))

به هر حال این مسلم است که این لقب نخستین بار بعد از رسول خدا9 برای عمر انتخاب شد که بنا به اندیشه شیعی این لقب مخصوص

1-) تاریخ الخلفا، ص138.
2-) مقدمه ابن خلدون، ص240.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بود و حتی بنا به برخی گزارش ها، خود عمر نیز بر این مطلب باور داشت که این لقب مال علی است. بنا به نقلی در یکی از مسافرت های عمر و عباس عموی پیامبر9 کسی نزد عمر آمد و گفت:

یا امیرالمؤمنین فسمعه عباس فقال انا احق به منک فقال له عمر احق به والله منی و منک رجل خلفناه بالأمسی فی المدینه یعنی علیا؛((1))

وقتی عباس شنید که آن مرد به عمر گفت ای امیر مؤمنان! عباس به عمر گفت: من از تو سزاوارترم به امارت مؤمنان. در آن هنگام عمر در جواب عباس گفت: قسم به خدا در امارت بر مؤمنان سزاوارتر از من و تو آن کسی است که دیروز در مدینه پشت سر گذاشتیم یعنی علی.

به هر حال پس از انتخاب لقب امیرالمؤمنین برای عمر، خلفای بعد از او و حتی در مواردی امرا و والیان محلی جرات پیدا کردند و این لقب را برای خود انتخاب نمودند.

اما انتخاب لقب امیرالمؤمنین به وسیله ی عمر بر خلاف اندیشه تیزبین برخی افراد مانند سلمان بود، لذا او در یکی از نامه هایش از مدائن در دوران خلافت عمر به او می نگارد:

لو کانت هذه الامه من الله خائفین و لقول نبی الله متّبعین و بالحق

1-) الصراط المستقیم، ج2، ص56.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عاملین ما سموک امیرالمؤمنین؛((1))

اگر امت اسلامی از خدا هراسناک می بود و از سخنان پیامبر خدا پیروی می کردند و بر حق عمل می کردند تو را امیرالمؤمنین نام نمی نهادند.

ما در اینجا به همین مقدار از شواهد بسنده می کنیم و لازم است به مطلب دیگری اشاره شود که دفاع از علی بن ابی طالب علیه السلام و برخی از صحابه از واژگان امیرالمؤمنین است.

احتجاج علی علیه السلام و یارانش با واژگان امیرالمؤمنین

همان گونه که درباره جریان امارت و فرمانروایی امت اسلامی اشاره شد، واژگان امیرالمؤمنین بارها توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای حضرت علی علیه السلام به کار رفته بود و تصریح شده بود که این لقب برای ایشان از جانب خداوند انتخاب شده است؛ اما پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعضی اصحاب و یاران آن حضرت از قبول آن سر برتافته، در ابتدا اصل امارت را و پس از آن به تدریج این لقب را برای خود برگزیدند؛ اما درعین حال کاربرد لقب امیرالمؤمنین از نظر اعتقادی و تاریخی در شأن حضرت علی علیه السلام چنان روشن و بدون ابهام بود که به نقل مورخان و محدثان در دوران خانه نشینی علی بن ابی طالب علیه السلام هم خود آن حضرت و هم معتقدان به امارت ایشان بارها با واژگان امیرالمؤمنین به حقانیت پیشوایی و امارت او استدلال و از این

1-) احتجاج طبرسی، ص160؛ الیقین سید بن طاووس ص30

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

طریق مظلومیت ایشان را اثبات می کردند و امارت دیگران را بر خلاف دستور پیامبر9 میدانستند.

در این زمینه توجه به این نکته بسیار دارای اهمیت است که آنچه به این احتجاج ها وجه قانونی و پایداری می داد این بود که طبق گزارش ها بسیاری از صحابه در زمان رسول خدا9 و به دستور مستقیم آن حضرت با حضرت علی علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین بیعت کرده بودند که در این میان نام ابوبکر، عمر، عثمان، ابوذر، سلمان، مقداد و... با صراحت ذکر شده است.((1))

تحقیق درباره افراد بیعت کننده به خوبی نشان می دهد که آنان پس از رحلت رسول خدا9 در دو جبهه ناهمگون و مخالف هم قرار گرفته، برخی بیعت را شکستند و بعضی ثابت ماندند و مهم این است که این بیعت با امیرالمؤمنین در حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله طبیعی بود که به ابزاری علیه بیعت شکنان تبدیل شود و از همان آغاز امارت و فرمانروایی ابوبکر احتجاج ها آغاز شده و از واژه امیرالمؤمنین علیه او استفاده کردند.

در یکی از احتجاجات امیرالمؤمنین آمده است: هنگامی که ابوبکر کسی را به در خانه علی علیه السلام فرستاد و به او گفت به علی بگو اجب امیرالمؤمنین؛ وقتی این خبر را به علی علیه السلام رساندند حضرت فرمود: چه زود بعد از رسول خدا9 پیمان را شکستید.

و انه لیعلم ان هذا الاسم لا یصلح الالی و قد امره رسول الله سابع

1-) الهدایه الکبری، حصیبی، ص102؛ ارشاد مفید، ج1، ص176؛ المسترشید طبری «شیعی»، ص583؛ امالی مفید، ص18؛ الیقین، سید بن طاووس، ص285.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سبعه فسلمو علیً بامره المؤمنین؛((1))

«او (ابوبکر) به خوبی می داند که جز من کس دیگری صلاحیت ندارد که نام امیرالمؤمنین را بر خودش گذارد و حال آنکه ابوبکر هفتمین نفری بود که به امر پیامبر9 با من به عنوان امیرالمؤمنین سلام کرد.»

هم چنین آن حضرت بعد از مرگ عمر در جمع شورایی که تشکیل شده بود احتجاج های فراوانی برای سزاوار بودن خود در امر خلافت کرد از جمله به همین واژگان اشاره کرد و فرمود:

هل فیکم احد قال له رسول الله... یا انس فانه امیرالمؤمنین و سید المسلمین... قالوا لا؛((2))

آیا میان شما کسی هست که رسول خدا9 درباره او گفته باشد ای انس او (علی) فرمانروای مؤمنان و بزرگ مسلمانان است؟ همگی گفتند: نه.

گرچه احتجاج های علی بن ابی طالب علیه السلام با واژه امیرالمؤمنین فراوان است اما ما به همین دو گزارش تاریخی به عنوان شاهد بسنده می کنیم و به این مطلب اشاره می شود که در کنار ایشان کسانی دیگر از پیروان و متابعت کنندگان از روایات پیامبر9 بودند که همانند آن حضرت با

1-) احتجاج طبرسی، ص101.
2-) همان، ص170.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

این واژگان بارها احتجاج کردند و در برخی منابع آمده است که حتی خود ابوبکر نتوانست روایات پیامبر9 را انکار کند، بلکه روزی نزد علی علیه السلام آمد و اقرار کرد:

و قد سلمت علیک عهد رسول الله بامره المؤمنین؛((1))

من در زمان رسول خدا9 به تو با عنوان امیرالمؤمنین سلام کردم.

در عین حال امارت چنان ابوبکر را جذب کرده بود که او در عمل همه چیز را نادیده می گرفت و امارت امت اسلامی را به دست گرفت و علی علیه السلام را خانه نشین کرد که حتی احتجاج های روشنگرانه علی و یارانش بر او تاثیری نگذاشت که مناسب است به شواهد برخی احتجاجات یاران علی اشاره شود:

بریده اسلمی به ابوبکر خطاب کرد:

یا ابابکر انسیت ام تناسیت ام خدعتک نفسک ام سولت لک الاباطیل او ام تذکر ما امرنا به رسول الله من تسمیه علی بامره المؤمنین و النبی بین اظهرنا؛((2))

ای ابوبکر! آیا فراموش کردی یا خود را به فراموشی انداختی یا هوای نفس فریبت داده یا اینکه باطل در منظرت جلوه کرده؟ آیا به یاد نمی آوری آن چه را که رسول خدا9 به ما امر کرد

1-) بصائر الدرجات، ص299.
2-) خصال صدوق، ص464؛ الیقین، سید بن طاووس، ص453.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

که علی علیه السلام را امیرالمؤمنین نام گذاریم و حال آنکه رسول خدا9 در آنجا حضور داشت.

هم چنین در احتجاج مقداد با ابوبکر آمده است که گفت: ای ابوبکر! سلامت دین و دنیای تو در این است که دست از خلافت برداشته؛ بر اهلش بسپاری.

و قد علمت و ایقنت ان علی بن ابی طالب علیه السلام صاحب هذا الامر؛

تو به یقین می دانی که صاحب امارت و فرمانروایی علی بن ابی طالب علیه السلام است.

هم چنین پس از ایشان عمار یاسر، ابی بن کعب، خزیمهٔ بن ثابت، ابوالهیثم بن تیهان، سهل بن حنیف، عثمان بن حنیف و ابو ایوب انصاری با اشاره به احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله که علی علیه السلام را امیرالمؤمنین معرفی کرده بود، چنان عرصه را برای ابوبکر تنگ کرده بودند که بنا به روایت امام صادق علیه السلام او در برابر استدلال آنان گفت:

ولیتکم و لست بخیرکم اقیلونی

امارت شما را به دست گرفتم در حالی که من از شما بهتر نیستم؛ رهایم کنید اما باز هم به دلیل اسرار اطرافیان از امارت کناره گیری نکرد.((1))

1-) احتجاج طبرسی، 94 تا 97؛ خصال صدوق، ص228 تا 234. نام این افراد متعرض نسبت به امارت ابوبکر: شرح نهج البلاغه، ج2، ص132.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بنابراین امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش در زمان خانه نشینی آن حضرت با استفاده از سابقه کاربردی واژگان امیرالمؤمنین و پیوند با عصر رسالت احتجاج هایی داشته است.

گرچه این گونه احتجاج ها نتوانست حق از دست رفته آن حضرت را باز گرداند، اما در عین حال می توان به این اثر ارزشمند آن اشاره کرد که از جهت فرهنگی و عقیدتی عده ای را هرچند از روی تقیه و پنهان گری معتقد به حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام نگه دارد و این مسئله چنان برای ثابت نگه داشتن شیعیان ارزشمند بود که حتی دشمنان علی علیه السلام در روش های مبارزاتی خود علیه آن حضرت یکی از راهکارهایی که انتخاب کرده بودند حذف لقب امیرالمؤمنین از آن حضرت بود. چنان چه درباره خوارج که بدترین دشمنان علی علیه السلام بودند آمده است که آنان تمام سعی شان بر این بود که لقب امیرالمؤمنین را از ایشان بردارند.((1))

هم چنین در داستان حکمیت یاران علی علیه السلام اصرار داشتند که در عنوان صلح نامه از ایشان به نام امیرالمؤمنین یاد شود و طرف مقابل اصرار داشتند که درعنوان نامه نام ایشان «علی» نهاده شود نه امیرالمؤمنین و سرانجام یاران علی علیه السلام از اصرار خود عقب نشینی کردند و نام حضرت را در عنوان نامه قرار دادند.((2))

این گزارش ها شاهدی بر این است که از جهت اعتقادی و فرهنگی زنده بودن لقب امیرالمؤمنین

1-) وقعه الصفین، ص489؛ ینابیع المودت، ج2، ص13.
2-) تاریخ یعقوبی، ج2، ص189.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برای علی بن ابی طالب علیه السلام برای دشمنان ایشان حساسیت آور و برای دوستان و پیروان آن حضرت به عنوان سند حقانیت بوده است که حتی بنا به برخی گزارش ها تا هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام زنده بود کسی به معاویه امیرالمؤمنین نمی گفت بلکه تنها امیر خطاب می کردند.((1))

هم چنین درباره دفاع امام حسن مجتبی علیه السلام از لقب امیرالمؤمنین آمده است که او در صلح نامه ای که با معاویه امضا کرد با او شرط گذاشته بود الا یسمیه امیرالمؤمنین؛((2)) معاویه خود را در جامعه اسلامی امیرالمؤمنین معرفی نکند.

دراینجا به همین مقدار نسبت به واژگان امیر و امارت بسنده می کنیم و بر این نکته تأکید می شود که مفهوم واژه امیر و امارت و نیز مفهوم واژگان ترکیبی امیرالمؤمنین در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام بنا به اندیشه اعتقادی و کلامی شیعه، یکی از رهیافت های روشن و صریح برای اثبات امامت و پیشوایی آن حضرت است.

به نقل ابن جوزی و دیگران روزی سعد بن وقاص در دوران حکومت معاویه بر او وارد شد و گفت:

السلام ایها الملک فقال معاویه یا ابا اسحاق ما یضرک لو قلت یا امیرالمؤمنین؛

درود بر تو ای پادشاه! معاویه گفت: ای ابا اسحاق چه ضرری می دیدی اگر امیرالمؤمنین می گفتی؟ سعد گفت: قسم به خدا هیچ گاه تو را امیرالمؤمنین نمی گویم.((3))

1-) شرح الاخبار، نعمان بن محمد تمیمی، ج1، ص406.
2-) علل الشرایع، صدوق، ج1، ص215.
3-) تذکره الخواص، ص46؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج2، ص263.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فصل هشتم: واژگان وزیر و وزارت

اشاره

ص: 573

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واژگان وزیر و وزارت و ارتباط آن با داستان هدایت گری پیامبران از امور مسلم و پذیرفته شده هم در قرآن و هم در روایات و هم مورد پذیرش خردمندان است؛ زیرا در قرآن داستان حضرت موسی و وزارت برادرش هارون از مطالب بسیار روشن و صریح است که روایات نیز با تفصیل بیشتر آن را تأکید کرده است و در کنار این داستان قرآنی، عقل و خرد نیز وجود وزیر و همکار برای پیامبران را در اجرای اوامر و نواهی خداوند لازم و ضروری می دانند.

درک این ضرورت اجتماعی تا حدودی از بدیهیات است چون ترویج ادیان آسمانی در اساس و اصول اولیه خود بناست با تبلیغ و ارشاد به جلو حرکت کند نه با جنگ و معجزه و تجربه های تاریخی از برخورد های امت ها در خنثی سازی تبلیغات پیامبران گواهی بر این است که آنان همیشه در هنگام تبلیغ دین با آشوب طلبان و مخالفان بسیار جدی و در گستره وسیع روبه رو بوده اند.

از این رو وجود یاران دلسوز و همکار در رویارویی با دشمنان در امر تبلیغ دین و در مواردی حمایت و دفاع از جان پیامبران ضرورت داشته است که در مفاهیم قرآنی و عرفی از چنین

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فردی به نام وزیر یاد شده است که ما در این نوشتار سعی داریم داستان وزارت پیامبران پیشین و پیامبر خاتم9 را بررسی کرده، نشان دهیم که با نگرش دقیق به رویکرد دینی و ضرورت های اجتماعی وجود وزیر برای پیامبران انکارناپذیر بوده و این مسئله در شکل اجرایی خود ارتباط تنگاتنگی با مسئله امامت و پیشوایی نیز دارد که با موضوع این اثر هماهنگ است.

مفهوم وزیر و وزارت در لغت

درمفهوم شناسی وزیر درمنابع لغوی غالبا اشاره دارد بر این مطلب که وزیر یعنی مشاور، همکار و کسی که از جهت کاربردی بخشی از وظایف اجرایی رئیس کل را به عهده گرفته و از جانب او امور سیاسی، دینی و اجتماعی مردم را اداره می کند.

برای واژه وزیر سه منشأ و اصل ذکر شده است که هر سه با مفهوم همکاری و واسطه بودن وزیر میان رئیس و مردم به عنوان یک شاخه اجرایی تناسب دارد.

شهاب الدین نویری درباره ماده اشتقاق وزیر می نگارد: درباره ماده اشتقاق وزیر سه منشأ ذکر شده است:

احدهما انه مشتق من الوزر و هو الثقل لانه یحمل عن الملک اثقاله؛

یکی اینکه وزیر از وزر به معنای سنگینی مشتق شده چون وزیر سنگینی ها را از جانب پادشاه بر عهده می گیرد.

الثانی انه مشتق من الازر و هو الظهر کان الملک یقوی بوزیر کقوه

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

البدن بظهره؛

دوم اینکه وزیر از ازر به معنای ظهر مشتق شده چون به واسطه وزیر پادشاه تقویت و پشتیبانی می شود مانند تقویت بدن به واسطه پشت (ستون فقرات).

الثالث انه مشتق من الوزر و هو المجاء و منه قوله تعالی کلا لا وزر ای لا ملجا کان الملک یلجا الی وزیره و معونته؛

سوم اینکه وزیر از وزر به معنای پناه گاه مشتق شده باشد که از همین باب است آیه مبارکه کلا لا وزر (هر گز پناهی نیست) چون پادشاه پناه می برد به سوی وزیر و همکاری های او.((1))

و در منابع لغوی آمده است:

الوزیر الذی یستوزره الملک فیستعین برایه و حالته؛((2))

وزیر کسی است که پادشاه از او طلب یاری می کند و پس از آن وزیر با رأی و کردار خود او (پادشاه) را یاری می رساند.

هم چنین درباره معنای وزیر آمده است: وزیر به معنی کمک و یار است که مقداری از وظایف بالا دست خویش را حمل می کند.((3))

1-) نهایه الارب فی فنون الادب، ج6، ص93.
2-) کتاب العین، ج7، ص381.
3-) قاموس قرآن، ج7، ص207.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مؤلف التحقیق نیز با اشاره به ماده اشتقاق وزیر، آن را به معنای عهده گیری بخشی از کارهای رئیس گرفته است که در اثر هم فکری و عقیدتی میان رئیس و وزیر به دست می آید.((1))

مفهوم واژه وزارت برگرفته شده از مفهوم وزیر و در حقیقت شأن اجرایی وزیر می باشد؛ لذا در برخی منابع آمده است:

الوزاره بالکسر ولایه؛((2))

وزارت با کسر واو به معنای ولایت و سرپرستی است.

مؤلف «العین» گوید: وزارت یعنی وسیله و شأنی که از وزیر جدا نشده و با آن کمک رساند به پادشاه.((3))

در «لسان العرب» وزارت به معنای تدبیر امور آمده است.((4))

در برخی منابع آمده است:

الوزرات قطب الامور الذی علیه مدارها و الیه ایرادها و عنه اصدارها؛((5))

وزرات یعنی آن محور که کارها در اطراف آن محور چرخیده و از آن صادر شده و بر آن باز می گردد.

بنابراین مفهوم تلفیقی واژگان وزیر و وزارت در کنار هم به معنای شأن اجرایی وزیر در امور

1-) التحقیق فی کلمات القرآن، ج13، ص94.
2-) التحقیق، ج13 ص93.
3-) العین، ج7، ص381.
4-) لسان العرب، ج5، ص283.
5-) صبح الاعشی فی صناعه الانشا، ج6، ص103.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مردم می باشد که پادشاه و سلطان آن را به عهده کسی گذاشته و وزیر، بالادست خود را در اجرای کارها یاری رساند.

مفهوم اصطلاحی واژگان وزیر و وزرات

در اصطلاح شناسی این واژگان این واقعیت را می توان به دست آورد که در اصطلاح مسلمانان مفهوم وزیر و وزرات با حفظ همان مفهوم لغوی خود به کار رفته و آن به معنای سیاست گذاری در امور اجتماعی و اداره امور دینی و دنیایی مردم می باشد که در حقیقت این مفاهیم به گونه ای روشن در قرآن کریم به همان معنا آمده و هم چنین در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز این واژگان به همان معنای قرآنی به وسیله ی پیامبر9 مطرح گردید.((1))

بر این اساس در اصطلاح دانشمندان اسلامی و عرف عامه مسلمانان نیز این واژگان همواره به همان معنا استعمال شده و با رویکرد به ضرورت وزیر برای هر حاکم و حکومت، وزیر را به عنوان معاون و همکار سلطان و دومین فرد در هرم قدرت گرفته است.

ابن خلدون در این باره می نگارد: «وزیر کسی است که کارهای سنگین حاکم و سلطان را به عهده گرفته، اوامر بالا دست خود را اجرا می کند و از جانب دیگر وزیر وظیفه دارد تا از حقوق مردم و شأن وزیر دفاع کند و هم چنین از جانب دیگر سلطان باید در تمام امور و مشاوره های حکومتی

1-) واژه وزیر دو بار در قرآن آمده است که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وزیر را بر دیگران مقدم دارد.»((1))

و در بعضی منابع آمده است:

الوزیر سفیر بین الامرا و الرعیه و اذا کذب السفیر بطل التدبیر و الریاسه؛ ((2))

وزیر سفیر میان فرمانروایان و رعیت است و هر گاه سفیر دروغ گوید اداره مردم و ریاست باطل می شود.

در برخی منابع دیگر گوید: وزیر کسی است که منصبی را به عهده می گیرد

فهو سائس و مسوس یقوم بسیاسته و رعیه و ینقاد لطاعه لسلطانه؛

پس وزیر به سیاست گذاری مردم می پردازد و بر فرمانبرداری از سلطان گردن می نهند و او کسی است که شریک در پادشاهی و تدبیر کننده در آن به نگهداری پایه های بزرگ و بنیاد آن و نیز تدبیر کننده ارکان آن با سخن و عمل است.((3))

هم چنین در تعریف وزیر آمده است: وزیر کسی است که از جهت دینی و عقلانی مورد اطمینان حاکم قرار دارد و حاکم در تمام کارهای خود از او مشاوره و کمک می طلبد.((4))

برخی دانشنامه نویسان در این باره می نگارند: وزیر کسی است که در امور مملکتی تدبیر کند و بار مسئولیت سلطان را به نیابت

1-) مقدمه ابن خلدون، ص250 به بعد.
2-) مفید العلوم و مبید الهموم، ص438.
3-) تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج5، ص491.
4-) علی بن محمد خزاعی، تخریج الدلالات سمعیه، ص52.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از او به دوش کشد.((1))

مفهوم وزارت برگرفته شده از مفهوم وزیر و در حقیقت شأن اجرایی وزیر تعریف شده است. ابن خلدون می گوید:

الوزاره و هی ام الخطط السلطانیه و الرتب الملوکیه لان اسمها یدل علی مطلق الاعانه؛((2))

وزارت اساس نهاد پادشاهی و مرتبه حکمرانی است؛ زیرا نام آن هرگونه یاری رسانی را می رساند.

هم چنین در تعریف وزارت آمده است:

الوزاره هی الاماره و التواضع فی الریاسه احدی شبائک السیاسه؛((3))

وزارت یعنی فرمانروایی و فروتنی در ریاست و یکی از کانال های سیاست گذاری است.

نیز در تعریف وزیر آمده است: جایگاه و موقعیت وزارت مانند جایگاه و موقعیت آن است که با آن هرگونه صافی ها و ناصافی ها را دیده و فساد ها را اصلاح می کند.((4))

به هر حال از آنچه تاکنون درباره مفهوم واژگان وزیر و وزارت نگارش یافت، به این نتیجه دست یافتیم که این واژگان در لغت و اصطلاح تفاوت ماهوی نداشته و به معنای کاربردی برای فردی گفته می شود که میان او و کسی که از

1-) بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن، ج2، ص2306.
2-) مقدمه ابن خلدون، ص249.
3-) مفید العلوم و مبید الهموم، ص438..
4-) المستطرق، ص103.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

او در مرتبه بالاتری قرار داد تفاهم فکری، عقیدتی و سیاسی به وجود آمده و وزیر به عنوان واسطه میان مردم و رئیس، کارهای دینی و دنیایی مردم را رسیدگی می کند.

در این میان مهم این است که مفهوم این واژگان را در قرآن و سنت و جایگاه آن را در اسلام مورد واکاوی قرار دهیم تا معلوم شود که آیا اساساً پیامبران الاهی نیز در اجرای فرامین خداوند وزیر داشته اند یا خیر که به این مطلب در گزینه های بعدی خواهیم پرداخت.

وزیر و وزارت در قرآن

در قرآن کریم وزیر دو بار آمده است و در هر دو بار با رویکرد خاص در ارتباط با رسالت حضرت موسی در مبارزه با فرعون و دعوت او به سوی خدا پرستی مطرح شده است. در سوره مبارکه طه آمده است: پس از آنکه موسی از جانب خداوند مأموریت یافت

«اذْهَبْ الَی فِرْعَوْنَ انَّهُ طَغَی»؛((1))

«به سوی فرعون برو زیرا (در برابر خدا) سرکشی کرده است.»

پس از آن مأموریت، موسی با احساس نیاز به امر مبارزه با طغیان گر و سرکشی مانند فرعون و قومش از خداوند درخواست هایی کرد مانند دارا شدن قدرت و توان تحمل و شرح صدر، آسانی در کار و باز شدن گره از گفتار برای تفهیم بهتر((2)) یکی از در خواست های دیگری که تناسب با

1-) طه، 24.
2-) قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی - وَیَسِّرْ لِی امْرِی َ واحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِی - یَفْقَهُوا قَوْلِی.طه، 25 تا 28.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

این بحث دارد درخواست وزیر به وسیله ی حضرت موسی است که می گوید:

وَاجْعَلْ لِی وَزِیرًا مِنْ اهْلِی هَارُونَ اخِی؛((1))

«از خانواده ام دستیاری برای من قرار ده، برادرم هارون را.»

با دقت در زمان درخواست وزارت به وسیله ی حضرت موسی و تحلیل کاربردی آن می توان به این نتیجه دست یافت که پیامبران الاهی در تبلیغ فرمان های خداوند، علاوه بر امتیازات شخصی و برتری های فردی به برخی عوامل بیرونی نیز نیاز دارند تا در رویارویی با طاغیان سرکش آنان را یاری رساند که طبق درخواست حضرت موسی یکی از مهم ترین آن عوامل، وجود وزیر و همکار است.

در حقیقت گستردگی امر رسالت و هدایت مردم با افکار گوناگون کار ساده و آسانی نیست که یک فرد به تنهایی بتواند آن را انجام دهد؛ بلکه وجود وزیر هم فکر و آشنا به اهداف هدایت گرانه پیامبران، یکی از نیاز های طبیعی و عقلانی است تا در کنار پیامبران دلسوزانه و با آگاهی، دین خدا را تبلیغ و برای حفظ جان او فداکاری و ایثار کنند. بر این اساس است که پس از درخواست تعیین وزیر به وسیله ی حضرت موسی خداوند این درخواست طبیعی و عقلانی حضرت موسی را اجابت کرده، می فرماید:

«قَالَ قَدْ اوتِیتَ سُؤْلَکَ یَا مُوسَی»؛((2))

1-) طه، 29 و 30.
2-) طه، 36.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«ای موسی! به یقین خواسته ات به تو عطا شد.»

و در سوره فرقان بدون ابهامی می گوید: من هارون را به عنوان وزیر موسی قرار دادم.

«وَلَقَدْ اتَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ اخَاهُ هَارُونَ وَزِیرًا»؛((1))

«به راستی به موسی کتاب دادیم و برادرش هارون را همراه او دستیار و کمک قرار دادیم.»

جالب است که خداوند در سوره طه پس از آنکه به موسی می گوید من خواسته تو را برآورده کردم و برادرت هارون را وزیر تو انتخاب کردم:

«وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَیْکَ مَرَّةً اخْرَی اذْ اوْحَیْنَا الَی امِّکَ مَا یُوحَی ان اقْذِفِیهِ فِی التَّابُوتِ فَاقْذِفِیهِ فِی الْیَمِّ فَلْیُلْقِهِ الْیَمُّ بِالسَّاحِلِ یَاخُذْهُ عَدُوٌّ لِی وَعَدُوٌّ لَهُ وَالْقَیْتُ عَلَیْکَ مَحَبَّةً مِنِّی وَلِتُصْنَعَ عَلَی عَیْنِی اذْ تَمْشِی اخْتُکَ فَتَقُولُ هَلْ ادُلُّکُمْ عَلَی مَنْ یَکْفُلُهُ فَرَجَعْنَاکَ الَی امِّکَ کَیْ تَقَرَّ عَیْنُهَا وَلا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّیْنَاکَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاکَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِینَ فِی اهْلِ مَدْیَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَی قَدَرٍ یَا مُوسَی وَاصْطَنَعْتُکَ لِنَفْسِی»؛((2))

جریان زندگی حضرت موسی و سابقه او را در دربار فرعون و خطرات آن دوران و عنایات خداوند را به آن حضرت بیان می کند و پس از آن دوباره به موسی مأموریت می دهد تا با فرعون مبارزه را آغاز کند اما این دفعه طرف خطاب با دفعه قبل فرق کرده زیرا قبلاً خطاب تنها به حضرت موسی بود؛

1-) فرقان، 35.
2-) طه، 37 تا 41.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«اذْهَبْ الَی فِرْعَوْنَ انَّهُ طَغَی»؛((1))

اما دراین مأموریت جدید طرف خطاب دو نفر شده است:

«اذْهَبْ انْتَ وَاخُوکَ بِایَاتِی وَلا تَنِیَا فِی ذِکْرِی اذْهَبَا الَی فِرْعَوْنَ انَّهُ طَغَی»؛ ((2))

«تو و برادرت با معجزات من (برای هدایت گمراهان) بروید و درباره ذکر من (ابلاغ وحی) سستی نورزید.»

سرانجام اینکه درخواست وزیر برای همکاری در امر تبلیغ دین به وسیله ی حضرت موسی و پس از آن موافقت خداوند با این درخواست نمایانگر این واقعیت است که وجود وزیر به عنوان همکار در امر نبوت و رسالت نه تنها مانع ندارد، بلکه یک امر مورد پذیرش خداوند و عقلانی و از ضروریات امور اجتماعی است که هیچ گونه ناسازگاری با اصل نبوت و رسالت ندارد که در حقیقت اصل مبنای وزارت و مشروعیت بخش آن در قرآن مورد تأیید قرار گرفته است و در این میان مهم این است که محدوده کاری و کاربردی وزیر با مبانی دینی مورد ارزیابی قرار گرفته و روشن گردد.

1-) طه، 24.
2-) طه، 42 و 43.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برای تبیین بهتر و روشن کردن محدوده کاربرد وزارت هارون در کنار موسی یا هر وزیر دیگری که با مبانی دینی در کنار پیامبران الاهی و با

تأیید خداوند انتخاب شده است، بیش از همه توجه به این مطلب ضرورت دارد که اهداف پیامبران الاهی در گستره بسیار وسیع و دارای بنیان های دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که پیامبران وظیفه دارند در هر یک از آن بنیان ها، اصلاحاتی را به وجود آوردند و انحرافات را نابود سازند.

بر این اساس، گستردگی امر رسالت از جهت اجرایی کاری دشوار می باشد که یک نفر به تنهایی نمی تواند به آن سامان دهد؛ پس ناگزیر وزیری لازم دارد تا در امر رسالت با او شرکت جسته و بعضی جوانب آن را اداره کند.

از این رو تعیین محدوده کاربردی و اساس بناهای همکاری وزیر در کنار پیامبر9، چنان مهم و تأثیر گذار است که در داستان وزارت هارون برای حضرت موسی این مطلب با صراحت بیان شده، می فرماید:

«اشْدُدْ بِهِ ازْرِی وَاشْرِکْهُ فِی امْرِی»؛((1))

«پشتم را به او محکم گردان و او را در کارم شریک گردان.»

با توجه به ظاهر این آیات است مفسران شیعه و سنی در تفسیر این آیات می نگارند: درخواست وزارت هارون به وسیله ی حضرت موسی برای معاونت و شرکت در امر تبلیغ رسالت بوده است.

بنابراین وقتی موسی از خداوند درخواست می کند که برادرش هارون را برای او وزیر قرار دهد با آیات «اشْدُدْ

بِهِ ازْرِی وَاشْرِکْهُ فِی امْرِی» جایگاه همکاری او را نیز تعیین فرموده که در

1-) طه، 31 و 32.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

امر رسالت با او شرکت جسته و بعضی جوانب آن را اداره کند و این شرکت دادن غیر از شرکت دادن مبلغان در اشاعه دین بعد از تمامیت دین به وسیله پیامبر9 است بلکه اینجا شرکت دادن ویژه ای است که هارون در اصل تبلیغ دین شریک است که از همان روز نخست با موسی همراه بوده و این شرکت مخصوص بود که موسی کس دیگر غیر از هارون را نمی توانست شریک کند و هارون هم نمی توانست بر خلاف آن رفتار کند و این شرکت در گرفتن وحی نبود، چون موسی از آن ترسی نداشت؛ بلکه ترس موسی از تنهایی در امر تبلیغ بود، لذا هارون وزیر و شریک در آن شد. ((1))

شیخ طوسی در تفسیر این آیات می گوید: مراد از وزیر این است که هارون سنگینی های کار موسی را به دوش گرفته، در کارهای تبلیغ رسالت یاور او باشد؛ زیرا در آیه، شرکت در امر مطرح شده است:

و الاشراک فی الامر ای جمع بین شیئین و قد اشرکا الله بین موسی و هارون فی النبوه قوی به اذره کما دعاه؛((2))

شرکت در امری یعنی به هم آوردن میان دو چیز و خداوند در امر نبوت موسی و هارون را شریک گردانید و پشت موسی را با هارون محکم کرد آن گونه که او درخواست کرده بود.

قرطبی در این باره می گوید: مراد از درخواست موسی

1-) المیزان، ج14، ص203 تا 204.
2-) التبیان، ج7، ص171.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

طلب الاعانه لتبلیغ الرساله؛((1))

درخواست کمک برای تبلیغ رسالت بود.

در تفسیر بغوی آمده است:

کان هارون اربعه سنین اکبر من موسی و اشرکه فی امری یعنی النبوه و تبلیغ الرساله؛((2))

هارون چهار سال از موسی بزرگ تر بود و مراد از آیه قرآن شرکت در نبوت و تبلیغ رسالت بود.

در تفسیر «کشاف» این چنین آمده است: مراد از شرکت دادن هارون در امر رسالت این بود که خداوند به وسیله ی هارون، او (موسی) را تقویت کند تا در کارهای رسالت و بندگی خداوند و زنده نگه داشتن یاد و نام خداوند همکاری کند.((3))

در برخی منابع تفسیری اهل سنت در تحلیل وزارت و ارتباط آن با رسالت آمده است:

والوزارت لا تنافی النبوه فقد کان فی زمان الواحد انبیاء یوازر بعضهم بعضاً؛((4))

وزارت منافات با نبوت ندارد؛ زیرا گاهی در یک زمان پیامبرانی بوده اند که همدیگر را یاری می کردند.

سرانجام اینکه محدوده کارآمدی وزارت هارون

1-) الجامع لاحکام القرآن، ج11، ص175.
2-) تفسیر بغوی، معالم التنزیل، ج3، ص216.
3-) الکشاف، ج3، ص63.
4-) تفسیر بحر المحیط، ج6، ص457؛ الکشاف، ج3، ص285.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برای حضرت موسی مطلبی روشن و بدون ابهام است که در تبلیغ آموزه های دینی و هدایت مردم با حضرت موسی همکاری داشته است و این مطلب، یعنی همکاری همه جانبه هارون با موسی در تبلیغ دین و مبارزه با فرعون و قومش، در آیه 42 تا 50 سوره طه به گونه ای روشن بیان شده است که مطالعه آن برای هدف شناسی وزیر پیامبران ضروری و روشن گر هرگونه ابهام و بیان کننده اهمیت کار وزیر است.

پیوستگی میان وزارت علی علیه السلام و هارون

پس از طرح وزارت هارون برای حضرت موسی در قرآن و صراحت این مطلب، اکنون مناسب است نگاهی تطبیقی میان وزیر حضرت موسی و وزیر پیامبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیندازیم و داستان وزارت هارون و مبانی آن را در اسلام پی گیریم. بهترین و مطمئن ترین راه در این زمینه روایاتی موجود در منابع شیعه و سنی می باشند که در پیوست داستان وزارت هارون، داستان وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام را مطرح کرده است.

این پیوستگی در بعضی روایات چنان دقیق و روشن نقل شده است که با همان آیاتی که حضرت موسی درخواست خود را مطرح کرده بود رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز همان آیات را قرائت و پس از آن وزارت علی علیه السلام را از پیشگاه خداوند درخواست کرده است.

در روایتی از اسماء بنت عمیس نقل شده است که روزی رسول خدا9 فرمود:

«اللهم انی اسئلک ما سالک اخی موسی ان تشرح لی صدری و ان

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

تیسر لی امری و ان تحلل عقده من لسانی یفقهو قولی و ان تجعل لی وزیرا من اهلی علیا اخی اشدد به ازری و اشرکه فی امری کی نسبحک و نذکر کثیرا و کنت بنا بصیرا»؛((1))

«بارخدایا من از تو درخواست می کنم آنچه را که برادرم موسی از تو درخواست کرد. درخواست کرد اینکه سینه ام را گشاده گردان و کارم را آسان و گره از زبانم باز نما تا سخنانم را تفهیم نمایم و برایم از خاندانم، برادرم علی را همکارم قرار بده و پشتم را با او محکم کن و او را در کارم شریک گردان تا تو را تسبیح بسیار کنم و فراوان به یادت باشیم بی تردید تو به ما بینایی.»

در روایات دیگری از ام سلمه آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خدا درخواست کرد:

اللهم انی اقول کما قال اخی موسی اجعل لی وزیرا من اهلی علیا اخی اشدد به ازری و اشرکه فی امری؛((2))

1-) البرهان فی تفسیر القرآن، ج5، ص170؛ الدر المنثور، ج5، ص566؛ تذکره الخواص، ص49.
2-) نهج الحق و کشف الصدق، ص229؛ ریاض النظره، ج2، ص163؛ الطرائف، سید بن طاووس، ص133.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«برایم همکاری از خاندانم، برادرم علی را قرار بده و پشتم را به او محکم کن و او را شریک در کارم گردان.»

در حدیث دیگری از ابوذر نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در پیشگاه خداوند عرض کرد:

«اللهم اشرح لی صدری و یسر لی امری و اجعل لی وزیرا من اهلی علیا اشدد به ظهری قال ابوذر فوالله ما استتم الکلام حتی ننزل جبرئیل فقال یا محمد اقرا انما ولیکم الله و رسوله و المؤمنون الاقوله و هم راکعون»؛ ((1))

«خدایا سینه ام را گشاده گردان و کارم را آسان نما و برایم از خاندانم، برادرم علی را همکارم قرار بده و پشتم را به او محکم کن. ابوذر گوید: تا هنوز گفتار رسول خدا9 پایان نیافته بود که آیه انما ولیکم نازل شد که سرپرست شما خدا و رسول و مؤمنان است.»

آنچه تاکنون از درخواست های رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره وزارت علی بن ابی طالب علیه السلام نگارش یافت رهیافتی بود بر اینکه پیوستگی گسست ناپذیری

1-) مجمع البحرین، ج4، ص555؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی، ص40.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

میان وزارت علی علیه السلام و هارون وجود دارد؛ زیرا همان گونه که موسی ضرورت وزارت هارون را احساس کرد و از خداوند درخواست نمود، رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز با قرائت همان آیات وزارت علی علیه السلام را درخواست کرد.

نگاهی به پیوند ها و اشتراکات وزارت علی علیه السلام و هارون

اشاره

با نگاهی تطبیقانه به درخواست وزارت به وسیله ی دو پیامبر الاهی، حضرت موسی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله، می توان به پیوندهایی مبنایی و اعتقادی در میان این دو جریان از آیات قرآن و روایات به دست آورد که بررسی دقیق و تطبیقی آن پیوندها و سپس تحلیل تاریخی و اجرای آن در عصر رسالت و زمان بعد از آن می تواند راهکاری برای حل بسیاری از اختلافات و دوگانه اندیشی امت اسلامی باشد؛ زیرا همه دانشمندان اسلامی این معنا را پذیرفته اند وزیر توسط آن دو پیامبر درخواست شده اند به عنوان یک مرجع در امور دینی و دنیایی و همکار پیامبر می باشد.

بر این اساس مناسب است به برخی پیوند ها و اشتراکات مهم که میان وزارت هارون و علی علیه السلام وجود دارد پرداخته شود:

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

الف - اشتراک در مبانی انتخاب و مشروعیت الاهی

نخستین و مهم ترین پیوند و اشتراک میان وزارت حضرت هارون و امیرالمؤمنین علیه السلام ، مسئله انتصابی بودن وزیر از جانب خداوند است نه انتخابی و مقبولیت مردمی بودن آن.

بهترین گواه در این زمینه، مبانی مشترک هر دو پیامبر الاهی حضرت موسی و پیامبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در هر دو جریان پس از احساس ضرورت وجود وزیر و همکار به وسیله ی آن سفیران وحی، در ابتدا شاید موجه و طبیعی به نظر آید که آنان مانند هر سیاست مدار و حاکم دیگر به این قضیه بر مبنای عرفی و اجتماعی نگریسته، کسی را با صلاح دید خود و یا در نهایت با مشورت اطرافیان به عنوان وزیر انتخاب می کردند اما با شواهدی از قرآن و روایات که در دو گزینه پیشین نگارش یافت، می توان به این مطلب مهم دست یافت که آن دو پیامبر الاهی در داستان انتخاب وزیر از همان آغاز مبنا و اندیشه آسمانی داشته اند و به همین دلیل است که هر دو پیش از هرگونه اقدام چشم به آسمان دوخته و از خداوند درخواست تعیین وزیر را کرده اند؛ زیرا گفتن جمله ی:

«وَاجْعَلْ لِی وَزِیرًا مِنْ اهْلِی»؛((1))

از خانواده ام همکاری برایم قرار ده؛

به وسیله ی حضرت موسی روشن ترین گواه است بر اینکه حضرت موسی انتخاب وزیر را از دسترس

1-) طه، 29.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مردم و خود دور دانسته و تنها آن را از جانب خداوند می دانسته و هم چنین آیه مبارکه

«وَاخِی هَارُونُ هُوَ افْصَحُ مِنِّی لِسَانًا فَارْسِلْهُ مَعِیَ رِدْءًا یُصَدِّقُنِی انِّی اخَافُ ان یُکَذِّبُونِ»؛((1))

«و برادرم هارون زبانش از من گویاتر است پس او را همراه من بفرست که یاور و دستیارم باشد تا مرا تصدیق کند زیرا می ترسم فرعونیان تکذیبم کنند.»

و پس از این درخواستِ حضرت موسی، خداوند این درخواست را اجابت نموده، می فرماید:

«قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِاخِیکَ وَنَجْعَلُ لَکُمَا سُلْطَانًا»؛((2))

«(خدا) گفت به زودی قدرت و نیرویت را به وسیله برادرت هارون افزون کنم و برای هر دوی شما قدرت و برتری قرار دهم.»

خداوند به حضرت موسی همکار قرار دادن هارون برای آن حضرت را وعده داد که این مسئله گویای این است که خداوند درخواست موسی را قبول کرده و این اندیشه او را که تعیین وزیر تنها از جانب خداوند است تأیید کرده است و به این دلیل است که در آیه دیگر می گوید: این انتخاب وزیر از جانب خداوند اجرا شد:

«وَجَعَلْنَا مَعَهُ اخَاهُ هَارُونَ وَزِیرًا»؛((3))

«و برادرش هارون را یاور او قرار

1-) قصص، 34.
2-) قصص، 35.
3-) فرقان، 35.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دادیم.»

با دقت در مجموع این آیات به ویژگی واژگان جعل به معنای قرار دادن، که دو بار به کار رفته به روشنی می توان به این اندیشه پی برد که حضرت موسی بدون هیچ گونه تردید، انتخاب وزیر را از جانب خدا می دانسته است و خداوند هم با نسبت دادن جعل وزارت هارون به خودش اشاره به تأیید این مطلب و اجرای آن دارد.

اما درباره داستان وزارت امیرالمؤمنین نیز همان گونه که در گزینه پیشین اشاره شد، رسول خدا9 با قرائت همان آیات که از زبان حضرت موسی نقل شد درخواست خود برای تعیین وزیر از جانب خداوند را مطرح کرد.

در این زمینه روایات فراوانی در منابع شیعه و سنی نقل شده است که آن حضرت می فرمود: تمام پیامبران وزیرانی از خاندانشان داشتهاند که آنان همگی از جانب خداوند نصب می شدند:

ان الله لم یبعث نبیا الاّو جعل له من اهله اخا و وزیرا؛((1))

«خداوند هرگز پیامبری را برنگزید مگر اینکه برای او برادر و همکار از خاندانش قرار داد. بر این اساس درباره وزارت علی علیه السلام در روایات فراوان از آن حضرت نقل شده است که می گوید خداوند او را به عنوان وزیر برایم برگزید.»

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که رسول خدا9

1-) بحار الانوار، ج18، ص178؛ تاریخ بغداد، ج42، ص49. در تاریخ بغداد به جای نبیاً رسولاً آمده است.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در جمعی از یاران خود خطبه ایراد کرد، در حمله ای فرمود:

ان الله نظر الی اهل الارض نظره فاختارنی منهم ثم نظر ثانیه فاختار علیا اخی و وزیری فی امتی؛((1))

خداوند یک نگاه به اهل زمین کرد پس مرا از میان آنان برگزید پس از آن برای بار دوم نگاهی کرد و علی را برادر و همکارم در امتم برگزید.

در روایت دیگری نقل شده است که رسول خدا9 به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: یا علی در سفری که به معراج داشتم در چهار جایگاه نام تو را همراه نام خودم یافتم و به آن انس گرفته بودم که نظر افکنم و در ادامه فرمود:

انی لما بلغت بیت المقدس فی معراجی الی السماء وجدت علی السخره مکتوبا لا اله الا الله محمدا رسول الله ایدته بوزیره و نصرته بوزیره فقلت لجبرئیل من وزیری قال علی بن ابی طالب علیه السلام فلما انتهیت الی صدره المنتهی وجدت مکتوبا علیها انی لا اله الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره فلما جاوزت السدره انتهیت الی عرش رب العالمین فوجدت مکتوبا علی قوامه انا الله لا اله الا انا وحدی محمد حبیبی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره فلما رفعت رأسی وجدت علی بطنان العرش مکتوبا انا الله لا

1-) بحار الانوار، ج23، ص320؛ معجم الرجال، آقای خویی، ج9، ص163.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اله الا انا وحدی محمد عبدی و رسولی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره؛((1))

چون در سفر معراج خود، به بیت المقدس رسیدم دیدم بر صخره آن نوشته شده خدایی نیست جز خدای یکتا محمد9 رسول خداست که او را به واسطه وزیرش تأیید و یاری کردم به جبرئیل گفتم وزیر من کیست؟ گفت علی بن ابی طالب علیه السلام . چون به سدرهٔ المنتهی رسیدم دیدم آنجا نوشته من خدایم خدایی جز من نیست و محمد9 برگزیده من از میان خلق من است او را به وسیله وزیرش تأیید نمودم چون از سدرهٔ المنتهی گذشتم و به عرش پروردگار جهانیان رسیدم دیدم بر پایه های آن نوشته: من خدایم خدایی جزمن نیست من یگانه ام محمد9 دوست من است او را به وسیله وزیرش تأیید و یاری رساندم چون سربلند کردم دیدم در بلندای عرش نوشته شده من خدایم خدایی جزمن نیست من یگانه ام محمد9 بنده و فرستاده من است او را به وسیله وزیرش تأیید و یاری نمودم.

1-) خصال صدوق، ج1، ص196؛ ینابیع الموده، ج2، ص300؛ تفسیر نور الثقلین، ج5، ص134.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بنابراین وزارت علی علیه السلام نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله با وزارت هارون نسبت به حضرت موسی در یک نظام هماهنگ ومبانی مشترک بوده است و گزینش وزیران آن پیامبران الاهی، نه به اختیار خود آنان بوده است و نه با آرا و گزینش مردم، بلکه به دلیل حساس بودن وظیفه وزیران در کنار پیامبران در تبلیغ امر دین، این مسئله تنها مربوط به خداوند بوده است که، کسی را با ویژگی های خاص به عنوان وزیر و همکار پیامبر معرفی نماید، چنانچه از داستان وزارت هارون در قرآن و وزارت امیرالمؤمنین در روایات شکل اجرایی این مطلب به گونه ای روشن و بدون هیچ گونه ابهامی به دست آمد که این هماهنگی نشان دهنده پیوند ناگسستنی میان امر رسالت و وزارت در نظام دینی و ادیان آسمانی است که در جهت پیشرفت و نفوذ بهتر دین و هدایت انسان ها خداوند همواره مطمئن ترین افراد را در کنار پیامبرانش به عنوان وزیر و معاون انتخاب می کرد تا دعوت پیامبران با اطمینان بیشتر ادامه یابد.

ب - اشتراک در اهداف اجرایی

ماهیت وزیر و اهداف وزارت در فرهنگ دینی، دارای مفهوم ویژه ای است که وزیر در کنار پیامبر، به تدبیر امور و یاری رساندن در تبلیغ دین وظیفه دارد و در حقیقت وزارت از جهت اهداف شناسی ادامه دهنده و تداوم بخش رسالت است تا هم در زمان حضور رسول و هم در نبود ایشان بستر هدایت مردم را بدون هیچ گونه خطا و اشتباهی آماده کند؛ چنانچه با دقت در مفاهیم لغوی، اصطلاحی، قرآنی و نیز روایات

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

می توان به این مطلب به خوبی دست یافت و در این میان قرآن که از مطمئن ترین آموزه ها است، درباره اهداف وزارت می گوید:

«اشْدُدْ بِهِ ازْرِی وَاشْرِکْهُ فِی امْرِی کَیْ نُسَبِّحَکَ کَثِیرًا»؛((1))

« (با وزیر قرار دادن برادرم هارون) پشتم را محکم کن و در امر رسالت شریکم ساز تا تو را تسبیح بسیار گوییم.»

بنابراین پشتیبانی پیامبر و شرکت در امر رسالت و نیز ترویج و تسبیح و یاد خداوند از اهداف وزارت هارون معرفی شده است و هم چنین در برخی روایات که قبلاً گذشت، عین همین اهداف به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر شده است. ((2))

هم چنین در روایات فراوان دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله با ایجاد پیوند کاربردی میان وزارت هارون و امیرالمؤمنین علیه السلام ، اهداف مشترک وزارت آنان را بیان کرده است که با توجه به مبانی اعتقادی و آموزه های صریح قرآنی درباره اهداف هارون، اهمیت و گستره اهداف وزارت را می توان به دست آورد و در این میان حدیث مشهور منزلت که در منابع معتبر حدیثی شیعه و سنی نقل شده است یکی از صریح ترین روایات در شناخت اشتراک در اهداف وزارت هارون و امیرالمؤمنین علیه السلام است.

نکته مهم در حدیث منزلت این است که رسول خدا9 در موقعیت های مختلف و فراوان این حدیث

1-) طه، 31 تا 33.
2-) البرهان، ج5، ص170؛ الدر المنثور، ج5، ص566؛ نهج الحق، ص229؛، تذکره الخواص، ص49؛ ریاض النظره، ج2، ص163.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را گفته است که به مواردی اشاره می شود:

در روایت مشهور نقل شده است که در جریان جنگ تبوک که رسول خدا9 به امیرالمؤمنین علیه السلام دستور داد در مدینه بماند و خود حضرت همراه لشکریان به سوی جبهه حرکت کرد. در همان زمان طعنه های منافقان و آزار شکننده آنان بر امیرالمؤمنین علیه السلام آغاز شد که پیامبر9 علی علیه السلام را در کنار زن و بچه ها گذاشته و خود و یارانش به جهاد رفته اند. شنیدن این سخنان علی را دلتنگ کرد و به دنبال رسول اکرم صلی الله علیه و آله حرکت کرد و هنگامی که به آن حضرت برخورد، طعنه آزار دهنده منافقان را با آن حضرت در میان گذاشت و پس از آن رسول خدا9 فرمود:

«یا علی اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی»؛((1))

«یا علی! آیا نمی پسندی که نسبت به من به منزله هارون به موسی باشی مگر اینکه بعد از من پیامبری نیست؟»

و در حدیث دیگر از ام سلمه نقل شده است که رسول خدا9 فرمود:

«ان علیا لحمه لحمی و دمه دمی و هو منی بمنزله هارون من

1-) علل الشرایع، صدوق، ص137؛ امالی طوسی، ج1، ص49؛ صحیح مسلم، ج2، ص360؛ مستدرک الصحیحین، ج3، ص324؛ خصائص امیرالمؤمنین، نسائی، ص48؛ صحیح ترمذی، ج5، ص301؛ الاصابه، ج2، ص509؛ ریاض النظره، ج2، ص247.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

موسی»؛((1))

«همانا گوشت و خون علی از گوشت و خون من است و او نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی است.»

در حدیث دیگری درباره حلال بودن مسجد برای علی آن گونه که برای رسول خدا9 حلال است نقل شده است که آن حضرت فرمود: یا علی! برای تو حلال است در مسجد آنچه برای من حلال است و در ادامه فرمود:

«انک منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی»؛((2))

«تو نسبت به من بمنزله هارون نسبت به موسی می باشی مگر اینکه پیامبری بعد از من نیست.»

هم چنین در جریان حدیث ایجاد برادری میان مهاجران در مرحله نخست و نیز میان مهاجران و انصار در مرحله دوم، آمده است که رسول خدا9 پس از ایجاد برادری میان اصحاب و تأخیر انداختن در گزینش برادر برای امیرالمؤمنین علیه السلام ، و اظهار دلتنگی وی، به او فرمود:

«والذی نفسی بیده ما اخرتک الا لنفسی و انت منی بمنزله هارون من موسی»؛((3))

«قسم به آن خدایی که جانم در دست اوست تو را به تأخیر نینداختم مگر

1-) کنز العمال، ج11، ص607.
2-) علل الشرایع، ص202؛ کفایه الطالب، ص250.
3-) بحار الانوار، ج38، ص330؛ سیره حلیبی، ج2، ص120؛ الغدیر، ج3، ص115؛ تذکره الخواص، ص23؛ فصول المهمه، ابن صباغ، ص38.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

برای خودم و تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی.»

و نیز در جریان نزاع امیرالمؤمنین علیه السلام و زید و جعفر در جریان نگه داری از دختر حمزه بعد از شهادت آن حضرت، رسول خدا9 نگه داری دختر حمزه را به عهده جعفر گذاشت، چون خاله آن دختر همسر جعفر بود و به علی فرمود:

«یا علی انت منی بمنزله هارون من موسی»((1))

هم چنین از ابن عباس این چنین نقل شده است: روزی عده ای نشسته بودیم که سخن از علی علیه السلام به میان آمد و عمر که در آن جمع حضور داشت گفت: دست از علی بردارید زیرا من از رسول خدا9 سه فضیلت برای علی شنیدم که اگر یکی برای من می بود دوست داشتنی تر بود از آنچه بر آن خورشید می تابد و در ادامه گفت: روزی من و ابوبکر و ابوعبیده و عده ای دیگر نزد پیامبر9 بودیم. آن حضرت در حالی که به علی علیه السلام تکیه داده بود فرمود:

«انت یا علی اول المؤمنین ایمانا و اولهم اسلاما ثم قال انت منی بمنزلَه هارون من موسی و کذب علیَّ من زعم انّه یحبنی و یبغضک»؛((2))

«تو یا علی سر آمد مؤمنان از جهت ایمان و نخستین اسلام آورنده هستی.

1-) خصائص نسائی، ص77.
2-) کنز العمال، ج10، ص108 و ج13 ص122، کشف الیقین علامه حلّی ص39، نفحات الازهار ج18 ص396.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پس از آن فرمود: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی و دروغ گفته است کسی که می گوید من را دوست می دارد در حالی که به تو کینه می ورزد.»

سرانجام اینکه دانشمندان شیعه وسنی حدیث منزلت را نقل کرده و نسبت به دلالت این حدیث، که همان وظایف حضرت هارون برای امیرالمؤمنین ثابت می شود، نیز همه اتفاق دارند؛ تنها نکته ای که اینجا میان دانشمندان شیعه و سنی مورد اختلاف واقع شده، درباره بقای وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از رسول خدا9 و اثبات خلافت و امامت آن حضرت است که شیعه می گوید دلالت دارد و اهل سنت آن را منکر شده و می گویند دلالت بر این دارد که علی علیه السلام تنها در جریان جنگ تبوک همانند هارون وظیفه داشت به امور مردم رسیدگی کند آن گونه که هارون در دوره رفتن موسی به سوی کوه طور جانشین موسی بود.((1))

در جواب این شبهه، دانشمندان شیعی استدلال کرده اند که مفاد حدیث منزلت، عام است و نمی توان آن را به یک مورد اختصاص داد. علاوه بر آن حدیث منزلت آن گونه که ذکر شد اختصاص به جریان جنگ تبوک ندارد، بلکه در موقعیت های گوناگون پیامبر9 آن را ذکر کرده است.((2))

در اینجا به تناسب بحث شناخت اهداف مشترک

1-) مطالب السئول، ص89؛ فصول المهمه، ابن صباغ، ص44؛ شرح مواقف، ج8، ص363؛ شرح مقاصد، ج5، ص272.
2-) برای تفصیل بیشتر رک المراجعات، ص273؛ نفخات الازهار، ج17 و 18.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

وزارت هارون و به همین مقدار امیرالمؤمنین بسنده می کنیم و تأکید می شود که حدیث منزلت غیر از نبوت که مربوط به دریافت وحی است، در باقی اهداف تبلیغی و هدایتگری پیامبر9 امیرالمؤمنین علیه السلام ، را به عنوان شریک و همکار آن حضرت معرفی کرده است.

پیشینه شناسی اعلام وزارت علی در روایات

با نگاه جریان شناختی به منابع حدیثی و تاریخی شیعه و سنی، جریان اعلام وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارای پیشینه تاریخی بسیار روشن و یکی از مسائلی است که از جهت زمانی، پیامبر آن را هم زمان با رسالت خود اعلام کرده است. چنان چه با بررسی روایات رسیده از پیامبر9 در این باره علاوه بر روایات پیشین که مربوط به درخواست وزارت علی علیه السلام از پیشگاه خداوند و اجابت الاهی مبنی بر منصب علی علیه السلام برای وزارت نقل شد روایات دیگری نیز وجود دارد که در سلسله مراتب همان روایات مبنی بر اعلام وزارت آن حضرت برای مردم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که در این میان آنچه به عنوان نخستین گفتار درباره وزارت ایشان در دست می باشد طرح وزارت علی در نخستین لحظه نزول وحی در غار حراست و پس از آن حدیث معروف یوم الدار((1)) می باشد که سند گویایی برای پیشینه شناسی وزارت علی و همدوش تاریخی آن با اعلام رسالت است. در این حدیث، که در منابع شیعه و سنی آمده است، سال سوم هجرت مرحله

1-) به این حدیث بدأ الدعوه و یوم الانذار نیز می گویند.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

جدیدی برای اعلام رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا در این سال با نزول آیه مبارکه:

«وَانْذِرْ عَشِیرَتَکَ الاقْرَبِینَ»؛((1))

«خویشان نزدیکت را بیم ده»،

پیامبر9 مأموریت یافت که دعوت علنی خود را آغاز کند که به دستور آن حضرت، علی بن ابی طالب علیه السلام تمام خویشاوندان نزدیک پیامبر9 را که حدود چهل نفر بودند دعوت کرد و در روز نخست پس از صرف غذا با کار شکنی ابولهب کار رسول خدا9 ناتمام ماند ولی در روز دوم همین که غذا صرف شد رسول اکرم صلی الله علیه و آله بلند شد و خطاب به آنان فرمود: سوگند به خدا من جوانی را در عرب سراغ ندارم که برای قومش بهتر از آنچه من برای شما آوردم آورده باشد؛ من خیر دنیا و آخرت را برای شما آوردم و در ادامه فرمود:

«امرنی الله تعالی ان ادعوکم الیه فایکم یوازرنی علی هذا الامر»؛((2))

خداوند به من دستور داده که شما را به سوی او دعوت کنم. پس کدام یک از شما در این امر یاری ام می کنید؟

در این بخش از گفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنچه در اینجا تناسب دارد این بخش است که رسول خدا9 در ضمن دعوت به رسالت فورا با جمله، ایکم

1-) شعرا، 214.
2-) تاریخ طبری، ج1، ص543؛ سیره الحلبیه، ج1، ص461؛ البدایه و النهایه، ج3، ص40؛ مجمع البیان، ج7، ص322؛ التبیان، ج8، ص62؛ الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج3، ص153.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

یوازرنی، وزارت را نیز جزء جدا ناپذیر تبلیغ رسالت خود دانسته و با آنان در میان می گذارد. پس از دعوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله همگان لب فروبسته ساکت می مانند و تنها در این میان علی بن ابی طالب علیه السلام که کوچک ترین آنان بود بلند شده، می گوید:

انا یا نبی الله اکون وزیرک علیه؛((1))

ای نبی خدا من بر این کار یاری ات می کنم.

بنا به روایتی امیرالمؤمنین علیه السلام تا سه دفعه اعلام آمادگی کرد اما رسول خدا9 برای اینکه دیگران هم فرصت اعلام داشته باشند در دو بار نخست اعلام علی علیه السلام ، آن حضرت را امر به نشستن کرد((2)) و در دفعه سوم رسول خدا9 بازوی علی علیه السلام را گرفته، فرمود: علی برادر، وصی و جانشین من است پس به او گوش دهید و از او اطاعت نمایید.((3))

به بخشی از دلالت این حدیث، قبلاً در واژه خلافت و وصایت اشاره شد و در اینجا به مناسبت واژه وزیر بر این مطلب تأکید می شود که وزارت علی بن ابی طالب علیه السلام از جهت کاربردی و تأثیرگذاری، چنان مهم و سرنوشت ساز در پیشبرد اهداف رسالت بوده است که رسول خدا9 در همان آغازین دعوت رسالت، وزارت را هم با آن در

1-) کنز العمال، ج13، ص133.
2-) مجمع البیان، ج7، ص321.
3-) تفسیر نور الثقلین، ج4، ص67؛ الدرالمنثور، ج5، ص97؛ تفسیر ابن کثیر، ج3، ص350؛ کشف الیقین، ص40 و 258؛ تاریخ دمشق، ج42، ص49؛ مسند احمد، ج1، ص111.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آمیخته و خطوط اصلی آن را برای جامعه اسلامی پایه ریزی کرده است و پس از جریان یوم الدار نیز روایات فراوان برای تبیین جایگاه وزارت علی و تثبیت آن در جامعه برای مسلمانان بیان داشته است.

به نقل قندوزی در ینابیع المودهٔ روزی رسول خدا9 در جمعی از اصحاب نشسته بود؛

فالتفت الی ابوبکر فقال یا ابابکر هذا الذی تراه وزیری فی السماء و وزیری فی الارض یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام ؛((1))

پس از آن متوجه ابوبکر شده، فرمود: ای ابابکر آن کسی را که می بینی همکار من است در آسمان و زمین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام .

هم چنین به روایت امیرالمؤمنین علیه السلام روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حضور جمعی از اصحاب اطاعت و فرمانبرداری از خود را مطرح کرد و فرمود:

«ان الله فرض علیکم طاعتی و نهکم معصیتی و اوجب علیکم اتباع امری و فرض علیکم طاعه علی بن ابی طالب علیه السلام بعدی و نهاکم عن معصیته و جعله اخی و وزیری و هو منی و انا منه»؛((2))

خداوند بر شما اطاعت از من را واجب گردانیده و از نافرمانی من بازداشته و پیروی از اوامرم را

1-) ینابیع الموده، ج2، ص281.
2-) بحار الانوار، ج26، ص264 و ج 38 ص151.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

واجب گردانیده بعد اطاعت از علی بن ابی طالب علیه السلام را بر شما واجب گردانیده و نافرمانی از او را بازداشته و او را برادر و همکارم قرار داده است او از من است و من از او.

سرانجام اینکه روایات اعلام وزارت علی علیه السلام در موقعیت های گوناگون به وسیله ی رسول خدا9 برای اصحاب و یاران آن حضرت بیان شده است و بر این اساس دانشمندان شیعه و سنی این مطلب را پذیرفته اند که علی بن ابی طالب علیه السلام در عصر رسول خدا9 وزیر و همکار آن حضرت معرفی شده است و علی علیه السلام در تبلیغ امر رسالت در کنار آن حضرت نقش داشته است؛ زیرا هدف از وزارت هارون که در قرآن مطرح شده است و نیز وزارت علی بن ابی طالب علیه السلام برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله به معنای شرکت و همکاری در تبلیغ دین بوده است.((1))

در اینجا به ذکر همین مقدار از شواهد بسنده می کنیم اما لازم به یادآوری است که علاوه بر این که تئوری وزارت علی بن ابی طالب علیه السلام مورد پذیرش همه است، شواهد تاریخی، که مورد پذیرش فریقین است نیز گواه بر این است که رسول خدا9 عملا در بسیاری از کارها نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان یک شخصیت ممتاز و همکار نزدیک خود نگریسته و کارهای خود را به ایشان واگذار می کرد که این همکاری ها از همان دوران سیاه مکه آغاز شده و همواره امیرالمؤمنین علیه السلام به

1-) مطالعه برای تفصیل بیشتر رک فتح القدیر، شوکانی، ج3، ص445؛ الدر المنثور، ج5، ص566؛ تفسیر طبری، ج16، ص187؛ تفسیر بحر المحیط، ج6، ص225؛ تفسیر ابن کثیر، ج4، ص505؛ تفسیر صافی، ج4، ص12؛ التبیان، ج7، ص171.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عنوان مدافع رسول اکرم صلی الله علیه و آله و همکار و مشاور، در نزد آن حضرت حاضر بود و در روزهای سخت دعوت جاهلان و مشرکان مکه که همراه با سنگ باران های آنان بودند علی بن ابی طالب علیه السلام با آن که سن کمی داشت ایثارگرانه از جان پیامبر9 محافظت می کرد.((1))

فداکاری علی بن ابی طالب علیه السلام در شب هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جمله همکاری های یک وزیر فداکار و ایثارگر است که دوست و دشمن به عظمت آن اعتراف دارند.((2))

پس از آن نیز امیرالمؤمنین علیه السلام در رزمگاه های بدر، احزاب، حنین، احد، خیبر و... نقش ارزنده و ماندگاری داشت که اساس کفر و شرک را فروریخت و همگانی ان نبردها را ستوده و در برابر آن تعظیم کرده اند.

ما به دلیل مشهور بودن این مبارزات از طرح آنان خودداری کرده و همان گونه که پیش از این به مناسبت حدیث منزلت نگارش یافت، اشاره می شود که تنها جنگی که علی بن ابی طالب علیه السلام در آن حضور نداشت جنگ تبوک بود که آن هم جریان دیگری برای اجرای وزارت و همکاری ایشان با رسول خدا9 برای حفظ مدینه بود.((3))

در تمام این نبرد ها علی علیه السلام به عنوان وزیر و

1-) السیره النبویه، ابن هشام، ج1، ص373؛ ریاض النظره، ج1، ص428؛ فی رحاب ائمه اهل البیت، ج1، ص188.
2-) الارشاد مفید، ج1، ص45؛ شواهد التنزیل، ج2، ص178؛ تاریخ طبری، ج1، ص567؛ تاریخ یعقوبی، ج2، ص39؛ سیره حلبی، ج2، ص192.
3-) البدایه و النهایه، ج5، ص7؛ سنن الکبری، ج5، ص240؛ تاریخ طبری، ج2، ص566.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

همکار رسول اکرم صلی الله علیه و آله قدم به میدان گذاشته از آن حضرت فرمان می گرفت و برای یکبار هم در تاریخ نیامده که رسول خدا9 علی علیه السلام را زیر فرمان دیگران قرار داده باشد.((1))

مورخان و محدثان علاوه بر وزارت در بعد نظامی و سخت افزاری، در بعد فرهنگی و نرم افزاری نیز علی علیه السلام را از پیش تازان میدان و وزیر رسول خدا9 معرفی کرده اند و در این میان مهم این است که رسول خدا9 در بعد فرهنگی و علمی امتیازات تضمین کننده برای علی علیه السلام داده است و با معرفی کردن او با عنوان

انا مدینه العلم و علی بابها؛((2))

من شهر علم و علی دروازه آن است؛

در حقیقت به همان اشتراکات اشاره دارد.

درباره خطا ناپذیر بودن آموزه های دینی میان خط رسالت و وزارت علی علیه السلام و در امر قضاوت، از خود امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که رسول خدا9 دست به سینه من گذاشت و دعا کرد و به خدا قسم پس از آن هیچ گاه در امر قضاوت دچار شک و شبهه نشدم.((3))

در راستای این وزارت و همکاری، می توان به جریان قرائت آیات برائت برای مشرکان نیز اشاره کرد. در آن جریان ابتدا پیامبر9 آیات را به ابوبکر داده بود تا برای مشرکان بخواند اما پس از اندک زمانی به علی فرمود:

1-) مستدرک حاکم، ج3، ص43.
2-) تاریخ خلفا، سیوطی، ص72؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج9، ص429.
3-) البدایه و النهیه، ج5، ص107؛ تاریخ خلفا، سیوطی، ص170.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

لا بد ان اذهب بها انا او تذهب بها انت؛((1))

ناگزیر آن آیات را یا من می برم یا تو

و با اعلام آمادگی امیرالمؤمنین علیه السلام رسول خدا9 فرمود: پس به دنبال ابوبکر حرکت کن و در هر جا او را یافتی آیات را از او تحویل گرفته؛ برای اهل مکه بخوان و امیرالمؤمنین علیه السلام فورا حرکت کرده، به ابوبکر در جحفه برخورد و آیات را از او تحویل گرفت و ابوبکر به نزد رسول خدا9 بازگشت و گفت: ای رسول خدا9 آیا چیزی درباره من نازل شده؟ حضرت فرمود:

لا ولکن جبرئیل جائنی فقال لا یؤدی عنک الا انت او رجل منک؛((2))

نه درباره تو چیزی نازل نشده ولی جبرئیل آمد و به من خبر داد که از جانب تو نمی رساند (آن آیات را) مگر اینکه خودت یا مردی از خاندانت.

از آنچه به عنوان شواهد تاریخی به نگارش در آمد بر این مطلب تأکید می شود که در کنار طرح وزارت علی علیه السلام به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان یک تئوری و پس از آن حضور پر رنگ امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار رسول اکرم صلی الله علیه و آله نشان دهنده این است که از روزی که اسلام در جزیرةٌ العرب پا گرفت و مردم با واژه اسلام و پیامبر روبه رو شدند نام علی علیه السلام نیز همواره به عنوان یک فرد فداکار و یکی از معماران و پایه گذاران استوانه های بنیادین مکتب اسلام در کنار رسول خدا9 مطرح بود که به عنوان وزیر و همکار

1-) مسند احمد، ج1، ص150.
2-) سنن ابن ماجه، ج1، ص44، صحیح ترمذی، ج5، ص300؛ تذکره الخواص، ص65؛ فرائد السمطین، ج1، ص58؛ الجامع الصغیر سیوطی، ج2، ص57.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف

عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ایشان برای پیشبرد دین و آموزه های آن همواره خدمت می کرد((1)) که تمام آن همکاری ها را باید در مسیر وزارت آن حضرت جست و جو کرد.

اندیشه اثباتی و انکاری دانشمندان اسلامی در تداوم وزارت علی علیه السلام

اشاره

از آنچه نگارش یافت می توان به این نتیجه دست یافت که تمام دانشمندان شیعه و بسیاری از دانشمندان اهل سنت جریان وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام را در عصر رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با همان مفهوم لغوی و اصطلاحی مشاور و همکار در تبلیغ امور دین پذیرفته اند که می توان این مطلب را به عنوان یک اندیشه مشترک میان فرق اسلامی به حساب آورد؛ اما سؤال مهم این است که آیا این وزارت برای زمان پس از رسول خدا9 تداوم یافت یا اینکه قطع گردید؟ این مطلب یکی از مسائل بسیار مهم و کلیدی است که با واکاوی در اندیشه دانشمندان اسلامی معلوم می شود که جدا انگاری ها و اختلافاتی در این زمینه رخ داده و اندیشه های اثباتی و انکاری به وجود آمده است که به تناسب بحث اشاره می شود:

الف - انکار تداوم و بقای وزارت علی علیه السلام

از آنجا که اعتقاد داشتن به تداوم و بقای وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام برای زمان بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله لوازم و تبعات اجرایی دارد که معتقدان به آن باید برای وزیر همان شأن و جایگاهی را که در زمان رسول خدا9 داشتند قائل باشند و در حقیقت در زمان نبود پیامبر، وزیری را به عنوان خلیفه و ادامه دهنده راه او قبول داشته

1-) خصائص الکبری، ج1، ص383؛ سیره حلبی، ج2، ص580.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

باشد و این طبیعی است که پس از مسافرت رسول یا رحلت او وقتی جامعه با خلاء رهبری روبه رو می شود باید وزیر او رهبری و هدایت گری را به عهده بگیرد و حکم راند؛ اما از آنجا که این مسئله با مبانی اعتقادی اهل سنت نسبت به خلفا و حاکمان پس از پیامبر9 و تطبیق آن با خلفای مورد پذیرش آنان ناسازگاری دارد، تداوم وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام را برای زمان بعد از رحلت پیامبر9 انکار کرده است وبا دقت در منابع اهل سنت می توان جایگاه اندیشه ورزی و انکار آنان را پیرامون حدیث منزلت جست و جو کرد؛ زیرا در این حدیث که تنزیل وتشبیه میان وزارت هارون و امیرالمؤمنین شده است اهل سنت در ابتدا با پذیرش وزارت علی علیه السلام در زمان پیامبر9 مانند وزارت هارون در زمان موسی، پس از آن روش انکاری را در پیش گرفته، می گویند این وزارت برای زمان پس از رسول خدا9 دوام نیافت.

قاضی ایجی در «شرح مواقف» درابتدا با اشاره به تشکیک در صحت حدیث می گوید در نزد محدثان این حدیث (منزلت) حدیث واحد صحیح است اما در دلالت آن

لا عموم له فی المنازل بل المراد من الحدیث ان علیا خلیفه منه علی لمدینه فی غزوه تبوک کما ان هارون کان خلیفه لموسی فی قومه حال غیبته؛((1))

این حدیث دلالت ندارد بر اثبات تمام مقامات هارون برای علی علیه السلام ؛ بلکه مراد

1-) شرح مواقف، ج8، ص263.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

این است که علی علیه السلام تنها در جنگ تبوک جانشین پیامبر9 در مدینه است آن گونه که هارون در زمان نبود موسی جانشین او بر قومش بود.

تفتازانی در این رابطه می گوید:

فلا دلالت علی بقاءها بعد الموت و لیس انتفائها بموت المستخلف عزلا و لا نقصا؛((1))

حدیث منزلت دلالت بر دوام خلافت پس از مرگ ندارد و دوام نیافتن آن پس از مرگ مستخلف، عزل کردن و نقصان برای آن خلیفه نیست.

ابن حجر عسقلانی با اشاره به اینکه ارتباط میان علی علیه السلام و هارون از جهت نبوت نبود؛ بلکه از جهت خلافت بود، می گوید:

ولما کان هارون المشبه به انما کان خلیفته فی حیات موسی دل علی تخصیص خلافه النبی بحیاته؛((2))

چون هارون، که مشبه به است، تنها در زمان حیات موسی خلیفه بود؛ این دلالت می کند که خلافت علی علیه السلام نیز تنها در زمان حیات پیامبر9 بوده است.

قسطلانی در این باره می گوید: شباهت علی با هارون تنها از جهت خلافت بوده است و چون هارون

1-) شرح مقاصد، ج5، ص275.
2-) فتح الباری، ج7، ص60.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیش از موسی وفات کرده و خلافت او دوام نیافت، پس معلوم می شود که خلافت علی هم تنها مربوط به زمان حیات پیامبر9 و در زمان رفتن پیامبر9 به سوی جنگ تبوک بوده است، آن گونه که خلافت هارون در دوره رفتن موسی به سوی مناجات در کوه طور بود.((1))

حاصل این شواهد از منابع اهل سنت اینکه آنان با توجه به این آیه مبارکه

«وَقَالَ مُوسَی لاخِیهِ هَارُونَ اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَاصْلِحْ»؛((2))

و موسی به برادرش گفت جانشین من در میان قومم باش و آنان را اصلاح کن

خلافت هارون و امیرالمؤمنین علیه السلام را که بخش اجرایی آن وزارت و همکاری با دو پیامبر خدا بود، پذیرفته اند؛ اما از آنجا که عُمر حضرت هارون کفاف نکرد و پیش از موسی رحلت کرد و خلافت او دوام نیافت؛ لذا در مورد خلافت و وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نتیجه گرفته اند که دوام نیافت.

در اینجا به همین مقدار از شواهد درباره اندیشه انکار تداوم وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام بسنده می کنیم و در نقد این اندیشه به روایاتی در این باب و نیز گفتار معتقدان به تدوام وزارت آن حضرت اشاره خواهیم کرد.

1-) ارشاد الساری، ج6، ص451.
2-) اعراف، 142.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ب- اثبات تداوم وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام

اشاره

در برابر اندیشه انکار تداوم وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام و خلافت آن حضرت بعد از رسول خدا9، اندیشه تداوم وزارت آن حضرت به وسیله ی دانشمندان شیعی پایه ریزی شد و بحث وزارت و تداوم آن را دلیلی می دانند بر اثبات خلافت ایشان بعد از رسول خدا9 که از جهت منشأ شناسی این اندیشه بر روی مبانی ای از روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله استوار است که به آنان اشاره می شود:

1- روایات تداوم وزارت

با نگاهی به محتوای روایات می توان به روایات گوناگونی درباره اثبات تداوم وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام دست یافت که برخی از آن روایات پیش از این نگارش یافت و به تناسب بحث، در جواب منکران تداوم وزارت تأکید می شود که حدیث منزلت تنها متعلق به جریان تبوک نیست تا بگوییم وزارت یا خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام اختصاص به آن واقعه داشته است؛ بلکه حدیث منزلت در موقعیت های گوناگون نقل شده است.

هم چنین تعداد دیگری از روایات وزارت در منابع آمده است که در آنان واژه من بعد که صریح است برای زمان پس از رسول خدا9 ذکر شده است که به شواهدی از این روایات اشاره می شود:

انس بن مالک می گوید: رسول خدا9 درباره علی علیه السلام فرمود:

«ان خلیلی و وزیری و خیر من أخلّفهُ بعدی علی بن ابی

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

طالب علیه السلام »؛((1))

«دوست و همکارم و بهترین کسی که او را جانشین پس از خود می گذارم علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

از سلمان نقل شده است از رسول خدا9 شنیدم که می گفت: ای گروه مهاجر و انصار! آیا شما را راهنمایی نکنم به چیزی که اگر به آن چنگ زنید هرگز گمراه نمی شوید؟ همگان گفتند: بله یا رسول الله! فرمود:

«هذا علی اخی و وزیری... فاحبوه لحبی و اکرموه لکرامتی فان جبرئیل امرنی ان اقول لکم»؛((2))

«این است علی که برادر و وزیرم می باشد پس او را دوست بدارید به دلیل دوستی من و گرامی دارید برای گرامی داشتن من.»

هم چنین از امام صادق علیه السلام و او از اجداد گرامی اش نقل کرده است که رسول خدا9 به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

1-) تاریخ بغداد، ج42، ص57؛ محاضرات الادبا، راغب اصفهانی، ج2، ص497.
2-) امالی صدوق، ص477؛ امالی طوسی، ص323؛ بشاره المصطفی، ص114.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«یا علی انت الامام بعدی و الامیر و الوزیر»؛((1))

«یا علی تو پیشوای بعد از من و امیر و وزیر هستی.»

هم چنین رسول خدا9 فرمود:

«یا علی انت الصاحب و الوزیر و مالک فی امتی من نظیر»؛((2))

«یا علی تو صاحب و وزیر بعد از من هستی و در میان امتم همانند نداری»

از آن حضرت نقل شده است که به عده ای از اصحاب خود فرمود:

«ای علیا امامکم بعدی و وزیری و ناصری من انکره انکرنی و من انکرنی فقد انکر الله و من اقر بامامته فقد اقر بنبوتی و من اقر بنبوتی فقد اقر بوحدانیت الله»؛((3))

علی پیشوای شما و وزیر و یاور بعد از من است، کسی که اقرار به امامت او کند اقرار به نبوت من کرده و کسی که اقرار به نبوت من نماید اقرار به وحدانیت خدا کرده است.

هم چنین سلمان می گوید: از رسول خدا9 شنیدم که فرمود:

«ان اخی و وزیری و خیر من اخلفه بعدی علی بن ابی

1-) غایه المرام، ج17، ص5.
2-) حلیهٔ الابرار، ج2، ص27، بحار الانوار، ج34، ص146.
3-) شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص272.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

طالب7»؛((1))

«همانا برادر و وزیرم و بهترین کسی که پس از خود به جا می گذارم، علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

از ام سلمه روایت شده است که رسول خدا9 به من فرمود:

«یا ام سلمه اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابی طالب علیه السلام وزیری فی الدنیا و وزیری فی الاخره»؛((2))

«ای ام سلمه! بدان و شهادت بده که علی بن ابی طالب علیه السلام در دنیا و آخرت وزیر و همکار من است.»

و نیز آن حضرت فرمود:

«یا علی انت وزیری فی الدنیا و الاخره وَلیُّک وَلیّی و وَلیّی ولیُّ الله و عدوک عدوی و عدوی عدوالله»؛((3))

«یا علی! تو وزیرم در دنیا و آخرت هستی و دوستان تو دوستان من و دوستان من دوستان خدا هستند و دشمنان تو دشمنان من و دشمنان من دشمنان خدا هستند.»

در حدیث دیگری از پیامبر9 نقل شده است که درباره علی علیه السلام فرمود:

1-) کشف الغمه، ج1، ص153.
2-) امالی صدوق، ص464؛ وسائل الشیعه، ج20، ص162.
3-) بشاره المصطفی، ص235.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

«و هوالوزیر منی فی حیاتی و الخلیفه بعد وفاتی کما کان هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی»؛((1))

«او (علی) وزیر من در زندگانی ام و جانشینم بعد از وفاتم است آن گونه که هارون نسبت به موسی بود مگر اینکه پیامبری بعد از من نیست».

سرانجام اینکه با نگاهی تلفیقی و معنا شناختی به این روایات و روایات پیشین می توان به این نتیجه دست یافت که در روایات پیشین جریان وزارت در زمان رسول خدا9 امری مسلم بود، اما با واژگان من بعدی می توان ادامه آن را برای زمان بعد از رسول خدا9 استفاده کرد.

2- تداوم وزارت علی در اندیشه دانشمندان شیعی

با توجه به روایاتی که درباره اثبات وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام و ادامه آن نگارش یافت، دانشمندان شیعی عقیده دارند که قرار دادن وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب خداوند به عنوان یک حکم اختصاصی که تنها مربوط به زمان پیامبر9 باشد، نبوده است بلکه وزارت آن حضرت برای بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز باقی بوده است؛ زیرا همان گونه که در عصر رسول خدا9 امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان وزیر و همکار ایشان در تبلیغ امر دین از جانب خداوند تأیید شده بود، پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز مردم بی نیاز از شخص آشنا به امور دین نبودند؛ پس هیچ

1-) توحید صدوق، ص211.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دلیلی وجود ندارد که این وزارت را از آن حضرت برداشته باشد.

دانشمندان شیعی برای اثبات بقای وزارت علی و دلالت آن بر حقانیت امامت و خلافت آن حضرت پس از رسول خدا9، در جواب این نظر دانشمندان اهل سنت که چون هارون قبل از موسی رحلت کرد و به وزارت بعد از ایشان دست نیافت، لذا علی علیه السلام نیز مانند او بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وزیر نبود، بلکه سوای نبوت دیگر مقامات هارون را تنها در مسافرت پیامبر9 به سوی تبوک داشت، ((1)) می گویند:

الوجه فی دلالتها قد ثبت استخلاف النبی لامیرالمؤمنین لما توجه الی غزوه تبوک و لم تثبت عزله عن هذه الولایه بقول من الرسول و لا دلیل فوجب ان یکون الامام لان حاله لم یتغیر؛((2))

وجه دلالت حدیث منزلت این است که خلافت پیامبر9 برای امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام رفتن به سوی تبوک ثابت است اما برکناری امیرالمؤمنین علیه السلام از آن منصب با گفتار پیامبر9 و دلیل دیگر ثابت نشده است، پس واجب است که امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از پیامبر9 پیشوا باشد زیرا حال ایشان تغییر نیافته است.

1-) مطالب السئول، ص90؛ تذکره الخواص، ص46.
2-) سید مرتضی، الشافی فی الامامه، ج3، ص52.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در برخی منابع آمده است که حدیث منزلت دلالت می کند بر اینکه جمیع مقامات هارون برای امیرالمؤمنین ثابت بوده است و الا استثنا کردن نبوت به وسیله ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله معنا نداشت.((1))

مرحوم مظفر در این باره می گوید: «حدیث منزلت تنها دلالت بر وزارت علی علیه السلام در جریان تبوک ندارد؛ بلکه عام است و تنها یک مورد نبوت از آن استثنا شده است؛ علاوه بر آن، حدیث های فراوان دیگری نیز موجود می باشد که میان وزارت هارون و امیرالمؤمنین علیه السلام تشبیه کرده است و از آنان عموم به دست می آید نه اختصاص در واقعه تبوک.»((2))

در برخی منابع در این باره این چنین آمده است: یکی از مقاماتی که هارون نسبت به موسی داشت، این بود که اگر باقی می ماند خلافت او برای زمان بعد از استمرار می یافت؛ چون او شریک موسی بود و شریک بر دیگران اولویت دارد که مقام خلافت را به دست گیرد و هم چنین امیرالمؤمنین علیه السلام شریک و نزدیک ترین فرد به رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود؛ لذا اولویت بر دیگران به خلافت داشت و این منافات با خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام که بعد از پیامبر9 زنده بود، ندارد.((3))

اربلی در «کشف الغمه» در این باره می گوید: از اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوند وزارت علی را درخواست کرد و خداوند نیز علی را وزیر قرار داد و پشت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را با وزارت ایشان

1-) مناهج الیقین، ص477.
2-) دلائل الصدق، ج2، ص390 با اندک تلخیص.
3-) آیات العقائد، سید ابراهیم حجازی، ص395.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

محکم کرد، دلالت دارد بر اثبات خلافت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که این امامت سی سال بعد از رسول خدا9 ادامه داشت که بیست و چهار سال و اندی از آن را که ممنوع از تصرف ومأمور به مدارا و دوری از خلافت بود و باقی آن هم صرف گرفتاری های فراوان دیگر شد آن گونه که رسول خدا9 سیزده سال را در مکه با حالت خوف به سر برد.((1))

بعضی از محققان معاصر در دلالت حدیث وزارت می گویند: به حکم نص حدیث وزارت، علی علیه السلام خلیفه و وزیر و شریک در امر تبلیغ رسالت پیامبر9 است و این حدیث دلالت دارد بر اینکه اطاعت از علی علیه السلام در زمان پیامبر9 و نیز پس از آن حضرت واجب بوده است.((2))

بنابراین در مبنای اعتقادی شیعه، وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان رسول خدا9 ثابت است و اما دلیلی بر برداشتن آن برای زمان بعد از رسول خدا9 وجود ندارد و در نتیجه مشروعیت وزیر از جانب خداوند و تداوم امر رسالت است که آن یکی از شئون امامت است.((3))

1-) کشف الغمه، ج1، ص63.
2-) المراجعات، ص262.
3-) قرآن و امامت اهل بیت، علی رضا عظیمی فر، ص54.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

پیش از همه توجه به این نکته در شرح و تفهیم عنوان داده شده در بالا ضرورت دارد که هدف از وزیر و وزارت پس از رسول خدا9 آن اصطلاح سیاسی و حکومتی نیست که در زمان خلفای بنی امیه و بنی عباس در امر حکمرانی مطرح شد که برخی از آنان چندین وزیر برای خود برگزیدند، بلکه در اینجا مراد بررسی این مطلب است که پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اصحاب و یاران آن حضرت نسبت به واژگان وزیر و وزارت چگونه برخورد کرده و از آن چه می فهمیدند.

اگر چه در منابع، کاربرد وزیر پس از رحلت رسول خدا9 و جریان نزاع ها درباره خلافت بسیار اندک نقل شده است، اما مهم این است که در همان موارد کمی که نقل شده به خوبی پیداست که آنان نیز از وزیر همان همکار و شریک بودن وزیر در کارهای اجرایی بالادست را می فهمیده اند؛ چنانچه برای دست یافتن به این مطلب، گردهمایی سقیفه و گفت و گوی آنان یکی از بهترین راهبرد هاست که به عنوان یکی از اسناد تاریخی برای ما از آن روزگاران نقل شده است.

مورخان درباره رخدادهای روز سقیفه این چنین نگاشته اند: در آن هنگام که نزاع مهاجر و انصار در سقیفه بالا گرفت، ابوبکر خطبه ای خواند و در ضمن آن خطبه خطاب به انصار گفت: ای گروه انصار! کسی فضیلت شما را انکار نمی کند؛ شما برادران ما در کتاب خدا و شریکان ما در دین او هستید و اکنون با مهاجران در امری که پیش آمده نزاع نکنید؛ و در ادامه

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

گفت:

نحن الامراء و انتم الوزراء؛((1))

ما (مهاجران) فرمانروایان و شما (انصار) وزیران و همکاران ما باشید.

با تحلیل در گفتار ابوبکر پیداست که او با تعریف و تمجید از انصار خواست در ابتدا تا حدودی انصار را از جهت روانی آرام کند و اطمینان دهد که ما شأن و منزلت انصار را حفظ می کنیم و پس از آن بسیار زیرکانه با پیشنهاد امارت برای مهاجران و وزارت برای انصار از جهت کارکرد اجتماعی انصار را شهروندان درجه دوم قرار داد که واکنش حباب بن منذر به این پیشنهاد در ابتدا منفی بود و او پیشنهاد، «منا امیر و منکم امیر؛((2)) فرمانروایی از ما و فرمانروایی از شما باشد»، را داد اما این پیشنهاد از جانب عمر بن خطاب با شدت رد شد و گفت: محال است که دو حکومت در یک زمان دوام یابد.((3))

از تحلیل این گفتار پیداست که سقیفه نشینان از واژه وزیر، همان مفهوم همکار بودن امیر و فرمانروایی را که بالا دست قرار داشت می فهمیدند و به همین دلیل، انصار زیر بار آن پیشنهاد نرفتند؛ زیرا آنان شأن وزیر را از

1-) الامامه و السیاسه، ص34؛ تاریخ طبری، ج3، ص208؛ صحیح بخاری، ج4، ص193؛ طبقات الکبری، ج3، ص182؛ سقیفه و فدک، جوهری، ص51؛ الشافی، سید مرتضی، ج3، ص187.
2-) تاریخ خلفا، سیوطی، ص68؛ ریاض النظره، ج2، ص211.
3-) الکامل فی التاریخ، ج2، ص329.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

جهت اجرایی پایین تر از فرمانروا و امیر می دانستند، هرچند که دراصل قدرت تا حدودی مشارکت داشتند؛ لذا این پیشنهاد را رد کردند که در مجموع می توان به این مطلب اشاره کرد که مفهوم وزیر در عرف سقیفه نشینان و پس از آن در میان اصحاب، به همان مفهومی به کار می رفت که برای وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله به کار می رفت یعنی همکار و شریک بودن منتها با این تفاوت که مصداق عوض شده و نسبت ها فرق کرده بود؛ یعنی در جهت مصداق به جای امیرالمؤمنین علیه السلام دیگران آمده بودند و از جهت نسبت، وزیر پیامبر تبدیل شده بود به وزیر امیر و فرمانروا.

تحریف در روایات وزارت

در برخی منابع اهل سنت روایاتی نقل شده است که در آن، وزارت از امیرالمؤمنین علیه السلام برگردانده شده و به دیگران اختصاص یافته است. در نقلی از ابوسعید خدری آمده است که رسول خدا9 فرمود: هیچ پیامبری نیامده مگر اینکه برای او دو وزیر از اهل آسمان و دو وزیر از اهل زمین بوده است؛ دو وزیر من از اهل آسمان جبرئیل و اسرافیل هستند و اما وزیرای من اهل الارض فابوبکر و عمر؛((1)) وزیران من از اهل زمین ابوبکر و عمر هستند.

1-) تاریخ خلفا، سیوطی، ص50؛ اسد الغابه، ج3، ص213؛ نور الابصار، شبلنجی، ج1، ص113؛ الدر المنثور، ج1، ص90 سنن ترمذی ج5 ص278

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

درباره جعلی بودن این حدیث، ابن حبان گوید: در سند آن زکریا بن روید کندی قرار دارد و او شیخ یضع الحدیث؛((1)) شیخی بود که حدیث وضع می کرد.

علاوه بر آن در تطبیق محتوای این حدیث این نکته ضرورت دارد که وزارت پیامبر یا در تبلیغ در دین است یا در جهاد با کفار و آن دو نفر از جهت تاریخی هیچ کدام از این دو مورد را نداشتند.((2))

هم چنین در حدیث دیگری نقل شده است که رسول خدا9 فرمود: ابوبکر وزیری؛((3)) ابوبکر وزیرمن است.

شوکانی درباره این حدیث می گوید:

حدیث ابوبکر وزیری رواه ابن عدی و ابن حبان عن جابر مرفوعا و فی اسناده کادح بن رحمه و الحسن بن ابی جعفر و هما متروکان؛((4))

حدیث «ابوبکر وزیری» را ابن عدی و ابن حبان با سند مرفوع از جابر نقل کرده اند و در سند آن کادح بن رحمت و حسن بن ابی جعفر آمده که هر دو متروک الحدیث هستند.

سیوطی نیز درباره این حدیث می گوید:

حدیث موضوع کادَ المتروک؛((5))

1-) المجروحین، ج1، ص314.
2-) الصواعق المحرقه، ص338.
3-) تاریخ دمشق، ج23، ص464؛ لسان المیزان، ج3، ص95.
4-) الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، ص381.
5-) اللآلی المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، ج1، ص352.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

این حدیث موضوع و مورد اشکال و متروک است.

ابن جوزی درباره حدیث ابوبکر وزیری می گوید:

حدیث موضوع کاد لیس بشئی؛((1))

حدیث وضع شده و مورد اشکال است و ارزشی ندارد.

داستان وزارت پس از رسول خدا9 با خانه نشین شدن امیرالمؤمنین علیه السلام داستان غم انگیزی در تاریخ اسلام است.

پس از رحلت آن حضرت، اصحاب با کنار گذاشتن امیرالمؤمنین علیه السلام از صحنه در همان جریان سقیفه، از این واژگان و مفهوم آن که در زمان رسول خدا9 کاربرد داشت سوء استفاده کرده و برای ایجاد پیوند مفهومی میان وزارت زمان رسول خدا9 و وزارت بعد از آن حضرت، به دنبال ترویج و استحکام پایه های حکومت بودند؛ منتها با این تفاوت که از سقیفه به بعد مشروعیت وزیر با رأی عمومی تعیین می شد نه نصب الاهی.

البته این تفاوت هم طبیعی بود زیرا وقتی بنا بر مبنای اعتقادی آنان اصل امامت و خلافت، مشروعیت خود را از جانب مردم کسب نماید مشروعیت وزیر نیز باید این گونه باشد؛ که در حقیقت از جهت اجرایی مسئله وزارت در اعتقاد اهل سنت صرفا یک مقام سیاسی و اجتماعی است که در مشارکت حکمرانی و سیاست بازی های اجتماعی در کنار فرمانروا یا خلیفه، نقش مشارکتی او

1-) الموضوعات، ابن جوزی، ج1، ص 404.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

آشکار می شود که بنابراین مبنا این گونه وزارت بر روی پایه و اساس صرفا اجتماعی استوار است و در آن هیچ گونه ملاک دینی لحاظ نمی گردد.

احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش به روایات وزارت

تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان وزیر و همکار از جانب رسول اکرم صلی الله علیه و آله، زیربنایی برای این عقیده بود که وزارت ایشان بعد از رسول خدا9 ادامه داشته و پس از آن حضرت امام علی علیه السلام به عنوان امام و پیشوای امت اسلامی، دین خداوند را یاری رساند.

در این میان از جهت تاریخی و پیشینه شناسی اعتقادی توجه به این مطلب اهمیت فراوان دارد که اعتقاد به وزارت علی علیه السلام و دلالت آن بر اثبات امامت و خلافت ایشان بعد از رسول خدا9 یک اعتقاد پسین نیست که کسی گمان کند این عقیده بعد ها به وسیله ی دانشمندان شیعی ارائه شده است؛ بلکه اعتقاد به بقای وزارت و ارتباط آن با مفهوم خلافت و امامت یکی از مسائل باسابقه ای است که در همان روز های نخست خانه نشینی امیرالمؤمنین علیه السلام به وسیله ی خود ایشان و بعضی یاران وفادارش در برابر مخالفان مورد احتجاج قرار گرفته است.

در همان روزهای نخست خانه نشینی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیعت خواستن ابوبکر از ایشان، علی علیه السلام ضمن سر برتافتن از بیعت فرمود:

«انا اولی برسول الله حیا ومیتا و انا وصیه و وزیره و مستودع سره

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

و علمه»؛((1))

«من از دیگران نسبت به رسول خدا9 چه در حال زندگی و چه بعد از آن سزاوارترم. منم وصی و وزیر پیامبر9 و جایگاه امانت و اسرار و علم او.»

هم چنین آن حضرت در مناشده ای به ابوبکر فرمود:

«انشدک بالله الیّ الوزاره من رسول الله و المثل من هارون من موسی ام لک قال بل لک»؛((2))

«تو را به خدا سوگند وزارت رسول خدا9 و منزلت هارون به موسی نسبت به آن حضرت از آن من است یا از تو؟ گفت: البته از تو.»

گر چه استدلال های آن حضرت فراوان است اما در این میان توجه به این نکته ضرورت دارد که رویکرد اصلی امیرالمؤمنین علیه السلام و یاران ایشان بیشتر در استدلال حدیث منزلت بوده است که پایه و اساس وزارت ایشان به همان حدیث بر می گردد، چنان چه آن حضرت در روز شورا و بیعت مردم با عثمان فرمود:

«انشدتکم بالله هل فیکم احد قال له رسول الله انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی غیری قالوا لا... الا ان قال هل

1-) الاحتجاج، ج1، ص90.
2-) خصال صدوق، ج2، ص327.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فیکم احد قال له رسول الله انت اخی و وزیری... قالوا لا»؛((1))

«شما را به خدا آیا در میان شما کسی است که رسول خدا9 به او گفته باشد تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی؟ همگان گفتند: نه. تا اینکه فرمود: شما را به خدا آیا در میان شما کسی هست که رسول خدا9 به او گفته باشد تو برادر و وزیرم هستی؟ همگی گفتند: نه.»

هم چنین یاران و پیروان آن حضرت نیز با توجه به جریان وزارت آن حضرت در زمان رسول خدا9 برای حقانیت و سزاوار بودن ایشان به خلافت و امامت پس از رسول خدا9 استدلال می کردند. چنانچه امام صادق علیه السلام می گوید: سه روز پس از دفن رسول خدا9 سلمان فارسی برای مردم خطبه ای خواند و فرمود: ای مردم! سخنم را گوش دهید و درباره آن اندیشه کنید و بدانید که من دارای آگاهی فراوانم و اگر همه چیزهایی را که درباره علی می دانم بازگو کنم بعضی از شما خواهید گفت سلمان عقلش را از دست داده و برخی خواهند گفت: خدایا قاتل سلمان را مغفرت گردان (او کافر شده) و بدانید که گرفتاری هایی به سوی شما روآور شده و بدانید که علم بلایا و منایا و میراث وصایت نزد علی است، بر طبق همان روش هارون نسبت به موسی

1-) الاحتجاج، صص166 و 172.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اذ یقول له رسول الله انت وصیی فی اهل بیتی و خلیفتی فی امتی و انت منی بمنزله هارون من موسی و لکنکم اخذتم سنه بنی اسرائیل فاخطاتم الحق؛((1))

زیرا رسول خدا9 به او (علی) فرمود تو وصی من در میان اهل بیتم و جانشینم در امتم هستی و تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی، ولی شما (امت پیامبر) به سنت بنی اسرائیل چنگ زدید و حق را اشتباه کردید.

هم چنین در احتجاج ابی بن کعب با سران حکومت آن روز آمده است که با یادآوری های فراوان از فضیلت های امیرالمؤمنین علیه السلام به داستان وزارت آن حضرت و بقای آن بعد از رسول خدا9 اشاره کرد و گفت: مگر نمی دانید که رسول خدا9 شما را از انحراف درباره علی علیه السلام بیم داده و گفته بود از وصیم و وزیرم و برادرم برنگردید.)(2)(

درباره ابوذر نیز نقل شده است که میان مردم رفته، برای آنان حدیث نقل می کرد و از جمله می فرمود: مردم! با دو گوشم از رسول خدا9 شنیدم که فرمود: علی پیشوای نیکان و قاتل کفار و یاور مظلومان و کوبنده ستم کاران است و شنیدم که آن حضرت از خداوند درخواست کرد که

1-) الاربعین الشیخ ماحوذی، ص342؛ مواقف الشیعه، میانجی، ج1، ص452.
2-) الاحتجاج، ج1، ص137.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

علی علیه السلام را همکار و وزیر او قرار دهد و خداوند هم درخواست او را اجابت کرد و علی علیه السلام را وزیر او قرار داد و فرمود:

«انَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ امَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاهَ وَهُمْ رَاکِعُونَ»، ((1)) ((2))

آنچه تاکنون به عنوان شواهد ذکر شد رهیافتی بود بر این مطلب که وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به رسول خدا9 در همان آغازین خلافت اسلامی مورد توجه خاص امیرالمؤمنین علیه السلام و یاران آن حضرت بوده است که در کنار دیگر احتجاج ها، برای اثبات خلافت و امامت آن حضرت از روایات وزارت، به عنوان یک نص استدلال می کردند که در نتیجه می توان گفت که جامعه آن روز یک جامعه تک صدا و دارای اندیشه واحد نبوده است که مبنای وزارت را تنها به عهده مردم گذاشته باشند، بلکه در اندیشه امیرالمؤمنین علیه السلام و یاران او وزارت در امور دینی امری نیست که هر کس آن را به دست گیرد، بلکه شرایطی دارد و از جمله اینکه وزیر پیامبران در همکاری به امور دینی باید از جانب خداوند انتخاب گردد، کما اینکه این وزارت برای امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان پیامبر9 انجام شد و پس از ایشان نیز دلیلی بر برکناری آن حضرت از این وظیفه سنگین وجود ندارد، بلکه از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام و یاران ایشان، همان گونه که نگارش یافت، این وزارت باقی بود که پس از رحلت رسول خدا9 به نام

1-) مائده، 55.
2-) الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص124.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

امامت یا خلافت یاد می شد که البته از نظر دینی و اجتماعی نیز ضرورت این مطلب باقی بود؛ زیرا در زمان رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مردم به حدی از رشد نرسیده بودند که دیگر در امور دینی نیاز به راهنما نداشته باشند، بلکه این نیاز به روشنی باقی بود.

در آخر بر این نکته تأکید می شود که مبنای اعتقادی شیعه در مورد وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام و بقای آن، برگرفته از اعتقاداتی است که زیرساخت های آن به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانی همانند سلمان، ابوذر، مقداد، عمار یاسرو... پایه ریزی شده بود و در این میان مهم این است که دانشمندان شیعی هر جا نام وزارت امیرالمؤمنین علیه السلام را به میان آوردند مراد معنای ویژه و مفهوم خاصی است که پیوند مستقیم با انتخاب الاهی دارد و از جانب دیگر تفاوت بنیادی با مفهوم وزارت که دانشمندان اهل سنت اراده می کنند، دارد. مبنی بر صرفا سیاسی و اجتماعی بودن آن البته ما ضرورت این گونه وزارت را از جهت قوانین اجتماعی منکر نیستیم و می گوییم تدبیر جامعه و سیاست گذاری ها نیز بخشی از شئون وزارتی امیرالمؤمنین علیه السلام بود.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

فصل نهم: نگاهی به جریان خانه نشینی امیرالمؤمنین علیه السلام و شکیبایی آن حضرت

اشاره

ص: 635

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

در پیوست آنچه تاکنون در فصل های پیشین نگارش یافت، می توان به دو محور مهم اشاره نمود:

الف- از نظر مفهومی و کاربردی واژگان امام، خلیفه، ولی، وصی، حجت، وارث، امیر و وزیر در آیات قرآن و گفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله، کاربرد داشته و با صراحت بازگو کننده ضرورت مسئله جانشینی و پیشوایی پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در گستره وسیع محافظت از دین و نظم امور اجتماعی بودند، چنانچه ضرورت نیاز مردم به وجود امام پس از پیامبر9 از دیدگاه امت اسلامی نیز مسلم و پذیرفته شده تلقی گردید.

ب- از جهت مصداق شناسی نیز آن گونه که در فصل های پیشین نگارش یافت، علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان فرد برگزیده و مصداق روشن برای تمام این واژگان مطرح بود که این خود نمایانگر برگزیده شدن آن حضرت به عنوان جانشین پیامبر9 برای نگهبانی از دین و محافظت از آرمان های آن حضرت بوده است.

بر این اساس طبیعی است که هر کس با دید منصفانه و به دور از هرگونه تعصب به این مسئله نظر افکند، می تواند این انتظار به حق و

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

شایسته را داشته باشد که پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام زعامت و رهبری امت اسلامی را در دست گرفته و همانند آن حضرت مردم را هدایت کند؛ اما روزگار پس از رحلت پیامبر شاهد حوادث تلخ و ناگوار بود که در آن حوادث علی علیه السلام با طغیان آمال و آرزوهای عناصر جاه طلب روبه رو شد و مدت بیست وپنج سال خانه نشین گردید و امت اسلامی از رهبری الهی وخردمندانه ایشان محروم گردید.

حال با این وصف جای این سؤال وجود دارد که چگونه مخالفان آن حضرت فضائل و امتیازات ایشان را نادیده انگاشته، با وجود آن همه تأکید رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره پیشوایی ایشان، کردار خود را برای مردمان آن روزگار توجیه کردند مناسب است در این فصل که به عنوان خاتمه و نگاه پایانی بر آن فصل هاست، با رعایت اختصار به تصویری از رخداد محرومیت امیرالمؤمنین علیه السلام از خلافت، توجیهات مخالفان آن حضرت در این زمینه و نیز موضع امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره اشاره گردد.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

با درگذشت اسف بار پیامبر صلی الله علیه و آله، مدینه

شاهد حوادث ناگوار و دشواریهای فراوان و تلخ کامیهای بسیاری برای خاندان پیامبر9 بود. مردم مدینه که در بحرانی ترین موقعیت در مقابل مشرکان زورمند قریش از پیامبر9 دفاع کرده بودند؛ اینک داغ غم از دست دادن پیامبر9 در سینه هاشان سنگینی می کرد و در فراق آن حضرت اشک ماتم می ریختند. خاندان رسول گرامی و صحابه بزرگوار چون سلمان، ابوذر، مقداد و عمار یاسر در این زمان گرفتار رنج و مصیبت از دست دادن پیامبر9 بودند. علی بن ابی طالب علیه السلام به کمک فضل فرزند عباس بدن مطهر رسول خدا9 را غسل داد و به کمک او و شقران کفن کرد((1)). مورخان نگاشته اند ابوبکر بعد از درگذشت پیامبر9 در کنار بدن آن حضرت حضور پیدا کرده، ((2)) در فراق وی اشک می ریخت و نمی خواست از بدن آن حضرت جدا شود تا اینکه دو نفر به نام های معن بن عدی و عویم بن ساعده نزد عمر و ابوبکر آمده، خبری را در گوش آنان زمزمه کردند که این خبر دگرگونی مشهودی را در چهره شان به وجود آورد.((3)) ابوبکر بدون آنکه کسی را مطلع کند از جایش بلند شد و همراه عمر بیرون

1-) البدایه و النهایه، ج 5، ص 262؛ الطبقات الکبری، ج 2، ص 281.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 354؛ السیره النبویه، ج 4، ص307؛ العواصم من القواصم، ص 60.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 6، ص 3.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

رفت.((1))

غیبت ناگهانی ابوبکر پس از شنیدن آن خبر، در آن موقعیت حساس که بدن پیامبر9 را برای غسل و کفن آماده می کردند، بیان کننده این نکته بود که وی به دنبال کار مهمی رفته است. به نوشته یعقوبی در این هنگام برا ابن عازب با تعجب و حیرت به خانه بنی هاشم آمد و پرده از راز غیبت ابوبکر برداشت و به حاضران اطلاع داد که مردم در سقیفه بنی ساعده با ابوبکر بیعت کرده اند. شنیدن این خبر برای بنی هاشم خصوصا امیرالمؤمنین علیه السلام چنان ناباورانه بود که آنان گفتند: مسلمانان در غیاب ما چنین نخواهند کرد؛ ما به محمد سزاوارتریم.((2))

در همان هنگام یکی از بستگان امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: گمان نمی کردم که خلافت از بنی هاشم بیرون شود مخصوصا که ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام در بین آنان است.((3))

امیرالمؤمنین علیه السلام از تلخی آن روزگار که به کام حضرت ریخته شد، چنین درد دل می کند: به خدا سوگند ابابکر جامه خلافت را بر تن کرد در حالی که می دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی چون محور آسیاب است که آسیاب دور آن حرکت می کند. او می دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه ها، به بلندای ارزش من نتوانند پرواز

1-) الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 328؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 581.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص، 123.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 124؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

کنند. پس من ردای خلافت را رها کرده، دامن را جمع و از آن کناره گیری کردم.((1))

و نیز آن حضرت در نامه خود به اهل مصر، از واقعه دردناک سقیفه این چنین می گوید: «آنگاه که پیامبر9 به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت با یکدیگر درگیر شدند. سوگند به خدا نه در فکرم می گذشت و نه در خاطرم می آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا9 از اهل بیت او باز ستاند یا مرا پس از وی از به عهده گرفتن حکومت بازدارند و تنها چیزی که نگرانم کرد، شتافتن مردم به سوی فلان شخص بود که با او بیعت کردند.»((2))

بر پایه این سخنان دردمندانه امیرالمؤمنین علیه السلام ، کارگزاران سقیفه کار بیعت گیری را چنان زیرکانه و برنامه ریزی شده همراه خشونت انجام دادند، که ابن ابی الحدید می نویسد: علی علیه السلام درمورد

خلافت درد دلهای نهفته ای داشت که به سبب قدرت و خشونت عمر نمی توانست آن را در دوران ابوبکر و عمر اظهار دارد. با کشته شدن عمر و تشکیل شورا و پس از آن که عبدالرحمن ابن عوف از علی علیه السلام روی گردانید و به عثمان رأی داد، وی آن مسایل رنج آور را ابراز کرد. ((3)) در عین حال این حقیقت را نباید نادیده گرفت که مشکلات علی بن ابی طالب علیه السلام و سرپیچی مخالفان او از دستورهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله به یکباره اتفاق نیفتاده است، بلکه سرآغاز گرفتاریهای

1-) نهج البلاغه، خطبه 3.
2-) نهج البلاغه، نامه 62.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 25.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

امیرالمؤمنین علیه السلام کنار گذاشتن آن حضرت از جانشینی پیامبر9 و نادیده گرفتن سخنان آن حضرت درباره جانشینی علی علیه السلام بود. بعد از آن گردانندگان دستگاه خلافت به طور جدی دست به اقدامات پیشگیرانه ای زدند، تا شخصیت علی علیه السلام را از نظر جامعه دورنگهدارند و زمینه دشمنی با حضرت را فراهم نمایند. هجوم ناجوانمردانه مخالفان به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام و فراهم کردن نارضایتی دختر پیامبر9)(1)(یکی از سناریوهای غم باری بود که در زندگی آن حضرت رخ داد و داغی بر داغهای امیرالمؤمنین علیه السلام افزود. آیا به راستی آنان این سخن را به یاد نداشتند که رسول خدا9 فرموده است:

«ایها الناس من اذی علیا بعث یوم القیامه یهودیّا او نصرانیّا»((2))

ای مردم هر کس علی علیه السلام را برنجاند روز قیامت به دین یهود یا نصارا برانگیخته می شود.

بدین سان با ستمی که در حق علی علیه السلام از طرف بعضی صحابیان پیامبر9 روا داشته شد، آن حضرت تا سال 35 هجری (حدود 25 سال) از صحنه فعالیتهای رسمی، سیاسی و اجتماعی کنار بود و در این مدت از هرگونه حرکت ستیزه جویانه بر ضد حکومت

1-) ر.ک الریاض النضره، ج 1، ص 16؛ الامامه و السیاسه، ج 1، ص 13؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 444؛ تاریخ الیعقوبی، ج 1، ص 52.
2-) مسند احمد بن حنبل، ج 3، ص 483؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 122؛تاریخ الخلفا، سیوطی، ص 226.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

دوری جسته، حتی گاهی مصلحت اسلام را در نظر داشت و به گونه ای مسالمت آمیز از انحرافات در جامعه جلوگیری می کرد و خلفا را در حل مشکلاتشان به ویژه مشکلات علمی یاری می رساند.((1))

نشست اعتراض آمیز علی علیه السلام و خشونت حکومتیان

از هنگامی که زمام حکومت در دستان ابوبکر قرار گرفت، علی علیه السلام و یاران و خویشانش به عنوان مخالفان عمده حکومت مطرح شدند. نشستن اعتراض آمیز علی علیه السلام به همراه اصحاب برجسته پیامبر9 و خاندان بنی هاشم در خانه علی علیه السلام ((2)) که یادگار پیامبر9 (فاطمه3) نیز در آن خانه بود، برای خلیفه و کارگزارانش هراس آور و برای حکومت خطر آفرین بود؛ لذا طرح رفتن به خانه علی علیه السلام و آوردن ایشان برای بیعت بسیار زیرکانه ریخته و اجرا شد.

به نقل ابن قتیبه عمر به ابوبکر گفت تا کی به این مرد سرکش (علی بن ابیطالب علیه السلام) مهلت داده، از او بیعت نمی گیری؟ پس از آن به پیشنهاد عمر در ابتدا ابوبکر، قنفذ را به دنبال علی علیه السلام فرستاد. وقتی قنفذ به در خانه علی علیه السلام آمد، ندا داد که خلیفه پیامبر، علی علیه السلام را برای بیعت خواسته است. علی علیه السلام ضمن خودداری ورزیدن از رفتن به قنفذ گفت: چه زود به پیامبر9 دروغ بستید؟ هنگامی که قنفذ پیام علی علیه السلام

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص190؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 6.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص124.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را به ابوبکر رساند، گریه ابوبکر بلند شد. برای بار دوم عمر ابوبکر را برای بیعت گرفتن از علی علیه السلام تحریک نموده گفت: مهلت دادن به این مرد خطرزاست، به او مهلت نده!!! ابوبکر دوباره قنفذ را به دنبال علی علیه السلام فرستاد و گفت: به علی علیه السلام بگو امیرالمؤمنین «ابوبکر» تو را خواسته است. وقتی قنفذ پیام ابوبکر را به علی علیه السلام داد، حضرت فرمود: سبحان الله او ادعای چیزی را کرده است که برای او نیست. قنفذ دوباره با دست خالی برگشت و جریان را برای ابوبکر گزارش داد و باز هم گریه ابوبکر شدیدتر شد.((1)) پس از ناکام ماندن قنفذ و حاضر نشدن علی علیه السلام برای بیعت، عمر به همراهی جمعیتی، به سوی خانه علی علیه السلام روان شدند. در حالی که در دست عمر پاره ای از آتش بود.((2)) وی فریاد می زد: همگی بیرون آمده با خلیفه بیعت نمایید در غیر این صورت به خدا سوگند خانه را با هر که در درون آن است، آتش می زنم. چون فاطمه سلام الله علیهاصدای او را شنید، با ناله ای جانسوز فریاد زد:

«یا ابتا یا رسول الله ماذالقینا بعدک من ابن خطاب وابن ابی قحافه»

ای پدر بزرگوار ای فرستاده خدا بنگر که پس از تو چه چیزها از جانب پسر خطاب و پسر قحافه به ما رسید.((3))

1-) الامامه و السیاسه، ص 11؛تاریخ الطبری، ج 2، ص 232.
2-) انساب الاشراف، ج 1، ص 404؛ اعلام النساء، ج 3، ص 207.
3-) الامامه و السیاسه، ص 12؛مروج الذهب، ج 1، ص 146؛تاریخ الیعقوبی، ج 1، ص 527؛ ماجرای ورود به خانه حضرت زهرا3 به گونه ای بسیار سهمگین و دردناک بوده است، که ما در پی تشریح آن نیستیم. مراجعه شود به کتاب مآساه الزهرأ3، اثر سید جعفر مرتضی عاملی.ایشان باتکیه به منابع اهل سنت جریان ورود به خانه زهرا3 را مفصل آورده است.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

سرانجام مأموران خلیفه در را گشودند. در ابتدا با شمشیر برهنه زبیر رو به رو شدند که کسی شمشیر او را شکست.((1)) پس از آن علی علیه السلام شکیبایی پیشه ساخته، یاران خود را نیز سفارش به بردباری کرد.((2)) زمانی که مهاجمان شکیبایی علی علیه السلام را دیدند بر او تاخته، وی را از خانه بیرون آوردند.

ابن ابی الحدید می نویسد: در حالی که علی علیه السلام را به سوی مسجد می بردند او گاهی از حرکت می ایستاد و خالد بن ولید و همراهانش او را کشان کشان می بردند و با مشت به پشت او می زدند تا به مسجد رسید. از علی علیه السلام خواستند تا با ابوبکر بیعت کند.((3)) بردن امیرالمؤمنین علیه السلام به طرف مسجد چنان با زور و خشونت آمیز بود که معاویه در یکی از نامه هایش به امام علی علیه السلام می نویسد: دستگاه خلافت، تو را همانند شتر سرکشی به بند کشیده شده، کشان کشان برای بیعت سوق داد.((4))

1-) تاریخ الطبری، ج 1، ص 443.
2-) العقد الفرید، ج 2، ص298.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 56
4-) العقد الفرید، ج 4، ص 235.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ابن قتیبه می نگارد: وقتی علی علیه السلام را به مسجد بردند، وی ضمن سر بر تافتن از بیعت، به ابوبکر و عمر گفت: سزاوار است که شما در امر خلافت با من بیعت کنید نه من با شما؛ زیرا شما از انصار خلافت را گرفتید، به این دلیل که از نزدیکان و خویشان پیامبر هستید. حالا می خواهید از ما اهل بیت این حق را بگیرید. حال که چنین است من هم همانند استدلالی که شما با انصار کردید، استدلال می کنم که ما اهل بیت نسبت به پیامبر9 چه در زندگی آن حضرت و چه بعد از آن سزاوارتریم. پس بیایید انصاف را رعایت کنید و دانسته در حق ما ظلم نکنید. عمر به آن حضرت گفت: ما از تو دست بردار نیستیم، جز اینکه با ابوبکر بیعت کنی. حضرت فرمود: ای عمر! امروز نیک بدوش که بهره ای از آن به تو می رسد؛ امروز کار را برای او محکم نما تا فردا به تو باز گرداند. سپس فرمود: قسم به خدا نه سخن تو را می پذیرم و نه بیعت می کنم. پس از آن ابوبکر پا در میانی نموده، به آن حضرت گفت: ما هم تو را اجباری به بیعت نمیکنیم.((1))

1-) الامامه و السیاسه، ص 9 و 10.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

روایات بیعت گرفتن از علی علیه السلام متفاوت نقل شده است. برخی روایات میگوید: علی علیه السلام در همان روزی که او را به مسجد بردند بیعت کرد و بعضی روایات میگوید: علی بن ابیطالب علیه السلام تا همسرش فاطمه زنده بود بیعت نکرد و پس از در گذشت زهرا3 دستگاه خلافت علی علیه السلام را به بیعت فراخوانده آن حضرت بیعت کرد.((1)) به هر حال مسلم است که اگر بیعت هم صورت گرفته باشد، با زور وخشونت بوده است که از جهت قانونی این گونه بیعت ارزش ندارد. اما مخالفان امیرالمؤمنین علیه السلام موفق شدند، به هر بهانه ای قدرت را در دست گرفته و آن حضرت را خانه نشین کنند. پس از آن نیز هیچ گاه دستگاه خلافت دست از مبارزه با علی علیه السلام بر نداشت و با روش های گوناگون سعی داشت، ایشان را به انزوا کشاند، که به برخی از کردارهای حکومتیان اشاره می شود.

1-) صحیح البخاری، ج 2، ص 186؛ اسدالغابه، ج 3، ص 223.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

بهانه های مخالفان در کنار گذاشتن علی علیه السلام

اشاره

گرچه ابوبکر با بیعت گرفتن از عده ای و با رفتار خشونت آمیز با امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش، آن حضرت را خانه نشین کرد و زمام خلافت را به دست گرفت، ولی این به معنای پایان یافتن دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام نبود، بلکه با اندکی تأمل، در رفتارشناسی خلفا با آن حضرت، میتوان به شواهد فراوان دست یافت که آنان، با توجه به شخصیت و سابقه امیرالمؤمنین علیه السلام درمیان امت اسلامی همیشه از ناحیه ایشان برای تداوم حکمرانی خود، احساس خطر کرده و از همان زمان استقرار خلافت خلیفه اوّل، تا پایان خلافت سومین زمامدار(عثمان) زیرکانه به مقابله با وی بر خاستند و همواره به عنوان یک اولویت کاری سعی داشتند آن حضرت را به انزوای سیاسی واجتماعی بکشانند. هدف اصلی آنان این بود، که آن حضرت را در جامعه کوچک جلوه دهند و لیاقت وی را برای احراز خلافت، زیر سؤال برند؛ از این رو نسبتهای ناروایی مانند جوان بودن، حریص بودن وشوخ طبع بودن به ایشان دادند که به اختصار اشاره میشود.

الف - جوان بودن

موضوع سن کم علی بن ابیطالب علیه السلام که مهمترین عذر برای کنار گذاشتن ایشان به وسیله ی مخالفان بود، نخستین بار بعد از گردهمایی سقیفه به وسیله ی ابوعبیده جرّاح مطرح شد. بر پایه برخی گزارشات امیرالمؤمنین علیه السلام از بیعت کردن با

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ابوبکر خودداری میکرد و می فرمود: خودتان می دانید من از شما به خلافت سزاوارترم، پس شما با من بیعت کنید نه من با شما؛((1)) که در این میان ابوعبیده از راه نصیحت وارد شده به آن حضرت گفت: یا علی! تو جوان هستی، اینان (ابوبکر و عمر) از سالمندان قوم تو هستند و تو تجربه و شناخت آنان را نداری. با ابوبکر بیعت کن و اگر زنده ماندی (و سن و سال از تو گذشت) به دلیل دین، علم، فهم، سابقه و نسبی که تو داری پس از ابوبکر در خلافت سزاوارتری.((2))

عمر نیز در یکی از گفت وگوهایش با ابن عباس جوانی علی علیه السلام را، علت برکناری او از خلافت دانست. ابن عباس می گوید: همراه عمر به بقیع رفته بودم، سخن از علی علیه السلام به میان آمد عمر گفت: فرزند عباس! گرچه علی علیه السلام بعد از پیامبر9 به خلافت سزاوارتر از همه بود ولی جوانی و کم تجربگی او و علاقه فراوان او به فرزندان عبدالمطلب سبب شد که ما او را رها کنیم.((3))

روزی سلمان از جمعی بیعت کننده با ابوبکر سؤال کرد که چه شد با وجود اهل بیت: دست در دست ابوبکر دادید؟ جواب دادند: چون ابوبکر دارای سن بیشتر بود. سلمان گفت: شما بر صاحب سن رسیدید، ولی نسبت به اهل بیت: اشتباه کردید، اگر خلافت را به آنان واگذار می کردید گرفتار

1-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124
2-) الامامه و السیاسه، ص 10؛ شرح نهج البلاغه، ج6، ص 5.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اختلاف نمی شدید.((1))

طبرسی در کتاب «احتجاج» می نویسد: ابوبکر بعد از رسیدن به خلافت به پدرش ابوقحافه نامه نوشت تا وی به مدینه بیاید. ابوقحافه از آورنده نامه پرسید: چه شد که از علی علیه السلام روی برگرداندید؟ وی گفت: چون علی علیه السلام کم سن بود و از طرفی ابوبکر از او مسن تر بود. ابوقحافه گفت: اگر خلافت برای مسن ترین باشد من از فرزندم سزاوارترم. تردید ندارم که در حق علی علیه السلام ستم روا شده است. ((2))

به راستی که این بهانه به اندازه ای واهی و به دور از واقعیت است که آنان توجه نداشتند که رسول گرامی اسلام بارها علی علیه السلام را با همان سن کم به ماموریتهای ویژه ای روانه کرد؛ مانند فرستادن او برای قضاوت به یمن، ((3)) یا واگذار کردن سمت فرماندهی در بیشتر جنگها به علی بن ابی طالب علیه السلام . مگر همینها نبودند که در زمان پیامبر9 به فرماندهی اسامه اشکال گرفتند که او بر پیران فرمانده شده و پیامبر9 با شدت تمام از این تفکر جلوگیری کرد؟((4))

هم چنین در آخرین روزهای عمر رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایشان سپاهی از لشکریان اسلام به فرماندهی اسامه جوان اعزام کرد که در تحت فرمان او پیران، ((5)) و صحابیان سرشناسی همانند ابوبکر،

1-) شرح نهج البلاغه، ابی ابی الحدید، ج 6، ص17.
2-) الاحتجاج، ص 252.
3-) فضایل الصحابه، ج 2، ص 15؛ طبقات الکبری، ج 2، ص337.
4-) رک المقتف من سیره رسول للّه9، ج، ص 236.
5-) تاریخ الطبری، ج 2، صص 224 - 226؛الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 318.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

عمر بن خطاب، ابوعبیده جراح و سعد بن ابی وقاص قرار داشتند.((1)) درحقیقت این سیره رسول اکرم نشان دهنده این امر است که لیاقت افراد در زیادی سن نیست، بلکه ملاک شایستگی افراد در دانایی آنان است. سرانجام اینکه جوان بودن امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از دست آویزهایی بود که مخالفان، آن حضرت را برای محرومیت ایشان از خلافت بهانه قرار داده بودند.

ب - ریاست طلبی

موضوع رنج آور دیگری که مخالفان علی علیه السلام علیه آن حضرت به کار بستند، اتهام ریاست طلبی به ایشان بود. آنان بارها و بارها آن حضرت را با این طعنه آزار داده و در نزد مردم وانمود می کردند که علی علیه السلام به خلافت حریص است.

روزی سعد بن ابی وقاص به آن حضرت گفت: ای فرزند ابوطالب! چقدر به خلافت علاقهمند و حریص هستی؟ علی علیه السلام در جواب گفت: به خدا قسم تو و همراهانت از من به خلافت حریص ترید، در حالی که از نظر امتیازات و ویژگی ها و موقعیت به پیامبر9 از من دورتر هستید و من به او نزدیکترم. من حق خویش را می خواهم و شما میان من و حقم مانع می شوید و من را از آن باز می دارید.((2))

1-) طبقات الکبری، ج 4، ص 136؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص93؛ الاصابه، ج 8، ص 124.
2-) نهج البلاغه، خطبه172.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ج - شوخ طبعی

یکی دیگر از دسیسههایی که مخالفان و ستیزه جویان علیه علی علیه السلام به کار گرفتند شوخ طبعی علی علیه السلام بود که اگر او با آن طبع شوخ خود زمام امور را به دست گیرد مردم از فرامین او سرباز می زنند؛ پس ما در سقیفه بیعت گیری را به راه انداختیم تا از فتنه و آشوب جلوگیری کنیم، زیرا عرب نمی توانست علی علیه السلام را تحمل کند. ((1)) بهانه ی شوخ طبعی علی علیه السلام به عنوان یک عیب بر او تا سالها بعد از سقیفه نیز مطرح بوده است. در همین رابطه ابن عباس گوید: من وقت احتضار عمر بر بالین او حاضر بودم. او به من گفت درباره امت محمد بعد از خودم سرگردانم و نمی دانم چه کنم. من گفتم: اگر علی علیه السلام را بگماری لیاقت دارد؟ او در جوابم گفت: علی علیه السلام شوخ طبع است و نمی تواند مردم را اداره نموده، به کارهاشان نظم بخشد. ((2))

عجیب آن است که عمر در زمانی که شش نفر را در شورا برگزید، هر کدام را متهم به صفتی کرد و در این میان علی علیه السلام را فردی شوخ طبع معرفی کرد.((3))

شگفتا از جامعه آن روز که فریب دسیسه ها و نیرنگهای دستگاه حکومت را خوردند و علی بن ابی طالب علیه السلام را به بهانه شوخ طبعی پس زدند و عمر را با آن شدت و خشونت در رفتار و گفتارش پذیرا شدند. چنانچه در رابطه با خشونت خلیفه دوم دانشمندان اهل سنت از جمله ابن ابی الحدید

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 12، ص 116.
2-) انساب الاشراف، ج 5، ص 16؛ شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 62.
3-) تاریخ مختصرالدول، ص 103؛ شرح نهج البلاغه، ج1، ص 62.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

اعتراف کرده اند که عمر هر وقت به یکی از بستگانش غضب می کرد آرام نمی گرفت مگر این که دست خود را به دندان می گرفت تا خون می آمد.((1))

یا گفته است که: عمر در رفتار اجتماعی خود چنان خشونت داشت که معروف است که تازیانه خشم عمر، از شمشیر حجاج برنده تر است.((2))

ارزیابی افکارعمومی نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام

اشاره

برای تبیین هر چه بهتر اوضاع اجتماعی مدینه پس از رحلت پیامبررسول اکرم صلی الله علیه و آله، به دنبال این هستیم که با تکیه بر روایات موجود در کتابهای شیعه و سنی غبار از چهره بعضی از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام برداشته آنان را شناسایی کنیم؛ زیرا بر پایه بعضی گزارشات از اوضاع آن روز جامعه اسلامی، چنین برمی آید که همگان به آن حضرت پشت کرده و امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ گونه شانس اجتماعی برای رسیدن به خلافت نداشت و چه بسا بر اساس همین گزارشات سهم پیروزمندان سقیفه نسبت به مظلومیت اهلبیت: کوچک جلوه داده شد و گناه اصلی بر گردن جامعه آن روز افتاد که آماده پذیرش خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نبودند؛ در حالی که این چنین نیست؛ زیرا در میان امت اسلام کسانی بودند که خواهان به قدرت رسیدن خاندان رسالت بودند ولی عواملی مانند خشونت خلفا و صبر امیرالمؤمنین علیه السلام از به میدان کشیده شدن آنان جلوگیری کرد.

با نگریستن دقیق به وضعیت اجتماعی آن روز

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص119.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 60.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

مدینه با سه گروه روبه رو می شویم: 1- طرفداران علی علیه السلام ؛ 2- بی تفاوت ها؛ 3- دشمنان هدفمند.

الف - طرفداران علی علیه السلام

جای تردید نیست که پیامبر9 برای معرفی اهل بیت خود خصوصا معرفی علی علیه السلام هیچ گونه کوتاهی نکرده بود و حال سؤال این است که آیا تمام دوستاران پیامبر9، صحابیان و انصار سخنان آن حضرت را نادیده گرفته، کمر بر ستم به خاندان پیامبر9 بستند یا اینکه در آن میان کسانی بودند که از اهل بیت جانبداری کردند؟

آنچه از تاریخ آن روزگار به دست ما رسیده اغلب از منابع غیر شیعه و به وسیله تاریخ نگاران عهد اموی و عباسی است که همواره سعیشان در کمرنگ جلوه دادن جایگاه اجتماعی امیرالمؤمنین علیه السلام و برخورد مغرضانه با طرفداران حضرت بوده هست ولی در عین حال مواردی در گزارش های آنان ثبت شده است که در جای خود برای پی بردن به موقعیت اجتماعی اهل بیت: ارزشمند بوده و اینکه وجود آنان تهدیدی برای خودکامگی و خودسری های حکومتیان بوده است.

ابن ابی الحدید از استادش نقل کرده است که بعد از شکلگیری سقیفه، بعضی بزرگان صحابه بودند که وجود نص بر خلافت علی علیه السلام را گاهی آشکارا و گاهی مخفیانه به مردم می گفتند و نیز به خلفا گوشزد می کردند که پیامبر9 علی علیه السلام را به جانشینی خود تعیین کرده است. مسئولان هم منکر نمی شدند، فقط در جواب آنان می گفتند: ما فتنه

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

را خواباندیم.((1))

یعقوبی می نویسد: مخالفان خلافت ابوبکر و طرفداران خلافت علی علیه السلام عبارت بودند از عباس بن عبد المطلب، فضل بن عباس، طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، براء بن عازب و ابی بن کعب((2)) و بنابر بعضی گزارش ها عدّه ای از اینان تصمیم به شورش علنی بر ضد ابوبکر داشتند که عبارت بودند از شش نفر از مهاجران به نامهای 1 - خالدبن سعید بن عاص از بنی امیه 2- سلمان فارسی 3 - ابوذر غفاری 4 - مقداد 5 - عمار یاسر 6 - بریده اسلمی و بقیه آنان نیز از انصار بودند به نامهای: 1 - ابوالهیثم بن التیهان 2 - سهل بن حنیف 3 - عثمان بن حنیف 4 - خزیمهٌ بن ثابت 5 - ابی بن کعب 6 - ابو ایّوب انصاری.

وقتی که ابوبکر بالای منبر رفت آن 12 نفر با هم به مشورت پرداختند. بعضی از آنان گفتند: سوگند به خدا به سوی ابوبکر می رویم و او را از منبر پایین می اوریم. بعضی گفتند: به خدا سوگند اگر چنین کاری کنید، خود را به دست خود به هلاکت می اندازید. مگر خداوند نفرموده:

«لاتلقو بایدیکم الی التّهلکه»((3))

بعد با هم به این نتیجه رسیدند که خدمت علی علیه السلام برویم و با او مشورت کنیم. آن دوازده نفر خدمت امام آمدند گفتند: ای علی! تحقیقا شما بهترین فرد به مقام رهبری هستید؛ زیرا ما

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) بقره، آیه195

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

از رسول خدا9 شنیدیم که فرمود:

«علیٌ مَعَ الحق والحقُ مع علیٍ یمیل مع الحق کیف مالَ»، ((1))

علی علیه السلام با حق است، و حق با علی علیه السلام است. هر جا که حق باشد علی علیه السلام هم همانجاست.

سپس گفتند: ما تصمیم گرفته ایم نزد ابوبکر برویم و او را از بالای منبر پایین آوریم. حالا به حضورتان رسیده ایم تا با شما مشورت کنیم. علی علیه السلام فرمود: اگر چنین کنید بین شما و آنان جنگ واقع می شود و شما در برابر آنان از سرمه در چشم و نمک در طعام بیشتر نیستید. ولی به نزد ابوبکر بروید، آنچه از پیامبر9 درباره من شنیده اید به او بگویید. آن دوازده نفر به مسجد رفتند. وقتی که ابوبکر بالای منبر رفت، هر یک از آنان سخن خود را به طور مستدل از زبان پیامبر9 درباره

فضایل علی علیه السلام ابراز کردند و از حق علی علیه السلام دفاع کردند. نخست خالد بن سعید شروع به سخن کرد؛ سپس بقیه 12 نفر سخنانشان را گفتند. ابوبکر در جواب آنان درمانده شد و نتوانست چیزی بگوید و مدت سه روز در خانه نشست و در روز سوم عمر بن خطاب با عده ای از یاران خود به خانه ابوبکر رفته، او را از منزلش بیرون آوردند. یکی از اطرافیان عمر به آنان اعلام کرد که اگر کس دیگری از شما معترضان برگردد و گفته های پیشین را بازگوید با شمشیرهای خود او را پاره پاره می کنیم و آنان هم بعد از آن بنا به مصلحت اسلام ساکت

1-) ینابع الموده، ج 1، ص 55.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

ماندند.((1))

ولی در برخی اوقات طرفداران امیرالمؤمنین علیه السلام جلسات مخفیانه ای برگزار می کردند و وضعیت موجود را بررسی می کردند. در همین رابطه براء بن عازب می گوید: یک شب از خانه بیرون آمدم و به مسجد پیامبر9 رفتم. در تاریکی شب و در گوشه ای صدای همهمه ای شنیدم، خواستم بیرون بروم که آنان مرا صدا زدند؛ نزد آنان رفتم؛ دیدم مقداد، عبادهؓ بن الصامت، سلمان، ابوذر، حذیفه و ابوالهیثم بن التیهان در کنار هم نشسته اند و از غصب خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام سخن می گویند. من هم با آنان در آن گفت و گو شرکت کردم، ولی به نتیجه ای نرسیدیم تا این که با هم به در خانه ابن ابی کعب رفتیم و با او هم قضیه را در میان گذاشتیم که او ما را دعوت به سکوت و آرامش کرد.((2))

یعقوبی می گوید: «وقتی در فردای سقیفه مشاجره بین مهاجر و انصار به وجود آمد، ابوبکر و عمر سخنان خود را گفتند و وقتی نوبت به عبدالرحمن بن عوف رسید، او گفت: ای گروه انصار! ما فضل شما را منکر نیستیم ولی در بین شما کسی مانند ابوبکر و عمر نیست. در این هنگام حباب بن منذر بلند شده، گفت: در بین شما مهاجران مردی است که اگر او خلافت را ادعا کند کسی با او نزاع نمی کند؛ یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام .»((3)) حتی عده ای از انصار که ابتدا با ابوبکر بیعت کرده بودند بعداً پشیمان شدند و

1-) خصال صدوق، ج 2، ص 228 تا 234.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 132.
3-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 123.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمدند که با آن حضرت بیعت کنند ولی حضرت به آنان جواب مثبت نداد.((1))

برخی دیگر از انصار نیز که اقدام به بیعت با ابوبکر کرده بودند به اشتباه خود پی بردند و حسان بن ثابت و فضل بن عباس را واسطه قرار دادند تا امیرالمؤمنین علیه السلام را برای بیعتگیری حاضر کنند؛ زیرا کسی در فضل و سابقه همانند او نیست و او محافظ دین پیامبر9 و برادر و وصی آن حضرت و آگاه به کتاب خداست.((2))

ابن ابی الحدید گوید سعد بن عباده بعد از شکست در سقیفه، همواره از فضایل و منزلت علی علیه السلام یاد می کرد. روزی فرزندش قیس او را سرزنش کرد و گفت: تو با وجود این فضایل بر علی علیه السلام باز هم ادعای خلافت نمودی؟((3))

گرچه این عده از طرفداران علی علیه السلام نتوانستند اقدام مؤثری در برگرداندن حق علی علیه السلام داشته باشند، ولی در عین حال آثار کارهای آنان به قرار زیر می باشد:

1- روشن نگه داشتن فتیله محبت اهل بیت:؛ زیرا در آن روزگار که حقوق اهل بیت: از هر جهت ضایع شده بود و آنان در تنگنا قرار داشتند، تنها اینان از حقوق اهل بیت: دفاع می کردند.

2- آنان تهدیدی بودند برای خلفا تا نتوانند اسلام را به طور کامل به دلخواه خود تبیین و تفسیر و بیشتر تخریب کنند.

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 6، ص 9.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 128.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 6، ص 18.

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.

3- جلوگیری از نفوذی های درباری (مانند کعب الاحبار) که به عمد می خواستند خرافات را به اسلام وارد کنند.

و بودند در میان یاران علی علیه السلام کسانی که در این راه شکنجه، تبعید شدن، شهادت و... را به جان خریدند.(گیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160." (class="content_notelink" href="#content_note_658_1">(1

)

ب - بی تفاوت ها

در رویدادهای اجتماعی بعضی افراد هستند که موضع روشن و قاطعی ندارند و با کم توجهی تنها نظاره گر حوادث و اتفاقات هستند و تقلیدگری بی چون و چرا می باشند.

بعد از رحلت پیامبر9 و رخداد سقیفه، در مدینه و اطراف آن جمع زیادی از مسلمانان بودند که به امور سیاسی و اجتماعی کاری نداشتند. در نتیجه اگر از قدرت یافتگان موج آفرین جانب داری می کردند، غرضشان دشمنی با اهل بیت پیامبر9 نبوده است، بلکه چون رای و اراده قوی از خود نداشتند، تسلیم امواج طوفان زا بودند و اگر دیگری به قدرت دست می یافت نیز شیوه ای جز این اختیار نمی کردند.

ابن ابی الحدید از استاد خود در این باره چنین نقل می کند:

گروهی از مردم که اکثریت را تشکیل می دادند و در همه ادوار یافت می شوند، کسانی هستند که از خود رأی ثابت و فکر قوی ندارند و به هر

1-) برای پی بردن به سرنوشت یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و موضعگیری آنان مراجعه شود به تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص170؛ مصنف عبدالرزاق، ج5، ص449؛ الامامه و السیاسه، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ج، ص 160.

طرفی که باد بوزد آنان نیز به همان طرف متمایل می شوند؛ اینان تقلیدگر هستند. نه پرسشی دارند، نه افکاری و نه بحث و جدل می کنند. همیشه تابع و پیرو قدرت حاکم هستند و اگر نماز را هم از برنامه بردارند آنان نیز آن را ترک می کنند. به همین علت بود که دستورهای صریح پیامبر9 در مورد خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام پایمال و کهنه گردید و بیعت با ابوبکر قوت گرفت.((1))

این واقعیت را نباید از یاد برد که وجود چنین افرادی در جامعه خطرآفرین است و بیشتر آنان یا جاده صاف کنانی برای رسیدن دشمنان به نیاتشان بوده، یا شعاردهندگانی بودند که بر سیاهی لشکر دشمن فزونی میبخشیدند.

ج - دشمنان دیرینه علی علیه السلام

علاوه بر دو گروهی که برشمردیم گروه سومی نیز در مدینه وجود داشت که ستیزه جویی خودشان را به گونه ای زنجیره ای علیه علی علیه السلام ابراز کردند که آنان عبارت بودند از:

پیروزمندان سقیفه؛ در میان این گروه بعضی از صحابه باسابقه پیامبر9 وجود

داشتند که مصمم بودند به هر طریقی که شده مانع از به قدرت رسیدن علی علیه السلام بشوند. از خصوصیات این دسته این بود که به گونه ای بسیار منظم و دقیق برای سست کردن جایگاه اجتماعی ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره پیامبر علیه السلام کسب کرده بود، فعالیت

1-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص117.

می کردند. گرچه وجود رگه هایی از چنین دشمنان سرسخت برای علی علیه السلام را می توان در دوره حیات پیامبر9 نیز پیدا کرد؛ چنانکه در برخی منابع اهل سنت آمده است هنگامی که پیامبر9 در غدیر خم علی علیه السلام را بعد از خود به عنوان ولی(سرپرست) معرفی کرد شخصی به نام نعمان بن حارث فهری نزد پیامبر9 آمد و گفت: ای محمد! ما را به خدای واحد، رسالت خودت، انجام جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دعوت کردی و ما پذیرفتیم. آیا راضی نشدی که حال پسر عموی خود را بر ما امیر ساختی؟ نمی دانم این حکم از طرف خداست یا نظر شخصی توست. رسول خدا9 فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست این حکم از طرف اوست. آن مرد پس از شنیدن این جواب خشمناک سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر آنچه محمد9 درباره علی علیه السلام می گوید از طرف توست سنگی از آسمان فرود آید و مرا هلاک کند. هنوز سخن او به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و او را به هلاکت رسانید.((1))

گرچه نعمان بن حارث به دلیل دشمنی با علی علیه السلام تاب پذیرفتن حکومت علی علیه السلام را نیاورد و از خداوند تقاضای مرگ کرد، اما وقایعی که بعد از وفات پیامبر9 اتفاق افتاد حکایت از آن داشت که کسان دیگری نیز در جامعه آن روز بوده اند که نسبت به علی علیه السلام همان

تفکر نعمان بن حارث را داشته اند و به عنوان رقبای نیرومند در اندیشه

1-) شواهد التنزیل، ج 2، ص 266؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 502؛ الجامع لاحکام القرآن، ج 8، ص278؛ تذکیره الخواص، ص 30.

و طرح برکناری علی علیه السلام از زمامداری و جانشینی پیامبر9 بوده اند و بعد از پیامبر9 به یک باره همانند گروهی همدست و ریشه دار((1)) موفق شدند تا 25 سال علی علیه السلام را از صحنه خارج کنند و زمام امور را به دست گیرند. چنان که حضرت فاطمه زهرا3 بعد از شنیدن قضیه نعمان بن حارث پی به پیمان شکنی و دورویی عده ای از صحابه پیامبر9 برده به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر نعمان بن حارث تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.((2))

ابن ابی الحدید می نویسد: به نظر شیعه جریان سقیفه به صورت ناگهانی و بدون تصمیم قبلی به وقوع نپیوسته است. بعد شعری از شاعر عرب محمد بن هانی مغربی بر تایید این نظریه شیعه آورده است.

ولاکن امرا کان ابرم بینهم و آن قال قوم فلته غیر مبرم

خلافت موضوعی بود که میان آنان قبلاً محکم کاری شده بود گرچه گروهی گفتند امری ناگهانی بوده و از پیش تنظیم نیافته است.((3))

1-) در بعضی مدارک شیعه و سنی نشانی از این است که بعضی از صحابه پیامبر9 عهدنامه ای با هم تنظیم کرده بودند که بعد ازپیامبر9 زمامداری رابه دست گیرند. مراجعه شود به ارشاد القلوب، ج2، ص 112؛ بحارالانوار، ج 28، ص 86؛ خصال صدوق، ص499؛ سنن بیهقی، ج7، ص 23؛ الاستیعاب، ج 3، ص980.
2-) السیره الحلبیه، ج 3، ص 308.
3-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 132.

شکی نیست که گردانندگان سقیفه چنان با دقت عمل کردند که توانستند مردم را از پذیرش زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام منحرف کرده و زمینه دشمنی با علی علیه السلام را برای آیندگان فراهم کنند. چنان چه هنگامی که محمد فرزند ابوبکر در پی نامه ای، معاویه را از نافرمانی علی علیه السلام نکوهش کرد و معاویه در پاسخ نامه وی این چنین جواب داد: «آن چه من در پیش گرفته ام به پیروی از دو زمامدار نخست است. من و پدرت (ابوبکر) فضل و برتری فرزند ابوطالب را می دانستیم و حق او را برخود لازم می شمردیم. پدر تو و عمر نخستین کسانی بودند که حق علی علیه السلام را غصب کردند. این دو بر طبق نقشه قبلی دست همکاری به یکدیگر دادند، سپس علی علیه السلام را به بیعت خود خواندند. چون علی علیه السلام خودداری کرد درباره او تصمیم های ناروا و اندیشه های خطرناک گرفتند. بنابراین آنچه اکنون برآنیم اگر راه حقیقت یا باطل باشد پدر تو پایه گذار آن است و ما شریک های او هستیم. اگر پدرت چنین نمی کرد، ما هرگز با فرزند ابوطالب مخالفت نمی کردیم و مسند خلافت را به او واگذار می کردیم؛ ولی پدر تو پیش از ما چنین سیاستی درباره وی پیش گرفت؛ ما هم مانند پدرت با او رفتار کردیم. حال یا بر پدرت عیب گیر یا از سرزنش ما دست بردار.»((1))

خلیفه اول و دوم چنان علی علیه السلام را از نظرها دور نگه داشته بودند، که حتی اگر کسی می خواست روایتی از آن حضرت نقل کند، نمی توانست آن روایت را با صراحت به آن حضرت نسبت دهد و به ناچار می گفت «مردی از اصحاب پیامبر9 یا مردی

1-) مروج الذهب، ج 3، ص 21؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 284؛ الانساب الاشراف، ج 2، ص 31 و397.

از قریش چنین گفت» نیز برخی می گفتند «ابو زینب چنین فرمود.»((1)) یکی از مستشرقان می نگارد: ابوبکر در سخنرانی اش همه ی کوشش خود را به کار برد که در این جریان نام علی علیه السلام به میان نیاید. او حق قریش برای حکومت را بر این ادعا قرار داد که اعراب فقط از قریش اطاعت خواهند کرد نه به دلیل خویشاوندی آنان با محمد9.((2))

البته آنچه تا اینجا از مخالفان علی علیه السلام شمرده ایم، همه ی مخالفان آن حضرت نبوده است، بلکه اینها فقط نمونه ای از موضع گیری مردم آن روز مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با همدستی یارانشان همانند سعد بن ابی وقاص، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و... ((3)) فضای مه آلودی را در مدینه به وجود آورده بودند، که چهره تابناک امیرالمؤمنین علیه السلام مخفی بماند و آن حضرت حالت انزوا اختیار کند.

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 300.
2-) جانشین حضرت محمد9، ص 60.
3-) السیره النبویه، ج 1، ص267.

علل دشمنی با علی علیه السلام

اشاره

شکی نیست که اظهار محبت و دشمنی هایی که در جامعه به وسیله ی افراد نسبت به یک شخص صورت میگیرد، علل و ریشه هایی دارد که وارسی کردن و پرداختن به آن علل، بهترین راه برای شناسایی فردی است که مورد دوستی و دشمنی قرار گرفته است است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اسلام از آن افراد برجسته و نادری است که همواره دوستان سر از پا نشناخته ای داشته که تا سر حد جان به آن حضرت محبت داشته اند و در عین حال دشمنانی داشته است که خصمانه ترین و بدترین نوع دشمنی را با آن حضرت داشته اند.

حال دوست داشتن آن حضرت با توجه به شخصیت برازنده ای که ایشان داشتند و نیز روایات رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت دوستی ایشان چندان جای سؤال نیست. همان طور که از زید بن ارقم نقل شده است که پیامبر9 فرمود: کسی که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد باید علی علیه السلام را دوست داشته باشد؛ زیرا او کسی را از راه راست بیرون نمی کند و هم چنین به گمراهی نمی اندازد.((1))

عمار یاسر می گوید: «پیامبر9 به علی علیه السلام فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست داشته باشد و وای بر کسی که تو را دشمن دارد.»((2))

نیز فرمود: یا علی! کسی تو را دوست ندارد

1-) الریاض النضزه، ج 2، ص 215؛ مجمع الزوائد، ج9، ص 111؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 68؛ ذخائر العقبی، ص 16.
2-) المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص135؛ مجمع الزوائد، ج9، ص132؛ تاریخ البغداد، ج9، ص71.

جز این که مؤمن باشد و دشمن ندارد جز این که منافق باشد.((1))

ناگفته پیداست که این روایات و فضایل که برای علی علیه السلام برشمردیم افرادی را متوجه علی علیه السلام می کند.

اما دشمنی هایی که نسبت به آن حضرت انجام می گرفت علل و ریشه هایی دارد که به برخی از آنان اشاره می شود:

1 - حسادت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام9، آورنده دین و تشکیل دهنده حکومتی بود که بر هم زننده شکوه و عظمت خیل عظیمی از کسانی بود که در سایه نظام فرسوده قبیله ای به آن عظمت و شکوه رسیده بودند. مدیریت قوی و پیام متین آن حضرت توانست سران قبایل را به تسلیم وا دارد، امّا هیچ گاه کینه و حسادت آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بین نرفت. آن حضرت را به سختی تحمل می کردند و زمانی که دشمنان پیامبر9 اطمینان یافتند که با اصل نبوت آن حضرت توان مقابله ندارند، به ناچار خشم و کینه خود را در دل نگه داشتند. طبیعی بود که رحلت پیامبر9 بهترین فرصت برای آنان بود تا کینه ها و حسادتهای دیرین خود را که نسبت به پیامبر9 داشتند، با خاندان آن حضرت خصوصا نزدیکترین فرد به ایشان یعنی علی علیه السلام تصفیه نمایند. دشمنان پیامبر9 که علی علیه السلام را نسخه دوم آن حضرت می دانستند تا در توان

1-) فضایل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 1، ص 563.

داشتند با علی علیه السلام ستیز نمودند تا او در جامعه، زمینه اجرایی پیدا نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: عرب از کار محمد9 متنفر بود و نسبت به آنچه خدا به او عنایت کرده بود حسادت می ورزید و... آنان از همان دوره پیامبر9 نیز می کوشیدند که کار را پس از رحلت آن حضرت از اختیار اهل بیت: خارج کنند و اگر قریش نام او را وسیله ای برای سلطه و نردبانی برای ترقی خویش نمی دید حتی یک روز هم پس از رحلت پیامبر9، خدا را نمی پرستیدند و به ارتداد می گراییدند. ((1))

ابن ابی الحدید علت حسادت به علی علیه السلام را به نقل از استاد خویش چنین آورده است: برخی به سبب خویشاوندی علی علیه السلام با پیامبر9 به حکومت او رضایت ندادند که می توان منافقان را از این دسته نام برد، که به نبوت اعتقاد قلبی نداشتند. اینان همگی دست به دست هم دادند تا خلافت را از علی علیه السلام بگیرند و به دیگری واگذارند و شخصیتهای سرشناس آنان گفتند ما از ترس بروز فتنه، خلافت را از او بازداشتیم و می دانستیم که عرب از او اطاعت نخواهد کرد.((2))

عمر بن خطاب برای ابن عباس از علت دشمنی با علی علیه السلام این چنین پرده برداری کرد: ابوبکر برای این علی علیه السلام را کنار زد که مردم نمی خواستند نبوت و خلافت در شما جمع شود. ابن عباس می گوید: به او گفتم مگر از ما خاندان، به مردم غیر از خوبی چیز دیگری رسیده است؟((3))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص298.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 116.
3-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 134.

2 - کینه و حسادت به شخص امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی از عمده ترین دلایل دشمنی مردم با علی علیه السلام کینه و حسادت هایی بود که قبایل عرب به خصوص قریش و برخی مهاجران نسبت به آن حضرت داشتند، زیرا بیشتر قبایل در نبرد با رسول خدا9 شرکت کرده بودند و فرد یا افرادی از آنان به دست علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شده بود.

رسم قبایل چنین بود که اگر کسی از قبیله آنان کشته می شد همه افراد قبیله و نیز هم پیمانان آنان وظیفه داشتند از قبیله قاتل انتقام گیرند. بازماندگان کشته شدگان به دست علی علیه السلام در زمان پیامبر9 فرصتی برای انتقام به دست نیاوردند؛ اما دلهای آنان از کینه نسبت به علی علیه السلام پر بود، تا این که بعد از پیامبر9 آن کینه ها نمایان شد. چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: به خدا سوگند من از پشتیبانان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد... مرا با قریش چه کار؟ به خدا قسم وقتی که کافر بودند با آنان جنگیدم.((1)) امام علی علیه السلام این سخنان دردمندانه را وقتی گفته اند که گرفتار دشمنی ها و انتقام گیری قریش شده بود.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: روحیه مخالفان علی علیه السلام پس از گذشت یک ربع قرن عوض نشده بود و از عداوت و کینه ای که در دوران پیامبر9 و پس از درگذشت آن حضرت نسبت به علی علیه السلام داشتند کاهش نیافته بود و حتی فرزندان قریش،

1-) نهج البلاغه، خطبه 33.

نوجوانان و جوانان آنان که شاهد حوادث خونین جنگهای صدر اسلام هم نبودند و قهرمانی های علی علیه السلام را در جنگهای بدر و احد و... بر ضد قریش ندیده بودند؛ همانند نیاکان و پدران خود سرسختانه با علی علیه السلام عداوت ورزیده و کینه او را به دل داشتند.((1))

ابن عباس می گوید: روزی عثمان به علی علیه السلام گفت یا علی! مردم خواهان تو نیستند، زیرا تو در جنگ بدر تعدادی از آنان را به قتل رساندی که هنوز فراموش نکرده اند.((2))

موضع شکیبانه علی علیه السلام در برابر دشمنان

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شتاب مهاجر و انصار به سوی سقیفه برای به دست گرفتن جانشینی آن حضرت هر لحظه بیم آن می رفت که در مرکز اسلام (مدینه) جنگ داخلی میان مسلمانان روی دهد و سرانجام جامعه اسلامی به انحلال گراید، خصوصا اینکه داماد و عمو زاده پیامبر9، علی بن ابی طالب علیه السلام ، یکی از پرسابقه ترین افراد در میان اصحاب پیامبر9 به عنوان مخالف دستگاه حکومت شناخته می شد. بر پایه برخی گزارشات عده ای از روی اخلاص و عده ای هم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان مانند معاویه، برای بازگرداندن خلافت به ایشان تلاش زیادی کردند. چنانچه بزرگان و افراد صاحب نفوذی همانند عباس عموی پیامبر9، دلسوزانه به امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد

می کردند

1-) شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 61.
2-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 8، ص 380.

که دست خود را باز کنید تا با شما بیعت کنیم و مردم بگویند عموی رسول خدا9 با عموزاده ایشان بیعت کرده است. آنگاه حتی دو نفر هم در مورد تو دچار اختلاف نخواهند شد. امام در پاسخ می گوید: آیا کسی جز من توقع دارد به خلافت دست یابد؟((1))

و نیز در ادامه همین نیات خیر خواهانه صحابیان خوش سابقه مانند طلحه، زبیر، خالد بن سعید، مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و ابی کعب سعی در برگرداندن خلافت به علی علیه السلام داشتند((2)) و امیرالمؤمنین علیه السلام میگوید: این افراد دلسوزانه نزد من می آمدند و من را برای شمشیر زدن برای گرفتن حق خویش دعوت میکردند.((3)) و تنها واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام به این افراد توصیه به صبر و شکیبایی بود.

گرچه این افراد در اظهار نظرشان نگاه خیرخواهانه داشتند، آنان ارزیابی و تیزبینی خالص امیرالمؤمنین علیه السلام از وقایع آن روز را نداشتند. علی علیه السلام اسلام را آیینی ماندگار می دانست و آینده اسلام را روشنتر از دیگران ارزیابی می کرد. او با درک و بینش قوی ای که داشت می دانست، اسلام چگونه گرفتار آشفتگی و خودسری های افراد قدرت طلب شده است و کوچکترین کار ناسنجیدهای از ناحیه شخصی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام ضربه جبران ناپذیری را به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

آن حضرت حرکت های خود را به سمتی جهت می دادند که خطری متوجه پایه اسلام نشود. ایشان

1-) الامامه و السیاسه، ص 4.
2-) تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 124.
3-) خصال صدوق، ج 2، ص 133.

از حرکتهای نافرجام عجولانه دوری جسته، موقعیت خود را فراموش می کرد و تمام نیروی خود را برای حفظ آیین اسلام صرف کرد؛ زیرا او برای به دست آوردن حکومت انگیزه ای نداشت جز اینکه در سایه آن حقی را پاس بدارد یا باطلی را از بین ببرد.((1)) امام در انتخاب موضع اصولی خود چنین می گوید:

وقتی حقم را غصب شده دیدم پس همانند کسی که خار در چشمش فرورفته دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فرو بردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناکتر از فرورفتن تیزی شمشیر در قلب بود، شکیبایی کردم.((2))

امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه از شکیبایی خود چنین یاد می کند: هنگامی که ابوبکر حق من (خلافت) را غصب کرد در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خویش به پا خیزم یا در این محیط خفقان و تاریک که به وجود آورده اند صبر پیشه سازم.... پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می دیدم که میراث مرا به غارت می برند.((3))

رفتار بدون جنجال و تنش علی علیه السلام ادامه داشت و خیال خلفا از جانب ایشان راحت بود و مطمئن بودند که ایشان دست به قیام نمی زند. از برخی

1-) الارشاد المفید، ج 1، ص237
2-) نهج البلاغه، خطبه217
3-) نهج البلاغه، خطبه 3 معروف به شقشقیه.

منابع این چنین به دست می آید که جان امام علی علیه السلام نیز به سبب زندگی در انزوا محفوظ ماند، در حالی که کسانی مانند سعد بن عباده بودند که برای مخالفت با دستگاه حکومت جان خود را از دست داده بودند. ((1))

ابن ابی الحدید می گوید: از استادم ابوجعفر (یحیی بن ابی زید) پرسیدم من در شگفتم که چگونه علی علیه السلام در آن مدت طولانی پس از وفات رسول خدا9 زنده ماند؟ ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا آن اندازه کوچک نکرده، به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول شد و از آن روش نخست خود خارج شده، شمشیر را به فراموشی سپرد، همانند کسی که توبه کرده است؛ به سیر در زمین پرداخت یا راهب در کوه ها گشت و از آنجا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت و خود را در برابر آنان کوچک کرد او را رها کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. چنانچه به وسیله خالدبن ولید قصد کشتن او را داشتند.((2))

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج17، ص 62.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 288.

علل سکوت علی علیه السلام

اشاره

شجاعت و قهرمانی امیرالمؤمنین در دفاع از اسلام، در میان عرب بر کسی پوشیده نبود و همه به یاد داشتند که فرزند ابوطالب در رکاب پیامبر چگونه در پیشبرد اهداف اسلام و نابودی دشمنان نقشی مهم داشت؛ ولی او پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافتش شمشیر را بر زمین نهاد و سکوت اختیار کرد که ادله زیر می تواند بیان کننده علل سکوت آن حضرت در برابر غاصبان باشد:

1 - سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارشات موجود در منابع شیعه و سنی نشان می دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار بیان برتری های علی علیه السلام از بروز آشفتگی ها و کینه توزی ها در جامعه اسلامی بعد از خودش خبر داده بود و بهترین راه برای برخورد با این آشفتگی را شکیبایی دانسته بود. در برخی روایات است که پیامبر9 با صراحت درباره دشواری های آینده به علی علیه السلام خبر داده بود و از او درخواست شکیبایی کرده بود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین نقل شده است: همراه پیامبر9 در یکی از باغهای بیرون مدینه در گردش بودیم. ناگهان متوجه شدم که آن حضرت به من نظر افکنده و گریه می کند. علت را جویا شدم، حضرت فرمود: یا علی! گریه می کنم به سبب آن کینه هایی که نسبت به تو در سینه بعضی از مردان قومم وجود دارد و بعد از من آشکار می کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: سؤال کردم یا

رسول اللّه9 وظیفه من در آن هنگام چیست؟ پیامبر9 فرمود: صبر کن یا علی. گفتم اگر نتوانستم صبر کنم چه می شود؟ حضرت فرمود: به زحمت خواهی افتاد.((1))

پیامبر9 فرمود: یا علی! امت من پس از من به تو خیانت خواهد کرد. اگر یارانی یافتی برخیز و در غیر این صورت سکوت اختیار کن.((2)) هم چنین درباره جریان صبر امیرالمؤمنین نقل شده است: روزی آن حضرت درکوفه خطبه ایراد کرد و در حین خطبه سخن از مظلومیت وصبر خود به میان آورد؛ در همان هنگام اشعث بن قیس صدا زد یا امیرالمؤمنین علیه السلام از آن روز که به عراق آمده ای خطبه ای نخواندی، مگر اینکه سخن از سزاوار بودن و مظلومیت خود به میان آوردی. اگر چنین است که تو از همه سزاوار بودی، پس چرا در آن وقت که برادران از دو تیره ی تیم وعدی بیعت ستانی را آغاز کردند شمشیر در دست نگرفته، از حق خود دفاع نکردی؟ پس از این گفتار اشعث، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب او فرمود: بدان که ترسو بودن یا کراهت داشتن از مرگ، مرا از قیام باز نداشت، تنها چیزی که مرا واداشت تا دست از قیام بردارم، تعهد بود که برادرم رسول خدا9 از من گرفته بود؛ زیرا روزی آن حضرت تمام وقایع و رفتار امت را برایم خبر داد و من از ایشان سؤال کردم که در آن وضعیت چه کنم؟ فرمود: اگر یارانی یافتی قیام کن و در غیر آن صورت دست نگه داشته، جان خود را حفظ کن تا به من ملحق

1-) تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 323؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 4، ص107

2-) تاریخ البغداد، ج11، ص 216؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 140؛ احقاق الحق، ج7، ص325.

گردی. پس از رحلت پیامبر9 نیرنگ ها با من آغاز شد ومن به اطرافم نظر افکندم غیر از چهار نفر برای خود یاور نیافتم؛ لذا خانه نشینی را اختیار و صبر کردم.((1))

ابن ابی الحدید در این باره می گوید: پیامبر9 از علی علیه السلام تعهد گرفته بود که بعد از او در برابر دشواری ها صبر کند و او هم بنابر تعهدی که داده بود صبر کرد هم چنان که خودش فرمود: بعد از پیامبر9 به وضعیت مردم نگریستم که اگر آنان از من پیروی کنند به سبب سفارش پیامبر9 است که بر مردم اطاعت از من را واجب کرده بود و وظیفه مردم روشن بود که نخست از سفارش پیامبرشان که اطاعت از من بود پیروی کنند و بعد سخن از بیعت به میان آورند. این محقق اهل سنت در ادامه می گوید: بغدادیان هم نظرشان این است که علی علیه السلام پرفضیلت تر و سزاوارتر از دیگران به امامت بود؛ اما چون پیامبر9 به ایشان توصیه کرده بود که اگر کسانی که پایین تر از او هستند درباره خلافت با او نزاع کنند او دست از نزاع بردارد و صبر پیشه کند و اگر پیامبر9 این سفارش را به علی علیه السلام نمی کرد او به دلیل آن برتری ای که داشت مخالفان را از سر راه برمی داشت.((2))

در ادامه می گوید: شیخ ما ابوالقاسم بلخی و شاگردانش تصریح کرده اند که اگر علی علیه السلام در امر حکومت بعد از پیامبر9 منازعه می کرد و در این

1-) الاحتجاج ج 1، ص190؛ بحارالأنوار ج 29، ص 419؛ مصباح الهدایه، ص104.
2-) شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 211.

راه شمشیر می کشید، ما حکم می کردیم که مخالفان او مهدورالدم هستند؛ هم چنانکه وقتی او (در مقابل ناکثین، قاسطین و مارقین) شمشیر کشید و ما حکم به واجب القتل بودن آنان دادیم و بر ما است که بگوییم مخالفان او فاسق هستند؛ زیرا اخبار فراوانی به ما رسیده است که پیامبر9 فرمود:

«علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»

علی علیه السلام با حق است و حق با علی علیه السلام و حق گردش می کند به هر طرف که علی علیه السلام گردش کند.

نیز بارها به علی علیه السلام فرمود:

«حربک حربی و سلمک سلمی»

جنگ با تو جنگ با من است و سازش با تو سازش با من است.((1))

واقعیت این است که سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوامل صبر و شکیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؛ ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چگونه این محققان اهل سنت رسمیت یافتن خلافت علی علیه السلام را وابسته به شمشیر و قیام آن حضرت دانسته اند؟ و آنان چگونه درک نکرده اند که اسلام تنها دین شمشیر و خشونت نیست، بلکه با در نظرداشتن شرایط هم از صلح و سازش و هم از شمشیر و جنگ استفاده می کند؛ چنان چه اقدامات و موضعگیری های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر دشمنانش بهترین گواه است.

2 - مصلحت اسلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست

که بر اثر رحلت رسول

1-) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 212.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خودسری های بعضی اصحاب، مدینه که پایگاه مرکزی اسلام بود دچار بی نظمی فراوان می شود و خطراتی اسلام را تهدید می کند که با ارزیابی دقیق آن روزگار و سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وضعیت جامعه آن روز می شود آشفتگی های آن روزگار را این چنین ترسیم کرد:

1- مدعیان خلافت برای حفظ موقعیت خود حاضر بودند که برای برداشتن مخالفان از سر راه خود و خاموش کردن صدای حق طلبان، دست به هرگونه اقدام ناشایست بزنند که نتیجه اش آشوب و ایجاد درگیری در مرکزیت اسلام بود؛ چنان چه حضرت در جواب آن عده که قصد داشتند ابوبکر را از بالای منبر پایین بیاورند فرمود: اگر چنین کنید آنان با شما درگیر می شوند و شما در برابر آنان مانند سرمه در چشم و نمک در طعام هستید.((1))

2- افراد تحقیر شده ای مانند ابوسفیان که سالها به فکر ضربه زدن به اسلام بودند و برای این کار لحظه شماری می کردند؛ حال شدیدا به طمع افتاده بودند تا از فضای ناآرام مدینه استفاده کنند و هویت از دست رفته خود را باز یابند، که نخستین اقدام او تحریک طایفه بنی هاشم به مقابله با طایفه تیم و عدی بود. هنگامی که ابوبکر و عمر در سقیفه مشغول بیعت گیری و بنی هاشم در کنار بدن مطهر پیامبر9 بودند، ابوسفیان به در خانه پیامبر9 آمد و گفت: ای بنی هاشم! چه شده شما را که در

1-) خصال صدوق، ج 2، ص229

خانه نشسته اید و مردانی بی ارزش و گمنام از تیم و عدی در حال غصب کردن حق شما هستند؟ بعد رو به علی علیه السلام کرد و گفت: دست خود را بگشای تا با تو بیعت کنم؛ ولی امیرالمؤمنین علیه السلام با شناختی که از او داشت، قاطعانه او را رد کرد.((1)) نیز افراد شکست خورده در سقیفه مانند سعد بن عباده و اطرافیانش با تهدید به آشوب، سقیفه را ترک کرده بودند.((2))

3- با انتشار خبر درگذشت رسول خدا9 در بیرون از مدینه و در بین قبایل تازه مسلمان شده، گروهی از آنان به آیین نیاکان خود برگشته بودند و پرچم ارتداد را برافراشته بودند.((3))

4- مدعیان دروغگو در نجد و یمامه مانند مسیلمه کذاب و زنی به نام سجّاح از بنی تمیم ادعای پیامبری کرده بودند و با فریفتن عده ای در حال تدارک حمله به مدینه بودند.((4))

5- رومیان نیز خطر بزرگی به حساب می آمدند و احتمال می رفت که از رحلت پیامبر9 سوء استفاده کنند و به مسلمانان حمله کنند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با درک این نارسایی ها در جامعه اسلامی، نتوانست برای گرفتن حق خود دست به قیام بزند و همبستگی ظاهری مسلمانان را که به واسطه پیامبر9 به وجود آمده بود برهم زند.

1-) تاریخ الطبری، ج 2، ص237؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 126.
2-) الامامه و السیاسه، ص 8؛ السیره الحلبیه، ج 3، ص 481.
3-) تاریخ الطبری، ج 2، ص 245.
4-) البدایه و النهایه، ج 6، ص 311؛ تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص129؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 254.

ایشان به خوبی می دانستند که در آن موقعیت، باز نمودن جبهه مستقل در مقابل حکومت، پایه های حکومت مرکزی را به نفع دشمنان سست خواهد کرد و مسلمانان را متفرق می کند. به همین دلیل بود که موضع شکیبایی را اختیار کرد چنان چه در یکی از سخنان دردمندانه خود چنین گفته اند:

کسی درباره حقانیت ما بعد از پیامبر9 شک نداشت؛ ولی با این حال عده ای خلافت پیامبر9 را از ما گرفتند. به خدا سوگند اگر بیم آن نبود که تفرقه میان مسلمانان برقرار شود و مردم از دین برگردند و دین غریب بماند، ما هم به قدر توان خود می کوشیدیم و از هر لحاظ تغییراتی می دادیم.((1))

3 - حفظ جان خود و یاران

یکی دیگر از عوامل مهمی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از توسل به قدرت و قیام مسلحانه باز می داشت، حفظ جان آن عده اندک از یاران و خانواده خود بود؛ زیرا کوششهای آمیخته به خشونت برخی از صحابیان سالخورده و سرشناس برای به دست گرفتن جانشینی پیامبر9 نشانگر اراده جدی آنان برای برکناری خاندان پیامبر9 از حکومت بود و علی بن ابی طالب علیه السلام به خوبی می دانست که اگر او علیه دستگاه خلافت قیام کند برخی از یاران و عزیزان خود را از دست خواهد داد.

آن حضرت دراین باره در یکی از خطبه هایش

1-) الارشاد مفید، ج 1، ص 235.

می فرماید: پس از وفات پیامبر9 و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کردم و یاوری جز اهل بیت: خود ندیدم که اگر آنان به یاری من اقدام می کردند کشته می شدند؛ پس به مرگ آنان رضایت ندادم و ناچار شدم شکیبایی را پیش گیرم.((1)) علی علیه السلام می دانست که با کشته شدن خانواده آن حضرت و برخی از اصحاب پیامبر9 همانند سلمان، ابوذر، مقداد و... که هر کدام مبلغانی برای اسلام راستین بود، حق به صاحبش باز نمی گردد و فقط باعث تضعیف قدرت اسلام می گردد و سرانجام امام راه سکوت و شکیبایی را برگزیدند.

فریادهای خاموش

عنوان بالا نشانه ای است بر شکیبایی سازنده و اصولی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانگر این موضوع است که سکوت 25 ساله ایشان به معنای تایید حکومت سه خلیفه نبود، بلکه امام علی علیه السلام در این مدت از یک سو می کوشید، تا پیوستگی مسلمانان با اقدام او بر هم نخورد و از طرفی هم سعی داشت که شکیبایی او دلیلی بر تایید حکومت نباشد.

نخستین نتیجه تایید حکومت به وسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام . صحیح جلوه دادن کار تعیین جانشین پیامبر9 با مراجعه به افکار عمومی بود؛ لذا امام همزمان با شکیبایی، فریادهای خاموشی (به دور از تشنج و ایجاد حساسیت) داشت و در فرصتهای مناسب از مظلومیت خود سخن گفته،

1-) نهج البلاغه، خطبه 26.

نارضایتی خود را نسبت به خلفا اعلام می داشت که در مرحله نخست چند ماهی از بیعت خودداری کرد((1)) و گاهی نیز شبانه همراه همسر و دو فرزند خود به در خانه انصار می رفت و ایشان را برای کردار زیانبارشان نکوهش و به حمایت از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کرد.((2))

گاهی نیز می فرمود: پیشوایان از قریش، بنی هاشم هستند و این پیشوایی برای هیچکس دیگری جز آنان سزاوار نمی باشد و جز اینان دیگران صلاحیت رهبری ندارد.((3))

نیز بارها می فرمود: پروردگارا! من از تو می خواهم مرا در پیروزی بر قریش و کسانی که آنان را یاری کردند، مددنمایی؛ زیرا آنان حق خویشاوندی مرا با پیامبر9 نادیده گرفتند و مقام و منزلت بزرگ مرا تحقیر کردند و همگی هم پیمان شدند تا در حقی که به من تعلق دارد با من درگیر شوند.((4))

ناگفته پیداست که این فریادهای امیرالمؤمنین علیه السلام پایه های حکومت خلیفه را متزلزل ساخته، مردم را بیشتر به یاد سخنان پیامبر9 در منزلت آن حضرت می انداخت.

گاهی نیز موقعیت ایجاب می نمود که علی علیه السلام خاموش بماند و دختر رسول خدا9 سخن بگوید. محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر9

1-) الامامه و السیاسه، ص 13؛ انساب الاشراف، ج 1، 587؛ اعلام النساء، ج 3، ص 12.
2-) اعلام النساء، ج 4، ص 114.
3-) نهج البلاغه، خطبه 144.
4-) نهج البلاغه، خطبه217.

فاطمه سلام الله علیهارا در احد، در کنار قبر حضرت حمزه در در حال عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا3 پاسخ داد: شگفتا آیا روز غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام9 فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامان پاک و نیکند. اگر از آنان اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت کنید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت. حضرت زهرا3 پاسخ داد: رسول خدا9 فرموده است که مَثَل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند نه آنکه کعبه دور مردم. ((1)) مانند همین حدیث را اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که رسول اکرم علیه السلام به من فرمود: یا علی علیه السلام مثل تو در بین مردم مانند کعبه است که مردم به سوی تو آیند نه اینکه تو به سوی آنان روی.((2))

1-) فرهنگ سخنان فاطمه3، ص 23 به نقل از احقاق الحق، ج 21، ص 26؛ بحار الانوار، ج 26، ص 553.
2-) اسدالغابه، ج 4، ص 31.

ص: 682

منابع

1) قرآن کریم.

2) نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

3) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1409، دوره چهارجلدی.

4) ابن اثیر جزری، ابوالحسن عزالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه،1415.

5) _____ ، اسد الغابه، داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا.

6) ابن الاثیر، ابوالسعادت مبارک بن محمد بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم، 1364.

7) ابن جوزی، ابوالفرج، الموضوعات، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

8) ابن حجر، الصواعق المحرقه، مؤسسه الرساله بیروت، 1997 م.

ص: 683

1) _____ ، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.

2) ابن حیان، اندلسی، بحر المحیط، تفسیردارالکتب العلمیه، بیروت، 1422.

3) ابن خلدون ، عبدالرحمان ، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر ، بیروت ، 1408.

4) _____ ، مقدمه ابن خلدون،دارالفکر ، بیروت ، 1424.

5) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی،1969.

6) ابن طاووس، ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، التحصین، دارالکتب قم، 1413.

7) _____ ، الطرائف، خیام، قم 1400.

8) _____ ، الیقین ، موسسه الثقلین و دارالعلم، بیروت. 1410،

9) ابن طریق، العمده، موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، 1407.

10) ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، دارالصادر، بیروت، بی تا.

11) ابن عساکر، ابوالقاسم، علی بن حسن شافعی، تاریخ الدمشق، دارالفکر، بیروت، 1415.

12) ----------، ترجمه علی ابن ابیطالب من تاریخ دمشق، تحقیق محمودی، بیروت، 1398.

13) ابن عقده کوفی، کتاب الولایه، بی جا، بی تا.

1) ابن قتیبه، الدینوری، الامامه و السیاسه،

مطبعه، قاهره، بی تا.

2) ابن کثیر ، اسماعیل بن عمر ، السیرۀ النبویه ، دارا حیاء التراث العربی ، بیروت ، بی تا .

3) _____ ، تفسیر ابن کثیر، دارالاندلس، بیروت، بی تا.

4) _____ ، البدایه و النهایه، ،مکتبه المعارف،بیروت،.1412

5) ابن ماجه قزوینی، ابوعبداللّه محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.

6) ابن مغازلی، ابوالحسن علی بن محمد الاشعری شافعی، المناقب علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبۀ الاسلامیه، تهران، 1394.

7) ابن نجیم المصری الحنفی، البحر الرائق، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

8) ابوالعباس محب الدین احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دار الکتب، بیروت، 1407.

9) ابوجعفر، عماد الدین طبری، بشارت المصطفی،

مؤسسه نشر اسلامی قم، 1420.

1) ابوحامد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد ، دارالکتب العلمیه بی جا، بی تا.

2) ابوخلیل شوقی، الحضاره العربیهالاسلامیه ،دارالفکر، بیروت، 1423.

3) ابوزهره، محمد، الامام الزید، دارالفکر العربی، بی جا، 1959.

4) ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا، دارالکتب العربی، بیروت، 1405.

5) ابو یعلی بن فرا، الاحکام السلطانیه، مکتبۀ مصطفی البابی، مصر، 1386.

6) ابوالحجاج المزی، یوسف، تهذیب الکمال، موسسه رسالت، بیروت، 1405.

7) ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، مکتبه النهضه، مصر، 1369.

8) ابوالفتح، محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، عالم الکتاب، بیروت، 1419.

9) ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، دارالفکر، بیروت، 1407.

10) _____ ، کشف المشکل من حدیث صحیحین، تحقیق علی حسین ابواب، دارالوطن، ریاض، 1418.

11) ابوالقاسم لالکائی، هبه الله بن حسن بن منصور، شرح اصول اعتقادات اهل سنت و الجماعه، دارطیبه ریاض، 1402.

12) ابوبکر جمال الدین خوارزمی، مفید العلوم و مبید الهموم، مکتبه عنصریه، بیروت، 1418.

1) ابوبکر شیبانی، احمد بن عمرو بن ضحاک، الآحاد و المثانی، دار الرایه ریاض، 1411.

2) ابوخلیل، دکتر شوقی، الحضاره العربیه الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، 1996.

3) ابوریه، شیخ محمود، اضواء علی سنه المحمدیه، دارالکتب الاسلامی، بی جا، بی تا.

4) ابوطیب عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود، دارالکتب، العلمیه، بیروت، 1415.

5) ابوعبداللّه محمد بن عبداللّه النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1411.

6) ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستذکار، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

7) احمد بن طلحه شافعی، مطالب السئول فی مناقب آل رسول، مؤسسه بلاغ بیروت، 1419.

8) احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، مرکز الابحاث العقائدیه، بی جا، بی تا.

9) اربلی، شیخ علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی تبریزی، 1381.

10) ازهری، ابی منصورمحمدبن احمد، تهذیب اللغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

11) اسفراینی، طاهر بن محمد، التبصره فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن فرق الهالکین، عالم الکتب البیروت، 1983م.

اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنه فی فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،

1) مؤسسه فؤاد بعینو، بیروت، 1402.

2) امام محمد غزالی، مجموعه الرسائل، مقاله سر العالمین، دارالفکر، بیروت، بی تا.

3) امین، احمد، فجرالاسلام، مکتبۀ النهضۀ، قاهره، 1975.

4) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف، بیروت، 1403.

5) _____ ، عجائب احکام امیرالمومنین، مرکز الغدیر، 1419.

6) _____ ، فی رحاب ائمه اهل البیت، ترجمه علی حجتی کرمانی(سیره معصومان)، انتشارات سروش ،1373.

7) امینی، عبد الحسین، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، 1967.

8) الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، مؤسسه الرساله، بیروت، 1412.

9) اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1416.

10) انوری، دکتر حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، 1385.

1) ایجی، قاضی عضدالدین، عبدالرحمن، شرح مواقف، مطبعه السعاده، مصر، 1325.

2) آشتیانی، میرزا احمد، لوامع الحقایق، چاپ خانه بهمن، تهران، بی تا.

3) آل عبدالجبار، شیخ محمد، الشهب الثاقب، الهادی، قم، 1418.

4) آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

5) آمدی، ابی الحسن، علی بن محمد بن سالم سیف الدین، ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 2003.

6) _____ ، غایه المرام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.

7) آملی، حسن حسن زاده، رساله امامت، ترجمه ابراهیم احمدیان، انتشارات قیام، قم، 1386.

8) باقلانی، ابوبکر، تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، مؤسسهٔ الکتاب الثقافیه، بیروت، 1414.

9) البانی، محمد ناصر، ضعیف السنن الترمذی، مکتبه الاسلامی، ریاض، 1411.

10) بحرانی، شیخ علی، منار الهدی فی النص علی الامامه ائمهٔ اثنا عشر، دارالمنتظر، بیروت، 1045.

11) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ایروانی، جا معه مدرسین، قم، بی تا.

بحرانی, ابن میثم، النجاه فی القیامه فی

1) امر الامامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی, 1417 ق.

2) _____ ، قواعد المرام فی علم الکلام، مطبعه مهر، قم، 1398.

3) بحرانی، سید هاشم ، مدینه المعاجز، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.

4) _____ ، ینابیع المعاجز، انتشارات دارالتفسیر، قم، 1385.

5) _____ ، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، 1416 ق.

6) _____ ، حلیه الابرار، دارالکتب العلمیه، قم، 1397.

7) _____ ، غایه المرام و حجه الخصام، تحقیق سید علی عاشور، موسسه التاریخ العربی، بیروت، 1422.

8) _____ ، الانصاف فی النص علی الائمه (ع) ، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.

9) بخاری، محمد بن مسلم، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، 1401.

10) بدری، سامی، شبهات و ردود، قم، بی تا.

11) بربهاری، ابومحمد حسن بن علی بن خلف، شرح السنه ، دار ابن قیم، بی جا، 1408.

12) برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

13) البستی، أبوحاتم محمد بن حبان، المجروحین، دارالوعی، حلب، بی تا.

1) بغدادی، عبدالقاهر، اصول الایمان، دار المکتبه الهلال، بیروت، 2003 م.

2) بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی) ، دارالمعرفه، بیروت، 1423.

3) بلاذری، احمد بن عیسی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمید الدین، دارالفکر، بیروت، 1417.

4) بهبهانی، سید علی، مصباح الهدایه، مدرسه دارالعلم، اهواز، 1418.

5) بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، 1405.

6) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، مکتبه دارالباز، مکه المکرمه، 1994.

7) الترکی، عبدالله بن عبدالحسین، مجمل اعتقاد ائمه سلف، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف السعودی، 1417.

8) ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

ص: 691

1) تستری، الشهید نورالله، الصوارم المهرقه، مطبعه النهضت، 1367.

2) تستری، قاضی نورالله، الحسینی، احقاق الحق، باتعلیقه آیت الله نجفی، مکتبه آیت الله نجفی، قم، بی تا.

3) تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله ، شرح عقائد النسفیه،تحقیق محمد عدنان درویش ، بیروت.

4) _____ ، شرح مقاصد، شریف رضی، قم، 1409.

5) تمیمی،ابویعلی احمد بن علی ، مسند ابی یعلی، دارالمأمون للتراث، بی جا، بی تا.

6) تمیمی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، مؤسسه نشر اسلامی قم، بی تا.

7) تیجانی، محمد، لاکون مع الصادقین، مؤسسه انصاریان، قم، بی تا.

8) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1418 ق.

9) جاحظ، رسائل الجاحظ، مکتبه الهلال، بیروت، 2002.

10) جرجانی، اسرار البلاغه، مکتبهٔ الشامله.

11) جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی الضعفا، دارالفکر، بیروت، 14409.

12) جزائری، السید نعمه الله، نور البراهین، مؤسسه النشر الاسلامی، 1417.

13) جصاص، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

جعفریان، رسول، تاریخ الخلفا، انتشارات

1) دلیل ما، قم، 1382.

2) جمیل، صلیبا، المعجم الفلسفی، الشرکهٔ العالمیه للکتاب، بیروت، 1414.

3) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، 1382.

4) جوهری، علی بن جعد بن عبید، مسند ابی جعد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.

6) جوهری، ابی بکر احمد بن عبدالعزیز، سقیفه و فدک، تحقیق دکتر هادی الامینی، شرکت الکتبی بیروت، 1413.

7) جوینی خراسانی، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، للطباعه و النشر، 1400.

8) حاج سید جوادی، احمد صدر، دائره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1384.

9) حاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت،1393.

10) حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

1) حجازی، سید ابراهیم، آیات العقائد، آستان قدس رضوی، 1382.

2) حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه، مکتبهٔ المفید، قم، بی تا.

3) _____ ، وسائل الشیعه ، موسسه آل البیت، داراحیاء التراث ، بیروت، 1414.

4) حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

5) حرانی، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، بی تا.

6) حسن بن عمر بن حبیب، المقتفی من سیره المصطفی صلی الله علیه وسلم، دارالحدیث، مصر، 1416.

7) حسینی تهرانی، سید هاشم، توضیح المراد، انتشارات مفید، تهران، 1365.

8) حسینی، شرف الدین، تاویل الآیات، مدرسه الامام مهدی، قم، 1407.

9) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقه المقارن، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.

10) حکیمی، محمد رضا، الهیات الهی و الهیات بشری، دلیل ما، قم، 1386.

11) حلبی الشافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، المکتبه الاسلامیه، بیروت، بی تا.

12) حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مناهج الیقین فی اصول الدین، مطبعه یاران، قم، 1416.

1) _____ ، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرت، قم، بی تا.

2) حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، 1412ق.

3) حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیه فی شرح عقائد الامامیه، موسسه الاعلمی، بیروت،1421.

4) حمیری، ابو محمد عبدالملک ابن هشام بن ایوب، السیره النبویه، دارالجیل، بیروت،1411.

5) حنفی ماتریدی، ابو الثناء، التمهید لقواعد التوحید، تحقیق عبد الحمید ترکی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، 1995 م.

6) خالدی، احمد بن محمود، الانجاح المعتمد، بی جا، بی تا، نرم افزار مکتبه الشامله .

7) خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الالهیه، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، 1421.

8) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن، انتشارات ناهید، تهران، 1381.

9) خزاعی، علی بن محمد، تخریج الدلاله السمعیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1419.

1) خسروپناه، عبدالحسین، انتظارات بشر از دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم،1382.

2) خثعمی، سلیمان بن سمحان ، کشف الاوهام وا لالتباس، دارالعاصمه، ریاض، 1415.

3) خصیبی، ابی عبد الله الحسین بن حمدان، الهدایه الکبری، موسسه البلاغ، بیروت، بی تا.

4) خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، الکفایه فی علم الروایه، دارالمکتب العلمیه ، بیروت ، 1439.

5) _____ ، تاریخ البغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، انوار الهداء، قم، ق 1418.

7) _____ ، مناقب علی بن ابی طالب، موسسه نشر اسلامی، قم ، 1411.

8) خوئی ، سید ابوالقاسم، معجم الرجال لجنۀ التحقیق، بی جا، 1413.

9) _____ ، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، بی تا.

10) دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، دارالکتب العربی، بیروت، 1407.

11) دسوقی، محمد عرفه، حاشیه الدسوقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

12) دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، 1379.

1) دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، انتشارات مشهور،1381.

2) دکتر رفیق العجم، موسوعه مصطلحات علم التاریخ العربی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 2000.

3) دکتر سمیع دغیم، مجموعه مصطلحات علم کلام الاسلامیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998.

4) _____ ، موسوعه مصطلحات علم الکلام، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، 1998م.

5) دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر قرآن العظیم(معروف به تفسیر ابن کثیر)، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) دیلمی ،حسن بن حسن، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، 1412.

7) ذهبی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

8) _____ ، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، 1413.

ص: 697

1) ----------، تذکرهالحفاظ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1374.

2) رازی، ابی الحسن بن فارس، معجم مقاییس اللغه، دار الکتب العربیه، بیروت، 1420.

3) رازی، شیخ الاسلام، الجر ح و التعدیل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1371.

4) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادبا، سرکت دارارقم، بیروت، 1420.

5) _____ ، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

6) راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، تحقیق مدرسۀ الامام مهدی (عج)، قم، 1409.

7) _____ ، قصص النبیا، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مؤسسه الهادی، قم، 1418.

8) ربانی گلپایگانی، علی، در آمدی بر کلام جدید، نشر هاجر، قم، 1386.

9) زبیدی حنفی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصر،چاپ اول، 1306.

10) زحیلی شافعی، وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر، دارالفکر، بیروت، 1418.

1) زمخشری، الکشاف، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

2) زهری، ابوعبداللّه محمد بن سعد بصری، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت، بی تا.

3) زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید احمد حسین، مجتمع امام هادی، مشهد، 1418.

4) سبحانی، جعفر، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، موسسه امام صادق (ع) ، بی تا.

5) سبط، ابن الجوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، بی جا، 1427.

6) سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، 1362.

7) سخاوی، محمد ابن عبدالرحمان، فتح المغیث، دارالکتب علمیه، بیروت، 114.

8) سرخسی، شمس الدین، المبسوط، دار المعرفه، بیروت، بی تا.

9) سقاف، حسن بن علی صحیح، شرح عقائد الطحاویه، دارالامام النووی، اردن، 1416.

10) سلطان علی شاه، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1408.

11) سند، شیخ محمد، الامامه الالهیه، الغدیر، قم ،1438.

1) سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1405.

2) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث ، دارالفکر ، بیروت ، 1414.

3) _____ ، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، بی جا، 1363.

4) _____ ، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق صلاح محمد عویضهٔ، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.

5) _____ ، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، 1401.

6) _____ ، اللآلی مصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

7) _____ ، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، بی جا،1370.

8) _____ ، الدّر المنثور، دارالفکر، بیروت، 1993.

ص: 700

1) _____ ، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحدیث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، تحقیق عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1421.

2) شبلنجی، محمد مؤمن، نورالابصار، المطبعهٔ یوسفیه، مصر، بی تا.

3) شرتونی لبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، قم، 1401. (دوره سه جلدی)

4) شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، مرکز الطباعه و النشر المجمع العالمی اهل البیت، بی جا، 1422.

5) شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم حنبلی، لوامع انوار البهیه، مؤسسه خائفین، دمشق، 1402.

6) شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، دارالکتب العربی، بیروت،1420.

7) _____ ، الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه، المکتبه الاسلامیه بیروت، 1407.

8) _____ ، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، بی تا.

9) شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، 1423.

1) شهرستانی، الملل و النحل، شریف رضی، قم، بی تا.

2) شیبانی، احمد بن حنبل، اصول السنه، دار المنار السعودیه، 1411.

3) _____ ، فضایل الصحابه، مؤسسه الرساله، بیروت، 1403.

4) _____ ، مسند احمد، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1415.

5) _____ ، العقیده، دار قتیبه، دمشق، 1408.

6) شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362.

7) _____ ، معانی الاخبار، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، قم، 1361.

8) _____ ، من لا یحضره الفقیه، تحقیق غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

9) _____ ، خصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، بی جا، 1377.

10) _____ ، الاعتقادات، الموتمر العالمی للشیخ المفید، بی جا، بی تا.

11) _____ ، التوحید، موسسه النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.

12) _____ ، علل الشرایع، مکتبه طباطبائی، قم، بی تا.

13) _____ ، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسن اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1404.

1) _____ ، کمال الدین، تحقیق و تعلیقه غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1405.

2) شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الاعلام الاسلامی، 1409.

3) _____ ، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البیت، قم، 1404.

4) _____ ، تمهید الاصول فی علم الکلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1362.

5) _____ ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب العلمیه، تهران،1390.

6) _____ ، الامالی، دارالثقافه، قم، 1414.

7) _____ ، کتاب الغیبهٔ، تحقیق سید محمد صادق موسوی، مطبعهٔ نعمان، نجف،1366.

8) _____ ، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دارالاضواء، بیروت، 1406.

9) شیخ عبدالله حسن، المناظرات فی الامامه، انوار الهدی، قم، 1415.

10) شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری، اقسام المولی فی اللسان، دار المفید، بیروت، لبنان، 1414 .

11) _____ ، الاختصاص، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

12) _____ ، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامیه،1380.

13) _____ ، الافصاح، مؤسسه بعثت، تهران، 1412.

1) _____ ، الامالی، کنگره جهانی شیخ مفید، بی جا، 1413.

2) _____ ، المسائل العکبریه، دارالمفید لطباعه و النشر، بی جا، 1414.

3) _____ ، النکه لاعتقادیه، دارالمفید، بیروت، بی تا.

4) _____ ، اوایل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، 1414.

5) _____ ، رسائل فی الغیبه، بیروت، دارالمفید، 1414.

6) شیخ انصاری، فرائد الأصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم ،1419.

7) صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، انتشارات سمت، تهران، 1383.

8) صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام الثقافی و السیاسی، مرکز الغدیر لدراسات الاسلامیه، بی جا، 1417.

9) صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسهٔ السیدهٔ المعصومه، قم، 1421.

ص: 704

1) صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و رشاد فی سیرۀ خیر العباد، دارالکتب علمیه، بیروت، 1414.

2) صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا) ، انتشارات بیدار، قم، 1366 .

3) صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1404 هجری.

4) ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنۀ، المکتبۀ الاسلامی، بیروت،1413.

5) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

6) _____ ، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

7) طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین، بی جا، بی تا.

8) _____ ، المعجم الکبیر، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

9) طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب، اعلام الوری، الاسلامیه، بی جا، بی تا.

10) _____ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

11) طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف،1996.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر شیعی، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین، مؤسسه

1) التقافه الاسلامیه، بی تا.

2) _____ ، دلائل الامامه، بعثت، قم، 1413 ق.

3) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالکتب علمیه، بیروت، 1408.

4) _____ ، تفسیر طبری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، 1421.

5) _____ ، تهذیب الآثار، مکتبهٔ الشامله.

6) طبری، ابوجعفر احمد بن عبداللّه ابن محمد، الریاض النضره فی مناقب العشره، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1996.

7) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، 1367.

8) _____ ، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد کاظیم طریحی زاهدی، قم، بی تا.

9) طوسی، خواجه نصیر، رسالهٔ الامامهٔ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، 1335.

10) _____ ، قواعد العقائد، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1416 .

ص: 706

1) طیالسی، ابی داوود، مسند ابی داوود، دارالحدیث، بیروت، بی تا.

2) عاملی، الانتصار، دارالسیره، بیروت، 1422.

3) عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، دارالحدیث، قم، 1428.

4) العبادی، احمد مختار، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، دار النهضت العربیه، بیروت، بی تا.

5) عبدالحمید بن بادیس، العقائد الاسلامیه، دارالفتح الشارقه، 1995م.

6) عبدالرزاق، ابوبکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی، المصنف، المکتبه الاسلامی، بیروت، 1403.

7) عجلی، احمد بن عبدلله، معرفه الثقات، مکتبه الدار بالمدینه المنوره، 1405.

8) عراقی، ضیأ الدین، نهایه الا فکار،

دفترانتشارات اسلا می، قم، 1417.

9) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1415 ق.

10) عسقلانی شافعی، احمد بن علی بن حجر، التهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، 1404.

11) _____ ، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، 1390.

1) _____ ، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1412.

2) عسکری ، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت،1410.

3) _____ ، نقش ائمه در احیاء دین، بنیاد بعثت، تهران، 1368.

4) عسکری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1412.

5) عظیمی فر، علیرضا، قرآن و امامت اهل بیت، انتشارات مهر امیرالمؤمنین، 1388.

6) عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، ضعفاء الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1418.

7) علاء الدین، محمد بن حبان، صحیح بن حبان، مؤسسه رسالت، بیروت، 1414.

8) علامه بیاضی، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه، 1384 ش.

9) علامه حلی، الفین، هجرت، قم، 1409.

10) _____ ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ جامعه مدرسین، قم، بی تا.

11) _____ ، کشف الیقین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، انتشارات شکوری، قم، 1373.

12) _____ ، مناهج الیقین فی اصول الدین، دار الاسوه، تهران، 1415ق.

1) _____ ، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، دار الأضواء ، بیروت، 1417.

2) علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403.

3) _____ ، حق الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

4) علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الامامه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، 1410.

5) _____ ، رسائل التحقیق، سید احمد حسینی، دارالقرآن، قم، 1410.

6) _____ ، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، 1411.

7) عمید زنجانی، عباسعلی، تاملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1377.

8) عینی، ابومحمد محمود بن احمد، عمده القاری، دارالاحیا تراث العربی، بی تا.

9) عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، 1380 ق.

ص: 709

1) غروی نائینی، نهله، محدثات شیعه، دانشگاه تهران، 1375.

2) فتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.

3) فتح الدین حنفی، علی محمد، فلک النجاه فی الامامه و الصلاه، مؤسسه دارالاسلام، بی جا، 1418.

4) فخر رازی، تفسیر کبیر، دارالفکر، بیروت، 1995.

5) فرأ، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا.

6) فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، بی جا، بی تا .

7) فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول ، شماره2.

8) فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، گوهر المراد، نشر سایه، تهران، 1383.

9) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرت، قم، 1405.

10) فیض کاشانی، ملا محسن، مجموعه رسائل، تحقیق بهزاد جعفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1386.

11) _____ ، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران،1415 ق.

1) _____ ، علم الیقین فی الصول الدین، انتشارات بیدار، قم، 1418.

2) قادری، فضل الرسول، المعتقد المنتقد، مکتبۀ الحامدیه، استانبول، 1395.

3) قاضی عبدالجبار، المغنی، الدار المصریه، قاهره، 1965 .

4) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1371 ش.

5) قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، بیروت، 1418.

6) قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

7) قسطلانی، ابوالعباس احمد بن محمد، الارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، مصر، افست بغداد، مکتبۀ المثنی، 1302.

8) قضاعی، محمد بن سلامه، مسند شهاب، مؤسسه رسالت، بیروت، 1405.

9) قلقشندی، احمد بن عبدلله، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، عالم الکتب، بیروت، 1427.

1) قلقشندی، احمد بن علی ، صبح الاعشی فی صناعۀ الانشاء، المؤسسۀ المصریۀ العامه، قاهره ، 1383.

2) قمی، خزاز، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، 1401.

3) قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، مطبعه الحیدریه، نجف اشرف، 1381.

4) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتب لطباعه و النشر، بی جا، 1404.

5) قمی، محمد بن احمد بن الحسن الشاذان، مأه منقبه، مدرسه امام مهدی ، قم، 1407.

6) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق ، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1368 ش.

7) قندوزی حنفی، سلیمان، ینابع المودت، تحقیق سید علی جمال ، چاپ دارالاسوه، قم ، 1416.

8) _____ ، ینابع المودت، چاپ استانبول، 1302، دو جز در یک مجلد.

9) کاشف الغطا، محمد حسین، اصل الشیعه و اصولها، مؤسسه امام علی، قم، 1415.

10) کاظمینی، شیخ محمد علی، فوائد الاصول، جامعه مدرسین، قم، 1409.

1) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، 1379.

2) _____ ، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 ش.

3) کوفی، ابوبکر بن عبداللّه بن ابی شیبه، مصنف ابی شیبه، مکتبه الرشد، الریاض، 1409.

4) کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، مجمع الحیاء الثقافهٔ دینیه، بی جا، 1412.

5) کاظمی القزوینی، السید محمد، ردٌ علی ردّ السّقیفه، مکتبه ومرکز الأمین، قم،2002 م.

6) کراجکی، ابو الفتح، التعجب، دارالغدیر، قم، 1421 ق.

7) گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البیت، بی جا، 1404.

8) ماحوزی البحرانی، الشیخ سلیمان، الأربعون حدیثا، مطبعه أمیر، بی جا، 1417.

9) مادلونک، ویلفرد، جانشین حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی و همکاران، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377.

1) مالک ابن انس، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، داراحیا التراث العربی، 1406.

2) مالکی، حسن بن فرحان، نحو انقاذ تاریخ الاسلامی، مؤسسه الیمامه الصحیفه، 1418.

3) مالکی، ابن صباغ ،الفصول المهمه، انتشارات اعلمی، 1375.

4) ماوردی، ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب، احکام السلطانیه، دارالفکر، بیروت، 1422.

5) مبارک فوری، محمد، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

6) متقی هندی، علا الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا.

7) مجموعه من علما، بحوث الندوه آثره القرآن، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف مملکه السعودیه، 1425.

8) محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت، 1416.

9) محسنی، محمد آصف، صراط الحق، انتشارات ذوی القربی، قم، 1428.

10) محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفربن حسن بن سعید، المسلک فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، 1414.

11) مروزی، ابوعبدالله محمد بن نصر بن حجاج، السنه، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، 1408.

12) مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر بیروت، 1414.

مستشار، محمدسعیدالعثماوی، الخلافه

ص: 714

1) الاسلامیه، مؤسسه الانتشارات العربی، بیروت، 2004م

2) مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

3) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، داراحیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

4) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش.

5) مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ نهم، 1368.

6) مظفر، محمد حسین، دلائل الصدق، موسسه آل البیت(ع)، قم، 1422.

7) مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، با مقدمه دکتر داوود حنفی، بی جا، بی تا.

8) معافری مالکی، محمد بن عبدالله بن محمد، العواصم من القواصم فی تحقیق موقف الصحابه، دارالجیل، بیروت، 1407.

9) معتزلی، قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسه، مطبعه لاستقلال الکبری، قاهره، 1384.

10) مغنیه، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، دارالشروق، بیروت، 1399.

11) _____ ، الجوامع و الفوارق بین السنه و الشیعه، موسسه عز الدین، بیروت،1414 ق.

مقدس، ابومحمد عبداللّه بن احمد بن قدامه،

ص: 715

1) کافی فی الفقه، المکتبه الاسلامی، بیروت،1988.

2) مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبۀ الشامله.

3) مک آیور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم

علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354.

4) ملا علی قاری، شرح مسند ابی حنیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.

5) ملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبیه و الرد، مکتبه لازهر، مصر، بی تا.

6) ملطی، معروف بابن العبری ،تاریخ مختصر الدول، دارالمشرق، بیروت، 1386.

7) مناوی، محمد عبدالرئوف، فیض القدیر شرح جامع الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415.

8) منقری، نصر بن مزاحم، وقعه الصفین، مکتبه آیه الله مرعشی، قم، 1404.

9) موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، جامع الاخبار والآثار عن النبی والأئمه الاطهار، مؤسسه الامام مهدی، قم، 1411 .

10) میلانی، سید علی، جواهر الکلام، مرکز حقایق اسلامی، قم، 1389.

11) _____ ، نفحات الازهار، مطبعۀ یاران، قم، 1378.

12) _____ ، با پیشوایان هدایتگر، مرکز حقایق اسلامی، قم، بی تا .

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه های اسلامی

ص: 716

1) و مسئله امامت، ترجه علی رضا ایمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، 1386.

2) نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، خصایص الکبری، دارالکتب علمیه، بی تا.

3) _____ ، خصائص امیرالمؤمنین ، تحقیق محمد هادی امینی، مکتبۀ نینوا، تهران، بی تا.

4) _____ ، سنن نسائی، مکتبه لمطبوعات الاسلامیه، حلب، 1406.

5) نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبه نعمانی، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

6) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دارالاضوء، بیروت، 1413.

7) نوری طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، بی تا.

8) نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف، الاذکار، مکتبۀ الشامله.

9) _____ ، شرح النووی علی صحیح المسلم، داراحیاء التراث العربی،بیروت،1392.

10) _____ ، المجموع، درالفکر، بی جا ، بی تا.

11) واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، مصر، 1387.

12) وجدی، محمد فرید ، دائره المعارف القرن العشرین، دارالمعرفه بیروت، 1971.

وداد القاضی، الکیسانیه فی تاریخ و الادب،

ص: 717

1) دارالثقافه، بیروت، 1947.

2) ولید بن راشد، القول الرشید فی سرد فوائد التوحید، مکتبهٔ الشامله.

3) هاشم معروف، حسنی، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه سید صادق عارف، آستان قدس رضوی، 1379.

4) هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العربی، بیروت، 1969.

یعقوبی، احمد بن محمد ابن ابی واضح، تاریخ الیعقوبی، دارالصادر، بیروت، 1379.